بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره ۱۰۱ ، پنجشنبه ، ۳ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

پنجشنبه ۱۰ شب؛

«الله اکبر»

شورای هماهنگی راه سبز امید با اشاره به در پیش بودن روز قدس و قیام مردم منطقه علیه مستبدانی که به دروغ پرچم مبارزه با اشغالگران اسرائیلی را به دوش می کشند، از مردم آگاه در سراسر ایران دعوت کرد در ساعت ۱۰ شامگاه پنجشنبه سوم شهریورماه، با سر دادن ندای تکبیر و برائت از خودکامگی، به ابراز همبستگی با مردم مظلوم فلسطین و سوریه بپردازند، انزجار خود از سلطه‌ی هرگونه ستم و کردار غیر دموکراتیک را ابراز دارند و سیاست منافقانه‌ی حاکمیت در قبال آنچه در منطقه می گذرد را برملا کنند.

این شورا در بیانیه‌ی اخیر خود همچنین با اشاره به اینکه جمعه‌ی آخر ماه رمضان به پیشنهاد آیت‌الله منتظری به عنوان «روز قدس» نامگذاری شده و ضمن تاکید بر اینکه شعار اولویت توجه به حقوق مردم ایران بر مردم فلسطین و لبنان، اعتراض به چهره‌ی نفاق و دو رویی در سیاست های اعمال شده توسط حاکمیت بود و نه دست شستن از همدلی و همدردی با ستمدیدگان در هر کجای جهان؛ «سکوت ننگین دولتمردان در قبال ستمی که توسط حکومت سوریه بر مردم مظلوم سوریه و این روزها بر پناهجویان فلسطینی در آن کشور می رود» را نشانی دیگر از انحراف از سیاست های مبتنی بر اصول اخلاق، توسط حاکمیت دانست.

در این بیانیه همچنین با اشاره به قیام‌های اخیر مردم منطقه علیه نظام‌های خودکامه مدعی حمایت از حقوق مردم فلسطین، تصریح کرد: «آنچه در تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن، سوریه و دیگر کشورهای منطقه می گذرد، نشان از این آگاهی دارد که از استبداد، آزادی و از بیدادگری، دادگری به بار نمی نشیند. چنین است که این روزها شاهدیم که از یک سو حملات نظامیان غاصب قدس، مردم بی پناه سرزمین های اشغالی را نشانه می گیرد و از سوی دیگر، حملات نظامیان رژیم بعث سوریه به مردم خویش و نیز دهها هزار پناهنده‌ی فلسطینی در غرب این کشور، فاجعه های انسانی دردناک می آفرینند.»

خانواده امام موسی صدر:

لحظه دیدار نزدیک است

خانواده امام موسی صدر با صدور بیانیه‌ای، سقوط نظام تروریستی قذافی و پیروزی و آزادی مردم مظلوم لیبی در شب قدر را از لطایف خداوند دانستند و از همه‌ی دوستداران امام موسی صدر در همه‌جای جهان خواستند که در این شب‌های قدر دست به دعا بالا ببرند و از خداوند بخواهند تا آزادی امام و دو یارش را در این شب‌های قدر مقدّر کند.

خانواده امام موسی صدر همچنین از مجامع بین‌المللی، سازمان‌ها و گروه‌های فعال حقوق بشر دولتی و غیردولتی، دولت‌های عربی و اسلامی و همه‌ی دوستداران امام موسی صدر در این زمینه طلب همکاری کردند.

آنها همچنین تاکید کردند که اکنون وقت آن است که دولت‌های عربی و اسلامی، خصوصاً آنان که با امام رابطه دوستی و احترام داشتند، عزم خود را جزم کنند و خانواده امام و دوستدارانش را در تلاش برای حفظ سلامتی و آزادی امام و دو همراهش، یاری کنند، زیرا تحولات لیبی به سرعت پیش می‌رود و زمان از دست خواهد رفت... عقل و قلب و وجدان جمعی ملت‌ها هیچ سکوت و موضع بی‌طرفانه‌ای را نمی‌پذیرد.

آنها در این بیانیه به دوستداران امام گفتند: دوستداران امام موسی صدر در هر جا! لحظه دیدار نزدیک است، ان شاء الله، ثمره دعاها و اشک‌های شما با اراده خداوند، دیدار با امام خواهد بود.

آنها همچنین در پایان بیانیه‌ی خود نوشتند: دوستداران امام موسی صدر! سی و سه سال در کنار هم رنج بردیم و اندوه کشیدیم و اکنون وقت آن است که امیدوار باشیم و از خداوند بخواهیم در ساعات پیش رو، آرزوی سال‌های سخت ما را محقق سازد و در کنار امام موسی صدر سخت تلاش کنیم و عمری را با امام در بستان‌های سبز بگذرانیم. باشد که با امام و دو یارش در صحنه حاضر باشیم. خدایا! تحملمان پایان یافته و اشک دیدگان منتظر دیدار امامان خشکیده... بیایید هر کجا که هستیم، دست دعا بالا بریم تا خداوند آزادی امام و دو یارش را در این شب‌های قدر مقدّر کند. ای آزادگان جهان، مرد آزادی در آستانه آزادی است.

اخبار کوتاه

* جبهه مشارکت در بیانیه‌ای، با تبریک پیروزی انقلاب مردم لیبی اعلام کرد که با سقوط قذافی سرنگونی دیکتاتورها در منطقه شتاب می‌گیرد.

* وحید لعلی پور، همسر مهدیه گلرو زندانی سیاسی، برای گذراندن دوران حبسش به زندان اوین منتقل شد.

* فعالان جنبش سبز در واکنش به انکار کشته شدگان پس از انتخابات اقدام به پخش تصاویری از پنجاه تن از کشته شدگان در سطح شهر تهران کرده‌اند.

* یک مرد جوان شب دوشنبه در شمال غربی میدان انقلاب تهران دست به خودسوزی زد. از دلیل این کار و سلامتی این فرد اطلاعی در دست نیست.

* بدنبال بازداشت چند ساعته اعضای خانواده نسرین ستوده، وی در دومین هفته متوالی از ملاقات با خانواده‌اش خودداری کرد.

* براساس دستور العمل وزارت آموزش و پرورش، اختلاط نوآموزان دختر و پسر در کلاس‌های پیش دبستانی ممنوع شد.

* مدیر کل محیط زیست استان آذربایجان غربی می‌گوید برخی از روستاییان اطراف دریاچه ارومیه به شهرهای دیگری مهاجرت کرده‌اند.

* گروهی از جوانان در واکنش به انکار شهادت شهیدان جنبش سبز از سوی رییس قوّه قضاییه، عکس و اطلاعات کامل ۵۰ تن از شهدای جنبش سبز را همراه با بسته‌های افطاری میان شهروندان توزیع کرده و به اطّلاع‌رسانی درباره‌ی آنان پرداختند

* موسی الرّضا ثروتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه‌ی مجلس، اعلام کرد به مرکز آمار ایران دستور داده‌شده نرخ تورّم را به صورت عمومی اعلام نکند. گفته می‌شود این دستور را احمدی‌نژاد صادر کرده‌است.

آیت‌الله صانعی:

دیکتاتورها بدانند؛ هم دیکتاتوری خواهد رفت و هم دیکتاتورها

آیت‌الله‌العظمی یوسف صانعی در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان، برای خلاصی زندانیان بی‌گناه و اسرای مظلوم دعا کرد و از خدای متعال خواست به کسانی که به انسان‌ها رحم نمی‌کنند، مهربانی و عطوفت عنایت کند. ایشان همچنین با تاکید بر آگاهی ملت‌ها، آیه‌ی مبارکه‌ی «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ» را به ظالمان یادآور شد و گفت: دیکتاتورها بدانند هم دیکتاتوری خواهد رفت و هم دیکتاتورها

این مرجع تقلید ، با اشاره به گرفتاری‌ها و مشکلات زیاد جامعه، از جمله بی‌کاری، فشارهای اقتصادی، اعتیادهای خطرناک، فساد، ناهنجاری‌های اجتماعی، گرفتار شدن خوبان، اسیر شدن نخبگان مملکت و فرزندان انقلاب؛ تصریح کرد: امیر المؤمنین حق مرغابی‌ها را فراموش نمی‌کند، ما حقوق انسان‌ها را به ضدش عمل می‌کنیم؛ نه‌تنها حقوقشان را مراعات نمی‌کنیم، بلکه ظلمی مضاعف و ظلمی دوچندان درباره آن‌ها روا می‌داریم.

ایشان درباره سیره حضرت علی(ع) گفت: علی به مسجد می رود، ولی لحظاتی بعد، ایشان را به خانه باز می‌گردانند. پزشک معالج زخم سر را معاینه می‌کند و تشخیص می‌دهد که شمشیر مسموم بوده و کار از کار گذشته است. ظاهرا گفته‌اند امیر المؤمنین نیاز به شیر دارد. ابی‌طالب سفارش می‌کند شیر را برای عبدالرحمن هم ببرید؛به‌جز از علی که گوید به پسر که قاتل من/چو اسیر تو است اکنون به اسیر کن مدارا.

آیت الله صانعی این سوال را مطرح کرد که چرا این حقوق بشر امیر المؤمنین را با علم و عمل پیاده نمی‌کنیم؟ چرا امروز که توان تبلیغاتی وسیع داریم، تبلیغات ما نمی‌تواند این روح بزرگ علی و تشیع را به دنیا بفهماند؟ اما متأسفانه شاهدیم که به جایش چهره اسلام را چنان کریه می‌کنیم که من فکر می‌کنم اگر خدای ناخواسته اوضاع این چنین باشد، دیری نگذرد که جمعیت زیادی از اسلام برگردند مردم هم گرفتارند؛ چرا گرفتاری مردم را حل نمی‌کنیم؟ چرا مثل امیر المؤمنین حرکت نمی‌کنیم؟ امیر المؤمنین حقوق همه را مراعات می‌کرد و خود را بالاتر نمی‌دانست.

* نماینده مرند و جلفا با اسفبار خواندن وضعیت اشتغال در این دو شهرستان، گفت: ۴۵ درصد افراد در شهرستان‌های مرند و جلفا بیکار هستند. وی همچنین به بیکاری ۸۵ درصدی مرزنشینان این منطقه اشاره کرد.

خانواده های شهدای سبز:

آقای قاضی‌القضات! پاسخ بدهید، بچه‌های ما را چه کسی کشت؟

خانواده های جان باختگان بعد از انتخابات از رئیس قوه قضائیه خواستند با حضور بر سرمزار فرزندان آنها، توضیح دهد که این جانباختگان چرا و چگونه جان باخته اند و چرا زیر خاک خفته اند.

صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران هفته پیش در نشستی به وقایع اخیر انگلیس اشاره کرده و گفت: در جریان فتنه ۸۸ شخصی کشته شد که تا به آخر هم معلوم نشد به دست چه کسانی کشته شده و حتی احتمال اینکه در جریان آن مسئله دخالت مستقیم آشوبگران و در نهایت دخالت خود غربی‌ها در کار بوده، وجود دارد. اما دیدید غربی‌ها علیه جمهوری اسلامی چه جنجالی راه انداختند که بگویند جمهوری اسلامی ایران با شهروندان خودش این‌طور برخورد می کند، در مقابل در آشوب‌های انگلیس در طول دو سه روز شش نفر کشته شدند اما ندای سازمان‌های حقوق بشری بلند نشد.

و اکنون خانواده های اشکان سهرابی، فاطمه سمسارپور، شبنم سهرابی، محمد مختاری، میثم عبادی، مصطفی کریم بیگی و بهمن جنابی که طی دوساله گذشته و در پی اعتراضات مردمی به انتخابات مخدوش ۲۲ خرداد ۸۸ جان باختند در مصاحبه ای اعلام کردند که رئیس قوه قضائیه دروغ می گوید اما واقعیت را نمی توان همیشه کتمان کرد به خصوص که مردم شاهد کشته شدن فرزندان انها بوده اند.

با گذشت ۲۶ ماه از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که اعتراضات مردمی و کشته شدن بیش از صد نفر را معترضان و مردم عادی را به دنبال داشت هنوز آماری رسمی و دقیق از میزان قربانیان در دست نیست. حکومت نیز تاکنون از پذیرش مسولیت کشتارهای بعد از انتخابات سرباز زده است. اکنون با گذشت بیش از دو سال رئیس قوه قضائیه در حالی جان باختگان بعد از انتخابات را در یک نفر خلاصه میکند که خانواده های بسیاری از جان باختگان با طرح شکایتی رسمی در قوه قضائیه خواهان معرفی و محاکمه قاتل فرزندان خود شده اند.

اختلاس و رشوه خواری میلیاردی در استانداری تهران

گزارش سازمان بازرسی کل کشور درباره اختلاس و رشوه خواری استانداری تهران و برخی فرمانداری‌های تابعه را در سایت کلمه بخوانید.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره ۱۰۲ ، شنبه ، ۵ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

آری ، مردم در شبهای شهادت حضرت علی علیه السلام از خود می پرســـــند تا چه اندازه در زندگی شان از عدالت اجتماعی و اقتصادی و عدالت قضائی و حقوقی و عدالت اداری و استخدامی برخوردار شده اند؟

یادداشتی از میرحسین موسوی برای شب قدر - ۱۱ شهریور ۱۳۸۹

انتخابات آزاد آری، انتخابات نمایشی هرگز

سید مصطفی تاجزاده عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی که بعد از انتخابات سال ۸۸ بازداشت شد و هم اکنون در قرنطینه زندان اوین است در یادداشتی تحلیلی به تشریح انتخابات پیش روی مجلس پرداخت و درباره دخالت های سپاه در انتخابات نوشت: می‌توان ثابت کرد که ورود سپاه به صحنه انتخابات چه آثار مخربی برای کشور و حتی برای خود این نهاد انقلابی داشته است. سپاه و نیز بسیج در حال تکه‌تکه شدن است. عده‌ای طرفدار آقای احمدی‌نژاد و گروهی مدافع جبهه پایداری شده‌اند. بخشی از آقایان مهدوی کنی و جامعتین و آقایان رضایی و قالیباف دفاع می‌کنند و جمع کثیری به همه این‌ها انتقاد و و از اصولگراها به طور کلی زده شده‌اند، بدون آن‌که لزوماً از افراد یا جناح دیگری حمایت کنند. نارضایتی عمومی هم در حد بسیار بالایی است.

از سوی دیگر وی به اختلاف اصولگراها نیز اشاره کرد و گفت: اختلافات بین اصولگراها پیش‌بینی اصلاح‌طلبان را ثابت کرد و نشان داد ادعاهایی از قبیل این‌که چون اصولگراها برای خدا کار می‌کنند، هیچ‌گاه دچار اختلاف نمی‌شوند یا اصولگراها آن قدر پخته هستند و از سرنوشت رقیب خود پند گرفته‌اند که نگذارند اختلافاتشان علنی شود، چقدر سست و بی‌پایه بوده است.

وی افزود: اختلافات مزبور که به نظر من روز به روز بیشتر و علنی‌تر خواهد شد (چون رقابت بر سر منبع کم‌یاب قدرت و در این‌جا دستیابی به اکثریت مجلس و رییس‌جمهوری بعدی است) فرصت مناسبی برای اصلاح‌طلبان فراهم کرده است تا به تبیین دیدگاه‌های خود و نیز نقد عملکرد رقیب بپردازند و نشان دهند که مدیریت یکدست ذوب شدگان در ولایت چه به روز مردم، آیین و میهن آورده است.

به اعتقاد تاجزاده در حال حاضر حتی بدنه اصولگراها نیز درباره تداوم مدیریت آنان به تردید افتاده‌اند و در پی راه نجات هستند. به باور من اجماعی در حال شکل‌گیری است که اداره کشور در سطح کلان با بن‌بست یا بحران‌های جدی و گسترده مواجه شده است و راه جدید می‌طلبد و این فرصت بزرگی برای اصلاح‌طلبان است.

از سوی دیگر تاجزا به تشدید اختلافات کنونی اصولگراها اشاره کرد و آن را موجب بسته‌تر شدن انتخابات عنوان کرد و گفت: اما این موضوع خود فی نفسه مسأله بسیار مهمی است و "راست آزمایی" اصولگراها را به چالش می‌کشد. زیرا علی‌القاعده هیچ جناح ۲۵ میلیونی در برابر ۱۴ میلیون از انتخابات آزاد نمی‌ترسد.

وی معتقد است که ترس برای کسانی است که می‌دانند اقلیت هستند نه اکثریت. علاوه بر این غیر آزاد برگزار شدن انتخابات و حذف اصلاح‌طلبان از رقابت‌های انتخاباتی این ادعا را ثابت می‌کند که همه اقدام‌های جناح حاکم برای تک‌صدا کردن نظام صورت گرفته است.

وی درباره نحوه تصمیم گیری جنبش سبز برای انتخابات آینده گفت: به نظر من اصلاح‌طلبان و البته سبزها باید با شعار "انتخابات آزاد آری، انتخابات نمایشی هرگز" یا " انتخابات آری، انتصابات هرگز" یا "مجلس آزاد آری، مجلس فرمایشی هرگز" به استقبال انتخابات اسفند ماه بروند. در این صورت اگر انتخابات آزاد بر جناح حاکم تحمیل شود، با همه توان در آن شرکت خواهند کرد. در غیر این صورت، آن را افشا می‌کنند. انتخابات اسفند ماه یا باید به طور آزاد برگزار گردد یا رسوا شود، راه‌های دیگر بسته شده است. انتخابات آزاد دیر یا زود تحقق خواهد یافت و برای آن باید آماده بود، چون گذشت زمان به سود اصلاحات است. بهار عربی و بهار دموکراسی‌خواهی در همه جا، بهار ایران را هم به دنبال خواهد داشت؛ به یاری خداوند و هوشیاری مردم.

سه نما از اختلاس های میلیاردی؛
فاسد ترین دولت پس از انقلاب

شاید اگر این روزها را تلخ ترین روزهای دولت احمدی نژاد و آنان که به او رای دادند و بی هیچ واهمه ای تمام قد حمایتش کردند، بنامیم بیراه نرفته باشیم. دولت مدعی مبارزه با اشراف زادگی و رانت خواری و فساد که هر آن چه پیش از او اتفاق افتاده بود را زیر سوال برد و یکایک مدیران ارشد دولت های پیش از خود را متهم به باندبازی، فساد مالی و رانت خواری و فامیل بازی کرد حالا خود در یک ماه گذشته چنان زیر آوار خبرهای هولناک افشاء شده از رانت خواری و فساد مانده که توان واکنش و تکذیب هم ندارد.

اگر داستان نامه نگاری رئیس دولت برای دامادش را بگذاریم به حساب دلسوزی برای یک جوان از فامیل و بستگان که در ایران رفتاری عادی است، سه گانه های اختلاس اما پوشیدنی با هیچ بهانه ای نیستند.

به گفته سازمان بازرسی کشور در بانک صادرات سی هزار میلیارد ریال معادل سه میلیارد دلار اختلاس صورت گرفته است. آن هم نه توسط نیرویی از میان خیل عظیم دشمنانی که رئیس دولت برای خود و کشور تصور می کند بلکه توسط نزدیکان به رئیس دولت که توانسته اند مجوز بانک خصوصی هم بگیرند و در ماجرای خرید خودروی رئیس دولت نقش داشته اند و در حلقه نزدیکان بوده اند.

خبر دوم هم داستان اختلاس در استانداری تهران است آن هنگام که آقای دانشجو سکاندار آن بوده است. اگر چه رقم یازده میلیارد ریالی این اختلاس در قیاس با سه هزار میلیارد هیچ به شمار می آید اما نکته اینجاست که آقای دانشجو چندی بعد از این ماجرا راهی وزارت کشور شده تا انتخاباتی را برگزار کند که هنوز معترضان به سلامت آن راضی نشده اند.

البته مصطفی پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور می گوید که هم در دوران استاندار جدید و هم در دوران استاندار قدیم تهران پرونده اختلاس وجود دارد. وی تاکید دارد که هم پرونده اختلاس میلیاردی داریم و هم پرونده اختلاس خرد. برخی استانهای دیگر هم پرونده داشتیم که در حال رسیدگی است.

و سومین خبر هم داستان اختلاس در بانک های استان هرمزگان است که ۱۳۹ میلیارد تومان ناقابل اختلاس صورت گرفته است. به استناد همین سه خبر سه هزار و ۱۴۰ میلیارد تومان از منابع مالی کشور توسط دولتمردان یا به واسطه آنها از چرخه بازار مالی کشور و سرمایه ملی به جیب شخصی افراد واریز شده است.

به روایت آمار رسمی هم اکنون یک میلیون و ۸۰۰ هزار خانوار تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند که میانگین دریافتی آنان در ماه ۴۰ هزار تا ۷۵هزار تومان است. یعنی به طور میانگین هر خانواده تحت پوشش ۵۷ هزار و ۵۰۰ تومان از کمیته امداد مستمری می گیرد.

چهار عمل اصلی ریاضی گواهی می دهند که اختلاس گران محترم رقمی معادل ۲,۵ سال دریافتی مستمری بگیران را به از سیستم بانکی و مالی کشور به حساب شخصی خود انتقال داده اند.

همین چهار عمل اصلی باز هم گواهی می دهد اگر به گفته مسوولان اشتغال آفرینی ایجاد هر فرصت شغلی نیازمند ۱۰ میلیون تومان سرمایه باشد با این رقم می توان ۳۱۴ هزار و ۱۰ فرصت شغلی فراهم آورد.

به روایت منطق چنانچه این سرمایه اختلاس شده در اشتغال آفرینی خانواده های تحت پوشش کمیته امداد سرمایه گذاری می شد حد اقل ۳۱۴ هزار خانوار از وابستگی به نهاد حمایتی کمیته امداد و دریافت مستمری ماهیانه حداقل ۴۰ هزار و حداکثر ۷۵ هزار تومان نجات پیدا می کردند.

اما حالا نه تنها این کار صورت نگرفته بلکه در دولت مدعی ریشه کنی فساد دستگاه نظارتی قوه قضائیه پرده از این فساد مالی برداشته تا ادعای مدعیان خدمتگزاری به مردم بیش از پیش نمایان شود. چندی قبل هم رئیس کمیسیون اصل ۹۰مجلس خبر از پرونده تخلفات عدیده رئیس دستگاه اجرایی کشور داده بود که به دستگاه قضایی ارسال شده و از توزیع پول هایی در ماههای قبل از انتخابات خبر داده بود.

شاید اگر این اختلاس های زنجیره ای در هر کجای دیگری غیر از ایران رخ می داد نه تنها مسوولان مربوطه استعفا می دادند و گه گاه کار به خودکشی وزیر مربوطه هم می رسید حال این جا باید منتظر ماند تا افشاء کنندگان متهم به همکاری با بیگانه و دشمن شوند. آیا وقت آن نرسیده است که دستگاه های نظارتی اگر واقعن استقلال دارند حکم به فساد فاسدترین دولت ایران بعد از انقلاب بدهند و به گفته علی مطهری نقطه آغازین آن چه را که این دو سال فتنه خوانده اند کور کنند؟

اخبار کوتاه

* فرزند عبدالرضا سودبخش (پزشک کهریزک) گفت: پدرم را کشتند، چون حاضر نشد به دروغ بگوید قربانیان کهریزک بر اثر منتژیت فوت کرده‌اند.

* سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌گوید رسانه‌های رسمی ایران «کشتار» اخیر فلسطینی‌ها توسط ارتش سوریه را سانسور کرده‌اند.

* علی‌اکبر محتشمی‌پور، مسئول کمیته صیانت از آرای موسوی گفت شعار «نه غزه، نه لبنان» واکنشی طبیعی به خس و خاشاک نامیدن مردم بود.

* محمدمیرزمانی، مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد می‌گوید نخواندن اشعار عاشقانه از شروط صدور مجوز اجرای مجدد کنسرت‌ها است.

* یک عضو کمیته کشوری هم پیمانی در مبارزه با بیماریهای تنفسی اعلام کرد ایران و برمه بیشترین میزان قاچاق سیگار در جهان را دارند.

* محمد سیف‌زاده، حقوقدان و فعال حقوق بشر در نامه‌ای به محمد خاتمی نسبت به نقض گسترده حقوق قضایی در نظام دادگستری کشور هشدار داد.

* نیروی انتظامی با این ادعا که برگزاری افطار در منزل نیز مجوز می‌خواهد، افطاری خانواده‌های زندانیان سیاسی در منزل تاج‌زاده را بر هم زد.

* ملاقات هفتگی زندانیان سیاسی که حتّی حقّ برقراری تماس تلفنی با منزل‌شان را هم ندارند، به دلیل تعطیلی رسمی هفته‌ی گذشته لغو شد. در دوره‌ی شاه در اعیاد ملّی و مذهبی ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده‌های‌شان افزایش پیدا می‌کرد.

* آیت الله العظمی موسوی اردبیلی اعلام کرد: در طول تاریخ، پیشرفت دین با اخلاق خوب، نرم خویی، منطق و حکمت همراه بوده است. هیچ گاه خشونت، تندخویی، زور، زندان در پیشرفت دین موثر نبوده و انسان‌ها را نمازخوان نکرده است، بلکه نتیجه عکس داشته است و موجب تنفر و بدبینی نسبت به دین بوده است.

* درحالی که مطابق سنتی مرسوم در چند سال اخیر، دکتر پیمان، دبیرکل جنبش مسلمانان مبارز و عضو ارشد شورای فعالان ملی-مذهبی در تدارک برگزاری مراسم افطار بود، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، این نواندیش دینی را تهدید و به او تاکید کرده اند که چنین مراسمی را برگزار نکند.

* ماه مبارک رمضان تا چند روز دیگر به اتمام می‌رسد و علی‌رغم وعده‌های مسئولان، سبد کالایی کارمندان، کارگران و کالابرگ همچنان بلاتکلیف هستند در حالی که قرار بود کالاهای حمایتی این دو ابزار، ماه رمضان بر سر سفره مردم قرار گیرد.

* نماینده مهاباد در مجلس، در نطقی شجاعانه خطاب به رهبری، که با واکنش نایب‌رئیس مجلس روبه‌رو شد، از اجرا نشدن برخی اصول قانون اساسی انتقاد و تصریح کرد: با کمال تاسف هنوز با مردم کردستان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود.

شهدای سبز

کیانوش آسا

متولد اسفند ۶۲

دانشجوی دانشگاه علم و صنعت

تاریخ شهادت: ۲۵ خرداد ۸۸

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره ۱۰۳ ، دوشنبه ، ۷ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

برخورد عجیب با مردمی که برای حفظ محیط زیست دریاچه ارومیه رفته بودند نیز نشانه دیگری است از روند امنیتی کردن کشور.

میرحسین موسوی – فروردین ۱۳۸۹

بعد از بازداشت فعالان محیط زیست

سرکوب مردم معترض به خشک شدن دریاچه ارومیه؛

دریاچه ارومیه خون گریه می‌کند

خبرها می گویند خبرهای خوبی در پیش نیست. تا پاییز همین امسال یعنی یک ماه دیگر ۶۰ درصد دریاچه ارومیه خشک می شود. دریاچه ارومیه در آستانه تبدیل به شورهزاری بزرگ است. خشک شدن دریاچه، موجودیت دشت‌های اطراف آن و کشاورزی و دامداری منطقه را تهدید می‌کند و نابودی‌اش به از میان رفتن حیات وحش و گونه‌های گیاهی محل خواهد انجامید.

حجت جباری مسئول دبیرخانه دایمی شورای منطقه‌ای دریاچه ارومیه گفته است که با ادامه روند تبخیر آب تا پایان فصل پاییز، تراز دریاچه ارومیه به پایین‌ترین حد در صد سال گذشته خواهد رسید.

به گفته جباری در حال حاضر تراز این دریاچه ۳۷ سانتی متر پایین تر از زمان مشابه در سال گذشته می‌باشد که این امر نشان دهنده عمق مشکلات در دریاچه ارومیه است.

از سوی دیگر معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست هم می‌گوید با خشک شدن دریاچه ارومیه بیش از ۱۰ میلیارد تن نمک به صورت گرد و غبار و طوفان بر سر مردم این ناحیه خواهد ریخت.

محمد باقر صدوق افزوده که این بحران تنها گریبان آذربایجان را نمی‌گیرد بلکه تمامی مناطق کشور را تحت تاثیر خود قرار خواهدداد.

از سوی دیگر مقام‌های کشور نه تنها به هشدار دوستداران محیط زیست و مسئولان محیط زیست درباره خشک شدن دریاچه ارومیه بی‌اعتنا هستند، بلکه با تجمع‌کنندگان در کنار این دریاچه که در

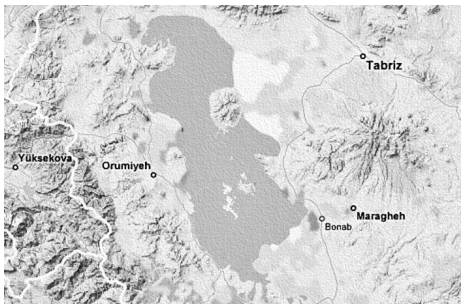

اعتراض به بی‌توجهی به شرایط آن صورت گرفت نیز برخورد کرده و شماری را دستگیر کردند.

نیروهای امنیتی شنبه در آذربایجان بار دیگر یک تجمع مدنی و غیر سیاسی را سرکوب کردند تا نشان دهند که حاکمیت اقتدارگرا از کوچکترین تحرکات دلسوزانه و خیرخواهانه‌ی اجتماعی نیز می‌ترسد. در تبریز و ارومیه، تجمع مردم برای اعتراض به رسیدگی نکردن دولت به وضعیت ناگوار دریاچه ارومیه، با دخالت پلیس به خشونت کشیده شد و منابع غیررسمی از بازداشت و زخمی شدن دهها تن در این دو شهر خبر می‌دهند.

بر اساس گفته‌های شاهدان عینی، پلیس در ارومیه برای متفرق کردن معترضان از گاز اشک‌آور استفاده کرده است. معترضانی که همان حرفی را می‌زدند که ۲۲ نماینده مجلس در یک نامه‌ی سرگشاده مطرح کردند. این نمایندگان استان های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل که متهم به کم‌کاری درباره‌ی نجات دریاچه‌ی ارومیه شده بودند، صبح شنبه نامه‌ای را خطاب به هیات رئیسه‌ی مجلس منتشر کردند که در ان خواستار «پیگیری و حل مشکل دریاچه به طور کارشناسانه و فوری» شدند و از دولت خواستند «در قبال تبعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاصل از روند خشک شدن دریاچه پاسخگو باشد.»

اما عصر شنبه دولت به جای پاسخگویی، به سرکوب مردمی پرداخت که به طور مسالمت‌آمیز برای دفاع از دریاچه‌ی ارومیه به خیابان‌ها آمده بودند. بر اساس تصاویری که در اینترنت منتشر شده، در خیابان‌های هر دو شهر ارومیه و تبریز، موتورسواران پلیس ضد شورش و نیروهای لباس شخصی حضور پرتعدادی داشته‌اند. گزارش‌های غیر رسمی از به‌کارگیری گاز اشک‌آور و شلیک گلوله‌های پلاستیکی به سمت مردم خبر داده‌اند و شاهدان عینی متعددی نیز ضرب و شتم شدید معترضان و بازداشت‌های گسترده را روایت کرده‌اند. در مقابل، از به آتش کشیده شدن دو موتورسیکلت پلیس ضد شورش توسط معترضان خشمگین نیز سخن به میان آمده است.

مهدی کروبی از ابتدای ماه رمضان در بازداشت انفرادی است

در حالی که شش ماه و ده روز از حصر غیر قانونی رهبران جنبش سبز گذشته است، فاطمه کروبی همسر حجت الاسلام مهدی کروبی در مصاحبه ای کوتاه با سایت سحام نیوز با اعلام اینکه شیخ مهدی کروبی از اول ماه رمضان به یک خانه جدید منتقل شده و در بازداشت انفرادی به سر می‌برد، تاکید کرد که آقای کروبی با روحیه ای قوی، از حاکمیت و زندانبانان هیچ درخواستی نداشته و علی‌رغم اینکه از حقوق اولیه یک زندانی محروم بوده، با خونسردی تمام و اعتماد به نفس بالا این مشکلات را تحمل نموده است.

فاطمه کروبی که از ابتدای جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری در کنار همسر خود و همراه وی بوده، خاطر نشان کرد که این رهبر جنبش سبز به عملکرد خویش در دفاع از حقوق مردم افتخار می کند. او گفت: حکومت باید بداند که آقای کروبی چه پیش از انقلاب و چه اکنون از پرداخت هرگونه هزینه ای؛ هیچ ابایی نداشته و خود را آماده تحمل همه مصائب نموده است.

فاطمه کروبی وضعیت روحی همسرش را خوب و استوار توصیف کرده و تاکید کرده که مهدی کروبی از ابتدای حبس تاکنون، از کلیه حقوق اولیه یک زندانی مانند حق داشتن هواخوری، حق ملاقات، داشتن کتاب و روزنامه، محروم بوده و این امر صدماتی را به وضعیت جسمی او وارد خواهد کرد.

به گفته وی سرانجام با پافشاری مهدی کروبی، از اول ماه رمضان، او را به آپارتمانی بسیار کوچک منتقل کرده‌اند و در حال حاضر به همراه ماموران امنیتی در آن واحد آپارتمانی مستقر شده‌اند.

همسر کروبی تاکید کرده با این اقدام عملا از ورود خود وی (فاطمه کروبی) به آپارتمان جلوگیری شده چرا که زندگی او در آپارتمان کوچک یک خوابه با حضور ماموران امنیتی میسر نبوده است.

بازار تهران در اعتصاب و راهپیمایی

از بازار تهران گزارش می رسد که بازار همچنان در التهاب است. روز شنبه راهپیمایی ای در محوطه‌ی بازار تهران با حضور بازاریان و مردمی که به آنها پیوسته بودند، برگزار شد که خبر آن در رسانه‌ها بازتاب نیافت. دیروز هم بازاریان قصد داشتند در ساعت ۱۱ به راهپیمایی اعتراضی بپردازند که حاکم شدن فضای امنیتی شدید بر بازار و حضور پرتعداد پلیس و ماموران لباس شخصی مانع از این کار شد. با این حال هنوز تعطیلی مغازه‌ها و اعتصاب بازاریان ادامه دارد و صنف پارچه و قماش و دیگر اصنافی که به اعتصاب‌کنندگان پیوسته‌اند، حاضر به ازسرگیری کار خود نشده‌اند.

اعتصاب‌کنندگان بازار تهران، که به نحوه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده اعتراض دارند، قصد داشتند دیروز هم به مانند شنبه، راس ساعت ۱۱ دست به راهپیمایی در محوطه‌ی بازار بزنند. اما از ساعات آغازین صبح، حضور پرتعداد نیروهای امنیتی لباس شخصی مانع از برگزاری راهپیمایی شد، اما نتوانست در تصمیم بازاریان برای ادامه‌ی اعتصاب تغییری ایجاد کند.

صبح دیروز شایعات تهدیدآمیزی نیز بین بازاریان پخش شد، دال بر اینکه در صورت راهپیمایی و تجمع اعتراضی، ممکن است افرادی را به محل بیاورند تا به مغازه‌ها و اموال عمومی آسیب برسانند و به نام اعتصاب‌کنندگان تمام شود.

اعتصاب صنف پارچه و قماش در بازار تهران از حدود یک ماه قبل آغاز شده و بخش‌های مختلف صنف پارچه از جمله تولیدکنندگان و فروشندگان پارچه‌های پرده‌ای، لباس‌کار، روپوش مدارس و مانتو، پارچه‌های ملحفه‌ای، جین، فاستونی، چادری، آستری و پارچه‌های خارجی که در پاساژها و سراهای مختلفی در بازار فعالیت دارند، در این اعتصاب مشارکت کرده‌اند.

روایتی از اوین و لحظه آزادی زندانیان سیاسی

خبر آمد که به مناسبت عید سعید فطر ۷۰ زندانی سیاسی بعد از انتخابات آزاد می شوند گرچه تعدادی از این افراد نیمه شب یکشنبه آزاد شدند اما با وجود همه این آزادی ها بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی دیگر که بعد از انتخابات سال ۸۸ بازداشت شدند هنوز در بندهای مختلف زندان اوین با حکم های سنگین و یا بلاتکلیف بسر می برند.

در شبکه های اجتماعی روایت هایی از لحظه اول آزادی این زندانیان سیاسی جلو زندان اوین منتشر شد.

یکی از افرادی که جلوی اوین حاضر بود می نویسد: «ساعت ۱۲ شب آنجا بودیم، هیچ کس باور نمی کرد. به بعضی از خانواده ها زنگ زده بودند که بیایند اوین اما هنوز باور نداشتن. در همین شک و تردیدها یک ون آمد. زنان زندانی در آن بودند.کلی دست تکان دادن و رفتن. بعد حدود سه ربع که گذشت ۶- ۷ نفر از آقایون زندانی بیرون آمدند. صدای دست ما و جیغمون و علامت های وی اوناها. بعد یک مینی بوس آمد بچه ها از مینی بوس دست تکان می دادند (عین فیلمای آزادی اسرای ایران از عراق بود) بعد مینی بوس رفت پل را دور زد. زیر پل ماشین ها جلوش را گرفتن و بچه ها رو پیاده کردن و بعد هم دیگه اشک بود، شادی، در آغوش کشیدن ها و ...»

می‌گفتند باور نداشتند که آزاد شوند، شب قبلش با هم می‌گفتند نهایتا ۱۰، ۱۲ نفر اما به یکباره شنبه خبردار شدند که آزاد می‌شوند باید کاغذی را امضا می کردند و می‌آمدند بیرون. آنها بالاخره آمدند، پس از روزها و روزها در کنار خانواده‌هایشان بودند، شاد.

دم اوین این شب ها اشک است اما نه اشک غم اشک شادی از دیدن سرو ترین جوانان این سرزمین، از دیدن سبزترین جوانان این سرزمین...

اخبار کوتاه

* سیّدمحمّد خاتمی رئیس جمهور سابق کشورگفت: «ما نیز هم‌چون مردم منطقه و همه‌ی آزادی‌خواهان جهان از دیکتاتورهای موجود می‌خواهیم که واقعا و نه فریب‌کارانه تغییر رویه‌ای اطمینان‌بخش برای ملّت‌های خود بدهند و مرحله‌ی گذار از دیکتاتوری به مردم‌سالاری را کم‌هزینه‌تر طی کنند یا زودتر حق را به مردم بسپارند و بروند.»

* رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با تشکیک در طرح حذف ۴ صفر پول ملی گفت: اگر یک نفر شب خوابید و صبح بلند شد و گفت که باید صفرها حذف شود، آیا چنین اقدامی تأثیری در تورم خواهد داشت؛ اینها همه مسائلی هستند که باید برآورد شود.

* جمعی از فعالان محیط زیست حرکتی اینترنتی را با نام «کمپین جهانی امضا برای نجات دریاچه ارومیه» به راه انداخته اند و از تمامی علاقه مندان درخواست کردند تا به این حرکت بپیوندند.

* برخی شرکت‌هایی که فعالیت آنها ارسال پیامک انبوه تبلیغاتی و خبری است ادعا می‌کنند که شرکت همراه اول هزینه ارسال برخی پیامک‌هایی را که به دلیل وجود برخی کلمه‌ها در متن آنها ارسال نمی‌شوند را از آنها دریافت می‌کند. واژه‌هایی مانند «نماینده مجلس»، «استانداری» و «تاریخ» این روزها برای همراه اول از حساسیت برخوردارند و از فیلتر این شرکت رد نمی‌شوند.

* درحالیکه قرار بود دادگاه جدیدی برای ابوالفضل قدیانی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب ، روز شنبه پنجم شهریور ماه برگزار شود، همسر این فعال سیاسی از به تعویق افتادن دادگاه همسرش خبر داد.

* جمعی از زنان اصلاح طلب از سراسر کشور در بیانیه ای اعلام کرده اند که از مسئولین و تصمیم گیرندگان بویژه مسئولین قضایی انتظار داریم با استفاده از آخرین فرصت های این ماه پرفیض به خود آیند و اگر صلاح جامعه و مردم خویش را مدّنظر ندارند، لااقل به صلاح خویش و عاقبتی که نزدیک است، بیندیشند .

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۴ ، شنبه، ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

آیا براستی نظامی کردن اقتصاد در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی، چارچوب سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز است ؟ آیا با حاکمیت مطلق نظامیان بر اقتصاد که مغایر قانون اساسی است دیگر می توان از منافع و حقوق کارگران سخن گفت؟

شیخ کروبی - اردیبهشت ۱۳۸۹

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید:

حفاظت از دریاچه ارومیه موضوع ملی است

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید با انتقاد از برخوردهای امنیتی با مردمی که نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه معترضند، گفت: دولتی که دچار بحران مشروعیت است از همه چیز می ترسد. از شادی جوانان, از افطار کردن در پارک‌هاو همه چیز حتی آب دریاچه ارومیه را هم امنیتی می‌بیند.

اردشیر امیرارجمند مواضع شورای هماهنگی راه سبز امید در این رابطه را بیان کرد و گفت : این شورا سرکوب غیر قانونی مردم ارومیه و تبریز را شدیدا محکوم کرده و از مطالبات بر حق هموطنان آذربایجانی در این رابطه حمایت قاطعانه می کند و یادآور می‌شود که حفاظت از دریاچه ارومیه تنها مسئله مردم ارومیه و تبریز نیست بلکه مسئله ای ملی است و باید مورد حمایت همگانی قرار گیرد.

در هفته گذشته نیروهای امنیتی در آذربایجان چندمین بار یک تجمع مدنی و غیر سیاسی در اعتراض به بی توجهی نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه را سرکوب، اقدام ضرب و شتم شدید معترضان و بازداشت‌های گسترده آنها کردند.

امیرارجمند با اشاره به این موضوع، مسائل کنونی در آذربایجان را عموما ناشی از مدیریت ناکارآمد دولت عنوان کرد و گفت:«سیاست‌های اقتدارگرایانه و غیر عقلانی ای که باعث خسارات غیر قابل جبران در زمینه های سیاسی, اقتصادی و اجتماعی شده است, اکنون چهره زشت و خشن خود را در حوزه حفاظت از محیط زیست و مسائل قومیتی نیز نشان می‌دهد.»

وی سپس به وظایف دولت زمینه حفاظت از دریاچه ارومیه اشاره کرد و گفت: «آنها وظیفه خود را انجام نمی‌دهند چون با کار کارشناسی و مشکلات واقعی مردم کاری ندارند. فکر می کنند اگر به آب دریاچه دستور دهند خشک نشود امر آنها اطاعت می‌شود و دریاچه خشک نمی‌شود و اگر هم بشود حتما توطئه ای در کار است و وقتی مردم به صورت کاملا مسالمت آمیز دست به اعتراض می‌زنند تا از میراث طبیعی و محیط زیست خود حفاظت کنند, به شدیدترین وجه مورد سرکوب قرار می گیرند.»

مشاور میرحسین موسوی معتقد است که دولت یک مسئله کاملا غیر سیاسی را به عمد امنیتی می کنند تا مردم را سرکوب کنند.

مشاور میرحسین موسوی به مسئله قومیت ها نیز پرداخت و گفت: «رویکرد و برخورد مقامات با مسئله قومیت‌ها و مطالبات بر حق آنها با منافع ملی کشور منافات دارد. بجای ایجاد همبستگی و رضایتمندی از طریق گفتگو، تعامل و رعایت حقوق بشری و حقوق مصرح در قانون اساسی هموطنان آذربایجانی و دیگر اقوام در خصوص اموزش زبان مادری و غیره بحران افرینی می کنند، متهم و سرکوب می کنند و دقیقا این نوع رفتار است که زمینه سو استفاده احتمالی از جانب افراد و جریانات ایزوله ای که جایگاه زیادی در بین مردم ندارند را فراهم می کند.»

وی تصریح کرد:«مردم غیور و فهیم آذری ما همیشه در عین پرچمدار بودن مبارزه برای آزادی و مقابله با استبداد, حافظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بوده اند.»

مهدی کروبی:
استوار ایستاده ام و ذره ای از مواضع خود کوتاه نخواهم آمد

روز ۹ شهریور خانواده مهدی کروبی با وی دیدار کردند. در این دیدار حسین کروبی فرزند مهدی کروبی به همراه همسر و فرزندانش و نیز فاطمه کروبی حضور داشتند. حسین کروبی در خصوص این دیدار گفت: نزدیک هفت ماه بود که پدرم را ندیده بودم؛ یعنی از همان روز نخست حصر خانگی. به صورت ناگهانی از موافقت نیروهای امنیتی برای دیدار من و خانواده ام به همراه مادرم برای دیدار با پدر مطلع شدیم. لذا حوالی ظهر به همان ساختمانی که پدر از یک ماه قبل در آن سکونت یافته اند رفتیم.

حسین کروبی در ادامه در خصوص وضعیت روحی و جسمی آقای کروبی افزود: ایشان هم به لحاظ روحی و هم از نظر جسمی در شرایط مطلوبی به سر می برند و در تمام طول دیدار با روحیه ای قوی، همچون گذشته در خصوص مسائل صحبت می کردند و همچنان بر مواضع خود بیش از پیش تاکید می کردند.

فرزند ارشد مهدی کروبی با شایعه خواندن اخبار و اطلاعات منتشره در سایت های حکومتی مبنی بر نوشتن توبه نامه از سوی آقای کروبی؛ گفت: در این ملاقات من خبرهای منتشر شده در سایت های حکومتی مبنی بر نوشتن توبه نامه را به ایشان منتقل کردم و ایشان در پاسخ گفتند «من بر مواضع و عقاید فکری خود استوار ایستاده ام و ذره ای از مواضع خود کوتاه نخواهم آمد.»

حسین کروبی همچنین با ذکر نقل قول دیگری از آقای کروبی، افزود: حکومت و نیروهای اطلاعاتی طی مدت هفت ماه اخیر با روحیات من به خوبی آشنا شده اند و مواضع مرا می دانند و فهمیده اند که من چگونه فکر می کنم، لذا به خود اجازه نمی دهند که مرا راهنمایی و ارشاد کنند، چه برسد به اینکه بخواهند وارد چنین فازهایی در خصوص نوشتن توبه نامه و ندامت نامه با من بشوند.

با توجه به نگرانی در خصوص وضعیت ایشان؛ ماموران امنیتی در این دیدار به خانواده آقای کروبی قول مساعد داده اند که طی ۱۵ روز آینده آقای کروبی را به مکان مناسبی منتقل نمایند تا ایشان بتوانند از حیاط و هوای آزاد بهره مند شوند. آنها همچنین از احتمال موافقت مقامات در خصوص حضور خانم فاطمه کروبی در کنار آقای کروبی در آن مکان جدید خبر داده اند. در حال حاضر مایحتاج غذایی و خوراکی ایشان توسط وزارت اطلاعات تهیه می شود.

ایران همچنان حمایت می کند؛

۷ کشته در جمعه «مرگ نه ذلت» در سوریه

گزارش ها از سوریه حکایت از آن دارد که در جریان تظاهراتی که بعد از نماز جمعه دیروز علیه حکومت بشار اسد در سوریه برگزار شد، برگزار شد، هفت نفر کشته شده اند اما با وجود این کشته ها که از ابتدای اعتراض ها به بیش از ۲ هزار نفر رسیده است ، ایران همچنان از حکومت بشار اسد حمایت می کند.

روز گذشته توسط معترضان جمعه «مرگ، نه ذلت» نامیده شده بود که در جریان اعتراض ها یک نفر از این افراد در شهر حمص، سه نفر در دیر الزور در شرق، و سه نفر دیگر در حومه دمشق کشته شدند.

از سوی دیگر بعد از اینکه در روز عید فطر، هفت نفر به ضرب گلوله نیروهای امنیتی در سوریه از پای درآمدند، سازمان عفو بین الملل در گزارشی مستند همراه با ویدئو از جنایت های حکومت بشار اسد در زندان های این کشور پرده برداشت که در مدت ۵ ماه دست کم ۸۸ نفر » از جمله «۱۰ نوجوان» در زندان ها بر اثر شکنجه جان خود را از دست داده اند.

سازمان ملل روز سه‌شنبه با اشاره به دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اعمال شکنجه‌های شدید در زندان‌های سوریه، خاطر نشان کرد که در «۵۲ مورد» از این تلفات شواهد حاکی از این است که شکنجه و بد رفتاری از جمله مواردی بوده که به مرگ فرد انجامیده است.

باز شدن پای یک مقام دولتی به پرونده اختلاس استانداری

پرونده های اختلاس در هفته گذشته، سر و صدای زیادی به پا کرد،اولین انفجار اختلاس‌های نجومی را در آخرین روزهای مردادماه گذشته، بانک مرکزی اعلام کرد. بانک مرکزی اعلام کرد پروانه فعالیت بانک خصوصی آریا را به علت اختلاس مدیرعامل این بانک از بانک صادرات ایران، باطل کرده است.

در این اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی فردی که صاحب ده‌ها شرکت و موسسه اقتصادی زنجیره ای و تو در تو است، با استفاده از شگرد خاصی اقدام به اختلاس از بانک صادرات می کرده است. پیش از این اختلاس نیز پرونده اختلاس ۱۳۹ میلیاردی از بانک ملی در استان هرمزگان در اواخر مردادماه، رو شده بود. علی علیا رئیس کل دادگستری استان هرمزگان اعلام کرده بود رسیدگی به یک پرونده اختلاس ۱۳۹ میلیارد تومانی از بانک ملی در بندرعباس را در دستور کار قضات این استان قرار گرفته.

ولی شاید جنجالی ترین اختلاس‌های اعلام شده در هفته اول شهریور را اعلام اجمالی پرونده های اختلاس در استانداری تهران، باید دانست. ابتدا، خبری درباره اختلاس میلیاردی در معاونت عمرانی استانداری تهران منتشر شد که اعلام می کرد این اختلاس و ارتشا که در ارتباط با معدن داران استان بود.

بر خلاف انتظار همگان که فکر می کردند سازمان بازرسی، اخبار رسانه ها را تکذیب خواهد کرد، پورمحمدی، رئیس این سازمان در گفتگویی که با خبرنگاران اراکی داشت، رسما اعلام کرد پرونده های اختلاسهای خرد و کلان در زمان استاندار فعلی و دوره های گذشته، موجود است.این مقام قضایی در پاسخ به خبرنگاران اظهار داشت: "هم پرونده میلیاردی داریم و هم پرونده خرد. برخی استان های دیگر هم پرونده داشتیم که در حال رسیدگی است."

به بیان دیگر، در میان بحث رسانه ای بین استانداری تهران و سایتهای خبری، پای کامران دانشجو استاندار سابق تهران[رئیس سابق ستاد انتخابات ریاست جمهوری در وزارت کشور] به دعوا کشیده شد تا بحث اختلاس و اعلام جزئیات چندین پرونده های مالی توسط قوه قضائیه تنها به ۵ بانک محدود نباشد.

عید سعید فطر
بر شما مبارک باد

شهدای سبز

مصطفی غنیان

متولد تیر ۱۳۶۲

تاریخ شهادت: ۲۶ خرداد ۸۸

کشته شدن توسط تک تیرانداز

درزمان سردادن الله اکبر

اخبار کوتاه

- گزارش‌ها حاکی‌ست با وجود تعیین سقف قیمت در تهران، اجاره‌بها در مناطقی از تهران دو برابر شده است.
- مهدیه گلرو از فعالان دانشجویی زندانی در اوین، در نامه‌ای خطاب به رییس قوه قضاییه از او درخواست کرد که پرونده همسرش را که هم اکنون او هم در زندان است مورد بازبینی قرار دهد.
- از وضعیت سی نفربازداشت شده که یک هفته پیش در یک مراسم افطاری در تبریز، بازداشت شده بودند، خبری در دست نیست.
- آیت‌الله بیات زنجانی، از مراجع تقلید شیعیان می گوید نمی‌توان رقیب را حذف، زندانی و متهم کرد و مدعی برگزاری انتخابات سالم بود.
- یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران می گوید که دستگاه دیپلماسی ایران می‌توانست موضع گیری قویتری در ارتباط با تحولات سوریه داشته باشد.
- محمد خاتمی ابراز امیدواری کرد که آزادی برخی زندانیان سیاسی در عیدفطر «گام اول باشد برای گامهای سریع بعدی در برداشتن هرچه حبس و حصر است.»
- قرارگاه خاتم‌الانبیا، بازوی اقتصادی سپاه پاسداران، قراردادی به ارزش تقریبی ۵۰۰ میلیون دلار با وزارت نفت امضا کرده است.
- برخی وب‌سایت‌ها گزارش داده‌اند که پنج نفر در شهر اردبیل به خاطر پخش اعلامیه در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه بازداشت شده‌اند.
- یک مقام اطلاعاتی سپاه می گوید که تهران در میان ۱۸۲ کشور جهان، بیشترین آمار مراجعه به سایت های غیراخلاقی را دارد.
- مدیرکل منابع طبیعی کهگیلویه و بویراحمد گفت که ۶۹ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این استان در اثر آتش‌سوزی در پنج ماه گذشته نابود شده است.
- گزارش‌ها حاکی است که اشکان ذهابیان، فعال دانشجویی محروم از تحصیل زندانی، در حالی که از خونریزی معده رنج می‌برد در اعتراض به شرایط زندان بابل، از روز سه شنبه دست به اعتصاب غذای نامحدود زده است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۵ ، دوشنبه ، ۱۴ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

ما به دنبال مدیریت جهانی هستیم در حالی که نتوانسته‌ایم مسایل داخلی کشور را حل کنیم. برای مردم، اقتصاد و معیشت مهم است و در کنار آنها عزت هم مهم است و هر نوع سیاستی که این عزت را هدف بگیرد محکوم خواهد بود

میرحسین موسوی- خرداد ۸۸- همدان

آیا رفتار حکومت در قبال سوریه تغییر کرده است؟

بنا به سنت مالوفِ خطبه دوم، آیت الله خامنه‌ای در نماز عید فطر به آخرین تحولاتِ و اخبار روز اشاره کرد. رهبری در این خطبه، با مردم سومالی ابراز هم دردی و نسبت به جفایی که بر مردم بحرین می‌رود، اظهار نگرانی نمود و رهبران انقلابیِ لیبی را نواخت که زمانی «هم پیاله قذافی» بوده‌اند؛ اما در خصوصِ قیام مردم سوریه «سکوت» اختیار کردند.

از آنجا که در هفته‌های اخیر وقایع سوریه گسترش یافته و بسیاری از کشورها و نهادهای بین المللی در این باره مواضع جدید و شدیدی اتخاذ نموده‌اند، «این سکوت» معنادارتر از آن است که بشود به سادگی از کنار آن گذشت.

دو ماه پیش، آخرین باری بود که رهبری در باره قیام مردم سوریه اظهار نظر کرد. آیت الله خامنه‌ای در آن سخنرانی که به مناسبت عید مبعث برگزار شده بود، به صراحت علیه قیام مردم سوریه موضع گرفته و با «انحرافی» خواندنِ آن، گفته بود «در سوریه ماهیت قضیه متفاوت است و آنجا صهیونیست‌ها دنبال قضیه‌اند».

از آنجا که در ساختار سیاسی ایران، سیاست‌های کلان توسط رهبری اتخاذ و ابلاغ می‌شوند، پس از آن سخنرانی، تردیدها در خصوص حمایتِ دولتمردان کشور از بشار اسد به یقین تبدیل شد و بر همگان معلومَ شد که ایران در این شرایط دشوار، کشور دوست و شریک استراتژیک خود را تنها نخواهد گذاشت. از سوی دیگر «سکوت» رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، می‌تواند حمل بر تداوم همان سیاستِ قبلی شود. به عبارتی دیگر دولتمردان ایران هم چنان خود را در کنار بشار اسد می‌بینند و قیام سوریه را انحرافی می‌دانند و حاضر نیستند از آن مانند قیام بحرین و لیبی و حتی مصر و تونس هم حمایت کنند و یا اخبار آن را در رسانه‌های رسمی به اطلاع مردم ایران برساند.

از طرفی دیگر اما، این سکوت می‌تواند تائیدی بر مواضع مسئولین سیاست خارجی در هفته گذشته باشد. مواضعی که به نظر می‌رسد به معنای تغییر در سیاست خارجی ایران نسبت به قیام مردم سوریه باشد. در هفته‌ای که گذشت، وزیر امورخارجه ایران در گفتگویی با ایسنا با اشاره بر اینکه «تغییر نظام در سوریه» اگرچه «خواسته‌ای خارج از عرف است» اما «با یک نیت شیطنت‌آمیز دنبال می‌شود»، به بشار اسد پیام داد که «باید نسبت به خواسته‌های مشروع مردمش پاسخگو باشد». محمود احمدی‌نژاد نیز در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی المنار لبنان، از «مردم» و «دولت» سوریه خواست که «هوشیار باشند و تلاش کنند در کنار هم و با تفاهم مسائل را برطرف کنند و اصلاحاتی را که لازم است، خودشان انجام دهند».

آنچه در این میان مهم است این است که «تغییر در مواضع سیاسی» بر اساس امنیت ملی، نه تنها نادرست نیست بلکه عرف رایجی در سراسر دنیاست. بر عکس آنچه نادرست است، اصرار بر سیاست‌های نادرست و بدتر از آن «قدسی کردن امر عرفی» است. به عبار دیگر رفتار سیاسی آیت الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که می‌شود در کمتر از دو ماه در مواضع سیاسی تجدید نظر کرد. این تجدیدنظر پیش از هر کس طرفداران رهبری را مخاطب قرار می‌دهد که هیچگاه نباید مواضع سیاسی را با تعابیر مطلق و اعتقادی آنچنان آمیخت که مخالفان و منتقدان آن دشمنان ملت و یا محاربان دین خدا نامیده شوند؛ که اگر چنین بود در همین هفته پیش می‌شد علی اکبر صالحی و محمود احمدی‌نژاد را به اتهاماتی از این دست، به حبس و حصر کشید.

۶ ماه از سال گذشت؛

فریبی به نام ایجاد ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار شغل

شش ماه از سال ۱۳۹۰ می گذرد و در حالیکه قول ایجاد ۲ و نیم میلیون شغل در این سال داده شد اما مشخص نیست تکلیف این وعده به کجا انجامیده و در آخرین اظهار نظر وزیر کار به یکباره اعلام کرد این پرونده ۲ سال فرصت لازم دارد.

محمود احمدی‌نژاد امسال را با وعده ایجاد ۲ / ۵ میلیون شغل شروع کرد و از وزیرانش خواست تا بدون توجه به «بی‌انصافی‌ها و حرف‌های بی‌ربطی که زده می‌شود» با قاطعیت این موضوع را پیگیری کنند.

وی منتقدان اقتصادی دولت را متهم به فساد کرد و مدعی شد: «همواره کسانی که دست‌شان از تصرف در بیت‌المال قطع می‌شود، فریاد برمی‌آورند اما نمی‌گویند که فریادشان ناشی از کوتاه شدن دست‌شان از بیت‌المال است و در عوض علیه دولت اخبار نادرست منتشر می‌کنند.»

آقای احمدی‌نژاد همچنین گفت: «کسانی مدعی می‌شوند آمار و گزارش‌های دولت درباره ایجاد یک میلیون ۶۰۰ هزار شغل درست نیست ولی بالاخره آن یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفری که صاحب شغل شدند، می‌دانند که در کشور چقدر اشتغال ایجاد شده است.»

این سخنان و خط و نشان کشیدن ها به جایی رسیده که هم اکنون بسیاری از کارشناسان و مسئولان این امر را غیر ممکن و فریب می دانند.

پیش از این محمدرضا باهنر، نماینده‌ی اصولگرای مجلس شورای اسلامی با انتقاد از برخی سخنان احمدی نژاد گفته بود: «ایجاد ۲ / ۵ میلیون شغل در سال ۹۰ نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه جدید نیاز دارد و همین نشان می‌دهد که دست نیافتنی است.»

احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز گفته بود ادعای ایجاد یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل در سال ۸۹ نادرست است. او همچنین وعده ایجاد دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل در سال ۹۰ را غیرممکن می‌داند.

هم اکنون۶ ماه از سال جاری گذشته است ولی هنوز بانکها نتوانسته اند به یک جمع بندی مناسبی برای تسهیلات دهی به طرحهای اشتغالزایی در استانها داشته باشند .

اینکه به یکباره دولت بخواهد سیاست گذاری خود را که طی چند ماه از آن سخن گفته است، تغییر دهد و برای تحقق وعده ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری اشتغالزایی در سال جاری ۲ سال وقت در نظر بگیرد نشانه عقب نشینی دولت و از دست رفتن نیمی از سال و توقف اشتغالزایی در کشور و بعید بودن امکان جبران وقت از دست رفته در نیمه دوم سال است.

به عبارتی، هنوز دولت نتوانسته است در قالب نشستهای شورای عالی اشتغال شبکه بانکی کشور را متقاعد کند که برای ایجاد فرصتهای شغلی جدید و آن هم به میزان ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار فرصت باید منابع قرض الحسنه و توان تسهیلات دهی خود را به کار گیرند.

بانکها نه تنها هیچگونه جمع بندی را تاکنون در این زمینه انجام نداده اند، بلکه به تازگی توسط رئیس کل بانک مرکزی در نشست چهل و پنجم شورای عالی اشتغال اعلام شده است که شبکه بانکی می تواند ۵۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض الحسنه به اشتغال اختصاص دهد.

در هر حال تغییر ناگهانی برنامه اشتغالزایی در سالجاری و کاهش این میزان به ۱ میلیون و ۲۵۰ هزار فرصت در ۹۰ باعث ادامه نرخ بیکاری دورقمی کارجویان خواهد بود چرا که برای کاهش نرخ بیکاری و حتی ثابت نگاه داشتن آن لازم است تا هر سال ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار فرصت جدید در کشور ایجاد شود.

البته حاشیه دار شدن و ابهام بودن برنامه اشتغالی دولت در سال جاری و یا روشن نبودن ابعاد ادعای ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفری در سال گذشته به عدم پاسخگویی مسئولان مرتبط با این امر و یا سخنان غیرشفاف مدیران ارشد فعال در این حوزه از جمله مقامات بانک مرکزی و وزارت کار نیز بر می گردد و در نهایت این وعده نیز به عنوان فریبی خوانده می شود که هیچ گاه عملیاتی نخواهد شد.

دیدار نوه و عروس امام خمینی با فاطمه کروبی

حجت‌الاسلام والمسلمین یاسر خمینی به همراه همسر و مادرش، دکتر فاطمه طباطبایی روز چهارشنبه در منزل فاطمه کروبی با وی دیدار کردند.

در ابتدای این دیدار، فاطمه کروبی شرحی از آخرین وضعیت مهدی کروبی و شرایط سختی که خانواده‌ی کروبی در هفت ماه گذشته داشته‌اند، ارائه کرد.

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین یاسر خمینی با اظهار تاسف از شرایط پیش آمده برای آقای کروبی و خانواده‌ی وی عنوان کرد: آقای کروبی از پیشگامان نهضت امام بوده و همیشه مورد عنایت و توجه ایشان قرار داشت. آقای کروبی با شجاعتی که قبل و بعد از انقلاب از خود نشان داد ثابت کرد که اسلام، کشور و منافع مردم برای او بسیار مهم‌تر از زندگی راحت و بدون دغدغه است.

وی همچنین ابراز داشت: امیدوارم مسئولان کشور با درایتی عمیق‌تر به مسائل نگاه کنند و هر چه زودتر به حبس این دو عزیزِ همراه مردم خاتمه دهند.

در پایان این دیدار دکتر فاطمه طباطبایی همسر مرحوم احمد خمینی، با ذکر خاطره‌ای از هتک حرمت روحانیت، نسبت به آسیب شدیدی که در چند ساله‌ی اخیر به باورهای دینی مردم وارد شده ابراز تاسف و نگرانی کرد و گفت: امیدوارم هر چه زودتر محدودیت‌های صورت گرفته برای آقایان کروبی و موسوی پایان پذیرد.

برخورد نیروهای امنیتی با دوستداران حفاظت از دریاچه ارومیه

تبریز و ارومیه روز شنبه به خاطر تجمعات اعتراضی چند هزار نفری دوستداران دریاچه ارومیه در حالت امنیتی بسر برد و تعداد زیادی از شهروندان این دو شهر که در تجمع حضور داشتند بازداشت شدند. شلیک گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی و رنگی در این دو شهر نیز گزارش شده است.

از تبریز خبر می رسد که تعدادی از شهروندان در اطراف بازار بزرگ تبریز که محل ساختمان استانداری و فرمانداری این شهر نیز هست تجمع کردند اما نیروهای امنیتی که حضور گسترده ای در شهر داشتند آنها را با باتوم سریع پراکنده کردند.

از سوی دیگر افراد تجمع کننده با سر دادن شعارهایی مانند : «تورک گارداشیم سنده گل» (برادر ترکم تو هم بیا) از شهروندان می خواستند به تجمع آنها بپوندند.افراد معترض در این تجمع ها شعارهایی نیز سردادند و می گفتند:«اورمو گولو سوسوزدور، آذربایجان اویانماسا اوتوزدور»(دریاچه ارومیه تشنه است آذربایجان اگر بیدار نشود بازنده است)

اما از ارومیه نیز خبر می رسد که به نسبت شهر تبریز برخوردها شدیدتر بوده و اعتراض ها نیز گسترده تر.

برخی منابع اطلاع دادند که صدای تیراندازی در این شهر شنیده شده است و بازداشت های گسترده ای توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی اتفاق افتاده است.ماموران امنیتی با باتوم و گلوله‌های رنگی و نیز موتور سیکلت سعی در متفرق کردن معترضان داشته‌اند.

اخبار کوتاه

• تعدادی از جوانانی که دیروز قصد داشتند در تهران، مشهد، ساری آمل، بابلسر، بابل و قائم‌شهر آب‌بازی کنند، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

• ناصر فریاد شیران از مربیان فوتبال ایران می‌گوید در مدارس فوتبال بصورت گسترده افرادی بچه‌ها را مورد اذیت و آزار جنسی قرار می‌دهند.

• عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با انتقاد از تداوم واردات برخی میوه‌های لوکس مانند انگور شیلی، این واردات را موجب تغییر ذائقه ایرانیان و گرایش به اشرافی‌گری ارزیابی کرد و گفت: هیچ توجیهی برای واردات انگور شیلی در فصل برداشت انگور از تاکستان‌های ایران وجود ندارد.

• معاون دبیر کل خانه کارگر هشدار داد: در صورتی که منابع ایجاد اشتغال درست مدیریت نشود طی دو سال آینده با بحران بیکاری یک میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر مواجه خواهیم شد.

• بنکداران و طاقه فروشان پارچه در بازار تهران در اعتراض به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده همچنان کرکره‌های خود را پائین نگه داشته‌اند.

• همسر احمد قابل، از ملاقات با او در زندان وکیل آباد مشهد خبر داد و وضعیت جسمی او را نگران کننده عنوان کرد. احمد قابل که پیش از ماه مبارک رمضان برای اجرای حکم خود به زندان فراخوانده شد، از بیماری قلبی رنج می برد.

• نظام حسن پور از زندانیان وقایع پس از انتخابات در اوایل سال ۸۹ در یکی از روستاهای توابع کوهدشت توسط ماموران وزارت اطلاعات به دلیل شرکت در اعتراضات خیابانی بازداشت شد. وی هم اکنون نزدیک به هیجده ماه است که در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می شود و با وجود حق استفاده از آزادی مشروط، در میان آزادشدگان روزهای اخیر نبود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۶ ،چهار شنبه، ۱۶ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

خانه‌های خود را «قبله» قرار دهید، اگر تا پیش از این، هر دو ماه یک بار همدیگر را ملاقات می کردیم، اینک هفته‌ای دوبار گرد هم جمع شویم که قدرت شبکه‌های اجتماعی ما در این امر نهفته است
میرحسین موسوی، ۱۴ شهریور ۸۸

تاملی بر سخنان سخنگوی قوه قضائیه

سرمقاله

شش ماه پیش، زمانی که هنوز قذافی در قدرت بود، مخالفانش از او خواستند تا استعفا دهد و از قدرت کناره گیری کند. اما قذافی در حالی که دشمنانش را مشتی حشره خواند با مشتان گره کرده اعلام کرد که «مطابق با قانون! او مقامی ندارد که از آن استعفا دهد» و چون «مقامی ندارد» پس «هیچ قدرتی در لیبی ندارد، بلکه قدرت در دست مردم است».

قذافی ظاهراً راست می گفت. او در چهار دهه‌ای که بر لیبی حکم راند، همواره خودش را رهبر انقلاب لیبی می‌دانست و با استناد به اینکه در قانون لیبی این مقام «تعریف نشده است»، کناره گیری خود را امر ی مضحک و غیر ممکن می‌دانست. حتی یکبار گفته بود «من که رئیس جمهور نیستم تا از سمت خود کنار بروم!»

شش ماه پیش، زمانی که خبرنگاری از محسنی اژه دادستان کل کشور در مورد مرخصی زندانیان سیاسی سوال کرد، سخنگوی قوه قضائیه جواب داد «چون در قانون جرم سیاسی تعریف نشده است، پس زندانی سیاسی هم نداریم!».

محسنی اژه‌ای ظاهراً راست می گوید! و ظاهراً بیش از اندازه به درستی این سخن خود ایمان دارد که در مصاحبه دو روز پیش خود دوباره سرهنگی کرده و باز هم گفته است «تعبیر متهمان یا مجرمان سیاسی، تعبیر صحیح قانونی نیست. چون تاکنون تعریف نداریم. »

در این حال، پاسخ آقای دادستان سوالات فراوانی را فرا روی قوه قضائیه قرار می‌دهد. سوالاتی از این دست: وقتی جرم سیاسی تعریف نشده است، قاضی چگونه تفاوت جرم سیاسی را با جرم امنیتی تشخیص می‌دهد؟ معیارشان برای این تشخیص چیست؟ آیا زندانی کردن صدها روزنامه نگار و فعال سیاسی اندکی ما را به لغزیدن و سهل انگاری و سهواندیشی در این تشخیص‌ها مشکوک نمی‌کند؟ ایا عقل سلیم و اخلاق اسلامی می‌پذیرد همه افعال و سیاست‌ها و نوشته‌هایی را که حکما نمی‌پسندند و یا نمی‌شناسند را جرم امنیتی بنامیم؟ بدتر از آن آیا همه مجرمان سیاسی نمی‌توانند با این استدلال که جرم سیاسی در قانون تعریف نشده است از دست آن بگریزد؟ آیا تا کنون کسی نگریخته است؟ در این میان وظیفه قوه قضائیه چه می‌شود؟ و....

به نظر می‌رسد جنبش سبز و رستاخیز آگاهی، عرصه را آن چنان بر حاکمان تنگ کرده است که دیگر نمی‌شود اصل قضیه را انکار کرد و وجود زندانی سیاسی را به کلی نادیده گرفت. به عبارتی دیگر حجم زندانیان سیاسی وکثرت زندانیان صاحب نام سیاسی، کار را به جایی رسانده است که باید به شیوه آقای دادستان به جای انکار زندانی سیاسی به انکار جرم سیاسی پرداخت.

البته نگرانی اصلی جای دیگری است. از پاسخ جناب دادستان چنین بر می‌اید که گویی قرار است در نظام مورد نظر ایشان، قانون را با رفتار حکومت تعریف کنیم. یعنی لازم است هرآنچه که حکمرانان انجام می‌دهند قانونی بدانیم، ولو در قانون نیامده باشد!؟ آیا در جمهوری اسلامی چنین است؟ اگر چنین است که دیگر چه نیاز به قانون اساسی و قانون گذاری و قوای نظارتی است؟ با استناد به این مواضع قوه قضائیه که می‌شود برای راحتی حکما، فاتحه قانون را هم خواند. راستی کسانی که از انحراف در جمهوری اسلامی می گویند، غیر از این چیزی گفته‌اند؟

با سیره شهدا

بنی صدر که فرار کرد، زنش را دستگیر کردند.شهید بهشتی زنگ زد که زن بنی صدر تخلفی نکرده باید آزادش کنید. آزادش نکردند. گفت با اختیارات خودم آزادش می کنم. می گفت «هر یک ثانیه که در زندان باشد گناهش گردن جمهوری اسلامی است.»

کتاب صد دقیقه تا بهشت

مادر اشکان سهرابی:
آقای علی کریمی! افتخار همه‌ی مردم ایران هستید

در حالی که سایت های نزدیک به سپاه پاسداران از علی کریمی به عنوان کسی که همچنان در «وادی فتنه» قدم می زند نام می برند، مادر یکی از شهدای جنبش سبز او را «افتخار همه مردم ایران» نامید.

انتشار عکسی در سایت های اینترنتی و شبکه های مجازی که در آن پیراهن شماره ۱۶ علی کریمی در تیم فوتبال شالکه آلمان به اشکان سهرابی تقدیم شده بود، واکنش های گسترده ای به دنبال داشت.

علی کریمی در پشت پیراهنی که با آن در لیگ قهرمانان اروپا در مقابل تیمی مانند اینترمیلان ایتالیا بازی کرد، نوشت: «تقدیم به زنده یاد اشکان سهرابی که همیشه برای ما زنده خواهد ماند.»

اشکان سهرابی دانشجوی ۱۹ ساله ساکن تهران روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در جریان اعتراضات مردمی به تقلب در انتخابات حوالی خیابان رودکی هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

اشکان سهرابی یکی از کشته شدگان وقایع آن روز بود که حالا کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران یکی از پیراهن های خود در تیم شالکه را به او تقدیم کرده است؛ اقدامی که خشم رسانه های نزدیک به سپاه پاسداران را برانگیخت.

در بخشی از مطلب این رسانه ها با عنوان «پاس های علی کریمی به فتنه گران» با اشاره به مچ بند سبزی که علی کریمی در جریان مسابقه میان تیم ملی فوتبال ایران با کره جنوبی بر دست خود بسته بود، نوشتند:« کریمی همان راهی را می رود که شجریان پیش از وی آنرا رفت و امروز در انتهای این مسیر آرزوی بازگشت را دارد که البته دیر شده است.»

اما با وجود این موضوعات مادر اشکان سهرابی در اظهارنظر جداگانه ای با انتقاد از مطلب منتشر شده در رسانه های حکومتی علیه کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران گفت: «فکرنمی کنم این مساله ربطی به آنها داشته باشد که بخواهند در آن دخالت کنند و نظربدهند. من می خواهم از ایشان [علی کریمی] به خاطر روح بلندی که دارند تشکر کنم و بگویم که واقعا جوانمرد هستند.»

او پسر خود را از طرفداران علی کریمی معرفی کرد و گفت:«من این مطلب را به اطلاع ایشان رساندم. آقای کریمی هم وقتی این را شنیده بودند پیراهن شالکه خود را تقدیم پسر من کردند.»

او با تشکر از علی کریمی، کاپیتان تیم ملی فوتبال را «افتخار همه مردم ایران» نامید و گفت:« امیدوارم به خاطر این هدیه برای ایشان مشکلی پیش نیاید.»

مادر اشکان سهرابی همچنین درباره آخرین وضعیت پرونده پسرش گفت که هنوز قاتل یا قاتلان او مشخص نشده و به خانواده او پیشنهاد شده تا با قبول دیه از شکایت خود صرف نظر کنند.

بیانیه ۳۳ زندانی سیاسی: به حصر ظالمانه رهبران سبز پایان دهید

۳۳ زندانی سیاسی در زندان اوین با صدور بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به «حصر ظالمانه» میرحسین موسوی، مهدی کروبی و همسرانشان شده‌اند.

این زندانیان در بیانیه مذکور که به مناسبت دویستمین روز حصر خانگی رهبران سبز منتشر شده، حبس رهبران جنبش سبز را ظالمانه و غیرقانونی توصیف کرده و نوشته‌اند: «ما زندانیان سیاسی امضاکننده‌ی این بیانیه ضمن محکوم کردن بازداشت غیرقانونی رهبران جنبش سبز که بیش از هرچیز به عملیات آدم‌ربایی و گروگان‌گیری شباهت دارد، اعلام می‌داریم راهی که می‌تواند به خروج کشور از بحران فزاینده‌ی فعلی کمک کند و مانع از تحمیل هزینه‌های بیشتر به منافع ملی شود، پایان بخشیدن به حبس ظالمانه‌ی آقایان موسوی و کروبی است.»

در این بیانیه پرسیده شده است که چرا باوجود اعلام آمادگی چند باره آقایان موسوی و کروبی برای محاکمه، نظام دادگاهی برای محاکمه آنها تشکیل نمی‌دهد؟

این زندانیان سیاسی، رفتار حاکمیت در برخورد با رهبران مخالف دولت و همسرانشان را نشانه‌ای از «استیصال» جریان حاکم و عدم موفقیت آنها در مقابله با خواسته‌ها و مطالبات مردم ارزیابی کرده‌اند.

زندانیان سیاسی در بخش دیگری از نامه خود نادیده گرفتن بدیهیات قانونی و قضایی در قبال خانواده‌های موسوی و کروبی را نشانه «سوء استفاده از قدرت» دانسته و آن را نمادی بارز از روند تلخ تبدیل نظام به «حکومتی خودکامه و خودسر» خوانده‌اند.

حکومتی که به گفته امضا کنندگان نامه برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود در استفاده از قدرت هیچ محدودیت «قانونی، شرعی، عرفی و اخلاقی» برای خود نمی‌شناسد.

در این بیانیه، رفتار حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورد با معترضان داخلی و درمقابل حمایت از جنبش‌های اعتراضی منطقه «طنز آمیز و عجیب» توصیف شده است.

این زندانیان، بازداشت‌های گسترده نزدیکان کاندیداهای اصلاح‌طلب، فعالان سیاسی و مطبوعاتی و برگزاری دادگاه‌های «فرمایشی» و «محاکمه‌های نمایشی» را یادآور کودتاهای نظامی در کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه دانسته‌اند.

در این نامه همچنین به گفته‌های حامیان دولت در ایران مبنی بر رای ۱۴ میلیونی کاندیداهای اصلاح‌طلب اشاره شده و سرکوب همه‌جانبه، اعمال فضای امنیتی- نظامی، عدم صدور مجوز راهپیمایی و برگزاری مراسم تشییع جنازه یا برگزاری مجلس ختم یک ورزشکار ملی را از نشانه‌های «هراس» این افراد از «جنبش زنده سبز» خوانده‌اند.

بهمن احمدی امویی، حسن اسدی زیدآبادی، مسعود باستانی، عماد بهاور، علیرضا بهشتی شیرازی، مصطفی تاجزاده، علی جمالی، محمدحسین خوربک، بابک داشاب،محمد داوری، مجید دری، امیرخسرو دلیرثانی، علیرضا رجایی، عبدالله رمضان‌زاده، عیسی سحرخیز، داود سلیمانی، محمد سیف‌زاده، قاسم شعله‌سعدی، کیوان صمیمی، اسماعیل صحابه، محمدفرید طاهری قزوینی، فیض‌الله عرب‌سرخی، مهدی فروزنده‌پور،سیامک قادری، ابوالفضل قذیانی، محسن محققی، محمدرضا معتمدنیا، محمدرضا مقیسه، محسن میردامادی، عبدالله مومنی، بهزاد نبوی، ضیا نبوی و حسن یونسی امضاکنندگان این بیانیه هستند.

اخبار کوتاه

* خانواده شهید آیت الله قدوسی در اطلاعیه‌ای از لغو مراسم بزرگداشت آن شهید در سال جاری خبر دادند و تاکید کردند که وقتی نمی‌توان مراسمی برپا کرد که راه و هدف واقعی آن شهید را زنده کند، نمی‌توان نام او را یادآوری کرد.

* دولت هلند در گزارشی اعلام کرد که که در حدود ۳۰۰ هزار کاربر ایرانی اینترنت طی ماه گذشته توسط یک یا چند نفر هک شدند.

* شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد و مجید نامجو وزیر نیرو بر سر افزایش ۱۴ درصدی قیمت آب توافق کرده اند.

* یک منبع آگاه در اداره کل محیط زیست خراسان شمالی از شیوع بیماری درمان‌ناپذیر طاعون نشخوارکنندگان در حیات وحش زیستگاه ساریگل خبر داد.

* رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر ایران گفته است که «با توجه به اینکه کانون انتقال بیماری وبا، مزارع کشاورزی است، استفاده از سبزیجات در رستوران های و اغذیه فروشی ها تا اطلاع ثانوی ممنوع است.»

* نگرانی نمایندگان مجلس از آغاز دور چهارم سفرهای استانی دولت احمدی‌نژاد در آستانه انتخابات مجلس بالا گرفته و در جایی دیگر دیوان محاسبات هم گزارشی مفصل از اجرایی نشدن بخش وسیعی(۷۰ درصد) از وعده‌های دولت نهم و دهم در سفرهای استانی خبر داده است.

* طلافروشان بازار تهران بیست روز پس از اعتصاب پارچه‌فروشان به آنها ملحق شده‌اند. طلافروشان در حوادث اعتصابات سه سال قبل بازار پیشرو بودند.

* بهاره هدایت دانشجوی زندانی که به ۹ سال و نیم زندان محکوم شده است و از دهم مرداد ماه برای پیگیری درمان بیماری‌هایش در مرخصی استعلاجی به سر می‌بُرد بعدازظهر دیروز با اتمام دوران مرخصی و عدم تمدید آن به زندان اوین بازگشت.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه
WWW.KALEME.COM

ویژه نامه

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۷ ، ویژه نامه ، پنج شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

پس از ۲۰۰ روز حبس ، در دیدار با فرزندان ؛

میرحسین : آینده روشن است

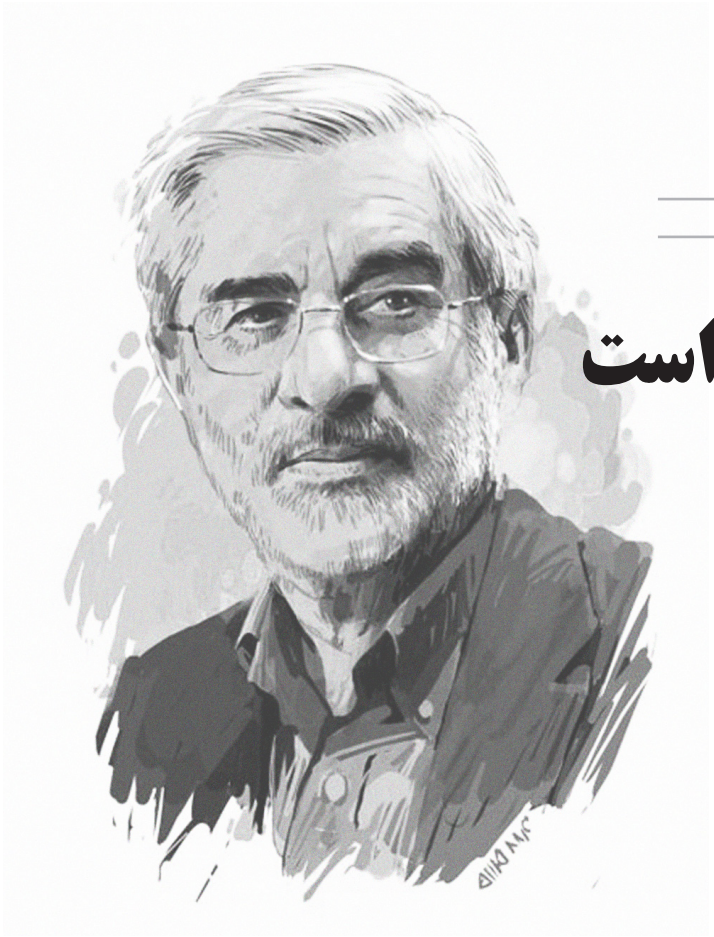

گزارش دیدار با فرزندان :

«میرحسین موسوی» و «زهرا رهنورد» پس از گذشت ۷ ماه حبس برای نخستین بار با حضور در خانه یکی از دختران، همزمان با سه فرزندشان دیدار کردند.

به گزارش «کلمه»، این دو همراه مردم، در روزهای گذشته با حضور تعدادی از ماموران امنیتی زن و مرد، در خانه یکی از فرزندان حضور یافتند. این ملاقات ناگهانی و بی سابقه نخستین ملاقات زهرا رهنورد و میرحسین موسوی در خارج از محدوده حبس، بعد از ۷ ماه و با حضور جمعیِ هر سه دخترانشان بوده است.

آینده روشن است...

میرحسین موسوی در این دیدار با اشاره به تحولات جاری کشور گفت: آینده روشن است. نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس همچنین با اشاره به انتخابات پیش رو گفته است: با توجه به تداوم وضعیت فعلی نمی توان امیدی به انتخابات و شرکت در آن داشت.

مهندس موسوی همچنین با شرح برخی از محدودیتها اظهار کرد از آنجایی که فشارها و محدودیتها به دلیل آرمان و سخن حقیست که هر دو به آن اعتقاد دارند، شکرگزارند و راضی به رضای خدا.

گفته شده است که بخشی از فشارهای نیروهای امنیتی در طول مدت حبس، ایجاد نگرانی برای موسوی و رهنورد، در مورد وضعیت سلامت، زندگی و امنیت دخترانشان در زمانهای طولانی بی خبری از آنها بوده است.

حضور یک مقام قضایی و برخورد قاطع موسوی

حضور یک مسوول بلند پایه قضایی در این دیدارخانوادگی که تنها دیدار موسوی و رهنورد با دختران در خارج از محدوده ی پاستور بود از نکات قابل تامل بود که البته این مساله با اعتراض شدید میرحسین موسوی روبرو شد که این شخص چرا و با دستور چه کسی در خانه فرزندش حضور یافته است.

قطع دسترسی ها و خروج بسیاری از آثار هنری شخصی از منزل

دراین دیدار میرحسین موسوی و خانم زهرا رهنورد تاکید کردند که کلیه ارتباطات آنها و نیز دسترسی به روزنامه، رادیو و حتی بعضا لوازم نوشتاری قطع شده است. موسوی و رهنورد تاکید داشتند که این اقدامات تنها برای پاک کردن ذهن آنهاست در حالی که محال است با این گونه کارها ذهن ایشان نسبت به حقایق پاک شود. همچنین آقای موسوی و خانم رهنورد گفتند: تعداد زیادی از آثار هنریشان و نقاشی های ایشان و خانم رهنورد در روزهای ابتدایی حصر و در بازرسی ها از خانه توسط ماموران خارج شده و در جای نامعلومی نگهداری می شود.

وضعیت جسمی خوب، روحیه عالی

طبق اطلاعات رسیده، در این دیدار و در پرس و جوی دختران از شرایط جسمی پدر و مادرشان، حال خانم رهنورد و آقای موسوی کاملا خوب بوده و در شرایط مساعد جسمی و روحیه بسیار عالی قرار داشتند. میرحسین پس از با خبر شدن از دروغپردازی های برخی سایت‌های حکومتی در مورد سلامتی اش ضمن اظهار تعجب، هرگونه بیماری خود و خانم رهنورد را به صورت جدی تکذیب کرد.

افزایش فشار ها پس از این دیدار و قطع دوباره ارتباط تلفنی

بر اساس آخرین خبر دریافتی از منابع موثق کلمه، پس از این دیدار، میرحسین و رهنورد در خارج از محدوده ی پاستور و سخنان صریح میرحسین خطاب به مسوول قضایی، فشارها بر مهندس موسوی و دکتر رهنورد افزایش یافته و مجددا کلیه ارتباطات محدود تلفنی ایشان با خانواده و دختران نیز به صورت کامل قطع شده است.

سخنان میرحسین در این دیدار دومین اظهار نظر موسوی در سال ۹۰ است که به رسانه ها راه پیدا می کند. وی فروردین امسال زمانیکه با حضور در منزل پدری با پیکر مرحوم میر اسماعیل موسوی وداع می کرد همگان را خطاب قرار داده بود که: **«صبر...صبر...صبر...».**

میرحسین موسوی امروز حافظه ماست

برای آینده روشن می‌کوشیم

کلمه-داریوش محمدی: خبر دیدار میر حسین و رهنورد با فرزندانش برای من نیز به مانند همه همراهان جنبش سبز که تشنه دیدار و گفتار میرحسین‌اند، غیر منتظره است. قبل از هرچیز در میان گزارش کلمه به دنبال خبر سلامتی میرحسین و خانم رهنورد می‌گردم. سایت کلمه آن را در انتهای خبر کار کرده است و این کمی عصبانی‌ام می‌کند. عصبانیتی که با خواندن خبر سلامتی میر حسین فروکش می‌کند و به شادی تبدیل می‌شود. زیر لب می‌گویم کاش دوستان کلمه تیتر زده بودند «میر حسین سلامت است و می‌گوید آینده روشن است».

این بار گزارش را به دقت می‌خوانم. در میان یکان یکان واژگان به دنبال کلام مردی می‌گردم که تسلیم آن صحنه آرایی خطرناک نشد، تا بزرگ‌ترین جنبش مردمی معاصر را کلید بزند. نگاهم بر نقل قولی از میر حسین می‌ایستد: «این اقدامات تنها برای پاک کردن ذهن آنهاست در حالی که محال است با این گونه کارها ذهن ایشان نسبت به حقایق پاک شود». به خودم می‌گویم یعنی آیا کار حاکمان ما به جایی رسیده است که در توهم تسلیم و شکستن مقاومت این مردانند؟! آن هم مردی که به نخست وزیر دفاع مقدس مشهور است؟ نخست وزیر سخت ترین سالهای این مرز و بوم. گیرم که ذهنِ مهندس موسوی را هم به روش‌های استالینی و به کمک تکنولوژی غربی پاک کردند، با حافظه مردم که سرشار از کرده‌ها و گفته‌ها و بیانیه‌های میر حسین است چه می‌کنند؟ مگر میرحسین، امروز حافظه ما نیست؟ مگر عاقبت مصدق و کاشانی را نخوانده‌اند؟

بی‌سیاستی در حکومت، غوغا می‌کند. معلوم نیست سیاستشان برای شکل گیری این دیدار غیر منتظره چه باشد. بعید است بتوانند با این کارها کسی را برای شرکت در انتخابات ترغیب کنند، بعید است بتوانند بر گزارش گزارشگر سازمان ملل تاثیری بگذارند، حتی بعید است با این کار بتوانند ایرادات حقوقی و سخنان متناقض دو روز پیش محسنی اژه‌ای را کم رنگ کنند. نیت هر چه باشد، مهم نیست، مهم آنجاست که این خبر ناخواسته موج شادی را از سلامتی میر حسین و رهنورد در میان شبکه‌های اجتماعی به راه انداخته ست.

این «شادی ممنوع» را گریزی نیست و بیچاره اقتدار گرایان که دشمنان شادی‌اند. بیچاره حاکمانی که محصور فرمان خویش‌اند. بیچاره حاکمانی که نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس این آب و خاک را اینگونه می‌خواهد. بیچاره آن مقام قضایی که قداست خانه فرزندان دفاع مقدس را می‌شکند. بیچاره سپاهیانی که لباس مقدس رزمندگان دین و وطن را پوشیده اند اما توان دفاع از آرمان‌های هشت سال دفاع مقدس را ندارند. بیچاره دولتیانی که صاحب دولت هشت سال دفاع مقدس را به اسارت برده‌اند. بیچاره اسارت که اسیر استقامت میرحسین شده است و بیچاره آزادی که فدایِ آزادگی میر شده است.

این «موج شادی»، بوی امید می‌دهد که میر حسین گفته است «آینده روشن است». گویی همین یک جمله کوتاه کافیست تا راه سبزمان را امیدوارانه ادامه دهیم وگویی همین جمله کافی است تا اقتدارگرایان را ناامیدتر کند. راستی که «صبر» و «امید» کلید واژگان جنبش سبزاند و براستی «میر حسین» اینجا نیز «نماد صبر و امید» ماست.

میر حسین «شکر گزار است و راضی به رضای خدا». ما نیز شکرگزاریم که میرمان سلامت است. میرحسین گفته است که «با توجه به تداوم وضعیت فعلی نمی‌توان امیدی به انتخابات و شرکت در آن داشت. ما نیز تا تداوم وضعیت فعلی به انتخابات امیدی نداریم و به شرکت در آن نمی‌اندیشیم. میر حسین گفته است «آینده روشن است» و ما برای آینده روشنی می‌کوشیم که فراروی مردمان این سرزمین ایستاده است. امروز میرحسین سلامت است و حال همه ما خوب است. گیرم اقتدارگرایان هم باورشان نشود...

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۸ ، دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

دولتمردان نه مشکلات جهان را حل کردند و نه بر حقوق تردیدناپذیر ملت خود تاکید نمودند، که با گشاده‌دستی از این حقوق عقب نشستند. آنها نشان دادند که حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراط گرند.

میرحسین موسوی- بیانیه شماره ۱۴ – ۹ آبان ۸۸

خاتمی: دعوای ما با کسانی است که جز خودکامگی نمی شناسند

محمد خاتمی در دیدار با شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با انتقاد از افرادی که حقی برای مردم نمی شناسند گفت: دعوای ما با یک تلقی از اسلام است که هیچ شیوه‌ای جز استبداد و خودکامگی را به رسمیت نمی‌شناسد.

آقای خاتمی همچنین با انتقاد بر فضای حاکم بر دانشگاهها تاکید کرد: «دانشگاه نه پادگان است که در آن چون و چرا معنی ندارد و سلسله مراتب سخت برآن حاکم است و رابطه در آن فرماندهی وفرمانبری است نه توجیه کننده سیاست ها و روش ها. بلکه جایگاه نقد ونظر آزاد است، امری که حیات و تحول جامعه به آن وابسته است و شمادانشجویان مسلمان باید پیشتاز نقد باشید.»

ابتکار: شروط خاتمی کف خواسته ها برای حضور در انتخابات است

معصومه ابتکار عضو اصلاح طلب شورای شهر تهران با تاکید بر شروط و الزامات مطرح شده توسط سید محمد خاتمی برای شرکت در انتخابات پیش رو گفت: شروطی که آقای خاتمی مطرح کردند کف خواست و مطالبات جریان اصلاح‌طلبی است.

معاون خاتمی در دولت اصلاحات در گفت و گو با روزنامه اعتماد تاکید کرد: به نظرم سابقه جریان اصلاحات می‌گوید که تفکر و نگاه این جناح چگونه است حالا اگر فردی جایی پیدا شود و ادعای دیگری داشته باشد نمی‌توان جلودار او بود اما طیفی که اصلاحات در منظر مردم شناخته شده هستند الان کف شرایطشان برای حضور در انتخابات، شرایطی است که آقای خاتمی مطرح کردند.

وی با اشاره به اینکه هنوز سیاست اصلاح‌طلبان یا گروه‌های منتسب به آنها برای انتخابات مشخص نیست، تصریح کرد: هنوز به تصمیم قطعی نرسیده‌اند. آنچه مشخص است شرایط و الزاماتی است که آقای خاتمی مطرح کرده است. به نظر من حتی شرایط هم نیست یکسری الزامات است. بنابراین آنچه ایشان اعلام کرده‌اند قطعی‌ترین موضع انتخاباتی طیف اصلاح‌طلبان است.

امیرارجمند:

مساله آذربایجان مساله همه مردم ایران است

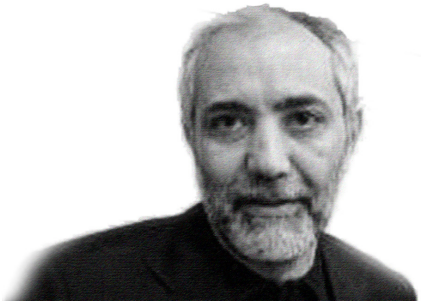

مشاور میرحسین موسوی درباره این سخنان گفت: با شنیدن اظهارات دادستان کل دو گونه برداشت ممکن است. اول اینکه ایشان در این مقام، الفبای حقوق و امر قضا را اصلا نمی داند، دوم چنان دچار استیصال و بن بست است که مجبور به اتخاذ چنین مواضع غیر مسوولانه ای می‌شود. معنای سخن ایشان این است که برای زندان کردن نیاز به قانون نداریم چون گردن کلفت هستیم. یعنی ما نه حکومت قانون را قبول داریم و نه آزادی های فردی را. یعنی مقامت و سازمان‌های حکومتی فرای قانون قرار دارند.

«امیرارجمند» به تبعیض های صورت گرفته نسبت به ایرانیان اشاره و درباره ممانعت از برگزاری نماز عید فطر اهل سنت این سوال را مطرح کرد که ممانعت از اقامه نماز عید فطر برادران اهل تسنن در تهران و تلخ کردن عید بر آنها بر اساس چه مجوز شرعی و قانونی صورت گرفته است؟

وی ادامه داد: آیا این عمل چیزی را جز تشدید احساس تبعیض نزد این هموطنان گرامی ایجاد می‌کند؟ آیا این گونه رفتارهای نابخردانه به نفع امنیت و همبستگی ملی است؟ همه ما باید این گونه اعمال را محکوم کنیم واز حقوق آنها دفاع کنیم.

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید با اشاره به ادامه سرکوب مطالبات بر حق مردم آذربایجان افزود: ادامه سرکوب مطالبات بر حق مردم شریف و فهیم آذربایجان در دفاع از دریاچه ارومیه و میراث فرهنگی‌اشان که برای همه ایرانیان در هر کجای دنیا اهمیت دارد با نام تعریف از امنیت ملی و کدامین مبای عقلانی و قانونی قابل دفاع است؟ حمایت از مطالبات قانونی آنها وظیفه ای ملی برای همه ماست. مردم آذربایجان همواره در صف مقدم دفاع ازاستقلال وکیان ایران زمین و آزادی مردم این دیار بوده اند. و یا در سوی دیگر نابردباری خشونت امیز در قبال دراویش بر چه اساسی صورت می گیرد؟ آیا این چیزی جز منطق زور است؟

وی این سوال را مطرح کرد که آیا با پاره پاره کردن مردم به شهروندان درجه یک و درجه دو و سه ، به فارس و آذری، سنی، کرد و درویش و غیره می‌خواهید ضامن تمامیت ارضی، استقلال و توسعه متوازن کشور باشید؟

دکتر «اردشیر امیرارجمند» تاکید کرد: مردم می‌خواهند وجود کروبی و موسوی را در بین خود احساس کنند. بدون آزادی موسوی و کروبی به معنای واقعی شرایط سیاسی تغییر نکرده و آماده انتخابات نخواهد بود. آزادی آنها شرط لازم انتخابات آزاد است. رقابت، مولفه اساسی انتخابات است. چگونه انتخابات آزاد قابل تصور است در حالیکه رهبران معترضان در زندان هستند؟

اما بخش دیگر سخنان «امیرارجمند» در پاسخ به سوالی درباره اظهارات اخیر «محسنی اژه ای» دادستان کشور و سخنگوی قوه قضاییه بود. اژه ای ابتدای هفته گذشته در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که آیا حصر خانگی برخی از چهره های سیاسی به معنای بازداشت موقت است ادعا کرده بود که حصر خانگی بازداشت نیست برخی از افراد به نفع خودشان است که محدود شوند ولی در آئین دادرسی چنین تعبیری وجود ندارد.

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید با تاکید بر اینکه شرط لازم انتخابات، آزادی آقایان موسوی و کروبی است به سخنان وزیر اطلاعات و سخنگوی قوه قضاییه در ارتباط با جنبش سبز و حصر رهبران این جنبش نیز واکنش نشان داد وی همچنین در گفت و گوی خود به نحوه مواجهه با بحران دریاچه ارومیه، بازداشت دراویش و جلوگیری از برگزاری نماز عید فطر اهل سنت اشاره و این سوال را مطرح کرد که آیا با پاره پاره کردن مردم به شهروندان درجه یک و درجه دو و سه، به فارس و آذری، سنی، کرد و درویش و غیره می‌خواهید ضامن تمامیت ارضی، استقلال و توسعه متوازن کشور باشید؟

اخبار کوتاه

* آیت‌الله بیات زنجانی مرجع تقلید شیعه ساکن قم می گوید اگر موسوی و کروبی در جامعه بی‌اثر بودند حصر نمی‌شدند.

* رئیس سازمان بازرسی کل کشور می‌گوید که این سازمان، افزایش پرداخت یارانه‌ها را غیرکارشناسی و بدون پشتوانه مالی می‌داند.

* علی مطهری، نماینده اصولگرای مجلس ایران، در یادداشتی برای خبرگزاری خبرآنلاین، نوشته است که اکنون مجلس و قوه قضاییه ایران مستقل نیستند.

* روزنامه شرق از جداسازی جنسیتی در دانشگاه‌های امیرکبیر تهران و یزد خبر داده است.

* دولت هلند در گزارشی اعلام کرد که که در حدود ۳۰۰ هزار کاربر ایرانی اینترنت طی ماه گذشته توسط یک یا چند نفر هک شدند.

* جمعی از جوانان اصلاح طلب در بیانیه ای از مسئولین امر بویژه مسئولین سازمان محیط زیست و سازمان میراث فرهنگی و نیز نمایندگان مجلس خواسته اند که برای حفظ دریاچه ی ارومیه، این سرمایه ملی هرچه سریعتر اقدامات لازم را انجام دهند.

* در حالی که مصطفی پور محمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور اختلاس سه هزار میلیارد دلاری در بانک صادرات را "بی سابقه ترین" پرونده فساد اقتصادی توصیف کرده، محمد جهرمی مدیر عامل این بانک می گوید که از بانک صادرات اختلاس نشده است.

* علی نیکزاد وزیر راه و شهرسازی گفته که قبول کنیم عمر ناوگان هوایی ایران بالاست و همواره دست به دعا هستیم و سعی داریم تا سن ناوگان هوایی را کاهش دهیم.

نامه تاجزاده به مراجع و درخواست دفاع از ملت مظلوم سوریه

سید مصطفی تاج زاده زندانی سیاسی خواهان موضع گیری صریح آنان در قبال فجایع رخ داده در سوریه و کشتار مسلمانان این کشور توسط حکومت بشار اسد شده است.

در قسمتی از این نامه که در آخرین روز ماه مبارک رمضان و در زندان اوین نگاشته شده، آمده است: آیا فتوای تاریخی آیت‌الله العظمی سیستانی درباره حق تظاهرات اعتراضی در عین خشونت‌پرهیزی، منحصراً مربوط به ملت عراق می‌شود و یا این یک حق عام است و اختصاص به یک ملت خاص ندارد؟ به طور مشخص آیا مسلمانان سوریه نیز در جریان تظاهرات اعتراضی از همان حقی برخوردارند که مسلمانان بحرین و مصر و تونس و لیبی و عراق برخوردار هستند؟

تاج زاده با اشاره به کودتای انتخاباتی سال ۸۸ می نویسد: "چنانچه فتنه کودتای انتخاباتی نظامی- امنیتی‌های مداخله‌گر در سیاست و انتخابات ایران رخ نمی‌داد و تظاهرات اعتراضی و ضد کودتایی ایرانیان از سوی حاکمیت تحمل می‌شد، امروز منظره دیگری را در خاورمیانه شاهد بودیم و به جای سبقت گرفتن بلامنازع و بی‌رقیب ترکیه، جهان اسلام به مصداق اصل قرآنی "فاستبقوا الخیرات" به صحنه مسابقه شیرین دموکرات- مسلمان‌های ترک، ایرانی و عرب در جهت یاری رسانی به مظلومان سوری و بحرینی و یا لیبیایی و یمنی تبدیل می‌شد."

وی با مقایسه شعار حاکمان در ایران "خدا- ولی فقیه- ایران" با شعار بعثی "الله، سوریه، بشار و بس" آورده است: "اقتدارگرایان ایرانی تلاش می‌کنند با تجرید، تجزیه و تفکیک اصل ولایت فقیه از پیکره قانون اساسی، آن را از همنشینی و سازگاری با حقوق مصرح ایرانیان در فصول سوم و پنجم قانون اساسی رها سازند و عملاً به شکل "خدا- ولی فقیه- ایران" در آورند و به این ترتیب روایتی ولایی از اصل شاهنشاهی "خدا- شاه- میهن" به دست دهند."

این زندانی سیاسی در بخشی دیگر از نامه خود با اعتراض به سیاستهای حاکمان جمهوری اسلامی در قبال وقایع سوریه، آورده است: "کسانی که می‌کوشند ایران و ایرانی و نیز شیعیان را تا سطح "متحد طبیعی حزب بعث سوریه" تنزل دهند، نمی‌فهمند که باد کینه در قلوب آزادیخواهان منطقه می‌کارند و فردا طوفان فتنه درو خواهند کرد."

آیت الله صانعی: ظلم ظالمین تمام می شود و واقعیت ها می ماند

آیت الله العظمی صانعی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران گفت: «بدانید مظلومیت همیشه در تاریخ بوده و مخصوصاً شیعیان به خاطر دوری از حاکمان وقت و مبارزه با ظلم و ستم، همیشه در مظلومیت به سر برده اند.»

ایشان در ادامه به برخی از موضوعات روز اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: «امروز باید به سمتی برویم و اصولی را مطرح کنیم که باعث بیداری و آگاهی دیگران هم بشود، باید ریشه ها را دریابیم و در مسائل جزئی که برای سرگرمی جامعه و دور نمودن آنها از عدالت و حقوق انسانی است وارد نشویم.»

وی در ادامه خطاب به دانشجویان تاکید کرد: «دانشجویان عزیز، بدانید ظلم ظالمین تمام می شود و واقعیت ها می ماند، آه مظلومین گریبان ظالمین را خواهد گرفت و مطمئن باشید که رفتارها و روش های همراه با خشونت و عسر و حرج و استبداد و خودکامگی و تضییع حقوق مردم ـ که حاکم اصلی و واقعی می باشند ـ به پایان خواهد رسید. توجه داشته باشید که اساس اسلام بر تسلیم در مقابل الله، حق، عدالت و حریّت می باشد و اسلام آن است که شهید مطهری (قدس سره) معرفی می کند اسلام آن است که امام (س) معرفی کرد.»

آیت الله صانعی در ادامه این دیدار گفت: «به هر حال، مأیوس نباشید، در حد توان آگاهی بدهید، در حد توان به آنانی که خودشان را فدایی این ملت و مملکت کرده اند احترام بگذارید، نامشان را با احترام یاد کنید و علاقه خودتان را هر طور هست به آن ها اعلام نمائید.»

ایشان در پایان با بیان برخی ناهنجاری ها در جامعه یاد آور شد: «من بارها مطرح کرده ام که اساس همه ظلم ها در اسلام، دروغ است و الان هم تاکید می کنم که زیر بنای همه مفاسد و ناهنجاری ها و ظلم ها، دروغ است که امروز شاهد آن هستیم چون واضح است ظالم ظلم می کند و می گوید عدل است آن هم عدل الهی که این خود گناهی بزرگ می باشد.»

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۰۹ ، چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ما به دنبال آزادی، عدالت و کرامت انسانی هستیم و اینها اهدافی هستند که تحققشان با اجماع و تاکید گسترده و تحول‌آفرین مردم بر چارچوب قانون اساسی و مطالبه‌شان برای اجرای کامل و دقیق آن امکان‌پذیر است.
میرحسین موسوی- ۱۳۸۸

روایتی از ملاقات حضوری دختر خردسال یک زندانی سیاسی با پدر

مادر مهدی محمدیان، روزنامه نگار و زندانی سیاسی، با اشاره به ملاقات اخیرش می گوید: «زینب نوه ام رفت پیش زندانبان و گفت عمو می توانید به من اجازه دهید بروم و بابایم را ببینم؟ تولدش است و من می خواهم او را نیشگون بگیرم، بغلش کنم و کتکش بزنم. آن مامور گفت به خدا دست من نیست اما رفت و بعد از ده دقیقه صدا کردند که زینب محمودیان بیاید. آنقدر این بچه خوشحال شد که قابل تصور نیست. آنقدر از سر و کول پدرش بالا رفت و او را بالا و پایین کرد که همه نگاهش می کردند و اشک می ریختند.»

مادر مهدی محمودیان در گفت‌وگویی می افزاید: «همه حتی سربازها هم متاثر شده بودند. اشک همه در آمده بود. خود زینت هم خدا می داند که خیلی ذوق زده شده بود. بالا و پایین می پرید. تا پایین هم که آمدیم از همه تشکر می کرد بس که شاد شده بود.»

مادر مهدی محمودیان با اشاره به اینکه سومین جشن تولد فرزندش در زندان را شاهد است می گوید: «من می خواهم مهدی بداند که به او افتخار می کنم. به مردانگی اش به آقایی اش به شجاعتش افتخار می کنم. همین.»

وی همچنین گفته است: «من از کسانی که مسوول این کارها هستند می خواهم کمی به کردار و رفتارشان نگاه کنند. به خاطر خدا به این گرفتاری ها خاتمه بدهند و نگذارند بیشتر از این مشکلات اضافه تر شود. به درد جوان ها برسند و ببینند این ها چه می خواهند. با این وضع مملکت را به باد فنا می دهند و هیچ چیزی جز ویرانی عایدشان نمی شود.من یک سوال دارم. می خواهم بدانم کسی که درد جامعه را می فهمد و بازگو می کند مجرم است یا کسی که برای جامعه درد ایجاد می کند؟ کدامشان مستحق مجازات هستند؟ خواهش می کنم سوال من را جواب دهند.»

مهدی محمودیان، عضو جبهه مشارکت، روزنامه نگار و فعال حقوق بشری است که از ۲۵ شهریور ۱۳۸۸ بدون استفاده از حق مرخصی در حبس به سر می برد. وی بیش از ۷۰ روز در انفرادی بوده و از حدود یک سال پیش از بند ۳۵۰ اوین به زندان رجایی شهر منتقل شده در حالی که در حکم ۵ سال حبس تعزیری وی، موضوع تبعید یا نفی بلد نیامده است.

اخبار کوتاه

* اکبر امینی، فردی که پیش از تظاهرات روز ۲۵ بهمن در بالای جرثقیلی مردم را به شرکت در تظاهرات فرا می‌خواند، در دادگاه بی گناه شناخته شد.

* محمود احمدی‌نژاد در گفتگو با شبکه ان‌بی‌سی آمریکا گفت که دو جوان آمریکایی زندانی در ایران «دو روز دیگر» آزاد می‌شوند.

* دهها تن از هنرمندان داخل و خارج ایران با صدور بیانیه‌ای نسبت به برخوردهای امنیتی با فعالان عرصه هنر اعتراض کردند.

* رئیس دیوان محاسبات کشور اعلام کرده که دولت در هشت ماه اول برنامه حذف یارانه‌ها ۱۵ میلیارد دلار برای یارانه‌ها هزینه کرده است.

* "جمعی از حامیان جنبش سبز" طی نامه‌ای سرگشاده از اعتراضات مردم آذربایجان در جهت جلوگیری از خشک‌شدن دریاچه ارومیه حمایت کردند.

* سخنگوی حزب اعتماد ملی می گوید که مهدی کروبی جایی برای حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده مجلس ایران نمی‌بیند.

* عیسی سحرخیز، روزنامه نگار زندانی در زندان رجایی شهر به شدت بیمار است. او با این وجود تاکنون از هیچ گونه مرخصی استفاده نکرده است.

* رئیس کمیسیون انرژی مجلس گفته هزار نیروی کارشناسی خلاق ایران خودرو، این شرکت را ترک کرده‌اند و برای شرکت‌های خارجی کار می‌کنند.

* سید عمادالدین خاتمی، پسر سید محمد خاتمی، رییس جمهور پیشین کشورمان به خبر دروغین سایت جوان آنلاین وابسته به سپاه پاسداران واکنش نشان داد و تاکید کرد که در ایران است.

درخواست وبلاگ‌نویسان اصولگرا از رهبری:

دست از حمایت از دولت اختلاس‌گر بردارید؛ بگذارید مجلس استیضاح کند!

یک وبلاگ‌نویس اصولگرا با انتشار فراخوانی از دوستداران آیت الله علی خامنه‌ای رهبری کشور خواسته است تا به حمایت‌های خود از دولت دهم پایان داده و اجازه دهد مجلس احمدی‌نژاد را استیضاح کند.

وبلاگ «ذره صفت» این فراخوان را در واکنش به انتشار خبر اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات منتشر کرده است.

در پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی پول به سیستم بانکی بازگردانده نشده و بنابر اعلام مدیر عامل بانک صادرات حدود ۲۰۰۰میلیارد تومان از طلب‌های بانکی پرداخت نشده، یعنی ۲ هزار میلیارد تومان وجوه خارج شده از سیستم بانکی وجود دارد که گویا تماما از کشور خارج شده است.

این اتفاق آنقدر بزرگ است که صدای اصولگرایان را هم درآورده است و انگشت اتهام را به سوی مسئولان دولتی نشانه رفته است.

وبلاگ «ذره صفت» که نویسنده ای اصولگرا دارد در این زمینه فراخوانی را منتشر کرده و می نویسد: «آنقدر عدد بزرگ هست که هرکس در بدو شنیدن می‌کوشد تعداد صفرهایش را در ذهن مجسم کند. ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان اختلاس که در رکورد گینس ایران باید ثبت شود... اسناد همکاری مشایی با اختلاس کننده نیز روشده و در متن هر دو نامه مشایی خبر از دستور و موافقت رییس جمهور داده است. حتی کیهان نیز از دست داشتن عناصری از دولت در اختلاس خبر داده است.»

این وبلاگ نویس تاکید می کند که هر جای دنیا که دولتی دموکراتیک برسرکار باشد از شدت و عمق این فاجعه استعفا خواهد داد اما خوب این دولت پرروتر از این حرفهاست و همین روزهاست که احمدی‌نژاد در تلویزیون حاضر شده و از اساس مسئله را انکار کند.

او اما درخواستی هم از نمایندگان مجلس دارد و می نویسد : «اما از نمایندگان خود در مجلس خواهشمندیم در برابر این افتضاح بزرگ سکوت نکنند و این دولت که آرام آرام دارد در فساد غوطه می‌خورد را استیضاح کند... می‌دانیم طرح سوال آن‌ها از احمدی‌نژاد ماه‌هاست که ظاهرا به دلیل مخالفت رهبری و اصرار ایشان بر دفاع از دولت معطل مانده. اما اکنون و با عنایت به این افتضاح بزرگ از رهبری درخواست داریم دست از حمایت این دولت بردارد... رمال دولت و اعترافاتش را که حتما خدمتتان آورده‌اند... خودتان هم دیگر به آمارهای دولت اعتقاد ندارید و این مسئله را گوشزد

اختلاس ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومانی

کردید... این افتضاح بزرگ ادعای عدالت محوری دولت و مبارزه با فسادش را نیز زیر سوال برد... خواهش داریم دست از حمایت دولت بردارید و اجازه دهید نمایندگان ما در مجلس به وظیفه قانونی خود در استیضاح این دولت عمل کنند.»

این وبلاگ نویس اصولگرا در انتها با گذاشتن آدرس سایت رهبری عنوان می کند که از همه دوستان خواهشمندم با مراجعه به سایت ایشان درخواست خود مبنی بر قطع حمایت از دولت فاسد احمدی‌نژاد را از ایشان بخواهند.

همزمان با این فراخوان سایت اصولگرای «جهان» خبر داده که در گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌ها تخلفات زیادی ذکر شده بطوریکه به گفته یکی از اعضای این هیئت اگر این گزارش در مجلس قرائت و تحویل قوه قضائیه شود، تعداد زیادی از مسئولین بانک ها باید روانه زندان شوند.

از سوی دیگر براساس اظهارات وزیر اسبق راه و ترابری، در شرایطی که سه میلیون بیکار در کشور وجود دارد و بسیاری از ایرانیان در فقر بسر می برند مسوولان بانکی به دلیل رخداد اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی باید استعفا دهند. او در عین حال تاکید کرد که اختلاس چنین مبلغی نمی تواند کار یک نفر باشد بلکه قطعا باید گروهی متشکل از مسوولان بالارتبه دولتی به آنها کمک کرده باشند.

علی اکبر ترکان تاکید کرد:دولتی که با ادعای مبارزه با فساد بر مسند نشسته است باید در مواجهه با چنین اختلاس بزرگی واکنش نشان دهد.

به گفته او، باید این مساله به صورت جدی توسط قوه قضاییه پیگیری شود اما متاسفانه تجربه ثابت کرده دولت در مقابله با چنین مسائلی که مربوط به یاران دولتی می شود ترجیح می دهد مساله بایکوت شود تا سروصدایی بلندشود.

ترکان با اشاره بر اینکه زمانی به دلیل اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در بانک صادرات مجرم را اعدام کردند،افزود: در چنین شرایطی مسوولان دولتی باید برای برگرداندن اعتماد مردم و جامعه تلاش کنند تا با محاکمه جدی اختلاس کنندگان آرامش را به بدنه جامعه باز گردانند.

سازمان ملل خواستار پاسخگویی درباره بازداشت موسوی و کروبی شد

یک گروه تحقیق سازمان ملل، در مورد «ناپدید شدن اجباری» میرحسین موسوی ومهدی کروبی از حکومت ایران توضیح خواسته است.

فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر دوشنبه ۲۱ شهریور با صدور بیانیه ای اعلام کرد که «گروه تحقیق سازمان ملل در باره ناپدید شدن های اجباری» خواهان پاسخگویی تهران در باره محل نگهداری و رعایت حقوق آقایان موسوی و کروبی و همسران آنها شده است.

فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، ۱۱ اسفند ۱۳۸۹ شکایتی را در باره بازداشت غیررسمی میرحسین موسوی، مهدی کروبی، زهرا رهنورد و فاطمه کروبی به گروه تحقیق سازمان ملل در باره ناپدید شدن های اجباری تسلیم کرده بودند.

در پاسخ به چنین درخواستی، گروه تحقیق سازمان ملل در ۱۱ شهریور جاری در نامه ای به آن دو تشکل حقوق بشری، به توضیح پی گیری های خود در مورد سرنوشت رهبران مخالفان دولت پرداخته و تاکید کرده که هرگونه اطلاع دریافتی از حکومت ایران در این باره را به اطلاع آنان خواهد رساند.

دویست روز از بازداشت خانگی رهبران جنبش سبز می گذرد. میرحسین موسوی و مهدی کروبی به همراه همسرانشان در این مدت کمترین تماس را با دنیای خارج داشته و در حلقه محاصره ماموران زندگی کرده اند. تحمیل زندان خانگی به رهبران جنبش سبز با هیچ معیار حقوقی و قانونی در جمهوری اسلامی مطابق نیست و از همین رو بسیاری از ناظران سیاسی این حصر را نوعی گروگانگیری نامیده اند.

نقل قول مشاور مهدی کروبی از وی:

جایی برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات نیست

مشاور شیخ مهدی کروبی با تاکید به الزاماتی که آقای خاتمی برای یک انتخابات آزاد اعلام کرده است موضع مهدی کروبی یکی از رهبران جنبش سبز در این رابطه را نیز بیان کرد و گفت: در دیدار اخیر کروبی با فرزند ارشد خود، وی درباره انتخابات پیش رو اظهار نظر کرده و گفته است:«با مشاهده سخنرانی مقامات نظام که از صداو سیما پخش شد استنباطم این است که جایی برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات نیست و فقط رقابت بین اصول گرایان است.»

اسماعیل گرامی مقدم، مشاور مهدی کروبی و سخنگوی حزب اعتماد ملی از این سخنان این نتیجه را گرفت و تاکید کرد: با این اظهار نظر روشن است که بین دیدگاه آقای موسوی و آقای کروبی بدون اینکه یکدیگر را ملاقات کرده باشند هماهنگی واحدی درخصوص انتخابات وجود دارد.

وی گفت: درگفت وگویی که با فرزند ارشد آقای کروبی داشتم، ایشان اظهار داشتند درملاقات با پدرم درمورد انتخابات از ایشان سوال کردم و آقای کروبی پاسخ داد "درحال حاضر نظر خاصی ندارم" و سپس دیدگاه های جریان خودمان [اصلاح طلبان] وافراد منتسب به حکومت را برای حاج آقا بازگو کردم. ایشان ضمن تائید، فرمودند: "من هم از سخنرانی مقامات نظام که از صداو سیما پخش شد استنباطم این است که جایی برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات نیست و فقط رقابت بین اصول گرایان است".

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۱۰ ، شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

با قامتی سرافراز، گرچه شلاق خورده، مجروح و حبس کشیده ایستاده‌ایم. با مطالباتی برای نیل به آزادی، عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی و مطمئن از پیروزی به یاری حضرت حق، چرا که جز احقاق حق ملت چیزی نخواسته‌ایم.

بیانیه شماره ۱۸ میرحسین موسوی

شهدا کجایید تا ببینید ...

فاطمه چهل امیرانی(همسرشهید باکری)

دخترم سمیه خانم

«بار خدایا ، تو به دوستانت از همه دوستانشان مهربانتری و بر آنان که به تو توکل کنند از هرکس دیگر کارسازتر . درون پرده رازشان را می‌بینی و بر ضمایرشان آگاهی و اندازه بصیرتشان را می‌شناسی و اسرارشان بر تو آشکار است و دلهایشان در حسرت دیدار تو سوخته است .

اگر غربت به وحشتشان افکند یاد تو انس و آرامش آنهاست و اگر باران مصایب بر سرشان ببارد به پناه جستن از تو روی آرند . زیرا می‌دانند که زمام همه کارها به دست توست و هر چه شود به مشیت و قضای توست .» خطبه ۲۱۸ نهج البلاغه.

چه نام برازنده ای! پدر و مادرت با چه نیت خالص و شناختی این نام را بر عزیزی چون شما نهاده اند! شاید می دانستند شما هم مثل آن شیر زن تاریخ اسلام باعث آشکار شدن جهل جاهلان زمان خود خواهید شد.

نمی دانم چگونه از شما عذر خواهی کنم. شما هیچ گناهی ندارید. آرمانهای ما این بود که جامعه ای داشته باشیم بر پایه عدل و قسط که در تمام دنیا نمونه باشد، بر هیچ کس ظلمی نرود، زمینه رشد همه انسانها فراهم شود، دیگر کسانی که "من " هستند بر ما حکومت نکنند، بلکه "ما" شویم. شما از جمله کسانی بودید که آن آرمانها را باور کردید، ولی می خواستید روش ها را تغییر دهید شاید نتیجه بهتری بگیرم.

چه تصادفی! در آستانه آغاز هفته دفاع مقدس هستیم. شهدا علت حضور خود در جبهه ها را فاجعه ی زنان سوسنگرد عنوان می کردند و امروز ... شهدا کجایید تا ببینید.....

ظاهرا آقایان ترسیدند عدالت تعریف شده با تفکر آنان خدشه دار شود و باید حکم داده شده به شما اجرا می شد. به استناد همان تعریف از عدالت خیلی ها مثل من از طرف آقایان به این جرم ها متهم هستیم. پس برای اینکه در حق شما ظلم نشده باشد اینجانب فاطمه چهل امیرانی فرزند ید الله و همسر شهید همت خانم ژیلا بدیهیان آمادگی اجرای حکم شلاق را در برای خود داریم. اما هر شلاقی که بخوریم احساس می کنیم حقمان است چون یک عمر خوابیدیم و فکر کردیم که صلاح مملکت را خسروان دانند. گرچه قلب و روح ما سالهاست تازیانه ها را تحمل کرده .....

سمیه خانم ، چند روز پیش با آسیه درباره کسانی که مورد ظلم و اذیت واقع شده اند صحبت می کردیم. می گفت: " مامان! فکر می کنم بی غیرت شده ایم." می خواهم جواب آسیه را اینجا بدهم ... آسیه! من بی غیرت نیستم. من یک زن آذری هستم که در سایه کوههای سر به فلک کشیده آذربایجان بزرگ شده ام و مانند مردان سرزمینم آزاده ام و آزاد می اندیشم وهمانند مردان مرد تاریخ آذربایجان باغیرتم. و اگر صبر می کنیم، نه صبر زرد است بلکه هنوز معتقدیم کسانی هستند که می توانند بیدار شوند و باید به آنها فرصت داد. امیدواریم روزی برسد که همه ما با هر اعتقادی دست در دست هم سرزمینمان را آباد کنیم.

اخبار کوتاه

* پارچه‌فروشان بازار تهران پس از یک ماه و نیم، به طور موقت و مشروط به اعتصاب خود پایان دادند. آنها یک هفته به دولت مهلت داده‌اند که به مطالبات این صنف توجه کند.

* در چند هفته اخیر بسیاری از زنان متقاضی دریافت مسکن مهر که طی یکسال گذشته برای دریافت مسکن مهر به ویژه در منطقه پردیس اقدام به ثبت نام کرده‌اند با خبری جدید مواجه شدند؛ این که "باید خانه‌های خود را بنام همسرانشان کنند".

* هیئت انتخاب نماینده سینمای ایران در جوایز اسکار، فیلم "جدایی نادر از سیمین" را به عنوان نماینده ایران برای معرفی به این جشنواره برگزید.

* دبیر انجمن صنفی صنایع لبنی ایران می‌گوید که از هفته آینده قیمت محصولات لبنی ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت.

* وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید که بر اساس پیام‌های رسیده از منابع مختلف، قرار است دو کوهنورد آمریکایی زندانی در ایران به زودی آزاد شوند.

* محمد ملکی فعال سیاسی در پی انتشار نامه‌ای که در آن برای گزارشگر ویژه حقوق بشر از شکنجه در زندان نوشته بود ممنوع الخروج شد.

اگر بت پرستان مکه توانستند شما نیز می توانید

پنجاه ضربه شلاق بر پیکر سمیه توحیدلو

حکم شلاق سمیه توحیدلو، از فعالان ستاد میرحسین موسوی اجرا شد. سمیه توحیدلو که متولد ۱۳۵۷ و دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه تهران است، روز چهارشنبه برای اجرای حکم شلاق راهی اوین شد و حکم شلاق وی اجرا شد.

پنجاه ضربه شلاق در حالی بر پیکر این دانشجوی دکترا وارد آمد که احمدی نژاد ایران را آزاد ترین کشور جهان خوانده و بر این ادعاست که بیشترین انتقادات به شخص وی انجام می شود.

سمیه توحیدلو از فعالان ستاد موسوی نقش زیادی در برپایی زنجیره انسانی سبز از راه آهن تا تجریش داشت و از برنامه ریزان اصلی آن بوده است.

وی پس از اینکه با قید وثیقه از زندان آزاد شد، به یک سال زندان و پنجاه ضربه شلاق محکوم شد.

بر اساس این گزارش، حکم یک سال زندان وی بخشیده شد اما حکم شلاق این دانشجوی دکترای جامعه شناسی روز گذشته در اوین انجام شد.

سمیه توحیدلو را به زندان اوین احضار کردند تا پرونده‌اش را «مختومه» کنند. همه در جریان بودند که قرار این «حسن ختام» اینگونه بی‌شرمانه به سرانجام برسد.

بی‌شرمانه تا آن حد که وقتی قاضی اجرای احکام به دست و پا زدن افتاد و حتی با لحنی التماس گونه از کارکنان زن دادسرا و زندان خواست این حکم را اجرا کنند، هیچ‌کدام حاضر نشدند ننگ این وقاحت را در کارنامه‌ی خود باقی بگذارند. آنها کم از این صحنه‌ها ندیده بودند، اما این بار اجرای این حکم ظالمانه، وقاحتی افزون می‌خواست که جز از دستان گنهکار یک مرد – بلکه نامرد – بر نمی‌آمد.

وقاحت اینقدر بزرگ بود که حتی قاضی شعبه، که عاقبت خود دست به شلاق شد و حکم ننگین قاضی مقیسه را اجرا کرد، جرات نکرد پای کار خود بایستد و بدین ترتیب منشی زن دادسرا مجبور شد در پرونده بنویسد که خودش این حکم را اجرا کرده است!

همین سه‌گانه‌ی کوتاه، تمام روایت اتفاقی است که می‌توان آن را نمایی همه‌جانبه از حاکمیت انحرافی و غصبی امروز دانست: اطلاع همگان از ظلم و سکوت، حکومت مطلقه‌ی بدکاران بر همه‌ی امور، و نهایتا بی‌مسئولیتی و دروغ.

دیگر همین مقدار بس است و نیازی به افزودن نیست که او در شب بیست و سوم خرداد بازداشت شد اما بعدا قاضی او را به اتهام «تحریک دانشجویان در روز ۲۵ خرداد»! محاکمه کرد؛ یا نیازی به گفتن این نیست در طول دوره‌ی بازداشت یا در زمان دادگاه، او شاهد چه رفتارهای شنیع و دردناکی بوده است؛ و یا ...

ضربه‌های شلاقی که روز چهارشنبه بر پیکر سمیه توحیدلو فرود آمد، بیش از اینکه او را تحقیر کند و دیگران را به خشم بیاورد، تیشه‌هایی بر ریشه‌ی یک حاکمیت انحرافی است که انقلاب ملت را به توبره کشیده و اعتبار میهن را به یغما برده است.

اما اگر بت‌پرستان توانستند با شلاق زدن و شکنجه‌ی سمیه و یاسر، رسالت محمدی را منکوب کنند؛ اینان هم خواهند توانست حاکمیت خود را با شکنجه و زندان و قاچاق و اختلاس امتداد دهند.

این بساط ظلم و جور رفتنی است، رسوایی‌اش شهره‌ی آفاق شده و استخوان‌هایش خردشدنی است؛ صدای خرد شدن استخوان‌های این بساط ستمکاری به نام دین و خدا را از پژواک ضربه‌هایی که بر تن سمیه توحیدلو خورد، می‌توان شنید. اما افسوس که نه شنیدنی در کار است و نه بصیرتی و نه حتی فقاهتی: «لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها»

سید محمد خاتمی: ستمگر باید برود

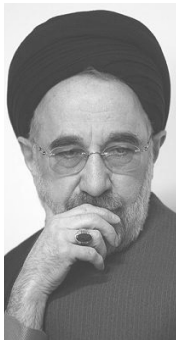

سیدمحمد خاتمی با تاکید بر اینکه «انتخابات باید انتخابات باشد» گفت: « پایه و رکن دموکراسی و جمهوریت انتخابات است. آنچه بارها بیان شده در واقع شرایط انتخابات مقبول و درست است، و نباید آن را به شرط حضور در انتخابات تقلیل داد.»

رییس جمهور اصلاحات در دیدار با اعضای جامعه آزادگان دفاع مقدس اظهار داشت: « همیشه آزادی های مشروع جامعه به بهانه از دست رفتن امنیت مخدوش شده است و این فاجعه بیشتر در حکومت های خودکامه و جبار پدید آمده است.»

وی با تاکید بر این نکته که «قانون اساسی وحی منزل نیست» افزود: «قانون اساسی مبنای عمل همه ماست و چارچوب رفتاری که حکومت و مردم باید به آن تن بدهند باید در چارچوب قانون اساسی حرکت کرد و این قانون اساسی که مبنای عمل ماست نکات بسیار ارزنده دارد که اگر مورد توجه و عمل قرار گیرد بسیاری از مسائل مبتلا به ما حل خواهد شد.

اگر همین قانون اساسی درست پیاده شود مشکلات کم خواهد شد.»

خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: « اسلامی که توجیه کننده استبداد و دیکتاتوری باشد دست کم اسلام انقلاب اسلامی و اسلامی که در جمهوری اسلامی مطرح شد نیست.»

وی با اشاره به تحولات منطقه گفت: «هیچ نظام ستم بنیادی باقی نمی ماند و این تقدیر خداوند است و فرمانی که خداوند صادر کرده است؛ سرگذشت شاه، صدام و همه قلدرهای جهان بشری درس بسیار خوبی است.»

رئیس کل گمرک: هم فساد داریم، هم اسکله غیرمجاز

عباس معمارنژاد، رئیس کل گمرک می‌گوید «قبول داریم که در گمرک فساد وجود دارد.» او افزوده است: براساس گفته محمود احمدی‌نژاد، اسکله غیرمجاز هم داریم.

آقای معمارنژاد که در یک نشست خبری سخن می‌گفت، در مورد وجود اسکله‌های غیرمجاز در کشور، گفت: «گمرک بر اساس قانون در مرزهای رسمی کشور مستقر است. در مرزهای آبی اسکله و در مرز خاکی پایانه داریم که گمرک در آنها مستقر می‌شود بنابراین در اسکله‌های مجاز که مرز مجاز و رسمی است مستقر هستیم.»

وی با اشاره به گفته احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه اسکله غیرمجاز داریم گفت: بر این اساس قطعا اسکله غیرمجاز وجود دارد، همچنین خورهایی داریم که گمرک در آنها مستقر نیست ولی کالا از آنها وارد کشور می‌شود که ساماندهی خواهند شد.

چندی پیش احمدی نژاد، گفته بود: «تمام مرزهای غیرقانونی باید بسته بشود؛ فلان سازمان، فلان نهاد، فلان دستگاه، هر کس یک جا را سوراخ کرده و برای خودش می‌برد، می‌آورد، این غلط است، هیچ کس نباید مصونیت داشته باشد.»

اگرچه احمدی نژاد به نهاد خاصی اشاره نکرد اما به گفته تحلیل گران، اسکله‌های غیرمجاز به دست سپاه پاسداران اداره می‌شود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال اول ، شماره ۱۱۱ ، دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

خون‌ها و رنج‌ها، پرده های فریب و ریای تمامیت خواهان را دریدند و فساد نهادینه شده پشت پرده های قدیس نمایی را نمایان کردند و این رویدادهای تلخ و نحوه تعامل دولتیان با مردم به همه اقشار ملت نشان داد که ریشه مشکلات آنها در کجاست.

بیانیه شماره ۱۸ میرحسین موسوی

از «آزادترین کشور دنیا» به «پاک‌ترین دولت تاریخ»

حاکمانی که به بهانه برقراری عدالت، آزادی را محدود می کنند، نه تنها آزادی را از مردمان خویش ستانده‌اند و ظالم به حق مردم‌اند، بلکه در برقراری عدالت نیز موفق نخواهند شد، چون آزادی گوهر عدالت است. آزادی گوهر عدالت هم که نباشد، آزادی‌های اجتماعی، پیش شرط برقراری عدالت اجتماعی‌اند و یا دست کم بخش عظیمی از آن‌اند. عبدالکریم سروش در نسبت میان آزادی و عدالت می گوید:

... به هیچ وجه نمی‌توان گفت که عدالت از آزادی می کاهد یا آزادی تیغ عدالت را کند می‌کند. این دو در همزیستی بسیار مسالمت آمیز با هم قرار دارند. حتی می‌توانیم بگوییم که نسبت آن‌ها نسبت میان کل و جزء است؛ یعنی عدالت یک کل است که آزادی یکی از اجزای آن محسوب می‌شود.

بی‌دلیل نیست که یکی از اولین قربانیان بی‌عدالتی، «آزادی» است و در شرایطی که عدالت اقتصادی و یا اجتماعی برقرار نشود، آزادی‌های فردی و اجتماعی نیز سلب می‌شود، تا جایی که در اوج بی‌عدالتی اقتصادی کار به بردگی و خرید و فروش انسان می‌رسد.

با این همه، در طول تاریخ کم نبوده‌اند حاکمانی که به هوای برقراری عدالت، آزادی‌های فردی و اجتماعی را فراتر از قانونِ محدود کرده‌اند تا ساکنان سرزمین خویش را به بهشت موعودِ خویش برسانند، غافل از آنکه در فراق آزادی، جهنمی از فسادِ حکومتی و اداری برقرار می کنند.

برای پی بردن به این حقایق، لازم نیست چندان دور برویم و یا به سفر در تاریخ و جغرافیا رو بیاوریم. امروز دولت محمود احمدی‌نژاد، نمونه عینی دولتی است که با شعار عدالت بر سر کار آمد و با استقبال اصولگرایان و حمایت حاکمانی که «عدالت بدون آزادی را برای مردمان خود می‌خواهند» همراه شد. بر آگاهان عیان بود – و اینک غافلان هم دیده‌اند – این دولت با آن شعارهای «عدالت محور» و این رویکردهای «آزادی ستیز»، به کعبه آمال حاکمان نخواهد رسید و راهش به ترکستان است.

دولتی که به با شعار برخورد با بی‌عدالتی‌های اقتصادی و مفسدان اقتصادی، بسیاری از روزنه‌های آزادی را بست تا در عرصه فرهنگ شاهد «تهاجم» نباشیم و در عرصه سیاست «دشمنان» را ناکام کنیم – غافل از آنکه نه تهاجم فرهنگی حقیقت دارد و نه مخالفت سیاسی، دشمنی است – اینک به مظهر «فساد دولتی» تبدیل شده است. حلقه مرکزی دولت با بزرگ‌ترین اتهامات فساد روبه‌رو شده است. تا به امروز مقامات قضایی و سیاسیون اصولگرا به فساد رحیمی معاول اول دولت، بقایی معاون اجرایی دولت و مشایی مسئول دفتر دولت اقرار کرده‌اند. بسیاری از یاران دور و نزدیک دولت هم در معرض همراهی با این فساد گسترده‌اند و به سختی بتوان دامن کسی را از فسادهای عظیم اقتصادی دولت پاک دانست. دیوان محاسبات برای سومین سال متوالی از ناپدید شدن میلیاردها دلار پول نفت خبر داده است. اختلاس ۳ میلیارد دلاری می‌رود که در کتاب رکوردهای گینس ثبت شود و پرونده بیمه ایران و ده‌ها پرونده دیگر از فساد دولت بر روی دست قوه قضائیه باد کرده است. آن وقت محمود احمدی‌نژاد در جمع مردم اردبیل بادی به غبغب می‌اندازد و دولت خویش را «پاک‌ترین دولت تاریخ» می‌خواند.

و طنز تاریخی و نکته اصلی اینجاست که اصولگرایان از این «پاک‌ترین دولت تاریخ» آشفته شده‌اند و سر به اعتراض برداشته‌اند که «این چه دروغ بزرگی است؟!»، غافل از آنکه روز آشفتگی کشور و زمان اعتراض روزی بود که احمدی‌نژاد دروغ بزرگ‌تر را تحویل جامعه می‌داد و از «آزادترین کشور دنیا» سخن می گفت. در شبکه‌های اجتماعی آمده بود «الحق که «پاک‌ترین دولت تاریخ» را تنها در «آزادترین کشور دنیا» می‌توان یافت...»

دزد از جفای شحنه چه فریاد می کند
گو گردنت نمی‌زند الا جفای خویش

از دست دیگران چه شکایت کند کسی
سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش

نامه ای زندان اوین:

هرگز تقاضای عفو نمی کنم، متخلفان ظالم باید تقاضای بخشش کنند

محمد داوری، روزنامه نگار، سردبیر وب سایت سحام نیوز، عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروبی و فعال حقوق معلمان، یکی از زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین است. او بیش از دو سال است که بدون بهره مندی از حق مرخصی، در زندان به سر می برد و انواع فشارها و تهدیدها را از سر گذرانده است.

او در نامه ای مفصل که از زندان اوین برای سایت کلمه ارسال کرده، بخشی از وقایع این دو سال و همچنین گوشه ای از زندگی خود را مرور کرده است. محمد داوری در این نوشته از فعالیت های خود در دفتر مهدی کروبی و همچنین ملاقات و مصاحبه با شکنجه شده های زندان کهریزیک و کسانی که در این زندان و دیگر زندان ها مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، پرده بر می دارد و تاکید می کند که طی بازجویی ها و دو سال زندان، هیچ یک از مقامات مسوول نتوانسته اند صحت این مستندات را زیر سوال ببرند.

او در بخشی از نامه اش می نویسد: اگر خلاف مستندات ما ثابت شده بود، تا به حال آنها مستندهای تلویزیونی بسیاری درباره آنها پخش می کردند؛ در حالی که تنها سکوت کرده اند و هرگز نتوانسته اند اساس گفته های کسانی را که از شکنجه و تجاوز در زندان ها گفته اند، زیر سوال ببرند.

او درباره انگیزه نوشتن چنین نامه ای می گوید: آنچه مرا واداشت تا قلم به دست گیرم، نه فقط گذشت ۷۳۰ روز از عمرم (تا زمان نوشتن نامه) در پشت دیوارها و سیم خاردارها بود بلکه انعکاس وارونه حقایق توسط مسوولان قضایی و امنیتی بوده که ظلم مضاعفی را بر اینجانب تحمیل کرده اند. شاید هنوز افراد زیادی هستند که نمی دانند من چه کسی هستم و چرا و چگونه بازداشت شده ام. اگر در قبال این وارونه جلوه دادن سکوت کنم، خود نیز ظلم دیگری را بر خود روا داشته ام.

داوری درباره نحوه گرفتن مصاحبه ها از قربانیان می نویسد: مصاحبه ها را بنده به تنهایی انجام می دادم و در جریان مصاحبه، با سوالاتی سعی می کردم زوایای امر را کاملا روشن کنم. سپس آدرس و مشخصات مراجعه کننده را می گرفتیم و همچنان ارتباط ما برای ادامه پیگیری ها حفظ می شد. از تاریخ بیستم مرداد ماه این مستند سازی ها آغاز شد که در طول این مدت از ۴ نفر که مورد تجاوز و تعرض جنسی قرار گرفته بودند هم مصاحبه ویدیویی تهیه شد و یک نفر هم شرح ماجرا را کتبی ارائه کرد. تعدادی هم مراجعه کرده بودند که از ترس آبروی خود حاضر به مصاحبه ویدیویی نشدند. تعدادی هم تماس گرفتند اما مراجعه نکردند. در طول این مدت همچنین ۱۰ نفر از بازداشتی های ۱۸ تیر که در کهریزک نگهداری شده بودند به همراه خانواده هایشان به دفتر آقای کروبی مراجعه کردند و پس از دیدار با وی اقدام به مستند سازی مشهودات خود کردند. بنده در مصاحبه های شش ساعته با آنان شنونده تمام ماجراها از لحظه بازداشت تا زمان آزادی شان بودم. شکنجه های انجام شده در کهریزک ماجرای کشته شدن روح الامینی، جوادی فر و کامرانی در مقابل چشمان آنها رخ داده بود و فرایند بازجویی ها از این افراد از دیگر موارد مهم مصاحبه با این افراد بود.

داوری در انتهای این نامه تاکید می کند که هرگز در زندان تقاضای عفو و بخشش نمی کند، چرا که به عقیده ی او، این مسوولان متخلف هستند که بی گناهان را به زندان انداخته اند و آنها باید از این زندانیان تقاضای بخشش کنند؛ زیرا ظالم است که نیازمند عفو است و نه مظلوم.

متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید

احمد توکلی خطاب به دولت:

این رسوایی غیر قابل تحمل است، استعفا داده و بروید

رئیس مرکز پژوهش‌ها پس از پایان جلسه غیرعلنی مجلس درخصوص بررسی اختلاس ۳ هزار میلیاردی در بانک‌های کشور گفت: این اختلاس رسوایی غیر قابل تحمل است و اگر دولت نمی تواند اداره کند استعفا کند.

احمد توکلی پس از پایان جلسه غیرعلنی مجلس برای بررسی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی از بانک‌های کشور با حضور در جمع خبرنگاران گفت: این اختلاس ۷۲ صدم درصد از تولید ناخالص ملی یا GDP ایران است که ۱,۵ برابر بزرگتر از بزرگترین رسوایی مالی آمریکا در سال ۲۰۰۹ میلادی است.

توکلی تبعیض در رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی وابستگان به دولت را عامل ایجاد امنیت برای مفسدان اقتصادی دانست و گفت: این فساد اقتصادی اعتماد مردم به نظام اقتصادی و بانکی را کاهش داده و باعث کاهش سرمایه گذاری در بهره وری اقتصادی می‌شود.

وی با اشاره به اینکه زمانی که به فساد اطرافیان دولت رسیدگی نمی شود افراد فاسد دست به جنایات غیرقابل تصور می‌زنند گفت: این فساد مالی بلای بزرگی را بر سر اعتماد مردم و فرهنگ کشور می‌آورد.

وی با اشاره به آنچه تبعیض در رسیدگی به این پرونده و کوتاهی قوه قضائیه در رسیدگی به پرونده فساد اقتصادی نزدیکان به دولت گفت: اگر به این مشکلات رسیدگی می‌شد امروز شاهد اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در دستگاه بانکی کشور نبودیم.

نماینده مردم تهران تاکید کرد: زمانی که مسئولان نالایق با حمایت شخص مشایی و احمدی‌نژاد وارد سیستم می‌شوند سیستم را مستعد فساد می کنند. زمانی که احمدی نژاد دور برخی مسئولان و اطرافیان خود برای قوه قضائیه خط قرمز می‌کشند و به قوه قضائیه اجازه نمی‌دهند که به پرونده‌های فساد مالی آنها رسیدگی کنند این مشکلات پیش می‌آیند.

رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه یکی از مسئولان دولت ژاپن به دلیل فساد مالی اطرافیانش خودکشی کرده است، گفت: خودکشی پیشکش دولت، از سمت خود استعفا دهید.

اخبار کوتاه

❋ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب بر اساس درخواست وزارت علوم دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۸، حکم محرومیت دائمی مجید توکلی از تحصیل را ابلاغ کرد.

❋ خانواده احمد قابل زندانی سیاسی در یادداشتی ضمن تشکر از دوستان و همراهان که در ایام بیماری در زندان و بیمارستان با تماس و عیادت های خود از حال وی جویا شده و ابراز همدردی کرده بودند اعلام کرد: وی مورد عمل جراحی قرار گرفت و پس از یک هفته بستری شدن در بخش مراقبت های ویژه (ICU) ترخیص گردید و بحمدالله حال عمومی اش رضایت بخش است.

❋ اسماعیل گرامی مقدم، نماینده سابق مجلس و سخنگوی حزب اعتماد ملی، به خبر دروغین روزنامه کیهان درباره خود واکنش نشان داد و خاطرنشان کرد که با ویزای مختص دانشجویان دکترا و به طور قانونی از کشور خارج شده و در هیچ کشوری هم مقیم نشده است.

❋ عبدالله صدوقی از فعالین مدنی آذربایجان که دوم شهریورماه در جلسه افطاری به همراه سی تن از فعالان دیگر در شهر تبریز بازداشت شده بود، در پی اعتصاب غذای ۱۷ روزه دچار خونریزی معده شده است.

❋ آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها ضمن تاکید بر اینکه همچنان «جمهوری اسلامی» را بهترین نظام حکومتی برای مردم مسلمان ایران می‌داند و خواستار اصلاحات در چارچوب آن است، تصریح کرد که اگر اکثریت این نظامی را نخواهند، هیچ کس حق ندارد حکومت دینی را با قهر قهریه بر مردم تحمیل کند.

شهدای سبز

میثم عبادی

سن: ۱۶ سال

تاریخ شهادت: ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ (اصابت گلوله)

وقتی که می خواست از کتک خورد یک دختر جوان به دست نیروهای لباس شخصی جلوگیری کند، سهمش گلوله شد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
سال دوم
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۲ ، شنبه ۲ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

امروز بیت‌المال در معرض یغمای یغماگران قدیس‌مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید، از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است.

بیانیه شماره ۱۸ میرحسین موسوی

فاطمه کروبی: آقای لاریجانی! ساواک چنین برخوردی با مهدی کروبی نداشت

حبس در فضایی انفرادی بدون حق هواخوری

فاطمه کروبی، همسر مهدی کروبی در نامه‌ای به رئیس قویه قضاییه جزئیاتی از زندان خانگی همسرش را شرح داده است و نوشته است: آنچه در عمل اتفاق افتاده از زندان انفرادی نیز بدتر و بی رحمانه تر بوده است.

در آغاز این نامه آمده است : «آنچه موجب شد این نامه را به جنابعالی بنویسم شرح مطالبی کوتاه بوده است که در طول این ۷ ماه اخیر برای من و آقای کروبی رخ داده است از تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۸۹ ماموران امنیتی منزل مسکونی مان را به محاصره درآوردند و بعد از ۲۵ بهمن ماه در حالیکه اجازه توقف چند دقیقه ای به فرزندان و دیگر اعضای خانواده در کوی یاسمن داده نمی شد ، لباس شخصی های معلوم الحال را در شش شب متوالی به منطقه گسیل داشتند تا از ۱ نیمه شب تا ۳ بامداد به فحاشی و هتاکی نسب به همسرم ، مهندس موسوی ودیگر یاران نزدیک امام (ره) و بیت آن بزرگوار مبادرت کنند (نوار مستندی از بعضی شعارهایی که آزادانه در شب های متوالی سر می دادند به پیوست تقدیم می گردد) درشب آخر علاوه بر بکارگیری الفاظ سخیف که دراین ایام به شدت مورد ناراحتی اهالی محترم منطقه گردیده بود (نوار کاست پیوست) باحمایت و هدایت نیروهای امنیتی بمب صوتی هم به داخل ساختمان پرتاب گردید تا این فتح بزرگ را به فتوحات قبلی خود بیافزایند.»

«همزمان با میلاد رسول رحمت (ص) در روز دوشنبه شب برابر با ۱۳۸۹/ ۱۲ /۰۲ بیش از شصت نیروی امنیتی به منزل یورش آوردند و بدیهی ترین مسائل انسانی و شرعی را در تفتیش رعایت نکردند و برخلاف ساواک که تنها بدنبال اسناد مهم و معتبر بود، به استثنای وسائل، هر آنچه درمنزل بود با خود بردند و در واقع خانه را تخلیه کردند و کلیه کلید های داخل منزل حتی اتاق خواب را تغییر داده و در اختیار داشتند، و فرزند سومم علی را نیز همان شب که با تماس همین ماموربن جهت دیدن ما آمده بود به اتهام جاسوسی دستگیر کرده و به اوین بردند.»

«از بدو امر شخصاً خواستار ارائه مجوز تصرف مجتمع و حضور در واحد مسکونی مان و نیز حکم اعمال بازداشت خانگی بودم؛ خواسته ایی که هرگز اجابت نگردید. به استثنای حکم تفتیش که شب اول به رویت همسرم رسید، تاکنون هیچ حکمی از مراجع ذی صلاح قانونی مبنی بر "حبس" "اشغال منزل توسط نیروهای امنیتی" و "حضور آنان در داخل منزل" دریافت نکرده ایم.»

خانم کروبی در این نامه در خصوص وضعیت مهدی کروبی نوشته است: «آقای کروبی طی ۲۱۰ روز گذشته از حقوق اولیه یک زندانی نظیر حق دسترسی به کتاب، روزنامه، تلفن، ملاقات منظم، هواخوری و ... برخوردار نبوده است.»

او افزوده است: در زمان بازداشت های مکرر آقای کروبی که خود ایشان نقل کرده اند من جمله در دوران بازداشت درزندان قزل قلعه سرانجام بعد از یک یا دو هفته زندان انفرادی، امکان هوا خوری هفتگی پیدا می کردند اما این بار پس از شش ماه حبس، اجازه استفاده از حیاط محصور درمیان میله ها و هواخوری را نیافتند.

همسر مهدی کروبی می‌نویسد: «وضعیت جسمی ایشان بشدت در خطر قرار دارد و معاینه ایشان توسط پزشکان مستقل و مورد اعتماد خانواده امری ضروری است.»

وی با مقایسه برخوردهای ساواک و برخوردهایی که در این دوران و در زمان حضور ماموران امنیتی در تصرف خانه آنها رخ داد خطاب به صادق لاریجانی گفته است: «دوستانی که پیش از انقلاب سابقه ای دارند، می دانند که ساواک هیچگاه بدون حکم قانونی به حریم منزل اشخاص ورود نمی کرد. تجربه شخصی اینجانب در موارد متعدد و سایر مبارزان آن دوران گواهی است بر این ادعا. درآن زمان حتی برای بزرگانی که نسخه حصر خانگی اعمال می گردید، هرگز امنیتی ها در منزل و یا واحد آپارتمان شخص محصور شده حضور نمی یافتند.»

خانم کروبی می‌نویسد: «خلاف ساواک که تنها بدنبال اسناد مهم و معتبر بود، (ماموران امنیتی) به استثنای وسائل، هر آنچه درمنزل بود با خود بردند و در واقع خانه را تخلیه کردند و کلیه کلید های داخل منزل حتی اتاق خواب را تغییر داده و در اختیار داشتند.»

خانم کروبی در بخش دیگری از این نامه، از درخواست نهادهای امنیتی برای پرداخت هزینه‌های اجاره مکان حبس سخن گفته است: «یکماه پیش مبلغی به عنوان پیش پرداخت از من دریافت کردند و سایر چک‌ها را از یکی از اعضای سابق دفتر که برای امضا و تقدیم مال الاجاره خوانده شده بود، اخذ کردند. دراین بدعت جدید حاکمیت هزینه زندان و زندانبانان را برعهده خانواده گذاشته تا به جهانیان بگوید کروبی درخانه خود زندانی است.»

«خدا را گواه می گیریم که همسرم با همان نشاطی که درسال ۱۳۴۱ و دراوج جوانی پا به عرصه سیاست و مبارزه گذاشت، دراین سال ها و در راستای عهد خود با مردم و شهدا و تحقق آرمان های اصیل انقلاب و وعده های داده شده دراین مسیر، هرگز خللی در اراده اش ایجاد نشده است.»

او خطاب به صادق لاریجانی می‌نویسد: «آیا جنابعالی فکر می کنید عاقلی در این کره خاکی پیدا شود که آن زندان تحمیلی را منزل کروبی تلقی کند؟ آیا سکوت دستگاه قضائی موجب این بدعت در دستگاه امنیتی نمی گردد که در آینده هزینه بازداشتگاه های خود را از خانواده زندانیان مطالبه کند؟ آیا چنین رفتاری شایسته جمهوری اسلامی است؟ اگرچه می دانید این دستور مضحک بدعتی تاریخی محسوب می گردد، اما خانواده بخاطر نگرانی از وضعیت جسمی آقای کروبی این خواسته را اجابت کرد.»

اخبار کوتاه

❋ بر اساس یک تحقیق، خودکشی دومین علت مرگ، پس از تصادفات بین دانشجویان ایرانی است.

❋ تعداد زیادی از نیروهای حفاظت اطلاعات زندان اوین در اقدامی غیر منتظره، هفته گذشته به بند ۳۵۰ اوین که هم اکنون بیش از ۱۶۰ زندانی سیاسی در آن به سر می برند، یورش بردند و اقدام به به‌هم‌ریختن وسایل شخصی همه زندانیان سیاسی و بازرسی اتاق‌هایشان کردند.

❋ علی یونسی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در دولت خاتمی، پس از یک ماه و نیم، روز دوشنبه (۲۸ شهریورماه) توانست با فرزند زندانی‌اش حسن یونسی به مدت نیم ساعت در زندان اوین ملاقات کند.

❋ عماد افروغ، نماینده سابق مجلس تاکید کرد که دفاع مقدس یعنی تجلی دوباره پیروزی خون بر شمشیر، همان رویدادی که در کربلا رخ داد. دنیایی از معنا درون این دوران است و نکته اینجاست که نباید خرج جیب و قدرت شود.

❋ در حوزه تحت مدیریت دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تاکنون ۱۲۱ مورد ابتلای ثابت شده به بیماری وبا گزارش شده که دو مورد آنها فوت شده‌اند.

❋ بیکاری در خرمشهر در حالی بیداد می کند که عمده اشتغال موجود در استان خوزستان در دستان نیروهای غیر بومی قرار گرفته است.

❋ در چند سال اخیر چشم طمع دولتیان به باشگاه های مردمی پرسپولیس و استقلال برای کسب محبوبیت بیش از پیش شده است تا سردار محمد رویانیان مسئول سابق ناجا و رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت به عنوان مدیرعامل باشگاه مردمی پرسپولیس شد این در حالی است که در باشگاه استقلال هم سه نماینده مجلس به عنوان هیات رئیسه انتخاب شدند.

❋ رضا رویگری از مردم بابت بازی در فیلم‌هایی که مردم دوست نداشتند، عذرخواهی کرد. این بازیگر درباره ویدیویی که از وی در فضای مجازی منتشر شده، گفت: هر کاری که کردم و شما دوست نداشتید، اگر اخراجی‌ها بوده، صدایم بوده، راه رفتنم بوده یا رانندگی ام بوده که شما دوست نداشتید من برای آن عذرخواهی می‌کنم.

❋ دفتر تحکیم وحدت با اشاره به «افزایش فشارها بر دانشگاه» درعین حال تاکید کرد که همچنان بر مطالبه به حق جنبش دانشجویی مبنی بر آزادی دانشجویان زندانی و سایر زندانیان سیاسی و همچنین توقف فشارهای متعدد بر دانشگاه و دانشجویان پای می‌فشارد.

❋ خانه سینما به بازداشت مستندسازان با اتهامات سنگین امنیتی اعتراض کرد.در بیانیه خانه سینما با اشاره به سپری شدن یک هفته از «بازداشت تنی چند از همکاران مستندساز» آمده است: «متاسفانه این بازداشت‌ها ناشی از سوء تفاهم بزرگی است که بر سر فروش و پخش فیلم‌های مستند ساخته این همکاران به شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی پیش آمده است.»

سالگرد تولد روزنامه کلمه

شورای هماهنگی راه سبز امید:

گام نخست آزادی رهبران جنبش سبز و تمامی زندانیان سیاسی است

شورای هماهنگی راه سبز امید تاکید کرد: حاکمیت بعنوان گام نخست، با آزادی آقایان موسوی و کروبی و نیز کلیه زندانیان سیاسی نشان دهد که در جهت برون رفت از بن بست سیاسی کنونی و فراهم ساختن زمینه برای انجام انتخابات آزاد مصمم است.

بیانیه مزبور تصریح می کند: «شورای هماهنگی راه سبز امید با تأسی به مفاد منشور راه سبز امید، راهکار اولیه و استراتژیک برون رفت از این بحران ها و چالشها را بازگشت حاکمیت به سوی مطالبات مشروع، انسانی و قانونی لایه های مختلف جامعه و به‌کارگیری راه حل های ارائه شده از سوی رهبران و دلسوزان جنبش سبز ایران زمین، همچون برطرف ساختن موانع موجود و تحقق لوازم و استانداردهای برگزاری انتخابات با حضور واقعی تمامی جناح ها و گروه های دلسوز، آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها، رسیدگی به حقوق تضییع شده‌ی آسیب دیدگان و خانواده های آنان، رفع حصر و عادی شدن فعالیت های رهبران جنبش سبز آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی، شفاف نمودن قوانین انتخاباتی برای یک رقابت آزاد و منصفانه و سالم، خروج نیروهای امنیتی و نظامی از حوزه سیاست و انتخابات در کشور، به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و آزادی فعالیت احزاب و تشکل ها می داند.»

شورای هماهنگی راه سبز امید از «هموطنان عزیز، گروه‌های سیاسی حامی جنبش سبز و فعالان آن در داخل و خارج کشور» دعوت کرده است که «در جهت همگامی و همراهی نیروهای دموکراسی‌خواه و معترض به روند مهندسی‌های انتخاباتی، و دستیابی به وفاق و اتحاد ملی، برای تحقق درخواست و برنامه‌ی مطرح شده همراه و فعال گردند.»

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۳ ، دوشنبه ٤ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

شما نمی توانید مسائل داخلی و خارجی را با بستن روزنامه هاو پر کردن زندان ها مهار کنید. احترام به ملت و احترام به کرامت ذاتی انسان ها خشت اول همه اصلاحات است. اینکه عده ای با چوب و چماق در زندان و بیرون زندان بر سر مردم بزنند همان سیاست های قاجاری ها است .

میرحسین موسوی

ناموسِ به باد رفته‌ی رأی

یک روز پس از برگزاری انتخابات نمایشی در بحرین، دو سخنگوی جریان تحجر حاکم بر کشورمان خبر دادند که انتخابات مجلس نهم در ایران نیز قرار است چیزی شبیه انتخاباتی باشد که آل خلیفه دیروز در بحرین برگزار کردند. علاوه بر این یکی از معاونان ستاد کل نیروهای مسلح هم به کمک آن دو رفت تا هرگونه شائبه‌ی موجود درباره‌ی وجود وضعیت کودتاگونه در کشور را از بین ببرد.

متصدیان کشور تاکنون بارها سرکوب‌گری و رفتار ناعادلانه‌ی حکومت بحرین با شهروندانش را به رخ کشیده و در رسانه‌ها و مجامع مذهبی، سیاسی و بین‌المللی مطرح کرده‌اند. اما گویا اقتدارگرایان قصد دارند جمهوری اسلامی را شرمنده‌ی آل خلیفه کنند و از این استان سابق و همسایه‌ی فعلی ایران هم در حرکت تدریجی به سمت دموکراسی عقب بمانند.

امروز سردار جزایری، معاون تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، خواستار توبه‌ی اصلاح طلبان شد و در عین حال اعلام کرد که حتی اگر صد بار هم توبه کنند عذرشان پذیرفته نمی‌شود! این نظامی، البته این بار به جای آنکه با ادبیات جنگ نرم و دشمن‌دشمن کردن صحبت کند، با ادبیات اقتصادی که پس از اختلاس بزرگ دولتی باب شده، به خط و نشان کشیدن برای منتقدان دولت پرداخت و به آنها هشدار داد که فکر «سرقت» مناصب حکومتی را از سر خود بیرون کنند!

محمدجواد لاریجانی و علاءالدین بروجردی هم که هر دو با خبرگزاری سپاه، فارس، گفت‌وگو می‌کردند، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا حضور اصلاح طلبان در انتخابات را منتفی اعلام کنند. این دو فعال سیاسی مدعی اصولگرایی، با الفاظی آشکارا خلاف قانون و ضد اصول، علیه اصلاح طلبان سخن گفتند و آنها را برای حضور در انتخابات، نالایق! و قانون‌گریز معرفی کردند.

لاریجانی و بروجردی در حالی تلاش کردند اصلاح طلبان را محروم از حق شرکت در انتخابات معرفی کنند که پیش‌تر بسیاری از چهره‌های اصلاح طلب اعلام کرده‌اند در انتخابات نمایشی شرکت نخواهند کرد و تنها خواسته‌ی آنها «انتخابات آزاد» است.

بدین ترتیب درست در روزی که زنان در عربستان از حق نامزدی در انتخابات محلی و راهیابی به مجلس مشورتی بهره‌مند شدند، حامیان دولت انحرافی تکلیف اصلاح طلبان را روشن کردند.

بروجردی که رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس است، نه تنها اصلاح طلبان را بی‌دلیل و مدرک به قانون‌گریزی متهم کرد و البته هیچ اشاره‌ای به انبوه قانون‌شکنی‌های دولت مورد حمایت خود نداشت، که حتی دایره‌ی افراد – به زعم خود – محروم از حق شرکت در انتخابات را به «آنها که از فتنه ابراز برائت نکرده‌اند» هم گسترش داد. او همچنین درباره‌ی شکل‌گیری مجلس شبیه مجلس ششم هم هشدار داد تا نشان دهد که نگرانی اصلی‌اش بابت چیست.

جواد لاریجانی هم که نماینده ایران در مجامع جهانی حقوق بشری است، به خوبی از حق شهروندی منتقدان حاکمیت دفاع کرد! و ضمن «منحرف، فرصت‌طلب و دشمن دموکراسی» نامیدن اصلاح‌طلبان، گفت: «آنها لیاقت شرکت در انتخابات را ندارند.» این برادر دو رئیس قوه، همچنین مدعی شد که انتخابات بدون حضور این جناح هم پرشور خواهد بود.

لاریجانی در عین حال گفت که «انتخابات ناموس نظام ماست» اما نگفت که این ناموس ملی چگونه به تاراج غاصبان فعلی انقلاب رفته و مورد تجاوز و تصاحب متقلبان قرار گرفته است. سخن او البته این سؤال را نیز در پی دارد که این چه نوعی از غیرتمندی است که حاکمیت زیر بار انتخابات آزاد نمی‌رود و حتی حاضر نیست بگذارد کسی بر حراست از صندوق‌های رای به عنوان یک ناموس ملی نظارت و از آن صیانت کند، اما حاضر است بین حفظ سلامت و امنیت این ناموس و حفظ قدرت مطلقه‌ی خود، دومی را انتخاب کند؟

سخنان این دو بلندگوی جریان تندروی حاکم ، داستان سردر آن کاروانسرا را تداعی می‌کند که با یک دو سه مشت گچ، ناموس به باد رفته‌اش خریده شد اما نوامیس واقعی را بر باد داد. حال این جنابان اقتدارگرا از کجا قرار است دو سه مشتی گچ بیاورند و انتخابات نمایشی اسفندماه ۹۰ امسال را بزک کنند تا از آل خلیفه و آل سعود هم عقب نمانند.. الله اعلم!

شهدای سبز

اشکان سهرابی

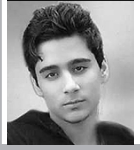

تاریخ تولد: ۱۰ بهمن ۱۳٦۸

تاریخ شهادت: ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

نحوه کشته شدن: اصابت سه گلوله به قفسه سینه

گزارشی که آدم‌ربایان را نگران کرد؛

کسی آنها را فراموش نکرده است

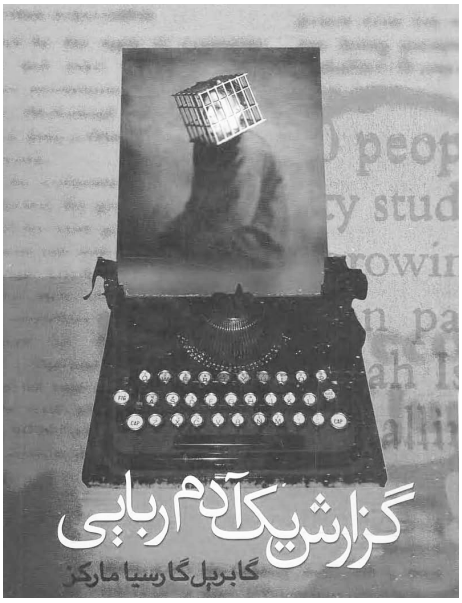

مخالفانش می‌گویند: «او فراموش شده است، هیچ‌کس دیگر به حرف او توجهی نمی‌کند، برای کسی اهمیت ندارد که آزاد باشد یا در حصر، و همان اندک محبوبیت قبلی را هم از دست داده است» اما حالا حتی گابریل گارسیا مارکز هم می‌داند که آنها دروغ می‌گویند. او هم حتما این روزها شهادت می‌دهد که نه جنبش سبز در ایران مرده است، نه چیزی از محبوبیت و توجه افکار عمومی به میرحسین موسوی کم شده است.

«کلمه» وقتی دو هفته پیش از دیدار او و رهنورد با فرزندانشان خبر داد، بنا به ملاحظاتی اشاره‌ای به دو کتابی که او به دخترانش معرفی کرده بود، نکرد. معرفی یکی از آن دو کتاب و اشاره به جمله‌ی میرحسین در شبکه‌های اجتماعی و سپس سایت‌های غیررسمی کافی بود تا موجی باورنکردنی به راه بیفتد: هر دو ترجمه‌ی موجود در بازار از این کتاب چند روزه نایاب شد، نسخه‌های الکترونیکی آن در هزاران نسخه دانلود شد و بریده‌های کتاب در ایمیل‌ها و پیام‌های جمعی دست به دست شد. همه به دنبال آن بودند که ببینند میرحسین موسوی این روزها چه حال و روزگاری دارد چرا که به دخترانش گفته بود: «به هر کسی که می خواهد از وضع حال من خبردار شود بگوئید که کتاب "گزارش یک آدم ربایی" گابریل گارسیا مارکز را بخواند.»

وقتی خبر در شهر پیچید که میرحسین چه توصیه ای کرده، همان روز این کتاب که دو ترجمه جاهد جهانشاهی (نشر آگاه) و ترجمه کیومرث پارسای (نشر علم) از آن در بازار موجود است(بود)خواهان پیدا کرد و نایاب شد.

یکی از خبرنگاران در صفحه مجازی خود درباره حال و هوای روزهای اول کتاب فروشی های پایتخت بعد از این توصیه میرحسین تجربه شخصی خود را توصیف می کند و می نویسد: در فاصله‌ی سرو غذا در رستورانی در ونک، می‌روم سراغ دو کتاب‌فروشی پرمشتری شهر؛ شهرکتاب ونک و کتاب‌فروشی بهمن. وقتی «گزارش یک آدم‌ربایی» را جست‌وجو می کنم، هیچ کس نه سراغ کامپیوتر می‌رود، نه فهرست موجودی‌ها. این نام برای‌شان خیلی آشناتر از این حرف‌هاست، انگار درست سه روز است که همه‌ی پایتخت‌نشین‌ها دنبال گزارشی از یک آدم‌ربایی می گردند.در هر دو کتاب‌فروشی جوابم با لبخندی پرمفهوم روبه‌روست؛ «خیلی پرمشتری شده، الان ندارم، هر چی امروز آوردم، تموم شده، مگه بعدازظهر سر بزنی، سفارش دادم برسه».

این خبرنگار که با دردسر بسیار بالاخره نسخه ای از این کتاب را پیدا می کند توضیح می دهد که « دویست روز است که حتا چند خط هم نمی‌دانیم درباره‌ی این‌که این چهار مرد و زن، چگونه روزگار می‌گذرانند، با آن‌ها چه می‌کنند و چگونه روزگاری‌ست. حالا چندین سال پس از این‌که مارکز گزارشی از یک آدم‌ربایی را نوشت، بدون آن‌که شاید خود بداند، هزاران کیلومتر این‌ورتر دنیا داستان او، رنگ حقیقت گرفته است؛ مردم شهر اما به لطف هوش میرحسین، اکنون دیگر می‌توانند گزارش این آدم‌ربایی را بخوانند.»

اما یکی از اتفاق های جالب ایجاد یک موج و انرژی تازه در فضای مجازی بود به طوریکه صفحه ای با عنوان «گزارش یک آدم ربایی – حال و هوای یک رئیس جمهوری در حصر» در فیسبوک و توییتر ساخته شد و اعضای صفحه که ساعت به ساعت بر تعدادشان افزوده می‌شود درباره این کتاب سخن می گویند.

خبرگزاری ها و روزنامه های کشور بعد از این اتفاق با احتیاط اخبار حوزه کتاب را پوشش می دادند به طوریکه سایت آینده نیوز در خبری که تنها میزان فروش بازار کتاب پایتخت را نشان می داد نوشت: «این هفته دو چاپ از یک کتاب قدیمی در فهرست پرفروش‌ها قرار گرفته است. «گزارش یک آدم‌ربایی» نوشته گابریل گارسیا مارکز با ترجمه جاهد جهانشاهی (نشر آگاه) و همان کتاب با ترجمه کیومرث پارسای (نشر علم) با فاصله کمی از هم در صدر پرفروش‌ها ایستاده‌اند.»

این رسانه هیچ اشاره ای به دلیل این موضوع نداشت. از سوی دیگر موجی که برای خرید این کتاب به وجود آمد باعث شد روزنامه شرق نیز در قسمتی از گزارش خود پیرامون بازار کتاب به بالا رفتن فروش این کتاب در بازار اشاره کرد.

خبر به رسانه های دنیا هم رسید. رسانه های کلمبیایی در چند نوبت به این موضوع پرداختند از سوی دیگر روزنامه گاردین نیز گزارشی در این باره با تیتر « کتاب گابریل گارسیا مارکز الهام‌بخش مخالفان درایران» منتشر کرد و در بخشی از آن نوشت : « حداقل ۱۰ کتابفروشی درتهران به گاردین گفته اند دیگر نسخه‌ای از این کتاب برای فروش ندارند.»

اما خود مارکز و هوادارانش نیز به این ماجرا واکنش نشان دادند. صفحه مارکز در فیس بوک که بیش از ۳۶۰ هزار مخاطب دارد خبر این مطلب و فروش بالای «گزارش یک آدم ربایی» را گزارش کرد.

این اتفاق ساده در فروش بالای این کتاب غیر از اینکه ما را از حال و احوال میرحسین آگاه می کند حقیقتی را روشن می سازد که این روزها مردم در جست‌وجوی بی‌امان کتاب‌فروشی‌ها، چهار مرد و زن در حصر را فراموش نکرده اند.نه فقط آنها فراموش نشده‌اند، که حتی کافی است به‌اصطلاح لب تر کنند تا موجی تازه به دنبالشان راه بیفتد؛ آنقدر که در جامعه‌ای کتاب‌نخوان، یک نهضت کتابخوانی راه بیندازد.

دوستی می گفت: «چه خوب می شد که هر هفته میرحسین یک کتاب جدید معرفی می کرد تا سرانه کتابخوانی کشور بالا رود.»

اخبار کوتاه

* مدیر زندان رجایی‌شهر در روزهای کنونی محدودیت‌های بیشتری را بر زندانیان سیاسی این زندان اعمال کرده است.

* مجید دری، دانشجوی زندانی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید در پیامی اعلام کرده است: دانشجو و دانشگاه تن به ذلت نمی‌دهند.

* الیاس نادران، نماینده مجلس خواستار پاسخگویی صریح وزیر علوم در رابطه با مدرک تحصیلی محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد شد.

* خانواده‌های کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات در واکنش به اظهارات احمدی‌نژاد گفتند: فرزندان ما نه بسیجی بودند نه خرابکار.

* همسر عبدالله مومنی می‌گوید که علیرغم توصیه پزشکان مبنی بر مداوای آقای مومنی در خارج از زندان، از انتقال او به خارج از زندان «ممانعت» می‌شود.

* سخنگوی حزب اعتماد ملی از حصر خانگی رهبران جنبش سبز در یک آپارتمان کوچک به عنوان حصر آن‌ها در سلولی انفرادی یاد کرد.

* عبدالله مومنی، محمد داوری و علی پورسلیمان، سه معلم زندانی: سه سال است که صدای زنگ اول مهر را از پشت دیوارهای اوین می‌شنویم.

* مسئولان دولتی ۹ ماه پیش وعده داده بودند که با گران شدن قیمت نان کیفیت آن هم بهتر می شود، حال با گذشت این زمان نه تنها این وعده محقق نشد، بلکه این روزها در صفهای نان شاهد چانه زنی و بحث مردم بر سر وزن "چانه"های نان هستیم که هر روز کوچکتر می شود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱٤ ، شنبه ۹ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

کلمه سبز

۳ استحاق جهانگیری: از امروز به بعد نظام آسیب‌پذیرتر می‌شود ۴ انتخابات مبهم، ملت ایران را دلسرد کرد

پیام میرحسین موسوی خطاب به ملت

تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد

WWW.KALEMEH.IR

میرحسین موسوی

روزنامه کلمه سبز - شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸

طومار تخلفات شگفت آور دولت در حوزه نفت و گاز؛

هزینه نصب نیروگاه، صرف پرداخت یارانه شد

در حالی که در سالهای اخیر دلسوزان انقلاب و منتقدان وضع موجود بارها نسبت به وضعیت اسفناک مدیریت کشور هشدار می دادند و در مقابل متولیان امور با انکار مشکلات، خود را مطلع تر از منتقدان نسبت به وضعیت کشور دانسته و آنها را طرد و حبس کرده اند، گزارش دیوان محاسبات از وضعیت فجیع تخلفات دولت فقط درحوزه نفت و گاز پرده برداشت.

حمیدرضا کاتوزیان رئیس کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه وضعیت پروژه‌ها در ابهام است گفت: موضوع قابل تامل این است که وضعیت پیشرفت پروژه‌ها برای شش ماهه ابتدای سال به دیوان محاسبات گزارش نشده است.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس همچنین با اشاره به آنچه عملکرد متخلفانه بانک مرکزی در مورد بدهی‌های نفتی دیگر کشورها به ایران خواند، توضیح داد: زمانی که طرف هندی از پرداخت بدهی خود در قبال خرید نفت خام استنکاف می کرد، وزارت نفت فروش و تحویل نفت خام به هند را متوقف کرد اما رئیس بانک مرکزی صراحتاً وزارت نفت را ملزم به دادن نفت به هند کرد که این یک تخلف آشکار است و حاکی از عدم صیانت از منافع ملی و حقوق ملت ایران بوده است.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس ادامه داد: طبق گزارش دیوان محاسبات هم اینک ۴ نیروگاه آماده نصب، به دلیل نداشتن نقدینگی نصب نشده‌اند چون پول لازم برای این اقدام، صرف پرداخت یارانه‌ها شده است، نیروگاه‌های خصوصی، پول برق تولیدی خود را از دولت دریافت نکرده اند و دولت حتی اجازه صادرات برق را به آنها نمی‌دهد تا کسب درآمد مختصری داشته باشند.

کاتوزیان یادآور شد: برداشت‌های خلاف قانون از منافع دیگر و مصرف کردن آنها برای پرداخت یارانه ها تنها به وزارت نیرو ختم نمی‌شود. براساس گزارش دیوان محاسبات ۲.۹ میلیارد دلار در سال ۸۹ از محل صادرات نفت به حساب یارانه‌های مردم ریخته شده و این امر برخلاف قانون هدفمندی یارانه‌ها است که محل پرداخت را از واقعی کردن قیمت‌ها دیده بود.

قطع کامل ارتباطات انگشت شمار؛ پنج هفته بی خبری مطلق از وضعیت میرحسین موسوی و زهرا رهنورد

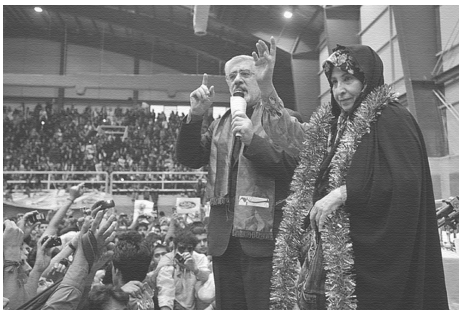

کلیه‌ی ارتباطات میرحسین موسوی و زهرا رهنورد با بیرون مسدود شده و خانواده نیز هیچ خبری درباره‌ی وضعیت آنها و اطلاعی از سلامتی ایشان ندارند.

به گزارش کلمه، درست از روزی مهندس میرحسین موسوی و دکتر زهرا رهنورد با دخترانشان دیدار کرده اند، تا امروز هر گونه خبری از وضعیت میرحسین و رهنورد در اختیار خانواده ایشان قرار نگرفته است و حتی ارتباطات تلفنی کوتاه مدت و انگشت شمار ایشان که در مجموع این چند ماه کمتر از ۵ بار بوده است نیز قطع شده است.

بدین ترتیب، خانواده آقای موسوی و خانم رهنورد پس از دیدار و انتشار خبر دیدار و نقل چند جمله از میرحسین، در بی‌خبری مطلق و قرنطینه خبری کامل از وضعیت ایشان نگه داشته شده اند و هیچ راهی نیز برای کسب اطلاعات از چگونگی وضعیت آنها وجود ندارد و این وضعیت موجب ایجاد نگرانی شدید شده است. این احتمال وجود دارد که برخورد قاطع میرحسین با مقام عالی رتبه دادستانی که به صورت مشکوکی در دیدار آنروز حضور داشت و یا سخنان امیدافزای میرحسین از جمله عوامل این قطع ارتباط بوده باشد.

میر حسین موسوی و زهرا رهنورد، و نیز مهدی کروبی و همسرش فاطمه کروبی، از روز ۲۵ بهمن سال گذشته در بازداشت خانگی قرار گرفتند.

از آن زمان تاکنون، ارتباطات این دو با خانواده‌هایشان به شدت محدود شده است. مهدی کروبی چندی پیش از همراهی با همسرش نیز محروم شد و هم‌اکنون در یک واحد آپارتمانی کوچک و با حضور و همراهی چند مامور امنیتی، در نوعی بازداشت انفرادی به مراتب بدتر از زندان است.

میرحسین و رهنورد هم با محدودیت‌های شدیدی از نوعی دیگر مواجه‌اند. آخرین خبری که از آنها وجود دارد، مربوط به دیدار ایشان با دختران در سه هفته قبل است. آنها در آن دیدار گفته بودند که از روزنامه، رادیو و حتی در مواردی از قلم و کاغذ محروم مانده‌اند.

در جریان بازداشت غیرقانونی این دو رهبر جنبش سبز، حتی ظواهر قانونی نیز رعایت نشده و نه تنها حاکمیت هیچ گامی برای محاکمه‌ی عادلانه‌ی آنها برنداشته است، بلکه هیچ مقام و نهادی در حاکمیت نیز حاضر نیست شجاعت به خرج مسئولیت این حصر و حبس مغایر با قانون را بپذیرد. برای توجیه این وضعیت متناقض نیز مسئولان و رسانه‌های رسمی بارها مجبور به دروغگویی شده‌اند.

اخبار کوتاه

* جبهه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه‌ای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در دولتی که مدعی مبارزه با فساد بوده و بر خود لقب دولت پاک نهاده بود را باعث تاسف دانسته و مسولان ارشد کشور را که حامی این روند بوده‌اند و امروز چشم بر حقیقت بسته‌اند را به واقع بینی دعوت کرده است.

* حجت الاسلام احمد منتظری، فرزند ارشد آیت الله العظمی مرحوم منتظری، در نامه ای خطاب به باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا، وی را از وتوی پیشنهاد تشکیل دولت مستقل فلسطینی بر حذر داشت. احمد منتظری در نامه ی خود به اوباما متذکر شده است که احتمال قوی می‌دهم که انتخاب شما در دور آینده انتخابات ریاست جمهوری بستگی به این وتو دارد. ولی یک چیز از انتخاب شدن و رئیس جمهور ماندن مهمتر است و آن رعایت حقوق ملت مظلوم فلسطین است.

* حمید مودنی، روزنامه نگار، فعال سیاسی و عضو شعبه بوشهر سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) روز سه شنبه توسط ماموران اداره اطلاعات این استان بازداشت شد.

* محمد علی ولایتی بازنشسته وزارت کشور و از فعالین ستاد مهندس میر حسین موسوی به دو سال زندان محکوم شد.
به گزارش کلمه، ولایتی به مدت سی سال در پست های حساس از جمله بخشداری فیروزکوه، معاونت اداری و مالی دانشکده وزارت اطلاعات، و دبیر پشتیبانی دانشگاه شاهد، معاونت بازرسی وزارت کشور در ۸ سال دولت اصلاحات فعالیت داشت در حال حاضر دبیر اجرایی خانه احزاب و بازرسی آن می باشد.

* مسعود بابا پور فعال دانشجویی در آستانه سال تحصیلی جدید توسط دادگاه عمومی به نه ماه حبس تعزیری محکوم شد. به گزارش کلمه، مسعود باباپور دانشجوی رشته مهندسی صنایع دانشگاه ایوانکی از فعالین دانشجویی در آستانه روز دانشجو و به منظور پیشگیری از فعالیت های آنان در روز دانشجو در تاریخ ۱۲ اذر ۱۳۸۸ توسط تیم عملیات وزارت اطلاعات هنگام خروج از دانشگاه بازداشت شد.

* زویا حسنی عضو شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی و از فعالان ستاد ۸۸ به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. بر اساس رای دادگاه، این حکم قابل تبدیل به سه میلون تومان جریمه نقدی است.

نامه‌ی تاریخی آیت‌الله دستغیب به رئیس خبرگان: آقای مهدوی کنی! از چه نظامی دفاع می‌کنید؟ آیا این نظام با اینهمه تخلف، باز هم اسلامی است؟

آیت‌الله‌العظمی سید علی‌محمد دستغیب در دو نامه به آیت‌الله مهدوی کنی، رئیس مجلس خبرگان، به شدت از قانون‌شکنی‌های حاکمیت در دو سال اخیر انتقاد کرد و خواستار تشکیل یک کمیته‌ی حقیقت‌یاب مورد رضایت طرفین برای بررسی تخلفات صورت گرفته از شرع و قانون و نیز بررسی علت دخالت سپاه و نیروهای امنیتی در نهادهای مختلف اجتماعی و زندگی مردم شد.

به گزارش کلمه، آیت‌الله دستغیب که نماینده مردم استان فارس در مجلس خبرگان رهبری است، در دو نامه که قبل و بعد از اجلاس اخیر مجلس خبرگان برای رئیس این مجلس ارسال کرده و در حال حاضر برای انتشار در اختیار کلمه قرار گرفته، موارد متعددی از تخلفات مسئولان نظام از قرآن و سنت و قانون اساسی به ویژه در دو سال اخیر را برشمرده و تاکید کرده است: اگر این مسیر ادامه پیدا کند و تغییری در وضع مملکت صورت نگیرد و زندانیان آزاد نگردند و مطبوعات آزاد نگردند و قانون اساسی اجراء نگردد، آنگاه تنها خبری که از این خبرگان برداشت می‌شود این است که اعضاء آن اختیار و اجتهادی ندارند، و این همه خلاف شرعها را مجبورند تأیید کنند.

ایشان در نامه اول خود که در ۲۷ ماه مبارک ۱۴۳۲ (۵ شهریور ۱۳۹۰) نگاشته شده، با اشاره به اینکه امنیتی برای خود جهت حضور در جلسه مجلس خبرگان نمی‌بیند و لذا مطالب خود را به وسیله بیانیه به اطلاع مردم می‌رساند، به سوء استفاده انتخاباتی از بیت‌المال و حمله به مسجد قبا توسط «نمایندگان اصل یکصدوده» قانون اساسی اشاره کرده و پرسیده است: آیا شما آنچه را در این مملکت به خصوص طول این دو سال بر ملت گذشته موافق با قرآن و سنت رسول‌الله (ص) می‌دانید؟ تاریخ گواهی می‌دهد که در حیات خبرگان خلاف شرع‌های بسیاری صورت گرفته، اما خبرگان عکس‌العملی نسبت به آن نشان نداده بلکه تأیید هم کرده‌اند، و اگر کسی بخواهد مطلب حق و منطقی و عقلی بیان کند شامل تمام اتهامات می‌شود.

در نامه دوم نیز که به تاریخ ۱۶ شهریور (همزمان با آخرین روز اجلاس دهم خبرگان دوره‌ی چهارم) ارسال شده و آیت‌الله دستغیب ابراز امیدواری کرده که این نامه به دست آیت‌الله مهدوی کنی برسد و او هم به وظیفه‌ی شرعی و قانونی خود عمل کند، با اشاره به سوابق آقایان هاشمی و کروبی و خاتمی و موسوی، و اتهاماتی که به آنها وارد می‌شود، آمده است: عجیب است مثل اینکه حفظ اسلام در یک شخص تجلّی کرده که اگر او حفظ نشود اسلام از بین رفته و اگر او باشد اسلام هم هست، هر چند چیزی از احکام اسلام نماند و حتّی عقاید مردم سست شود، و همه بی‌تفاوت شوند و بازگشت به قبل کنند!

آیت‌الله دستغیب همچنین در واکنش به اظهارات آیت‌الله مهدوی کنی که خواستار آن شده بود که مردم مدافع نظام باشند، پرسیده است: جنابعالی از چه نظامی دفاع می کنید، و مردم مدافع کدام نظام باید باشند، می‌فرمائید از نظام اسلامی، حال ببینید با این تخلّفات از قرآن و سنّت باز هم نظام اسلامی است؟ آیا نه این است که در محاکمات و پیش از اجراء حکم باید هر دو طرف دعوی حضور داشته باشند و اتّهام معلوم باشد؟ از جمله آبروی آقایان هاشمی و کروبی و خاتمی و موسوی برده می‌شود با اتّهام‌های واهی و بدون محاکمه، این است اجرای احکام اسلام؟ و این است رضایت امام زمان؟

این مرجع تقلید مقیم شیراز در این نامه همچنین به حمایت از خاتمی، کروبی و موسوی پرداخته و درباره‌ی آنها نوشته است: آقای خاتمی با آن همه محبوبیّت در زمان ریاست جمهوری و کشف آن همه خلاف قانون و خلاف شرع و قدرت انتقام‌جوئی، اما جز محبّت و حفظ نظام و رهبری راهی نرفت. چهره مهر و محبّت اسلامی را در نظر مردم دنیا نشان داد. عزّت و سربلندی مردم مسلمان ایران را در تمام کشورها افزایش داد. مراجع عظام و روحانیّون والامقام را در دنیا رفعت بخشید. البته همه از برکات تربیّت امام عزیز بوده. آقای کروبی به برکت امام راحل نگذاشت مجلس از استقلال و رأس امور بودن خارج شود و با شهامت تخلّفات از قانون و شرع را تذکر داد. آقای میرحسین موسوی که به عنوان نخست‌وزیر زمان امام مشهور شد جز امانت‌داری در انجام قانون و بیت‌المال مسلمین کاری نکرد، که بی‌جهت محبوب امام واقع نگردید.

ایشان یادآور شده است: جنابعالی به خاطر دارید که مردم ایران در ابتداء انقلاب سال پنجاه و هفت به تبعیّت از مراجع و علماء به حق، فریاد می‌زدند «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» که هر سه برگرفته از قرآن و سنّت و تکیه کلام مرحوم امام خمینی بود. متأسفانه وضعی پیش آمده که از آنچه می‌خواستند و فریاد می‌زدند و مدّتی میوه شیرین آن را یافتند، جز شبحی نمی‌بینند، و خود را جدا از آن می‌یابند.

نماینده استان فارس در مجلس خبرگان، در پایان نامه‌ی اخیر خود نیز پیشنهاد داده است که «برای رضایت صاحب شرع و حفظ سه پایه‌ی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» هیئتی از افراد مطمئن و مورد نظر هر دو گروه تشکیل شود تا تخلفات صورت گرفته از قانون و خلاف شرع را بررسی کند و رضایت مراجع و علما و فضلا جلب و از آنها اعاده حیثیّت شود. ایشان همچنین تاکید کرده است که این هیئت باید بررسی کند «به چه وجه شرعی و قانونی و عرفی، سپاه و نیروهای امنیّتی در تمام شؤون زندگی مادّی و معنوی مردم وارد شده، و چرا و به چه جهت بیوت مراجع و دفاتر ایشان و وسائل تبلیغاتی آنان به شدّت تحت نظارت آنها است مساجد، حسینیّه‌ها و مراکز اجتماعات دینی اضافه بر ادارات و دانشگاهها در اختیار تام ایشان است. حوزه‌ها و مراکز علمی و فقهی که لازم است مستقل باشد و فقیه مستقل تحویل جامعه دهد در محدودیّت و کنترل شدید سپاه و نیروهای امنیّتی ظاهر و پنهان است. و هر کس پا را از خواسته‌های آنها فراتر گذاشت به احکام غلاظ و شداد که در قرآن و سنّت نیست محکوم می‌شود؟»

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۵ ، چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ما شیفتگان خدمتیم،
نه تشنگان قدرت.

شهید بهشتی

مبارزه فاسدان سیاسی با فاسدان اقتصادی

بوی این فساد را سردخانه مصلحت نمی تواند مهار کند

چند سال قبل یکی از روزنامه ها با سوپوری در تهران مصاحبه کرده بود که مدام حین کار، با هندز فری، به موسیقی گوش می داد. گزارشگر از او پرسیده بود که آیا به اخبار هم گوش می دهد و او گفته بود "نه" و وقتی پرسیده بود "پس چطور از اوضاع خبر دار می شوی؟" جواب داده بود: "خبرهای مهم را از "مردم" می شنوم" ... اگر آن کارگر زحمت کش شهرداری، بر همان سیاق گذشته روزگار سپری می کند و هنوز خبرخوان حرفه ای نشده، بی شک تا به حال چند باری خبر اختلاسِ سنگین در نظام بانکی کشور به گوشش رسیده. برای بسیاری چون او، نه ادعا برای مدیریت جهان و جهان اسلام در نیویورک و تهران جذّاب است و نه اعتراض جوانان چپ گرا در وال استریت و بحران مالی منطقه یورو. حالا زور "سردخانه مصلحت" هم نمی تواند بوی فساد را مهار کند. مردم هر چقدر هم از شنیدن و خواندن اخبار فراری باشند... کم و بیش همه خبر دار شده اند که آتش بس، بعد از ماه رمضان عملا تمام شده و اصولگراها مدام در حال رو کردن اسناد فساد اقتصادی علیه یکدیگرند.

این رفتارها در هر دو سو به طور کاملا واضحی "سیاسی" است. این اسناد متعلق به دیروز یا هفته و ماه قبل نیست که اینک برای "عدالت" خواهی بخواهند آن ها را لو بدهند. گنجینه همه کسانی که دستی بر اسناد حکومت دارند، مالامال از اسنادی است که برای روزهای مبادا کنار گذاشته اند. این شیوه ی لو دادنِ رانت خواری و فسادهای اقتصادی، خود موید فساد بزرگتر و خطرناکتری است به نام "فساد سیاسی". چنین پرده دری های "یهویی"، در بطن خود، بازگشت اعتماد به سیستم بانکی کشور، به نظام نظارتی و قضایی و به کارآمدی نظام را با تاخیرهای جدی مواجه خواهد کرد؛ این محصول خواسته و ناخواسته مبارزه با فساد اقتصادی به وسیله فساد سیاسی است.

حالا آن سوپور هنردوست، اگر ذوقی برای هماهنگ کردن خود با اوضاع "مهم" دور و برش داشته باشد، شاید این روزها موسیقی متن "دزد دوچرخه" را گوش می کند؛ آخر این روزها گزارش های زیادی از "دوچرخه" های به یغما رفته، به گوش می رسد!

اختلاس بزرگ، یا یک چشمه از مملکت‌داری آقایان

سرانجام رهبری در جمع دست اندرکاران حج، در خصوص بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ ایران، رسانه‌ها را به سکوت فراخواند. رهبری با اشاره به اینکه «عده‌ای می‌خواهند از این ماجرا برای زیر سؤال بردن مسوولان استفاده کنند» تاکید کرده اند «رسانه‌ها بیش از این نباید به جنجال و هیاهو درباره این ماجرا ادامه دهند».این در حالی است که این اختلاس، در نزد خواص و عوام عملاً به معیاری برای اندازه گیری برای اندازه گیری میزان «انحراف‌ها و خطاها» و سنجش عملکرد مسئولان تبدیل شده است.

از باب نمونه، محمدعلی نجفی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران در مصاحبه با «اعتماد» گفته است: «حسابرس رسمی شورا درباره هزینه‌های بدون سند شهرداری طی سال‌های ۸۲ تا ۸۴ نمی‌تواند اظهارنظر کند» زیرا «۳۲۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری تهران صرف برنامه‌هایی شده که به تصویب نرسیده و شاید بخش عمده‌یی از این برنامه‌ها ارتباطی به کار قانونی شهرداری نداشته است.» نجفی افزوده است: «اگر رقم ۳۲۰ میلیارد تومان آن زمان را بخواهیم به نرخ امروز محاسبه کنیم، نزدیک به سه برابر می‌شود و رقمی که به دست می‌آید چیزی حدود یک‌سوم رقم اختلاس اخیر، یعنی یکهزار میلیارد تومان است».

اتهام اختلاس ۳۲۰ میلیاردی محمود احمدی‌نژاد در شهرداری تهران، سالهاست بر سر زبان هاست و بارها گفته شده است، اما یادآوری آن در این روزها و سنجش آن با «معیار اختلاس بزرگ»، هم شنیدنی است و هم گواه آن است که برخلاف آنچه توسّط به اصطلاح اصولگرایان و رسانه‌های آنان تبلیغ می‌شود، ماجرای محمود احمدی‌نژاد و اختلاس و فساد قصه تازه‌ای نیست.

احمدی‌نژاد اگرچه توسط شورای شهر تهران انتخاب شد، اما آنجا نیز یک شهردار «سفارشی» بود و در یک روند سالم به شهرداری تهران نرسید. وزرای وقت اطلاعات و کشور، به دلایلی از جمله پرونده او در استانداری اردبیل با انتصاب او مخالف بودند. پرونده بی‌فرجامی که در آن احمدی‌نژاد به «فساد و اختلاس» متهم است. به عبارتی دیگر، نام محمود احمدی‌نژاد در تمام پست‌های مهمی که در کشور داشته است با اختلاس گره خورده است. اختلاس‌هایی که هر کدام در نوع خود بزرگ‌ترین‌ها محسوب می‌شوند.

بالا رفتن احمدی‌نژاد از پلکان قدرت هیچگاه بر اساس شایستگی و «معیارهای قانونی» نبوده است. اینجا نیز اختلاس ۳ میلیارد دلاری، شاخص و معیار نوعی از حکمرانی و مملکت داری است. نوعی از حکمرانی که در آن اشخاص بر مبنای «نظرات شخصی و نزدیکی اشخاص به آن» بالا می‌روند و نظر اشخاص معیار انتخاب و انتصاب قرار می‌گیرد، نه قانون. مدلی از حکمرانی که فرد جایگزین قانون می‌شود؛ مدلی که اختلاس ۳ میلیارد دلاری هم به روشنی نشان می‌دهد «جز فساد نمی‌آفریند.»

پیام «بگم بگم» های متقابل؛ ناتوانی در اداره مملکت

چرا رسانه‌ها نباید مسئله ی اختلاس بزرگ را «کش بدهند»

در اصطلاح رایج عامه، افشاگری با شهادت، پژوهش و یا تلاش برای کشف حقیقت تفاوتی معنادار دارد. با این معنا، «افشاگری» معمولاً «کنشی» برای ابراز حقیقت نیست، بلکه «واکنشی» است که به قصد ضربه زدن به حریف به کار می‌رود. محتوای این واکنش، حتی اگر حقیقت داشته باشد و به کشف حقیقت نیز کمک کند، اغلب فاقد ارزش اخلاقی است؛ زیرا فرد افشاگر همواره در مظان این اتهام است که چرا زودتر دست به افشای حقیقت نزده و یا چرا حقیقت را فدای مصلحت فردی کرده است.

مثلاً افشای سفر خانوادگی محمود احمدی‌نژاد به آمریکا برای اصلاح مدیریت جهانی! توسط سایت الف وابسته به احمد توکلی و یا افشاگری متقابل سایت دولت یار علیه احمد توکلی در خصوص تحصیل غیرقانونی وی در مقطع دکترا و بردن ۷ نفر از اعضای خانواده به انگلیس به بهانه تحصیل، حتی اگر صحت هم داشته باشند، آنچنان با اغراض سیاسی و فردی توأم شده‌اند که مخاطب با شنیدن و خواندن آن نه تنها حظی از حقیقت نمی‌برد، بلکه از اینکه زمام مملکت به دست چنین کسانی افتاده است، ناخودآگاه مأیوس می‌شود.

افشاگری در عرصه رقابت سیاسی، مانند فحش دادن و بد و بیراه گفتن در حین دعواهای خیابانی است. آن کس که از سر اضطرار دست به افشاگری می‌زند، تنها عیب‌های طرف مقابل را فریاد نزده است، بلکه تزلزل و ناتوانی خود را نیز آشکار کرده است. یعنی «تزلزل در باور» و «ناتوانی در رفتار» کمترین علائم افشاگری از سر اضطرارند. با این حال، اصولگرایان در حالی افشاگری را سکه رایج بازار سیاست کرده‌اند که تمام قوای اجرایی و نظارتی را در اختیار دارند و از حمایت تمام قد نهادهای ثروت و قدرت برخوردارند.

پیام این افشاگری‌ها، ابراز فساد قوه مجریه، ناتوانی قوای نظارتی و عقیم ماندن قوای قانون گذاری است، به خصوص که افشاگران جملگی شرکاء دیروز و رقبای امروزند. بی‌دلیل نیست که آیت‌الله خامنه‌ای در تازه‌ترین سخنان خود در جمع دست‌اندرکاران حج، از رسانه‌ها – بخوانید رسانه‌های اصولگرا –خواسته‌اند که «دیگر این قضیه را کش ندهند». معلوم است که پیام «ناتوانی در اداره مملکت» به کام رهبری نیز تلخ آمده است.

تجربه نشان داده است که بسیاری از اصولگرایان – به‌رغم این نام مبارک که با آن شناخته شده‌اند – چندان پروای اصول اخلاقی و شرعی را ندارند. آن‌ها بی‌محابا برای زمین زدن رقیب سیاسی دروغ می‌گویند. کمتر روزی است که در سایت‌های منتسب به اصولگرایان شاهد انتشار شایعاتی نباشیم که به فاصله چند ساعت دروغ بودن آن‌ها آشکار می‌شود. احمدی‌نژاد که بیش از ۶ سال است علم اصولگرایی را به دوش می‌کشد و جمیع اصولگرایان برای حمایت او بسیج بوده‌اند، احتمالاً در تاریخ سیاسی آینده ایران نمادی از دروغ خواهد بود. با این اوصاف، عقل و انصاف حکم می‌کنند که به افشاگری‌های اصولگریان علیه همدیگر، همواره با دیده تردید بنگریم، مبادا در کشاکشی که اصولگرایان برای حفظ اصلِ قدرت دارند، پایه‌های ایمان و اخلاقمان به گمانی بد آلوده شود.

در غوغای افشاگری‌ها و سیاست آلوده به دروغ، شایسته است اصولگرایانی که دغدغه اخلاق و اسلام دارند، در مشی و رفتار سیاسی میرحسین موسوی اندکی تأمل کنند. اصلاح طلبی که نه اصولش را گم کرد و نه هیچ‌گاه آن را فدا کرد، و نه افشاگران توانستند کمترین سندی علیه‌اش پیدا کنند تا به اصولش ضربه‌ای بزنند. اصولگرایی، که تاریخ سیاسی آینده از او به عنوان یکی از مظاهر سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی یاد می‌کند.

در دیدار سیدمحمد خاتمی و عبدالله نوری:

انتخابات آزاد تنها راه بازگشت اعتماد افکار عمومی و مشروعیت آسیب دیده نظام است

سیدمحمد خاتمی و عبدالله نوری در دیداری با یکدیگر، با تاکید بر آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر از رهبران جنبش سبز، برای خروج کشور از بحران جاری بر لزوم برگزاری انتخابات آزاد بدون دخالت نهادهای امنیتی و نظامی تصریح کردند.

در این دیدار با تاکید بر آزادی همه زندانیان سیاسی اظهار شد: باید زندانیان سیاسی و عقیدتی خصوصا فعالان سیاسی و دانشگاهی و حتی جوانان بی نام و نشانی که فقط به خاطر ابراز عقیده ای متفاوت در زندان ها در شرایطی سخت بسر می برند، آزاد شوند.

دو شخصیت برجسته اصلاحات همچنین با اعلام حمایت از مواضع رهبران جنبش سبز بر لزوم آزادی سریع میر حسین موسوی و مهدی کروبی از بازداشت غیرقانونی تاکید کردند.

این دو شخصیت اصلاح طلب با تاکید بر برگزاری انتخابات آزاد با فرایندی بسیار شفاف و روشن برای افکار عمومی ادامه دادند: عدم برگزاری انتخابات آزاد، عدم نظارت مستقیم و موثر مردم و نیز عدم حضور مطبوعات و رسانه های آزاد و مستقل باعث ایجاد فساد گسترده در ارکان حکومت گردیده که این روزها نمونه هایی از آن برای مردم هویدا شده است.

این دو بازگرداندن اعتماد افکارعمومی و مشروعیت آسیب دیده نظام را در گرو برگزاری انتخابات آزاد دانستند و افزودند: درکشورهایی که انتخابات آزاد برگزار می شود، شرکت درانتخابات استفاده از حقی مسلم توسط مردم است و طبیعتا شرکت درانتخابات تایید عملکرد حاکمان نیست.

نوری و خاتمی با اشاره به ضرورت اهمیت حرکت بخش های عاقل و ریشه دار نظام و حاکمیت در مسیر جبران اشتباهات و کج روی هائی که خصوصا در چند سال اخیر صورت گرفته ادامه دادند: تدبیر عقلای نظام در جهت نجات هر چه سریعتر کشور از آسیب های مهیب و بی نظیری که در سال های اخیر به دلیل سوءمدیریت و فساد گسترده در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی منافع ملی را به چالش جدی کشیده ضرورت دارد.

رییس جمهور اصلاحات و وزیر کشورش به تصمیم گیرندگان اصلی نظام توصیه کردند که جهت کوتاه شدن دیوار بی اعتمادی میان اکثریت مردم با حکومت باید فضای امنیتی و اطلاعاتی برچیده شود و نخبگان، فرهیختگان، اصحاب رسانه و مطبوعات مستقل و منتقد، دانشگاهیان و روحانیون بتوانند بدون هیچ نگرانی و محدودیت مشکلات، کمبودها، سوء مدیریت ها ی موجود در ساختار قدرت در حوزه های مختلف را نقد کنند.

نوری و خاتمی اظهار داشتند: درصورت آغاز اعتماد سازی و کوتاه کردن دیوار بی اعتمادی توسط نظام با اکثریت مردم، نخبگان، دانشگاهیان، فعالان سیاسی، روحانیت، کارگران، زنان و جوانان می شود به مرور جهت آینده ایران و نجات منافع ملی و با حفظ اصول محوری اصلاحات و جنبش سبز با محوریت تمام اصول قانون اساسی با نظام و حاکمیت وارد گفتگویی انتقادی و اصلاحی شد. همچنین همزمان راهکارهای عملی اصلاح قانون اساسی جهت تضمین رعایت حداکثر حقوق مردم و برگزاری انتخابات آزاد توسط حاکمیت در زمانی مشخص بررسی و اجرا شود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۶ ، شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

یا علی بن موسی الرضا

سرمقاله

دلیلی قانع کننده برای زندانی شدن میرحسین

در مراسم ختم پدر آقای حسن روحانی، خبرنگار یکی از سایت‌های اقتدارگرا از محمد رضا خاتمی پرسیده بود «اگر این اختلاس در دوران مجلس ششم اتفاق افتاده بود، مجلس با آن چه برخوردی می‌کرد؟» و دکتر خاتمی جواب داده بود که «در دوران مجلس ششم چنین اختلاسی اتفاق نمی‌افتاد».

خاتمی درست گفته است. مجلس ششم هر چه بود یک مجلس فرمایشی نبود. آن مجلس حتی هنگامی که تن به حکم حکومتی سپرد، آنقدر شفافیت داشت که هیات رئیسه را وادار کند تا برای درج در صورتجلسات مجلس و ثبت در تاریخ، متن فرمان رهبری خوانده شود تا آیندگان بدانند چه اراده‌ای خواهان محدود کردن رسانه هاست و از «شفافیت در مقابل ملت» هراسان است.

و نکته جالب آنجاست که میر حسین موسوی در بیانیه شماره ۱۸ خود هنگامی که از «غارت بزرگ ملی» گفت و هشدار داد که در نبود دستگاههای نظارتی مستقل، فاجعه‌های اقتصادی در راهند، راز پرهیز از آن را «شفافیت در برابر ملت» دانست. در بیانیه شماره ۱۸ آمده است:

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پایاپای بسته شد؟ چه کسی جرات دارد پرونده واگذاری‌های بزرگ را به بهانه اجرای اصل ۴۴ به مراکز قدرت و نفوذ باز کند و پرده از این غارت بزرگ ملی که منجر به ایجاد انحصارهای بزرگ اقتصادی شده است، برکشد؟ چه کسی آن شجاعت را دارد که از فاجعه نبود کمترین نظارت مالی بر دستگاههای نظامی و امنیتی و نهادهای شبه دولتی که سراسر فضای اقتصادی کشور را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند دم برآورد؟ و باز ملت ما سوال می‌کند که آیا این بود آن نظام اسلامی و عادلانه که در پی آن بودیم. «شفافیت در مقابل ملت» چه مشکلی ایجاد می‌کرد که به پنهان‌کاری از ملت پناه بردیم؟ آیا آن اصل طلایی شفافیت حکومت در مقابل ملت را از زبان پیر جماران یادمان رفته است که می‌گفت: «کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح دهید.»

این سطور، سخنان یک سال پیش میر حسین‌اند. مردی که نه ادعای پیشگویی داشت و نه با اجنه و رمال و اسطرلاب میانه‌ای داشت ونه خودش را نایب امام زمان می‌دانست و نه هوای مدیریت جهانی داشت.

یکسال و اندی پیش – و نه ده سال قبل – میر حسین موسوی در بیانیه شماره ۱۸ خود آنچه را که امروز شاهدیم، تمام و کمال هشدار داد. آن‌ها که بایست می‌شنیدند، شنیدند، اما گویی اراده‌ای برای برخورد با مفسدان اقتصادی وجود نداشت. نه تنها اراده‌ای وجود نداشت بلکه صاحبان این سخن را نیز محصور و زندانی کردند تا مبادا بیش از این منادی حقوق برباد رفته مردم و اموال غارت شده بیت المال باشد.

یکسال و اندی پیش، میر حسین موسوی پرسید «شفافیت در مقابل ملت چه مشکلی ایجاد می‌کرد که به پنهانکاری از ملت پناه بردیم؟» و امروز هم اگرچه طشت رسوایی مدیریت اقتدارگرایانه از بام افتاده است اما گویی هنوز هم اراده‌ای برای شفافیت در مقابل ملت وجود ندارد. هنوز هم مردم نامحرم‌اند و حق ندارند سراغی از بیت المال خویش بگیرند.

کسانی که به دنبال دلیلی برای حصر و زندان میرحسین می‌گردند، با خواندن همین چند سطر می‌توانند به علت آن پی ببرند. پاسخ مسئولان و متولیان امر به هشدارهای میرحسین، حصر و زندان بود و الحق که در طول تاریخ هر کس که با ارباب ثروت و قدرت در افتاده است پاسخی بهتر از این نشنیده است.

اخبار کوتاه

* شورای هماهنگی راه سبز امید در پیامی به شورای عالی رهبری انقلاب سوریه، ابراز امیدواری کرد که هرچه زودتر با پیروزی مردم رنجدیده سوریه، نسیم آزادی و دموکراسی و برابری بر این سرزمین بوزد و غبار ستم و اندوه این روزها از چهره‌ی جامعه‌ی سوریه زدوده شود.

* جمعی از فرماندهان، ایثارگران و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، با صدور بیانیه‌ای از ادامه حبس حسین زرینی، عضو ستاد ایثارگران میرحسین موسوی، انتقاد کردند و خواستار آزادی سریع و دلجویی از وی شدند. در این نامه تاکید شده که حسین زرینی، نمادی از جوانان نسل انقلاب است که در عرصه دفاع مقدس، سازندگی و اصلاحات فعال بودند و در سالهای اخیر نیز وقتی دوباره انقلاب خود را در خطر دیدند، باز هم صحنه را خالی نکردند و مبارزه با انحرافات و کج‌روی‌ها پرداختند.

* احمد خاتمی در نماز جمعه این هفته تهران خواستار آن شد که رسانه‌ها درباره پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی جنجال نکنند. وی افزود: «در همه جای دنیا این فسادها وجود دارد». احمد خاتمی با انتقاد از کسانی که قصد دارند از این تنور داغ (اختلاس) نان انتخاباتی خودشان را بپزند، به مسئولان نظام هشدار داد که صبوری پیشه کنند، فرافکنی نکنند و گناه فساد را به گردن یکدیگر نیندازند.

پاسخ های خواندنی نایب رییس مجلس ششم به خبرنگار فارس

سیدمحمدرضا خاتمی: مگر قرار است انتخابات برگزار شود؟

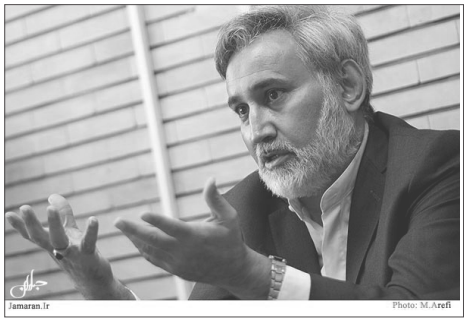

خبرگزاری فارس در خبری که دقایقی پس از نشر بخشی از آن را حذف کرد نوشت: محمدرضا خاتمی، گفته است که اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شرکت نمی‌کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده شرکت خواهند کرد یا خیر، پرسید قرار است انتخاباتی برگزار شود؟

زمانی که یکی از خبرنگاران به نایب رییس مجلس ششم گفت تا به حال شده بود این تعداد خبرنگار دور شما جمع شوند، با کنایه پاسخ داد: نه، من هول شدم.

خاتمی در پاسخ به این سؤال که می‌گویند "اصلاح‌طلبان باید در قبال فتنه موضع‌گیری کنند و در غیر این صورت نمی‌توانند در انتخابات شرکت داشته باشند"، گفت: همه درباره فتنه موضع‌گیری می‌کنند؛ اختلاس و دزدی مملکت را برداشته است.

خاتمی در پاسخ به این سؤال که اگر مجلس ششم هم‌اکنون روی کار بود، چه برخوردی با اختلاس اخیر می‌کرد، خاطر نشان کرد: اگر مجلس ششم بود، چنین اختلاسی روی نمی‌داد.

وی در پاسخ به این سؤال که "چرا آمریکایی‌ها می‌گویند اصلاح‌طلبان سرمایه‌های اجتماعی ما هستند؟"، اظهار داشت: من چنین چیزی نشنیده‌ام؛ آمریکا ممکن است غلط‌های مختلفی بکند.

خاتمی در پاسخ به این سؤال که "چرا آمریکا همیشه از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کند؟"، گفت: این‌طور نیست، آمریکا از خیلی‌ها حمایت می‌کند.

خاتمی در پایان تاکید کرد که اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

برادر سهراب اعرابی: قوه قضاییه پیشنهاد پرداخت دیه داده است؛ حلالیت فقط با آزادی زندانیان سیاسی

روز ۲۵ خرداد هنوز هم یادآور عکس جوانی است که با سربند سبز در کنار مادر نگران آینده است که در چشمانش فریاد می شود.

سهراب اعرابی جوان ۱۹ ساله ای که پس از راهپیمایی مسالمت آمیز ۲۵ خرداد ماه، خانواده ی وی مدت ها به دنبالش زندان ها و کلانتری ها و بیمارستان ها را گشتند و پس از ۲۶ روز، مادر و برادرِ سهراب، جنازه ی این جوانِ ۱۹ ساله را در پزشکیِ قانونی شناساییَ می کنند.

پروین فهیمی از نخستین مادران داغداری بود که پس از کشته شدن فرزندش سکوت نکرد. وی همان روز ها در گفتگو با کلمه تنها شرط گذشتن از خون پسرش را آزادی تمام زندانیان سیاسی اعلام کرده و گفته بود اگر همه زندانیان سیاسی را با اعلام برائت آزاد کنند از خون سهراب می گذرم اما اگر قرار باشد فرزندم را که کشته اند و زندانیان هم در زندان باشند از خون سهراب نمی گذرم.

حکایت این روزهای کشور، یادآور قصه ی دو زنی است که هر دو مدعی می شوند کودک بینشان فرزند اوست، به دستور حاکم هر کدام یکی از دستان کودک را می کشند و قرار است هر که موفق شد بچه از آن او باشد. پس از چند دقیقه مادر اصلی که نگران درد دست کودک است نگران او را رها می کند و زن کذاب همچنان می کشد. مادر اصلی است که دلنگران واقعی کودک است. قصه ی این روزهای ایران شده است که هر که از راه می رسد ضربه ای می زند و او که مادر اصلی است دغدغه ی کشور را دارد و از خون پسرش می گذرد تا اوضاع کشور به سامان شود.

در همین باره سهیل اعرابی برادر سهراب در گفتگو با کلمه در واکنش به هجویات منافقین داخلی و خارجی علیه مردم و جنبش مردمی سبز، می گوید: سازمان مجاهدین خلق به نظر من یعنی تعدادی آدم در یک کمپ که معلوم است تحت چه فشارهایی از جانب سرانشان قرار دارند. طبیعتا اعضای این کمپ اگر نظری هم بدهد و حرفی بزند نمی تواند ادعا کند مردمی است. من معتقدم مجاهدین خلق با رفتارهایی که دارد فقط تداعی کننده ی یک دیکتاتوری است. من به آنها که به هر طریق تلاش می کنند خودشان را به مردم بچسبانند پیشنهاد می کنم که اگر واقعا دوست دارید با مردم باشید ببینید مردم داخل چه می خواهند و صدای آنها را بشنوید به جای آنکه از اعتراض مردم استفاده کنید و اسم خودتان را مطرح کنید.

آیا پرونده اختلاس هم به سرنوشت قتل های زنجیره ای و کوی دانشگاه و کهریزک مبتلا شد؟

تنها یک روز پس از آنکه رهبری از رسانه‌ها خواستند که ماجرای اختلاس بزرگ را کش ندهند، شکایت ۱۱ تن از نمایندگان مجلس از احمدی‌نژاد در این باره، منتفی شد؛ موضوع اختلاس از دستور کار شورای پول و اعتبار خارج شد و روزنامه‌های قدس، جام جم و خراسان و... سر مقاله‌های خود را بازخوانی فرمان ۱۰ سال پیش رهبری اختصاص دادند. مهدی طائب هم در فارس نیوز به عرصه آمد تا کسانی را که از این پس موضوع اختلاس را پیگیری می‌کنند شریک جرم اختلاس گران کند و بگوید «مختلس با مبلغان اختلاس! یک کار را انجام می‌دهند!! و هر دو از یک مرکز واحد دستور می‌گیرند!». حسین شریعتمداری هم که این بار دستش از نام‌هایی چون صهیونیست و بهایی و منافقین خالی است، زمین و زمان را به هم دوخت تا بگوید به جای سخن گفتن از «مسئولیت حاکمان و عوامل اختلاس» باید به ریشه‌ها پرداخت و کم مانده که ماجرای دزدی از بانک صادرات را به نزاع هابیل و قابیل برساند.

مقام رهبری اگرچه در سخنان خود خواستار آن شده بود که به این بهانه مسئولان نباید زیر سوال بروند و برای دفاع از عملکرد خویش و ضرورت رسیدگی به مفاسد اقتصادی به دستور ۱۰ سال پیش اشاره‌ای کرد، اما بعید است منظور اصلی ایشان تعطیل کردن رسیدگی نمایندگان و شورای پول و اعتبار باشد. حتی بعید است ایشان خواسته باشند که موضوع اختلاس بزرگ در لابلای فرافکنی‌های ده ساله گم شود و یا ریشه‌های آن به ۱۰ سال پیش کش یابد.

با ابراز تاسف باید گفت که عملکرد حامیان رهبری و نمایندگان و قوای مصلوب الاختیار این شائبه را در ذهن ایجاد می کند که رهبری به هر قیمتی خواهان پایان رسیدگی به این ماجراست. ماجرایی که در صورت روشن نشدن تمام ابعاد آن می‌تواند بسان لکه سیاهی در تاریخ عملکرد حاکمان این کشور باقی بماند.

اگرچه این نخستین باری نیست که عملکرد حامیان و اطرافیان آیت الله خامنه‌ای مصداق «مهر ابله» می‌شود، اما این بار قضیه عام‌تر و فراگیرتر از همیشه است. این هواداران ناشی، با این عملکرد خود، نه تنها آب به آسیاب اختلاسگران می‌ریزند، بلکه خواسته یا ناخواسته با پیوند زدن آن با سخنان رهبری، در حقیقت هزینه این حمایت مشکوک را به پای رهبر جمهوری اسلامی می‌نویسند.

البته نگرانی بزرگ‌تر و اصلی آنجاست که مبادا قوه قضائیه هم مانند مجلس وَ شورای پول و اعتبارو رسانه‌های دولتی، از سخنان رهبری اینگونه برداشت و تفسیری داشته باشد و با این برداشت این پرونده را نیز به سرنوشت بسیاری دیگر از پرونده‌های ملی همچون قتل‌های زنجیره‌ای و کوی دانشگاه و کهریزک و... مبتلا کند.

کلمه کارگری
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمهٔ کارگری، شماره اول، شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۹۰

میرحسین موسوی: کارگران به دنبال عدالت اجتماعی هستند
ضرورت تشکیل سندیکا
دولت احمدی‌نژاد، قانون کار را به زیان کارگران تغییر می‌دهد

سرمقاله

ضرورت تشکیل سندیکا

وضعیت دشوار و وخیم اقتصادی ایران؛ گرانی، تورم، اخراج کارگران و افزایش بیکاری، و حقوق های بسیار کم شرایط زندگی را برای میلیون ها کارگر ایرانی سخت تر کرده است.

اخراج کارگران در شرایطی صورت می گیرد که به دلیل واردات گسترده قاچاق کالا و آزادی فعالیت بخش سرمایه داری تجاری و دلال، بسیاری از واحد های تولیدی به رغم داشتن امکانات و تجهیزات فنی و کارآمد و نیروی انسانی با سابقه منحل شده اند و می شوند و هر روز، تعداد بیشتری ازکارگران، بیکار می شوند و به صف میلیون ها بیکاری ملحق می شوند که سرنوشت نامعلوم و سیاهی انتظارشان را می کشد.

این وضعیت منجر به تشدید فقر، فحشا و اعتیاد شده است. در کنار اینها، می توان به آمار بالای طلاق اشاره کرد که یکی از دلایل آن، نداشتن حداقل امکانات زندگی و کار و مسکن مناسب است.

همچنین کودکان کارگران به جای رفتن به مدرسه، به خیابان ها سرازیر شده اند و در سنین پایین مجبور به کار کردن با حقوق ناچیز هستند.

در این میان، هر کسی در این کشور، به جز کارگران، آزاد است که هر کار که به سودش است، انجام دهد. به عنوان مثال، دولت مجاز است قیمت ها را گران کند، صاحبان وسایط نقلیه درون شهری وبرون شهری می توانند برای جبران هزینه های قطع یارانه انرژی، کرایه های خود را افزایش دهند، کارفرمایان و کارخانه داران مجازند به دلیل افزایش قیمت های حامل انرژی تعدیل نیرو کنند و از گرده کارگران باقیمانده کار بیشتری بکشند. کارفرمایان و کارخانه داران همچنین مجازند که قیمت های محصولات شان را برای حفظ سود خود افزایش دهند و در صورتی که سود نبرند، کارخانه های خود را تخته کنند و صدها و هزاران کارگر را بیکار کنند. مالکین منازل مسکونی نیز مجازند و می توانند به دلیل تورم ناشی از حذف یارانه ها، اجاره بهای منزل مسکونی خود را افزایش دهند.

اما میلیون ها کارگر برای زنده ماندن خود و خانواده هایشان حق ندارند حقوق به عقب افتاده خود را بخواهند و یا خواستار افزایش دستمزدهای خود شوند.

همه این ضرب المثل را شنیده ایم که «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». بنابراین راه چاره کارگران، ایجاد سندیکا، اتحادیه ویا تشکل مستقلی است که حرف دل آنان را بزند و از منافع آنان در این وضعیت سخت اقتصادی دفاع کند.

کارگران بسیاری از کشورهای جهان برخلاف برادران و خواهران کارگر خود در ایران، دارای سندیکا و اتحادیه هستند که در مذاکره با کارفرما و یا در اعتراض های کارگری، از آنان دفاع می کند.

اما دولت ایران برخلاف تعهدات بین المللی اش به کارگران اجازه نمی دهد تا سندیکا یا اتحادیه خود را داشته باشند. در عوض، چند تشکل کارگری از سوی دولت اجازه فعالیت دارند که قدمی در راه کارگران و منافع آنان بر نمی دارند و به عنوان مثال، هر سال، حقوق پایین تر از خط فقر را برای کارگران قبول می کنند.

تجربه چند کارخانه در ایران، مانند شرکت نیشکر هفت تپه، کیان تایر، مجتمع پتروشیمی بندر امام و تبریز نشان می دهد که کارگران این کارخانه ها با داشتن اتحاد عمل، انتخاب نماینده و تشکیل سندیکا و اتحادیه توانسته اند حقوق و مزایای خود را تا حدودی و یا به طور کامل بگیرند و یا اینکه مانع از تعطیلی این واحدها شوند.

این موضوع نشان می دهد که اگر کارگران یک دل و زبان شوند و سندیکا و اتحادیه خود را ایجاد کنند، می توانند از حق خود دفاع کنند.

میرحسین موسوی: کارگران خواهان آزادی برای ایجاد تشکل‌های سیاسی و صنفی خود هستند تا مشکلات‌شان را حل کنند

میرحسین موسوی، از همراهان جنبش سبز، در روز جهانی کارگر سال گذشته در پیامی به مناسبت روز کارگر و نیز روز معلم، از کارگران و معلمان ایران خواست که به «جنبش سبز» بپیوندند و در جستجوی آزادی باشند.

وی که بیش از شش ماه است که همراه با همسر خود در حبس خانگی به سر می برد، در این پیام ویدیویی با بر شمردن مشکلات کارگران و معلمان و نسبت دادن آن به عملکرد حکومت ایران، افزایش تورم، کاهش میزان سرمایه گذاری، رواج فساد و دروغ، سوء مدیریت، تعطیلی کارخانه ها، از دست رفتن بازار برای تولیدات ملی، افزایش بی کاری و عدم پرداخت دستمزد بسیاری از کارگران را از جمله مشکلات موجود در ایران دانست.

او گفت که کارگران و معلمان می دانند که مسائل زندگی روزمره آنها با اقدامات حکومت در محدود کردن رسانه ها، به زندان انداختن فعالان سیاسی و محدود کردن فعالیت تشکل های صنفی و سیاسی ارتباطی گسترده دارد.

آقای موسوی گفت که معلمان و کارگران خواهان آزادی هستند تا بتوانند تشکل های سیاسی و صنفی خود را تشکیل دهند و از طریق فعالیت سیاسی، راه حلی برای مشکلات خود پیدا کنند.

وی با اشاره به تاثیر منفی واردات بی رویه در بازارهای ملی خاطرنشان کرد که متاسفانه ما در حال واگذاری بازارهای ملی خود به بیگانگان هستیم و همه ملت می داند تا چه اندازه این مساله در سرنوشت ملت، استقلال و آزادی و زندگی کارگران ما تاثیر می گذارد..

نخست وزیر سابق ایران به بستن روزنامه ها، محدود کردن تشکلهای صنفی وسیاسی، پرکردن زندانها اشاره کرد و افزود: همه اینها در سرنوشت معلمان و کارگران تاثیر می گذارد. خیلی مهم است که معلمان و کارگران براین حقیقت واقف باشند که هستند که مشکلاتی که آنها در زندگی روزانه خود لمس می کنند، ناشی از مسایل کلی و جاری کشور است و یک ارتباط سنگین و مستقیم بین آنها وجود دارد.

او تاکید کرد که خواست کارگران و معلمان، چیزی جدا از خواسته های اساسی و بنیادی مردم کشور نیست و آن چیزی جز توسعه نمی باشد.

آقای موسوی افزود: دود عدم توسعه کشوربه چشم همه مردم می رود و مهمتر از آن به چشم کارگران در بخش های مختلف می رود. توسعه کشور به نفع کارگر و معلم است.

وی ادامه داد که کارگران و معلمان در پی آزادی هستند، چون به این وسیله می توانند فعالیتهای صنفی خود را داشته باشند. آنها به دنبال عدالت اقتصادی و معیشتی وعدالت در توزیع منزلت های اجتماعی هستند که از این طریق بهتر می توانند از استقلال دفاع کنند. عدالت باعث می شود که آنها بتوانند ثروت ایجاد کنند و با خدمات خود بتوانند بیشتر به جامعه فایده برسانند.

او سیاست خارجی دولت ایران را «نامتعادل»، «ماجرا آفرین» و «بی برنامه» توصیف کرد و گفت: «این اقدامات خلاف تدبیر، بلافاصله تأثیر خود را بر سفره مردم نشان می دهد».

میر حسین موسوی همچنین از حامیان جنبش

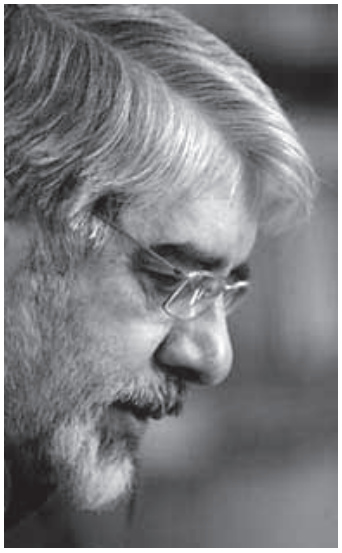

سبز خواست از طریق اطلاع‌رسانی سینه به سینه با اقشار مختلف جامعه، به ویژه روستاییان، کارگران و کشاورزان ارتباط برقرار کنند و آنها را نسبت به حقوق خود آگاه سازند.

میر حسین موسوی و مهدی کروبی، دو همراه جنبش سبز، و خانم زهرا رهنورد، همسر آقای موسوی، از زمان راهپیمایی هواداران جنبش سبز در تهران و چند شهر دیگر ایران در روز ۲۵ بهمن سال گذشته در حبس خانگی به سر می برند.

دولت احمدی‌نژاد، قانون کار را به زیان کارگران تغییر می‌دهد

دولت احمدی نژاد در نظر دارد تا قانون کار را تغییر دهد. به همین خاطر هم تاکنون جلساتی در شورای عالی کار برگزار شده است.

بر اساس گزارش های منتشر شده، تصمیم به تغییر قانون کار در چارچوب طرح تحول اقتصادی گرفته شده است. در همین راستا، پیش نویسی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان «اصلاحیه قانون کار» در اختیار تشکل های کارفرمایی و برخی از تشکل های کارگری مورد اطمینان دولت قرار گرفته که بر اساس آن، ۲۸ بند از مفاد قانون کار فعلی تغییر کرده و به عبارتی، تمامی مزایای کارگران در این موارد قطع شده است.

برای مثال، مرخصی کارگران از ۳۰ روز به ۲۱ روز کاهش پیدا کرده است. همچنین تشکل های کارگری رسمی در مورد اخراج کارگران حق اظهار نظر ندارند. در عین حال، سه روز مرخصی تشویقی برای فوت اقوام درجه یک کارگر به یک روز کاهش یافته و از طرف دیگر، افزایش ۴۰ درصدی مزد کارگران در نوبت کاری و شیفت کاری حذف شده است.

همچنین حق کارفرما برای اخراج کارگران که مشروط بود، در صورت تصویب تغییرات مورد نظر دولت، به رسمیت شناخته می شود و دست کارفرما برای اخراج کارگران باز خواهد شد.

به این ترتیب، در صورت تصویب تغییرات در قانون کار، باید در انتظار محدودیت های جدیدی بر کارگران بود.

دولت احمدی نژاد در حالی قصد حذف مزایای کارگران را دارد که دست کارفرما برای قرارداد موقت، یعنی قرارداد کوتاه، باز است. در همین راستا، در روزهای پایانی سال، قرارداد کارگران قرارداد موقت که تمام می‌شود، آنان از مزایای کامل آخر سال، مرخصی‌های با حقوق ایام عید و بسیاری مزایای دیگر محروم می‌شوند. این در حالیست که نزدیک به ۹۰ درصد کارگران ایران امنیت شغلی ندارند؛ یعنی همین حالا هم از مزایای قراردادهای رسمی کار محرومند.

دلیل روی آوردن کارفرمایان به قرارداد موقت، بالا بردن میزان سود از کار کارگران در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، فرار از مقررات حمایتی قانون کار از کارگران و ممانعت از بازرسی محیط های کار توسط بازرسان بوده است.

البته بحث تغییر قانون کار تازگی ندارد و سال‌های قبل نیز صورت گرفته است. برای مثال، نزدیک به دو دهه پیش، برگزاری هر گونه تظاهرات کارگری ممنوع شد و یا اینکه کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر، از شمول قانون کار، خارج شدند و با این حساب، صدها هزار کارگر از پوشش بیمه‌ای و حداقل دستمزد هم محروم شدند.

در این شرایط، حدود هفت میلیون کارگر ایرانی در حالی مزایا و حقوق رسمی خود را از دست می دهند که بسیاری از آنها باید چرخ زندگی خود و خانواده هایشان را با حقوق حداقل ماهانه ۳۳۰ هزار تومان بگذرانند. حقوقی که متناسب با خط فقر یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی نیست و کفاف زندگی شرافتمندانه را به کارگران و خانواده هایشان نمی دهد.

اینها همه نشان می دهد که شعارهای دولت در مورد رسیدگی به مردم، مستضعفان و ... دروغ است و احمدی نژاد نه تنها پول نفت را به سفره مردم نبرد، بلکه روز به روز سفره آنان را خالی تر می کند. البته اگر هنوز چیزی برای خالی شدن وجود داشته باشد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۷ ، شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

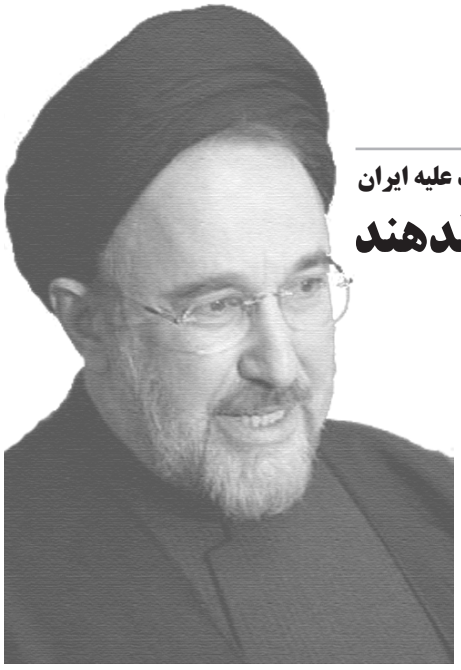

هشدار سید محمد خاتمی درباره بهانه‌گیری‌های جدید علیه ایران

مسئولان بهانه به دست قدرت‌ها و جریانات بیرونی ندهند

سیدمحمد خاتمی در دیدار با جمعی از کارشناسان و مسؤولان سابق و صاحب نظر در امور سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی نسبت به موضع گیریهای جدید غرب و بخصوص آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرد.

به گزارش وب سایت رسمی سیدمحمد خاتمی، رییس جمهور پیشین کشورمان در پی ارائه دیدگاهها و نظرات کارشناسی امنیتی – سیاسی درخصوص رفتار منسجم و تدبیر شده سیاسی – تبلیغاتی علیه ایران و ارزیابی این رویکرد غیرمنتظره، تصریح کرد: من نیز مانند شما نگرانم! به نظر می رسد که بهانه گیری ها علیه ما روز به روز بیشتر و در این اواخر تشدید شده است و چه بسا که مصارف انتخاباتی برای بعضی جریان ها در غرب و آمریکا داشته باشد.

وی در این باره گفت: برای کسانی که به اصل انقلاب، مصالح ملی، حقوق مردم و سربلندی ایران می اندیشند به هیچ وجه قابل قبول و تحمل نیست که قدرت ها و کسانی درصدد ضربه زدن به ایران مصالح و منافع باشند و هرگونه برخورد خشن و خصمانه با ایران مطرود است و زیان آن بیش و پیش از هر کس و هرجا متوجه مردم بزرگوار ایران خواهد بود و اقدامی است علیه کل ملت و کشور که همگان باید در مقابل آن بایستند.

خاتمی افزود: لازم است هوشیاری خود را در برابر توطئه ها و بدخواهی ها افزایش دهیم.

رییس دولت اصلاحات همچنین تاکید کرد: مسائل و بحث و گفت و گوها و نقد و انتقادهایی که در درون ما هست امری است داخلی و نمی تواند و نباید دست آویز توجیه دخالت بیگانگان در امور داخلی شود.

وی در ادامه خاطر نشان ساخت: مواضع و رفتارها و گفتارها بخصوص از سوی مسؤولان نیز باید به گونه ای باشد که بهانه ای به دست قدرت ها و جریانات بیرونی که مصالح ملی و امنیت و تمامیت ارضی ما را هدف قرار داده اند ندهد.

معصومه ابتکار: اصلاح طلبان با این شرایط برنامه ای برای حضور در انتخابات ندارند

عضو شورای اسلامی شهر تهران و معاون سید محمد خاتمی در زمان ریاست جمهوری یکی از دلایل کاهش حضور زنان در سال های اخیر را رویکرد جدید به بحث زنان، پس از دوران اصلاحات عنوان کرد.

وی تاکید کرده است: چون اصلاح طلبان هنوز تصمیم به حضور نگرفته اند و اگر شرایط به همین شیوه ادامه پیدا کند و اصلاح طلبان هم حاضر نشوند، رقابت جدی صورت نخواهد گرفت و فضای انتخاباتی پرشوری با حضور جوانان، دانشجویان و قشر تحصیلکرده نخواهیم داشت. به هرحال با این شرایط که اصلاح طلبان اصلا برنامه ای برای شرکت در انتخابات ندارند.

نطق بی‌سابقه‌ی نماینده بابل در مجلس:

پاسخ تخلفات و قانون‌شکنی‌ها و گرانی ها و اختلاس‌ها، عزل احمدی‌نژاد است

محسن نریمان نماینده مردم بابل و عضو شاخص فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور امروز خود در مجلس شورای اسلامی خواستار عزل رییس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی شد.

وی در بخشی از سخنان خود تصریح کرد: اگر دلسوز انقلاب و نظام هستیم باید از ابزار نظارتی و ظرفیت‌های چون اصل ۸۹ و بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی استفاده کنیم و پاسخ تخلف‌ها، قانون گریزی‌ها ایجاد تردید جدی در اعتماد جامعه، به هیچ انگاشتن افتخارات مدیریت‌های پیشین، هتک حرمت‌های مستقیم و رسمی محترمین، تورم ها، بیکاری ها، وضعیت بد اقتصادی و گرانی‌ها و اختلاس‌ها را با عملیاتی نمودن اصول مذکور داد به ظرفیت بالنده بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عنایت کنید.

به گفته ی نریمان عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی ولی باز هم به امید اصلاح‌ها به مصلحت‌های نظام تمکین‌می‌کنیم و حول محور اسلام، رهبری و میثاق میراث گرانسنگ ملی‌مان (قانون اساسی) جمع می‌شویم و منتظر می‌مانیم.

محسن نریمان در پایان با اظهار امیدواری از اینکه قبل از دیر شدن و از دست رفتن فرصت ها، بر اساس اصل ۱۷۷ با نگاه به چالش‌های گذشته به بازنگری قانون اساسی بپردازیم تاکید کرد حصرها را بشکنیم و باب سبز آشتی ملی را فرا روی این ملّت سلحشور بگشائیم و با طرحی نو شور و نشاطی دیگر در اندازیم و نظام متین اسلامی‌مان را حیاتی تازه‌تر و جاودانه بخشیم.

بیانیه تحلیلی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

در این شرایط تشکیل مجلسی مستقل و مردمی خیالی خام است

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران بیانیه تحلیلی و تبیین مواضع این تشکل دانشجویی را صادر کرده است. به گزارش کلمه این بیانیه در ده محور به تشریح وضعیت نهاد ها و اوضاع کشور پرداخته است. رواج فساد مالی، افزایش میزان بیکاری، عمیق تر شدن فقر و فساد اجتماعی و تداوم فضای امنیتی و محدودیت های سیاسی که راه تنفس را بر جامعه بسته اند بیماری های مزمن ایران امروز دانسته شده و با لحنی شفاف و صریح به ریشه یابی این معضلات پرداخته شده است. در بخشی از این بیانیه با اشاره به رواج دروغ و تهمت در کشور آمده است: دفاع از یک نظام اسلامی با توسل به شیوه‌های غیراسلامی و بلکه غیرانسانی، همان‌قدر موفقیت‌آمیز است که کسی بخواهد با توسل به دروغگویی از سنت نبوی پاسداری کند. همچنین در بخش دیگری از بیانیه با اشاره به بی کفایتی های دولت حاضر خطاب به مدعیان اصولگرایی آمده است: امروز دلسوزان کشور و انقلاب در حالی شاهد قلب ادبیات سیاسی کشور هستند که هشدار این تغییرات را از زمان روی کار آمدن دولت نهم بارها و بارها در گوش مسئولین امر زمزمه کرده بودند. متأسفانه امروز شاهد رواج ادبیات مبتذل و سرشار از دروغ و تهمت در فضای کشور هستیم و دریغ آنکه این ادبیات در نقاب اصولگرایی گفتمان انقلابی ریشه های اندیشه اسلامی را در فضای کشور می خراشد و نابود می سازد. امروز اصولگرایی دولتی معادل قدرت طلبی به معنای تام شده است. جریانی که خود را خادم مردم و خدمتگزار آنها می خواند امروز بی پرده و عریان برای حفظ قدرت می کوشد و در این راه از ارتکاب هر گونه فعل غیر اسلامی و انسانی فرو گذار نمی کند. این در حالی است که هنوز علیرغم گذشت بیش از دو سال آوای هشدار و انذار دلسوزان نظام نسبت به این جریان خطرناک در گوش امت شریف طنین انداز است. امروز حضرات در حالی در کوس مقابله با جریان انحرافی می دمند که خود دیروز از حامیان، مشوقان و سینه چاکان این جریان بودند.

نویسندگان این بیانیه همچنین با اشاره به انتخابات پیش روی مجلس ضمن تاکید موکد بر شروط سید محمد خاتمی ریاست جمهوری سابق کشورمان برای شرکت در انتخابات آورده اند: در این شرایط که حق حیات سیاسی و اجتماعی سلب می‌شود، مجلس و انتخاباتش خواست اولیه مردم نیست که برخی بر سر سهم‌کشی در آن به نزاع‌های سیاسی ساختگی دامن می‌زنند تا شاید با نشان دادن فضای دو قطبی کاذبی که مصنوع یک جریان سیاسی در کشور است، مقدمات بر آمدن مجلسی تک قطبی و فرمایشی را از صندوق‌های رأی فراهم کنند. جالب آنکه اختلافات میان جریان هایی که روزی یارغار یکدیگر بودند چنان بالا گرفته است که مسئولین بالاترین مراجع کشور از لزوم تعهد و امانتداری برگزارکنندگان انتخابات می گویند.

علی مطهری: استعفا می‌دهم؛ چون مجلس قادر به استفاده از اختیارات قانونی خود نیست

چند روز پس از آنکه رسانه‌ها از استعفای علی مطهری در اعتراض به طرح نشدن سؤال نمایندگان درباره تخلفات احمدی‌نژاد در صحن علنی خبر دادند، متن نامه استعفای اعتراضی علی مطهری از نمایندگی مجلس را منتشر شد.

مطهری به ممانعت از حق قانونی نمایندگان برای سؤال از رئیس دولت اعتراض دارد و علت استعفای خود را اینگونه ذکر کرده که "هیئت رئیسه محترم بر خلاف قانون آئین نامه داخلی مجلس همچنان درصدد منتفی کردن طرح سؤال است و مجلس قادر به استفاده از اختیارات قانونی خود در انجام کارهای اساسی نیست".

نماینده تهران درباره ادعای برخی نمایندگان و اعضای هیات رئیسه مجلس درباره مخالفت رهبری با سؤال از احمدی‌نژاد هم می نویسد: "این که برخی سخن از مخالفت رهبر انقلاب به میان می آورند، مخالفت ایشان برای من قطعی نیست و بعید است که ایشان برای امضای صد نماینده ارزشی قائل نباشند. فرضا مخالف باشند، باید نظر ایشان با توجه به سهل‌گیری فوق‌الذکر ما معلوم شود و البته دخالت دادن رهبر انقلاب در این گونه مسائل را به صلاح کشور نمی‌دانم."

اخبار کوتاه

❊ به دنبال بازتاب رسانه ای گسترده ی محکومیت مرضیه وفا مهر بازیگر فیلم "تهران من حراج" به یک سال حبس تعزیری و ۹۰ ضربه شلاق، ناصر تقوایی کارگردان ایرانی و همسر این بازیگر می گوید: ما منتظر دادگاه تجدید نظر هستیم، اگر حکم شلاق همسرم اجرا شود عکس العمل خوبی در جامعه نخواهد داشت.

❊ حسین رونقی ملکی وبلاگ‌نویس زندانی که در زندان از بیماری رنج می‌برد و باید تحت مراقبت مداوم پزشکی قرار بگیرد، با وجود دستور عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران مبنی بر انتقال وی به بیمارستان و امکان مراقبت پزشکی، همچنان در زندان است.

رونقی از ناراحتی کلیه و کیسه صفرا رنج می‌برد و طی شش ماه گذشته دو عمل جراحی سنگین انجام داده است. حسین رونقی ملکی وبلاگ‌نویس و فعال حقوق بشر هم اکنون نزدیک به ۶۷۰ روز است که در زندان اوین به سر می‌برد. وی در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۸ در شهر ملکان در نزدیکی تبریز بازداشت و بلافاصله به بند ۲ الف زندان اوین منتقل شد. وی مدت ۱۰ ماه را در سلول‌های انفرادی این بند زندان اوین تحت فشارهای روحی و جسمی برای اخذ مصاحبه و اعترافات تلویزیونی قرار گرفت و سرانجام به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

❊ حمیدرضا خادم، از بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات، جهت گذراندن چهار سال حبس خود به زندان اوین رفت. موارد اتهامی این فعال سیاسی اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام در قالب نگارش مقاله و مصاحبه با رسانه ها اعلام شده است.

❊ جواد ابوعلی، از فعالان سیاسی بهبهان برای گذراندن دوره یک سال حبس خود راهی زندان شد. این فعال مدنی که در شهریورماه ۸۹ دستگیر شد، به ۱۲ ماه حبس محکوم شده است. آقای ابوعلی به اتهام فعالیت تبلیغی به شش ماه و به اتهام توهین به رهبری نیز به شش ماه حبس محکوم شده است.

❊ وضعیت نامعلوم عباس لسانی، فعال اردبیلی زندانی

یک ماه از دستگیری عباس لسانی، از فعالان مدنی استان اردبیل در جریان اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه می گذرد اما وی همچنان در وضعیتی نامعلوم دریکی از سلول های انفرادی بازداشتگاه مرکزی اداره اطلاعات اردبیل نگهداری می شود. در پی تظاهراتهای مردمی در اعتراض به سیاستهایی که منجر به خشک شدن دریاچه ارومیه برگزارشد، هراس دولت از بروز نا آرامی هایی شبیه آنچه در شهرهای آذربایجان رخ داد موجب بازداشت فعالان شهر اردبیل شد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۸ ، سه شنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

اگر در سطح دولتی گفته می شد ده هزار دلار گم شده و تکلیفش روشن نیست و مشخص نیست کجا هزینه شده، ممکن بود منجر به سقوط دولت بشود، در حالی که الان بحث میلیاردها دلار هست ولی هیچکس حساسیت نشان نمی دهد.

میرحسین موسوی

پای درد دل های مردم درباره افزایش قیمت ها و هزینه های زندگی

گرانی‌ها طاقت مردم را طاق کرده است

مردم ناراضی اند. سایه گرانی هر روز بیشتر و بیشتر می شود و سفره ایرانیان هر روز خالی و خالی تر. بعد از گرانی کالاهای مصرفی مختلف، این بار قرعه به نام تخم مرغ افتاده تا از سفره ها پر بکشد و با تجربه رشد قیمتی بی سابقه، قدرت خرید و دسترسی مردم به تامین حداقل ها را کاهش دهد. اگر تا همین دیروز دغدغه معیشتی مردم برای تامین یک غذای ساده و حداقلی با نیمرو و املت فراهم بود؛ اما حالا افزایش نرخ تخم مرغ موجب وارد شدن فشار بیشتر به جامعه و مردم شده است. مردم می گویند زندگی برایشان هر روز سخت تر می شود و از گرانی ها به تنگ آمده اند.

گزارش خبرنگار کلمه از سطح شهر تهران حاکی است قیمت هر شانه تخم مرغ در عرض دو ماه گذشته از ۵ هزار تومان به حدود ۹ هزار تومان افزایش یافته است تا با پیوستن تخم مرغ به جمع کالاهای لوکس، این محصول در برخی نقاط کشور کمیاب شود و یک مورد دیگر به فهرست نارضایتی ها و انتقادها از سیاست های اقتصادی دولت افزوده شود.

یکی از شهروندان پیشنهاد می کند که مردم از خرید کالایی که گران می شود، خودداری کنند؛ مثل تبریز، و این هماهنگی بین مردم باشد که به افزایش قیمت ها اعتراض کنند و خرید نکنند. اما خود او کمی بعد می گوید: "تهران اینطور نیست. مردم بیشتر می خرند، نکند تمام شود."

ماهانه ۴۵ هزار تومان واریزی به حساب مردم، گرانی ها را جبران نمی کند. نگرانی از جهش قیمت‌ها به اندازه‌ای جدی شده که بعضی از کارشناسان و نمایندگان مجلس هم در مورد تورم افسار گسیخته هشدار داده‌اند و مردم نیز از گرانی ها به تنگ آمدند. با این حال توصیه محمود احمدی نژاد به مردم این است که به پول یارانه ها چند ماهی دست نزنند؛ چرا که به گفته او راه علاج تورم کنونی، خرید نکردن است! اما او برای چگونگی امرار معاش مردم پیشنهادی نکرده است.

خبرنگار کلمه در گفت و گو با برخی از شهروندان تهرانی در مناطق مختلفی از پایتخت، بخشی از دغدغه ها و نارضایتی های آنها از وضع اقتصادی موجود را گردآوری کرده است. یکی از شهروندان با ابراز نارضایتی از روند افزایشی قیمت ها می گوید: "وضعیت معیشتی مان افتضاح است. تورم بالاست و درآمدمان پایین است. احمدی نژاد درست می گوید که فقیر نداریم؛ نگوییم دروغ می گوید، چون کل مملکت زیر خط فقر قرار دارند!"

مرد میانسالی که با خرید مختصری در حال بازگشت به منزل است، نیز می گوید: "باید باد هوا خورد. مگر چقدر درآمد داریم که تخم مرغ ۳۰۰ تومانی و ۳۵۰ تومانی بخریم؟ گوش شنوایی هم که نیست. هر روز بدتر از دیروز است. فقط مانده بود نیمرو و املت هم نخوریم؛ یک باره بگویند بروید بمیرید دیگر."

یکی دیگر از شهروندان هرچند از قیمت‌ها و کیفیت کالاها هم ابراز نارضایتی می‌کند، اما بیشترین گلایه و نارضایتی اش از طرح هدفمندی یارانه هاست. او می گوید: "ما یک خانواده سه نفری

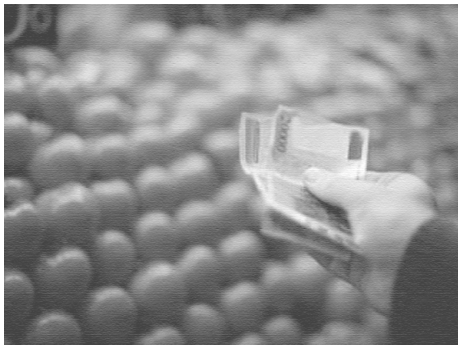

هستیم. برای سه نفر قبض ۱۳۰ هزار تومانی گاز و ۷۰ هزار تومانی برق آمده. ۱۳۶هزار و ۵۰۰ تومانی که یارانه می گیریم باید به چیزی هم روی آن بگذاریم تا این هزینه ها را پرداخت کنیم. بعد هم دائم می گویند یارانه می دهند. یارانه ای که به جیب خود دولت برمی گردد که یارانه نیست. چرا این همه ثبت نام و رفت و آمد و واریز باید طی شود تا دوباره از حساب و جیب ما با یک مبلغ بیشتر به جیب دولت برگردد؟"

پیرمردی ۶۰ ساله در حالی که به سبد خرید روزانه خود اشاره می کند، که شامل چند تخم مرغ و نان و پنیر است، می گوید: "یک بازنشسته فرهنگی ام. به عمر خود این همه سختی برای گذران زندگی تجربه نکرده بودم که به لطف احمدی نژاد هر غیرممکنی ممکن شده و ما هم تجربه می کنیم. می گویند عدالت. ما از این آقایان عدالت نخواهیم تکلیف چیست؟! گفتند پول نقدی می دهیم، ماهی ۴۵ هزار تومان را با امروز و فردا کردن می دهند، اما نمی دانیم کجا هزینه اش کنیم. چند برابر آن باید اضافه شود تا پول قبض

در یکی از میادین شهر با خانم مسنی هم صحبت می شویم. گلایه می کند: "والله دوره جنگ وضعمان این طور نبود که الان این همه بدبختی می کشیم. این بود وعده هایی که می دادند؟ دیگر از این همه گرانی و سختی کم آوردیم. وضع شما خبرنگارها هم که مشخص است؛ می پرسید اوضاع چطوره است، می گوییم بد؛ بعد می روید تیتر می زنید که مردم راضی و شاد اند! اصلا چرا وقت ما را می گیرید، خودتان از قول خودتان می نویسید دیگر."

شهروند دیگری می گوید: "قیمت هایی که رادیو و تلویزیون می گویند دروغ است. می گویند از تره بار تخم مرغ شانه ای ۵۸۰۰ بخرید، امروز آمدم قیمت ۷۸۰۰ است. چرا دروغ می گویید؟ مگر درآمد ما چقدر است که هر روز قیمت ها گران تر می شود؟ باید جور همه چیز را بکشیم. طرف گوشت که نمی شود رفت، تخم مرغ هم که نمی شود خورد، زندگی برایمان شکنجه است. باز ما مشکل اجاره خانه نداریم و اول انقلاب توانستیم خانه ای بخریم. بیچاره آنهایی که باید هر ماه پول کرایه هم بدهند."

گرانی فعلی که امان مردم را بریده است، شامل کالاهای مختلف مصرفی و خدماتی می شود؛ از برنج و قند و شکر و لبنیات گرفته تا میوه و چای و سبزیجات و گوشت و... موضوعی که باعث گلایه این شهروند تهرانی هم شده، که می گوید: "سراغ هیچ چیز نمی شود رفت. گرانی تمامی ندارد. شرمنده زن و فرزندمان هستیم. زندگی مان سخت می گذرد. قبض آب و برق مال خودتان؛ چاله های اختلاس را می خواهید با پول ما پر کنید؟"

سایه گرانی هر روز بیشتر می شود و سفرهای ایرانی خالی و خالی تر، اما این بار گرانی تخم مرغ راهکار و امیدواری به مردم بر خلاف گذشته وجود داشته که اعلام شده منتظر بمانند تا حداکثر ۱۵ روز دیگر با به تخم نشستن جوجه هایی که الان در مرغداری ها در حال رشد هستند، قیمت تخم مرغ کم می شود. اما برای دیگر اقلام اعلام نشده که باید منتظر چه چیزی باشند. فقط محمود احمدی نژاد خطاب به مردم گفته است به پول یارانه ها چند ماهی دست نزنند.

اخبار کوتاه

نگذاریم پرونده اختلاس به سرنوشت پرونده‌های کهریزک و کوی دانشگاه دچار شود

شورای هماهنگی راه سبز امید با صدور بیانیه ای ضمن متهم کردن جریان حاکم به تلاش برای سرپوش گذاشتن بر اختلاس سه هزار میلیارد تومانی اخیر و جلوگیری از برملا شدن فسادهای مالی بزرگ تر، از فعالان جنبش سبز خواست از همه امکان های تبلیغاتی و رسانه ای در فضای حقیقی و مجازی استفاده کنند و با آگاهی بخشی نگذارند جریان حاکم بر پرونده فساد اخیر و فسادهای مالی دیگر سرپوش بگذارد، و اجازه ندهند این ماجرا نیز به سرنوشت پرونده‌هایی نظیر حمله به کوی دانشگاه و پرونده کهریزک دچار شود.

این شورا در بیانیه جدید خود، همچنین با اشاره به اخباری مبنی بر وقوع اختلاس های به مراتب بزرگ تر هفت هزار و ده هزار میلیارد تومانی، تصریح کرد: این فساد بزرگ و بی سابقه در هر کشور دیگری با حداقل قانون مداری، مردم سالاری و پاسخگویی صورت گرفته بود، کافی بود تا زیر فشار و اعتراض افکار عمومی و بنیادها و قوای دموکراتیک و مردمی، دولت را به استعفا یا استیضاح بکشاند.

یادداشت فرزند کروبی به احمد خاتمی و جنتی

محمد تقی کروبی در یادداشتی خطاب به اقای احمد خاتمی و جنتی دو عضو شورای نگهبان نوشته است: به برکت امثال شما و دخالت مستقیم شورای تان فاسد ترین دولت تاریخ ایران با تقلب به روی کار آمد. آری در پرتو حمایت های بی حد و حصر می توان سیصد میلیارد تومان از پول شهرداری تهران را غیب کرد، به فروش غیر قانونی نفت مبادرت ورزید، معادن، مخابرات و سایر منابع اصلی کشور را به نام خصوصی سازی و در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی با بهایی اندک اختصاصی ساخت و ... و در نهایت آب از آب تکان نخورد. حتی مانند وزیر اقتصاد می توان منکر اصل موضوع شده و یا مانند رئیس دولت مستقر با گردن کلفتی رقبای خود را تهدید به افشاگری می کند. اگر گردش آزاد اطلاعات و حق مردم در دانستن بطور واقعی به رسمیت شناخته می شد، زندان ها مملو از دلسوزان و اندیشمندان نمی گردید، یاران اصیل انقلاب و مردم حصر و زندان نمی شدند، صدای مردم در گلو خفه نمی شد و افسار کار با خشونت و تقلب به مجموعه ای مجهول الهویه سپرده نمی شد تا با گماردن فردی معلوم الحال (جناب رامین) رسانه های مستقل را یکی پس از دیگری ذبح کند، امروز وضع کشور در عرصه های بین المللی و داخلی چنین اسفبار نبود. متاسفانه اراده جدی در مبارزه با فساد دیده نمی شود و برخورد های گزینشی آنهم تنها بدان جهت که مطیع دیروز مدعی امروز گردیده نه تنها چاره کار نیست بلکه سرعت فرار سرمایه های پنهان را بیشتر می کند. متن کامل این یادداشت را در کلمه بخوانید.

در سایت کلمـــــــه بخوانید:

تاجزاده خطاب به رهبری: نظام دچار سقوط اخلاقی و معنوی شده است؛ ملت چه تاوانی باید بدهند؟

شهدای سبز

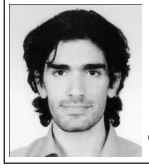

محسن روح الامینی

سن: ۲۵ سال

تاریخ شهادت: پنج شنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۸

شکنجه شدید در کهریزک، خرد شدن دهان و عفونت و بیماری منتژیت

❋ آیت الله موسوی خوئینی عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه بعضی از اعضای دولت دهم، بویژه رئیس آن با این گفتمانی که در این چند سال به آن دامن زده اند، بترسند از روزی که در این کشور پرونده های خیانت را یکی پس از دیگری برای آنان بگشایند تاکید کرده است که حتّی کوچکترین خدمتشان را بزرگترین خیانت به شمار آورند و آتشی که این آقای رئیس روشن کرده است چنان دامنش را بگیرد که خاکسترش را بر باد بدهد!

❋ سید محمد خاتمی با تاکید بر اینکه "آزادی محافل علمی و رسانه ای خود عامل بزرگ جلوگیری از فساد و مبارزه با فساد است" پرسید: "آیا اگر فضا آزادتر بود و بخصوص نهادهای نظارت کننده ای که برخواسته از مردمند حضور مؤثر داشتند و تشکل ها و احزاب و مطبوعات آزادی های لازم مصرح در قانون را داشتند آیا این فسادهایی که درامروز هست تحقق پیدا می کرد؟ یا اگر می کرد نحوه برخورد با او جدی تر نبود؟!" او که در در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاههای کشور سخن می گفت، همچنین با اشاره به اینکه مطبوعات آزاد جلوی بسیاری فسادها و میل قدرت به سوی دیکتاتوری را می گیرند، تصریح کرد: "شاید بدترین فساد این باشد که حکومتی باشد و قدرت داشته باشد و احساس کند مسئولیتی ندارد و هرکاری می خواهد انجام دهد ولو حسن نیت هم داشته باشد."

❋ مادر ۸۶ ساله قاسم شعله سعدی، زندانی سیاسی، حقوقدان، استاد دانشگاه و نماینده پیشین مجلس، در نامه ای به رهبری، از وضعیت این روزهای فرزند دربندش گفت. او که مادر شهید اصغر شعله سعدی است در نامه اش تاکید می کند که هیچ تقاضایی برای آزادی فرزندش ندارد و تنها می خواهد از بالاترین مقام کشور بپرسد که جرم فرزندش چیست.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
ویژه نامه دو صفحه
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۹ ، پنج شنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

فراعنـــه زمانی صدای ملت را می شنوند که دیر شده است.

میرحسین موسوی

در گفت و گو با فرزندان میرحسین و زهرا رهنورد :

روایت ۲۴۰ روز صبر و مقاومت

دختران میرحسین موسوی و زهرا رهنورد می گویند که بیش از ۵۰ روز است (این گفتگو ۵ روز پیش صورت گرفته است، هم اکنون ۵۵ روز از این بی خبری می گذرد) که کوچکترین ارتباطی با پدر و مادر خود نداشته اند. آنها می دانند که این قطع ارتباط به دلیل برخورد قاطع پدر و مادرشان با یکی از مقامات قضایی و هم چنین خبری شدن بخشی از صحبت های ایشان در گزارشی به رسانه ها از سوی فرزندان این دو رهبر جنبش سبز بوده است.

به اعتقاد آنان ماموران بیشتر از اینکه نمی خواهند اخبار به ایشان برسد نگران هستند که صدای پدر و مادرشان به مردم برسد.

فرزندان آقای موسوی و خانم رهنورد در گفت و گوی خود با کلمه سخنان پدرشان خطاب به آن مقام قضایی را بازگو می کنند که می گفت: "من از سه نقطه های خبرها و جاهای خالی آن خبرهای واقعی را می فهمم...".

دختران این دو همراه زندانی جنبش سبز با تشریح روزهای گذشته بر خود و خانواده های خود و برخورد ماموران امنیتی در دوران زندان پدر و مادرشان می گویند: یکی از ماموران جمله ای دارد که مدام تکرارش می کند و ما هر بار فکر می کنیم که یک مرد! واقعا از اینکه به یک دختر این جمله را می گوید احساس قدرت می کند؟ مرتب می گوید "این گردن من رو می بینید تبر نمی تواند آن را بزند. مثل کوه می ماند." یا مثلا مدام می گوید "من از موضع قدرت دارم با شما صحبت می کنم ما از راس حکومتیم!".

به آنها گفته اند اگر مقام قضایی اجازه دهد ما هم اجازه دیدار می دهیم. اما حالا فرزندان میرحسین و رهنورد می گویند: "ما از پیگیری دیدار هم منصرف شدیم. خدایی هم هست . پدر و مادرمان ما را برای روزهایی سخت تر آماده کرده بودند. اینجور وقت ها بین خودمان می گوییم دل ما کنار دل های منتظر و نگران سایر خانواده هایی که اسیری در بند دارند."

گفت و گوی کلمه با دختران میرحسین موسوی و زهرا رهنورد که حدود ۸ ماه است در زندان عالی ترین مقامات به سر می برند پیش روی شماست:

آخرین خبری که از آقای مهندس و خانم دکتر دارید چیست؟

بعد از گفتگوی قاطع پدر با یکی از مسئولان قضایی در ماه رمضان در خانه ی یکی از ما، به طور کلی ارتباطمان با پدر و مادر قطع شده است. بیش از ۵۰ روز است که ما هیچ نوع ارتباطی با آنها نداریم. اما چند روز پیش، عصر پنجاهمین روز بی خبری مطلق، با پدر بزرگ و مادربزرگم تماس گرفته و گفته اند که ما خوبیم. همین حرفهای همیشگی. همچنین یکی از اقوام را با دلایل خاص خود انتخاب کردند و در همان روز دیدار دادند. اما ما سه نفر همچنان از شنیدن صدای پدر و مادر یا دیدارشان به طور مطلق محرومیم. البته فردی که با ایشان دیدار داشت خبر داد که آنها در سلامت کامل هستند و روحیه خوبی هم داشته اند.

یعنی معتقدید چون آقای مهندس روی خوش به آن مقام قضایی نشان ندادند ارتباط شما را دوباره قطع کردند؟

البته فکر می کنیم این قطع ارتباط دو دلیل داشت، هم برخورد پدر و مادرمان بود و هم اینکه ما گزارش آن دیدار را دادیم و بخشی از صحبت های ایشان را خبری کردیم که باعث شد عصبانی شوند. به هرحال در روش جدید که اتخاذ کردند با ملاقات دادن به کسانی که خود می خواهند (که آن هم تازه بعد از ۷ هفته بی خبری مطلق و تنها یک بار بوده است) تبلیغات مورد نظر که دادن دیدار به خانواده

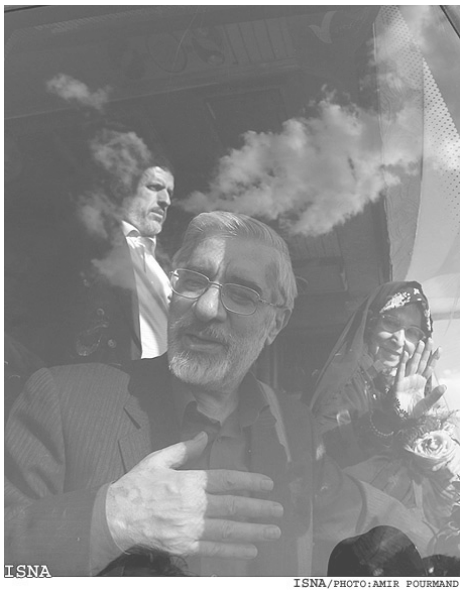

ISNA/PHOTO:AMIR POURMAND

است را فراهم می کنند اما واقعیت چیز دیگری است.

دلیل ناراحتی آن روز آقای مهندس و برخورد قاطع ایشان با آن مقام قضایی چه بود؟

در واقع به نظر ما پدر را آورده بودند خارج از پاستور که ببینند می توانند در خانه ی دخترشان با ایشان حرف بزنند و با گفتگو به توافقی برسند، که پدرم با آن برخورد راه هر گونه صحبت از آن جنس که آن ها می خواستند را از همان ابتدا بست.

در آخرین ملاقات از لحاظ روحی و جسمی خانم دکتر و آقای مهندس را چطور دیدید؟

از نظر روحی که عالی هستند. حتی چند بار جلوی ما وقتی گفته می شد که انشاالله زودتر آزاد می شوید و همه چیز تمام می شود، مادرمان می گفت نه، ما آزادیمان را در کنار باقی زندانیان سیاسی می خواهیم. این را هم خیلی محکم و با استقامت می گفت. چیزی که ما دیدیم و درک کردیم این بود که خیلی شوق زندگی و ادامه راه داشتند.

پدر و مادر ما هر دو پیش از زندان در سلامت کامل بودند. آن همه فعالیت ها و چکاپ های منظم و مرسوم هم دال بر سلامتی کامل آنها بود. بعد از بازداشتشان نیز به خصوص در آخرین دیدار، به نظر ما لاغری ای که در ماه های سوم تا پنجم زندان محسوس بود کاملا برطرف شده بود. با اینکه در ماه رمضان بود و هر دو روزه بودند از نظر جسمی بهتر شده و کلا خوب بودند. ما وقتی به بابا درباره ی شایعات منتشر شده در سایت ها و روزنامه های طرفدار حاکمیت گفتیم و این که گفته می شود که حال جسمی شما خوب نیست، ایشان تاکید کردند که همه ی این ها دروغ است و ما هیچ مشکلی نداریم و خوب هستیم، ما خودمان فکر می کنیم این خبرها برون فکنی است یک جور شلوغ کردن برای انحراف افکار از واقعیات و خبرهایی که الان هست و همه می دانیم .

هنوز پزشک مورد اعتماد شما نتواسته پرونده ی پزشکی ایشان را ببیند؟

نه ما هر چه اصرار می کنیم اجازه نمی دهند که ما پرونده ی پزشکی ایشان را ببینیم. رییس زندان بان ها می گفت ما یک تیم پزشکی قوی داریم. و وقتی ما گفتیم که به تیم شما اطمینانی نداریم همانطور که به خود شما اطمینان نداریم، گفت این درد شماست که اطمینان ندارید!.

فشارها هنوز بر خانم دکتر و آقای مهندس وجود دارد؟ شرایط زندگی ایشان چطور است؟

سه ماه اول که ظاهرا خیلی سنگین بود، البته این که دقیقا بر این دو چه گذشت را هنوز به ما نگفته اند، ما هم خیلی تمایل نداریم بپرسیم. طبیعی است که آنها هم برای آرمش ما نخواهند شرحی دهند. اما چیزهایی که اتفاقی می دیدیم یا می شنیدیم این بود که مثلا متوجه شدیم به پنجره های خانه آهن جوش داده اند. تمام فضای کوچه و خانه پر از دوربین و نورافکن است و آنها در یک طبقه با درها و پنجره های جوش داده بدون هیچ گونه ارتباطی با بیرون حبس بوده اند و...

اما به طور کلی این برخوردها برای ما سخت است و گرنه مثلا پدرمان تاکید داشت که با همه ی این فشارها هم اذیت نمی شوند و از این که در راه هدف و آرمان والای خود گام بر داشته اند خدا را شاکرند. فشارها الان همین عدم ارتباطات و بی خبری های مطلق و طولانی است آن هم در حالی که مدام خبرهای دروغ در مورد ما سه تا به آنها می دهند یا به آنها می گویند که ما را به خاطر همین دو تا خبر شکسته بسته بازداشت می کنند. یا اینکه پدر جز در روز فوت پدرش آن هم تنها بیست دقیقه در یک فضای پرفشار و فوق العاده امنیتی با انبوهی مامور هیچ یک از اعضای خانواده اش را ندیده است.

به لحاظ حسی چطور؟ دوری شما و خصوصا نوه ها را تحمل می کنند؟ در این مدت ابراز دلتنگی داشته اند؟

همه ی ما انسان هستیم و دلتنگی های خودمان را داریم. آدم اگر عاطفه نداشته باشد که آدم نمی شود. قطعا پدر و مادر ما هم دلتنگ می شوند و دوست دارند دوباره دور هم جمع شویم کدام پدر و مادر یا پدر بزرگ مادربزرگی دوست دارد و به اختیار دوری از عزیزانش را انتخاب می کند؟ اما خب انگیزه و هدف آنقدر ارزشمند است که تحمل این دوران را راحت تر می کند. اوایل ماه رمضان که پدرمان بعد از یک مدت خیلی طولانی زنگ زدند، گفتیم "بابا خیلی دلمان تنگ شده" گفت "منم خیلی دلم برای شما ها تنگ شده اما اشکالی ندارد، من اینجا و شما هم آنجا با دل های تنگ دعا کنید دعای دل تنگ اثرگذارتر است. اشک های ما جمع، دعا هایمان اثرگذار و دلهایمان با صفا تر می شود."

آیا فشارها بر شما و خانواده کمتر شده یا هنوز هم در همان شرایط امنیتی اوایل زندان هستید؟

نه ما هنوز در همان شرایطیم. آنها ما را حتی در دوره ای برای انکار خبرهای رسانه های سبز تحت فشار گذاشتند.

یکی از ماموران جمله ای دارد که مدام تکرارش می کند و ما هر بار فکر می کنیم که یک مرد! واقعا از اینکه به یک دختر این جمله را می گوید احساس قدرت می کند؟ مرتب می گوید "این گردن من رو می بینید تبر نمی تواند آن را بزند. مثل کوه می ماند." یا مثلا مدام می گوید "من از موضع قدرت دارم با شما صحبت می کنم ما از راس حکومتیم!"

یکی دیگر از تهدید ها و فشار ها همیشه این بوده است که مدام می گویند شما حق حرف زدن ندارید و تهدیدهای همیشگی این است که می اندازیمتان زندان و می بریمتان پیش قاضی. پرونده قضایی دارید و هی برگ به برگه هایش اضافه می کنید. کارهای شما تبعات شغلی دارد. اخراج می شوید و...

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۱۹ ، پنج شنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

روایت ۲۴۰ روز صبر و مقاومت میرحسین و خانواده به روایت فرزندان

در گذشته اعضای دیگر خانواده که کوچکترین ارتباطی با آقای مهندس و خانم دکتر داشتند توسط نیروهای امنیتی تحت فشار قرار می گرفتند. الان هم اوضاع به همان شکل است؟

بله کاملا. هر کاری که ما انجام می دهیم بلافاصله شروع می کنند بقیه اعضای فامیل و خانواده را اذیت می کنند. وقتی اعتراض می کنند که مگر ما چه کرده ایم می گویند که ما می دانیم کاری نکردید اما این برخوردها به خاطر این است که دختران خانم رهنورد خبری داده اند یا با کسی دیدار داشته اند. بقیه ی اعضای خانواده هم مرتب دچار مشکل می شوند تقریبا کسی نمانده که اذیتش نکرده باشند. بدتر از همه اینکه به سراغ دوستانمان هم رفته اند. یکی را در کنکور رد می کنند. یکی را بازداشت، یکی را اخراج، یکی را دادگاهی و ... به همه ما می گویند که با منافقین در ارتباطیم! خدا را شکر که گروه های خائن و تروریست مثل منافقین یا سایر گروه های فرصت طلب و مطرود، تمام مدت مشغول تصفیه حساب و کینه ورزی و توهین نسبت به پدر و مادر ما هستند و دشمنی آنها و خط قرمزهای پدر و مادر و همه خانواده هم روشن بوده و هست.

غیر از اینکه در ارتباط با ماموران و مسئولان قضایی آزارهایی وجود دارد، خودتان و زندگی شخصی و کاریتان هم تحت تاثیر این ماجراها قرار گرفته است؟

فشارها که خیلی شدید است. مرتب تهدید به اخراج از کار و تهدیدهای دیگر می شویم، وقتی در خیابان می رویم می بینیم که پشت سرمان هستند. حتی زمانی که جایی می رویم می آیند دنبالمان. نامه های ممنوع الخروجی ما هم که از دادگاه انقلاب آمده است. ما همه ممنوع الخروجیم از دادگاه انقلاب و با امضای یکی از مسئولین اوین که اخیرا ممنوع الخروجی سه تایمان که باز تمدید شده و بقیه هم احتمالا همین چند روزه به دستمان می رسد. نمی دانم چرا فکر می کنند ممکن است با این اوضاع ما خانواده خود را تنها بگذاریم و برویم. اصلا کجا برویم مگر جای امنی هم وجود دارد؟

غیر از این از وزارت اطلاعات نامه بر پرونده کاری ما قرار داده شده که هرگونه تغییر و تبدیل وضعیت پرونده شغلی فرزندان موسوی فعلا غیر ممکن است. نشست ها و گفتگوها (بازجویی ها) تلفنی و غیر تلفنی هم که بوده است.

آیا خبرها به آقای موسوی می رسد؟ به طور کلی چه اطلاعات و اخباری و از کجا در اختیارشان قرار می گیرد؟

اینکه با چه فیلتری خبرها را به ایشان می دهند را ما نمی دانیم اما همانطور که قبلا هم گفته شد پدرمان گفت که "با شنیدن یک جمله می شود فهمید که در کشور و دنیا چه می گذرد؟ من یک سیاستمدارم و پیر این راهم. وقتی شما خبری را نصفه نیمه به من می دهید من می فهمم که چه وقت هایی راست می گویید و چه زمان هایی عکس خبر را به من می دهید."

یکبار هم تاکید کردند که "من از سه نقطه های خبرهای شما و جاهای خالی آن خبرهای واقعی را می فهمم. به همین دلیل هم درباره وقایع منطقه و خیزش های آن، با همان نگاه خودشان تحلیل هایی داشتند که شبیه همان تحلیل های پیش از بازداشتشان بود."

کوچکترین شناخت از آقای مهندس این نکته هایی گفتید را بر هر کس آشکار می کند. به نظر شما دلیل این رفتارها چیست؟

نباید فراموش کنیم که اینها بیشتر از اینکه نمی خواهند اخبار به ایشان برسد نگران هستند که تحلیل ها و صدای پدر و مادرمان به مردم برسد. و نکته ی دیگر هم اینکه این امید را دارند که وقتی ما و ایشان تحت فشار هستیم امکان دارد که کم بیاوریم و جایی پایمان بلغزد. این دفعه بابا به ماموران گفتند "می خواهند ذهن من را سفید کنند اما ذهن من و ذهن خانم رهنورد هرگز در برابر شما سفید نخواهد شد."

پس در واقع در جریان اخبار قرار دارند.

کاملا فیلتر شده. مثلا درباره ی اخبار منطقه، بحرین را کاملا شنیده بودند اما مثلا درباره ی اخبار سوریه هیچ چیزی به ایشان گفته نشده بود. اطلاعات ایشان از هوش خودشان و به قول خودش از چیدن اخبار کنار یکدیگر است که مثل پازلی آنها را کنارهم می گذارد.

برای اینکه شما اخبار را منتقل کنید منعی ایجاد نمی شود؟

چرا. شدیدا. در ملاقات های اندکی که داده بودند هر بار به ما هشدار تند داده اند که اصلا صحبت سیاسی نکنید و فقط درباره ی مسائل خانوادگی حرف بزنید. آنها همیشه به ما می گفتند که حرف سیاسی شما باعث قطع همه ارتباطات می شود آنها در این مورد واقعا راست گفته و وفای به عهد کرده اند فعلا! اما خب بالاخره الان همه چیز به جامعه و سیاست بر می گردد. مثلا یک بار داشتیم در مورد یارانه ها صحبت می کردیم که زندان بانان کلافه شده بودند و می خواستند این بحث قطع شود و مدام وسط حرف های ما می پریدند و جملاتی از یکی از مسئولین را نقل می کردند که یک دفعه پدرمان خطاب به او گفتند "به مقام کسی کاری ندارم. مساله ای که مهم است این است که وضعیت یارانه ها دارد مردم را له می کند و وضعیت اقتصادی اسفناک است. این ظلم است و یادتان نرود که سنت الهی در مورد نتیجه ظلم تغییر ناپذیر است."

آیا در مکالمات زندان بان ها و ماموران با شما هم، بازداشت خانگی این دو عزیز انکار می شود؟

آنها که مدام می گویند جای پدر و مادر شما خیلی عالی و خوب است. ما مواظبشان هستیم و صد در صد جانشان را حفظ می کنیم! از آن طرف هم البته در ملاقات ها مادرم هر دفعه این موضوع را به روی ماموران می آورند. می گویند "این فضایی که ما را در آن حبس کرده اید چیست؟ آقای ... زندان است نه؟" و آنها غالبا اعتراض می کند که خانم رهنورد قرار شد نگویید زندان. اما مادرم از هر فرصتی برای اینکه تذکر دهد در زندان محصورند استفاده می کنند. مثلا می گویند "این زندانی که ما در آن هستیم اینجوری است و ما از وقتی که در زندانیم فلان و چنان."

ماموران از چه واژه ای به جای زندان استفاده می کنند؟

ماموران اصلا سعی می کنند درباره اش حرف نزنند. ولی بار آخر یعنی همان ۵۰ روز پیش گفتند حفظ نظام برای ما از هر چیز مهم تر است و الان هم نظام تشخیص داده که شرایط به این شکل باشد. و باز هم اسم "شرایط" را نگفتند. ولی مادر و پدر ما تاکید دارند که این زندان است چون تمام درها و پنجره ها آهن دارد و ماموران هم هر موقع دلشان بخواهد توی خانه هستند. البته اگر الان در خانه باشند چون ما نزدیک هشت هفته است که نمی دانیم کجا هستند.

ملاقات ها به چه شکل برگزار می شود؟

چند بار در ابتدا ما را داخل یک ساختمان دیگر بردند. داخل اتاق همین شخصی که ظاهرا مسئول زندان بان هاست. یک اتاق کوچک هم هست که خودش می نشیند آنجا و یک مامور زن هم همیشه چسبیده به مادرم و حتی موقع وضو گرفتن هم لباس او را رها نمی کند و ماموران دیگر هم که هستند. بعد هم ما را بردند داخل حیاط. دفعه سومش وقتی بود که برای هدی صابر زندانی ها اعتصاب کرده بودند و برای این قضیه هم ما ۲ خط نوشته بودیم. وقتی رفتیم آن آقا گفت دیگر حیاط تمام شد. دیگر حیاط بی حیاط.

مردم می خواهند بدانند که آیا آقای موسوی و خانم رهنورد در منزل خودشان هستند یا جای دیگر.

ما خودمان هم دقیق نمی دانیم. دو-سه ماه پیش که آن بار هم برای ۴۰ روز ناپدید شده بودند رفتیم دم خانه پدرمان. بیرون در های آهنی نصب شده سر کوچه زنگ گذاشته اند، وقتی زنگ زدیم یکی جواب داد. گفتیم که ما می خواهیم از مهندس موسوی خبر بگیریم. گفت شما؟ گفتیم ما دخترانشان هستیم. گفت کدام مهندس موسوی؟ اینجا مهندس موسوی نداریم. اینجا خانه ی ماست. گفتیم اینجا کوچه اختر بوده و شما آن را بسته اید. این بن بست کوچک تنها یک خانه دارد که آن هم خانه پدری ما بود یک زمانی! از ما اصرار بود و از آنها انکار که اینجا مهندس موسوی نداریم. باز چند روز پیش هم رفتیم گفتند بعدا اگر مقام قضایی اجازه دهد دیدار می دهیم ما هم منصرف شدیم لزومی ندارد. خدایی هم هست و ما هم خیلی پیشتر پیش بینی این روزها را کرده بودیم و پدر و مادرمان ما را برای روزهایی سخت تر آماده کرده بودند. اینجور وقت ها بین خودمان می گوییم دل ما کنار دل های منتظر و نگران سایر خانواده هایی که اسیری در بند دارند.

در این مدت مردم چقدر با شما در تماس بوده اند؟

ما خودمان با هیچ کس ارتباط نداشتیم. قبلاهمیشه به ما می گفتند وارد کارهای سیاسی نشوید. خودمان هم تمایلی به سر و صدا نداشتیم نه اینکه غافل باشیم چون به هرحال در یک خانواده سیاسی همه چیز از سیاست و دنیای آن متاثر است. بنابراین ما ارتباطی با کسی نداشتیم. ولی خب الان بعد از این حصر هر جا می رویم دوستان، همکاران آشنایان و هر کس که بشناسد با مهر و محبت برخورد و ابراز دوستی می کند. و برای وضعیت والدینمان ابراز نگرانی می کنند.

با توجه به موقعیت آقای مهندس بعد از انقلاب آیا هیچ کدام از مسئولان جویای احوال شما و ایشان شده اند؟

فقط آقای خاتمی تماس داشتند و هم به مادر بزرگم و هم به عمه و عمویم سر زدند. البته بعضی از مراجع بزرگوار و یا دوستان دیگر هم غیر حضوری احوالپرس بوده اند که از همه ممنونیم.

اگر بخواهیم برگردیم به مواضع این دو عزیز فکر می کنید که موضع آقای مهندس و خانم دکتر در مقابل مسایلی مثل شهادت هاله سحابی، اجرای احکام شلاق برای جوانان منتقد و یا حکم سنگین نرگس محمدی و خانم ستوده و ... چیست؟

اگرچه ما جای آنها نیستیم و نمی توانیم هم جای آنها صحبت کنیم اما قطعا اگر آنها در زندان نبودند، موضع گیری قاطعی می کردند. مادرمان به طور خاص همیشه در مورد مسایل مربوط به زنان فعال بوده اند. یک وجه این قضیه در دفاع از حق هست. آنها زندگی خودشان را هم برای احقاق حق گذاشتند. درواقع تمام سالهای زندگی مشترک هر دو پیش و پس از انقلاب با همین دغدغه ها همراه بوده است. اما جدای از همه اینها مسایل عاطفی هم هست. در مورد مادرم باز می دانیم که با فعالان حقوق زن روابطی خیلی دوستانه داشت. او گلدان های خانه را هم به اسم آنها نام گذاشته بود به خصوص آنهایی که در زندان هستند. برای آنها دلتنگ بود و مدام یادشان می کرد. یا اینکه شهید هاله را خیلی دوست داشت و هر وقت از خاطرات فعالیتهای سیاسی قبل انقلاب حرفی بود زیاد اتفاق می افتاد که خاطراتی از خانواده بزرگواش و شخصیت دوست داشتنی و شیرین و هوشمند او می گفت. مگر می شد دوستی ها و چنین پروازی را بی توجه از کنارش گذشت؟ یا موارد دیگر مانند اینها..

در شبکه های اجتماعی موجی به راه افتاد از کتابی که آقای مهندس پیشنهاد خواندنش را داده بودند، ماجرای آن چه بود؟

در یکی از ملاقات ها پدر با تاکید پرسیدند که کتاب گزارش یک آدم ربایی را خواندید؟ ما گفتیم نه. گفتند این کتاب خیلی سیاسی است و شبیه اتفاقی است که بر ما گذشته است. آن جلسه گذشت و ما اسم کتاب را فراموش کردیم. دفعه ی بعد وقت خداحافظی یک دفعه یادمان آمد که دوباره نام کتاب را بپرسیم. اسم کتاب را در گوش یکی از ما تکرار کردند. رفتارشان خیلی هشدار آمیز و محتاطانه بود و ما حس کردیم پیامی دارد. مخفی گفتنشان به نظر ما پیام داشت.

در آخر کلامی با مردم دارید؟

واقعیت این است که در این هشت ماه فشارهای زیادی به ما تحمیل شده که خیلی از آنها گفتنی و دیدنی نیست شاید برخی گلایه ها هم که می شود در مورد کم بودن و یا دیر رسیدن خبرهای مربوط به پدر و مادرمان ناشی از همین مساله باشد که خیلی چیزها را در برخی اوقات نمی توان گفت. این مساله ما و خانواده محترم آقای کروبی است که برای ما چون پدر و مادر خودمان عزیزند. دل های ما کنار خانوادهایی است که عزیزانشان دیگر پیششان برنمی گردند. کسانی که عزیزی دربند دارند. هر چه ما می گوییم جنبه اطلاع رسانی دارد و اینکه وظیفه دختر بودن خودمان را انجام دهیم. هر موقع که مساله برایمان خیلی بزرگ می شود می گوییم که کسان دیگری هستند که سالها است با این مصائب دست به گریبانند. بازهم از همه مهربانانی که یاد ما کردند و دعای خیرشان روزهای سخت این ۸ ماه را گذشتنی کرد سپاسگزاریم. از دوستان بسیار عزیز سایت کلمه هم که واقعا یارانی مهربان و دلسوزند سپاسگزاریم.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۰ ، دو شنبه ۲ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

تاکید بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. با چنین راهبردی ما در تاریکی قدم نمی‌گذاریم و میراث‌های به جا مانده از مبارزات نسل‌های پیشین را به هیچ تقلیل نمی‌دهیم.

بیانیه ۱۴ میرحسین موسوی در آستانه ۱۳ آبان سال ۱۳۸۸

سر مقاله

از قذافی بیاموزیم

هانی زرتشت: دیکتاتورها از تاریخ درسی نخواهند گرفت، حتی از سقوط دیکتاتورها و عاقبت آنها هم درسی نخواهند آموخت. دیکتاتورها اصولاً به این دنیا نیامده اند تا عبرتی بگیرند، آمده اند تا عبرت دیگران شوند. قدرت مطلقه ای که بر دیکتاتورها سوار می شود، آنان را بی اختیار به ناکجا اباد می‌برد و مُهری که بر دل های آنان می زند، چشم و گوششان را هم کور و کر می کند. با این حساب نباید توقعی داشت که عاقبت غم انگیز و عبرت آموز قذافی هم درسی برای آخرین دیکتاتورهای دنیا باشد.

اما مردم می توانند از عاقبت و سقوط دیکتاتورها درس ها بگیرند. متاسفانه، نسل ما آنچنان که باید و شاید از سقوط شاه ایران، نیاموخت و افسوس که به سبب غلبه ی فرهنگ استبداد، به باز تولید مناسبات شاهنشاهی ذیل لوای نام ها و عناوین دیگری پرداخت. اما همین نسل این نیک بختی را دارد که عاقبت سیاه صدام و سقوط بن علی و محاکمه ی مبارک وسرانجام تلخ قذافی را ببیند و به خود آید.

ما مردم، باید از سقوط قذافی درسَ ها بگیریم. درس ها بگیریم تا به عاقبت ویران لیبی و سقوط پرهزینه ی قذافی دچار نشویم. «چادرهای رنگارنگ سرهنگ قذافی» و محافظان مشهورش را به یاد بیاوریم تا ابهت دروغین محافظان قدرت را باور نکنیم. به یاد «بلوف های سرهنگ قذافی»، بلو ف های هیچ صاحب قدرتی را باور نکنیم. به یاد «توهین های سرهنگ قذافی» به مردمان خویش، هیچ توهینی را از صاحبان قدرت نپذیریم. از هیچ کس با عناوینی چون «امیرالمومنین» یاد نکنیم. «عکس های بزرگ» صاحبان چند روزه ی قدرت را زینت بخش شهرها و خانه هایمان نکنیم. به یاد «سخنرانی های دیوانه وار» و هیجان زده‌ی سرهنگ قذافی، از مصاحبه ها و سخنرانی های بی حساب و کتاب دوری کنیم. «مصاحبه های جنجالی» و سخنرانی های پوچ صاحبان قدرت را باور نکنیم و یادمان باشد که همین سرهنگ قذافی گاه ۳ ساعت از تریبون سازمان ملل مثلاً برای سران دنیا سخنرانی می کرد تا آنان را به دین خود دعوت کند! یادمان باشد «قذافی هم به نام دین بر مردم لیبی حکومت می کرد» تا از مبلغان دروغینی که به نام دین از مناسبات دینی بهره برداری می کنند، دوری کنیم. «تجمعات سازمان دهی شده و هیجانات کور» را در استقبال از سرهنگ قذافی به یاد بیاوریم تا گرفتار شهوت حاکمان برای بردگی شهروندان نشویم و بی بهانه به استقبال هیچ صاحب قدرتی نرویم.

از اراده مردم لیبی برای رسیدن به آزادی درس امید بگیریم اما به قدرت های خارجی دل خوش نکنیم. یادمان باشد یکی از سبک ترین نفت های دنیا را لیبی دارد و یادمان باشد لازم بود قذافی ۴۰ سال در قدرت بماند تا هر کشوری به نوعی از دیوانگی های او بهره ها بگیرد. به «حمایت استثماری» کشورهایی که محتاج بازار و نفت ایران اند دل نبندیم و آنان را مسحور قدرت افسانه ای و تاریخی و خدادادی خویش نپنداریم. برای رسیدن به آزادی و دموکراسی «به دام خشونت نیافتیم» تا زیر ساخت هایمان زیر بمب های بیگانگان ویران نشود.

آزادی مردم لیبی را ارج بنهیم و قلبهای غمگینمان را با آزادی آنها شاد کنیم تا «جوانه های امید» قوت بگیرند اما فراموش نکنیم که مردم لیبی در آغاز راهند تا نه فریب ِ قدرت را بخوریم و نه فریبِ انقلاب را.

شورای هماهنگی راه سبز امید:

از ایران دفاع می‌کنیم، نه از دولت بحران‌ساز

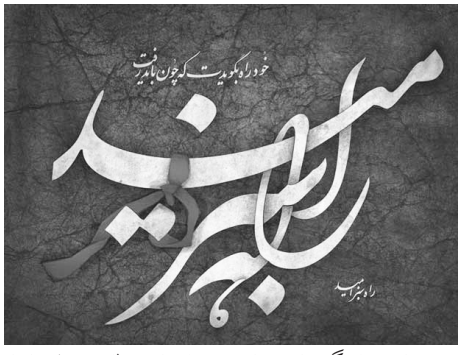

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای خطاب به ملت ایران درباره اتهامات اخیر علیه جمهوری اسلامی، ضمن تاکید بر اینکه ایرانیان با هر عقیده و مرامی پای تمامیت ارضی و منافع ملی ایستاده اند و البته این به معنای دفاع از دولتمردان بحران ساز نیست؛ تصریح کرد که شیوه‌ی حکومتداری حاکمان فعلی، بهترین شرایط را برای پذیرش اتهام های مطرح شده در افکار عمومی جهان علیه ایران فراهم می کند.

به گزارش کلمه، این شورا با تاکید بر اینکه عزت و سربلندی حقیقی را در صداقت عملی نسبت به پایبندی به تحقق خواسته ها و حقوق آحاد ملت باید جست، نه در سرگرم شدن به کارزارهای تبلیغاتی زورگذر؛ خطاب به حاکمیت هشدار داد: از آنچه این روزها بر سر خودکامگان منطقه می آید، درس بگیرید و بدانید که بازگشت به عقلانیت جمعی، تنها راه نجات کشور از وضعیت بحرانی کنونی و رهایی از بن بست هایی است که کام آحاد ملت ایران را تلخ تر و تلخ تر می کند. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: سکانداران کنونی نظام به جای درک این واقعیت مسلم که اقتدار واقعی و پایدار نظام به میزان اعتماد مردم به آن بستگی دارد، سعی می کنند با بحران سازی یا استفاده از بحران ها، دست به ایجاد وحدت تصنعی میان ملت و دولت بزنند، در حالی که وحدت واقعی زمانی به دست می آید که خاضعانه به خواست اکثریت مردم خویش گردن نهند و به جای لجاجت در ادامه‌ی راه غلطی که به ویژه پس از کودتای انتخاباتی سال ۸۸ در پیش گرفته اند، به مردم بازگردند. در مواجهه با این بحران، مدیریت و تدبیر عقلانی و روی آوردن به مردمسالاری و آشتی ملی، یعنی همان چیزی که رهبران جنبش سبز همواره برآن تأکید کرده اند، به انسجام و همبستگی ملی می انجامد و تنها راه نجات کشور است.

جلایی پور: قذافی با بستن راه اصلاح، هزینه سنگین انقلاب را بر دوش مردم گذاشت

دیکتاتوری که می گفت مخالفان را مانند موش از سوراخهایشان بیرون می آوریم و می کشیم در لوله ی فاضلاب در شهر سرت پیدا و کشته شد. او ۹ ماه برای ماندن تلاش کرد و در این راه حدود ۵۰ هزار نفر از هموطنانش را کشت و کشوری ویرانه بر جای گذاشت.

حمیدرضا جلایی پور، جامعه شناس و استاد دانشگاه تهران در گفت وگو با کلمه، در بررسی و ریشه یابی سقوط دیکتاتور مغرور لیبی می گوید: حکومت ۴۲ ساله ی آقای قذافی برای مردم لیبی ضررهای زیادی داشت و اعتراضات مردم را برانگیخته بود اما قذافی و خانواده ی او تا آخرین لحظه نمی خواستند صدای اعتراض مردم را بشنوند.

وی گفت: تعقیب اخبار نشان دهنده ی این نکته بود که قذافی و سخنگویش همواره اعتراض مردم و مخالفین را به اجانب و بیگانگان معطوف می کردند و ظاهرا به این امر هم باور داشتند. وی در ادامه خاطر نشان کرد: اگر قذافی ۶ و یا ۹ ماه پیش صدای اعتراض مردم را می شنید دهها هزار تن از مردم کشورش کشته نمی شدند.

جلایی پور تاکید کرد: قذافی با شیوه ی استبداد ممتدی که در پیش گرفت راه اصلاح را کور کرد. وقتی راه اصلاح بسته می شود راه انقلاب باز می شود که آن هم پر هزینه است و قذافی با بستن راه اصلاح در واقع هزینه سنگین انقلاب را بر دوش مردم خود گذاشت.

این جامعه شناس با اشاره به سرنوشت حاکمانی چون قذافی و مبارک تشریح کرد: اینها وقتی حکومتشان طولانی می شود آن را علامت حق بودن خود می پندارند و با اعلام اینکه ما حق هستیم، مخالفینشان را نا حق می خوانند. از سوی دیگر افرادی که به اینها نزدیک می شوند و آنها را احاطه می کنند کسانی هستند که ترجیح می دهند به جای مردم حاکمان را پناه خود بدانند و مجیزگویی قدرت را می کنند. در نتیجه قذافی و مبارک و دیگران را در جهل و توهم قدرت فرو می برند.

آیت‌الله بیات زنجانی: شرایط فعلی حاکم بر زندانیان سیاسی، نامشروع و غیر قانونی است

ایت الله العظمی بیات در دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی ضمن تاکید بر اینکه پیامبر و امام علی نه تنها مخالفان خود را زندانی نمی کردند بلکه سهم منتقدان از بیت‌المال را نیز محفوظ می‌داشتند، اینها را نشانه تضادهای جدی بین اعمال برخی حاکمان با حکومت معصومین دانست و خطاب به خانواده های زندانیان سیاسی گفت: تک تک شما از مصادیق مظلوم هستید و یقیناً در پیشگاه خدای متعال به دلیل این ایستادگی، ماجور خواهید بود؛ این ظلم ها همیشه مقطعی بوده و روزی به اتمام خواهد رسید و تاریخ به وجود افرادی مانند شما و عزیزان تان خواهد بالید.

در این دیدار، آیت الله بیات پس از شنیدن سخنان حضار، ضمن تاکید مجدد بر نامشروع و غیرقانونی بودن شرایط فعلی حاکم بر زندانیان سیاسی، گفت: بارها عرض کرده ام که این احکام را شرعی نمی دانم و شکل برخوردهای فعلی با زندانیان و خانواده های آنان نیز این موضوع را بیش از گذشته تایید می کند.

سقوط ایران به ردیف ۱۴۴ از نظر محیط کسب و کار

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود موسوم به «گزارش فضای کسب و کار ۲۰۱۲» رتبه ایران از نظر فضای کسب و کار در میان ۱۸۳ کشور جهان را ۱۴۴ اعلام کرد. بدین ترتیب ایران از نظر رده‌بندی جهانی فضای کسب و کار نسبت به سال گذشته سقوط ۴ پله‌ای داشته است.

ایران در سال گذشته رتبه ۱۴۰ را در میان ۱۸۲ کشور جهان بدست آورده بود.

بر اساس این گزارش ایران از لحاظ شاخص کلی فضای کسب وکار در رتبه ۱۴۴ جهان و ۱۳ خاورمیانه و شمال آفریقا قرار گرفته است.

فخرالسادات محتشمی‌پور: از مراجع تظلم‌خواهی کردم، به تبلیغ علیه نظام متهم شدم

دادگاه فخرالسادات محتشمی پور در حالی تشکیل شد که این فعال سیاسی حاضر به دفاع از خود در دادگاه نشد. او می گوید در طول تاریخ اسلام و ایران مراجع و علما پناهگاه ستمدیدگان بوده اند و من حالا به جرم مراجعه به بیوت مراجع محاکمه می شوم. به گفته خانم محتشمی پور، قاضی مقیسه در آستانه ی سفر حج در این جلسه دادگاه اذعان کرده که میروم حج و آنجا شما را نفرین می کنم که ریشه تان کنده شود.

محتشمی پور در گفت و گو با کلمه تصریح می کند: قاضی کسی است که دو طرف دعوا با آرامش خاطر به سراغش می روند و او در نهایت بی طرفی در موردشان داوری می کند. اما برخوردهای ایشان حاکی از آن بود که جهت دار است. انگار که قبل از آنکه حتی صحبت ها را بشنوند حکم را صادر کرده اند. ایشان حتی در بدو ورود جواب سلام ما را ندادند.

در سایت کلمـــــــه بخوانید:

خاتمی: جمهوریت یعنی دیکتاتوری نباشد، چه دیکتاتوری فردی و چه دیکتاتوری گروهی

اخبار کوتاه

❊ سید مصطفی تاج زاده که هم اکنون به صورت انفرادی در یکی از بندهای زندان اوین نگهداری می‌شود، پیشنهاد کرد: "هم وطنان عزیز برای نشان دادن اعتراض خود به اقدام غیرقانونی حبس خانگی آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد و نیز محکومیت احکام غیرقانونی و غیرعادلانه علیه فعالان سیاسی، انتخاباتی، مطبوعاتی، فرهنگی و هنری و اعلام هم بستگی با همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در کنار فعالیت های دیگر، اولین دوشنبه هر ماه را روزه بگیرند و یا دست به اعتصاب غذا بزنند."

❊ استاد اخلاق هیات دولت از فعالان جریان انتخاباتی موسوم به جبهه پایداری خواست در انتخابات مجلس آینده، رأی ندزدند، رأی نخرند و تقلب نکنند.

❊ جبهه پایداری، از سوی حامیان احمدی نژاد در دو انتخابات گذشته تشکیل شده است تا در انتخابات رودرروی جریان راست سنتی مدعی اصولگرایی قرار گیرد. در مقالب جریان راست سنتی که رهبر معنوی آنها آیت الله مهدوی کنی است، جبهه پایداری بر محوریت آیت الله مصباح یزدی جمع شده است.

شهدای سبز

شهید سید علی موسوی حبیبی

سن: ۴۲ ساله

تاریخ شهادت: عاشورا، یکشنبه ٦ دی ۱۳۸۸

محل شهادت : تهران خیابان شادمان / نحوه شهادت :اصابت گلوله به سینه

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۱ ، شنبه ۷ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

تاکید بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. با چنین راهبردی ما در تاریکی قدم نمی‌گذاریم و میراث‌های به جا مانده از مبارزات نسل‌های پیشین را به هیچ تقلیل نمی‌دهیم.

بیانیه ۱۴ میرحسین موسوی در آستانه ۱۳ آبان سال ۱۳۸۸

سر مقاله

حذف رییس جمهوری که وجود خارجی ندارد

کلمه- آل طاها ؛ در ادبیات سیاسی منظور از اصولگرا کسی است که بر حفظ و تداوم وضعیت فعلی اصرار دارد و نیازی به اصلاح نمی‌بیند. تغییر در قانون اساسی یک راهکار اصلاح طلبانه برای غلبه بر مشکلات قانونی است، لذا کسانی که به تغییر در قانون اساسی روی آورده‌اند قبل از هر چیز باید بدانند که مقهور گفتمان اصلاحات شده‌اند و از اصولگرایی سیاسی عدول کرده‌اند.

اصلاحات غیر از براندازی است. این را همه می‌دانند اما گویا فقط اصلاح طلبان حاضرند که به این تفاوت توجه کنند. براندازی به معنای تغییر در پایه‌های نظام است و نظام فعلی ایران رسماً جمهوری اسلامی نام دارد و مطابق قانون اساسی این دو رکن غیر قابل تغییرند. یعنی کسی که درصدد حذف یکی از این دو رکن بر می‌آید، پا را از اصلاح فراتر گذاشته و به فکر براندازی است.

میر حسین در یکی از بیانیه‌هایش گفته بود «اینجانب چون به صحنه می‌نگرم آن را پرداخته شده برای اهدافی فراتر از تحمیل یک دولت ناخواسته به ملت، که تحمیل نوع جدیدی از زندگی سیاسی بر کشور می‌بینم.». نوع جدیدی از زندگی سیاسی همان براندازی است و جالب آنکه میر حسین بابت اعتراض به همین رویکرد مورد حمله براندازان هم از طیف‌های داخل قدرت و هم براندازان شناخته شده قرار گرفت، یعنی میرحسین درست به هدف زده بود.

انتخابات جایی است که اراده جمهور تجلی می‌یابد و رئیس جمهور کسی است که توسط جمهور مردم انتخاب می‌شود. شخصی که توسط نمایندگان مردم انتخاب می‌شود، می‌تواند هر عنوانی داشته باشد اما دیگر رئیس جمهور نیست. بعید است آقای لاریجانی رئیس پارلمان این موضوع را نداند اما اگر از در انکار بر آماده است، همه می‌دانند. شاید هم در اندیشه انتخاب یک لاریجانی دیگر برای ریاست دولت باشد، حرجی نیست اما بهتر است آقای لاریجانی دیگر از اصولگرا بودن خود استعفا دهد و مادامی که اصلاح طلب هم نیستند، امیدوارم برانداز نشوند.

فعالان جنبش سبز مدتهاست احمدی‌نژاد را رئیس دولت می‌خوانند و او را رئیس جمهور نمی‌دانند. به عبارتی دیگر براندازی و تغییر در جمهوریت نظام، از دید جنبش سبز سالهاست آغاز شده است و شیخ مهدی کروبی به همین گفته مشهور است. اگر طرفداران آیت الله خامنه‌ای و وابستگان به بیت رهبری به تازگی به این گفتمان پیوسته‌اند، نشان دهنده حقانیت این تشخیص و عظمتِ گفتمان جنبش سبز است و البته نشان دهنده مکر و دورویی کسانی است که آراء مردم را در ۲۲ خرداد دزدیدند و اینک برای دزدی خود به دنبال حیله شرعی می گردند.

تا همین چند روز پیش، هر کس که پیشنهادی در خصوص تغییر قانون اساسی می‌داد، احتمالا به جرم براندازی دستگیر می‌شد و هر روزنامه‌ای که در اینباره می‌نوشت، توقیف می‌شد. این نیز نماد و نمایی از اجرای سلیقه‌ای قانون اساسی است که در ظرف چند روز باب گفتگو بر تغییر قانون اساسی گشوده شده است. این نیز نمادی از غلبه سلیقه حاکمان بر متن قانون و خواستهای عمومی است.

با همه این تفاسیر، اصل تغییر و بروز آوری و اصلاح قانون اساسی اگر واقعی باشد و بر مبنای خواست مردم شکل بگیرد و نتیجه آن راهم بتوان به رفراندوم واقعی گذاشت، باید مورد استقبال همه اصلاح طلبان قرار گیرد. باز شدن باب تغییر در قانون اساسی دست کم این حسن را دارد که پذیرفته‌ایم «قانون اساسی نه تنها یک متن مقدس نیست، بلکه اشخاصی که بر مبنای همین قانون عرفی به مقامی رسیده‌اند از قداستی برخوردار نیستند که اگر کسی برآنان خرده گرفت و یا انتقادی بر آنان گرفت بتوان او را به بند کشید.

سید محمدخاتمی در دیدار با فرزندان مهندس میرحسین موسوی:

با رفع حصر از موسوی و کروبی، فضای جامعه تلطیف شود

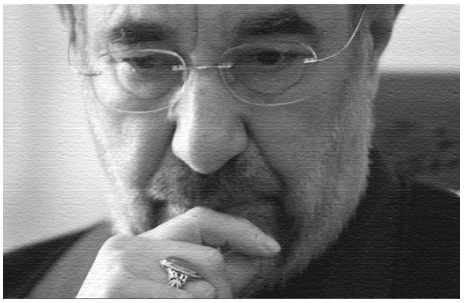

سید محمد خاتمی در دیدار با دختران میرحسین موسوی، ضمن دلجویی و تقدیر از صبر و استقامت ایشان ابراز امیدواری کرد که در وضعیت کنونی که نشانه‌ی تهدیدهای فراوان وجود دارد و نیاز به همدلی بیشتر است، شاهد رفع حصر از عزیزان آقایان موسوی و کروبی و باز شدن و تلطیف فضای سیاسی جامعه باشیم.

به گزارش خبرنگار کلمه، سه ماه پس از آنکه سید محمد خاتمی به ملاقات پدر و مادر دکتر زهرا رهنورد رفت، دختران رهنورد و میرحسین به رسم بازدید به دیدار خاتمی رفتند.در این دیدار که در منزل آقای خاتمی انجام شد و همسر ایشان نیز حضور داشت، دختران مهندس موسوی پس از ارائه توضیحاتی درباره آنچه از وضعیت پدر و مادرشان اطلاع دارند، به شرح فشارها و مشکلات ایجاد شده برای خود پرداختند.

آنها خاطرنشان کردند که این فشارها پس از توضیحاتی که درباره ی گفته های میرحسین در دیدار ماه مبارک رمضان مطرح کرده اند، شدت گرفته بود که زندگی، تحصیل و کار دختران مهندس موسوی را با مشکلاتی روبه‌رو ساخت.

در ادامه‌ی این دیدار، سید محمد خاتمی ضمن دلجویی و تقدیر از صبر و استقامت این عزیزان ابراز امیدواری کرد که در وضعیت کنونی که نشانه‌ی تهدیدهای فراوان وجود دارد و نیاز به همدلی بیشتر است، شاهد رفع حصر از عزیزان آقایان موسوی و کروبی و باز شدن و تلطیف فضای سیاسی جامعه باشیم که به نفع همه است.

رئیس‌جمهور سابق کشورمان همچنین تاکید کرد که همگان باید نسبت به خطرات و توطئه های موجود هوشیار باشیم و اولویت خودمان را دفاع از اصل و سرنوشت کشور و حقوق اساسی مردم قرار دهیم و اجازه‌ی جسارت به هیچ قدرت و نیرویی، به‌خصوص از خارج، علیه ملت و کشور و دخالت در امور داخلی خود را ندهیم.

مشاور ارشد میرحسین موسوی: نقطه قوت جنبش سبز استقلال آن است

دکتر اردشیر امیر ارجمند، مشاور ارشد مهندس میرحسین موسوی،در واکنش به اظهارات اخیر هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: جنبش سبز ایران، جنبشی خودجوش و مردمی بوده که ریشه‌های آن عمیقا در داخل کشور و در دل مردم و وابسته به اراده و قدرت و بسیج مردم است و اگر صد بار دیگر هم تکرار شود، قطعا و یقینا ما بر "استقلال" آن تاکید می کنیم و فکر می کنیم نقطه قوت ما، "استقلال جنبش" است.

او با تاکید بر اینکه "موضع ما موضع ثابت رهبران جنبش سبز است" افزود: به نظر ما جنبش سبز که از دل مردم برخاسته، توانایی‌های بسیار زیادی دارد و ما هیچ نیازی به مداخله‌ی بیگانگان و خارجی‌ها نداریم.

به گفته او آنچه ملت ما نیاز دارد و همه باید به آن گردن نهند، مفاهیم "حقوق بشر" و "دموکراسی" است و جامعه‌ی بین‌المللی باید از اصل حقوق بشر و دموکراسی در کل جهان مخصوصا در منطقه‌ی ما دفاع کند.

ارجمند در گفت و گو با بی‌بی‌سی فارسی افزود: یک روند گذار دموکراسی در کشور اتفاق افتاده و متاسفانه نیروهای اقتدارگرا با سرکوب مردم جلوی رشد طبیعی این روند را گرفتند. اما این خود مردم هستند که باید با بسیج نیروهایشان و با اتکا به خود، این قدرت اقتدارگرا را به عقب برانند تا آنها را مجبور به قبول اراده و رای مردم کنند و در این راستا نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دولت‌های دیگر بیایند برای ما مساله‌ی دموکراسی در کشور را حل کنند.

هیلاری کلینتون دو روز قبل در پاسخ به سؤال مخاطبان شبکه بی‌بی‌سی فارسی گفته بود دلیل حمایت نکردن آمریکا از جنبش سبز، این بوده که رهبران این جنبش با چنین کمکی مخالف بودند.

بی توجهی به آزادی های قانونی چهره جمهوری اسلامی را مخدوش می کند

آیت‌الله موسوی تبریزی در دیدار با خانواده‌های زندانیان سیاسی گفت: اگر حقوق شهروندی و آزادی های قانونی در مورد کسانی که به نحوه مدیریت مسئولان کشور انتقاد می کنند، رعایت نشود چهره زیبایی از جمهوری اسلامی نشان داده نخواهد شد.

تعدادی از خانوادهای زندانیان سیاسی در دیدار با آیت الله سید حسین موسوی تبریزی، دبیر مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

گزارشی از وضعیت زندانیان خود و فشاری که بر خانواده شان وارد می شود ارائه دادند و در ادامه وی ، ضمن اظهار تاسف از زندانی شدن تعدادی از نیروهای کار آمد و دلسوز انقلاب و جمهوری اسلامی ، با آنان اظهار همدردی کرد.

موسوی تبریزی گفت:تضییع حقوق زندانیان و خانواده های آنان، تبعات ناگواری برای نظام جمهوری اسلامی خواهد داشت که توجه بیشتر مسئولین را می طلبد.

او از مسئولان اجرایی و قضایی خواست به حقوق خانواده های زندانیان بیشتر احترام بگذارند و به گونه ای نباشد که مجازات یک نفر به بستگانش تعمیم داده شود که بدون تردید بر خلاف رضای خدا و احکام شرع مقدس اسلام است.

اخبار کوتاه

❊ عیسی فریدی مدیر دوران جنگ، سازندگی و اصلاحات در دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به ۵ سال زندان، حدود ۴۰ میلیون تومان جزای نقدی و تحمل ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد. اوایل تیرماه سال ۸۸ و در جریان دستگیری ها و سرکوب های بعد از انتخابات ریاست جمهوری در دفتر کارش بازداشت و به بند دوالف سپاه در زندان اوین منتقل شد.

❊ امین نیایی فر، دانشجوی نخبه دانشگاه تهران، که چندی پیش به اتهام توهین به احمدی‌نژاد در دادسرای اوین شلاق خورد،با پایان دوران حبس در میان استقبال خانواده و جمعی از دوستانش از زندان اوین آزاد شد. گفته می شود فاصله زمانی شلاق زدن او تا آزادی اش، به خاطر کاهش آثار شلاق به هنگام آزادی بوده است.

❊ همسر عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری با اظهار نگرانی از وضعیت سلامت همسرش گفته است: در آخرین تلفن وی که روز چهارشنبه بود احساس کردم بیمار است ولی خودش هیچوقت به زبان نمی‌آورد و من از بابت سلامت او به شدت نگران هستم.او با اشار به اینکه با گذشت۵۰ روز با همسرش ملاقات نداشته به جز یک ملاقات کوتاه در دادسرا افزود:این گونه بازداشت ها در مورد مجرمین خطرناک اعمال می‌شود نه وکیلی که نه بیم فرار او می‌رود و نه بیم تبانی.آخرین خبر از پرونده‌ی وی به گفته‌ی بازپرس،این است که پرونده کیفرخواست خورده و به دادگاه ارسال شده است.

❊ همایش «خلوت انس» که قرار بود به مناسبت روز بزرگداشت حافظ در دانشگاه تهران برگزار شود، پس از دو هفته معطلی به خاطر دریافت مجوز، با دستور دانشگاه برای حذف تعدادی از سخنرانان این مراسم روبه‌رو شد. انجمن اسلامی دانشکده فنی با انتقاد از رفتار دانشگاه در این باره، خاطرنشان کرده که معاونت دانشجویی به این انجمن اعلام کرده: "دانشجویان فنی را چه کار با حافظ؟" این تشکل دانشجویی با انتشار یک شکوائیه، وضعیت فرهنگی دانشگاه تهران را اسف‌بار خوانده و نوشته است: وای بر دانشگاه تهران و انقلابی که می خواست دانشگاه و دانشجویانش مبدا تحول باشند!

❊ در ادامه ناآرامی های اخیر دانشگاه علم و صنعت تهران، روز پنج شنبه ۵ آبان ۹۰، بسیاری از دانشجویان ساکن خوابگاه پسرانه این دانشگاه با خودداری از خوردن غذا و چیدن غذاها در صحن سلف، بار دیگر اعتراض خویش را به مسئولان دانشگاه نشان داده اند.

❊ خانواده سید مصطفی تاج زاده در نامه ای خطاب به نمایندگان مجلس با توجه به اظهار نظر اخیر یکی از اعضای کمیسیون قضایی مجلس در خصوص اینکه مدت قرنطینه برای زندانی محدود و حداکثر ۴۸ ساعت می باشد، خواستار رسیدگی به وضعیت تاجزاده که اکنون بیش از یک سال است در قرنطینه به سر می برد شده اند.

❊ پس از بی خبری چندروزه از وضعیت امید رضایی، دبیر کانون مطالعات دانشگاه گیلان، خانواده این فعال دانشجویی مطلع شدند که وی به مدت ده روز تا این لحظه در مکانی نامعلوم به سر می برد.

❊ به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان در پی عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای جمعی از کارگران کارخانه نی بر کشت صنعت کارون شوشتر این کارگران مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. او هم چنین از اخراج تعدادی از کارگران متروی اهواز ،اعتراض تعداد از کارگران گامرون صنعت خوزستان و اجتماع چند روزه کارگران لوله سازی خوزستان خبر داد که دارای حقوق های معوقه هستند و هیچ پاسخی از مسوولان دریافت نکردند.

❊ مجمع فعالین دانشجویی دانشگاه نوشیروانی بابل با انتشار بیانیه ای ضمن اشاره به "حقوق پایمال شده" دانشجویان، به شرایط موجود و افزایش محدودیت‌ها و سختگیری‌ها در این دانشگاه اعتراض کرد.

اخبار کوتاه

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۲ ، دوشنبه ۹ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

این نظام، حکومت، بیت‌المال و این کشور مال مردم است. ما آمده‌ایم حساب میلیاردها تومان پول گمشده را روشن کنیم. ما از عوام‌فریبی خسته شده‌ایم.

از سخنان میرحسین (۱۶ خرداد ۱۳۸۸) در جمع مردم خراسان شمالی

سر مقاله

کشور در دست کسانی است که قادر به اداره یک نانوایی هم نیستند

کلمه – گروه سیاسی: در هنگام جنگ با دشمن بعثی و زمانی که دولت مهندس میرحسین موسوی و مردم آماج موشک های دوربرد صدام حسین بودند، بی‌سابقه‌ترین فشارها بر روی دوش دولت قرار داشت. تنی چند از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و فقهای شورای نگهبان پس از مقدمه‌چینی‌ها و دسیسه‌های گروه‌های هم‌پیمان خود در درون حاکمیت که فضایی تند علیه مهندس موسوی و یارانش فراهم ساخته بودند به دیدار امام خمینی شتافتند و از ایشان خواستند که رضایت دهد تا مهندس موسوی از مسئولیت اجرایی کشور بر کنار شده و فردی از میان مجموعه مورد حمایت جامعه مدرسین و شورای نگهبان جایگزین ایشان شود. امام خمینی پس از آنکه به دقت به سخنان و استدلال‌های ایشان گوش دادند با عصبانیت و تندی آنها را به تقوا و دیانت فراخواندند و سخنانی به این مضمون مطرح ساختند که اگر قدر زحمات طاقت‌فرسای مهندس موسوی، و همکارانش را نمی‌دانید لااقل اینقدر فهم ودرک داشته باشید که من هرگز کشور را در اختیار آن جریان فکری قرار نمی‌دهم که همگی با هم حتی قادر به اداره یک نانوایی هم نیستند.

امروز کیست که نداند مهندس موسوی مهم‌ترین ذخیره حیثیتی برای ایران و نظام جمهوری اسلامی است؟ سیاست‌مداری که در دوران زمامداری خود با مردم صادقانه رفتار کرد، هرگز به آنها دروغ نگفت. سیاستمداری که ۲۰ سال از سیاست دور نگه داشته شد اما حتی یک روز مردم خود را فراموش نکرد و با برنامه‌ریزی و مطالعه خستگی‌ناپذیر و ایجاد مراکز فکری و مطالعاتی، نرم‌افزارهای حفظ تمامیت ارضی ایران و بقای نظام جمهوری اسلامی را فراهم ساخت. سیاست‌مداری که با مشاهده عده ای دروغگو و فاسد که مقدرات کشور را در چنگ خود اسیر ساخته بودند احساس خطر کرد، در یک فاصله کوتاه اعتماد همگانی را متوجه خود ساخت و هر روز که می‌گذرد جلوه‌های جدیدی از حقانیت آنچه که او درباره اش احساس خطر کرده بود آشکار می‌شود. او گفت که من احساس خطر می‌کنم چون با کسانی در دولت روبه‌رو شده‌ایم که آشکارا در روی مردم نگاه می‌کنند و به آنها دروغ می‌گویند. احساس خطر می‌کنم چون میزان ناکارآمدی‌ها و فساد و بی‌قانونی تا مرز بحرانی ساختن شرایط ایران گسترش یافته است. احساس خطر می‌کنم چون ماجراجویی‌های جاهلانه مرتبا هزینه‌های جدیدتر و بزرگ‌تری به ایران تحمیل می‌کند. احساس خطر می‌کنم چون آبروی مردم دستخوش مطامع پست عده ای سفله و پرمدعا شده است و....

امروز مردم ما بهتر از پیش به عمق بصیرت و شایستگی و صداقت موسوی پی برده اند. آیا هنوز در سطح حاکمیت این میزان از خرد وجود دارد که آگاه شوند امروز مهندس موسوی تنها برگ برنده برای نجات ایران از دروغ و فساد و ناکارآمدی و تهدیدهای خارجی است؟

باید امیدوار بود که لااقل عقلای جریان حاکم چنین خردی از خود بروز دهند و تا هنوز دیر نشده اشتباهات گذشته را جبران سازند و جلوی تخریب بیشتر و تهدید بیشتر را بگیرند اگر آن روز که مردم لیبی اعتراضاتی در حد بی‌کفایتی مسئولان محلی گماشته‌ی قذافی داشتند رهبران لیبی واقعیت را می‌پذیرفتند و به اصلاح امور دست می‌زدند، امروز این سرنوشت و مرگ خفت‌بار برای قذافی و آوارگی برای خاندانش به وجود نمی‌آمد.

سرمقاله های کلمه را با مراجعه به سایت کلمه، روزانه بخوانید

بیانیه اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی:

به جای عبرت از عاقبت دیکتاتورهای معدوم، بر ظلم خود افزوده اید

جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی در بیانیه ای با اعتراض به روند قضایی و اداری در کشور متذکر شده اند: در روزها و هفته های گذشته و دقیقاً با اوج گیری افشاء برخی حقایق مربوط به بزرگترین خیانت اقتصادی تاریخ کشور از یک سو و فشارهای بین المللی بر ایران به دلایل مختلف از سوی دیگر، اقتدارگرایان داخلی با عجز از حل مسائل و مشکلات دست به اعمالی وحشیانه و قرون وسطایی زده اند.

به گزارش کلمه متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خدای منتقم

امروز قریب به ۳۰ ماه از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری می گذرد در حالی که هر روز شاهد اوج گیری و تشدید فشارها بر آسیب دیدگان، زندانیان و خانواده های مظلوم و بی پناه آنان هستیم.

متأسفانه حکومت و آمران حاکم، به جای جبران اشتباهات و مظالم فراوانشان، هر روز چهرهٔ جدیدی از خشونت و بی عدالتی را به نمایش می گذارند.

هر چه بر رسوایی، فساد و تباهی دولت و کارگزاران آن افزوده شده و موارد تخلف، بی قانونی و اختلاس از بیت المال آشکار می گردد، فشار بر اصلاح طلبان و حامیان آنان بیشتر شده و با ظلم های روزافزون، سعی در پوشاندن حقایق و از میان برداشتن حق گویان و حق طلبان می نمایند.

در روزها و هفته های گذشته و دقیقاً با اوج گیری افشاء برخی حقایق مربوط به بزرگترین خیانت اقتصادی تاریخ کشور از یک سو و فشارهای بین المللی بر ایران به دلایل مختلف از سوی دیگر، اقتدارگرایان داخلی با عجز از حل مسائل و مشکلات پدید آمده، دست به اعمالی وحشیانه و قرون وسطایی زده و به جای عبرت از عاقبت دیکتاتورهای معدوم، بر ظلم و دیکتاتوری خود افزوده اند که احضارهای پی در پی، صدور و اجرای احکام ناعادلانه، و اسف بارتر از همه اجرای حکم قرون وسطایی شلاق بر ابدان نحیف چند دانشجوی دختر و پسر از جدیدترین آنهاست. احکام شلاقی که بیشترین نفع از اجرای آن را عاید مخالفان نظام اسلامی برای تبلیغ علیه اسلام و حکومت اسلامی کرد.

امروز حاکمان میهن عزیزمان در حالی به این بی تدبیری ها ادامه می دهند که کشور از نظر بین المللی و سیاست خارجی در بدترین موقعیت بوده و گزارش مربوط به پروندهٔ هسته ای ایران، گزارش کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران و اخیراً ماجرای مطرح شده در خصوص پروندهٔ ترور، نگرانی ها را دو چندان کرده است.

متأسفانه امروز، حاکمان در حالی ادعای مدیریت جهانی را دارند که نه تنها قدرت ادارهٔ کشور را ندارند که حتی از ادارهٔ زندان های کشور عاجزند به گونه ای که باید در فصل سرما شاهد قطع گاز و آب گرم به دلیل نداشتن بودجه لازم بوده و نگرانی از بیماریهایی که عزیزان در بندمان را تهدید می کند بر موارد دیگر افزوده شود.

ما خانوادهٔ بزرگ زندانیان سیاسی، امیدواریم قبل از آنکه از این هم دیرتر شود سخنان و رهنمودهای دلسوزانی که شرایط وخیم این مملکت را درک کرده اند مورد توجه قرار گرفته و شاهد اقدامات مثبتی در جهت اجرای عدالت باشیم؛ مبادا آنان که همهٔ سرمایه های نظام و مملکت را هزینهٔ دفاع از انسان های خائن و خود محور کرده اند در مواجهه با تقدیر الهی و قدرت مردم ستمدیده، راه بازگشتی نیابند.

روایت مردم از روزهای سخت با طعم یارانه دولتی

افزایش هزینه های مختلف از جمله قبض های گاز و برق بعد از هدفمندی یارانه ها باعث اعتراض مردم شده است، آنطور که در گزارش ها آمده، اگر یک خانوار ۴ نفره در دو ماه آتی الگوی مصرف را کاملا رعایت کند، باید منتظر قبض ۳۵ هزار تومانی گاز باشد؛ یعنی قبض ۳۵۰ هزار تومانی برای یک آپارتمان ۱۰ واحدی.

نظرات زیر روایت مردم از روزهای پر از رفاه و رونقی است که احمدی نژاد با آغاز اجرای طرح هدفمندی یارانه ها وعده آن را برای مردم و اقتصاد ایران داد.

در مرکز شهر با پیرمردی هم صحبت می شویم که با وجود کهولت سن، مخارج زندگی خود را از طریق فروش چای در سطح شهر تامین می کند. وقتی صحبت از یارانه ها می شودسری تکان می دهد و می گوید:چه یارانه ای؟! اصلا فایده ندارد. ۴۵ هزار تومان هم شد سهم ایرانی از پول نفت. او که در جنوبی ترین نقطه تهران در خانه ای استیجاری ساکن است، به افزایش پول آب و برق بعد از یارانه ها اشاره می کند: قبلا فقط ۶-۷ هزار تومان پول آب پرداخت می کردیم، حالا قبض ۷۶ هزار تومانی می آید. برق هم همین قدر گران شده است. پول اجاره خانه و دیگر هزینه ها هم هست.

کارمندی خطاب به دولت می گوید:یارانه ها پیشکش خودتان. بگذارید قیمت ها به حالت قبل برگردد. آن حداقلی هم که بر سر سفره ها می آمد دیگر نمی شود خورد.

بازنشسته ای می گوید: گازی که ۱۱ تا ۱۲ هزارتومان برای آن پرداخت می کردیم، بعد از یارانه ای که دادند ۶۰ هزار تومان شده است. برق ۷-۸ هزار تومانی ۸۰ هزار تومان گران تر شده است.شوک زده شدیم.دایم در خاموشی می نشینیم و کم مصرف می کنیم، اما باز نرخ هزینه ها تغییر نمی کند.

شهروندی معتقد است:دولت نباید با مردم مبارزه کند باید ملت را دوست داشته باشد.از نگاه او شیوه پرداخت یارانه ها به معنای اسارت مردم و اسیر کردن ملت است که به قدری همه را گرفتار و اسیر مشکلات و تامین مخارج زندگی کرده اند که حتی قدرت اعتراض هم از مردم سلب شده است.

دیگری اشاره می کند:قبل از این طرح ۴۰ هزار تومان پول برق و ۷۰ هزار تومان پول گاز پرداخت می کردیم و برای هرکدام از این قبض ها ۵۰۰ هزار تومان و ۹۰۰ هزار تومان و چه بسا یک میلیون تومان پرداخت می کنیم.

اخبار کوتاه

❋ جمعی از کارگران کشت و صنعت نیشکرکارون شوشتر که مدت ۴ روز است دست از کار کشیده‌اند در اعتراض به عدم محاسبه سوابق بیمه‌ای و سنوات و عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور مقابل درب شمالی مجلس تجمع کردند.اخیرا جمعی از همین کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود نیز در مقابل کارخانه دست به تجمع زده بودند.

❋ حکم پنج سال زندان برای بهنام ابراهیم‌زاده، فعال حقوق کودک و فعال کارگری، توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر در تهران تایید شد.به گزارش منابع کارگری، بهنام ابراهیم‌زاده بیش از ۱۶ ماه است که به دلایل واهی دستگیر و متهم شده، در حالی که هنوز هیچ ادله‌ای مبنی بر اتهام وی به او و وکیلش ارائه نشده است.او در بند ۳۵۰ زندان اوین با چند بیماری دست به گریبان است.

❋ طرح سؤال از احمدی نژاد بار دیگر با ۷۳ امضاء و با نصاب کامل قانونی تقدیم هیات رییسه مجلس شد. پیش‌تر هیئت رئیسه مجلس ادعا کرده بود امضاهای طرح سؤال از احمدی‌نژاد که ۱۰۰ امضا بوده، به ۶۹ امضا کاهش یافته و طرح قابل طرح نیست.نمایندگان این ادعا را نپذیرفتند و برای اینکه دیگر بهانه‌ای باقی نماند، بار دیگر این طرح را با ۷۳ امضا که نصاب قانونی مورد نیاز است، تقدیم هیات رئیسه کردند.

❋ چهار روزنامه نگار و فعال رسانه ای که سه هفته پیش بازداشت شده بودند، آزاد شدند.مهدی افشار نیک، علی اکرمی، محمد حیدری، و محسن حکیمی که روز ۱۳ مهر بازداشت شده بودند، امروز آزاد شدند. نهاد بازداشت کننده ی آنان، محل بازداشت، و اتهام آنان هنوز معلوم نیست.

❋ به نوشته روزنامه خراسان با موافقت شورای رقابت افزایش حدود ۱۳درصدی تعرفه تلفن ثابت و پالس شهری قرار است از اول دی ماه اعمال شود.کارشناسان و صاحب نظران معتقدند چون ودیعه مردم در دست مخابرات است و سود چند ساله آن هم به جیب این شرکت با ۸۰درصد سهام خصوصی می رود نیازی به افزایش تعرفه ها نیست.

❋ به گفته مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران طبق وعده مسئولان قرار بود ۱۵۰ میلیارد تومان تا پایان مهر ماه به دامداران یارانه پرداخت شود که با خلف وعده دولت از این پرداخت خبری نیست.

❋ پس از بی خبری چندروزه از وضعیت امید رضایی، دبیر کانون مطالعات دانشگاه گیلان، خانواده این فعال دانشجویی مطلع شدند که وی به مدت ده روز تا این لحظه در مکانی نامعلوم به سر می برد.

❋ دادگاه انقلاب اسلامی تهران اتهام های وارد شده به شش عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه را مختومه اعلام کرد و آنها را از اتهام ها مبری دانست.داود رضوی، عباس نژند کودکی، سعید ترابیان، ناصر غلامی، ابراهیم گوهری و یعقوب سلیمی حدود پنج سال پیش بازداشت و متهم به اخلال در امنیت ملی شده بودند.

❋ نامه ای که جمعی از امامان جماعت مساجد شهر بوکان به مسئولان قوه قضاییه ارسال کرده بودند توسط وزارت اطلاعات ارومیه ضبط شد.در این نامه به مسئولان نظام،درخواست آزادی۶ مبلغ مذهبی کرد زبان شهر بوکان مطرح شده بود.

❋ رئیس اتحادیه چایکاران با انتقاد از وعده‌های عمل نشده دولت نسبت به پرداخت مطالبات چایکاران گفته است: باوجود تکرار وعده‌های مسئولان مبنی بر پرداخت مطالبات، تاکنون یک ریال هم به چایکاران داده نشده است. در حال حاضر چایکاران به واسطه پرداخت نشدن مطالباتشان در بدترین شرایط اقتصادی قرار دارندو برخی از تامین نیازهای حداقلی باز مانده‌اند.

اخبار کوتاه

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۳ ، پنج شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

اگر قدر زحمات طاقت‌فرسای مهندس موسوی و همکارانش را نمی‌دانید، لااقل اینقدر فهم ودرک داشته باشید که من هرگز کشور را در اختیار آن جریان فکری قرار نمی‌دهم که همگی با هم حتی قادر به اداره یک نانوایی هم نیستند.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۰

سر مقاله

توهم توطئه یا ...

مهرداد نصرتی: در این مقاله با رویکرد شناخت نتیجه سوء استفاده ابزاری از محصولات هنری و ادبی نگاهی خواهیم داشت به اثر جانانان سوئیفت یعنی سفرهای گالیور.سوئیفت در نامه ای که خود را کاپیتان گالیور معرفی می کند به ناشر این اثر آقای سیمپسان، از سانسورهای اعمال شده بر کتاب و تغییراتی که ناشر بدون اجازه مولف داده گلایه جدی می کند تا جایی که می نویسد : آنقدر تغییرات شدید هستند که دیگر خودم هم نوشته هایم را نمی شناسم.

گالیور داستان دریانوردی است که کشتی شکسته اش غرق شده و یاران خود را نیز در دریا گم کرده وقتی از خواب بیدار می شود خود را اسیر کوتوله های لی لی پوت می بیند. گالیور مظهر روشنفکری است و لی لی پوت، شرایط حاکم بر انگلستان آن روز که اختیارش به دست کوتوله های فکری افتاده است. در این تفسیر نه دیگر گالیور سمبل یک روشنفکر آگاه است و نه لیلی پوت شهر کوتوله های فکری، سیاسی و اجتماعی، بلکه او نماد قدرت های سلطه گر جهانی است که با سفر خود به خاورمیانه ابتدا آنها را وحشت زده می کند ولی پیرو آن معدن رحمت آسمانی برای ساکنان کشورهای ضعیفی می شود که به شکل سمبلیک به صورت کوتوله های شهر لی لی پوت نمایش داده شده اند.

بازگرداندن تک تک وقایع سفر گالیور با این خوانش ویژه، در کمال تعجب، از آقای سوئیفت دشمنی می سازد که وظیفه فرهنگ سازی برای استعمار غرب را در کشورهای خاورمیانه ای بر عهده دارد و گالیور را غول مهربانی معرفی می کند که حتی ادرار او آتش فتنه را در کاخ های حکومت خاورمیانه ای خاموش می سازد. تبدیل سفرهای گالیور به فیلم و کارتون، ترجمه و پخش آن از رسانه های این منطقه تمامی دست اندرکاران را در هر حوزه ای از این فعالیت، به جماعتی خائن و وطن فروش مبدل می سازد تا از پشت همه اینها صدای قهقه های شیطانی صهیونیزم جهانی را به گوش برساند که باز با حیله ای دیگر توانسته است ذهن مردم و به خصوص نوجوانان و جوانان ما را شستشو دهد.

علت دشمنی در این مثال چیزی نیست جز آنکه این افراد خواسته یا ناخواسته باعث شدند ابزاری که می توانست در اختیار جوامع خاورمیانه ای باشد تا با یادآوری دیکتاتوری حاکم بر جامعه انگلیس و نیز کوته بینی های مکرر و دائمی حاکمان (کوتوله های لی لی پوتی) و غربت روشنفکران شان(گالیور)، به پتکی بدل شود که بر سر جوامع ما فرود آید.

لازمه گرفتن ابتکار عمل در دست و تغییر جریان بازی به نفع مللی که به اندازه کافی چوب استعمار و استثمار را خورده اند ، وجود اختیار و قدرت در دست کسانی است که از این توانایی های ذهنی برخوردارند و تا بازی به دست لی لی پوتی های کوتوله ای است که بازی برده ما را مثل ماجرای تعبیر دوم داستان گالیور به باخت تبدیل می کنند این مهم برآورده شدنی نیست.

شهدای سبز

شهید محرم چگینی قشلاقی

سن: ۳۴ ساله

تاریخ شهادت: دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

محل شهادت :تهران بین خیابان آزادی تا پل جناح

نحوه شهادت : اصابت گلوله توسط نیروهای بسیجی

نوری زاد خطاب به رهبری:

امروز چه بخواهید و چه نخواهید، مسئولِ هرز رَوی های تریلیاردی هستید

نوری زاد که در مصاحبه اش با کلمه گفته بود:دزد هموست که ما او را به نگاهبانی گمارده ایم. در نهمین نامه‌اش به رهبری هم به صراحت نوشت:در این روزها از شجاعتِ رهبرمان سراغی نمی بینیم و آن سوتر، گاه ملاحظاتی را از وی دریافت می کنیم که شجاعتِ وی را به مخاطره و به حاشیه می رانند. آیا این جابجایی شجاعت و ملاحظه را به کیاست و درایت و درستی تشخیصِ وی ربط دهیم؟ یا که نه، این کهنسالی است که عارضه هَای خاصِ خود را برکشیده و بر زبان و قلم رهبرِ شجاعِ ما نشانده است؟ به گونه ای که او اکنون، نمی تواند دستورِ بازداشت و محاکمه ی دزدان صاحب نام داخل دولت را صادرکند. بلکه از آن سوی، راهِ دستگاهِ نیم بند قضا را نیز بر محاکمه ی آنان می بندد.

وی در مصاحبه با کلمه درباره فسادهای اخیرا فاش‌شده دولت و جریان حاکم گفت:اگر رهبر ما خود شخصا به دستگاههای نظارتی اجازه واکاوی در چندوچون پولی دستگاههای تحت امر مستقیمش را می داد و از آنها می خواست مرتب به مردم گزارش بدهند، دیگران اینگونه در روبیدن اموال عمومی مردم حریص نمی شدند.

در نامه او خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای آمده است:هرگز تصور نمی کردم این ایام عمرِ شما با توفانی از تندی و تنش و پراکندنِ مردمان همراه باشد.برایَ کدام باقیِ عمر، و برای دست بردن به کدامَ برازندگی، دست به ترسیم توفانی ترین مقطعِ عمر خویش برده اید؟ جامعه ای که توفان دروَنش در زنجیر استَ و ما هَر روز به پای این سرزمین سر خورده اما توفانی، زنجیر تازه می بندیم!؟

او اشَاره دارد:ما در این سالهای پس از انقلاب، بی گناهان بسیاری را برای باقی ماندن خودمان در مصدر و مسند قدرت کشته ایم و بسیاری را بی دلیل به زندان و دخمه های تنگ نظری خویش در انداخته ایم در غرقابی از تعفن دروغ و دزدی و بداخلاقی گرفتار آمده ایم. قبول می فرمایید که دَر سخنان این روزهای خود، هرچه بر امید و پیشرفت و شکوفایی و دست یابی به بند بندِ سندِ سستِ "چشم انداز" اصرار ورزیم، بذر سخن در باد افشانده ایم.

در این نامه آمده است:شما رهبر شجاعی بوده و هستید. منتها این شجاعت به مرور در پرخاش جلوه و خانه کرد و این اواخر بیشترین مخاطب پرخاش های جناب شما نه آمریکا و اسراییل و دزدان و نابکاران، که مردم معترض خودتان بوده است.

نوری زاد نوشت:شما در سالهای سهمناکِ کهنسالیِ خودهمه را قربانیِ برآمدنِ فردِ نالایقی چون احمدی نژاد کردید تا مگَر این غلام حلقهَ به گوشَ، عصای کهنسالیِ شما باشدغافل که این غلام حلقه به گوش،حاجت هایی را برایَ خود رصد می کرده است. امروز شما به آنچنان فرسایشی از آن شجاعتِ دلخواه ما دچار شده اید که باید ناگزیر و دل چرکین، جنازه ی این رییسِ جمهور دغلکار را تا پایان دوره اش به دوش بکشید. چرا؟ چون او با زیرکی به اختفای اسرار شما دست برده و اسناد غیرقابل انکاری از خطاکاری برادرانِ قاچاقچی و دوستان و حامیانَ شما را از وزارتِ اطلاعات بیرون کشیده است. دست اگر به ترکیب او بزنید، او – که به هیچ تعادلی متعادل نیست – ای بسا به ترکیب اطرافیان شما دست بزند و با فشار یک دکمه، همه ی اسرارِ مگوی حامیانِ شما را روی میز شعبده اش بریزد.

او به رهبری می گوید:سخت دلتنگ آن شجاعت کم نظیر شمایم که بگوید: مرا از چه می ترسانید؟ از افشای دزدی های هوَادارانم؟ این شما و این هواداران من. رییس مجلس اگر دزدی کرده، فرزندان من آیا کج رفته اند؟ فلان آیت الله که حامی من است اموال مردم را بالا کشیده؟ به دستور من آیا میلیارد میلیارد به افغانستان و حزب الله لبنان و فلسطین پول سرازیر شده؟ پاسداران حامیِ من از نردبانِ خصلت های نادرست بالا رفته اند و در آسمانَ غارتَ اموال مردمَ خانه کرده اند؟ این من و این اطرافیان من و این محکمه ی عدلَ شما. و باز بفرمایید: از آن سوی اما به دزدی های شخص رییس جمهور و معاون اولش و هزار حامی زیرک او نیز رسیدگی کنید. و به جنازه و لشی که احمدی نژاد از ایران و ایرانی برساخته است نیک بنگرید و مقصران این بختک شوم را شناسایی کنید.

در این نامه خطاب به رهبری آمده است: امروز چه بخواهید و چه نخواهید مسئول هرز رَوی های تریلیاردی وی و اطرافیان وی هستید و امروز دیگر هیچ تشکیلاتِ سیاسیِ مغایری در راس یا در حاشیه ی امور نیست تا بشود آوار این دزدیَ ها و کج روی ها را بر سر او فرو ریخت.

او افزود:شخص شما در افراختن این سقفِ سُست سهیم بوده اید. مصادره ی خیزش مردمان عرب به نفع خودَ به اسم بیداریِ اسلامی، و این که آنان ازَ ما الگو گرفته اند و به رسمیت شناختنِ جَنبش وال استریت از یکَ سوی و سرکوب جنبشِ ایرانیان از دگرسویَ،این گریزها نیز نمی تواند ما را از سرنوشتیَ که برای بلعیدن ما خیز برداشته، برهاند.

او که در مصاحبه با کلمه اشاره کرد: ردپای دزد را در آن سوی دیوار خانه مجوی. دزد هموست که ما او را به نگاهبانی گمارده ایم. داستان سهام مخابرات و بالا کشیدن آن توسط سپاه همان نوک کوه یخ است. ما ظاهرا انقلابمان را به این پاسداران سپرده بودیم و ادامه ی این حکایت را به عهده ی "برادران قاچاقچی" می گذارم،در نامه اش هم نوشت:به اسم این که نباید آبروی متهمین را پیش از اثباتِ جرم بُردهنوز که هنوز است هیچ اسمی و نشانه ای از اختلاسگرانَ و دزدان و همکاران آن رقم بهت انگیز سه هزار میلیارد تومانی منتشر نکرده ایم اما بلافَاصله اسَم چند مستَند ساز را بدون آنکه محکمه ای ترتیب داده باشیم با جاسوسی و عاملیت بیگانگان درمی آمیزیم.

در این نامه به فیلمی اشاره شده که به طور محرمانه در حال ساخت آن برای ارائه به مقام رهبری بوده درباره آنچه در زندان و بازجویی‌ها بر او گذشته که او از یورش ماموران سپاه به منزلش و ربودن تجهیزات و فیلم های ضبط شده به این منظور خبر داده و با بیان اینکه آنان اما مرا به قدر خود خام و ناپخته انگاشتند و ندانستند آنچه از من ربوده اند، تمامی فیلم های گرفته شده نیست و من نسخه ی بسیار کاملی از آن را با خود دارم و بعد از تکمیل برای آیت‌الله خامنه‌ای خواهم فرستاد.

اخبار کوتاه

* غفار فرزدی مسئول شاخه آذربایجان نهضت آزادی بدلیل امضای نامه فعالان سیاسی به سید محمد خاتمی به وزارت اطلاعات احضار شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

* معصومه ابتکار، احمد مسجدجامعی، اسماعیل کهرم، فاطمه چهل‌امیرانی (همسر شهید باکری) و ژیلا بدیهیان (همسر شهید همت) در نامه‌ای خطاب به اسماعیل رضایی، پدر مرحوم مجتبی رضایی که در سال ۸۷ توسط یک محیط‌بان در منطقه دنا کشته شد، از او درخواست کرده‌اند این محیط‌بان را عفو کند.

* مصطفی مقیسه، پسر محمدرضا مقیسه در سالن ملاقات مورد ضرب و شتم سربازان زندان اوین قرار گرفت. به گفته خانواده های زندانیان سیاسی این ضرب و شتم و برخورد غیر انسانی در مقابل ده ها خانواده و فرزندان آن ها صورت گرفته است. تا آنجا که کودکان حاضر در سالن به شدت ترسیده و فضای استرس و التهاب در بین خانواده ها شدت گرفته است.

* یش از ۵۰۰ کارگر شرکت نیشکر هفت تپه کارون روز دوشنبه در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع و به پرداخت نشدن چند ماه حقوق خود اعتراض کردند.هم چنین دهها تن از فعالان و تولیدکنندگان لبنی کشور با تجمع در برابر وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به عملکرد دولت در عدم تخصیص یارانه های حاصل از طرح هدفمندی به تولید کنندگان با تجمع مقابل ساختمان شهید مهری وزارت صنعت و معدن ، شعار الله اکبر سر دادند.

* خبرها از دانشگاه مازندران حاکی از آن است که پس از تجمع هفته گذشته دانشجویان در دانشگاه مازندران، فشارها بر فعالین این دانشگاه تشدید یافته است.با وجود برخورد نه چندان تند حراست با دانشجویان در حین تجمع، از همان روز تجمع تهدیدها و احضارها به حراست مرکزی اغاز شد و همچنان نیز ادامه دارد.در آخرین مورد برخی از دانشجویان نیز به دانشگاه ممنوع الورود شده اند.

* حسین فایضی، از اعضای ستاد میرحسین موسوی، صبح روز چهارشنبه بیستم مهر ماه بازداشت شد.ماموران امنیتی با ورود به منزل وی و تفتیش آن، او را بازداشت کرده و وسایل شخصی او را نیز با خود برده‌اند.

* معصوم فردیس، معاون پیشین وزیر ارتباطات در وضعیت جسمانی نامناسبی در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می برد و نیاز به مرخصی استعلاجی جهت درمان دارد.

* حکم دادگاه احمدرضا احمدپور، جانیاز شیمیایی و محقق حوزه، در دادگاه تجدید نظر تایید شد. او به سه سال حبس و ده سال تبعید محکوم شده است.

* نسرین ستوده به دلیل عدم استفاده از چادر در زندان به مدت سه هفته از ملاقات کابینی محروم شده است.

* جمعی از جوانان اصلاح طلب، با صدور بیانیه ای به مرور رفتار حاکمیت جمهوری اسلامی در دو سال و نیم اخیر پرداخته و نسبت به تبعات و نتایج تداوم وضع فعلی هشدار دادند.

اخبار کوتاه

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۴ ، شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

دیر یا زود – بلکه به امید خدا بسیار زود – مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. آیا آن روز باید کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند؟

میرحسین موسوی - بیانیه شماره ۱۴ در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸

سر مقاله

با رفتار متفرعنانه به بن بست رسیدند

اردشیر امیر ارجمند

مهندس میرحسین موسوی دو سال پیش هشدار دارد مسئله فقط تحمیل یک دولت غیر منتخب به مردم نیست بلکه گروهی می خواهند سبک جدیدی از زندگی سیاسی به مردم تحمیل کنند.امروز ویژگی های این سبک زندگی تحمیلی مشخص تر شده است. جامعه ای بسته که عالی ترین مقامات رسمی آن از مردم و تجلی رای آنان وحشت دارند و دیکتاتوری ویرانگری را تحت عنوان دین به مردم تحمیل می کنند؛از قانون فقط در سرکوب ظالمانه، تضییع حقوق مردم، زندان، اعدام و سانسور کردن صحبت میشودولی شفاف سازی دزدی چند هزار میلیاردی یاوران خود را مخالف مصالح نظام می دانند.

قانون اساسی دارای اشکالات مهمی است اگر از جانب رهبران جنبش بر اجرای قانون اساسی تاکید می شد،ناشی از این نگرانی بود که حاکمان درعمل قانون اساسی جدیدی را بنویسند و هنگامی که کلیه مجاری قدرت را در انحصار خود قرار دهند مبادرت به اصلاح قانون اساسی با هدف حذف تتمه اصول و نهادهای دموکراتیک آن کنند و به نظام کودتا و دیکتاتوری صورت قانونی دهند. این اخرین بخش از طرح بزرگ توطئه آمیزاست که با تقلب در انتخابات ریاست جمهوری دنبال شد.هدف این نقشه ایجاد نظامی مثل عراق زمان صدام یا سوریه کنونی در ایران است.آقایان متفرعنانه رفتار کردند و نصیحت هیچ کس را قبول نکردندوحالا در بن بست قرار گرفته اند.

ارزیابی آنها درباره تحولات جاری،بقا و پایداری جنبش سبز این است حتی با پادگانی کردن کشور و سپردن دوباره انتخابات به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی نیز نمی توانند به هدف برسند.خودتان دستور تقلب در انتخابات را صادره کرده اید و حالا مدعی شده اید؟ کسی که اساس قدرتش بر اساس تقلب است آیا الزامی دارد قانون را رعایت کند؟

مطابق ویرایش دوم منشور سبز"قوانین کشوری و از جمله قانون اساسی، متونی همیشگی و تغییرناپذیر نیستند.هر ملتی این حق را دارد که با بازخوانی تجربه خود و تصحیح سیر حرکت خویش، به اصلاح قوانین جاری اقدام کند.اما باید توجه داشت که تنها تغییر و اصلاحی در قانون اساسی واقعی و مورد پذیرش است که در فضایی امن و آزاد و در فرایند مذاکره و گفتگوی اجتماعی و با مشارکت همهٔ اقشار و گروه های اجتماعی و با پرهیز از تصلب و انحصارگرایی و زورگویی صورت پذیرد.»این شرایط فراهم است؟ مگر اصلاح قانون اساسی نباید به رفراندم و رای مردم گذاشته شود؟چه اصلاح قانون اساسی است که باید در شرایطی صورت گیرد که کشورامنیتی کامل است،فعالین سیاسی در زندانند،احزاب بسته شدند، مطبوعات تعطیل شده است مطالبه و خواست اولیه مردم تحقق انتخابات آزاد است.غیر منتظره نخواهد بود کف مطالبات بخش مهمی از مردم محدودیت بی چون و چرا و غیر قابل تفسیر قدرت همه نهادها و افراد از جمله رهبر به قانون و اراده مردم، محدویت دوره رهبری وغیره باشد.

سخنگوی شورای راه سبز امید

پرونده‌های زیر بغل احمدی نژاد، مانع طرح سؤال از وی شد

علی مطهری در نطق استعفایش که با رای منفی نمایندگان رو به رو شد،برای اولین بار به نگرانی نمایندگان از افشای پرونده‌های آنها توسط احمدی‌نژاد سخن گفت و تصریح کرد:نمی‌توان گفت چون فردی تعدادی پرونده زیر بغل دارد و جسارت لازم را هم دارد، همه باید مطابق میل او رفتار کنیم تا دوره‌اش به سر رسد.خودداری هیئت رئیسه تنها احتمال ترس از بیان مطالبی شبیه آنچه که در مناظرات انتخاباتی رخ داد،هست.

او در پاسخ به اینکه چرا سؤال از رئیس جمهور به صورت یک تابو در آمده گفت:یک علت بت سازی است، آن هم توسط اطرافیان.علت دیگر روحیه ملاحظه‌کاری و رودربایستی و رفیق‌بازی است که درمجلس،قوه قضائیه و مجریه وجود دارد.با مصانعه، اوامر الهی اقامه نمی‌شود.

پسرشهید مطهری با بیان اینکه در زمان جمعآوری امضا برای سؤال از رئیس جمهور برخی میگفتند هر وقت آقا بگویند من امضا میکنم.به آنها میگفتم اگر آقا بگویند که دیگر سؤال مجلس نیست، آن میشود سؤال رهبری و دیگر نیازی به ورود ما نیست، افزود:چقدر اشتباه است سخن کسانی که میگویند ما «رهبری» داریم و اگر لازم باشد ایشان اقدام میکنند! در حالی که هر نهادی وظیفه خاص خود را دارد.این منطق که «اگر لازم باشد خود رهبری دخالت میکنند» مرا به یاد ساخت و ساز بیرویه در شمال تهران در دوره سازندگی میاندازد که با فروش تراکم، مثلاً در کوچه ۶ متری ساختمان هفت طبقه ساخته میشد. وقتی اعتراض میکردیم، عدهای میگفتند اگر اشکال داشت، رهبری یا رئیس جمهور وقت که تالی تلو رهبری بود خودشان میگفتند.در سال ۵۹ تا ۶۲ که در پخش رادیو مطلب مینوشتم، وقتی موسیقی غیرمجاز پخش میشد و ما اعتراض میکردیم، میگفتند اگر اشکال داشت از دفتر امام زنگ میزدند. واقعاً تصور برخی، از اصل ولایت فقیه همین اندازه مضحک و تعجبآور است و خیال میکنند ولایت فقیه تکالیف را از گردن ما ساقط میکند.

مطهری گفت:مرحوم جلال آل احمد کتابی دارد به نام «خدمت و خیانت روشنفکران»بجاست کتابی با عنوان»خدمتها و خطاهای احمدی نژاد»نوشته شود و چه بهتر که این کتاب توسط افرادی نوشته شود که افراط کردند و کتاب «احمدی نژاد، معجزه هزاره سوم» را نوشتند.مجلسی که به بهانههای مختلف از این وظیفه خود شانه خالی کند و صرفاً ثناگوی دولت باشد به موکلین خود خیانت کرده است.

الغنوشی مخالفان نظام سوریه را به رسمیت شناخت

راشد الغنوشی،رئیس حزب نهضه تونس که حزبش در انتخابات اخیر این کشور برای انتخاب اعضای مجلس موسسان پیروز شد،در اقدامی بی‌سابقه مخالفان نظام سوریه را به رسمیت شناخت و از تصمیم خود برای بستن سفارت سوریه در این کشور و اخراج سفیر سوریه از کشورش خبر داد.

به نظر می‌رسد این اقدام غنوشی، تصویری متفاوت از بیداری اسلامی ارائه می‌دهد که با روایت رسمی حکومت ایران از آن تفاوت دارد. چه معترضان سوری را هم در جبهه بیداری اسلامی و بلکه به زعم برخی صاحبنظران در خط مقدم آن قرار می‌دهد.از جمله سید محمد صدر معاون وزارت امور خارجه دولت اصلاحات که حرکت مردم سوریه رااسلامی‌ترین حرکت منطقه می خواند.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه ضمن انتشار این خبرخشم خود را با این جمله نشان داد که در توصیف مخالفان دیکتاتوری در سوریه نوشت: مخالفان نظام سوریه که با اقدامات مسلحانه علیه ارتش و مردم سوریه فعالیت می‌کنند..

حال آنکه تظاهرات اصلی مردم سوریه از ابتدا مدنی و مسالمت‌آمیز بوده و برخوردهای سرکوب‌گرانه حکومت و کشتار نزدیک به ۳۰۰۰ نفر باعث شده که این حرکت به سمت خشونت متقابل و یارگیری از ارتش برود.

پیش از این شورای انتقالی لیبی،مخالفان بشار اسد را که شورای ملی سوریه را در ترکیه تشکیل داده بودند به رسمیت شناخته بود. به نظر می‌رسد بدنبال تحولات اخیر منطقه، نوعی اتحاد فراملی بر ضد دیکتاتوری‌های کهنه و رو به زوال در حال شکل‌گیری است. اتحادی که جنبه اسلامی دارد اما نه به مفهوم خاصی که درایران از »بیداری اسلامی» استنباط می‌شود.

تشکیل پرونده و اتهام جدید برای ابوالفضل قدیانی

ابوالفضل قدیانی از مسن ترین زندانیان سیاسی در دادگاهی جدید که به اتهامی تازه تشکیل شد نرفت و اعتراض خود را برای چندمین بار به روند غیر قانونی قضایی در کشور اعلام کرد.

وی که به دلیل پشت سرگذاشتن عمل جراحی قلب،دوران نقاهتش را در بند ۳۵۰ اوین میگذراند متهم به توهین به رهبری و رییس دولت شده است.توهینی که وی و خانواده اوهرگز قبول نداشته و آن را نقدی برای اصلاح کشور و نظام می دانند.

زهرا رحیمی همسر وی به کلمه گفت: انتقاد حق تک تک افراد جامعه است.حقشان است به عملکرد حاکمیت انتقاد کنند.اگر مسیر انتقاد باز می ماند به هیچ وجه امروز چنین وضعیتی نداشتیم و هر روز شاید یک خبر در رسانه نبودیم. سه هزارمیلیارد یک طرف و هزارمیلیارد اختلاس تامین اجتماعی!

به گفته او، همسرش با ارایه لایحه ای که در آن تصریح شده طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید دادگاه علنی و با حضور هیات منصفه برگزار شود.چون برگزاری این دادگاه علنی و با حضور هیات منصفه نیست فعلی مجرمانه صورت گرفته و برگزار کنندگان آن مجرمند.

بنابر این این دادگاه غیر قانونی است و ایشان در آن شرکت نمی کنند. همچنین طبق اصول ۱۵۹، ۱۷۲ و ۱۷۳ دادگاه های انقلاب در حال حاضر غیر قانونی هستند چون تا یک زمان مشخصی اجازه ی فعالیت داشته اند و در واقع الان دادگاه های انقلاب غیر قانونی هستند. وی در مورد مصداق اتهام همسرش گفت:فکر می کنم مشکل دفاعیه ی و مصاحبه ای که قبل از بازگشت به زندان داشتند. یک محکومیت یکساله برای تبلیغ علیه نظام و توهین به رییس جمهوری است.همسرم باید ۴ آذر باید آزاد شوند ولی ۵ روز هم به خاطر توهین به احمدی نژاد جریمه دارند که ایشان می گویند جریمه را پرداخت نمی کنم و می مانم. پس می شود ۹ آذر.البته قاضی وثیقه ای هم که وکیل گفته بودند نپذیرفتند.

قدیانی در مصاحبه ای قبل از بازگشت به زندان به کلمه گفته بود: احمدی نژاد دروغگو، ریاکار، مستبد، قانون گریز و قانون ستیز است و اینها صفات حقیقی اوست. اینها را در دفاعیه ام و در دادگاه گفتم. من به احمدی نژاد فحش ندادم فقط صفات های او را برشمردم و مواردی که گفتم توهین نبوده انتقاد بوده است.

با اعتراف گیری از دیگران ۶ سال حکم علیه فرزندم صادر کردند

حکم ۶ سال حبس صادر شده برای علی اکبر محمدزاده فعال دانشجویی ۲۲ ساله دانشگاه صنعتی شریف به اتهام تجمع و تبانی و تبلیغ علیه نظام به استناد مادی ۵۱۰ و ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی، تایید شد.

مادر محمدزاده به کلمه گفت:پسرش هنوز از رای دادگاه تجدید نظر اطلاعی ندارد و اصلا اجازه ندادند پرونده را بخواند.نمی دانم چه کرده اند که اینقدر سریع حکم را صادر و تایید کردند.

وی با تاکید اینکه مستندات و مدارک زیادی داشتیم پرسید:در کجای دنیا به کسی که علیه خودش هیچ اعتراف دروغی نکرده، تنها با اعتراف گیری از همبندانش ۶ سال حکم صادر میکنند؟ نمی دانم صدایمان را باید به کجا برسانیم.

خانم محمدزاده افزود:پسر ما هیچ جرمی نداشت.خدا شاهد است یک مصداق جرم برای پسر من نداشتند.اگر چیزی وجود داشت دلم نمی سوخت.ما را با این حکم آتش زدند.

وی با بیان اینکه در دادگاه رفتارغیرمنصفانه وغیرعادلانه داشتند گفت:آن از دادگاه بدوی که هر کاری دلشان خواست کردند.در دادگاه تجدید نظر هم امیدوار بودم منصفانه و بدون اعمال نفوذ پرونده را مطالعه کنند و حداقل رحم و مروت داشته باشد.

اخبار کوتاه

* به گزارش کلمه، پس از یکماه بی خبری از وضعیت حسن فائزی از اعضا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، وی در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری و در اختیار وزارت اطلاعات است.

* بهمن احمدی امویی روزنامه‌نگار و عبدالله مومنی فعال دانشجویی، که هر دو در روز ۳۰ خردادماه سال ۸۸ بازداشت شده اند و هریک در تمام دو سال و نیم اخیر فقط یک بار به مرخصی آمده اند، اکنون بیست ماه است از حق مرخصی و ملاقات حضوری با خانواده هایشان محروم مانده اند. ماهها از آخرین ملاقات حضوری این دو زندانی با همسر و خانواده شان می گذرد اما دادستان تهران هر بار با درخواست ملاقات حضوری بیست دقیقه ای آنها مخالفت می کند.

* دادستان تهران با مرخصی سیامک قادری، روزنامه نگار زندانی که بیش از ۱۶ ماه است در زندان اوین به سر می برد مخالفت کرد. خبرگزاری ایرنا شاکی اصلی پرونده آقای قادری بود، او همچنین بعد از ۱۸ سال کار دراین خبرگزاری از آن اخراج و راهی زندان اوین شد.

* محمد توسلی از اعضای ارشد نهضت آزادی ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.او از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان و شهردار تهران در ابتدای انقلاب در پی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در ۲۶ خرداد در محل کار خود بازداشت و پس از طی کردن ۴۳ روز بازداشت در سلول انفرادی در ششم مرداد آزاد شد.

گفتگوی کلمـــــه با نوری زاد را در سایت بخوانید :
محمد نوری زاد : فرصت سرآمده و آنان که باید بروند، باید بروند؛ این تعارف‌بردار نیست

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

ویژه نامه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۵ ، شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

دیر یا زود – بلکه به امید خدا بسیار زود – مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. آیا آن روز باید کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند؟

میرحسین موسوی - بیانیه شماره ۱۴ در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸

بیانیه مهم ۳۶ زندانی سیاسی درباره انتخابات آینده مجلس

سی و شش نفر از زندانیان سیاسی حامی جنبش سبز در زندانهای اوین، رجایی شهر و خوزستان با صدور بیانیه ای در باره انتخابات آتی مجلس، ضمن هشدار به مسوولان ارشد نظام درباره تصحیح روند فعلی کشور، تاکید کرده اند که صلاح جنبش سبز و جریان اصلاح طلب در این است که در صورت برگزاری انتخابات سالم و آزاد به طور یکپارچه از آن استقبال کنند و در صورت ناسالم بودن آن، انسجام خود را حفظ کنند و علی رغم فشارهای مختلف احتمالی، همگی مراقب باشند و وحدت و یکپارچگی فعلی خود را مخدوش نکنند و با داشتن برنامه ای منسجم و واحد، اجازه ندهند که تبدیل به عامل مشروعیت بخش انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی شوند.

این ۳۶ زندانی سیاسی در بخشی از بیانیه خود، مجلس فعلی را به مجلس دوران حسنی مبارک در مصر تشبیه کرده و نوشته اند: بدون وجود مجلسی متشکل از نمایندگان واقعی و مدافع حقوق مردم، نه تنها احقاق حقوق از دست رفته مردم، بلکه جلوگیری از مفاسد بزرگی که اخیرا تنها نمونه هایی از آن – آن هم نه به طور کامل – انتشار یافته، امکان پذیر نیست.

زندانیان سیاسی حامی جنبش سبز در بیانیه خود به تحلیل مفاسد اقتصادی دولت دهم از جمله اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی نیز پرداخته و نوشته اند: از وقوع مفاسد اخیر نباید متعجب بود زیرا دولتی که امانتدار رای مردم نباشد و در انتخابات با رای مردم آنچنان بازی کند، طبعا امانتدار سرمایه های معنوی و مادی مردم هم نمی تواند باشد.

امضا کنندگان این بیانیه یکی از مهم ترین مشکلات امروز کشور در عرصه های مختلف از جمله انتخابات را ورود نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی به این عرصه ها دانسته و نوشته اند: این نهادها قانونا و عرفا از ورود به آنها منع شده اند. تنها در نظام های استبدادی است که اینگونه نهادها در امور سیاسی، اقتصادی، قضایی و امثال آن مداخله می کنند و هرچه استبداد در نظامی بیشتر و شدیدتر باشد، حضور نهادهای امنیتی و نظامی نیز در عرصه های مختلف بیشتر و پررنگ تر است. در کشور ما نیز سکاندار اصلی حوادث انتخابات سال ۸۸ و پس از آن این نهادها بودند و هستند که حضور آنها همچنان ادامه دارد و فضای امنیتی سنگینی را بر کشور مستولی و سایه افکن کرده اند.

متن کامل این بیانیه که در اختیار کلمه قرار گرفته، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امسال، سال برگزاری انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی است که با توجه به رویدادهای انتخابات سال ۸۸ و پیامد آن یعنی شکل گیری جنبش سبز، مباحث و مسادل جدیدی را برانگیخته است.

در یک نظام دمکراتیک و مردمسالار، مجلس کانون اصلی قدرت و مرکز تصمیم گیری ها و تعیین سیاست های آن است و میزان نهادینه بودن دمکراسی و مردم سالاری در هر نظام سیاسی را می توان از میزان توانایی و قدرت مجلس آن کشور برآورد کرد.

در انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بنابر این بود که مجلس در راس امور باشد و از طرف آنها بر تمام ارکان حکومت از صدر تا ذیل نظارت و از آنها حسابرسی و حساب کشی کند. به طور طبیعی پیش نیاز و شروط اصلی شکل گیری چنین مجلسی، انجام انتخاباتی کاملا آزاد و بدون هرگونه دخالت صاحبان قدرت و حکومتگران است تا مردم بتوانند هرکسی را بخواهند انتخاب کنند.

اما متاسفانه در کشور ما، مدتهاست با دخالت های آشکار حکومت و به ویژه نهادهای امنیتی و نظامی، انتخابات به یک

صحنه آرایی نمایشی و مجلس برآمده از آن به مجلسی فرمایشی تبدیل شده است، مجلسی که حتی برای دفاع از حقوق خود و پیگیری اجرای مصوبات خود نیز ناتوان است و بارها و بارها از طرف دولت و رییس آن مورد تحقیر قرار می گیرد و در مقابل تعدیات به حقوق موکلانش دم برنمی آورد.

مقایسه مجلس کشورهای دمکراتیک با مجالس کشورهای استبدادی تفاوت جایگاه آنها را به وضوح نشان می دهد و مشخص می کند مجلس در نظام فعلی کشور ما به کدامیک شباهت دارد. به خوبی می توان دریافت که در این مجلس نه از نظر فرآیند انتخابات و نه از نظر قدرت و جایگاه تاثیرگذاری هیچ شباهتی با مجلس های نظام های دمکراتیک که براساس انتخابات آزاد تشکیل می شود، ندارد.

اگر بخواهیم مورد مشابهی را در دیگر کشورها پیدا کنیم، مجلس امروز ما کاملا مشابه مجلس دوران حسنی مبارک است. بدون وجود مجلسی متشکل از نمایندگان واقعی و مدافع حقوق مردم، نه تنها احقاق حقوق از دست رفته مردم، بلکه جلوگیری از مفاسد بزرگی که اخیرا تنها نمونه هایی از آن – آن هم نه به طور کامل – انتشار یافته، امکان پذیر نیست.

با توجه به اهمیت جایگاه مجلس، تصمیم گیری در مورد انتخابات آتی واجد اهمیت فراوان است و باید با تامل، ضرورتها، شرایط و پیش نیازهای آن مورد بررسی قرار گیرد.

دولتی که ادعا می شد بهترین دولت یکصدساله اخیر کشور است تبدیل به فاسدترین دولت یکصد ساله اخیر و بلکه همیشه تاریخ ایران شده است و تنها راه حلی نیز که حامیان دیروز رییس دولت تاکنون به کار گرفته اند سرپوش گذاشتن بر این مفاسد و رسوایی ها و جلوگیری از اطلاع یافتن مردم و پرهیز از برخورد با عوامل اصلی آنها بوده است

برخی از موضوع های مهم در این زمینه عبارتند از:

۱ – انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ که در واقع یک کودتای انتخاباتی بود شکاف دولت– ملت را تشدید و حکومت را بیش از پیش با بحران مشروعیت رو به رو کرد. مشکل اصلی در انتخابات سالهای اخیر که در سال ۸۸ به اوج خود رسید، تصمیم صاحبان قدرت به تعیین نتیجه انتخابات قبل از اخذ رای از مردم بود که منجر به رویدادهای دوران انتخابات و خیرش جنبش سبز پس از آن شد.

یادآوری بحران های پس از انتخابات سال ۸۸ از یکسو ملال آور و از سوی دیگر اجتناب ناپذیر است. ملال آور است، زیرا دامنه بحرانها در همه ابعاد آن به شکلی باور نکردنی تا اعماق جامعه نفوذ کرده است و غالب شهروندان، آن را به درجه ای تجربه کرده اند. اما اجتناب ناپذیر است، زیرا برای اصلاح این وضع خطیر و بحرانی، چاره ای جز یادآوری و نقد مستمر آن و تاکید بر حق حاکمیت بلامنازع مردم و پایان دادن به انحصار قدرت سیاسی وجود ندارد.

بسیار بعید به نظر می رسد که دست اندرکاران مدیریت کلان کشور تا بالاترین سطح از شدت و عمق بحران های جاری بی خبر باشند و از آن بعیدتر این است که آنها ساده اندیشانه اظهارات تبلیغاتی خود مبنی بر ثبات و استقرار و مطلوب بودن وضع حاکمیت و جامعه را باور داشته باشند. فروپاشی اداره و مدیریت کشور اکنون به مرحله ای رسیده که فساد و سوء استفاده و آلودگی مسئله ای عادی در ارکان حکومت شده و ارقام نجومی ۳۰۰۰ میلیارد تومان اختلاس که تنها بخشی از یکی از تخلفات صورت گرفته، بحث عادی امروز جامعه شده است.

دولتی که ادعا می شد بهترین دولت یکصدساله اخیر کشور است تبدیل به فاسدترین دولت یکصد ساله اخیر و بلکه همیشه تاریخ ایران شده است و تنها راه حلی نیز که حامیان دیروز رییس دولت تاکنون به کار گرفته اند سرپوش گذاشتن بر این مفاسد و

انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ که در واقع یک کودتای انتخاباتی بود شکاف دولت– ملت را تشدید و حکومت را بیش از پیش با بحران مشروعیت رو به رو کرد. مشکل اصلی در انتخابات سالهای اخیر که در سال ۸۸ به اوج خود رسید، تصمیم صاحبان قدرت به تعیین نتیجه انتخابات قبل از اخذ رای از مردم بود که منجر به رویدادهای دوران انتخابات و خیرش جنبش سبز پس از آن شد

رسوایی ها و جلوگیری از اطلاع یافتن مردم و پرهیز از برخورد با عوامل اصلی آنها بوده است. زیرا شیوع این موارد به حدی است که

گر حکم شود که مست گیرند
در شهر هر آنکه هست گیرند

از وقوع مفاسد اخیر نباید متعجب بود زیرا دولتی که امانتدار رای مردم نباشد و در انتخابات با رای مردم آنچنان بازی کند، طبعا امانتدار سرمایه های معنوی و مادی مردم هم نمی تواند باشد.

۲ – یکی از مهم ترین مشکلات امروز کشور در عرصه های مختلف از جمله انتخابات، ورود نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی به این عرصه هاست که این نهادها قانونا و عرفا از ورود به آنها منع شده اند. تنها در نظام های استبدادی است که اینگونه نهادها در امور سیاسی، اقتصادی، قضایی و امثال آن مداخله می کنند و هرچه استبداد در نظامی بیشتر و شدیدتر باشد، حضور نهادهای امنیتی و نظامی نیز در عرصه های مختلف بیشتر و پررنگ تر است. در کشور ما نیز سکاندار اصلی حوادث انتخابات سال ۸۸ و پس از آن، این نهادها بودند و هستند که حضور آنها همچنان ادامه دارد و فضای امنیتی سنگینی را بر کشور مستولی و سایه افکن کرده اند. این دخالت تنها به حوزه سیاسی محدود نمی شود بلکه بخش عمده اقتصادی کشور نیز امروز در انحصار این نهادهاست. همچنین دستگاه قضا و قاضی که طبق قانون اساسی باید مستقل باشد هم تحت سلطه بی چون و چرای دستگاه نظامی و امنیتی است و احکام بی سابقه و سنگین دیگته شده توسط این نهادها به وسیله این نهادها به امضای قضات مشخص تعیین شده به وسیله آنها می رسد. آرای صادر شده به وسیله این دادگاهها پس از انتخابات سال ۸۸ آنچنان سنگین و از نظر حقوقی بی پایه و بدون مناسبت که در صورت مقایسه با احکام دادگاههای نظامی زمان شاه باعث روسفیدی آن دادگاهها خواهد شد. این اقدامات طبعا قضات سالم و خدمتگزار دستگاه قضایی را نیز بدنام می کند و دردناک تر اینکه این احکام ظالمانه به نام دین و قضاوت اسلامی صادر می شود و ظلم مضاعفی را بر اسلام تحمیل می کند.

ادامه در صفحه ۲

کلمه
WWW.KALEME.COM

بیانیه مهم ۳۶ زندانی سیاسی درباره انتخابات آینده مجلس

ادامه از صفحه ۱ :

بدون تردید تا زمانی که دخالت این نهادها در انتخابات ادامه داشته باشد هرگز نمی توان انتظار برگزاری انتخابات آزاد و سالم و صیانت از آرای واقعی مردم را در کشور داشت.

۳ – در آستانه شروع فرآیند انتخابات مجلس واقعیت های امروز جامعه، عبارت اند از:

– رهبران جناح منتقد حاکمیت یا در زندان خانگی و تحت شدیدترین کنترل ها و محدودیت ها هستند یا در بیرون زندان، از هرگونه حقی برای فعالیت محروم اند.

– فعالان و کنش گران سیاسی به طور بی سابقه ای در زندان به سر می برند.

– سایه سنگین شرایط امنیتی و دخالت نهادها و نیروهای امنیتی در همه جا سایه افکنده است، به طوری که اجازه یک اجتماع کوچک نیز داده نمی شود.

– از هرگونه فعالیت احزاب سیاسی جلوگیری می شود.

– سانسور شدید بر مطبوعات حاکم است به طوری که حتی حق نام بردن یا چاپ خبر و عکس نخست وزیر سابق و رییس مجلس و رییس جمهوری سابق کشور را نیز ندارند.

– از ازادی بیان، تجمع ها و راهپیمایی برای منتقدان جز آرزویی باقی نمانده است. بدون رفع این محدودیت ها و ممنوعیت ها و موارد مشابه آن به هیچ وجه عقل سلیم نمی پذیرد که انتخابات پیش رو واجد حداقل های یک انتخابات سالم و آزاد خواهد بود و نمی توان باور کرد که حاکمیت فعلی از رویه قبلی خود خارج شده و قصد برگزاری انتخاباتی سالم و آزاد را دارد.

۴ – خواسته اصلی جنبش سبز همواره تحقق حاکمیت بی چون و چرای ملت و حق مسلم آنها برای داشتن انتخاباتی کاملا آزاد و سالم و وظیفه و تعهد حاکمان به برگزاری چنین انتخاباتی بوده و هست. اعتراض های پس از انتخابات ۸۸ نیز به دلیل عدم پای بندی حاکمیت به عهد و میثاق ها و تعهدات خود و خدشه دار کردن آن انتخابات بود.

> از وقوع مفاسد اخیر نباید متعجب بود زیرا دولتی که امانتدار رای مردم نباشد و در انتخابات با رای مردم آنچنان بازی کند، طبعا امانتدار سرمایه های معنوی و مادی مردم هم نمی تواند باشد

امروز نیز باید به این اصل توجه داشت که راه منطقی هرگونه اصلاح در وضعیت فعلی کشور پافشاری بر انتخابات آزاد و سالم و تحقق شعارهای اصلی انقلاب: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، و پیشرفت و حاکمیت ملی است.

انتخابات آزاد نیز متحقق نمی شود مگر اینکه شرایط برگزاری آن را مسئولین فعلی جمهوری اسلامی محقق کنند. حداقل این شرایط، آزادی رهبران جنبش سبز آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد و همچنین تحقق شرایط مطرح شده از سوی رییس جمهوری سابق، آقای سید محمد خاتمی، و نیز پایان دادن به فضای امنیتی کشور است.

متاسفانه تاکنون هیچ علامتی دال بر اینکه حاکمیت قصد پذیرش موارد یاد شده و برگزاری انتخاباتی قابل قبول را دارد، مشاهده نمی شود. ما امیدواریم این روند تغییر کند ولی در صورت تداوم این روند ناسالم همه دلسوزان کشور و علاقمندان به حاکمیت مردم باید به این نکته توجه داشته باشند که حاکمان فعلی و به خصوص نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ممکن است که برخی از چهره ها و افراد را به شیوه های مختلف تحت فشار قرار دهند که در انتخابات نامزد شوند و تلاش کنند در طیف گسترده جنبش سبز و اصلاح طلبی تفرقه ایجاد کنند و تا آنجا که می توانند افرادی را به عنوان «اصلاح طلب خودی» به سمت خود جلب کنند تا سناریوی انتخابات نمایشی خود را تکمیل کنند و اقلیتی کوچک را در مجلس آینده شکل دهند.

اما صلاح جنبش سبز و جریان اصلاح طلب در این است که در صورت برگزاری انتخابات سالم و آزاد به طور یکپارچه از آن استقبال کنند و در صورت ناسالم بودن آن انسجام خود را حفظ کرده، علی رغم فشارهای مختلف احتمالی همگی مراقب باشند و وحدت و یکپارچگی فعلی خود را مخدوش نکنند و با داشتن برنامه ای منسجم و واحد، اجازه ندهند که تبدیل به عامل مشروعیت بخش انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی شوند.

۵ – علاقه مندان و حامیان جنبش سبز در سطوح مختلف جامعه به خوبی می دانند که انتخابات آتی و نحوه مواجهه با این رویداد سیاسی در هرحال گامی است در جهت هدف نهایی این جنبش که همانا تحقق حق انتخاب آزاد شهروندان در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی است. جنبش سبز پروژه ای قدرت طلبانه و محدود به یک طبقه یا قشر و جریان خاص نیست بلکه مسیر روشنی است که مقصد را در تضمین دمکراسی در ایران برای همیشه و همه دانسته، توسعه و رفاه را جز از این راه دست یافتنی نمی داند.

عرصه مبارزه سیاسی در جنبش سبز، جریان روزمره زندگی است، از این رو اتخاذ هر موضع سیاسی در قبال انتخابات آتی مجلس، متضمن این تاکتیک است که فعالان جنبش سبز، عرصه سیاسی را به فرصتی مغتنم برای طرح مطالبات خود و به ویژه تعیین شرایط یک انتخابات آزاد، سالم و موثر و تاکید بر حق مسلم مردم در برگزاری تجمع ها و بیان اعتراض های خویش بدل کنند. جنبش سبز آغازی انتخاباتی داشته و طبعا با توجه به عمق و گستره آن، سناریوهای امنیتی و اقتدارگرایانه برای اجرای نمایش های شکست خورده انتخاباتی را هرگز نخواهد پذیرفت.

۶ – در چنین شرایطی ما امضا کنندگان این بیانیه، یکبار دیگر از سر خیرخواهی به مسئولان جمهوری اسلامی در هر رده توصیه می کنیم به جای تکیه بر نهادها و نیروهای امنیتی و نظامی و قرار دادن آنها در برابر مردم، تکیه گاه خود را مردم که ولی نعمت این نظام و از نظر حقوقی، فوق حاکمیت هستند، قرار دهند و طریق تواضع، صداقت و اعتماد با آنها را در پیش گیرند و با اجرای بی تنازل قانون اساسی و حق حاکمیت ملی، انتخابات پیش روی مجلس را زمینه ای برای جبران مافات و برقراری تعاملی صحیح با ملت بدانند.

تحولات منطقه، تحولاتی عبرت آموز است. کشورهایی که سالهای طولانی استبداد متکی بر نیروهای نظامی و امنیتی را تجربه کرده بودند، در نهایت و علی رغم میل رهبرانشان در مقابل اراده ملت هایشان تسلیم شده و امروز به سمت دمکراسی و انتخابات آزاد حرکت کرده اند و نوید نظام های دمکراتیک را می دهند. در حالی که این تحولات، بشارت دهنده پایان دوران نظام های استبدادی در منطقه بوده، امروز روند حاکمیت در ایران جهتی کاملا معکوس یافته است.

> بدون تردید تا زمانی که دخالت این نهادها در انتخابات ادامه داشته باشد هرگز نمی توان انتظار برگزاری انتخابات آزاد و سالم و صیانت از آرای واقعی مردم را در کشور داشت.

همچنین این موضوع بسیار مهم را نیز نباید فراموش کرد که متاسفانه در عرصه خارجی هم در سطح منطقه ای و هم در سطح بین المللی، کشور ما هر روز با مضیقه و تهدیدهای جدید و بیشتری مواجه می شود که موارد اخیر آن بسیار خطیر و در حد بی سابقه ای نگران کننده است. مسئولان فعلی کشور که باید پاسخگوی شرایط و وضعیت امروز و پیامدهای فردای آن باشند، توجه کنند که تنها راه رفع تهدیدهای خارجی، اعتماد و تکیه بر مردم و برگزاری انتخاباتی آزاد و پرشور و با حضور واقعی و نه ادعایی همه اقشار و سلایق و گرایش های موجود جامعه است.

برگزاری انتخابات نمایشی و انحصارطلبانه و مهندسی شده و محروم ساختن بخش عظیم مردم از رقم زدن سرنوشت خود، حاصلی جز ویران کردن پایه های مردم سالاری و مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی و هموار کردن راه به روی تهدید کنندگان خارجی و آسیب پذیر ساختن کشور در بر ندارد. انتخابات نمایشی، حتی اگر همچون نمایش انتخاباتی صدام ادعای حضور ۹۹ درصدی مردم را نیز به یدک بکشد، هرگز رافع و بازدارنده تهدیدات خارجی نخواهد بود و نمی تواند بدیلی برای انتخابات آزاد باشد.

> اما متاسفانه در کشور ما، مدتهاست با دخالت های آشکار حکومت و به ویژه نهادهای امنیتی و نظامی، انتخابات به یک صحنه آرایی نمایشی و مجلس برآمده از آن به مجلسی فرمایشی تبدیل شده است، مجلسی که حتی برای دفاع از حقوق خود و پیگیری اجرای مصوبات خود نیز ناتوان است و بارها و بارها از طرف دولت و رییس آن مورد تحقیر قرار می گیرد و در .مقابل تعدیات به حقوق موکلانش دم برنمی آورد

ما امضا کنندگان این نامه تاکید می کنیم که نگران سرنوشت آینده کشور به ویژه ملت مظلومی هستیم که اهداف و دستاوردهای انقلاب عظیم ۵۷ را از دست رفته و کشورش را در معرض تهدیدهای بی سابقه می بینند. ما ضمن هشدار در مورد عواقب روند جاری، با توکل و استمداد از خداوند متعال امیدواریم این آخرین فرصت بازگشت و اصلاح، مغتنم شمرده شود.

اسامی امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا

بهمن احمدی امویی
حسن اسدی زید آبادی
جواد امام
مسعود باستانی
عماد بهاور
علیرضا بهشتی شیرازی
مصطفی تاج زاده
علی جمالی
امیر خرم
بابک داشاب
محمد داوری
مجید دری
امیر خسرو دلیرثانی
علیرضا رجایی
عبدالله رمضان زاده
عیسی سحرخیز
داود سلیمانی
محمد سیف زاده
قاسم شعله سعدی
اسماعیل صحابه
کیوان صمیمی
فریدون صیدی راد
فیض الله عرب سرخی
محمد فرید طاهری قزوینی
مهدی فروزنده پور
سیامک قادری
ابوالفضل قدیانی
محسن محققی
مهدی محمودیان
محمدجواد مظفر
محمدرضا معتمدنیا
علی ملیحی
عبدالله مومنی
محسن میردامادی
بهزاد نبوی
ضیا نبوی

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۶ ، چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

برادران بسیجی من! کدام عیب و کاستی در آرزوهای امام برای بسیج وجود داشت که از آنها کناره گرفته شود؟ و چرا باید چهره‌ای که با زحمات گذشتگان شما پدید آمد به کدورت‌ها آلوده گردد؟

میرحسین موسوی - بیانیه شماره ۱۵ درباره بسیج مستضعفان

سر مقاله

درس های فشرده برای همراهان جنبش سبز

سید کاظم قمی–حوادث منطقه، دوره درسهای فشرده ای برای همه همراهان جنبش سبز است تا راه خویش را از میان تجربیات دیگران وصدالبته تجربه‌ی خویش، بیابند. موضوع مشترک این کلاس این است که قدرت حاکمان چیزی جز امری ثانویه و فرعی نیست و سرچشمه و عامل مؤثرمردم هستند.طنین صدای مردم چه در ایران باشدچه تونس و.. گویای شورشی است از سر خستگی از امید بستن به فرمانروایانی که با شعارهای فریبنده بزرگترین سرمایه‌ی آنها یعنی عمرشان را به تباهی کشانده اند.آنچه برای میهن ما متصور است نیز می تواند به احتمالاتی گوناگون منجر شود. گذشته از این که به لحاظ اجماع بین المللی بر علیه ایران در بدترین شرایط عمر نظام قرار داریم، اینروزها شاهد شوخی تلخ بازگشت به استبداد نیز هستیم. کاربرد ناحق زور همیشه راهی است برای نادیده گرفتن آزادی. آنچه با آن مواجهیم یک بحران یا شاید فروپاشی مدیریتی صرف نیست،بحران قانونمداری است.صدای پای گام هایی که این روزها در راه تغییر قانون اساسی به گوش می رسد نه در راستای احقاق حقوق حقه‌ی مردم که به منظور باز شدن دست خودکامگانی است که در مقابل مردم پاسخگو نیستند و خود را فراتر از همان قانونی که حکمرانی شان را مشروعیت بخشیده می دانند. جای شگفتی نیست، چون از تغییر قانون در فضایی که قلم ها شکسته و دهانها بسته است، بیش از این نمی توان انتظار داشت.شرایط امروزنشان از این دارد اقتدارحکومتی که در ابتدای انقلاب نهادینه شد تا از آزادی پاسداری کند و کشور را تعالی بخشد،سرانجام در جباریتی کم نظیر و نخوتی جاهلانه در حال فروپاشیدن است.اگر بخواهیم آزادی خود را حفظ کنیم، باید اطمینان یابیم در نظام سیاسی زندگی می کنیم که در آن هیچ عنصری از قدرت که مبتنی بر صلاحدید فردی عمل کند یافت نمی شود تا در نتیجه‌ی آن حقوق ملت به حسن نیت یا سوء نیت فرمانروا یا هر کارگزار دولتی دیگر وابسته باشد. این اطمینان از طریق انهدام یکباره نظام سیاسی، بویژه بر اثر دخالت بیگانگان حاصل نمی شود. از اینرو آگاهی بخشی همواره در صدر فهرست فعالیتهای همراهان جنبش سبز می نشیند و راه تغییر راهی است که صبوری و درایت رهروانشان را می طلبد.

حمله نیروهای امنیتی به دفتر کار میرحسین موسوی

نیروهای امنیتی دفتر کار سابق میرحسین موسوی را مورد هجوم قرار دادند.

به گزارش کلمه،ماموران پس از حمله به محل دفتر سابق مهندس میرحسین موسوی واقع در یکی از کوچه‌های فرعی روبه‌روی موزه هنرهای معاصر، بخشی از وسایل این دفتر را خارج کرده‌اند.نیروهای امنیتی علاوه بر تعدادی کامپیوتر موجود، برخی دیگر از کتاب‌ها و وسایل شخصی موجود در این دفتر را هم با خود برده‌اند.

این اقدام عجیب و غیر قانونی در شرایطی اتفاق افتاده که ماهها از بازداشت غیر قانونی میرحسین و همسرش می گذرد و مسئولان برای این حبس آشکارا غیر قانونی که از سوی مراجع تقلید، غیر شرعی هم توصیف شده، حتی ظواهر قانونی کار را هم رعایت نکرده‌اند.

همچنین حمله‌ی ماموران به دفتر کار سابق میرحسین در حالی صورت می گیرد که فرزندان او همچنان از ملاقات با پدر و مادرشان محروم‌اند و فشارهای امنیتی بر این دو و فرزندانشان از تمام هشت ماه گذشته بیشتر شده و روز به روز بر ابعاد فشارها افزوده می‌شود.

به نظر می‌رسد تحولات جدید و افزایش فشارها بر میرحسین و خانواده‌اش، با مشکلات داخلی حاکمیت و اوج‌گیری دعواهای داخلی ناشی از مشخص شدن نتایج ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌ها، مرتبط باشد. همچنین بعید نیست که این فشارها در راستای مقدمه‌چینی برای فضاسازی‌های رسانه‌ای جدید و پروژه‌های امنیتی جنگ روانی با هدف تحت‌الشعاع قرار دادن رسوایی اختلاس‌های اخیر و نیز غبارآلود کردن فضای کشور باشد.

اقتدارگرایان از مواضع سبزها و اصلاح طلبان عصبانی اند

اسماعیل گرامی مقدم در گفت و گو با کلمه ضمن اعلام موضع دوباره اصلاح طلبان و رهبران جنبش سبز که هرگونه مداخله خارجی را برخلاف امنیت ملی، استقلال کشور و خواستهای برحق مردم ایران برای دمکراسی خواهی می دانند،عصبانیت اقتدارگرایان را از این مواضع مورد اشاره قرار داد و گفت:گویی این جریانات اقتدارگرا بی میل نیستند حیات خود را به یک رویارویی نظامی پیوند بزنند.

مشاور مهدی کروبی گفت:نوعی اشتراک نظر و هماهنگی بین تندروهای اقتدارگر و کسانی که از مداخله نظامی بیگانگان استقبال می کنند وجود دارد.

او با بیان اینکه هرگز نشنیده و مشاهده نکرده آقای کروبی حتی بعد از اتفاقات سال ۸۸ قائل به بهره گیری ازحمایت خارجی بوده باشند،هدف دو رهبر جنبش را اصلاح امور در درون جمهوری اسلامی دانست و گفت:آقایان موسوی و کروبی اعلام کردند با اتکا به حمایت مردم خواهان اصلاحات هستند.

گرامی مقدم با ذکر اینکه زمان آن گذشته بگوییم چهار دیواری اختیاری، افزود:نهادها و سازمان های بین المللی که برای خود وظایفی در جهت حفظ حقوق بشر قائل اند، وقتی سرکوب معترضین به نتایج یک انتخابات، مسدود شدن فضای سیاسی،بازداشت روزنامه نگاران و فعالان سیاسی را مشاهده می کنند،وظیفه خود می دانند با ابزارهایی که مجامع بین المللی در اختیار آنها قرار می دهد، از حقوق اجحاف شده هرملیتی دفاع نمایند.

او در ادامه شروط محمد خاتمی برای انتخابات را لوازم و ابزارضروری حضور در یک انتخابات سالم دانست و افزود:اگر اصلاح طلبان بدون دستیابی به این حداقل های شروط خود در انتخابات حضور پیدا کنند، از پیش بازنده این انتخابات خواهند بود.

چون ضمن عقب نشینی از مواضع انتخابات سال ۸۸ قادر نخواهند بود دستاوردی برای حامیان خود در میان مردم داشته باشند.

مشاور مهدی کروبی با اظهار تاسف از اینکه دست اندرکاران حکومتی تصمیم دارند یک انتخابات فرمایشی و کنترل شده را بدون حضور اصلاح طلبان برگزار کنند، نتیجه برگزاری انتخابات فرمایشی و بدون تحقق شروط اعلام شده از سوی اصلاح طلبان را سلب مشروعیت از انتخابات دانست و گفت:بازتاب چنین انتخاباتی در محافل بین المللی برای جمهوری اسلامی بسیار پر هزینه خواهد بود.

به گفته او در صورت حضور نیافتن اصلاح طلبان در انتخابات، اصولگرایان سنتی و حامیان رهبری به خوبی می دانند جریان دولت از تجربه مهندسی انتخابات قبلی استفاده خواهد کرد و مجلس را به دست می گیرد.وی این احتمال را مطرح کرد که فشار بر رئیس دولت افزایش یابد و او تا پای سؤال و یا حتی عدم کفایت پیش برود؛ آنها نگران افشاگری های احمدی نژاد در صورت حذف او هستند و رئیس دولت نیز "پرونده های زیر بغل خود" را برگ های برنده ای برای جلوگیری از عدم کفایت، و نیز برای پیروزی در انتخابات مجلس نهم و همچنین پیروز شدن نامزد مورد علاقه خود در انتخابات ریاست جمهوری آینده می داند.

او در دفاع از عملکرد شورای هماهنگی راه سبز امید گفت:این شورا در اطلاع رسانی یعنی بازتاب دادن دیدگاه های داخل کشور خوب عمل کرده و با وجود موانع اطلاع رسانی که حکومت ایجاد کرده، توانسته اطلاع رسانی به بدنه خود را تداوم ببخشد. اما در برنامه ریزی برای فعال سازی جامعه، نقص وجود دارد و در صورتی می توان به نتیجه گیری از این شورا امید بست که بتواند با برنامه ریزی دقیق جنبش را سرزنده و پر انگیزه حفظ نماید.

به دلیل شرایط نامساعد حبس؛

مهدی کروبی مشکل تنفسی پیدا کرد

فرزند ارشد مهدی کروبی خبر داد پدرش به دلیل شرایط نامساعد حبس و عدم دسترسی به هوای آزاد در ۱۰۰ روز گذشته، به لحاظ تنفسی دچار مشکل شده است.

محمدتقی کروبی ضمن اعلام اینکه هم اکنون آقای کروبی از داروهای تجویز شده توسط پزشک وزارت اطلاعات استفاده می‌کند،افزوده است: آقای کروبی به محل جدید منتقل شده،اما نیروهای امنیتی اجازه ندادند خانم فاطمه کروبی در محل جدید با همسرش همراهی کند.

به گفته او،ماموران اصرار دارند حبس آقای کروبی به صورت انفرادی ادامه یابد.این در حالی که پیش‌تر بهانه شرایط خانه و نبود جا برای حضور فاطمه کروبی را مطرح کرده بودند.

او اشاره کرده مهدی کروبی همچنان از حقوق ابتدایی یک زندانی نظیر حق دسترسی به روزنامه، ملاقات منظم با نزدیکان، تلفن و ... محروم است و بعد از انتقال هم تنها در محدوده آپارتمان مجاز به هواخوری است و اجازه بیرون رفتن ندارد.اما بر خلاف ورود آسیب های جسمی، روحیه آقای کروبی نسبت به مسیر انتخاب شده و عهد خود با مردم بسیار عالی و کم نظیر است.

محرومیت از حبس در منزل خود و تحمیل مکان دیگر به خانواده و تلاش در جهت تنها نگاه داشتن کروبی نگرانی خانواده را دوچندان کرده تاخطاب به حاکمیت اعلام نماید:دایره و قلمرو این حصر ابداعی که ابعاد مختلف آن در تاریخ این کشور ماندگار خواهد شد را سریعتر مشخص کند.

محرومیت زندانیان سیاسی از ملاقات تداوم دارد

بار دیگرهمه زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین از ملاقات هفتگی با خانواده شان محروم شدند.

مسوولان زندان اوین باز به بهانه همزمانی عید قربان با روز ملاقات زندانیان سیاسی و تعطیلی رسمی همه زندانیان سیاسی را از ملاقات هفتگی محروم کردند.زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین دوشنبه هر هفته برای۲۰دقیقه و آنهم بصورت کابینی با خانواده شان ملاقات می کنند.خانواده های زندانیان سیاسی بارها به وضعیت ناعادلانه اعتراض کرده اما مسوولان قضایی و به خصوص دادستان تهران به این اعتراض ها توجهی نشان ندادند. از آنجایی که تلفن های بند ۳۵۰ زندان اوین هم قطع است، زندانیان با این روند برای دو هفته کامل از خانواده شان بی خبر هستند.

برخی از خانواده زندانیان سیاسی می پرسند:آیا بیمارستانها در روزهای تعطیل ملاقات بیماران را لغو می کنند که مسوولان زندان به خود اجازه می دهند هرگونه مایلند با زندانی سیاسی و خانواده اش رفتار کنند؟ آنها تاکید می کنند حق ملاقات بیست دقیقه ای خانواده ها با زندانی شان به بهانه های گوناگون از زندانی و خانواده اش گرفته می شود، بدون اینکه توضیح قانع کننده ای داده شود. همانطور که حق تماس تلفنی و ملاقات حضوری به صورت غیر قانونی گرفته می شود.

اخبار کوتاه

* آریا آرام نژاد هنرمند جوان و آهنگ‌ساز نام‌آشنای هوادار جنبش سبز که پس از عاشورای ۱۳۸۸ ترانه‌ای با عنوان «علی برخیز» منتشر کرد،توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.

* جمع کثیری از روشنفکران، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و فعالان سیاسی خارج از کشور که اکثر آنها از جمله مخالفان یا منتقدان نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، با امضای بیانیه‌ای ضمن انتقاد از رفتار مسئولان جمهوری اسلامی، کشورهای غربی و اسرائیل را از حمله به ایران برحذر داشتند.

* علی رزاقی از فعالان سیاسی اصلاح طلب مشهد، بعد از احضار به دادگاه انقلاب، دستگیر و به بازداشتگاه منتقل شده است.

* مهران فرجی، روزنامه نگار به شش ماه حبس تعزیری و شش ماه حبس تعلیقی محکوم شد.

* محمد حبیبا، دبیر انجمن اسلامی دانشکده مکانیک دانشگاه تهران، در پی حمله نیروهای امنیتی به منزلش بازداشت شد.

* نیروهای امنیتی از برگزاری نماز عید قربان اهل سنت در برخی کلان شهرهای کشور، جلوگیری کردند.

* سید محمد خاتمی طی تماس تلفنی با مهسا امرآبادی، سالگرد ازدواج او و مسعود باستانی را تبریک گفت.

* علی اخوان، فعال کارگری، برای گذراندن محکومیت یک سال و نیم حبس تعزیری به زندان احضار شد.

* مجتبی زندی، از شهروندان معترض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری هفته گذشته پس از دریافت احضاریه برای اجرای حکم، به بند ۳۵۰ زندان اوین رفت.

* روزبه تهرانی از فعالین بازداشتی وقایع پس از انتخابات پس از آزادی از زندان علاوه بر محرومیت شغلی به تازگی از حق تحصیل نیز محروم شده است.

* مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی لرستان گفت: در حال حاضر ۸۸۶ روستای لرستان آب آشامیدنی ندارند که از این تعداد ۱۰ روستا بالای ۲۰ خانوار هستند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۷ ، دو شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

بسیجی که امام می‌خواست در مقابل ملت قرار نمی‌گرفت، بلکه در کنار مردم و پشت‌سر آنان بود؛ بسیجی که فراتر از جناح‌ها عمل کند و بازوان بلندش همه اقشار را در بر بگیرد؛ بسیجی که از دوستی مردم لذت ببرد؛ بسیجی که به دنبال رفاقت و محبت و یگانگی مردم باشد؛

بیانیه شماره ۱۵ میرحسین درباره بسیج مستضعفان

سر مقاله

شرح حرامیان و دزدان سرِ گردنه اطلاعات و سپاه به رهبری

محمد نوری زاد: دریغ ! شما وخانواده از آنرو که در محافظت شدید قوای امنیتی به سرمی برید از برکات برادران سپاه و سربازان گمنام امام زمان برخوردار نیستید تا خصوصی ترین رفتار شما را آنگاه که دستی به سرهمسر خویش می کشیدیا چیزی می خورید و چیزی دود می کنید همانها را فیلم کنند و برای رسیدن به حاجت سخیفشان، شما را به انتشار آن فیلم ها تهدید کنند.یا شما درهمان خانه ساده خود خیالتان از فرزندانتان آسوده است صبح اگر بیرون می روند،حتما شامگاه به خانه باز می گردند مثلا درمیانه ی راه، همسر و دخترجوان شما را به زندان اوین فرا نمی خوانند تا پنج ساعت تمام خصوصی ترین مسائل خانوادگی را با همسرشما و مسائل رختخوابی را با دختر شما درمیان بگذارند.درست همان کاری که سربازان گمنام امام زمان و برادران سپاهی با همسرمن و با دخترجوان من کرده اند.دستور فرمایید گفتگوی ضبط شده بازجوی هیولای مرا با دختر جوانم برای شما پخش کنند تا خود با دو گوش مبارکتان سخنان این هیولای جنسی و روانی را بشنوید تا به نمونه ای از برکاتِ جاری امثال او وقوف یابید.

دزدان اطلاعات و دزدانِ سپاه، دردو وجهِ همجوار قابل تعریفند.وقتی می گوییم:دزدان بانک یا دزدان اتومبیل، کنایه از آن قسم دزدانی داریم که در ربودن پول های بانک یا سرقت اتومبیل متبحرند. در دزدان اطلاعات و دزدان سپاه، قَصدِ نخستِ من اشاره به دزدانی است که اطلاعات و سپاه کشورمان را زیر بغل زده و دزدیده اند. وگرنه با اعتنا به مختصاتی که ما از اطلاعات و سپاه در نظام دینیِ خویش تعریف کرده ایم، این دو، سراپا درستی و هوشمندی و دوراندیشی و سرشار از خصلت های ناب انسانی و ایمانی اند و نمی توانند و نباید به انواع زشتی ها آلوده باشند و دست به غارتِ حیثیت و اموال مردم ببرند.پس حتماجماعتی، چه از بیرون و چه از داخل، این دو دستگاه شایسته را دزدیده اند و آنها را به ریخت مطلوب خود آراسته اند.مثل کاری که احمدی نژاد با جنازه وزارت اطلاعات کرد و برای روزهای مبادای خود اسناد و مدارکِ دلخواه را یکجا به جای امن بُرد.احمدی نژاد تاریخ مصرف داشت.میدانست باید ازماموریت تکرار نشدنی بار میبست و گودال شخصیت متزلزلش را با کیسه های بی زبان پولِ مردم پُر می کرد. کیسه هایی که می توانست به قَدَرقدرتی اومنجر شود.اسناد به غارت رفته از وزارت اطلاعات، گردنِ احمدی نژاد را دربزنگاه مرگ،از زیر تیغه ی گیوتین به در بُرد.برگ های برنده در دست اوست. او علیه هرکس که شما از او اسم ببرید سند دارد. از رییس مجلس و خاندان او گرفته تا جنابان رضایی و قالیباف و یک به یک نمایندگان آلوده ی مجلس و آیت الله های صاحب نام و آقا زادگان خوش بر و روی و سرشناس.

برای احمدی نژاد، قدرو قیمتِ اسرار و اسناد برداشته شده از وزارت اطلاعات همسنگ تریلیاردها پول و فرصتی است که این مدت بالا کشیده اند.اکنون او با اسناد ربوده شده انگشت صغیر و کبیر را به زیر پتکِ زیرکی خود برده که"اگر بنا بر غرق شدن من است، چرا همگی با هم غرقَ نشویم؟"

این کلاه گشاد،آنزمان به سر وزارت اطلاعات رفت که با لذت و کیفوری مستغرقِ شنودِ مکالماتِ خصوصیِ مردم بوده و خط قرمزهای امنیتی را تا حدّ مسخره شرکتِ چند جوان در یکِ مجلس دعای کمیل تنزل داده بودند.

تجسم اینکه ماموران اطلاعاتی و سپاهی یک نظام شیعی،مانند دزدان و نابکاران به حریم خصوصی مردم سرفرو برده باشند وخصوصی ترین مکالمات روزمره خانواده ها را شنود و سند کنند و از لذت استماع مستمرصحبتِ یک مرد با همسرش یا دو نفر که هفت پشت با هم غریبه اند، در پوست نگنجند، وتجسم این که همینان اموال بی زبان مردم را بدزدند و برای اقرار گرفتن از یک متهم، او را با ناسزاهای رکیک و چندش آور بنوازند و خود متهم را با شیوه های تلخ و ناگفتنی بزنند و شکنجه کنند، و بالاتر از همه ی اینها، آدم بکشند تجسم یک چنین دنائت آشکار، ناممکنی است که در این دیارِ فلک زده، امکان و مظهریت یافته است.

...

دزدان اطلاعات و دزدان سپاه، آنسوتر از دزدی های تریلیاردی شان، از اموالِ معمولِ مردمی که به اسم متهم بازداشتشان می کنند نیز چشم برنمی گردانند.

ماموران اطلاعات و سپاه که رفت و آمدها و تلفن های من و خانواده ام را شنود کرده ومی دانند: بعد از انتشار نامه ی نهم درمحله جماران رابطِ ایرانیِ یکی از کمپانی های معروف و شناخته شده فیلمسازی آمریکا با من ملاقات کرد و مبلغ پنج میلیون دلار برای فیلم "محرمانه برای رهبرم" و مبلغ پانصد هزار دلار برای فیلمنامه اش پیشنهاد داد که به او گفتم: من این فیلم را به نیت رهبرم ساخته ام و جز به او به احدالناسی نخواهم داد".

این فیلم را با نامه ها برای شما ارسال می کنم تا بدانید هیولاهای وزارت اطلاعات و سپاه تا کجاهای مرز حیوانیّت پیش می دوند، و همزمان همه فضاحت های جاریِ خود را به اسم خودِ شما، آری به اسم خود شما سکه می زنند.

دریغ شما را از طعم زندگی ما نصیبی نیست.شما در رختخواب ودرکنار همسرتان غنوده اید با این احساس که برادران گمنام و سپاهی ما به شما زل زده اند.راستی می فرمایید با ظهوراین انقلاب به سمت کدامین مقصود خیز برداشته بودیم؟

وجه سوم دزدی آنها دزدی اعتماد و باور و اعتقاد مردم است.نه اعتماد ونه آن اسلام جِرواجِرنگون بخت را می توان به جایگاه اولیه باز بُرد.

چرا حاکمیت صدای میرحسین را خاموش می خواست؟

واگویه موسوی از آرمانهای یک انقلاب مردمی

موسوی چه می گفت که حصر تنها راهکار حاکمیت برای خاموشی اش شد؟ مگر واگویی شعارها و آرمانهای انقلاب اسلامی»جرم»بود که سزایش دیوار بود و حبس؟ چه شد که کلام نخست وزیر بحرانی ترین روزهای این مرز و بوم آنچنان بر»نظام!» گران آمد که چاره ندید جز نرساندن این پیام؟ عصاره این پیامها و بیانیه ها چه بود که حاکمیت را به تنگ آورده بود؟

میر دربند تنها روایتگر سالهایی بود که »دوران طلایی» می خواندش. همان سالها که باعث طعنه و کنایه برخی‌ها شده در فراسوی مرزها. دوره ای که موسوی داستانش را می گوید برای نسل سومی ها آنقدر بیگانه است که به افسانه می ماند.

موسوی هرچند خود را «بلیغ» نمی داند در این واگویی آرمانها ولی باور دارد که "پیام اصیل انقلاب"آنچنان دلنشین بوده است برای این نسل سومی ها که آنها را باز به هیجان آورد و صحنه های سه دهه پیش را بازسازی کرد.

موسوی برای نسلی که دست پرورده دستگاه آموزشی و تبلیغات حاکمیت کنونی بوده تنها داستان آرمانی را می گفت که»کرامت انسانها»را به ارمغان آورده بود.

موسوی بود که نیک می دانست دستاورد یک انتخابات مهندسی شده چه کسانی را خشنود می کند "یک دسته آنان که از ابتدای انقلاب در مقابل امام صف‌آرایی کردند و حکومت اسلامی را همان استبداد صالحان دانستند" همانها که عرصه بر مردم تنگ کرده اند و»به گمان باطل خود می‌خواهند مردم را به زور به بهشت ببرند»و دسته دیگر که سه دهه است در بزنگاه این ملت کمین کرده تا»با ادعای دفاع از حقوق مردم »دیانت و اسلام را مانع تحقق جمهوریت بدانند و فاتحه دین را بخوانند.

میر در بند چون از "هنر شگرف امام" در باطل کردن»سحر دوگانه انگاری‌های» اسلامیت و جمهوریت مطلع بود باید به حصر می رفت چرا که می خواست با تکیه بر راه او تلاش ساحران را خنثی کند.

مهندس معماری که «طراحی اسلامی» را در دنیای مدرن در ساختمانهای شهرمان برای جهانیان به تصویر کشیده و حسینه ارشادش شده بود سمبل "اسلام رحمانی" از طاغوت تا ولایت، در کلامش این بار آمده بود تا بگوید طعم شیرین آن »حیات طیبه» چه بود که سرمایه های عظیمی از جان و مال و آبرو در پای تحکیم آن گذاشته شد.

او که به یاد داشت جماعتی را که»عرضه اداره کردن یک نانوایی»را ندارند آمده بود تا بیاد آورد هشدارها درباره این جماعت که بر همه مسندهای قدرت اینک سوار شده و»قلب آرمان»می کنند و پوستین وارونه به تن »جمهوری اسلامی».

اینک موسوی در میان ما نیست.ماهاست جزچند پیام کوتاه امیدبخش، چیز دیگری از او شنیده نشده اما آنچه موسوی در بحبوحه آتش و خون نوشت آنقدر حکیمانه است که می تواند نقشه راه سبزها برای این»مسیر زندگی جدید» باشد.

و این ملت بار دیگر پرچم آرمانهای بلند انقلاب را از کذابان خواهد ستاد و به وارثان صادقش خواهد سپرد.

الیس صبح بقریب؟

یک مقام نظامی از کودتای انتخاباتی پرده برداشت

عالی ترین مقام نظامی جمهوری اسلامی از برنامه جریان اقتدارگرا برای حضور یک اقلیت کنترل شده و بی تاثیر پرده برداشت و نه تنها ادعای فعالان جنبش سبز مبنی بر وقوع کودتای انتخاباتی و حاکمیت فضای نظامی امنیتی را تایید،بلکه تاثیرنمایندگان مجلس در اداره کشور را به منزله اختلال و از کار انداختن دولت توصیف کرد.

فیروزآبادی،رییس ستاد کل نیروهای مسلح با طرح چگونگی مهندسی و تکرار کودتای انتخاباتی در اسفند ماه، کمیت و کیفیت و سهم گروهها از کرسی نمایندگی را مطرح کرد و از»تلاش احتمالی برخی جریانات برای معرفی کاندیداهای گمنام»خبر داده و گفته حضور جناح‌های دیگر در مجلس به تعدادی که نتوانند اکثریت مجلس را مختل کنند یا دولت را از کار بیندازند برای مجلس مفید است.او در حالی از بلااشکال بودن حضور محدود و کنترل شده اصلاح طلبان در انتخابات سخن می گوید که شروط اصلاح طلبان برای ورود به انتخابات ازسوی محمد خاتمی مطرح و همواره بر آن تاکید شده که"تنها در صورت آزادی زندانیان سیاسی،پایان حصر رهبران جنبش،پایبندی همگان به قانون و فراهم شدن امکان برگزاری انتخابات سالم و آزاد"وارد عرصه رقابت های سیاسی می شوند.

سقوط ایران در رتبه بندی شاخص رفاه

براساس گزارش سازمان ملل،ایران با نزول ۵ پله‌ای در رتبه ۹۷ جهان از نظرشاخص رفاه قرار گرفت.این رتبه فقط از ۱۳ کشور روآندا، کامرون، اوگاندا، زامبیا، کنیا، موزامبیک، نیجریه، سودان، یمن، پاکستان، اتیوپی، زیمبابوه و جمهوری آفریقای مرکزی بالاتراست. درمنطقه نیز ایران با رتبه نهم جایگاه مناسبی ندارد.امارات با رتبه ۲۷ جهانی مقام اول منطقه را دارد و پس از آن کویت با رتبه ۳۵ وعربستان با رتبه ۴۹ در مقام دوم و سوم منطقه قرار گرفتند.اردن ۶۵، ترکیه ۷۵، سوریه ۸۱، لبنان ۸۲ و مصر با جایگاه جهانی ۸۹ بالاتر از ایران هستند.

ممانعت از برگزاری همایش هم اندیشی اصلاح طلبان

محمد علی غریبانی با شرح سنگ اندازی های صورت گرفته برای برگزاری همایش هم اندیشی اصلاح طلبان که قرار بود روز عید غدیر برگزار شود از منتفی شدن آن خبر داده و با انتقاد از تبعیض آشکار بین اصلاح طلبان و سایر گروه‌های سیاسی گفته است:آدم نمی‌داند این دررد را به کجا ببرد؟ به گفته او، علاوه بر به هدر رفتن زحمات چند ماهه خسارت مادی و معنوی نیز به شورا تحمیل شد.غریبانی تاکید کرد: در صورت امکان و تصویب مجدد شورای هماهنگی ممکن است همایش اصلی به زمان دیگری موکول شود.

با تیغ و درفش نمی توان چیزی را تحمیل کرد

سیدهادی خامنه ای دبیر کل مجمع نیروهای خط امام با تاسف از اینکه برای حذف جریان رقیب برچسب هایی به افراد و جریان‌ها زدند که مثلاً فلانی مجتهد است اما تقوا ندارد! پرسید:مگر شما تقواسنج دارید که تشخیص می دهید افراد تقوا ندارند؟

وی با تاکید برای و نظر مردم افزود:اگر روزی مردم چیزی را نخواست نمی توان برآنها تحمیل کرد؛نمیتوان گفت همه مردم اشتباه می کنید و به زور می خواهیم شما را بهشت ببریم.نیازی نیست با تیغ و داغ و درفش و زور چیزی را به جامعه تحمیل کنیم.

اخبار کوتاه

- علی نجاتی فعال کارگری برای گذراندن حکم حبس خود احضار شد.
- نمایندگان طیف های سیاسی تبریز با اکبرنژاد نماینده مجلس دیدارو از نطق او که خواستار پایان حصرغیرقانونی و غیر شرعی موسوی وکروبی شده تقدیر کردند.
- حدود ۳۰۰ کارگر بازنشسته یک شرکت نساجی در ایرانشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق بازنشستگی و مطالباتشان دست به تجمع زدند.
- حسین نجفی دانشجوی دانشگاه تبریز مقابل دانشگاه نیریز دستگیر شد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۸ ، چهار شنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

غدیر

دعا می کنیم دراین عید غدیر، همه ملت و مسئولان به سمت سیره علی(ع) هدایت و از دل به سمت جامعه روان شویم وگرنه همانطور که در روایات آمده یک جامعه ، حکومت و یا نظام با کفر باقی می ماند اما با ظلم باقی نخواهد ماند.

سر مقاله

اعتراض دوباره آیت الله العظمی دستغیب: حصر موسوی و کروبی مطابق کدام حکم خدا و قرآن و سنت است؟

آیت الله العظمی دستغیب در تازه ترین سخنان خود با اعتراض مجدد به حصر آقایان موسوی و کروبی،گفت:اینکه بعضی افراد صاحب منصب گفته اند اگر این دو در حبس باشند بهتر است، آیا این حکم خدا و قرآن و سنت است؟

ایشان،با بیان اینکه «ولایت فقیه اگر به معنای فوق قانون باشد،خود ناقض قانون است.» با خطاب قرار دادن جریان اقتدارگرا، راه دلجویی از مردم را آزادی موسوی و کروبی و دیگر زندانیان سیاسی، اعتماد به مردم ،بازگشت نیروهای نظامی به پادگان‌ها و ممانعت از دخالت نیروهای نظامی و امنیتی در جامعه،حذف نظارت استصوابی، کمک گرفتن از همه نخبگان، اجرای احکام اسلام و قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد دانست.

آیت‌الله دستغیب در دیدار با فرهنگیان شیراز تاکید کرد:جناب سید عزیز مهندس موسوی و حجۀ الاسلام و المسلمین کروبی،مگر چه مطلب خلافی گفته اند یا کرده اند که باید ماه ها در حصر باشند،مگر غیر از عمل به قانون چیز دیگری خواسته اند؟ این افراد که سالها برای این مملکت زحمت کشیده و امتحان خوبی داده اند و سختی زیادی به جان خریده اند،می شود گفت بدنبال براندازی و ایجادحکومت سکولار بوده اند؟

وی با تاکید مجدد بر تقلب در انتخابات و بیان اینکه معمول بوده یک روز پس از پایان رأی گیری نتیجه اعلام میشد،گفت:چطور شد ساعت دوازده شب که اکثریّت مردم پای صندوق های رأی بودند نتیجه انتخابات به نفع کاندیدای مورد نظرشان را در سایتهایشان اعلام کردند؟ مسئولین هستند که باید حافظ رأی مردم باشند، اما متأسّفانه مواظبت نکردند.

در بخش دیگر، نیز با یادآوری اینکه ائمه اطهار در طول حیات مبارکشان از دستورات الهی تخطی نکردند،افزود: اگر سخن از ولایت ائمه اطهاربه میان می آید بدان معنی نیست که این حضرات هر طورصلاح دانستند عمل کنند ولو که مخالف با قرآن باشد، بلکه آنها برخلاف قرآن و سنّت نه سخن گفته اند و نه رفتار کرده اند.در عصر غیبت هم وظیفه فقهاء عدول است که در حفظ و حراست از دستورات الهی و احکام شرع کمال اهتمام را بذل نمایند و نسبت به تخلّفات صورت گرفته از قرآن و سنّت هشدار دهند و مسلمانان نیز آنقدر رشد داشته باشند که در صورت تخلف علماء از قرآن و سنّت، تبعیّت ننمایند.

آیت الله دستغیب که سبب دین گریزی مردم را عمل آقایان صاحب منصب دانست،گفت:شانزده تخلف حاکمیّت از قرآن و سنت و قانون را به بزرگان متذکر شدم اما مثل اینکه برخی به مذاقشان خوش نیامده و بنده را سبب دین گریزی مردم می دانند.

او با این توضیح که قاضی باید مجتهد جامع الشرایط باشد، افزود:در کجای اسلام آمده اگر قاضی بخواهد حکم کند باید با تأیید نیروههای امنیّتی باشد،البته خود آقایان هم متوجه هستند که این حکم اسلام نیست.

اخبار کوتاه

❊ بابک داشاب محبوس در بند ۳۵۰ ازامضاء کنندگان بیانیه اخیر ۳۶ تن از زندانیان سیاسی مورد بازجویی مجدد قرار گرفت.

❊ مراسم جشن تولد محمدرضا رجبی، زندانی سیاسی و رزمنده هشت سال جنگ تحمیلی، در بند ۳۵۰ اوین برگزار شد.

❊ همزمان با بازداشت آریا آرام صفحه کمپین حمایت از هنرمندان سبز در فیس بوک ضمن انتشار بیانیه ای خواستار آزادی این هنرمند جوان شد. این بیانیه بصورت عمومی منتشر شده و به امضاء ۲۸۶ تن از فعالان سیاسی، اجتماعی و هنرمندان رسیده است.

❊ کارکنان هتل آزادی وابسته به بنیاد مستضعفان در اعتراض به کنارگذاشته شدن از کار تجمع کردند.

❊ خانواده محمد توسلی نخستین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از روز بازداش وی یعنی پنج شنبه ۱۲ آبان در بی خبری مطلق به سر می برند.در حال حاضر معلوم نیست که وی در کجا نگه داری می شود و در چه وضعیتی قرار دارد.

❊ وضعیت جسمی ابوالفضل قدیانی، حسین رونقی ملکی و معصوم فردیس زندانیان سیاسی محبوس در بند ۳۵۰ اوین نامساعد و بهداری زندان از درمان آنان عاجز است.به گفته زندانیان سیاسی بهداری اوین، اولین ایستگاه زندانیان بیمار، از ابتدایی ترین تجهیزات لازم برای رسیدگی به وضعیت این زندانیان بی بهره است.

مردم در انتخابات غیر آزاد شرکت نمی‌کنند، حتی اگر بزرگان بگویند

سید محمد خاتمی با بیان اینکه انتخابات ملک طلق هیچکس نیست و حق یکایک افراد ایران است، براین نکته تاکید کرد که مردم در انتخابات غیر آزاد شرکت نمی‌کنند، حتی اگر بزرگان و افراد مؤثر بگویند.

خاتمی بار دیگر خواستار آزادی زندانیان،برداشتن حصرها و باز شدن فضای کشور شد و گفت:مردم ما اینقدر بزرگوار و خوبند این جوانان ما که اینقدر رنج دیده اند اگر این فضا باز شود و به آینده امیدوار باشند دارای گذشت اند، در این صورت مملکت تضمین و تامین می شود. وی همچنین هشدار داد البته زمان به سرعت می گذرد و ممکن است فرصت ها از دست برود.

وی که در جمع جوانان اصلاح طلب آذربایجان سخن می گفت با اشاره به محدودیت های فراوان گروهها و تشکلها و احزاب که حتی اجازه برگزاری مجلس به مناسبت عید غدیر هم نمی دهند. گفت:اخیراً به جای آزادی زندانیان سخت گیری ها بیشتر شده.خیلی ها به زندان فراخوانده شده اند. احکام سخت تازه صادر می شود و حتی به خاطر یک بیانیه یا یک امضا با افراد برخورد می شود وخیلی ها مورد بازخواست قرار می گیرند و این فضا باید تغییر کند.

خاتمی گفت:امروز عمده مطالبه جوان کشور ما این است که آزادی ؛استقلال و پیشرفت و دموکراسی و مردم سالاری و عدالت اقتصادی به معنی تقویت زیر بنیه های علمی و اقتصادی جامعه و توزیع عادلانه ثروت در کشور مستقر شود.اگر آزادی ها به معنی درست کلمه باشد ما در جامعه فساد را کمتر خواهیم دید؛ امکانات کشور هدر نمی رود، فساد پدید نمی آید و اگر آمد کم هزینه تر و قاطع تر رفع می شود.

وی با اشاره به قدمت یکصد و پنجاه ساله اصلاح طلبی در ایران آن را یک جریان اجتماعی و نه یک تز و پروژه خواند و تصریح کرد:رهبر اصلاحات جان رشد یافته ملت و همه کسانی هستند که این خواست های تاریخی را درک کرده و پیگیری می کنند، بخصوص جوانان عزیز و رشید. در جریانات اخیر منطقه هم رهبر برجسته نمی بینید، اتفاقا جوانان جلودار هستند و جمع می شوند و برای خود حرف می زنند و صحبت می کنند و تصمیم می گیرند. بنده یک فرد کوچک از جریان اصلاحات هستم شما و دیگران هستید که باید کار کنید و به جلو برویم، بخصوص جوانان عزیز.

وی با اعلام اینکه جمهوری اسلامی و ملت از سه نقطه هسته ای، حقوق بشر و مساله ترور در معرض فشار است،با نگرانی از توطئه های خارجی و خطراتی که کشور را تهدید می کند، برگزاری انتخابات آزاد را بهترین راه تأمین امنیت کشور و گذر به آینده بهتر دانست وبا تصریح اینکه اگر روزی و روزگاری خارجی بخواهد بیاید و دخالتی انجام بدهد اصلاح طلب و غیر اصلاح طلب با آن مقابله خواهند کرد.

خاتمی با اشاره به این که ایران همیشه متهم به نقض حقوق بشر بوده،افزود:متاسفانه در داخل هم کارهایی می کنیم که لااقل این امر توجیه پذیر می شود.ولی امروز نماینده سازمان ملل آمده و گزارش داده به آنجا، این خطری است که مملکت را تهدید می کند.

خاتمی انتخابات را قلب مردم سالاری و اصل جمهوریت نظام دانست و درخصوص نظام پارلمانی گفت:در بحث پارلمانی یا ریاستی اصل این است آیا مردم سالاری هست یا نه؟ اگر باشد شکل آن مشکل ندارد و اگر نباشد هر کدام ممکن است مشکل داشته باشد دغدغه باید این باشد که چقدر رای مردم موثر است؟ چقدر مردم می توانند اظهار نظر کنند؟ چقدر اظهار نظر و رای آنها تاثیر گذار در سرنوشت جامعه است این مساله مهمی است. من معتقدم هنوز هم راه خوشبختی ملت، تقویت نظام و حاکمیت و البته برآوردن خواست های ملت برگزاری انتخابات آزاد و درست وخوب است.او افزود:بیایید به آینده نگاه کنیم هر کس در گذشته احساس می کند به او ستمی شده بگوید گذشتم. البته به شرط این که آینده روشن و آزادی برای همه تضمین شود.

پیام آیت الله صانعی به میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی

عید عدالت، حریت، زهد و تقوی را به ملت بزرگ ایران و به مؤمن متعهد بزرگوار جناب آقای مهندس میرحسین موسوی(دام عزه) و همسر فاضله ایشان، و حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی کروبی(دامت افاضاته) تبریک گفته و از خداوند قادر متعال می خواهم که مقدمات آزادی آنها و تمامی نخبگانی که خواسته ای جز حفظ اسلام، حاکمیت واقعی مردم بر سرنوشت خود که مورد تأکید امام امت (سلام الله علیه) بوده را نداشتند، فراهم آورد.

به گزارش کلمه، این مرجع تقلید در پیام خود با تاکید بر اینکه هدف جامعه علوی، برقراری امنیت و عدالت همه جانبه برای تمامی افراد و گروهها با هر نوع اعتقاد مذهبی و سیاسی است، ایجاد فضای نقد نسبت به همه صاحبان قدرت بدون هیچگونه ترس و واهمه ای برای همه مردم بالخصوص در محیط های حوزوی و دانشگاهی را از دیگر اهداف الگوگیران از حکومت کوتاه علی (ع) ذکر کرد.

وی با اعلام اینکه ملت ایران تذکرات و نقدهای منصفانه نخبگان و اندیشمندان خود را که الهام گرفته از حاکمیت امیرالمؤمنین است هیچگاه فراموش نمی نماید،گفت:ملت مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را ناشی از فرصت سوزی ها و قدرت افسار گسیخته و بی قید و بند افرادی می داند که خود را تابع هیچ ضابطه و معیار شرعی، عقلی و عرفی ندانسته و تنها تابع هواهای شیطانی، ظالمانه و اقتدارگرایانه خود می باشند.

آیت الله امجد: حاکم غیرمعصوم در معرض خطا و جهل و ستم گری است

آیت الله امجد،استاد اخلاق و عرفان با اعتقاد به اینکه حکومت دینی در عصر غیبت معصوم غیر ممکن است و فقط وقتی معصوم در راس کار است حکومت از ظلم و تعدی و اجحاف و فریب و نیرنگ و غدر و مکر و انواع رذائل مبراست،حاکم غیرمعصوم را در معرض خطا و جهل و ستم گری دانست.

این استاد اخلاق گفت: مردم باید در عصر غیبت معصوم خودشان بر همه امورشان حاکم باشند.در صحنه سیاست و تصمیم گیری عمومی حاضر و ناظر باشند و این ممکن نیست مگر با آزادی رسانه و آزادی اشخاص و نظارت مستمر عمومی بر همه اصحاب قدرت مردم خدمتگزاران و خادمان خودشان را انتخاب می کنند، عزل می کنند، نقد می کنند، نظارت می کنند و نظر می دهند.

آیت الله امجد تصریح کرد: یک جامعه خوب و عادلانه جامعه ای است که شجاعت محور باشد نه شجاعت ستان. اگر مردم را زبون کنیم، اگر افراد شجاع در جامعه خانه نشین شوند، تریبون نداشته باشند، حق نقد و اعتراض و مخالفت نداشته باشند آن جامعه، جامعه معاویه پسند است و با جامعه علی پسند هزاران سال فاصله دارد.

ما نمی توانیم علی گو و معاویه خو باشیم. جامعه علی پسند جامعه ای نیست که "عالمها ملجم و جاهلها مکرم" باشد.

عید غدیر مبارک

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۲۹ ، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پایاپای بسته شد؟

بیانیه ۱۸ میرحسین موسوی

سر مقاله

حبس موسوی و کروبی بدون ارایه هر گونه مستند قانونی است

محمدتقی کروبی – آقای اردشیر لاریجانی در مصاحبه اخیرش در آمریکا بار دیگر با توسل به دروغ سعی جاهلانه در فریب افکارجامعه بین المللی نسبت به وضعیت اسفبار حقوق بشردر کشور نمود.اگر دراظهارات مقامهای سیاسی کشور دقت کنیم به این واقعیت میرسیم دروغ نقطه ثقل گفتمان حاکمان فعلی است.با وجود ادعای حکومت دینی مبتنی بر شریعت، دروغ یک روش حکومتی در ارکان قدرت نهادینه شده است.در ارتباط با جناب لاریجانی هرازگاهی شاهد اهانتهای وقیحانه ایشان به دو عزیز در بند کروبی و موسوی،اصلاح طالبان و مردم معترض هستیم که لازم است یک رمزگشائی کوچک از مقاطع اظهارنظرهای مشارالیه صورت گیرد.هرگاه بخشی از پرونده های مالی ایشان از سوی رئیس دولت مستقر و یا نزدیکانش در پاسخ به اتهامات مشابه نسبت به اصحاب دولت مطرح می گردد،اوعجولانه با ترتیب دادن یک مصاحبه و در جهت تحکیم و تجدید هاله مصونیت به جای پاسخ به اتهامات وارده، مردم معترض و رهبران در بند را مورد نوازش قرار می دهد.

از ۹ ماه پیش بارها گفته ایم روش حبس پدر و مهندس موسوی بدعتی تاریخی در نظام حقوقی ایران است.هیچ مستند قانونی مبنی بر حصر که در عمل حبس است،ابلاغ نشده است.در یکی از ملاقاتها پدر تاکید کردند به آقایان گفته ام موظف به ابلاغ حکم، دستور و یا هر مبنای دیگری هستید.خواسته ای که تاکنون حتی به لحاظ شکلی اجابت نشده است.

اردیبهشت ماه با حضور یکی از مقامات ارشد امنیتی به ملاقات پدر و مادرم رفتم.سخن از روشن شدن مبنای حقوقی حصر و حبس کرده و پیشنهاد دادم با انتخاب وکیل این موضوع به لحاظ حقوقی در دستگاه قضائی پیگیری شود.مقام امنیتی گفتند دستگاه قضائی در این پرونده تصمیم گیر نیست که با وکیل پیگیری کنید.امروزه احکام دیکته شده در دادگاههای انقلاب به متهم یا خوانده دعوی یا وکیل او ابلاغ نمی گردد و در بسیاری موارد، متهم از مورد اتهام یا دلایل حکم بی اطلاع است. چگونه میتوان از دستگاهی که در حد ماشین امضا تنزل یافته انتظار تظلم خواهی داشت و اعتباری برایش قائل بود.

حصر رهبران جنبش سبز چالش اقتدارگرایان را بیشتر کرده است

مصطفی تاجزاده در گفت و گو با کلمه حصر موسوی و کروبی را با هدف ایجاد فاصله بین آنها و مردم دانست و گفت:گمان برده‌اند با حصرمی‌توانند با مطالبات جنبش و پویایی آن مقابله کنند،درحالیکه جنبش راهش را ادامه می‌دهد.

او ضمن اعلام اینکه با آزادی آنها فضا آرامتر و غیررادیکالترخواهد بود به چالشهای اقتدارگرایان پس از حصر رهبران سبز اشاره کرد و گفت: با حصر آقایان اختلاف اقتدارگرایان چنان اوج گرفته که اعتبار همه آنان به چالش کشیده شده است.

او با تاکید اینکه مردم منفعل و بی‌تفاوت نیستند،گفت:با همین اینترنت میتوان اجتماعات میلیونی برگزار کرد.

تاجزاده گفت:تلقی جناح اقتدارگرا از اصلاح‌طلبان و سبزها اینست می‌توانیم با کمترین زمان و امکانات،میلیون‌ها نفر را بسیج کنیم و می‌دانند درصورت رقابت آزاد،امکان پیروزی ما بسیار بالاست.او با بیان اینکه از اوضاع ناامید نیستم افزود:درمواجهه با موج سرخوردگی و تردیدهای جناح اقتدارگرا بخشی از مخاطبین ما می‌توانند اصولگراها باشند.

تاجزاده افزود:اکنون که اصولگراها چند شقه شده اختلافشان در سپاه نیز پخش می‌شود.البته بسیاری آنها فهمیدند این رفتارهاجواب نمی‌دهد و نمونه‌هایی شنیدم بعضی پرسنل سپاه و اطلاعات از اصلاح‌طلبان عذرخواهی کردند.

امیدکوکبی از درون زندان اوین: زندان برایم دانشگاه است

این نخبه زندانی و دانشجوی فوق دکترای فیزیک اتمی در دانشگاه تگزاس آمریکا،در مورد زندانی شدنش گفت:یک بارکه به ایران آمدم در فرودگاه دستگیرشدم گفتند حکمتان اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی کشور است،اما بعد به ارتباط با دول متخاصم تبدیل شد.ولی کل دوره بازجویی سند ی ارائه نشده که نشان دهنده چنین چیزی باشد.

او با اشاره به فشارهای روانی، تهدید و ارعاب در زندان گفت:۲۴ روز اول در سلول انفرادی درحال بازجویی بودم اجازه تماس با خانواده داده نشد.بازجوهایم گفتند پدرم که یک ماه قبل عمل جراحی باز قلب انجام داده به خاطر بازداشت من سکته قلبی کرده و حالش خوب نیست. بعدها یا می گفتند که می دانیم تو باید برگردی به پروژه های علمی ات برسی و اگرآنچه را ما می خواهیم بنویسی و تائید کنی همین فردا اجازه می دهیم بروی.میگفتند آنقدر نگفت میداریم تا بی خبر و بدون دیدن پدرت او را از دست بدهی.

کوکبی گفت:انجمنهای بین المللی درعالیترین سطوح به بازداشتش واکنش نشان دادند.

او بند۳۵۰ اوین را یک دانشگاه دانست و افزود:بودن اینجا فرصتی بود برای آشنایی با دیدگاههای مختلف که جنبش سبز یکی از آنهاست.

ریشه یابی سخنان محمد جواد لاریجانی

رمزگشایی "حکم" بازداشت موسوی و کروبی

محمدجواد لاریجانی که گفته می شود پرونده زمین خواری هایش وجه المصالحه مفاسد گسترده "مردان احمدی نژاد" شده سعی دارد با خوش خدمتی جای خالی نخبگان طرد شده «بی بصیرت» را پر کند و در حالی حبس غیر قانونی رهبران جنبش سبز نهمین ماه خود را پشت سر گذاشته و تاکنون مقامات قضایی از اظهارنظر صریح در خصوص توجیه شرعی و قانونی اقدام خود سرباز زده اند،کم کاری برادر قاضی القضات خود را جبران کرده و گفته است:هیچ کس بدون دستور قضایی و محاکمه در زندان خانگی نیست. وی گفته این "حبس"، امر "سری و محرمانه ای" نیست.

هرچند این "آقازاده" نگفت«حبس خانگی» با کدام مجوز قانونی و شرعی از سوی چه کسی صورت گرفته،اما تنها مقام نزدیک رییس قوه قضاییه با عنوان«دبیر ستادحقوق بشر»اعتراف کرده اولا رهبران جنبش سبز در«حبس»هستند و ثانیا این حبس "سری" نیست و با "دستور قضایی" است.

برادر قاضی القضات مدعی شد"آنها فعالیت غیر قانونی انجام داده و از مردم خواسته اند به خیابان بیایند و بانک ها را تخریب کنند. وی همچنین با ژستی حق به جانب و بی کم و کاست شبیه احمدی نژاد،به آمریکایی‌ها درس مردمسالاری داده و گفته:«دموکراسی از صندوق رای بیرون می آید». وی نگفت این ادعاها براساس کدام "اطلاعات" و "اسناد" صورت می گیرد و این حکم در کدام "دادگاه صالحه" صادر شده است. این سیاستمدار که در زمان نخست وزیری موسوی به دلیل ارتباطات مشکوکش با بیگانگان، با دستور نخست وزیر از وزارت خارجه منفک شده بود،اشاره نکرد تقلب و تخلف آشکار در انتخابات و سرکوب خشونت بار تجمعات مردمی و حبس و بازداشت فعالان سیاسی و کنشگران حقوق بشر و روزنامه نگاران و...با کدام اصول دمکراسی انطباق دارد؟

این ادعاها درحالیست که پس از انتخابات مهندسی شده و تقلب آشکار در آرا،همراهان جنبش سبز در اقدامی قانونی برای برگزاری تجمع اعتراضی درخواست مجوز کردند که بر خلاف اصل ۲۷ قانون اساسی به این درخواست پاسخی داده نشد.

بر خلاف اظهارات برادر دو قوه مقننه و قضاییه و عملکرد حاکمیت در رادیکال کردن فضای جامعه، موسوی و کروبی نقش برجسته ای در کنترل و هدایت حرکت اعتراضی جنبش سبز داشتند. در حالیکه حاکمیت دستپاچه از پرسش عمومی "رای من کجاست" سرکوب خشونت بار را راهکار قرار داده و تلاش داشت حرکت قانونی مردم را از مسیر خود منحرف نماید.موسوی با پرهیز از خشونت هشدار می دهد مبادا کسی فریب شعارهای ساختارشکنانه را بخورد.وی که قانون اساسی را "فصل الخطاب" می داند در قبال زمزمه خارج از مرزها اشاره می کند:اینجانب قویا با چنین وسوسه‌ای مخالفم و معتقدم قانون اساسی همچنان دارای ظرفیتهای ارزشمند تحقق نایافته‌ای است که باید با فعالیت نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه‌ای ملی درآید.

اظهارات لاریجانی و متهم برخی پرونده‌های مربوط به زمین‌های کشاورزی اطراف تهران در حالیست که پیش از این دادستان کل کشور، تعبیر "بازداشت" را صحیح ندانسته و گفته بود«بحث آیین دادرسی نیز در این زمینه مطرح نیست،اما در مورد بعضی از افراد به صلاح خود آنهاست که محدودیت‌هایی برایشان ایجاد شود و باز تاکید می کنم تعبیر بازداشت مطرح نیست. گاهی اوقات دستگاههای ذیربط تشخیص می‌دهند محدودیتهایی در مورد فرد یا افراد یا حتی صنفی تعیین کنند."هرچند اظهارات این مقام قضایی هم دارای هیچ پشتوانه حقوقی نیست و براساس نص صریح قانون نمی توان برای "مصلحت"، "حقی" از شهروندی سلب کرد،چه رسد به اینکه بیش از نه ماه دو تن از مقامات عالیرتبه سیاسی کشور را در حبس و حصرخانگی و محروم از حق دیدار و حقوق اولیه قرار داد،اما وی به عنوان "مقام قضایی" تاکنون مدعی "اقدام قانونی"علیه رهبران جنبش سبز نشده.حال باید دید برادر لاریجانی ها با کدام مجوز در مجامع بین المللی حضوریافته و از«جرم»و «حکم» و«حبس خانگی»سخن می گوید.

لاریجانی همیشه سعی کرده نقش "نخبه" تئوری پرداز را در جناح محافظه کار بازی کند و از رانت فرزند روحانی بودن هم خوب استفاده کرده.او سالها پیش نظریه های کپی شده تحت عناوین«تفکیک مقبولیت از مشروعیت»،«ام القرا» و«نگاه به شرق»را طرح کرد که تبعات مخرب آن درسیاست داخلی و خارجی هنوز دیده می شود.اما مذاکره خفت‌بارش با نیک براون انگلیسی، او را بی‌آبروتر از آن کرده بود که متحدان سابقش باز وی را به باشگاه خود راه دهند.پس از انتخابات مهندسی شده ۸۸ او برای بازسازی چهره مخدوش خود با توهین و هتاکی به رهبران جنبش سبز،افتخار عنوان«خواص با بصیرت" را از آن خود کرد.لاریجانی که گفته می شود پرونده زمین خواری هایش در دفتر کار برادرش معطل مانده و وجه المصالحه مفاسد گسترده "مردان احمدی نژاد" شده،سعی دارد با خوش خدمتی جای خالی نخبگان طرد شده «بی بصیرت» را پر کند.او چندی پیش هم وقتی رهبران جنبش سبز را "محارب" خواند، فتوا داد "به نظر من حکم این نافرمانی محاربه است و "ولی" وظیفه دارد آنها را محاکمه و منکوب کند." در واقع این دانش آموخته فیزیک در غیاب علما و مراجع در بیت رهبری،«حکم فقهی»می دهد و«ولایت فقیه» را مسئول «محاکمه» محاربان می داند. حال با توجه به اظهارنظر اخیرش که مدعی شده "حبس خانگی" موسوی و کروبی با "حکم" صورت گرفته،مشخص می شود حکم مورد ادعای لاریجانی از سوی چه کسانی صادر شده است.صدور حکمی که تاثیری در روند پویای جنبش سبز ندارد و طبق گفته میر دربند:"فرمان اعدام و قتل و زندانی کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد."حصر۹ ماهه رهبران جنبش سبز بر مشکلات حاکمیت افزود. ریزش حامیان رهبری، جبهه بندی های تازه در میان به اصطلاح اصولگرایان و خط و نشان کشیدنهای آنان در برابر هم و قهر رییس دولت منتصب همه از پیامدهای این حبس غیرقانونی است.

موسوی همه آنچه شرط بلاغ بود،بازگفته و وعده داد"اگر فکر می کنید با حبس و حصر رهبران جنبش،حرکت مردم خاموش می شود، گمان خامی است. جنبش ریشه‌دارتر از آن شده که با محدویت و یا حذف امثال بنده متوقف شود.ریزش مدام مشروعیت و نارضایتی های در حال انباشت، وضعیت ویژه ای در کشور ایجاد کرده است. اگر شعار «رای من کجاست» توانست میلیونها شهروند مسالمت جو را در ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ خرداد دور هم جمع کند،اکنون با سیاستهای سرکوب یکسال گذشته و اوضاع معیشتی مردم و فشارهای بین المللی ناشی از ماجراجویی ها،احتمال حرکتهای غیرمترقبه بیشتر شده است.آنها جا دارد از خشم روزافزون مردم بترسند نه از ما.

نماینده رهبری در سپاه دستور قتل معترضان انتخاباتی ۸۸ را صادر کرد

علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه با متهم کردن معترضان انتخاباتی سال ۸۸ به تخریب انقلاب اسلامی،آنها را مهدورالدم خواند.

عضوجامعه روحانیت درحالی از تعبیر مهدورالدم استفاده کرده که به عنوان روحانی میداند استفاده از این اصطلاح به معنای صدور جواز قتل است!

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان،سعیدی گفته کسانی که در عرصه تخریب انقلاب اسلامی و اسلام قرار می‌گیرند،مهدورالدم هستند و از این قبیل می‌توان به منافقین در اول انقلاب و فتنه گران سال ۸۸ اشاره کرد. وی افزوده: به مولفه‌های نگرش وسیع به قدرت و از کسانی تجلیل کرده که به گفته او،"قدرت را کمال وسیله‌ای می‌دانند نه کمال هدفی."

سعیدی نگفته این "کمال" به چه کسانی برمیگردد؛آنها که در خیابانها و روز روشن دست به آدم‌کشی زدند یا کسانیکه در لباس پیامبر با بی‌عدالتی به دین و اعتقادات مردم ضربه زدند.شاید هم مصداقهای جدیدی از فتنه‌گران واقعی یافتند،از جمله کسانی که در پیش چشم ۵۰ میلیون نفر بی پروا زبان به تهمت و دروغ گشوده و یا دیگرانی همچون خود او که از این دروغگویی‌های بی‌حد و حصر،حمایت کرده و کشور را با تاوان این حمایتها درگیرساختند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۰ ، دوشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

آیا جای آن نیست که سوال شود با این همه سیاست های غلط انداز و غیرشفاف و مهلک چه کسانی می توانند فرصت طلایی برای آمریکا و اسرائیل و منافقین و سلطنت طلبان تلقی شوند: آزادی خواهان و عدالت جویان ؟ یا فرقه های مشکوکی که با سیاست های خود کارگران و معلمان و همه مستضعفان را خاک نشین کرده اند و علی رغم حمله ها و لفاظی های خود علیه شرق و غرب ،همه بازارهای گرم مسلمانی را در اختیار بیگانگان قرار داده اند.

میرحسین موسوی - خرداد ۱۳۸۹

سر مقاله

کلامی با آیت الله مهدوی کنی

حسین ناصری نیا - آیت الله مهدوی کنی که این روزها برغم کهولت سن و بیماری، در جلسات انتخاباتی اصولگرایان حضور پررنگی دارند،چند بار در این جلسات درباره خطر تکرار مشروطه هشدار دادند؛ سخنانی که مواضعشان در بهار ۱۳۷۶ علیه سیدمحمدخاتمی و حامیانش را تداعی می‌کند. در آخرین مورد،پنجشنبه در همایش جبهه متحد اصولگرایان گفته است:«عده ای از روحانیت در مشروطه کارهایی انجام دادند و با کنار کشیدن خود امور را به دیگران سپردند و اشتباه کردند.»

معنای تلویحی فرمایش اینست اگر روحانیت قدرت را حفظ نکند و بخواهد عرصه را برای ورود دیگران باز بگذارد، کشور دچار مشکل می‌شود یا نظام از دست می‌رود و«مشروطه تکرار می‌شود!» آیا واقعا مشکل مشروطه این بود که به سرانجام نرسید و به استبداد رضاشاهی منتهی شد؟

ایشان یکبار هم در آستانه انتخابات باشکوه دوم خرداد ۷۶ موضوع«خطر تکرار مشروطه»را بهانه برای حمله به "فرزند فاضل و باتقوای امام(ره)" قرار دادند و البته آرای ۲۰ میلیونی مردم از اعتماد آنان به سید محمد خاتمی خبر داد.اکنون باز خطرخارج شدن قدرت از دست جناح مدعی اصولگرایی، باعث شده خطر تکرار مشروطه از سوی ایشان مطرح شود. ایشان انصاف دهند؛آیا مهمترین اتفاقی که سرانجام تلخی برای مشروطه ایرانی رقم زد جز این بود که برخی روحانیان ملبس به لباس پیامبر، دین را به استبداد پیوند زدند و تحت عنوان استقرار امنیت در کشور،روی کار آمدن استبداد پهلوی را توجیه و به آن کمک کردند؟

آیت‌الله مهدوی کنی احتمالا به خاطر دارند در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری دهم،سیدعلیرضا بهشتی شیرازی در یادداشتی خطاب به ایشان نوشتند ازهمراه دیروز بهشتی و مطهری بعید است از یک فرد دروغگو برای ریاست جمهوری حمایت کند.کاش همان زمان ایشان به این توصیه توجه می‌کردند که امروز از ترس قدرت گرفتن حامیانش درمجلس آینده، متوسل به هشدار تکرار مشروطه شوند.

حتی اگر ایشان و دیگرهمفکران قصد دارند خطای اصولگرایانه را بی‌سروصدا رفع و رجوع کنند،مشکلی نیست. شاید هدف و نتیجه برای جناح مدعی اصولگرایی فرقی نداشته باشد و کسب کرسی‌های مجلس آینده به هر صورت مدنظر باشد،اما در این میان آبرویی که از روحانیت ریخته می‌شود قابل جبران نیست.

شاید اگر امروز دیوارهای زندان، رئیس مجلس خبرگان رهبری را از نقد های مشفقانه‌ی جناب بهشتی شیرازی محروم نکرده بود، او باز نامه به آیت‌الله می‌نوشت و ایشان را ابتدا برحذر می‌داد از اینکه شأن ریاست خبرگان را به دخالت در مسائل ریز جناحی آلوده کنند و پیشنهاد میکرد حتی اگر ایشان از یکه‌تازی‌های رئیس دولت نگران شده و قصد مهار آنرا دارند و اگر شعاری بهتر از تکرار مشروطه را برای این منظور مناسب نمی‌بینند،لااقل بجای اصرار بر دخالت روحانیت در جزیی ترین شؤون زندگی مردم، درباره خطرات همنشینی دین و استبداد و همکاری خطرناک عمامه و چکمه هشدار دهند که مهمترین عامل شکست جنبش مشروطه،و نه فقط مشروطه که حتی شاید جنبش ملی شدن و جنبش اصلاحات همین بود.

این روزها مجاورت زور و تزویر است که به مدد وفور زر در سالیان اخیر،انقلاب را به سمت انحرافی جبران‌نشدنی برده است: خطر نودولتان نوکیسه‌ای که دین و ایمان مردم را ابزار قدرت‌طلبی خود ساخته‌اند. باور نمی‌کنید،منتظر باشید تا باز به نام امام حسین، شاهد روش یزیدیان باشید که دین را بازیچه قدرت و حکومت خود می‌سازند و بی‌پروا از حسین و خدای حسین، محرم و هیات‌ها را به محمل و محفل سیاست‌بازی، دروغ‌سازی، تهمت‌پراکنی و فحاشی خود بدل می‌سازند تا به جیفه دنیا برسند.

خانواده زندانیان سیاسی با فاطمه کروبی دیدار کردند

جمعی از خانواده زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی با فاطمه کروبی دیدار کردند.

به گزارش کلمه،خانم کروبی با تاکید بر روحیه عالی و مقاوم آقای کروبی گفت:وی نگران و پیگیر مسائل خانواده زندانیان سیاسی بوده و در ملاقاتها همواره جویای حال آنهاست.

او ضمن تشریح وضعیت نگهداری همسرش گفت:ایشان مدت های طولانی است حتی از هوای آزاد نیز محروم بوده و دچار مشکل تنفسی شده اند.

به گفته وی بدلیل مشکل ایجاد شده در ایام حصر دستگاه اکسیژن برای ایشان تهیه شده است.

نه تنها کل هزینه آقای کروبی با خودشان بوده که حتی مجبور شده مخارج سرسام آور هزینه های ساختمانی تحمیل شده از قبیل حصار و نرده کشی و.. را نیز بپردازد.

او افزود:وی را چند باربصورت تلفنی دعوت به مذاکره کرده که گفته فقط در خانه یا دفتر و با حضور همسرم صحبت می کنم و برای احضار نیز فقط با احضاریه کتبی می آیم.

خدمات متقابل احمدی‌نژاد و اسرائیل

در بحبوبه اعتراضات مردمی به تقلب گسترده در انتخابات ۸۸ و در حالیکه باندهای مخوف مافیایی با ربودن نامهای بسیج و سپاه و اطلاعات و نیروی انتظامی،مردم مظلوم و بی دفاع ایران را به جرم حق خواهی و حق گویی و مطالبه ابتدایی ترین حقوق خود آماج ظلم و شکنجه و زندان و ضرب و شتم قرار داده بودند، وزیر دفاع اسرائیل انتخاب احمدی نژاد را در حکم یک هدیه آسمانی برای دولت اسرائیل دانست و در توجیه آن گفت در۴ ساله اول ریاست جمهوری این فرد و در سایه شعارهای به ظاهر تند و آتشین او دولت اسرائیل توانسته سی میلیارد دلار کمک اضافی از امریکا دریافت کند و موفق شده پیشرفته ترین سلاحهای امریکایی را نیز تحت این عنوان که یک مقام رسمی در یک دولت متخاصم آشکارا و در انظار عموم تمامیت ارضی اسرائیل را تهدید کرده است، با وجود مقاومت چند ساله وزارت دفاع امریکا،از این کشور تحویل بگیرد.

طبیعی بود این خبر اجازه انتشار در رسانه های ایران پیدا نکرد. اما برای دلسوزان کشور که در معرض این خبر بودند این سوال را مطرح ساخت که برای شناخت دوستان و دشمنان واقعی امریکا و اسرائیل چقدر می توان ادعاها و شعارها را مبنا قرار داد و چقدر باید به واقعیتهای مربوط به اظهارات مقامات رسمی اسرائیل اتکا کرد.در آنزمان بحث سر این بود که احمدی نژاد و امثال او نیازی نیست که آشکارا و مستقیما دست‌پرورده امریکا و اسرائیل باشند زیرا اقدامات جاهلانه و ماجراجویانه آنها از نظر اثر عملی برای اسرائیل و امریکا،مانند اقدامات یک گوش به فرمان این دو کشور است.این مسئله همان مضمون کلی ضرب المثل است که«اگر دیدید کسی با صدای بلندتر از همه فریاد آی دزد سر داده، بهتر است اول به خود اومشکوک شوید.»

شعارهای دهان پرکن و تحریک آمیز احمدی نژاد علیه اسرائیل و امریکا بهترین هدیه به آنها برای پیشبرد اهدافشان علیه ایران و ملت ایران بوده.اما مسئله شعار "آی دزد" فقط به اسرائیل منحصر نمی شود.مردم به خاطر دارند او شبیه این راهبرد را در زمینه فساد مالی هم دنبال کرد.از همان آغاز تبلیغات انتخاباتی ۱۳۸۴ از وجود مافیاها و برخورد شدید با آنان به میان میاورد و وعده که به محض روی کار آمدن،آنها را افشا میکند آنچه در عمل مشاهده شد بی سابقه ترین میزان فساد در طول تاریخ کشور است.

شبیه این رویه در اولین روزهای مبارزه انتخاباتی ۱۳۸۴ احمدی نژاد است که ادعا میکرد پول نفت را سر سفره ایرانیها بیاورد و آنچه نصیب مردم شده بی سابقه ترین سطوح فقر و فساد،اعتیاد، فحشا،دزدی و ناامنی درجامعه است.از نظراعتبار بین المللی کار بجایی رسیده که ترشرویی و تحقیر مردم ایران دیگر منحصر به امریکا واروپا نیست و نفرتی بی سابقه از ایران در قلوب افغانها و عراقی ها و سوریه ای ها هم شکل بگیرد.

در این میان فرزندی برومند از میان ملت برخاست با وجود همه بی مهری و تنگ نظری و ظلم ها که به او طی ۸ سال نخست وزیری اش روا شد،با انگیزه خیرخواهانه و به قصد نجات مردم آمد تا ایران را از سالوسی و ریا و فساد و ناکارآمدی نجات دهد.او میگفت نسبت به کسانی که پاکترین فرزندان این ملت را امریکایی و اسرائیلی می خوانند و جامعه را از خدمات آنها محروم می کنند،مشکوک است. امروز پس از آنکه انفجار اخیر در اطراف تهران رخ داد و بلافاصله اسرائیلی ها تلویحا اعلام کردند اینکار را خود انجام دادند و امیدوارند در آینده امثال آن تکرار شود، همه می فهمند وقتی تمام قوای امنیتی و اطلاعاتی کشور مصروف زنجیر کشیدن پاکترین و فداکارترین فرزندان این مرز و بوم می شود،دیگر زمان و توانی برای مقابله با اسرائیل باقی نمی ماند؛خواه این کار خائنانه صورت گرفته باشد و خواه جاهلانه.وقتی با تجربه ترین و با صلاحیت ترین و پاکدامن ترین مدیران اجرایی با عنوان مضحک جاسوسی برای افغانستان زندانی و محاکمه میشوند وهمه توانایی امنیتی صرف این اقدامات مضحک می شود،معلوم است یکباره خبر میاید معلم اخلاق دولت گرین‌کارت امریکایی دارد و مدیر به اصطلاح بسیجی بانک ملی،همدست دزدان چند هزار میلیاردی داراییهای امانتی مردم می شود و دولتمردان بجای انجام وظیفه،سخت سرگرم خارج ساختن ثروتهای ملی از کشور به نام اشخاص می شوند.

مردم ایران حقانیت موسوی را شناخته و با رای صادقانه خود با او بیعت کردند.اینکه همه حرفهایی که موسوی میزد و طیف به اصطلاح اصولگرایان همه آنها را تکذیب می کردند و امروز کار بجایی رسیده که با حرارتی بیشتر از حرارت مهندس موسوی به همان واقعیتها اعتراف میکنند،بیشتر به یک معجزه شبیه است تا یک واقعیت تاریخی.

تجربه دیکتاتورهای فاسد مصر،یمن،لیبی،تونس و سوریه فراروی حاکمیت هست که قبل از نابود کردن آخرین فرصتها راه توبه در پیش گیرند.در غیر اینصورت بیم آن هست در لحظه پشیمانی حتی لوله ای که قذافی در آن پناه گرفته بود در اختیار نابود کنندگان فرصت ها قرار نگیرد.

امروز که فقر و فساد و تبعیض در کنارجدایی دولت از مردم و انزوای کشور و نفرت عمومی از حاکمان بی تدبیر و سرکوبگر گریبان ایران را چسبیده است،موسوی و یارانش حکم آخرین ذخیره ملی برای نجات کشور و نظام را دارند.

با مشت به دهان آریا کوبیدند

خانواده آریا آرام نژاد ترانه سرای جنبش سبز با نگرانی نسبت به وضعیت سلامت این هنرمند خواستار آزادی هرچه سریعتر او شدند.

به گفته عادله ضیایی،همسر آرام نژاد، در آخرین تماس تلفنی او حالش خوب نبوده و عصبی و تحت فشار به نظر میرسید.او در اولین مکالمه گفته به جرم ساختن آهنگها بازداشت شده و روزی که مامورین برای بازداشت به منزل آمده بودند در توضیح علت بازداشت نوشته بودند: ایشان خواننده جریان فتنه است! و بعد از عاشورای ۸۸ آهنگ «علی برخیز» را خوانده و دستگیر شده و بعد از آزادی به قید وثیقه "به فتنه گری ادامه داده است"!

او گفت:ساعت دو بعد ازظهر۱۷ آبان بعد از برگشتن از دادگاه بی نتیجه تجدید نظر، به محض پیاده شدن از خودرو، پنج نفر در ورودی ساختمان به آریا حمله کردند و با مشت به دهانش کوبیدند. پنج مامور لباس شخصی به همراه آریا وارد خانه شده و همه جا را گشتند.

به گفته او،بیماری قلبی ارثی در خانواده هست که مادر و یکی از خواهرانِ آریا هم بدلیل همان به رحمت خدا رفتند.آریا هم درگیر این مشکل بوده و اخیرا بمحض اینکه وضعیتی باعث فشار روانی و عصبی بر آریا می شد، این مسئله افزایش پیدا میکرد که با مشاوره پزشک قرار بود آزمایشاتی انجام شود که این اتفاقات افتاد.چون آریا در انفرادی و وضعیت فشارهست،نگران بیماری قلبی ایشان هستم.

سن شروع روسپی‌گری در ایران به کمتر از ۱۴ سال رسید

جدیدترین آمارحکایت ازکاهش سن شروع روسپیگری به کمتر از ۱۴ و ۱۵ سال دارد.

براین اساس دخترانی با سن کمتر و تحصیلات بالاتر وارد بازار کارگری جنسی می‌شوند که دیگر مهاجر نیستند.اغلب نیازهای اساسی و اولیه زندگی را با شغل اول تامین می‌کنند و کارگری جنسی به عنوان شغل دوم برای از بین بردن نابرابری اجتماعی با دیگر دختران هم سن انتخاب میشود.

به گفته سعید مدنی تحلیلگرمسایل اجتماعی،اگر سال ۴۷، ۹/۵ درصد زنان کارگر جنسی تهران تهرانی بودند امروز نزدیک ۵۰درصد این زنان در تهران هستند.وضعیت تحصیلات در این قشر کاملا دگرگون شده و ادعای زن بی‌سوادی که دست به این کار می‌زد منتفی است.این مساله در جمعیت تحت تکفل افراد کم جمعیت‌تر افزایش یافته است.بیشتر مردان در رده سنی ۳۰ تا ۵۰ سال مشتری زنان کارگر جنسی هستند و بعد جوانان قرار دارند.مدنی گفت:شاخص مشکلات اجتماعی حکایت از بیمار بودن کشوردارد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۱ ، چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

امروز ما یک ملت ماندلا داریم و ما زندانبانان اوین و کهریزک را نه تنها اعدام نخواهیم کرد بلکه اوین و کهریزک را به موزه هایی تبدیل خواهیم کرد که راهنما های این موزه ها همان زندانبانان و شکنجه گران خواهند بود تا برای ملت و جهانیان توضیح دهند که در این زندانهای قرون وسطایی با زن و مرد و پیر و جوان این کشور به نام دین چها که نکرده اند.

میرحسین موسوی - مهدی کروبی- بهمن ۱۳۸۹

سر مقاله

با ناقوس جنگ به مردم بازگردید

بامداد راد - با تحریم نفتی ایران از سوی فرانسه و درخواست آن از اتحادیه اروپا برای اعمال همگانی این تحریم و انسداد دارایی‌ها و ممنوعیت معامله با بانکِ مرکزی از سوی این کشور و بریتانیا، معلوم شد ناقوس منحوس جنگ قرار است با شدت بیشتر نواخته شود؛هرچند هنوز دور تازه تحریم‌های آمریکا اعلام نشده، ولی با گمانه‌زنی‌ها که از تحریم صنایع پتروشیمی حکایت دارد،معلوم است آمریکا هم در جبهه متحدعلیه ایران حضور پررنگ خواهد داشت.

آماده‌سازی افکار عمومی جهان برای این نبرد درحال اجراست و اینها نشاندهنده نزدیک‌ترشدن خطر حمله نظامی به کشور است و راهبرد سطوح عالی نظام،جنگ لفظی‌ست و سخن از پاسخگویی با سیلی‌های محکم.

در صورت برخورد نظامی، کشور گرچه توان نظامی خوبی دارد و میتواند ضرباتی به مهاجمان وارد آورد اما از قدرت کافی برای مواجهه با این اجماع جهانی تازه علیه ایران برخوردار نیست.ازاینرو، نظام قصد دارد تنش را تا آخرین حد بالا ببرد تا بتواند بیش‌ترین امتیازات را اخذ کند و کَمترین زیان را متحمل شود.چنین راهبردی به دلیل بن‌بست بغرنجی که حاکمیت در آن گیر افتاده، امکان اجرا ندارد.

برای جلوگیری از حمله‌ی نظامی، بدلیل مدیریت غلط و دیپلماسی بی‌کفایت، تنها راه نظام تعلیق کلیه فعالیت‌های هسته‌ای و اجازه به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی کامل از تمام تأسیسات هسته‌ای ایران است.نظام در نهایت به چنین تصمیمی خواهدرسید،چون قدرت نظامی‌اش تنها برای هراس‌افکنی کارایی دارد و نه برای استفاده در نبردی نابرابر، در نتیجه برای اجتناب از وضعیت وخیمی که در صورت وقوع جنگ بر مجموعه‌ی مملکت تحمیل می‌شود، باید کوتاه آمد.

اما این تصمیم به‌شدت خطرناک است.نظام در اینصورت، حتی پاسخی برای هواداران سرسختش هم نخواهدداشت که خواهندگفت «اگر با سمبه‌ی پرزورتر بنا بر عقب‌نشینی قرار می‌گرفت،مبنای تحمل این همه هزینه چه بود؟».در صورت اتخاذ این تصمیم،آبرو و مشروعیتی نخواهدماند، نه در داخل کشور و نه در کشورهایی که احیانا «ایستادگی» نظام در برابر «استکبار» الهام‌بخش آنان بوده‌است.

نظام در بن‌بستی قرار گرفته که تنها راه برون‌رفت آن،بازگشت به مردم است. بجای تمام ادعاها و سخنان بی‌پایه، مقامات می‌توانند در یک سخنرانی صادقانه،از مردم عذرخواهی کرده و حق غصب‌شده تعیین سرنوشت بدست ملت را به آنها پس دهند و با تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و اجازه برای بازرسی به‌منظور اعتمادسازی، برای جنگ‌طلبان بیگانه نیز دست‌آویزها از میان برداشته و خطر حمله رفع شود.با بازگشت به مردم که در آزادی زندانیان سیاسی، رفع حصر رهبران جنبش سبز، اصلاح ساختار نظام،بازگشت نظامیان به پادگان‌هاو ..تجلی می‌یابد، در صورت عقب‌نشینی در مساله هسته‌ای،مشروعیت ازدست‌رفته را بازیابد.

انصاف دهید؛ مجلس دیکتاتور مبارک بهتر از مجلس هشتم بود

زهرا امیری: ۳۶ زندانی سیاسی با صدور بیانیه نسبت به انتخابات مجلس نهم هشدار دادند در صورت ناسالم بودن این انتخابات اصلاح طلبان و هواداران جنبش سبز، عامل مشروعیت بخشی به انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی نشوند و مجلس امروز را مشابه مجلس دوران حسنی مبارک دانستند.

عماد افروغ نماینده سابق تهران ضمن انتقاد از اصلاح طلبان،افزود: به یاد دارم در مجلس ششم چه اتفاقی افتاد، آیا در همین حد نیم بند مجلس هفتم و هشتم بر قوه مجریه نظارت و نقادی وجود داشت؟ آیا براحتی می توان شعار خروج از حاکمیت، استعفای دسته جمعی، تحصن،اعتصاب غذا و نامه نگاری به مقامات بیگانه را فراموش کرد؟ مقایسه مجلس با مجلس حسنی مبارک نهایت کم لطفی و بی انصافی حتی در مورد مجالس گذشته نیست؟!این مقایسه های مع الفارق گامی برای اصلاح امور است؟

با این صحبت ذکر نکاتی ضروری است:

۱- استعفای دسته جمعی، تحصن و اعتصاب غذای نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت گسترده و دخالت نهادهای مختلف در امور مجلس و برای صیانت و حفظ مجلس در راس امور بود.

۲- خروج از حاکمیت تعبیری است که گروه موسوم به اصولگرا در مورد اعتراضات نمایندگان مجلس ششم بکار برده و نامه نگاری به مقامات بیگانه اتهاماتی بود که از سوی اصولگرایان مطرح شد و هیچگاه پایه ای نیافت.

۳- درمورد مقایسه مجلس ایران با مجلس مبارک با نظر ایشان موافقیم.نهایت کم لطفی و بی انصافی است در مورد مجلس حسنی مبارک.

نباید فراموش کرد تا زمان انتخابات پارلمانی ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰ در مصر،انتخاباتی که منجر به اعتراضات مردم مصر و نهایتا سقوط حسنی مبارک شد،اخوان المسلمین بعنوان مهمترین گروه مخالف دولت و حزبی ممنوع که در مصر اجازه فعالیت نداشت، یک پنجم کرسی مجلس را در دست داشت وبا وجود ممنوعیت فعالیت،میتوانست در انتخابات شرکت کنند.

اگر امروزسید مصطفی تاج زاده، عبدالله رمضان زاده، فیض الله عرب سرخی یا بهزاد نبوی در زندان نبودند، اجازه شرکت در انتخابات به عنوان کاندیدای مستقل به آنها داده می شد؟ اگر چهره های اصلاح طلبی که بیرون زندان هستند، تصمیم بگیرند در انتخابات شر کت کنند، اجازه خواهند یافت؟

اخوان المسلمین، ترور نامونق عبدالناصر، رئیس جمهور وقت را سازماندهی کردند و همین باعث سرکوب عمده این سازمان و فرار آنها به خارج شد.اما همچنان در مصر فعالیت داشته و کمتر از یکسال به آخرین انتخابات پارلمانی انتخابات داخل حزبی برگزار کردند و برای معرفی رهبر خود کنفرانس خبری برگزار کرده و جشن گرفتند. کدامیک از احزاب اصلاح طلب و منتقد اجازه گردهمایی و یا اعلام شخصی به عنوان رهبر یا رئیس گروه مخالف دولت کنونی دارند؟ آیا فراموش شده دگراندیشان ما بخاطر حضور در مراسم دعای کمیل هم بازداشت می شوند و مراسم احیا و عزاداری ها لغو می شود؟ این درست که گروههای مخالف مبارک اجازه انتشار روزنامه نداشتند،اما فیلترینگ اینترنت در مصر هرگزهمانند ایران نبوده است.

در مجلس هشتم تنها ۲۹ نماینده اصلاح طلب در مجلس حضور دارند.از میان بیش از۷هزارنفر ثبت نام کننده،حدود ۴۵۰۰ نفر تائید صلاحیت شدند. بسیاری اصلاح طلبان ردصلاحیت شدند، بطوریکه تنها در ۱۳۰ کرسی امکان رقابت وجود داشت.

اخوان المسلمین در مجلس حق اظهارنظر و مخالفت داشت. البرادعی،بعنوان مخالف مبارک، آزادانه علیه شخص اول مصر بیانیه صادر میکرد.در حالیکه امضاکنندگان بیانیه ۳۶ زندانی سیاسی، تنها برای یک هشدار انتخاباتی، از سوی مقامات امنیتی و قضایی تهدید شده که به پنج سال حبس جدید نیز محکوم خواهند شد.

به نظرمیرسد اشاره بیانیه ۳۶ زندانی سیاسی به آخرین مجلس مصر بود،همان مجلسی که به تقلبی‌ترین انتخابات پارلمانی تاریخ معاصر مصر معروف و کمتر از۳ ماه به سرنگونی مبارک منجر شد. در غیر اینصورت،باید اعتراف کرد مقایسه مجالس قبلی مصر با مجلس فعلی ایران بی انصافی و قیاس مع الفارق خواهد بود. مبارک بطور قطع دیکتاتور بدنام بود اما حتی در مورد او نباید بی انصافی کنیم!

۳۶زندانی سیاسی امضاکننده بیانیه انتخاباتی به ۱۸۰ سال حبس اضافه تهدید شدند

امضاکنندگان بیانیه ۳۶ زندانی سیاسی از سوی مقامات امنیتی و قضایی تهدید شدند که هرکدام علاوه بر محکومیت قبلی، به ۵سال حبس جدید نیز محکوم خواهند شد که در مجموع ۱۸۰ سال حبس برای ۳۶ امضا کننده این بیانیه را بدنبال خواهد داشت.

این ۳۶ زندانی سیاسی در بیانیه خود خواستار مشروعیت نبخشیدن جنبش سبز و اصلاح طلبان به انتخابات نمایشی، غیر آزاد و ناسالم شده و دولت احمدی نژاد را فاسدترین دولت تاریخ ایران و مجلس هشتم را مشابه مجلس دوران حسنی مبارک در مصرتوصیف کرده بودند.

به گزارش کلمه،هفته گذشته ماموران امنیتی بازداشتگاه دو الف، متعلق به سپاه پاسداران، ضمن بازجویی مجدد از محسن میردامادی، فیض الله عرب‌سرخی، علیرضا رجایی و بابک داشاب چهار تن از امضا کنندگان این بیانیه از آنها خواسته اند امضای خود را پس بگیرند.

بدنبال خودداری این زندانیان از تکذیب امضای خود، بازپرس شعبه دوم دادسرای اوین تهدید کرده پنج سال به میزان حبس تمامی امضا کنندگان بیانیه افزوده خواهد شد.

۳۶ زندانی سیاسی منتقد در زندانهای اوین، رجایی شهر و خوزستان با صدور این بیانیه درباره انتخابات آینده مجلس،ضمن هشدار به مسوولان ارشد نظام درباره روند فعلی اداره کشور، تاکید کرده بودند صلاح جنبش سبز و جریان اصلاح طلب در اینست که در صورت برگزاری انتخابات سالم و آزاد به طور یکپارچه از آن استقبال کنند و در صورت ناسالم بودن آن، با انسجام و وحدت و داشتن برنامه،عامل مشروعیت بخش به انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی نشوند.

جواد امام از دیگر امضا کنندگان نزدیک یک هفته است از بند ۳۵۰ به بند امنیتی ۲۰۹ اوین منتقل شده است.هرچند بازجوها به وی گفته اند علت انتقال به انفرادی،امضای این بیانیه نیست و برای بازجویی درباره پرونده دیگری این انتقال انجام شده،اما بنظر میرسد عصبانیت ناشی از بازتاب وسیع این بیانیه، ماموران امنیتی را به فکر تشکیل پرونده های جدید برای امضا کنندگان آن انداخته است.این درحالیست که دوره محکومیت یک ساله جواد امام به زودی پایان می یابد.

این فشارها در حالیست که محسنی اژه ای دادستان کل کشور هم دو هفته قبل در مصاحبه خبری، زندانیان امضا کننده این بیانیه را در صورت اصرار بر امضای خود به افزایش حبس تهدید کرده بود.

به نظر میرسد مفاد این بیانیه، مقامات امنیتی و قضایی را چنان بر آشفته کرده که قصد دارند ۱۸۰ سال زندان جدید برای مجموع ۳۶ زندانی امضا کننده صادر کنند.

این زندانیان سیاسی در بیانیه خود با تحلیل اختلاس ۳هزار میلیارد تومانی نوشته بودند:»از وقوع مفاسد اخیر نباید متعجب بود زیرا دولتی که امانتدار رای مردم نباشد و در انتخابات با رای مردم آنچنان بازی کند، طبعا امانتدار سرمایه های معنوی و مادی مردم هم نمی تواند باشد.

پرونده قتل جوانترین شهید جنبش سبز به دادسرای جنایی رفت

پرونده میثم عبادی،از شهدای جنبش سبز برای بررسی دوباره به شعبه سوم دادسرای جنایی ارجاع شد.

به گزارش کلمه، این در حالیست که در مراجعه چندی پیش اصغرعبادی پدر میثم، قاضی پرونده به او گفته این پرونده برای همیشه مختومه شده است.با پیگیری های دوباره و گرفتن وکیل جدید مجددا این پرونده قضایی بررسی خواهد شد. میثم عبادی، جوان ترین شهید جنبش سبز،۲۴ خردادماه سال ۸۸ در یکی از تجمعات اعتراضی پس از انتخابات به شهادت رسید. میثم کارگری بود که برای کمک به خانواده از ۱۴ سالگی در کارگاه خیاطی کار می کرد.این روزها اما خانواده میثم عبادی، میثم کوچک را در میان خود دارند. میثم فرزند خواهر این شهید جنبش سبز است که سه ماهی است چشم به جهان گشوده و اسم میثم بر او نهادند .هر چند اصغر عبادی میگوید: نمی تواند این کودک را با این اسم صدا بزند و قلبش از شنیدن این نام درد می گیرد،میثم کوچک از ابتدای تولد مچ بند سبز بر دستانش دارد و با دیدن این کودک و دستبند سبزش میدانم راه سبز امید ادامه دارد.او باز هم ازمسوولان قضایی خواست قاتل میثم را معرفی و مجازات کنند.

اخبار کوتاه

* با وجود نگهداری بیش از ۳۰ زندانی سیاسی زن در زندان اوین، بهداری این زندان فاقد پزشک متخصص زنان است.برخی آنها بیش از دو سال در زندان هستند و از مرخصی و اعزام آنها به مراکز درمانی خارج از زندان خودداری میشود.

* اتحادیه اروپا ۲۰۰ نفر از شخصیتها و شرکتهای ایرانی را مورد تحریم تازه قرار میدهد.

* خانواده امیر اسلامی وکیل دراویش گنابادی از صدور قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی برای وی خبر دادند.

* مهرداد سرجویی، روزنامه نگار، پس از چند ماه بازداشت همچنان در بند امنیتی ۲۰۹ وزارت اطلاعات نگهداری می شود.او بدون ارائه هیچ دلیل مشخص در منزلش بازداشت شده است.

* گزارشگران بدون مرز توقیف روزنامه اعتماد وحمله به ایرنا، ضرب و شتم و بازداشت روزنامه‌نگاران آنرا محکوم کرد.

* مهدی محمودیان، زندانی سیاسی پس از طی دوره درمان به زندان بازگشت.او که در دوران زندان خود به سنکوب های متعدد و نوسان فشار خون مواجه بوده و در اعزام به بیمارستان وی تعلل صورت گرفت، نهایتا ۱۷ مهرماه به بیمارستان رجایی شهر اعزام و با تلاش پزشکان معالج، نوسان فشار خون وی کنترل شد.

شهیدان سبز

شهید احمد نجاتی کارگر

سن: ۲۲ ساله - متولد ۱۳۶۶/۰۶/۳۱

تاریخ شهادت: ۱۵ مرداد ۱۳۸۸

محل شهادت :

شکنجه گاه کهریزک، بیمارستان لقمان الدوله

ضارب : نیروهای شکنجه گر حرفه ای

نحوه شهادت :شکنجه، عفونت شدید ریه، از کار افتادن هر دو کلیه

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۲ ، شنبه ۵ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

برادران و خواهران مهندس موسوی روز عید غدیر با میرحسین و زهرا رهنورد دیدار کردند.آنها پس از این ملاقات که در خانه برادر بزرگترشان و با حضور نیروهای امنیتی و برای اولین بار در ۲۳۰ روز گذشته صورت گرفت از سلامتی کامل آنها خبر داده و تاکید کردند روحیه آنها همچنان خوب وعالی است.

سر مقاله

کیهان شریعتمداری مردم را دشمنَ بدتر از آمریکا خواند

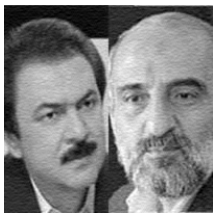

روزنامه کیهان بار دیگر در همسویی آشکار با منافقین،به مخالفان منطقی جنگ طلبی های آمریکا تاخت و همنوا با بلندگوهای تبلیغاتی فرقه رجوی، جنبش سبز و کلمه را زیر حمله گرفت و مورد اتهام و افترا قرار داد.

این روزنامه که در دو سال اخیر به شکلی خستگی‌ناپذیر به دروغ‌پردازی و اتهام‌زنی علیه جنبش سبز و فعالان آن مشغول بوده و بویژه در ماه گذشته از فرط عصبانیت از فاش گویی کلمه درباره همسویی مواضع مجاهدین خلق و کیهان، تقریبا هر روز یا یک روز در میان، الطافش را روانه جبهه سبزها و اصلاح طلبان میکرد، در خبر ویژه روز پنجشنبه با اشاره سرمقاله اخیر کلمه درباره تحریمها و بحران اخیر در روابط خارجی ایران، تیتر زد:سایت موسوی خواستارعذرخواهی نظام از آمریکا شده است!

کیهان برای اینکه دروغ شاخدار خود را ساخته و پرداخته کند، نه تنها به تحریف و تقطیع و تغییرکامل متن منتشر شده در کلمه پرداخت، بلکه توجه نکرد پیشنهاد یادداشت مذکور یعنی "بازگشت حاکمیت و عذرخواهی از مردم"، وقتی در کیهان به این ادعای دروغین تغییر داده شود که: "سایت موسوی خواستار عذرخواهی نظام از آمریکا شده" چه پیامدی برای همفکران شریعتمداری خواهد داشت.

کلمه در مقاله ذکر شده صریح آورده بود:«نظام در بن‌بستی قرار گرفته که تنها راه برون‌رفت از آن،بازگشت به مردم است. بجای تمام ادعاها و سخنان بی‌پایه، مقامات میتوانند در یک سخنرانی صادقانه،از مردم عذرخواهی کرده و حق غصب‌شده تعیین سرنوشت بدست ملت را به خودشان بازپس دهند».

کیهانیان متوجه نیستند این تحریف،و یکی دانستن عذرخواهی از مردم با عذرخواهی از آمریکا، یعنی اعتراف به اینکه از نگاه کیهانیان، دو دشمن مشترک وجود دارد:آمریکا و مردم! و بدتر از آن، اعتراف به اینکه از نگاه نماینده ولی فقیه در کیهان، قبح عذرخواهی از مردم حتی از عذرخواهی از آمریکا هم بدتر است،چرا که کیهان حتی جرات نکرده آنرا روی کاغذ هم نقل کند و سانسورش کرده است!

بدین ترتیب فرقه شریعتمداری عملا پا در مسیری که گذاشته که ربع قرن قبل،رجوی بدان راه رفت و دیگر نتوانست برگردد:ایستادن مقابل مردم، به ملت انگ آمریکایی زدن و نیز برای تخریب دلسوزان و فداکاران برای نجات کشور متوسل به دروغ و تحریف شدن. مسیری که به نظر می رسد سرنوشت تاریخی کیهانیان را از منافقان هم سیاه تر سازد.

نشانه این سرنوشت سیاه هم آخرین جملات همان خبر ویژه کیهان است که در آن می خوانیم: "فتنه گران هنوز نفهمیده اند که ایران به اوباش سیاسی باج نمی دهد و اگر بر فرض محال قرار بود باجی بدهد، به آمریکا و غرب باج می داد." یعنی بیان این واقعیت به زبان -به تعبیر لاریجانی- "لات های سیاسی" که: حاکمیت فعلی حاضر است در تعامل با آمریکا و غرب بر منافع ملی چوب حراج بزند، اما حاضر نیست در برابر معترضان، منتقدان و دلسوزان کشور گوش شنوایی بیابد!

طنز تلخ تاریخ اینجاست فرقه‌ی رجوی نیز در اوج فعالیتهای خود در داخل کشور، روزنامه جمهوری اسلامی به مسوولیت میرحسین موسوی را آماج حملات خود قرار داده بود و امروز همپالگی های آنان در کیهان، کلمه را دشمن زیاده خواهیها و نفاق خود می دانند.

برای اعتراف تلویزیونی علیه جنبش سبز و سایت کلمه، سرم را در توالت فرو بردند

سیامک قادری خبرنگار زندانی ایرنا با واکنش به مدعیات علی اکبر جوانفکر مشاور احمدی نژاد در گفت و گو با روزنامه اعتماد در نامه ای که از زندان اوین به بیرون فرستاده،به این ادعاها پاسخ گفت.او در این نوشتار برای نخستین بار از رفتارهای ضدانسانی نیروهای اطلاعاتی با وی در قبال نامه جوانفکر به وزارت اطلاعات برای بازداشتش میگوید که بخشی از آن در زیر می آید:

ایشان دردمندانه از زندان انفرادی ۶۰ روزه ملک زاده می گوید و از سقط جنین همسر او در زندان و مشقت ملاقات و عدم اجازه ملاقات با وکیل و..اگر رفت و آمد به زندان برای ایشان سقط جنین بهمراه داشت،حتما رفت و آمد پدران و مادران سالخورده زندانیانی که ۲ سال است هر هفته در سرما و گرما و راههای دور و نزدیک به زندان میایند یک تفنن است! مرگ مادر دانشجوی زندانی که در هجوم شبانه دچار سکته قلبی شد، مرگ پدرفعال ستاد انتخاباتی که ۳ ماه از محل نگهداری فرزندش بی اطلاع بود پس چه ؟! آیا اینها از جمله آن ملتی نیستند که از آنها دم میزنید،عجبا که دست به بیت المالی مردم میبرید و وقتی مورد بازخواست قرار میگیرید فریاد میزنید.مگر نه اینکه زندانیان پس از وقایع خرداد ۱۳۸۸ عمدتا شهروندانی بودند که جرمشان شرکت در تظاهرات، دادن شعار و ابراز عقیده بوده .چرا در این مدت صدای انسانیت شما و جریان وابسته به آن در نیامد!

بدرستی اعلام کردید انفرادی غیرقانونی و کاری مذموم است!اما آیا دلسوزی تان شامل حال جوانی که به جرم ارسال (مثلا) یک پیامک یا ایمیل، ۷ ماه در انفرادی بوده و امروز با روانی پریش هم بند ماست نیز میشود؟ یا در انفرادی نگهداشتن فقط برای مجرمانی که جنگ به بیت المال برده بد است؟ برای بنده که ۹ ماه را در بازداشتگاه بدنام ۲۰۹ و ۲۴۰ به صورت غیر قانونی نگهداری شده ام چه؟ برای آن پزشکی که در آستانه دومین سالگرد دستگیری هنوز در بازداشت موقت است و ۹ ماه را در سلول انفرادی گذرانده چطور؟

بحق گفتید اینطور نیست که«چون ما مسئولیتی داریم هر کاری دل مان خواست بتوانیم انجام دهیم، هر که را دلمان خواست احضار یا بازداشت کنیم و همه چیز باید براساس قانون باشد»! بنده هم زمانی که چپ و راست سیلی بر صورت ام فرود می آمد و بوی تهوع آور توالت اتاق بازجویی، امانم را برده بود تا علیه جنبش سبز و سایت کلمه اراجیفی را بصورت مصاحبه تلویزیونی ارایه کنم یا هنگامی که سرم را با فشار به داخل آن استوانه مهوع هدایت میکردند،با خود فکر میکردم یک جای کار ایراد دارد!

من نیز بارها زمزمه میکردم نباید اصحاب قدرت هر کاری دلشان خواست انجام دهند.ولی این سخن را از شما قبول ندارم.چون دست خط شما به حراست ایرنا هنوزجلوی چشمانم است که خواستار برخورد وزارت اطلاعات با بنده به عنوان عنصر ضد نظام و ضد ولایت شده بودید.چطور آن زمانکه بر توسن سرکش قدرت بلامنازع میتاختید،این اعمال را غیرقانونی نمی دانستید؟!

بدرستی اشاره کردید حداکثر بازداشت موقت ۴۸ ساعت است،ده ها مورد از هم بندیان خود سراغ دارم بالای ۱۵ هزارساعت یعنی ۲ سال در بازداشت موقت به سر میبرند! جنابعالی هرگز این ساعات را جمع نزده تا بفهمید چه فجایعی تحت عنوان بازداشت موقت جریان دارد اما حال که دوستانتان در مکتب مشائیسم گرفتار شده فغان به آسمان بلند کردید!

بنده در آستانه هفدهمین ماه، بسیاری از همبندانم در آستانه پایان محکومیت هنوز نتوانسته با وکیل خود ملاقات کنند و شما از یارانتان می گوئید که ۲ ماه بازداشت بدون ملاقات با وکیل را تجربه کردند!

مدعی شدید وزارت اطلاعات در آن دوره حرف شما را نمیخوانده برای اثبات دروغگویی جریان شما بهمان دست نویس جنابعالی اشاره میکنم که صاحبان ۳ وبلاگ را در ایرنا به وزارت اطلاعات معرفی کرده و به اجبار واداشتید وبلاگهای خود را تعطیل کنند و پس از امتناع بنده از تعطیل فعالیتم من را گرفتار زندان و حبس کردید!

منافقانه زیرعلم رهبری سینه می زنید اما یکباره می گوئید «مردم تشخص می دهند چه کسی در خط احمدی نژاد است و او را به عنوان رئیس جمهور آینده انتخاب می کنند.دلبسته نام احمدی نژاد هستید نه نظام، نه رهبری و.. برای اثبات آن کافیست نمونه ای از گزارشهای تجمعات اعتراضی را ولو گزارش های محرمانه روکنید.آنزمان که جریان انحرافی در ایرنا به کار گماردن نیروهای خدماتی و بسیجی ایرنا با کلاه و چماق در خیابان ولیعصر بود.

ادعای بزرگی کردید «کسی که برای خدمت می آید باید آماده شهادت باشد»! تا جاییکه خاطر دارم ایامی که ستاد بحرانساز بر سر راه دولت ملی خاتمی سنگ اندازی میکردند شما در بیت رهبری سنگر گرفته و در سر خیال استراحت در سواحل اسپانیا را می پروراندید و با هزار فشارغیرقانونی ، مدیریت ایرنا را وادار به اعزام شما به مادرید کردید.

مدعی شدیدموسوی مقبولیت نداشت!اگر جرات دارید به موسوی اجازه دهید فقط ۵ دقیقه با مردم سخن بگوید تا تومار شما و اذناب تان را در هم بپیچد.!اگرصادقانه میگوئید موسوی مقبولیت ندارد چرا آنقدر از ارتباط آنان و آزادی شان وحشت زده اید!

لازم میدانم حساب امثال جنابعالی را از خبرنگاران، نویسندگان، مترجمان و فعالان خبری ایرنا و روزنامه ایران جدا سازم.شما روزنامه نگار نیستید و گرنه در جبهه سیاهکاری و سیاهبازان قرار نداشتید.

مرگ مظلومانه یکی از قربانیان خرداد ۸۸

علیرضا صبوری میاندهی، ۲۲ ساله که در جریان درگیریهای خیابانی بعد از انتخابات در تاریخ ۲۵ خرداد از ناحیه سر گلوله خورده بود، در بوستون امریکا درگذشت.

به گفته خواهرصبوری گلوله دوزمانه بود و بعد از چندین عمل ترکش‌ها در سرش مانده بود.او گفت:پس از اصابت گلوله او را به بیمارستانی در تهران منتقل کردند،اما میترسیدیم بگوییم چه بلایی سرش آمده است.وقتی گلوله خورد یکماه گم شد.درکما بود.بعد از یکماه که پیداش کردیم، فراموشی داشت، فلج شده بود، دکتر بالای سرش بود و ما هم کمک میکردیم، بتواند بایستد و راه برود و قدرت تکلم هم نداشت. شش یا هفت ماه این وضعیت طول کشید.خانه ما را جابجا کردند و حتی علیرضا را در بخش نوزادان در بیمارستان بستری کرده بود که کسی پیداش نکند.از علیرضا مخفیانه مراقبت میکردند.خانواده ام میترسیدند حرفی بزنند. یک برادرم شهید شده بود و مادرم همین یک پسر را داشت.او ناگزیر ایران را ترک کرد حتی در غربت به خاطر امنیت اعضای خانواده سکوت کرد و در همان سکوت جان باخت.

تجمعات کارگری هر روز گسترش می یابد

با وجود ادعای مسئولان در حل مشکلات جامعه کارگری،اعتراضات کارگری در سراسرکشور در مخالفت با پرداخت نکردن دستمزدها یا اخراج از کار هر روز در حال افزایش است.

یکی از بزرگترین تجمعات کارگری هفته گذشته،در تهران مقابل مجلس گزارش شد.حدود ۳هزار کارگر در میدان بهارستان گرد آمدند تا در سالروز تصویب قانون کار، اعتراض خود را به مشکلات کارگران و همچنین پیش نویس اصلاح قانون کار اعلام کنند.

به گزارش کلمه،جمع هایی از کارگران در سنندج و قائم شهر و خرمشهر دست به اعتصاب زدند.همچنین کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج پس از خلف وعده مدیران شرکت پیمانکار برای پرداخت دستمزدها اعلام کردند در منزل خواهند ماند و از حضور در محل کار خودداری میکنند.کارگران شرکت پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج نیز در اعتراض به عدم دریافت دستمزدشان دست به اعتصاب زدند.

کارگران نساجی قائمشهر با تجمع مقابل استانداری مازندران خواستار دریافت معوقه خود شدند.۱۰۰ نفر از این کارگران یکسال است دستمزد دریافت نکردند.

کارگران شهرداری خرمشهرهم مقابل ساختمان شهرداری خرمشهر دست به تجمع اعتراضی زدند.این کارگران تعدادشان به ۵۰۰ نفر می‌رسید.از سوی دیگر ۴۰۰ نفر از کارگران آجر پزی شل واقع در جاده سنندج-کامیاران نیز مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند.منابع کارگری گزارش میدهند۸۰ نفر از کارگران قراردادی کارخانه فرش غرب، واقع در کرمانشاه از کار اخراج شده اند.

علاوه بر تبعات ناشی از طرح هدفمندی یارانه ها، وضع تحریم های بیشمار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی،بسیاری صنایع را به تعطیلی کشانده و ضرر ناشی از آن به کارگران وارد آمده است.

اخبار کوتاه

* رضا شهابی، فعال کارگری و عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دست به اعتصاب غذا زده است.

* همسر حسن فتحی، روزنامه نگاری که در پی مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی بازداشت شد،می‌گوید اطلاعی از محل نگهداری و وضعیت همسرش ندارد.

* با گذشت ۲۰ روز از بازداشت محمد توسلی هیچ خبری از وضعیت او در دست نیست.او که از ۱۲ آبان ماه در بازداشت است، تاکنون با منزل خود تماس نگرفته است.

* غفار فرزدی، رییس شاخه آذربایجان نهضت آزادی بازداشت شد.او دومین عضو نهضت آزادی است که پس از انتشار نامه ۱۴۳ امضایی به سید محمد خاتمی بازداشت میشود.

* روژین محمدی دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه فیلیپین، پس از احضار به دادسرای شهیدمقدسی بازداشت و بند دوالف منتقل شده است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم، شماره ۱۳۳ ، سه شنبه ۸ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

السلام علیک
یا ابا عبد الله الحسین

سرمقاله

رجـــــزخوانی با این ادبیات نشانه قدرت نیست

سید کاظم قمی: چندی است در واکنش نسبت به تهدیدهای نظامی و اقتصادی که از سوی قدرتهای جهانی متوجه کشورشده، شاهد اظهارات بخشهای مختلف حاکمیت هستیم که صرف نظراز جنبه سیاسی آن، بلحاظ شکل و محتوا قابل توجه است.جدیدترین آنها، اظهارات مشاورعالی نظامی رهبری است که تهدیدکنندگان را به سگ هایی که باید بر سر آنها چوب زد تشبیه کرده و نتیجه گرفته در صورت هویدا شدن افقهای جنگ،ابتکار عمل باید در دستان مقتدر نظام ایران باشد.

در اینکه هر ایرانی وطن پرستی باحمله نظامی بیگانگان به آب و خاکی که نه از آن صاحب منصبان سپاه یا دولتمردان حاکمیت کنونی آن، که متعلق به همه ایرانیان از جمله نسلهای آینده است،مخالف است شکی نیست.از قضا،منتقدان شیوه کنونی حکمرانی، در این ایران دوستی خود نه یک گام، که گامها از اقتدارگرایان مستبد حاکم جلوتر هستند،چرا که بجای آن که این تهدیدها را فرصتی برای پائین کشیدن خودکامگان از سریر قدرت غصب شده بدانند،در ارایه راه حل برون رفت از این بحران به زبانهای مختلف از حاکمیت خواستند در پیشگاه اراده مردم سر تعظیم فرود آورد و تحقق اتحاد ملی مبتنی بر منافع ملی را ممکن سازد.

در اینکه در سالهای اخیر شاهد توسعه لمپنیزم در عرصه های مختلف بوده ایم هم شکی نیست.اگر روی کارآمدن دولتمردان کنونی نتوانست عدالت، آزادی و پیشرفت را برای اکثریت مردم به ارمغان بیاورد،در عوض شاهد رواج کلمات قصار(!) آنان بوده و هستیم؛ واژگانی که حق اختراع آن باید به عنوان لکه ننگی در قاموس فرهنگ سیاسی ایران، تنها و تنها بنام این آقایان ثبت شود.

آنچه باعث تأسف دوچندان است،پیروی مقامات دیگر سیاسی و نظامی در بکارگیری این ادبیات و بهره گیری فراوان از افاضات پیاپی لمپنی دولتمردان است. از رهبری که در دوره اصلاحات سعی میکرد در تنزه زبان و بکارگیری واژگان گفتمان اصلاحات (مانند مردم سالاری، شفافیت، پاسخگویی و..) عقب نماند(هر چند بدان اعتقاد نداشت) و اینک ناخواسته با ادبیات رئیس دولت همساز شده و هر که غیرخودی است را خشمگینانه مورد عتاب قرارمیدهد و برایشان خط و نشان میکشد بگیرید تا سرداران نظامی سابق که اینک در لباس سیاستمدار بر مسند قدرت قرار گرفته و صد البته، بخشی از فرماندهان سیاسی سپاه که با کاربرد کلمات ناهنجار، کمال ادب خویش را گاه و بیگاه به نمایش میگذارند، همه و همه در چنگال ادبیات لمپنی رئیس دولت و شرکایش گرفتار شده اند.

از کودکی آموخته ایم زبان در دهان مانند کلید در گنج صاحب هنران است و در حافظه تاریخی جهان،مردم ایران به ادب و فضل و آداب دانی مشهور بودند.ایران را با گلستان و بوستان و اندرزنامه های اخلاقی میشناسند و سرلوحه رسالت پیامبر اسلام،حاکمیت ارزشهای اخلاقی است.خدایی که این آقایان ادعای نیابت قدرت از سوی او دارند نیز به رعایت ادب و نزاکت در مواجهه با دشمنان دستور داده است. حاکمان کنونی چه اصراری دارند نشان دهند نه از اسلام بویی برده و نه از میراث گرانبهای این مرز و بوم چیزی دستگیرشان شده است؟مگر اینگونه سخن گفتن جز نشان دادن ترس و واهمه حاکمان از تهدیدهای خارجی تأثیردیگری دارد که اینگونه زبان به دشنام و تمسخر میگشایند؟ قدرت واقعی را در چهره های آرام و البته مصمم بهتر میتوان دید تا در حفره دهنهای گشوده به دشنام.

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید در آستانه روز دانشجو

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه‌ای به مناسبت روز دانشجو،ضمن گرامیداشت یاد دانشجویان شهید و تبریک به همه دانشجویان، بویژه دانشجویان دربند،تاکید کرد:بجای تسلیم شدن در برابر شرایطی که ناخواسته گرفتار آن شده، با تحلیل دقیق وضعیت جامعه ایران و تدبیر برای رهایی از تبعات تحمیلی آن، راه امید بگشاید و در بزرگداشت ۱۶ آذر و یاد و خاطره تمامی دانشجویان آزادیخواه و دموکراسی طلب، با بهره گیری از ابتکارات همیشه تازه خود، به هر نحو ممکن تلاش کنند.

در این بیانیه خطاب به دانشجویان آمده :۱۶ آذرماه پیش روی ماست،کیست بتواند نیروی عظیم دانشجویان را در خلق حماسه دوم خرداد ۷۶ تأثیرگذار نداند؟ کیست فشارهای وارده بر دانشجویان آزاده از سوی دشمنان آزادی را در تمام روزهای اصلاحات، نفی کند؟کیست از مشارکت گسترده دانشجویان در انتخابات سال ۸۸ و ایستادگی قهرمانانه آنان در جنبش سبزی که حین و پس از آن متولد شد، بیخبر باشد؟

دانشجویان همواره در صف نخست مبارزه برای آزادی قرار داشته و بیشترین آسیبها را مبارزان ردیف اول میبینند.دو حادثه هولناک حمله نیروهای نظامی،انتظامی،امنیتی و همراهان لباس شخصی آنان به کوی دانشگاه تهران در سالهای ۷۸ و ۸۸ را همگی به یاد داریم؛ حوادث خونینی که حاکمیت هربار در آغاز به انکار وقوع آن پرداخت و پس از آنکه در مقابل موج اعتراضات مردم ناگزیر به پذیرفتن وقوع آنها شد،دستور پیگیری قضایی صادر کرد و سرانجام با بازداشت،حبس و محرومیت از تحصیل مظلومان و ارتقای درجه ظالمان، به خیال خام خویش، پرونده را مختومه کرد.

در روزهای سخت و تلخی که میگذرانیم،گذشته از دهها شهید،صدها دانشجوی آزادیخواه در زندانها بسرمیبرند یا پرونده قضایی برایشان تشکیل شده و به قید وثیقه آزادند و یا از ادامه تحصیل محروم و دچار تهدیدهای مشدد شده اند.حاکمیت اما نمیفهمد بزرگترین دشمن استبداد، آگاهیست و از همین روست که مهندسی آزمونهای ورودی مقاطع مختلف دانشگاه، تصفیه گسترده دانشجویان و اساتید، توسل به شعارهای نخ نمایی همچون«اسلامی کردن»دانشگاه که آگاهانه یا ناآگاهانه به شعار اصلی اسلام یعنی آزادسازی انسان از یوغ بندگی هر آنچه آزادی او را زیر پا میگذارد، ریشخند میزند،دستکاری در ترکیب هیئت علمی دانشگاهها و انتصاب کسانی که بتوانند «به فرموده» تدریس کنند،همه بی اثر مانده و خواهد ماند.خودکامگان باید بجای مضحکه دم زدن از ضرورت برپایی کرسی های آزاداندیشی در شرایط خفقان آوری که بر دانشگاهها تحمیل کرده اند، برای مقابله با تأثیر طبیعی آگاهی و دانایی فکری کنند؛ تأثیری که در عمق جان آدمی خانه میکند و با بستن دهانها و شکستن قلمها از بین نمیرود.چنین است که بسیاری از کسانی که توسط حاکمیت به منظور مقابله با سرشت آگاهی بخشی دانشگاه به آن وارد میشوند، پس از کسب دانش و چشیدن لذت آگاهی،درصف مبارزه با استبداد جهل پرست قرار میگیرند.

از همین رو جنبش سبز مردم ایران،از همان روزهای نخست، آگاهی بخشی را سرلوحه وظایف همراهان جنبش قرار داد. امواج پیاپی این آگاهی بخشی، امروزه اقشار وسیعی از جامعه را فراگرفته است.چنین است که دغلکاری دولتمردان سراپا آلوده به سوء استفاده از قدرت و اختلاسهای بزرگ مالی،با وجود تمامی تلاشی که حاکمیت حامی آن برای کمرنگ ساختن آن میکند،همچنان نقل محافل و مجالس شهر و روستاست.چنین است که تبلیغات پر زرق و برق دستگاههای دروغ پراکنی حکومت، در مقابل آگاهی روزافزون ایرانیان به زانو در آمده که آنانی که قرار بود با این تبلیغات بعنوان وابستگان به دشمن، فریب خوردگان، ناآگاهان و خس خاشاکی که بزودی زایل میشوند معرفی شوند،در دل مردم بعنوان قهرمانان آزادی و پیشروان آگاهی شناخته شده اند؛آنانی که این روزهای تیره و تار را پیش بینی میکردند و برای پیشگیری از وقوع شوربختی هایی که برعرصه های گوناگون سایه انداخته بپاخاستند و چنین است که یاد شهیدانشان همواره زنده است.

جنبش دانشجویی اینک در کنار اقشار دیگر جامعه، شاهد بن بستهای گوناگونی است که کشور را فرا گرفته:معضل برگزاری انتخاباتی که قرار نیست آزادانه برگزار شود و پشت سرخود از جمهوریت نظام نقش یادگاری بیش باقی نمیگذارد؛دولتی ناکارآمد که با بی انضباطی های مالی و آشفتگی های مدیریتی خویش کشور را در بحران بزرگ اقتصادی وارد کرده و سیاستهای نه تنها در گسترش عدالت ناکام مانده بلکه عمیقترساختن شکاف غنی و فقیر را در پی داشته؛ تحریمها و تهدیدهای بین المللی که سیاستهای نابخردانه و ماجراجویانه فرش قرمز پیش پای آن گسترده است.شرایط کنونی باعث نومیدی دانشجویان نسبت به آینده خویش و دلسردی نسبت به آینده کشور گشته است.شمار روزافزون مهاجرت نخبگان که علاوه بر دهها میلیارد دلار خسارتی که سالانه به کشور وارد میکند، پیامدهای بلندمدت شوم بسیاری برای آینده علم و فناوری در پی دارد، تنها یکی از نتایج چنین شرایطی است.

از جنبش دانشجویی انتظار میرود بجای تسلیم شدن در برابر شرایطی که ناخواسته گرفتار آن شده، با تحلیل دقیق وضعیت جامعه ایران و تدبیر برای رهایی از تبعات تحمیلی آن،راه امید بگشاید.اگر شرایط امنیتی و خفقان آور کنونی مانع فعالیت آزادانه تشکلهای دانشجویی است،بجای پناه بردن به بی تفاوتی در قبال آنچه بر سر ملت میاید، میتوان جمعهای

دوشنبه های اعتراض

جمعی از جوانان حامی جنبش سبز در حمایت از پیشنهاد مصطفی تاجزاده برای گرامیداشت شهدای جنبش و اعتراض به حبس غیرقانونی در غالب روزه ها و اعتصاب غذاهای اعتراضی و گردهم آمدن برای بحث و تبادل نظر در بیانیه ای اعلام کردند:برای پا گرفتن این طرح و استمرار آن در ماههای آینده به همراهی و کمک در دعوت از دیگران برای همراهی این طرح نیازمندیم.به گفته این جوانان این حرکت ممکن است در نگاه اول کوچک به نظر بیاید اما ما بیشماریم آنگاه که دل به تیرگی ها نسپاریم و امیدوارنه به آرمان ایران آزاد بیاندیشیم.

عزاداری محرم یعنی من با ظلم، ظالم مخالفم

آیت الله العظمی صانعی،با بیان اینکه حادثه عاشورا تا ابد زنده خواهد ماند،گفت:یکی از اسرار زنده ماندن داستان کربلا اینست که آنکه عزاداری میکند با گریه و زبان عملش می گوید با ظلم، ظالم و اعمال ظالمانه مخالفم.

ایشان با تاکید اینکه خداوند از کمک به ظلم به جامعه و مردم نمیگذرد،افزود:رضایت به ظلم ظالم، معادل شرکت در ظلم است و توبه‌ی ظلم به جامعه و مردم، استغفرالله گفتن نیست،راضی کردن صاحبان حق و مردم مظلوم است.

ایشان با یادآوری اینکه امام حسین تا زمان شهادت به مردم هم آگاهی داد و هم آزادی وهیچ‌وقت بدنبال تخدیر و سوء استفاده از مردم نبود،رفتار امام با همراهان و دشمنانش را متفاوت با جنگ‌طلبی و خشونت‌طلبی وحاوی درسهای انسانیت، کرامت و حقوق بشر توصیف کرد.

لغو مراسم آیت الله منتظری برای امنیت شرکت کنندگان

دفتر آیت‌الله منتظری با انتشار اطلاعیه ای از همه کسانی که خواهان شرکت در مراسم گرامیداشت این مرجع بوده گفته است، نظر به اینکه نمی‌تواند امنیت شرکت کنندگان را تضمین نماید و به دلیل در اختیار نداشتن مکان مناسب جهت برگزاری مراسم،از برگزاری مراسم دومین سالگرد در قم خودداری میکنند.

در این بیانیه آمده:در دومین سالگرد رحلت آن عزیز قرار گرفته‌ایم در حالیکه دفتر او پلمب و آثارعلمی‌اش حتی شرح نهج‌البلاغه همچنان از چاپ شدن ممنوع است و حسینیه شهدا محل تدریس ایشان که ۱۴ سال قبل مظلومانه پلمب گردید همچنان ظالمانه مسدود است.

زن و مرد کارتون خواب در آتش سوختند

در ساعاتی که احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلویزیونی بار دیگر مدعی شد "طرح هدفمندی یارانه‌ها، فقیری در کشور نمی‌گذارد" یک زن و مرد کارتن‌خواب در شعله‌های آتش سوختند.در حالیکه صدای انفجار از درون این چادر طعمه حریق شده به گوش می‌رسید، آتش‌نشانان مشهد آتش را مهار کردند و پس از آن جنازه زن و مرد کارتن‌خواب درون چادر سوخته شده کشف شد.علت آتش‌سوزی سرایت آتش از وسیله گرم‌کننده این افراد به چادر بوده و صدای انفجار نیز ناشی از آتش‌گرفتن اسپری گاز فندک بوده، زیرا این دو کارتن‌خواب ضایعات و آشغالها را در این چادر جمع‌آوری می‌کردند.

اخبار کوتاه

* افشین اسانلو، فعال کارگری و زندانی سیاسی برای یک عمل جراحی صبح شنبه راهی بیمارستان شد.ضربات متعدد کابل بر بدن اسانلو باعث پارگی درکف پا و ایجاد غده درکتف او شده که عمل جراحی او قرار است بر روی کتف این زندانی انجام شود.

* محسن محققی، محمد فرید طاهری قزوینی، امیر خرم و عماد بهاور به خاطر امضای نامه ۱۴۳ فعال سیاسی خطاب به سید محمد خاتمی، بازجویی و تهدید شده اند.

* خبر انتقال ناگهانی علی پورسلیمان، معلم زندانی و فعال صنفی معلمان، از بند ۳۵۰ به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات، مادر این زندانی سیاسی را دچار شوک عصبی و روانه بیمارستان کرد.

* مراسم سالگرد جانباختن داریوش و پروانه فروهر در بند۳۵۰ اوین به همت فعالان دانشجویی،حقوق بشری، اعضای زندانی احزاب ملی و گروه های ملی-مذهبی وحضور گسترده زندانیان برگزار شد.

* ابراهیم بابایی از بند ۳۵۰ به زندان رجایی شهر تبعید شد.در حکم او تبعید وجود نداشته و انتقال حاصل اعمال فشار مقامات و کارشناسان وزارت اطلاعات است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۴ ، پنج شنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

سرمقاله

مشارکت حداکثری با جعل امضا و بیانیه

بیتا موحد : در حالی پس ازانتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری،حامیان رهبری و احمدی نژاد برای کسب کرسیهای بهارستان خیز زودهنگام برداشته و گمانشان بود نیازی به حضور اصلاح طلبان ندارند اینروزها دوستان سابق و رقیبان "انحرافی" آنقدر عرصه را تنگ کرده که حامیان رهبری حاضر شده به هر وسیله اصلاح طلبان را ولو با جعل بیانیه انتخاباتی به عرصه مشارکت بکشانند که مبادا "منحرفین"دولت دهم راهی بهارستان شوند.

بی رغبتی اصلاح طلبان برای شرکت فعال و منسجم در انتخابات اسفند ماه و اعلام مواضع صریح آنها تا آنجا پیش رفت که۳۶ زندانی سیاسی با انتشار بیانیه ای شرایط فعلی را برای برگزاری انتخاباتی سالم فراهم ندیده و با هشدار به مسئولان ارشد نظام درباره روند فعلی اداره کشور، تاکید کردند صلاح جنبش سبز و جریان اصلاح طلب در اینست که درصورت ناسالم بودن انتخابات،عامل مشروعیت بخش به انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی نشوند.

بیانیه ای که برای بازجویان و روسایشان گران آمد که با فراخوانی زندانیان سیاسی به بازجویی مجدد و تهدید به محکومیت "مضاعف" خواستار پس گرفتن امضاها شدند.بدنبال خودداری آنها از تکذیب امضای خود، بازپرس شعبه دوم دادسرای اوین تهدید کرده ۵ سال به میزان حبس تمامی امضا کنندگان بیانیه افزوده خواهد شد.

وقتی ترفند تهدید و ارعاب بجایی نرسید،بازجوها با جعل بیانیه و انتصاب آن به چهره های شاخص اصلاح طلبی و اعضای برجسته حزب مشارکت،سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شورای فعالان ملی مذهبی سعی کردند منظور خود را با جعل بیانیه تامین کنند.براساس این خبر جعلی که سایتهای مطرح اصولگرایان آن را باور نکرده و منتشر نکرده،اما در سایتهای نزدیک به وزارت اطلاعات و سپاه بسرعت در حال انتشار است،آورده اند:انتخابات در همهٔ کشورها مظهر ارادهٔ ملّی و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود است و هر انسان آگاه و حساس به آیندهٔ کشور نمیتواند نسبت به آن بیتفاوت باشد.از همین منظر انتخابات تاکنون برغم کاستی هایی که داشته ازحداقلهای لازم برای به ظهور رساندن نقش مردم در سرنوشت خود برخوردار بوده است.

برادران بازجو آنقدرحافظه تاریخی ندارند که بیاد آورند این زندانیان سیاسی به جرم "اعتراض به نتیجه انتخابات" و "مخدوش بودن آرا" در زندانهای «غاصبان نام جمهوری اسلامی» گرفتار آمدند،حال چگونه است انتخابات فرمایشی حکومت را«مظهر اراده ملی»میخوانند و از برقراری«حداقل استانداردها»سخن میگویند.

به نظر میرسد برادران امنیتی پیش از برگزاری انتخابات " تقلب و تخلف" را شروع کرده و با "جعل نامه" و انتساب آن به ۶تن از چهره های شاخص اصلاح طلبی تلاش دارند آب رفته را به جوی باز گردانده و پس از این همه ظلم در حق ملت، آنان را به پای صندوقهای رای بیاورند حتی به زور بیانیه های خود نوشته.

ماموران بی تدبیر که سناریوهای سعید امامی شان در برگزاری "دادگاههای فرمایشی"، "مصاحبه های ساختگی" و" توبه نامه " حتی نتوانست شهروندان عادی محبوس در زندانها را در برگیرد،اینک با جعل امضای بهزاد نبوی، داوود سلیمانی، عبدالله رمضان زاده، محسن میردامادی، فیض الله عرب سرخی و علیرضا رجایی در پی گدایی "مشارکت حداکثری" افتادند.

سوال اینجاست این ذوق زدگی اصولگرایان و درج بیانیه جعلی کسانی که هنوز بر "بی بصیرتی"شان پا میفشارند و " فتنه گر" و " برانداز" می خوانندشان چه معنایی دارد؟ افرادی که به ادعای قاضی القضات منصوب رهبری،جرمشان اخلال در امنیت ملی و تبانی علیه نظام است،آنقدر نظرشان مهم است که قبل اینکه سایتهای خبری نزدیک به اصلاح طلبان از بیانیه آنان خبری منتشر کنند،آنان سردمدار میشوند و صفحات خود را به آن اختصاص میدهند.اگر این افراد این همه دارای نفوذ سیاسی و تاثیر پذیری در حوزه قدرت سیاسی هستند،چرا بجای تصاحب کرسی های مدیریتی سر از زندانهای این نظام در آورده اند؟ این نامه جعلی میتواند نشان از حسرت عمیق "بازجویان" باشد که شهامت ندارند به اشتباهات خود اعتراف کرده تا با آزادی زندانیان سیاسی و محصورین حداقل زمینه برگزاری مشارکت گروههای مختلف را در انتخابات پیش رو فراهم کنند.

نویسندگان آنقدر دستپاچه بوده که بتوانند به هر طریقی با جعل و دروغ تنور انتخابات را گرم کنند که یادشان رفته حداقل سری به چند بیانیه این احزاب بزنند تا کمی ادبیات "یکدست"خود را که سالهاست بر عرصه سیاسی ایران سنگینی میکند را "مشابه" سازی کنند.

نکته دیگر که ساختگی بودن این نامه را عیان میکند،ادعای مخدوش بودن بیانیه ۳۶ زندانی سیاسی است.جاعلان با اعتراف به " بلوغ سیاسی " و "عقلانیت" اصلاح طلبان،منشا آن بیانیه را "مشکوک" دانسته و مدعی شده این بیانیه هیچ نسبتی با اصلاح طلبان نداشته و لازم باشد از طریق "مجاری مورد اعتماد" نظرات خود را اعلام میکنند. گویی خودشان را همان "مجاری مورد اعتماد" اصلاح طلبان میدانند که پیش از اینکه چنین خبری در سایتها و روزنامه های نزدیک به اصلاح طلبان منتشر شود به درج چنین نامه جعلی مبادرت کردند.

بیانیه ۳۶نفر آنقدر تاثیر داشته که "بازجویان"را چنین دستپاچه و مضطرب کرده که ناشیانه دست به جعل زدند.احتمالا نامه جعلی بعدی به نقل از اعضای اصلاح طلبی از زندانها "تقدیر خاص" بابت "حبس و شکنجه و تبعید" را در بر دارد که بموقع تشخیص دادند این فعالان سیاسی به حبس بروند که نکند "گرفتار" توطئه بیگانگان شوند و انقلاب مخملی راه بیندازند.

هشدار و نگرانی سعید حجاریان نسبت به وضعیت حصر مهندس موسوی

سعید حجاریان، فعال و تحلیلگر سیاسی در یادداشتی از اخبار کذب برخی سایتهای حاکمیت مبنی بر ابتلای میرحسین موسوی به بیماریهای لاعلاج ابراز نگرانی کرد.

او این نوع خبردهی را بسیار هشداردهنده خواند و اظهارامیدواری کرد با تکذیب مقامات مسوول زمینه تکرارچنین اقداماتی از بین برود.

به گزارش کلمه،حجاریان نوشته است: متاسفانه طی هفته های گذشته خبری بهت آور و نگران کننده بر روی خروجی برخی سایت های وابسته به جناح حاکم مبنی بر ابتلای آقای مهندس موسوی به بیماری لاعلاج و ناامیدی اطبا از معالجه ایشان قرار گرفت. لازم میبینم نگرانی شدید خود از این نوع خبردهی که ضمن غیراخلاقی بودن بسیار نگران کننده و هشداردهنده است،ابراز کنم.امیدوارم با تکذیب مقامات مسوول زمینه تکرارچنین اقداماتی از بین برود و از التهاب آفرینی بیش از این درجامعه جلوگیری شود.

او همچنین با اشاره به بیش از ۳۰ ماه حبس غیرقانونی مصطفی تاجزاده یادآور شده است:شهادت میدهم در تدوین و عرق مذهبی هیچ کم از مدعیان و حتی بعضی اوتاد ندارد.از وجوه کمتر شناخته شده مصطفی میزان پایبندی او به دستورات دینی است. در این یادداشت آمده:از اقدامات بیادماندنی او دفاع از مردم تهران در انتخابات مجلس ششم است که تا امروز حاضر به تایید پایمال شدن حق برخی از کاندیداها و ورود ناحق برخی دیگر نشده و قصه این کش و قوس تا امروز ادامه دارد.

آیت الله دستغیب :

سؤال «رای من کجاست» چه اشکال شرعی و عرفی و قانونی دارد؟

آیت‌الله‌العظمی دستغیب طی نامه ای به فقهای شورای نگهبان،تمام گرفتاریهای جمهوری اسلامی را ناشی از تخلفات آنها دانست و افزود: برای نجات جمهوری اسلامی ایران راهی نمانده جز تن دادن به قانون و آزاد کردن مهدی کروبی و میرحسین موسوی و آزادی باقی زندانیانی که بدون محاکمه و اثبات جرم در زندان هستند.

ایشان تمام اعتراض مردم پس از انتخابات گذشته را ناشی از این پرسش دانست که چرا حق انتخاب آزاد نداشته باشند و نمونه‌هایی از سؤالات بی پاسخ از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ را بازگو نمود:چرا باید جواب مردم با خشونت و سرکوب و زندان و تبعید و خارج کردن دانشجویان و روحانیون و اتهامات بی مدرک و خلاف شرع داده میشود؟ اینها با کدامیک از اصول قانون و یا حکم از احکام شرع مبین اسلام سازگار است؟ آیا گفتار خلاف نظر شخص،خلاف شرع و قانون است؟

در این نامه آمده است: اعتراض مردم در تمام انتخابات بعد رحلت امام در اینست که چرا انتخابی آزاد نداشته باشند؛شورای نگهبان مردم را مجبور به انتخاب فردی میکند که از اسلام و تقوی بهره کافی نبرده و مردم را از رأی دادن به کسی که خودش تأیید کرده نهی میکند که اگر به فلانی رأی دهید مواخذه میشوید.چنانچه این معنا در ۲۲ خرداد ۸۸ و بعد از آن صورت گرفت؛آنگاه که مردم معترض به نتیجه انتخابات سئوال کردند رأی ما کجاست؟ این سئوال چه اشکال شرعی،عرفی و قانونی دارد که بجای رسیدگی آنهمه عقبات داشته باشد.

شورای نگهبان مانع از حضور نمایندگان نامزدها بر سر صندوقها و تا حین شمارش آراء گردیده و اعتنایی به تخلفات نشد و با تکیه بر نیروی سپاه این بی عدالتی و بی تقوایی را مرتکب شدند که نتیجه انتخابات را بدون گذراندن مراحل قانونی اعلام نمایند.

عجیب است بعضی از افراد شورای نگهبان آشکارا از نامزد موردعلاقه خود طرفداری میکند و اینک نیز از تأیید آن شخص پشیمان شده و به نیروی سپاه سفارش مینماید مانع حضور حامیان آن شخص در انتخابات آینده شوند.اینها تخلف از قانون نیست؟ مردم چگونه اطمینان پیدا کنند از رأی آنها حفاظت گردیده و شمارش میشود!

فقهای شورای نگهبان مأمور به اجراء دقیق قانون هستند نه اینکه ناقض آن باشند؛حمله به ستاد انتخاباتی کسی که مورد نظر شورای نگهبان نبود و اهانت و دستگیری و بازجویی و بازداشت بعضی از افراد ستاد انتخاباتی مخالف نظر شورای نگهبان مردم را نسبت به آینده در بی تفاوتی قرار داده که میگویند اینها مجتهد نیستند؛اینها مقلدند.کجاست دادگاهی که از قبل حکم متهم توسط نیروهای امنیتی داده نشده باشد.در کجای دنیا چنین ست افراد به جرم گفتن حق زندان بروند و حصرشوند و از تمام امکانات محروم شوند؛جز کشورهایی که در آن از دین و خدا خبری نیست.

بسیج دانشجویی: تخریب های سفارت انگلیس کارعوامل استعمار پیر بود!

در حالی در حمله به سفارت انگلیس در تهران و باغ قلهک ضمن پرتاب سنگ و استفاده کوکتل‌مولوتف تخریب گسترده صورت گرفته و دست‌کم یک خودرو به آتش کشیده شده،بسیج دانشجویی حاضر نشد مسئولیت تخریبها را به عهده بگیرد و مدعی شد تخریبها کارعوامل استعمار پیر بوده است.

خبرگزاری دانشجو وابسته به سازمان بسیج دانشجویی از قول یک شاهدعینی،ادعا کرد تخریبها قبل از ورود این نیروها صورت گرفته و استعمار پیر میخواست بوسیله آنها اهداف رسانه‌ای خود را تامین کند. به ادعای این منبع «دانشجویانی که وارد سفارت شده بودند فقط چند شیشه مشروب را شکستند اما با ورود جمعیت زیادی تخریبها شروع شد که دانشجویان سعی میکردند از فضای سفارت حفاظت کنند،اما افرادی مایل به تخریب اموال داخل سفارت بودند که معلوم نبود در چه گروه یا حزبی بودند.او با توصیف فضای داخل سفارت به کاخ سعدآباد از وجود«مشروبات الکلی بشدت و با تنوع بسیار بالا در آشپزخانه ها، اتاق ها و..» و «آشپزخانه های بسیار تشریفاتی، اتاقی پر از لباس و بعلاوه یخچال هایی پر از مواد خوراکی مختلف و بعضا حرام مانند گوشتهای حرام و در پشت کتابخانه و در حیاط پشتی استخری به نسبت کوچک»خبر داده است.

متن کامل یادداشت سعید حجاریان را در تارنمای کلمه بخوانید

در نامه به مصلحی عنوان شد؛ بازتولید اندیشه سعید امامی در وزارت اطلاعات

مهدی معتمدی مهر عضو نهضت آزادی در نامه ای به وزیراطلاعات با توصیف شرایط بازجویی خود،درباره بازجویش با بیان اینکه وی در چند نوبت حضوری، "سعید امامی" را شهید خطاب کرده پرسیده:آیا ابراز چنین رویکردی نسبت به فردی که مقامات رسمی نظام،او را عامل مواد و مسوول پروژه‌ی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان سیاسی معرفی کردند و سرانجام با خودکشی به زندگی خویش پایان داد،حکایت از بازتولید آن خط و اندیشه در وزارت اطلاعات ندارد و آیا در این خصوص،احساس خطر نمی‌کنید؟

او نوشته است: ورود در حوزه خصوصی افراد،غیبت، تهدید، توهین،اجبار به همکاری و اقدام به تفتین و افترا به مدیران برجسته انقلاب چه ارتباطی با وظایف محوله قانونی،ضرورتهای امنیتی و اصول و آرمانهای مندرج در قانون اساسی دارد؟

جلوگیری از حضور بانوان بر سر مزار آیت الله العظمی منتظری

* در سالگرد ارتحال آیت الله العظمی منتظری بسیاری از بانوان طبق قرار قبلی خود را آماده کرده بودند تا در ساعت مشخصی بر سر مزار آیات عظام و مراجع تقلید بخصوص آیت الله منتظری بروند که با برخورد برخی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مجبورشدند از آن محل خارج شوند.حکومت اخیرا از حضور بانوان بیت و خانواده مرحوم آیت الله منتظری نیزجلوگیری بعمل میاورد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۵ ، شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین

سرمقاله

ایران یا انگلیس؛ بازنده اصلی کیست؟

*** «جاوید قربان اوغلی»**

تحولات روابط ایران با انگلیس با حمله و اشغال کوتاه مدت سفارت آن کشوردر تهران وارد مرحله جدیدی شده که بی تردید منافع ملی کشور را با مخاطراتی جدی مواجه خواهد کرد. این رویداد که در پی اقدام مجلس در کاهش روابط دیپلماتیک با دولت انگلیس آغاز شد از اقداماتی ست که هیچ توجیه عقلانی بر آن مترتب نیست و تردید نباید کرد جمهوری اسلامی بازنده اصلی این بازی خواهد بود.تحولی که پیامدهای آن بلافاصله پس از حمله مذکور با بیانیه اجماعی ۱۵ عضو دایم و غیر دایم شورای امنیت آغاز شد و با محکومیت سراسری جهانی ادامه یافت.به نظر میرسد واکنش دولتهای اروپایی به موضع گیری سیاسی محدود نشده و با اقدامات عملی ادامه خواهد یافت.

دلایل و انگیزه های مجلس در شروع این بحران می پردازد:

۱) اقدام مجلس در طرح تصویب کاهش روابط با دولت انگلیس معطوف به تحولاتی است که طی چندهفته اخیر در صحنه روابط بین المللی ایران رخ داده و بطور مشخص سه قطعنامه ای که در عرض کمتر از یک هفته در شورای حکام انرژی هسته ای،مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیته سوم سازمان ملل به تصویب رسید. طراحان این طرح با توجه به نقش بارز انگلیس در تصویب این قطعنامه ها و تحریم بانک مرکزی و اتهامات دیگری در خصوص دست داشتن انگلیس در توطئه علیه ایران کاهش روابط دیپلماتیک با انگلیس را مطرح کردند.درحالیکه از منظر دیپلماتیک نمیتوان بصرف این اتهامات اقدام به کاهش سقف روابط دیپلماتیک با یک کشور کرد چه در اینصورت کشورهای بسیاردیگری هستند که باید با آنان نیز چنین رفتار کرد.

در سه قطعنامه مصوب باید دلیل اصلی را در تنزل جایگاه بین المللی ایران و ضعفهای کاملا آشکار دیپلماتیک کشور و ناتوانی مسولین سیاست خارجی در کسب حمایت –حتی دوستان سابق- جستجو کرد.

در قطعنامه مصوب شورای حکام ۳۳ عضو از ۳۵ عضو شورای حکام به این قطعنامه رای مثبت دادند و حتی کشورهای عضو عدم تعهد که ایران همواره حمایت آنان از کشورمان را در رسانه ملی تبلیغ می کند از این قطعنامه حمایت کردند. وزیر خارجه روسیه به عنوان یکی از متحدین ایران صراحتا اعلام کرد که نماینده کشور متبوعش در تدوین قطعنامه نقشی فعال داشته است.

در خصوص قطعنامه تصویب شده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اتهام ترور سفیرعربستان در واشنگتن نیز ۱۰۶ عضو رای مثبت دادند که باید این قطعنامه را محصول ناتوانی ایران در اقناع نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل در بی پایه و بی اساس بودن این اتهام دانست.

قطعنامه مطروحه از سوی دولت کانادا در اتهام نقض حقوق بشر در کشورمان نیز برای اولین بار در ۱۰ سال گذشته با تفاوت آراء فاحشی بین موافقین و مخالفین به تصویب رسید.در جریان رای گیری برای این قطعنامه و علیرغم رایزنیهای گسترده نماینده اعزامی ایران-آقای محمد جواد لاریجانی- ۸۶ کشور از قطعنامه حمایت کردند پیشنهاد میکنم به آقای لاریجانی بابت کسب این افتخار جایزه‌ای در سطح ملی اهدا کرد.پس مقصر دانستن یک کشور در تصویب این قطعنامه تجاهل در مقابل واقعیتهایی در روابط خارجی است که متاسفانه کشور با آن دست به گریبان است.

۲) نکته دیگر در شکل گیری این تحول،نقش پررنگ تحولات داخلی در ارائه و تصویب این طرح در مجلس است.متاسفانه باید اقرار کرد منافع ملی و سیاست خارجی کشور در کمندمسائل داخلی و جناحی گرفتار شده است.در خوشبینانه ترین حالت بحران داخلی کشور که از زمان انتخابات دهم ریاست جمهوری آغاز شده و بعلت اصرار کوته بینانه تمامیت خواهان همچنان ادامه دارد میتواند یکی از اهداف پشت پرده حاکمیت برای سرپوش گذاشتن برعدم مشروعیتی است که حاکمیت گرفتارآن است.ضمن اینکه تحولات چند ماه گذشته درون حاکمیت در بحرانهای سیاسی و فساد اقتصادی میتواند از دیگر دلایل این بحران سازی باشد.

۳)سوم پیامدهای تصویب طرح کاهش روابط دیپلماتیک با انگلیس است.با توجه به اینکه کشور در ضعیف ترین وضعیت بین المللی از زمان پیروزی انقلاب(حتی در مقایسه با دوران جنگ تحمیلی)است،توسل به اینگونه اقدامات میتواند پیامدهای ناگواری برای منافع ملی کشور در برداشته باشد.واکنش یکپارچه اتحادیه اروپاعلیه ایران یکی از این احتمالات است که طراحان و مسولان سیاست خارجی باید آن را مدنظر داشته و نسبت به عواقب آن آگاه باشند.واضح است هرگونه عقب نشینی کشور از تصمیم خود درصورت وقوع چنین اقدام ضربه شدید به اعتبار کشور در داخل و صحنه بین المللی خواهد بود.

* دیپلمات و مسوول کمیسیون سیاست خارجی ستاد انتخاباتی میرحسین

هپاتیت، لکنت زبان، بیماریهای گوارشی و کبدی و ...

وضعیت وخیم اشکان ذهابیان در نتیجه شرایط غیر انسانی زندان

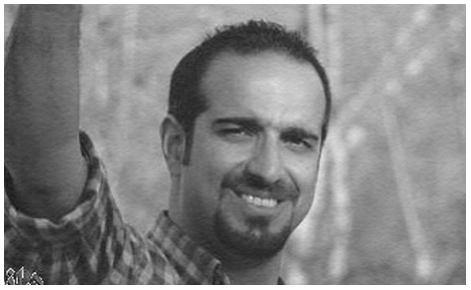

وضعیت جسمی اشکان ذهابیان دانشجوی محروم از تحصیل که به تازگی از زندان آزاد شده،در اثر شرایط بازداشت و اعتصاب غذا بشدت وخیم است.به گونه ای که بدلیل فشارهای عصبی ناشی از بازجویی های مکرر و نگهداری طولانی مدت درسلول انفرادی به مشکلات تکلمی و لکنت زبان مبتلا شده است.طبق اعلام پزشکان متخصص،آلودگی محیط زندان،آسیبهای ناشی از اعتصاب غذا خشک وعدم تزریق واکسن پیش از انتقال به زندان،باعث ابتلای او به هپاتیت نوع A شده است.

این اخبار نگران کننده در حالیست که هنوز بسیاری از موارد شکنجه و بیماری و خشونت،از ترس تکرار و بازداشت دوباره و فشار بیشتر بر زبان نیامده و افشا نشده است.

به گزارش کلمه،عضو شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت که روز ۳۰ شهریور بعد از ۲ ماه نگهداری غیرقانونی در سلولهای انفرادی بازداشتگاه شهید کچویی ساری و قریب ۴ ماه حبس در بند مجرمین خطرناک زندان متی کلا بابل،آزاد شده به بیماریهای متعددی که به گفته پزشکان مستقیما در اثر فشارهای جسمی و روحی دوران بازداشت است،مبتلا شده و همچنان تحت درمان است. از جمله فشارهای عصبی ناشی از بازجویی های مکرر و غیر انسانی و نگهداری طولانی مدت در سلول انفرادی به مشکلات تکلمی و بیماری لکنت زبان مبتلا شده.وی سابقه لکنت زبان پیش از بازداشت اخیرش نداشته و با گذشت ۴۰ روز پس از آزادی،لکنت زبانش بهبود نیافته است.

اشکان همچنان نزد متخصصان مغز و اعصاب تحت درمان برای بهبود آسیب تکلمی شدیدی است که در کمتر از ۶ ماه در زندانهای ساری و بابل به آن مبتلا شده است.همچنین در آخرین روزهای زندان و پس از آزادی از درد شدید در ناحیه کبد رنج میبرد که همچنان این درد ادامه دارد. از سویی هم اکنون بصورت جدی تحت درمانهای پزشکی و آزمایشهای متعدد برای درمان بیماری هپاتیت نوع A است.آثاری از بیماریهای خفیف پوستی و گوارشی نیز در بدن اشکان ذهابیان مشاهده شده که پزشکان بیماریهای پوستی ناشی از نگهداری در محیط آلوده و بیماریهای گوارشی و معده درد را ناشی از فشارهای عصبی و اعتصاب غذا دانستند.

او در زندان متی کلا بابل در اعتراض به ممانعت غیرقانونی از آزادی اش و نگهداری در بند مجرمین خطرناک،دو روز قبل از پایان ماه رمضان،اعتصاب غذا کرد.از روز دوم اعتصاب،حالش رو به وخامت گذاشت و بجای دریافت مراقبت پزشکی به سلول انفرادی منتقل و در سلول انفرادی در اثر تشدید بیماریها بیهوش شد.

اعظم طالقانی خطاب به آیت الله خامنه ای؛

از گسترش انشقاق سیاسی جلوگیری کنید

دختر مرحوم آیت‌الله طالقانی در نامه ای خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای از او خواست پدرانه، مدبرانه، و صبورانه و با یک فراخوان عملی از گسترش انشقاق سیاسی جلوگیری کند.

او با بیان اینکه تنها در سایه خرد جمعی است که میتوان ناخدایی کرد و دخالتهای بیگانه را خنثی و ندانم کاریهای عده ای که هزینه های سنگینی بدوش ملت و مملکت تحمیل کرده را ترمیم و اصلاح نمود،افزود:در طول این چندین سال پیچیدگیهایی رو به گسترش بوجود آمد که اداره کشور را به مخاطره انداخته است.شما هم مسئولیت و باور دارید که نه با راه و روش من، نه با راه و روش شما و نه با راه و روش دیگران هیچکدام به تنهایی نمی توان کشتی توفان زده انقلاب را در این دریای متلاطم به سر منزل مقصود رساند. بازنگری در ایدئولوژی و بازخوانی برای کارآمدی آن و بازیابی حقیقت برای بازسازی حرکت امری واجب و ضروری است.

تشدید مشکلات زندانیان زن سیاسی زندان اوین

زنان زندانی که اغلب از معترضین به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بوده و طی دو سال و نیم گذشته،در بدترین شرایط بهداشتی نگه‌داری شده‌اند،در ادامه نابسامانیهای بند سیاسی زنان در زندان اوین،اخیرا پیدا شدن«موش» در اتاقشان،موجب مشکلات جدی برای آنها شده که مواد غذایی و لباس‌های زندانیان را مورد حمله قرار داده است. زندانیان در روزهای گذشته مسئولان زندان را در جریان این مساله قرار داده،اما تلاش برای تمیز کردن اتاق زندانیان و از بین بردن موش‌ها تاکنون بی‌نتیجه مانده است. خانواده‌های زندانیان می گویند:وجود موش در اتاق زنان با توجه به متراژ محدود آن باعث مشکلات عدیده، از جمله آلودگی محیط زندگی آنان شده است.

هم اکنون بیش از ۲۰ زندانی سیاسی زن در زندان اوین نگه‌داری میشوند. زندانیان زن هم‌چنین، مدت‌هاست از امکان هواخوری بی‌بهره هستند.مکان اختصاص داده شده برای هواخوری آنها یک حیاط بسیار کوچک است که امکان راه رفتن چند نفر در آن وجود ندارد. زندانیان زن می گویند که هم‌اکنون بزرگ‌ترین مشکل زنان، عدم وجود هواخوری در بند زنان است. اعتراضات زندانیان و خانواده‌های آنان نیز در ماه‌های گذشته راه به جایی نبرده است. مسئولان زندان اوین در جواب اعتراض‌ها زندانیان گفته‌اند که در صورت ادامه این نارضایتی‌ها به زندان قرچک ورامین منتقل خواهند شد.آنها بیش از یکسال است که از حق تماس تلفنی با خانواده‌های خود محرومند.این درحالیست که بسیاری از زنان زندانی، دارای فرزندان خردسال بوده و به سبب عدم ایجاد آسیب روحی بر فرزندان خود،از آمدن آنها به ملاقات جلوگیری میکنند.

هدفمندی یارانه‌ها ۸ هزار میلیارد تومان کمبود درآمد دارد

طبق اعلام موسی‌الرضا ثروتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس مجموع درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در ۹ ماه شامل ۶ ماه اول امسال و سه ماه آخر سال ۸۹ حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بوده که در این مدت پرداختی یارانه نقدی به مردم ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

او افزود:هدفمندی یارانه‌ها در ۹ ماهه ۱۷.۵هزار میلیارد تومان درآمد و ۲۵.۵ هزار میلیارد تومان پرداختی داشته است.

هم چنین دولت ۸ هزار میلیارد تومان تنخواه از خزانه بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌ها گرفته که باید از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی به خزانه برگشت داده شود.

نامه رخشان بنی‌اعتماد، جعفر پناهی و محمد نوری‌زاد به رییس قوه قضاییه

سه کارگردان سرشناس در نامه به رئیس قوه قضاییه از او خواستند دستور آزادی مجتبی میرطهماسب را صادر کند،از خانواده مستندسازان دلجویی شود و با اشخاص و دستگاهها و رسانه هایی که پیش از احراز جرم، آبروی هنرمندان مستند ساز را ریختند، برخورد قانونی صورت پذیرد.این نامه که به امضای رخشان بنی‌اعتماد، جعفر پناهی و محمد نوری‌زاد رسیده، خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و استیفای حقوق از دست رفته همه زندانیان این دوسال اخیر است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
ویژه نامه
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۶ ، چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین

نامه همسران شهیدان همت و باکری به میرحسین موسوی:

فراموشتان نکرده‌ایم و قدردان زحمات شما و دیگر دوستان دربند هستیم

همسران دو سردار شهید دفاع مقدس، شهیدان همت و باکری، در نامه‌ای به میرحسین موسوی نوشتند: شما چه با سکوت بیست ساله و چه حصر، همیشه پیامتان را می رسانید. و دوستانتان پیام شما را دریافت می کنند. آنها با تاکید بر اینکه میرحسین صادقانه وارد میدان شد و مردمی را که به او اعتماد کرده بودند تنها نگذاشت؛ شهادت سید علی موسوی حبیبی و حصر فعلی موسوی و رهنورد را مصداقی از سختی و رنج آسیب دیدگان پس از انتخابات دانستند.

به گزارش کلمه، ژیلا بدیهیان، همسر شهیدحاج ابراهیم همت، و فاطمه چهل امیرانی، همسر شهید حمید باکری، همچنین یادآور شدند: ما تاریخ صدر اسلام را هنوز به یاد داریم که: مولایمان حضرت علی (ع) برای حفظ دین خدا و رسولش سکوت می کند و امام حسن (ع) با توجه به شرایط جامعه مجبور به قبول صلح می شود. اما وقتی باطل با پررویی لباس حق می پوشد، حرف آخر را امام حسین (ع) با خونش می زند.

این دو همسر شهید، در این نامه همچنین با بیان اینکه "نمی دانیم چه زمانی می توانیم جواب سلام مان را دریافت کنیم" خاطرنشان کردند: "هدف از نگارش این نامه، ماندن در حافظه تاریخی است که ما شما و همسر گرامیتان خانم رهنورد و جناب آقای کروبی و همه خواهران و برادرانی که در دست تنگ نظران گرفتارند، فراموش نکرده و نخواهیم کرد. و ما قدردان زحمات شما و دیگر دوستان در بند هستیم. "

متن کامل این نامه را در ادامه بخوانید:

بسم الله الرحمن الرحیم

«عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً»سوره فرقان۶۳

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به فروتنی راه میروند و چون جاهلان به ناروا خطابشان کنند سلام گویند و در گذرند.

برادر بزرگوار جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

سلام علیکم بما صبرتم

نمی دانیم چه زمانی می توانیم جواب سلام مان را دریافت کنیم. ولی هدف از نگارش این نامه، ماندن در حافظه تاریخی است که ما شما و همسر گرامیتان خانم رهنورد و جناب آقای کروبی و همه خواهران و برادرانی که در دست تنگ نظران گرفتارند، فراموش نکرده و نخواهیم کرد. و ما قدردان زحمات شما و دیگر دوستان در بند هستیم. دوستانی که قریب به اکثریت با نیت اصلاح امور ورفع مشکلات، نواقص موجود در اداره کشور را متذکر شدند. ولی افسوس که برنده ظاهری این میدان اقتدارگرایان و متملقین بودند. و شما را در بند کردند!!

برادر گرامی

خوش به حال شما، که همواره با انتخاب به موقع در برهه

های تاریخی در کنار مردم قرار گرفته اید و از آنها حمایت کرده اید. حضور و مدیریت شما در جنگ تحمیلی را فراموش نخواهیم کرد. مردم ایران قحطی دامنگیر پس از جنگ دوم جهانی را به یاد داشتند که شما با ایستادگی در برابر افرادی که اقتصاد آزاد و بازار آزاد را طلب می کردند، توانستید ارزاق عمومی را در اختیار مردم قرار دهید. و مانع فرصت طلبان و سود جویان شدید. حمایت مردم از امام و رزمندگان و دولت و پشتیبانی شما از نیروهای مسلح، باعث شد دشمن متجاوزبه اهداف خود نرسد. به یاد دارم که شهید مهدی باکری نقل قولی از یک فرد محلی را گفته بودند که "وقتی عراقیها از مرز وارد شدند سوال کردم کجا می روید فرمانده عراقی جواب داده بود ناهار اندیمشک شام خرم آباد" و ما به شوخی می گفتیم ناهار فردا تهران!!!

و خنده دار آنجاست که برخی مدیریت وضع فعلی کشور (با درآمدهای نفتی و غیره) را با مدیریت زمان شما مقایسه می کنند!!!!!

برادر ارجمند

بعد از اتمام جنگ تحمیلی و رحلت حضرت امام بسیاری از فرصت طلبان در پی فرصت های از دست رفته شان و یا غنیمت جنگی دنبال طراحی و برنامه ریزی برای بدست آوردن قدرت بودند و در آن فضا شما مجبور به سکوت شدید و نظاره گر کسانی که در زمان امام فرصت پیدا نکرده بودند، قدرت را در دست بگیرند و سازهایشان را کوک کنند که صدایش سال ۸۴ در آمد.

شعار دادن های پوشالی آغاز شد. گفتند که نرخ بهره یک رقمی می شود نفت بر سر سفره ها می آید و... و جماعتی از مردم به امید زندگی بهتر باز شعار ها را باور کردند. و کسانی که در زمان جنگ در خارج از کشور به تحصیل و زندگی مشغول بودند و یا در گوشه کنارهای جنگ در محل امن منتظر موقعیت بودند، به مدیریت کشور منصوب شدند. و قیافه ما در این سالها دیدنی بود، ما که بعد از یک عمر شعار دادن به انتظار شعور نشسته بودیم، ما که غیر از خون عزیزترین کسانمان، اشک خود و فرزندانمان را به پای آرمانهای جمهوری اسلامی، نه جمهوری خالی که می شود در هر کجایی تشکیل شود، ریختیم تا اسلامی که موجودیتش برای احیاء اخلاق و رشد و تعالی روح انسانها ست، حافظ استقلال و امنیت و آزادی مردم ایران باشد. اما شاهد بودیم که دیگر در جمهوری اسلامی هدف وسیله را توجیه می کند. و می توان دروغ گفت، از رمالی و اسطرلاب برای اداره کشور بهره برد. انسانها خریدنی شدند و کرامت انسانی متاعی شد دست نیافتنی. در این مدت برای اثبات حقانیت خود نه تنها آینده را درست نکردند بلکه گذشته ای که هنوز بخشی از آن برای ما غرورآفرین بود را از ما گرفتند. همه عملکرد دولت های قبلی اشتباه خوانده شد. از دید آقایان شهداء منحرف و مسئولین دزد بودند. با دروغ هایی که شبانه روز می شنیدیم، به شعور ما توهین می شد. تشویش اذهان عمومی مصداق بارز اعمال و گفتار آقایان در آن سالها بود. دزد ها را نگرفتند و این طور که بویش می آمد همه دزد بودند و فقط بعضی امکاناتش را نداشتند. اما ما مثل شما اتفاقات امروز را فریاد کردیم ولی حتی دوستان هم نشنیدند و شاید مصلحت نبود که بشنوند!!

با اعلام آمادگی شما برای شرکت در انتخابات، چون شما را فردی با تجربه و معتقد به اصول اخلاقی و مقید به استفاده از ابزار عقل و اهل مشورت می شناختیم، می دانستیم که شما می توانید جامعه ایی که با دروغ ها گروه گروه شده بود را متحد سازید. و صادقانه وارد میدان شدید و مردمی که به شما اعتماد کرده بودند را تنها نگذاشتید. شهادت خواهرزاده عزیزتان و حصر شما و خانم رهنورد مصداقی از سختی و رنج آسیب دیدگان پس از انتخابات بود.

و اما حال این روزهای ما همانند آن مادری است که در دادگاه وقتی فرزندش مدعی دیگر پیدا می کند به خاطر سلامت او ظاهرا از ادعایش دست بر می دارد، ولی امید دارد که قاضی عادلی پیدا شود .... در ضمن ما تاریخ صدر اسلام را هنوز به یاد داریم که: مولایمان حضرت علی (ع) برای حفظ دین خدا و رسولش سکوت می کند و امام حسن (ع) با توجه به شرایط جامعه مجبور به قبول صلح می شود. اما وقتی باطل با پررویی لباس حق می پوشد، حرف آخر را امام حسین (ع) با خونش می زند.

اما برادر گرانقدر! شما چه با سکوت بیست ساله و چه حصر، همیشه پیامتان را می رسانید. و دوستانتان پیام شما را دریافت می کنند.

در پناه خدا باشید.

ژیلا بدیهیان (همسر شهیدحاج ابراهیم همت)

فاطمه چهل امیرانی (همسر شهید حمید باکری)

۹۰/۹/۱۳

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
ویژه نامه سه صفحه
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۷ ، شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

ترسیم فضای فاجعه بار و اسفناک کشور در نامه چهاردهم نوری زاد به رهبری

سلام به رهبر گرامی حضرت آیت الله خامنه ای

از دیرباز، همه ی ما را بر این اصل اساسی متقاعد کرده اند که: پرنده ی مرگ، یک به یک ما را برخواهد چید و به وادی دوری که خود می داند کجاست، خَواهد بُرد. در این میان، استثنائی در کار نیست. همه رفتنی هستیم. ما کمی زودتر و شما کمی بعد از ما. پس، قبول می فرمایید که رهبران نیز می میرند. گاه چون چوپانان: غریبانه، گاه چون مصلحان: سرفرازانه، و گاه چون صدام و قذافی: تلخ و مفتضحانه. مرگ، نشانه ی همواره ی بشرِ تاریخ بوده است تا او به حتمی بودن کوچ این جهانی خود وقوف یابد و زندگی اش را با این غریو بزرگ هماهنگ کند. پا به پای مرگ، غفلت از مرگ نیز دست بکار برآوردنِ هوس ها و آرزوهای تمام نشدنیِ بشر بوده است.

گاه به این می اندیشم که اگر غفلت نبود، بشرِ تاریخ با تماشای اولین جنازه ی همنوعش، به غار تنهایی خویش فرو می خزید و همه ی عمر خود را در ماتم مرگی که در کمین اوست سپری می کرد. اگر غفلت نبود، معنایَ زندگی این می شد: به دنیا آمدن برای از دنیا رفتن.

نیزبه این می اندیشم که فزونی و همه زمانیِ غفلت، بشرِ تاریخ را از آنسوی بام زندگی اش به زیر انداخته. بشرِ غافل، آنچنان به فرو بردن دنیای اطراف خود حریص است که زندگی را تنها در: به دنیا آمدن برای بلعیدن، معنا می کند. پیامبران الهی، خون دلها خوردند تا به این بشرِ سیری ناپذیر بفهمانند: درمیان بایست!

ما و شما به آدمیانی برمی خوریم که تا بیخ مرگ، نه به مرگ می اندیشند و نه به زشتکاری های خود. اینان، آنچنان به تباه کردن زندگی خویش و به خراشیدن زندگی دیگران اصرار می ورزند که گویی تا جهان باقی است باقی اند. طوری که انگار نه تنها اختیار همه، که اختیار مرگ نیز با آنان است. کسانی که به مرگ نمی اندیشند و خود را ابدی می پندارند و برای بلعیدنِ هرچه بیشتر، دست به دنده ی دنیا می برند، به کارهای مشابهی فرو می شوند: این جماعت، از تباه کردن حقوق مردم که نه، از تلف کردن خود مردم نیز پروا ندارند. مردم برای این جماعت، گوسفند و ابزار و سیاهی لشکر و پخمه و بدون حق اند. همه را به هر آنچه که خود می پسندند مشتاق می کنند. تشخیص فردی خود را بر فرازِ هرچه عقل و اندیشه ی جمعی است می نشانند. هرگز از بروز و ظهور تباهیِ های ناشی از خود محوری هایشان عبرت نمی گیرند. و حتی با برآمدن یک فاجعه، دامن برمی کشند که: نگفتم چنین مکنید؟! اینان بر عقب ماندگی ها سرپوش می نهند. مردم را در شعار، و در پوکی کارهای خود غلت می دهند. به هنگام شکست یا ورشکستگی، ملتمسانه دست دشمنی را که در خیال پرورانده اند می گیرند و می کشند و او را برای ترمیم کارهای خلافشان به رویارویی و ستیز می خوانند.

مباد آنچه از خصوصیت غافلان برشمردم، با حضرتِ خود مطابق فرمایید! نخیر، اینها که گفته آمد، به کسانی مربوط است که مستغرق دنیایند و هیچ به مرگ نمی اندیشند. ما و شما را اما از همان بدوِ کودکی، به مرگ اندیشی و ظلم گریزی و پاکدستی آموزش داده اند. پس این مشترکات را به دیگرانی وا می نهیم که با آموزه های ناب دینیِ ما نا آشنایند. با این همه، دوست دارم از باب دوستی، دست شما را بگیرم و جناب شما را به تماشای فردایی ببرم که عن قریب در کمین ما و شماست. می خواهم پرنده ی زیبای مرگ را بر بام خانه ی حضرت شما بنشانم. می خواهم با چشم من به پایان کار این جهانی و آن جهانیِ خویش بنگرید. پس بربخیزید و دست مبارکتان را به من بدهید:

۱ – به روزی بیاندیشید که گویندگان شبکه های رادیویی و تلویزیونیِ ما با صدای بغض آلود می گویند: " انا لله وانا الیه راجعون". به محض دَرپیچیدن این صدا، مردمان ما – از هرقشر و طایفه – مابقی سخن گویندگان را فهم می کنند. من دراین سفر، بنا ندارم شما را به تماشای سوز و آه و سیاهپوشی میلیون ها عزادار ایرانی ببرم. و یا به تماشای تشییع با شکوه پیکرتانَ. بل شما را به تماشای عبورِ شهاب

گونِ خیالاتی می برم که با همان " انا لله" اولیه، به ذهن بزرگانی چون آقایانَ مصباح یزدی و مکارم شیرازی و نوری همدانی و هاشمی شاهرودی و برادران لاریجانی و احتمالاً جناب جنّتی می دود. اینان از همین اکنون، و در تجسم آن احتمال حتمی، خود را یکی از گزینه های رهبری بعد از شما می دانند. و حتماً هم به تأسی از جناب شما، خواهان اختیارات فراوانِ دوران طویلِ رهبری شمایند.

۲ – اجازه بدهید پیش از تجسم مابقی داستان، صادقانه بگویم: من شخصاً حضرت شما را برای رهبری کشورمان از همه ی روحانیان و غیر روحانیانِ مصدرنشین، از روحانیانی چون مصباح یزدی و مهدوی کنی و جنتی و شیخ محمد یزدی و حتی ازهمه ی مراجع فعلی مناسب ترمی دانم. جناب شما از نگاه من، فردی هستید نطاق، اهل مطالعه، هنرشناس، هنردوست، اهل سیاست، شجاع، پرکار، زیرک، باهوش، پرحافظه، پیگیر، عالم، و با خصوصیاتی اینچنین قابل اعتنا. با همه ی دارایی هایی که شما دارید و با هر آنچه که دیگرانَ ندارند، حال و روز ما این است که می بینیم: ورشکسته و از هم گسسته. وای به روزی که مثلاً جناب آقای مصباح یزدی بر سریر رهبریِ ما جلوس فرمایند. حال و روز ما با آن نگاه ویژه ای که ایشان به جایگاه ولی فقیه دارند و حتماً برای رهبری خویش به کمتر از اختیارات خودِ خدا نیز رضایت نمی دهند، تماشایی است. شاید به همین منظور بوده است که وی از سال ها پیش به این سوی، زیرکانه شاگردان خود را به هر کجای سپاه (کانون قدرت و ثروت) تزریق فرموده اند. باور کنید تجسم این فردای هول انگیز، ما را به دعای شب و روز برای دوام عمر و بقای مستمرِ شما فرا بُرده است.

۳ – درباره سپاه، خود بهتر از همه ی ما می دانید که بدنه اش پاک و شریف است و این بدنه ی پاک، به شدت از کارهای خلافی که آن جماعتِ رأس نشین سپاه بدان مشغولند، متنفر و منزجر است. و چون فضایَ داخلی سپاه از هر مجموعه ای بسته تر و خفه تر و خوفناکتر است، کسی را از بدنه ی سپاه، امکان شکایت و اعتراض نیست. پس هرکجا سخن از سپاه می گویم، غَرَضم همان رأس نشینان فربه از مال حرام است. جماعتی که بر کوهی از پول و اسلحه خیمه بسته اند و به هیچ دستگاهی نیز پاسخگو نیستند. این تشکیلات سیری ناپذیری که شما به اسم سپاه آراسته اید و به هر کجای ما نفوذش داده اید، مگر به این سادگی ها در برابر رهبر آینده سرخم می کند؟

۴ – بعد از وفات جناب شما، رأس نشینان سپاه، اجازه می دهند: خبرگان کهنسال به غوغای خویش فرو شوند و به هرکس که خود مشتاق اند، رأی بدهند. سپاه می داند: خروجی خبرگان باید از گذرگاهی بگذرد که او برای رهبر آینده تدارک دیده است. این گذرگاه، به اسلحه و به حساب بانکی سپاه ختم می شود. به فرض که خروجی خبرگان آقای مصباح باشد، یا آمیزه ای از آن چند نفری که برشمردم، آیا گمان شما بر این است که سپاه در برابر اینان به اطاعت روی می بَرَد؟ هرگز. سپاه، رهبری آینده را – هرکس که باشد و هرکسانی که باشند – موم دست خود می خواهد. به همین خاطر، آقای مصباح یا شورای رهبری، بیش از خود شما به سپاه میدان که نه، باج خواهند داد تا رضایت او را برانگیزند و دل او را به دست آرند. فلاکت مردمان ما از همینجا بالا می گیرد. نیک بنگرید! آیا این همان سرنوشتی است که برای مردم ایران تدارک دیده اید؟

۵ – وادی مرگ ، وادی جولانِ ارواح ما آدمیان است. همان عرصه ای که پرده های دنیاوی از پیشِ چشم ما مردگان پس می رود. ارواح مردگان، از بُعدهای محدود دَنیا، به دنیای بدون بُعد برزخ و آخرت دخول می کنند. همان معرکه ای که به زمان و طول و عرض و ارتفاع محدود نیست. در آنجا مردگان ای بسا بتوانند به روزی بنگرند که به دنیا آمده اند، و یا به روزها و ماه هایی که به مرور رشد کرده اند، و یا آنجا که به کهنسالی و مرگی ناگهانی درافتاده اند. شاید بتوانند به فرداها نیز بنگرند. و نتیجه ی اعمال خود را بر نسل های آینده تماشا کنند. پس گذشته و حال و آینده، پیش چشم ما مردگان است. موافقید آیا به چند صحنه از گذشته و آینده ی خویش بنگریم؟

۶ – می بینم سربه سمتِ دویست سال آینده ی کشورمان گردانده اید و به بازی پرهیاهوی جمعی از بچه های پا برهنه خیره مانده اید. می بینید که بازی می کنند. با دو توپ گِرد. در این غوغای کودکانه آیا چیز خاصی توجهتان را جلب کرده؟ اگر مشتاق تماشای بازی این بچه های ژنده پوش هستید، من شما را به همین جا بازمی گردانم. فعلاً بروید. می خواهم با هم به گذشته بنگریم و چند برگ از دوران رهبری شما را ورق بزنیم.

۷ – روزهای نخستِ رهبری شماست. امام خمینی آنچنان بستر مناسبی برای رهبری شما فراهم آورده است که همه ی گرایش های سیاسی کشور بی چون و چرا سربه اطاعتِ جناب شما دارند. همه از هر کجا به شما تبریک می گویند. و شما به تعارف، به همه می فرمایید که دل به رهبری ندارید و تنها به اسلام و عزت مسلمین می اندیشید. همه ی دنیا فهمیده است که شما حداقل تا پنج یا ده سال آینده رهبرید. اما این برای دوستان شما که رهبری شما را مادام العمر می خواهند کافی نیست. نگرانی آنان به این است که مبادا جماعتی به مجلس خبرگان دخول کنند و چشم به فرد دیگری بگردانند و سخن از ضعف های احتمالی شما برانند. و یا بنا به دلایلی که قانونی است، رهبری شما را در پنج سال و ده سال بعد، پایان یافته تلقی کنند. دوستان شما دست بکار می شوند و داستان نظارت استصوابی را باب می کنند. تا داوطلبان ورود به مجلس خبرگان، تنها از آن دروازه بگذرند. دروازه ای که حتما رو به شخص شما گشوده می شود و رو به شما نیز بسته می گردد.

این از گذشته، حالا یک نگاهی به آینده بیاندازید. اگر شما به قانون تن می سپردید و فضا را برای حضور دیگران فراهم می آوردید، ایران و ایرانیان حال و روز بهتری می داشتند. می بینید؟ این، ایران فروشکسته ای ست که شما با رهبریِ مادام العمرِ خود برآورده اید، و آن، ایران متعادلی ست که دیگرانَ می توانستَند برآورند اما شما و دوستانتان مانع شدید.

۸ – از همان ابتدای رهبری، ترجیع بند سخنان شما، دشمنی با آمریکا بود. از این زاویه ای که ما مردگان ایستاده ایم، ذات هرسخن پیداست. می بینید که این دشمن دشمنی که شما درطول رهبری خویش فرمایش می فرمودید، بیش از آنکه به آمریکا و شرارت های آن مربوط باشد، به نیاز روانی یک جامعه ی جاهل و بیمار مربوط بود. شما به دشمنی با آمریکا نیاز داشتید. نه به آن خاطر که او مانع رشد مردم و شکوفایی کشورمان می شد. بل به این دلیل که ارتباط با او، ناتوانی ما و شما را برملا می کرد. و این ناتوانی، چه خوب که در سایه ی " آمریکا نگذاشت و گرنه، تهاجم فرهنگی کرد و گرنه، اختلافات داخلی ما را مدیریت کرد وگرنه، همه را علیه ما شوراند وگرنه، اجازه نداد اسلام آنگونه که ما می خواهیم به صحنه آید

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۷ ، شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ترسیم فضای فاجعه بار و اسفناک کشور در نامه چهاردهم نوری زاد به رهبری

ادامه از صفحه ی یک ...

وگرنه، دانشگاههای ما را ویران کرد وگرنه،..... به حاشیه افتد و دامان ما و شما را از بی کفایتی ها بدر ببرد.

۹ – خوب بنگرید، شما درست به همان راهی رفتید که پادشاهان و حاکمان تاریخ به برکشیدن هواداران بی تدبیر، و برنشاندن آنان برسرمسئولیت ها اصرارمی ورزیدند. اغلب امامان جمعه و نمایندگان و مدیران و وزرای منصوب شما هیچ سخنی و هیچ خاصیتی نداشتند الا جانبداری بی چون و چرا از جناب شما. شما متعمدانه چشم از نخبگان و اندیشمندان و باسوادان و دلسوزان کشور بر گرداندید، و آن سوتر از نخبگی و شایستگی، کسانی را به نمایندگی برگزیدید که پایه های برقراری شما را استحکام بخشند. گرچه این منتخبان، پخمه و ناکارآمد و بی سواد و عبوس و ناشایست باشند و روز به روز نیز مردمان و مخاطبان را از حوالی ما و شما و انقلاب فراری دهند. از همین بالا به ایران تباه شده ای بنگرید که نمایندگان هوادار شما با دخالت های بی دلیل و ناشیانه ی خود برآورده اند. حالا سربگردانید و به ایران آبادی بنگرید که اگر نمایندگان شما، فهیم و هوشمند و نافذ و وطن دوست و کارشناس و کارآمد و مدیرو منتقد و معترض و صریح می بودند. می بینید اشتباه شما کجا بود؟ شما به آن کسی که چاپلوس و بی سواد و ناشی بود اما نماز و هواداری اش را به رخ می کشید، بهای فراوان دادید، و کسی را که کارآمد و فهیم و منصف و هوشمند بود اما بی نماز و منتقد، از گردونه ی حضور به دور انداختید و حتی کاری کردید که او آسیب و رنج غربت را برخود هموار سازد و به دیاری دور گریز کند.

۱۰ – از همین بالا به ایرانیان مهاجری بنگرید که در دوره ی رهبری شما آواره ی جهان شدند. به سوز آنها و به نفرین ها و اشک های آنان خوب نگاه کنید. شما سالها بی تفاوت بر جایگاه رهبری خود نشستید و تحقیر ایرانیان مهاجر را تماشا کردید. هر کشوری، آری هر کشوری، جانانه از حقوق مردمان مهاجر خود صیانت می کند. ما اما با احاله ی توهین ها و بی وطنی ها و ناسزاهای کیهانی به مهاجرانمان، به کشورهای میزبان خط دادیم که هرچه می توانند بر ایرانیان گریز کرده سخت بگیرند و مطمئن باشند که ما یک "چرا" از آنان نمی پرسیم.

شما دلیل باطنی این که ما چرا فضا را برای فرار آن همه ایرانی و بویژه برای ایرانیان متخصص و کاردان فراهم کردیم، و همزمان، دلیل انزوای نخبگان و شایستگان داخلی را نیک می دانید: قامت ما کوتاه بود و سربلندان نباید در اطراف ما پرسه می زدند. و البته به این کوتاهی قامتمان، غوغایی از رنگ اسلامخواهی و اسلام گستری افشاندیم. که یعنی ما اگر بر مردمان خود سخت می گیریم، غم اسلام داریم. و این که: مسلمانی، آدابی دارد. هرکه به این آداب مؤدّب نیست، فی امان الله. و هرچه توانستیم بر سرمهاجرین خود کوفتیم که: آنان خواستار فاحشگی اند و ما را فاحشگی نیست. البته از همینجا می بینید که شخص شما بیش از دیگران از آمار فاحشگی های واقعی خبر داشتید. از اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی و تن فروشی دخترکان، تا هرزگی های پنهان و آشکارمسئولان طراز اول و طرازچندم کشور. نیز می بینید که این آسیب هول انگیز، هیچ به دخالت آن دشمنی که پای ثابت شعارهای شما بود، ربط ندارد. حالا سربه اینسوی بگردانید. و به ایران آباد و پویا و رشد یافته ای بنگرید که ما اگر به متخصصان و مهاجران فهیم و وطن دوستمان بها می دادیم، بدان دست می یافتیم. می بینید این ایران چه سرفراز و خواستنی است؟ حالا نگاهی به ایرانی بیاندازد که شما با داستان خودی و ناخودیِ خود برآوردید.

۱۱ – به چه می نگرید؟ به توپ بازی آن پسرکان ژنده پوش؟ به آنان سرخواهیم زد. فعلا سری به سلول های انفرادی دوران رهبری شما بزنیم. می بینید؟ عده ای به هردلیل اینجا زندانی اند و در خود مچاله شده اند. من پیش از این نیز در باره ی ماموران وزارت اطلاعات با شما سخن گفته بودم. این که: عمده ی کارکنان این دستگاه، مثل سپاه، درستکار و زحمت کشند. اما قلیلی که اختیار کلی این دستگاه با آنان است، پلید و نفرت انگیز و هیولایند. وشما آقا جان از هیولا بودن این ماموران خبرداشتید. ومی دانستید که آنان با متهمین چه می کنند و چگونه آن اسلام گمشده را در این تنگناهای بلاتکلیفی به صحنه می آورند. وقتی حفظ نظام را از اوجب واجبات دانستیم، بدیهی است که تفسیر این وجوب، درهراره و دستگاهی به معنی مستقلی می انجامد. اگر موافق باشید به یکی دوتا از این حفظ نظام ها سربزنیم تا بدانیم هیولاهای وزارت اطلاعات با متهمین چه می کنند. نه نه، قصد من سرزدن به این سلول نیست. بگذارید این چهارهیولا کار خود را بکنند. آنان با فرو کردن کله ی "حمزه کرمی" به داخل کاسه ی مستراح، مشغول حفظ نظام اند. مزاحم کارشان نشویم. در سلول مجاورنیز برادران برای حفظ نظام و برای به زانو درآوردن یکی از رقبای سیاسی شما، فیلمی را که مخفیانه از اتاق خواب او گرفته اند نشانش می دهند و او را به انتشار آن فیلم تهدید می کنند. برویم آقا جان، من هم مثل شما دارد حالم بهم می خورد.

شما اگر بجای آقایان موسوی وکروبی بودید، دوست داشتید با شما چگونه رفتار می کردند؟ حتماً به انصاف و عدل. پس چرا با این دو، بد کردید و نام خود را در امتداد نام حاکمان عبوس و تند خو ثبت فرمودید؟

۱۲ – متهم یک دختر جوان است. دانشجوست. او را با چشمان بسته به سلول کوچک بازجویی می برند و بریک صندلی رو به کنج دیوار می نشانند. کمی بعد جناب بازجو داخل می شود. دختر جوان به احترام او نیم خیز می شود. بازجو با لفظ " بنشین پتیاره" او را برجای خود می نشاند. دختر جوان یکی دو پرسش بازجو را با احترام پاسخ می گوید. بازجو با این عتاب که: " با من لفظ قلم صحبت نکن سلیطه "، عمق شخصیت خود را به دختر جوان می شناساند. اتهام دختر چیست؟ اعتراض دانشجویی در دانشگاه. پس چرا مرد بازجو راجع به اولین تجربه ی جنسی دختر می پرسد؟ این یک شگرد همیشگی است، با دو خروجی پُرفایده. شگردی که هم به شکستن شخصیت متهم می انجامد، وهم برای فرد بازجو حال وهوایی فراهم می کند. دختر با شرم انکار می کند. اما فحش رکیک مرد بازجو، لرزه براندام دختر می نشاند.

پس چرا رو برگرداندید آقا جان؟ خوب نگاه کنید. اینها گوشه های کوچکی از روال جاری دستگاه اطلاعاتی ما و شما بوده است. ای امان از کنج ها و گوشه هایی که هیچ صدایی و هیچ نشانی از آنها به ما نرسید و کسی از هول و هراس و سوهانی که به روان متهمین کشیده می شد، خبر نگرفت. چاره ای نیست. باید به پرسش این هیولا پاسخ گفت. بله، یکبار بوده. بگو! چه بگویم؟ ریز به ریزآن تجربه را برای من شرح بده! چرا ریز به ریز؟ من که گفتم یکبار بوده. حرف زیادی نزن هرجایی کثیف! باشد، می گویم. پسری بود.... دختر می گرید. هیولا لگدی به صندلی او می زند. دختر که سخت دلتنگ آغوش گرم مادر و مهربانی های تمام نشدنی پدر است، می لرزد. صدای محزون اما شوخ پدر به جانش می دود: " آهای مردم، مواظب باشید، این دخترمن خیلی شکننده است. نازک تر از گل به او نگویید. من او را لای زرورق بزرگ کرده ام". باشد، می گویم. رفتیم به جای خلوت و ....

درآن سلول کوچک، هیولا از شنیدن و تجسم جزییات اولین تجربه ی جنسی دختر، سخت کیفور است. و دختر، خیس شرم. چه می گویم؟ جنازه ای است که نیم نفسی با اوست. این بازجویی هفت ساعت به درازا می انجامد. شش ساعت آن، ذکر جزء به جزءِ همان اولین تجربه است. هشت ماه بعد که دختر از زندان آزاد می شود، پیر شده است. خودتان می بینید که آقا جان!

۱۳ – حالا با هم به سلولی برویم که خود من – محمد نوری زاد– با چشمانی بسته، گرفتار هیولای دیگری هستم. این هیولا بعد از ضرب و شتم و باریدن ناسزا بر من و برتک تک اعضای خانواده ام، به فهرستی اشاره می کند که درآن، به بریدگان از سیدعلی اشاره شده. هیولا با صدای نکره اش می گوید: فهرست من می گوید: هرکه با سیدعلی درافتاده، خانواده اش، وخودش، بلحاظ اخلاقی از دست رفته اند. ومی گوید: عمده ی این آدمها از اصلاح طلبان هستند. وادامه می دهد: اسم تورا هم به این فهرست اضافه کرده ام. خانواده ی تو هم از دست رفته. این از خودت، آن از زنت، آن از دخترانت، آن هم از پسرانت. این خانواده است که تو داری؟ می گویم: من هم یک چند نفری سراغ دارم که اوضاع خانواده شان به هم ریخته. ببین آیا آنها نیزبا سیدعلی مشکل داشته اند؟ می غرّد که: بگو! می گویم: جناب آدم و حوا. دوپسرداشتند. یکی زد دیگری را کشت. ببین اینها با سیدعلی مشکل نداشته اند؟ یا جناب نوح(ع)، که درقرآن، هم زنش هم پسرش بدنام اند. ببین جناب نوح هم با سیدعلی مشکل داشته؟ یا جناب لوط. که اسم زنش در قرآن بد دررفته. اوچه؟ اوهم با سیدعلی مشکل داشته؟ یا پیامبرخودمان. که همسرش درجنگ جمل حضوریافت. یا امام حسن(ع). که با زهرهمسرش به شهادت رسید. یا این اواخر، خود امام خمینی که نوه اش را تبعید کرد. یا آقایان طالقانی و گیلانی و مشکینی و جنتی و خود حضرت آقا که شوهر خواهرش به عراق پناهنده شد؟ اینها همه با سیدعلی مشکل داشتند؟

۱۴ – گرایش های سیاسی، گاه با اعتراض می آمیزند. این یک واقعیت است. و نیز کاملاً قانونی. اما می بینید که در اتاق آقای رییس، سخن از"خفه کردن اعتراض در نطفه" است. دراین اتاق، اسم چند نفر برای سربریدن، واسم عده ای برای مفتضح شدن برسرزبان است. مأمورانی که برای سربریدن عجله دارند، با شتاب برای انجام تکلیف الهی خویش بیرون می دوند. حالا مانده اسم یکی از سایسیون معترض. آقای رییس می گوید: می خواهم آنچنان زهر چشمی از او بگیرید که تا فیها خالدونش نفوذ کند. آقای معاون به او اطمینان می دهد: یک فیها خالدونی نشانش بدهم که در داستانها بنویسند. چگونه؟ دونفر ازلمپن های اداره را خبرمی کنند. فلانی را می شناسید؟ بله، خوب هم می شناسیم. می خواهم ساعت دو نیمه شب، بروید بالای سرش. حالا چرا دو نصف شب؟ اینجوری بهترید فیها خالدونش اثر می کند. چشم. دو نصف شب می رویم بالا سرش. از بغل زنش او را می کشید بیرون و جلوی زن وبچه اش می تپانید داخل گونی و می آوریدش اینجا! ای بچشم. ساعت دو نیمه شب است. بی سروصدا داخل می شوند. مرد سیاسی، در کنار همسرش خفته است. دستی با شتاب لحاف را پس می زند. زن بیدار می شود. دو مرد قلچماق، گونی را برسر مرد سیاسی می کشند. زن جیغ می کشد اما به سیلی یکی از لمپنان به گوشه ای پرتاب می شود. بچه ها وحشت زده سرمی رسند. مرد لمپن و همکار قلچماقش با نگاهی به زن و بچه ها که مثل بید می لرزند گونی به دوش بیرون می روند. به همین سادگی! می بینید آقا جان؟ یک پرسش!؟ در دوران رهبری شما، چه تعداد از این گونی ها پُرو خالی شده باشد خوب است؟ باز که به سمت آینده و به توپ بازی آن پسرکان ژنده پوش سرچرخاندید!

۱۵ – آقا جان، دراین صحنه ها که می بینید، پاسداران و برادران مشغول دزدی اند. پاسداران از اسکله ها و مناقصه ها و سهام مخابرات و معادن و هزار فرصت اختصاصی، وبرادران هم به سهم خود از هرکجا. اینجا که می بینید خانه ی متهمان سیاسی و غیر سیاسی است. دراین صحنه ها، هم دزدان اداره ی اطلاعات سپاه و هم دزدان وزارت اطلاعات، وسایل مردم را از خانه هایشان برداشته اند ومی برند. اینجا هم خانه ی خود من است که برادران و سپاهیان مشغول دزدی از خانه ام هستند.

کاش دست وزیر اطلاعات ودست آقای طائب را می گرفتید و با هر سخن، یک به یک انگشتانشان را خم می کردید و چشم در چشمشان می فرمودید: آقایان، یک این که دزدی با هرعنوان و باهرنیت، حتی برای حفظ نظام، دزدی است. وچی؟ فعلی است حرام. دو این که وسایل نوری زاد و دیگران را دوسال است برداشته اید و برده اید، چرا به آنها برنمی گردانید؟ ای شماهایی که اسم سیدعلی از دهان و زبانتان نمی افتد، اگربه آبروی خود بها نمی دهید، به فکر آبروی من باشید. سه این که: این کامپیوترها، یک قطعه ای دارند که کارحافظه را انجام می دهد. درعرض یک ساعت می شود همه ی حافظه ها را به یک جای دیگر منتقل کرد و اصل دستگاه را به صاحبش برگرداند. شماها که زیروبالای این حافظه ها را روبیده اید، پس چرا به اسم سیدعلی، آبروی سیدعلی را می برید. چهار این که: شما وقتی اموال مردم را به امانت می برید و برنمی گردانید و یک جوری که خودتان بهترمی دانید آنها را بالا می کشید، به دزدان دیگرمی فهمانید که: اینجا جمهوری اسلامی است و می شود با صدای بلند عربده کشید: گور پدرمردم و اموال مردم. پنج: آقایان، اگر هم بنای دزدیدن دارید و نمی توانید جلوی این خصلت متداولتان را بگیرید، حفظ آبروی مرا بکنید. مثل همین کاری که سران سپاه می کنند، بروید آن گوشه و کنارها تا کسی شما را در حال دزدی نبیند. وشش و هفت و هفتاد: .....

۱۶ – اینجا حوزه ی علمیه است، در هرکجای ایران. خصوصیت حوزه های ما در طول تاریخ به این بوده که وامدار حکومت ها نباشند. درخودشان هزار خیر و هزار مفسده می پرورانند اما نمک گیر حکومت نمی شدند. به همین دلیل نیز همیشه خارچشم بودند. شما اما چه کردید؟ همه ی حوزه ها را و همه ی روحانیان را یا به جانبداری از خودتان مجبور فرمودید، یا به منبرها و زبانشان قفل بستید. می بینید آقا؟ درتمام کشورمان یک منبرآزاد نمی بینید. حالا سربگردانیم و به وادی تجسم نظرکنیم. اینجا ایرانی است که روحانیان آن آزاد و منتقد و عالمند. ایرانی که درآن روحانیان اندیشمند و نه پخمه، برکشیده شده اند. به رشد مردم توجه می فرمایید؟ می بینید این روحانیان – به سهم خود – به چه توفیقی در اصلاح جامعه دست یافته اند؟ می بینید نگاه مردم به خدا و دین او چه درست و منصفانه است؟ خدایی که دوست داشتنی است. خدایی که درکنار مردم است. خدایی که بلوکه ی حکومت نیست. ودینی که مردم را از همین زمین، به غواصی در آسمان فرا بُرده است. حالا به ایران

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۷ ، شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ترسیم فضای فاجعه بار و اسفناک کشور در نامه چهاردهم نوری زاد به رهبری

ادامه از صفحه ی دو ...

حالا به ایران خودتان بنگرید. خداوکیلی، این همان سلامت و صلابتی است که شما از روحانیان آرزو داشتید؟ می بینید چه آشوبی درکار روحانیان و مراجع و حوزه ها فرو فشرده ایم؟ ما مردگان، در یک نظرسریع می توانیم به کل گذشته نظر بیاندازیم. درکل گذشته، آیا بودهَ روزگاری که روحانیان به این همه حقارت صنفی درافتاده باشند؟ مشاهده می فرمایید که نه. نبوده.

۱۷ – با هم به دیدارآقای نوری همدانی برویم. سه چهارنفراز نمایندگان مستقل مجلس، دوستانه به ایشان متذکر می شوند: آقا، از بیانات شما افراط گونه استفاده می شود. بیانات شما افراط گونه استفاده می شود. یک عنایتی هم به مشکلات مردم، به آزادی، به دخالت های بی دلیل دستگاهها درکار روزمره ی مردم بفرمایید. به اشاره ی آیت الله، همه به زیرزمین خانه می روند. ظاهراً درزیرزمین خانه شنودی در کارنیست. در آنجا، حضرت آیت الله لب به سخن می گشاید: آقایان، من کاره ای نیستم. شعار کوثری می نویسند و به دست من می دهند که : همین را جلوی دوربین صداوسیما بگو. عمده ی حرف های مرا به من دیکته می کنند. و ادامه می دهد: جوانک پاسدار که از نوه ی من کوچک تر است، رخ به رخ من می ایستد و به من می گوید: تو، کاره ای نیستی! مرا ترسانده اند آقایان. به این که آبروبت را می بریم و پولی هم به حساب بیتت نمی ریزیم.

۱۸ – به بیت سایر مراجع و علما سربزنیم. می بینید با مدیریت دوستان ما وشما و به لطف زیرکی های پاسداران و برادران اطلاعات، چه به روز علما آورده ایم؟ هیچ خانه ای نیست که در آن شنودی درکار نباشد. یا همه را با پرداخت ماهیانه های درشت، به زانو درآورده ایم یا مابقی را به افشای فلان نقطه ضعفشان تهدید فرموده ایم. یک دوراهیِ آشکارا یا همراهی یا سکوت.

۱۹ – از همینجا می بینید که شما با گماردن فرد نالایقی چون شیخ محمد یزدی بر سردستگاه قضا، چه خاکی برسر این دستگاه افشاندید. ما کاری به این که شیخ چه ها کرد و چه بنیان هایی را تباه ساخت نداریم، اما خوب نگاه کنید، شیخ دارد با آقای فلاحیان وزیر وقت اطلاعات صحبت می کند: آقای فلاحیان، شما برای همه شنود کارمی گذارید عیبی ندارد بگذارید، در اتاق من که رییس قوه ی قضاییه ام چرا شنود کار گذاشته اید؟ زن و بچه ی من درقم هستند و من گاه گاهی یک شوخی با آنها می کنم. این شوخی ها چرا باید سراز محافل رسمی وغیر رسمی دربیاورد؟ فلاحیان لبخند می زند. تن رییس دستگاه قضا از این تبسم مرموز می لرزد. ظاهراً در نظام انسانی و اخلاقی که نه، درهمان نظام نیم بند قضاییِ جمهوری اسلامی، هرشنود، آری هرشنود باید مجوزش را از دستگاه قضایی اخذ می کرد. کمی آنسوتر، یک چند نفری از نمایندگان مجلس که عذاب وجدان گرفته اند، وقت می گیرند و به دیدار دادستان وقت آقای درّی نجف آبادی می روند و از وی تقاضای ورود به حادثه های بعد از انتخابات ۸۸ می کنند. آقای درّی را که می بینید! درپاسخ به آن چند نفر، با ایما و اشاره صحبت می کند. که یعنی: آقایان، من خودم هم درامان نیستم. دردفتر من شنود کار گذاشته اند. شنودی که اگر بخواهند درهرکجا کار بگذارند، باید اجازه اش را از خود من بگیرند.

۲۰ – به مدرسه ی امام خمینی جناب مصباح هم سری بزنیم. آن واژه ی "علامه " ای که حضرتعالی به ایشان تفویض فرمودید، تبعاتی اگر نداشت، به مفت هم نمی ارزید. همراه کردن این علامه ی پرآوازه، به هرحال هزینه هایی به همراه داشت. گنجاندن مخارج مدرسه ی ایشان در ردیف بودجه ی دولتی، و گسیل پول هایَ میلیاردی به حساب آن، می توانست یکی از تبعات آن همراهی و آن علامگی باشد. شما درسالهای پایانی حیات خود، از ایشان همراهی می خواستید، با این تفاوت که شاگردان جناب مصباح، فردای بعد ازوفات شما را برای خود و برای استاد خود بلوکه می کردند. سپاه که در تسخیر ایشان باشد، کجا می تواند در تسخیر ایشان نباشد؟

۲۱ – نیزسری گذرا به بیت سایر علما بزنیم. می بینید ما و شما چه خاکی برسر این خانه ها افشانده ایم؟ سابقاً این خانه ها محل رفت و آمد، ومحل مراجعه ی امیدها و آرزوهای مردم بود. اکنون، همه ی این خانه ها در زیر آواری از سکوت دفن شده اند. پاسداران و برادران، آزادگی و نطق آقایان را درکیسه کرده اند. کاری که ما و شما با علما کردیم، هیچ حکومتی نکرد. ما علما را خفیف کردیم آقا جان. یک نگاهی به دیروز آقای جوادی آملی بیاندازید و یک نگاهی به امروز ایشان. دیروز وی در دلهای مردم خانه داشت، و امروز، در ویرانه ای که ما برآن مأمور گمارده ایم. به چه می نگرید؟ به این جنازه ی بد بو؟ جنازه نیست. نیم نفسی هنوز با اوست. این که شما او را جنازه می بینید، قالب جسمانی اسلام است در ایرانِ عهدِ شما. برویم. هنوز دیدنی های بسیاری پیش رو داریم. ما ناگزیر بایدَ از کنارِ جنازه ی بد بوی ایرانِ عهد شما نیز بگذریم.

۲۲ – آقا جان به این سمت سربچرخانید که بسیارتماشایی است. عده ای کفن پوش و خود جوش و روحانی و غیرروحانی، درحمایت از جناب شما، بعد از کلی شعار و ناسزا به یکی از علمای قم و شیراز و مشهد و اصفهان و هرکجا، دارند با دیلم و دستگاه برش، راهی برای ورود به خانه ی آن عالم می گشایند. سرداران سپاه و البته نیروهای هماهنگ انتظامی هم شاهد ماجرایند تا وقفه ای در این مأموریتِ حفظ نظامی رخ ندهد. صورت برنگردانید آقا جان. این چهره ایَ استَ که شما از بسیجی و پاسدار و روحانی ترسیم فرمودید. کی و کجا به خیال ما خطور می کرد که بسیجی ناسزا بگوید و قمه و زنجیر و دیلم دست بگیرد و عربده بکشد و یاد دستجات شعبان بی مخ را زنده کند؟

۲۳ – دراین صحنه قرار است یکی از سرداران نام آور سپاه به فرماندهی قرارگاه ثارالله منصوب شود. این قرارگاه، قرار است به حادثه های شهری حساس باشد. خوب، اگر مردم بدون مجوز به خیابان ها آمدند و شعار دادند و خسارت ببار آوردند، حاضری به سمتشان شلیک کنی؟ بله قربان. حاضری با تانک از رویشان عبور کنی؟ بله قربان. بفرما، این هم حکم فرماندهی! می بینید آقا جان، ما فرماندهانمان را با رخ به رخ شدنِ با مردمانمان می آزمودیم. همان مردمی که از سرایمان، واز سرحسرت، شعار می دادند: بسیجی واقعی، همت بود وَ باکری. چرا؟ چون در قاموس فکری مردم بی پناه ما، یک بسیجی، برای برآمدن مردمش می میرد، نه این که به روی آنان که خواهان اصلاح جامعه اند شلیک کند و با تانک از رویشان عبورکند و با قمه و رنجیر به جانشان بیافتد.

به این دو ردیف صندلی بنگرید! یک ردیف: در افقِ روشنایی، و ردیف دیگر: در افق تیرگی. در ردیف روشنایی: گاندی و نلسون ماندلا و خوبانی چون آن دونشسته اند، و در ردیف تیرگی: صدام و قذافی و دژخیمانی چون آن دو. در هر دو ردیف، یک صندلیِ خالی نهاده اند. برای جناب شما و بنا به انتخاباتان. درکنارگاندی و نلسون ماندلا، یا درکنار صدام و قذافی؟

۲۴ – هردوی ما اکنون در جمع مردگانیم و چشم به راه واگشودن پرونده های دنیاوی مان. اما اگراز من بپرسید: چه شد که من خامنه ای به عصبیت درافتادم، می گویم: شما اگر به چند سفرِ خارجی رفته بودید و جهان و مردم جهان را از نزدیک می شناختید، هرگزبه آنهمه تندی و تنش روی نمی بردید. کشورهایی که شما در دوره ی ریاست جمهوری خود بدانها سفرکردید، همه ورشکسته یا در حد خودمان بودند: کره شمالی، لیبی، سوریه، پاکستان، وایالت های مسلمان نشین چین. یکبار به اروپا سفر نکردید و یک ماه در آنجاها زندگی نکردید. تفاوت شهید بهشتی و خاتمی و شریعتی و محمد مجتهد شبستری با شما در این بود که آنها با مردم غرب زندگی کردند. و دانستند: تنها راه بقای یک اندیشه، نه تقابل، که همزیستی با سایر عقاید و نحله های فکری است. و دانستند: بجای نفرت، می توان دوست داشت. وبجای اخم، می توان تبسم نمود. ببینید آقا جان، اینجا که دارم نشان شما می دهم، ایرانی است که شما اگر یک چند وقتی در اروپا که نه، درآمریکا که نه، در کشورهایی چون مالزی و سنگاپور و ژاپن و حتی همین ترکیه و امارات اگر زندگی کرده بودید، می توانستید به برآمدنِ آبادانی و آزادی و بالندگی درکشورتان امیدوار باشید.

۲۵ – اگر مایل باشید یک سری هم به آقایان موسوی و کروبی و همسرانشان بزنیم. از این بالا شما خوب تشخیص می دهید که زندانی کردن اینان، تا چه اندازه به وجهه ی شما آسیب زد و به وجهه ی آنان افزود. می بینید که هرچه ضعف و بی عدالتی است به اسم ما وشما رقم خورده، وهرچه اعتبار و محرومیت و مظلومیت است برای آنان ذخیره شده. شما اگرخود را محق می دانستید و آنان را مقصر، باید آنان را در یک دادگاه صالحانه و منصفانه به چالش می کشیدید. یک پرسش! شما اگر بجای آقایان موسوی وکروبی بودید، دوست داشتید با شما چگونه رفتار می کردند؟ حتماً به انصاف و عدل. پس چرا با این دو، بد کردید و نام خود را در امتداد نام حاکمان عبوس و تند خو ثبت فرمودید؟ آنجا را نگاه کنید! بله، آنجا را. می بینید؟ آنچه که می بینید اوضاع بسیار آراسته ای است که شما درقامت رهبرایران، خود پیشقدم شده اید و به اعتراض مردم پاسخ گفته اید و فضا را برای انتقاد و آسیب شناسی واگشوده اید. می بینید مردم تا چه اندازه شما را دوست می دارند؟ می بینید کشور به چه رشد و آبادانی درافتاده است؟ شما که سماجت ها و خودسری ها و پایان کار رهبرانی چون صدام و قذافی و بشاراسد را به چشم خود دیدید! بارها در دل خود مرور کردید که: ایکاش آن ها کمی زیرک بودند و پیش از سرآمدن صبوری مردم، به استقبال خواسته های بحق مردم می شتافتند. که اگر به این مهم دست می بردند، سالها می توانستند در گوشه ای از کشورشان به سلامت زندگی کنند و نامشان نیز در امتداد نام نیکمردان تاریخ ثبت می شد. به چه می نگرید؟ به توپ بازی آن پسرکان ژنده پوش؟ به همانجا برویم!

۲۶ – این کودکان ژنده پوش که در این ویرانه مشغول توپ بازی اند، نسل های بعدی ما وشمایند. ما وشما ذخایرکشورشان را هدر داده ایم و برای اینان سرمایه ای و اندوخته ای بجای نگذارده ایم. مردمان دنیا با بکار بستن فهم ها و شعورها و با به صحنه بردن درایت ها و مدیریت ها، به شایستگی و رفاه و رشد درآمده اند و فَرزندان بعدی ما بخاطر این که ما دیروز درشتابی سراسیمه سرمایه هایشان را به تاراج سپرده ایم، امروزبه دریوزگیِ جهانی افتاده اند. چه فرمودید؟ بله، اکنون دویست سال از دوره ی رهبری شما سپری شده است. این ویرانه ای که محل بازی کودکان ژنده پوش است، مزارستانِ فرسوده ی ما و شماست. آن توپ ها؟ ای عجب، توپ نیستند. جمجمه اند. چه می بینیم؟ یکی ازآن ها جمجمه ی من است و دیگری جمجمه ی جناب شما! آه، می بینید؟ این همان بازی روزگاراست. این کودکان را گناهی نیست آقا جان. آنان نه مرا می شناسند و نه شما را. آنها بهانه ای برای بازی کودکانه ی خود یافته اند. چه با توپ چه با جمجمه هایی که زمین، آنها را بیرون انداخته است.

۲۷ – به این دو ردیف صندلی بنگرید! یک ردیف: در افق روشنایی، و ردیف دیگر: در افق تیرگی. در ردیف روشنایی: گاندی و نلسون ماندلا و خوبانی چون آن دونشسته اند، و درردیف تیرگی: صدام و قذافی و دژخیمانی چون آن دو. درهر دو ردیف، یک صندلیِ خالی نهاده اند. برای جناب شما و بنا به انتخاباتان. درکنارگاندیَ و نلسون ماندلا، یا درکنار صدام و قذافی؟ من تردیدی ندارم که شما خواهان جلوس در کنار آن دو مرد بزرگ و شریف هستید. وباز تردیدی ندارم که سرنوشت صدام و قذافی را برای خود نمی خواهید. ما نیز خواهان خوشنامی شما هستیم. دوست داریم آوازه ی کارهای خوب شما جهانگیر و فراگیر شود. درست مثل نیکنامیِ گاندی و نلسون ماندلا.

رهبرگرامی، سفرما می تواند همچنان ادامه یابد. تا هرکجای تاریخ. تا برزخ، وتا صحرای محشر. ویا می توان به همین مختصر بسنده کرد. بیایید از جمع مردگان، به جمع زندگان، و به کالبد جسمانی خود، وبه سروقت زندگی وبه میان مردم خویش بازرویم. به سال یک هزارسیصد و نود شمسی. به روزی که شما همچنان رهبرید، و من، دوستدار و منتقد شما. من دراین سفرتلاش کردم گوشه هایی از فردای خودمان را نشان شما بدهم. با ابرازاین تأسف که: دربرآمدنِ خطاها وآسیب های جاری امروزکشورمان، هم من وهم خیلی هاَوهم جناب شما سهیمیم. وبا این امَید که: ما و شما را هنوز فرصت ترمیم هست. به روزی بیاندیشید که درمیان ایستاده اید و روبه مردم آغوش گشوده اید و مثل علی مرتضا بخاطر آن خلخال ربوده شده از پای آن زن یهودی که نه، بخاطرِ هزار هزار خطای غلیظ از مردم پوزش می خواهید ومردم نیز بزرگوارانه به روی شما آغوش می گشایند. ما وشما را چاره و راهی جز آغوش مردم و جز ترمیم حقوق تباه شده ی مردم نیست. اگر مشتاق آغوش خدایید، آن را درَ آغوش مردم بجویید. والسلام

بدرود تا جمعه ی آینده. هجدهم آذرماه سال نود

با احترام وادب: محمد نوری زاد

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم، شماره ۱۳۸ ، دوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

بر ماست که در این دوران بحران‌زده، کاری زینبی کنیم و پیام راستین دین را با چهره‌ی فطرت‌پسندانه‌ی آن به تشنگان حقیقت برسانیم. بر ماست که همچون زینب (س) با بازگویی حقیقت، ملات کاخ دروغ را زائل کنیم.

سرمقاله

انتخابات ۸۸ یا عملیات بیت المقدس جدید

یادداشت جواد امام از زندان اوین- بند ۳۵۰

یکی از فرماندهان سپاه قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ رقابتهای پیش رو در آن انتخابات را به میدان جنگ و عملیات بیت المقدس تشبیه کرده بود. از این رو به نظر میرسد رخدادهای دو سال گذشته را باید در راستای این نگرش مورد تحلیل قرار داد. کسانی که فضای انتخابات را با عرصه عملیات نظامی در دوران دفاع مقدس که صحنه مشارکت و مجاهدت همه مردم با هدف مقابله با دشمن بعثی بود،مقایسه میکنند طبیعی ست رفتارشان یادآور تهاجم محمود افغان بوده و عملکردشان در فضای انتخاباتی با آن تهاجم قابل مقایسه باشد.

نحوه اسیر کردن افراد،ضرب و شتم آنان در برابر خانواده و کودکان خردسال، یورش بردن به خانه و کاشانه آنها و شکستن درب منزل آنها آنهم بی هیچ جرمی را صرفا می توان با شیوه دستگیری رزمندگان اسلام در صحنه های دفاع مقدس توسط دشمنان بعثی مقایسه کرد. بی خبر نگهداشتن زندانی از وضعیت افراد خانواده و بلعکس نیز بی شباهت به بیخبری مطلق خانواده ها از وضعیت فرزندانشان در جبهه ها و امید به کسب اطلاع گاه و بیگاه از طریق صلیب سرخ و یا تصاویر تلویزیونی نیست.محدودیتهای مختلف ارتباطی، بهداشتی، تغذیه و غیره که در اردوگاههای بعثیان برای رزمندگان اسلام اعمال میشد امروز برای زندانیان سیاسی در بازداشتگاهها و زندانها اعمال می شود.

نیروهای ارزشمندی که بعضا در مبارزه با رژیم گذشته سابقه سالها زندان ساواک را در کارنامه دارند و بسیاری از عناصری که امروز قدرت را در دست دارند از نظر خدمت به کشور در حوزه های مختلف و فداکاری های بسیار در جبهه های نبرد حق علیه باطل و تقدیم عزیزترین اعضاء خانواده خود در سالهای پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام رضوان ا... تعالی علیه حتی به گرد پای آنان نیز نمیرسند؛امروز با اتهامات واهی همچون اقدام علیه امنیت نظام، شرکت در اجتماعات غیر قانونی و در واقع به دلیل احساس مسوولیت برای آینده کشور و شرکت در انتخابات یا به قول آن فرمانده سپاه- عملیات بیت المقدس- با نتایج پس از عملیات مواجه شده و دوران اسارت را می گذرانند.

این افراد نه تنها در زمان دستگیری مشمول مقررات نحوه دستگیری و نگهداری در سلولهای انفرادی نبوده بلکه دوران محکومیت را نیز متفاوت از زندانیان غیر سیاسی همچون محکومان به قتل، قاچاقچیان مواد مخدر و سارقین سپری کرده و از حقوق اولیه یک زندانی مانند حق تماس تلفنی، ملاقات حضوری و خصوصی و حق برخورداری از امکانات درمانی و پزشکی محروم هستند.اما همچون ایام دفاع مقدس بر سر اعتقاد راسخ خود که همان سربلندی ایران و ایرانی است پافشاری میکنند، با این تفاوت که آن دوره اسیر دشمن بعثی بودند و امروز اسیر کسانی اند که خود را حافظ دین و مدافع امنیت کشور معرفی میکنند.این همه به نام دین و جهاد و شهادت بر اینان رفته و البته نتیجه افکار و اعمال کسانی است که انتخابات را با میدان جنگ اشتباه گرفته اند.

نگرانی از سلامت جان رضا شهابی در هجدهمین روز اعتصاب غذا

رضا شهابی، فعال کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد که در اعتراض به بلاتکلیفی خود از روز ۴ آذر دست به اعتصاب غذا زده در وضعیت نامناسبی بسر میبرد.

همسر این فعال کارگری در گفتگو با کلمه گفت:در مراجعه به دادستانی، نامه پزشک قانونی تایید شده و به زندان ارسال شده که بر این اساس باید او را شنبه به بیمارستان منتقل میکردند که فعلا هیچ خبری نیست.طبق گزارش پزشک معالج شهابی،غضروف بین تعدادی از مهره‌های ستون فقرات او از بین رفته و احتمال از کار افتادن دست و پای چپش وجود دارد. به همین دلیل او در اواخر آبان ماه ۱۳۸۹ برای معاینات پزشکی به بیمارستانی خارج از زندان منتقل و بار دیگر به زندان بازگردانده شد.

همسر این فعال کارگری با اشاره به آخرین ملاقات با او افزود: حالش بقدری بد بوده که حتی توان درست صحبت کردن را نداشته است.به گفته او ۴ تا از مهره های گردن همسرش از بین رفته، کلیه، کبد و معده اش ناراحت است و باید به مشکلاتش رسیدگی شود.

بیش از ۷۵ درصد کارگران زیر خط فقر هستند

حسین راغفر کارشناس اقتصادی با رد ادعای وزیر اقتصاد مبنی بر حفظ قدرت خرید هشت دهک درآمدی جامعه گفت:بیش از ۷۵ درصد کارگرانی که در بازار غیر رسمی ایران کار میکنند زیر خط فقر هستند.او اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را موجب کاهش قدرت خرید کلیه اقشار جامعه دانست و افزود:درصد بالایی از خانوارها خواستارند که به شرایط گذشته کشور بازگردند.زاغفر میزان نرخ تورم را بیش از ۵۰ درصد اعلام کرد.

تاجزاده: مسئولیت برگزاری انتخاباتی فرمایشی و رسوا متوجه شخص رهبری است

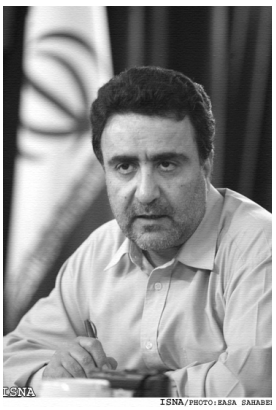

ISNA/PHOTO: EASA SAHABEI

سیدمصطفی تاج زاده رئیس ستاد انتخابات دولت اصلاحات با اشاره به اینکه در حال حاضر فقط رهبری میتواند با اتخاذ تصمیمی تاریخی موجب برپایی انتخابات آزاد شود،هشدار داد:در غیر این صورت مسئولیت برگزاری انتخاباتی فرمایشی و رسوا که یقیناً با عدم شرکت و رأی ندادن قشرهای وسیعی از هم وطنان مواجه خواهد شد،در درجه اول بعهده شخص رهبر است و ایشان باید درباره نتایج سوء و بعضا مهلک این اقدام غیرقانونی و غیرمصلحت آمیز، پاسخگوی مردم و آیندگان باشد.

او در پاسخ به کلمه برگزاری انتخابات آزاد را تنها راه نجات کشور دانست و اظهارامیدواری کرد تا فرصت باقی است جبران خطاها بشود. تاجزاده افزود:ملت ایران چنین رفتار اهانت آمیزی را آن هم پس از بهار عربی و برگزاری انتخابات آزاد در مصر و تونس و ترکیه و مراکش و مالزی و لبنان و عراق هرگز بر حاکمان نخواهد بخشید.

وی، گفت:هم اکنون در تمام دنیا و جهان اسلام مهم ترین شعارهر فرد یک رأی است که همان ترجمه شعار«ایران برای همه ایرانیان» اصلاح طلبان است و در تمام کشورهای اسلامی اسلام سازگار با دموکراسی و حقوق بشر،حرف اول را میزند و اسلام طالبانی و مصباحی در حال عقب نشینی است و فقط ایران است که با سماجت تمام بجای هر فرد یک رأی،و بجای شعار همه با هم برای تحقق دموکراسی و حقوق و بشر، شعار یک نفر به جای همه،وهمه برای یک نفر مطرح میشود و یک نفر بجای همه و برای همه تصمیم میگیرد.

او افزود:اگر در ایران هم انتخابات آزاد باشد،اسلام سازگار با دموکراسی و آزادی و مدافع حقوق بشر بر اسلام مصباحی- خوارجی پیروز خواهد شد.از اینرو اقتدارگراها از انتخابات آزاد میترسند،ترجیح میدهند میهن و اسلام و مردم لطمه ببینند اما تن به خواسته مردم و رأی مردم ندهند و آنان را ذره ای در قدرت خود شریک نسازند و مشارکت ندهند!"

تاجزاده افزود:اقتدارگراها در برخوردهایشان ثبات ندارند چنانکه سال ۷۴در انتخابات مجلس پنجم در غیبت مجمع روحانیون مبارز، برای اینکه صحنه از رقابت خالی نماند کاندیداهای ملی- مذهبی و نهضت آزادی را تایید صلاحیت کردند و صحبتی از مخالفت امام نداشتند و حالا کسانی را که نامه عدم شرکت را امضا کرده،تحت فشار قرارمیدهند و ما عاقبت نفهمیدیم شرکت در انتخابات خوب است یا عدم شرکت.و این رفتاردوگانه عجیب در هیچ جای دنیا سابقه نداشته که حکومتی هم بخواهد برای حفظ ظاهر رقابتش در انتخابات باشند و هم بترسد انتخابات آزاد برگزار کند و سختگیری و فشار بر روی رقبا را حتی در آستانه انتخابات افزایش دهد.

نوشدارو قبل از مرگ سهراب

اقتدارگرایان برای هم ستاد صیانت از آراء تشکیل دادند

بیتا موحد:تنها دو هفته پس از تشکیل ستاد ویژه رسیدگی به جرایم انتخاباتی از سوی صادق لاریجانی،رییس حفاظت کل اطلاعات قوه قضاییه از تشکیل تیم‌های نظارتی انتخاباتی خبر میدهد تا به طور مرتب از شعبات اخذ رای بازرسی کنند.

این در حالیست که رییس قوه قضاییه برای"صیانت از آرای اصولگرایان"پیشتر به میدان انتخابات وارد شده بود و در اقدامی غیرمنتظره با صدور بخشنامه ای ازتشکیل ستاد ویژه و اختصاص شعب ویژه به جرایم انتخاباتی در سراسر کشور خبر داد و مسئولیت آن را بعهده محسنی اژه ای وزیر اخراجی وزرات اطلاعات و سردار ذوالقدر سپاهی رانده شده از دولت نهم سپرد.

حال یک مقام مسئول دیگر قوه قضاییه از نقش حفاظت اطلاعات در"صیانت آرا "خبر میدهد که حفاظت اطلاعات هم اکنون نقش صیانت دستگاه قضایی را دارد و کاندیداها باید از فیلتر شورای نگهبان و وزارت کشور عبور کنند و چنانچه تخلفاتی صورت گرفته باشد که به دادگستری اعلام شود در مرحله بعد،امر نظارت را پیگیری میکنیم.

کمیته صیانت از آرا از جمله مسایل مورد اختلاف اصلاح طلبان و اصولگرایان بود.طرح تشکیل کمیته صیانت از آرای انتخاباتی از طرف داوطلبان اصلاح طلب نامزدی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۸مطرح شد که شورای نگهبان و وزارت کشور با آن مخالفت کردند.رییس کمیته صیانت از آرا پس از انتخابات مهندسی شده ۸۸بدلیل تخلفات گسترده خواستار ابطال انتخابات ۲۲ خرداد شد.

قوه قضاییه که پس از انتخابات مهندسی شده ۸۸ چشم بر اسناد و مدارک و شهود قانونی مبنی بر تقلب و تخلف متعدد در جابجایی آرا بسته بود و در بازداشت و مجازات غیر قانونی فعالان سیاسی،دانشجویان و شهروندان معترض به نتیجه انتخابات از هیچ کوششی دریغ نکرد،اینک از ستاد ویژه و هیاتهای نظارت میخواهد با توجیه، ارشاد و اقناع با هدف همسوسازی، بازدارندگی و ترویج قانونمداری از طریق تشریح و توضیح مفاد قانون،جرایم انتخاباتی و مجازاتهای آن برای اشخاص حقیقی،حقوقی، تشکلها،کاندیداهای احتمالی و قطعی، مدیران دستگاههای اجرایی، روسای ستادهای انتخاباتی و افکار عمومی قطعا نقش موثری در کاهش و پیشگیری از بروز جرایم انتخاباتی داشته و موجب افزایش مشارکت حداکثری و ارتقای امنیت عمومی در سه مقطع قبل،حین و بعد انتخابات خواهد شد.ورود زود هنگام اصولگرایان به عرصه فعالیت انتخاباتی مجلس نشان از نگرانی آنان از نفوذ و قدرت دولتمردان در تسخیر کرسی های بهارستان بود.

اصولگرایان که با خون دل ایام دولت احمدی نژاد را تحمل میکنند و به فرمان رهبری به دولت سخت نمیگیرند تا دو سال باقی مانده اش به اتمام برسد،در برابر تلاش مردان احمدی نژاد برای ورود به مجلس نهم تاکنون نتوانسته کوتاه بیایند و از همه توان برای وحدت و دادن لیست مشترک استفاده میکنند.تلاشی که بنظر نمیاید موفق بوده باشد و ناچار شده علاوه بر شورای نگهبان،قوه قضاییه را هم به یاری طلبند تا شاید بتوانند در برابر قدرت لجام گسیخته دولتیان راهکاری بیابند.

نگرانی از دور زدن قانون و تقلب در انتخابات آنقدر زود هنگام بود و فراگیر که حتی رهبری را هم وارد میدان کرد تا بگوید:هیچ کس نباید به هیچ نحوی در انتخابات دخالت کند تا انتخابات براساس روال قانونی انجام و مجلس براساس تشخیص و انتخاب مردم تشکیل شود.

تیم رهبری و اصولگرایان نگران که همواره مدافع برگزاری انتخابات قانونی بوده هنوز اعلام نکرده دلیل این همه نگرانی در انتخابات مجلس نهم چیست.آنان که مدعی بودند انتخابات ریاست جمهوری زیر نظر وزیر کشور احمدی نژاد«سالمترین»انتخابات کشور بوده،اینک چرا نگران برگزاری انتخابات مجلس توسط تیم» نزدیکترین فرد به رهبری«هستند.آنها نگرانند جریان انحرافی با پاکسازی گسترده در نیروهای مجری انتخابات در سراسر کشور جایگزینی مهره های طرفدار احمدی نژاد سرنوشت آینده انتخابات را بنفع خود رقم بزنند.

بنظر میرسد دولت احمدی نژاد که با حمایت قاطع همه اصولگرایان به قدرت رسید و در زمانی که نامزدهای ریاست جمهوری و فعالان سیاسی از فساد گسترده، قانون شکنی و رویه استبدادی سخن میگفتند به جرم اهانت به رییس هیات دولت راهی زندان و حصر میشدند،امروز به پدیده ای تبدیل شده که قوه قضاییه و مجلس در برابرش از هیچ توانی برخوردار نیست.اینک قوه قضاییه به مدد آمده شاید بتواند با کمک اخراجیهای دولت احمدی نژاد و هیاتهای نظارت انتخابات را در خور رقابت اصولگرایان بر گزار کند و بتواند از آرای اصولگرایان در برابر تیم احمدی نژاد صیانت کنند.هرچند رحیم مشایی پیش از این اعلام کرده حامیانش را بدون نام و نشان به مجلس میفرستد و شورای نگهبان قادر به شناسایی و رد صلاحیت آنان نیست،اما نگرانی اصولگرایان از عدم تمکین به فهرست تاییدشدگان شورای نگهبان و احتمال آمار ساختگی و اعلام پیروزی در انتخابات از سوی مردان احمدی نژاد،آنان را واداشته تا نوشدارو را قبل از مرگ سهراب برسانند و با تشکیل هیات ویژه و نظارت قوه قضاییه وافزایش دامنه نفوذ با دستکاری آرا کرسی های مجلس را از آن خود کنند و شعبه دفتر رهبری در بهارستان را دایر نمایند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۳۹ ، چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

بر ماست که در این دوران بحران‌زده، کاری زینبی کنیم و پیام راستین دین را با چهره‌ی فطرت‌پسندانه‌ی آن به تشنگان حقیقت برسانیم. بر ماست که همچون زینب (س) با بازگویی حقیقت، ملات کاخ دروغ را زائل کنیم.

سرمقاله

در نامه ای برای آیت الله خامنه ای؛
خونِ دست های شما با آب هزار دریا نیز زدوده نمی شود

محمد نوری زاد خطاب به آیت الله خامنه ای نوشت:مأموران سپاهی شما، درانتقام از تیزابی که من در نامه هایم برسرشان فرو باریده ام، آشکارا به حریم خصوصی من دخول کرده و درکثیف ترین شکل، برای برهم زدن و متلاشی کردن کانون خانواده ام، بکارهای ابلهانه ای دست برده اند.ای خاک برسر دم و دستگاه یک سیستم اطلاعاتی که با ورود به حریم خصوصی منتقّدان، به ترمیم عجز خود میپردازد.اگر هنوزدر قاموس فکری و حیثیتی شخص شما،خانواده و حریم خانواده ارزشی دارند،به مأموران اطلاعات سپاه و سایرینی که در وزارت اطلاعات به همین کارها مشغولند، بفرمایید سراز خانواده ی من وسایر معترضان بیرون کشندویا اگرنه، ورود این نابخردان و افسار گسیختگان به اشاره شما صورت پذیرفته و میپذیرد،بفرمایید تا ما، باورهای ایمانی و انسانی خود را با شاخص جدیدی که شما باب کرده اید تنظیم کنیم.

نوری زاد که در چند هفته اخیر هر جمعه نامه‌هایی خطاب به رهبری مینویسد،اینبار به دلیل آنچه تهدیدات نیروهای امنیتی خوانده نامه خود را زودتر منتشر کرده و ضمن آن با شرح هجمه ها و هراس افکنی نیروهای اطلاعات سپاه برای او و خانواده اش به رهبری نوشته: نگرانم مرا جمعه ای در کار نباشد.بازی کودکانه ای که سازمان اطلاعات سپاه با من و با خانواده ام شروع کرده، وارد مرحله تازه ای شده،ممکن است بنا به فرمایش مأمورانی که به من گفتند: پودرت میکنیم و درصد سایت داخلی و خارجی آبرویت را میبریم،هم پودرم کنند وهم بزعم خود با آبرویم بازی کنند.

او خطاب به رهبری نوشت:کاری که اطلاعات سپاه با من و با خانواده ام شروع کرده آنقدرمشمئز کننده و سخیف است که هیچگاه چنین رفتاری را از ساواک شاه،نه شنیده و نه درجایی خوانده ام.گلی به گوشه جمال شما با این سازمانی که برزانو نشانده اید و آنان را مثل جادوگران بابل قدیم،بسمت خانواده ها و درهم کوفتن مناسبات خانواده منتقدان خود گسیل میفرمایید.

کاش مأموران شما آنقدر مرد بودند که به نوشته های من،با نوشته پاسخ میگفتند، نه آنکه به حریم خصوصی من نفوذ کنند و برای ترمیم سرشکستگیها و فضاحتهای جاری خود،به تخریب زندگی من بسیج شوند.از قول من به آقای تائب – رییس سازمان اطلاعات سپاه – ومأموران نابالغ وی بفرمایید: قبول، به فرض که نوری زاد و خانواده اش را پودر کردید و از هم دریدید، با دست های خونین خود چه می کنید؟ از قول من به آقای تائب بفرمایید:خون دست های شما، آنگاه که مغز جوانان ما را متلاشی کردید و همزمان خونشان را انکار فرمودید، آنچنان با سنت ها و محکمات تاریخی در آمیخته است که نآنا با آب هزار دریا نیز زدوده نمی شود.

او خطاب به آیت الله خامنه ای گفته است:از چنبره ای که گرداگرد شما بالا برده اند، بیرون بزنید.هوای جامعه را آنگونه که هست استنشاق کنید.اجازه ندهید موریانه هایی که چهار ستون مناسبات ما وشما را میجویند،شما را در شرایطی که خود پدید آورده اند، گرفتار کنند و از زبان شما آن برآورند که خود میخواهند.

این مستند ساز به تنهایی ناجوانمردانه ای که در این هنگامه برای او ایجاد شده اشاره و او با خطاب قراردادن شماری از شخصیتها خواسته تا آنان نیز دست به قلم برده و به نیت اصلاح امور رهبری را خطاب قرار دهند.

او طی فراخوانی ازهمه خواسته با اسم خود یا به اسم مستعار با نامه های خود آسیب ها،نادرستی ها و کجی ها را به رهبری هشدار دهند.

استقبال از احمدی نژاد با کفش و شعار اعتراضی

در جریان سخنرانی محمود احمدی نژاد در مراسم سالگرد فوت کردان، وزیر کشور دولت نهم، گروهی از معترضین – از جمله جمعی از کارگران اخراجی و بیکاران- با سر دادن شعارهایی علیه رئیس دولت، به سوی وی اشیاء و کفش پرتاب کردند.

سایتهای خبری گزارش دادند:مردی میانسال که کارگری فقیر و دستمزد نگرفته طی یکسال اخیر بود، با نزدیک شدن به محل سخنرانی احمدی نژاد، به شرح مشکلات خود و دیگر کارگران پرداخته و به سوی احمدی نژاد کفش پرتاب کرد که با عکس‌العمل سریع رئیس دولت،کفشها به وی برخورد نکرد،اما حاضرین در مراسم این مرد

سوختگی دو دانشجوی دختر در دانشگاه با اسید

در ادامه موج آسیب دیدن دانشجویان ایرانی در دانشگاهها،اینبار گزارشها از سوختگی دو دانشجو در آزمایشگاه بوسیله "اسید" در دانشگاه آزاد واحد فلاورجان حکایت دارد.این درحالیست که رییس این دانشگاه با اظهار "بی خبری"از حادثه پس از گذشت دو روز آن را مرسوم ارزیابی کرده است.پدر یکی از این دانشجویان«معیوب بودن وسیله آزمایشگاه» و «عدم استفاده از عینک ایمنی و ماسک حین آزمایش با اسید» را از جمله دلایل حادثه دانسته است.

۳۰۰ روز از زندان خانگی موسوی و کروبی گذشت

با وجود سیصد روز از زندان خانگی رهبران جنبش سبز، هنوز آنان از حداقل امکانات رفاهی و حق ملاقات با اعضای خانواده خود محروم هستند.زندان خانگی رهبران جنبش سبز واکنشهای زیادی را در داخل و خارج از کشور به همراه داشته وهنوز هیچ مقام قضایی مسئولیت آن را بعهده نگرفته است. چندی پیش محمدجواد لاریجانی از حکم قضایی خبر داده بود. این در حالی بود که دادستان کل کشور این مساله را فراتر از تصمیم قوه قضاییه خوانده بود. در سیصدمین روز از زندان خانگی

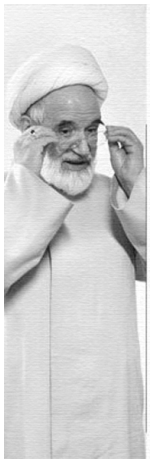

رهبران جنبش سبز، آیت الله بیات زنجانی در تماسی تلفنی با فاطمه کروبی گفتگو کرد وآخرین وضعیت مهدی کروبی که از ۲۵ بهمن ماه سال گذشته در زندان خانگی بسر میبرد به اطلاع این مرجع تقلید رسید.

محمد حسین کروبی چندی پیش با ارائه گزارشی از آخرین پدرش نوشته بود: پدر را کمی بشاش‌تر و سلامت‌تر از قبل یافتم، مشخص بود که اوضاع حصر او بهتر شده است.برادران و خواهران مهندس موسوی نیز روز عید غدیر با میرحسین و زهرا رهنورد دیدار کردند.

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات :
اصلاح طلبان در انتخابات مجلس لیست نخواهند داد

رییس دوره‌ای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در پی تشدید انسداد سیاسی و عدم برقراری شرایط انتخابات آزاد و عادلانه و منصفانه در کشور، از تصمیم این شورا برای ارائه نکردن لیست انتخاباتی برای انتخابات مجلس نهم خبر داد و گفت:طی روزهای آینده طی یک یا چند اطلاعیه و بیانیه دلایل خود برای نداشتن کاندیدای انتخاباتی دوره نهم مجلس اعلام خواهیم کرد.

علی‌محمد غریبانی به ایسنا گفت:با وجود تلاشهای شورا برای مناسب شدن فضای انتخاباتی،متاسفانه عرصه هر روز تنگ‌تر میشود و در نتیجه این شورا تصمیم گرفته لیست انتخاباتی ارائه ندهد و از کسی حمایت نکند.

وی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان در موقعیت حساس و سرنوشت‌ساز قرار دارند،افزود:شورای هماهنگی جبهه اصلاحات واقف است اگر کوچکترین اشتباهی در برنامه اصلاح‌طلبی و روند کار خود داشته باشد و یا از اهداف و اصول اصلاح‌طلبی انحراف پیدا کرده یا در مدیریت خود اشتباه کند، یقیناً موجب شکست خواهد بود و از نظر آیندگان غیرقابل بخشش است.

غریبانی گفت:این شورا خود را موظف میداند تمام تلاشش را برای اتحاد و اتفاق بیشتر و محکم‌تر ارتباط میان اصلاح‌طلبان بکار گیرد و کاملا ظریف و هوشمندانه برنامه‌ریزی کند، بطوری که اجازه سوءاستفاده بهانه‌جویی و فرصت‌طلبی را نداده باشد.

وی با انتقاد از فضای سیاسی افزود:شورای هماهنگی جبهه اصلاحات می‌خواست یک فضای مناسب انتخاباتی در کشور بوجود بیاید و مشارکت جدی و حضور فعال داشته باشد،ولی پس از ماهها انتظار و تلاش برای باز شدن فضای عادلانه انتخاباتی،بصراحت گفته شد اگر اصلاح‌طلبان توبه کنند، باز هم پذیرفته نیست.

او لغو پیش همایش هم اندیشی اصلاح‌طلبان و مساعد نشدن شرایط برای برگزاری هم‌اندیشی سراسری اصلاح‌طلبان را از جمله نشانه‌های مناسب نبودن فضا برای حضور در انتخابات دانست.

علوی تبار در گفت و گو با کلمه:
آینده ایران را نیروهای داخلی تعیین می کنند

علیرضا علوی تبار با اعلام اینکه حکومت هیچ دعوتی از منتقدان دگرگونی خواه برای شرکت در انتخابات نخواهد کرد و ترجیح میدهد آنها با حالت قهر و انفعال با انتخابات برخورد کنند،آینده را آبستن وضعیتهای مختلفی دانست و گفت: آینده ایران را نیروهای داخلی تعیین میکنند.

این فعال سیاسی در گفت و گو با کلمه با تاکید اینکه اصلاح طلبان برای فعال شدن در انتخابات نیازمند رسانه هستند،باید بتوانند آزادانه گردهم آیند و هم اندیشی کنند،در مورد موضوعات مختلف موضع گیری کنند.فراهم شدن این شرایط را نیازمند تحمل و مدارای حکومت ذکر کرده و با اشاره به رفتار حکومت میگوید که در پاسخ به سخنان آقایان خاتمی و موسوی خوینی ها نه تنها قدم مثبتی بر نداشت، بلکه بسیار طردکننده سخن گفت و عمل کرد. یکی دو روزنامه باقی مانده نزدیک به اصلاح طلبان و هفته نامه های مستقل را نیز تعطیل کرد.حتی در واکنش به بیانیه جمعی از منتقدان و اصلاح جویان داخلی، به دستگیری برخی از آنها اقدام کرد. هر طور که بود به اصلاح طلبان نشان داد به هیچ وجه مایل نیست زمینه را برای شرکت فعال منتقدان در انتخابات فراهم آورد.پاسخ منفی جناح های مختلف حکومتی به حسن نیت اصلاح طلبان ضربه ای اساسی به انگیزه آنان زد و بحث و گفت‌وگو از انتخابات را منتفی ساخت.

تقریبا امروز همه قانع شدند دیگر شرکت در انتخابات و فعالیتهای انتخاباتی موضوعیت ندارد.

او افزود:حکومت به دنبال برگزاری انتخاباتی آرام و اطمینان بخش است.شکل مطلوب انتخابات از نظر حکومت اینست که انتخاباتی با مشارکت زیاد و رقابت کم برگزار شود؛ به این معنا که درصد بالایی از مردم در انتخابات شرکت کنند و از میان گزینه های محدود و اندک (خودی ها) برخی را برگزینند که نتیجه انتخابات از پیش مشخص خواهد بود.با اعلام نتایج انتخابات نیز اعتراضی نخواهد شد و نتایج براحتی پذیرفته خواهد شد و بازندگان در بخشهای دیگر از مزایای قدرت بهره مند خواهند شد.

علوی تبار تصریح کرد:بعلاوه با مهندسی انتخابات میتوان به نیروهای سیاسی منتقد و مخالف اعلام کرد نیازی به حضور شما در عرصه سیاست نیست،از اینرو نباید تصور کرد حکومت حاضر است هزینه زیادی برای رقابتی کردن واقعی انتخابات بپردازد.

او هم چنین ،آینده عرصه سیاسی در ایران را مبهم خوانده و ضمن آن گفت:امکانهای بسیاری وجود دارد و تنها نیرویی میتواند در شرایط گوناگون محتمل در آینده نقش تاریخی خود را ایفا کند که آماده و گوش به زنگ باشد.

بی توجهی به جانِ کارگران در حال افزایش است

در پی انفجار کوره ذوب ضایعات در کارخانه نبرد فولاد غدیر یزد شمار کشته شدگان آنها به ۱۰ نفر افزایش یافت و حال سایر کارگران مصدوم نیز بسیار وخیم است.فراکسیون کارگری مجلس با صدور پیامی با اعتراض به کم توجهی‌هایی که منجر به وقوع انفجار در این کارخانه شد،اعلام کرد:این فاجعه بار دیگر نشان داد کم توجهی به ایمنی و جان کارگران رو به افزایش است و کارفرمایان حداقل هزینه را در مورد مهمترین اصل قانون کار یعنی ایمنی و حفاظت فنی مصروف میدارند. همچنین دستگاه‌های نظارتی و بازرسان کار از دقت لازم و پیگیری‌های مقرر شده در قانون کار و آیین نامه‌های مربوطه مضایقه میکنند.

یک زندانی سیاسی دیگر دست به اعتصاب غذا زد

حسین رونقی ملکی، از زندانیان سیاسی زندان اوین در اعتراض به نقض حقوق خود دست به اعتصاب غذا زده است.او از بیماری کلیه رنج میبرد و مسوولان دادستانی با مرخصی استعلاجی او موافقت نمیکنند.رونقی ملکی در اعتراض به وضعیت خودو دیگر زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زده و همزمان، نامه انتقادی خطاب به دادستان تهران نوشته و او را در جریان اعتصاب غذای خود قرار داده است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
ویژه نامه دو صفحه
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۰ ، پنج شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

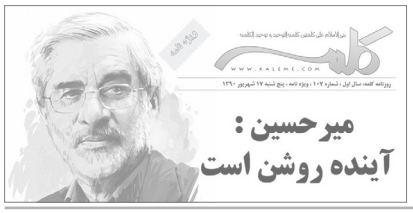

نامه پانزدهم محمدنوری زاد خطاب به رهبری

رهبر گرامی! به آقای تائب بفرمایید از اندرون خانه های مردم سر بیرون کشد

سلام به رهبر جمهوری اسلامی ایران

من ناگزیر این نامه را که باید در واپسین ساعات روز جمعه منتشر می شد، همین حالا منتشر می کنم. نگرانم که مرا جمعه ای در کار نباشد. بازی کودکانه ای که سازمان اطلاعات سپاه با من و با خانواده ام شروع کرده است، ازدیروز- دوشنبه – وارد مرحله ی تازه ای گردیده است. آری، ممکن است بنا به فرمایش مأمورانی که به من گفتند: پودرت می کنیم و درصد سایت داخلی و خارجی آبرویت را می بریم، هم پودرم کنند، وهم بزعم خود با آبرویم بازی کنند.

کاری که اطلاعات سپاه با من و با خانواده ام شروع کرده است، آنقدرشمئز کننده و سخیف است که من هیچگاه یک چنین رفتاری را از ساواک شاه، نه شنیده و نه درجایی خوانده ام. گلی به گوشه ی جمال شما با این سازمانی که برزانو نشانده اید و آنان را مثل جادوگران بابل قدیم، به سمت خانواده ها و درهم کوفتن مناسبات خانواده یِ منتقدانِ خود گسیل می فرمایید.

کاش مأموران شما آنقدر مرد بودند که به نوشته های من، با نوشته پاسخ می گفتند، نه آنکه به حریم خصوصی من نفوذ کنند و برای ترمیم سرشکستگی ها و فضاحت های جاریِ خود، به تخریب زندگی من بسیج شوند. از قول من به آقای تائبَ – رییس سازمان اطلاعات سپاه – ومأموران نابالغ وی بفرمایید: قبول، به فرض که نوری زاد و خانواده اش را پودرَ کردید و از هم دریدید، با دست های خونین خود چه می کنید؟ از قول من به آقای تائب بفرمایید: جناب حجت الاسلام والمسلمین، خونِ دست های شما، آنگاه که مغز جوانان ما را متلاشی کردید و همزمانَ خونشان را انکار فرمودید، آنچنان با سنت ها و محکمات تاریخی در آمیخته است که نَانا با آب هزار دریا نیز زدوده نمی شود.

رهبر گرامی،

مأموران سپاهی شما ، درانتقام از تیزابی که من در نامه هایم برسرشان فرو باریده ام، آشکارا به حریم خصوصی من دخول کرده اند و درکثیف ترین شکل ممکن، برای برهم زدن و متلاشی کردن کانون خانواده ام، بکارهای ابلهانه ای دست برده اند. ای خاک برسرِ دم و دستگاه یک سیستم اطلاعاتی که با ورود به حریم خصوصیَ منتقدان، به ترمیم عجز خود می پردازد. اگر هنوزدر قاموس فکری و حیثیتیِ شخص شما، خانواده و حریم خانواده ارزشی دارند، به مأمورانَ اطلاعاتَ سپاه و سایرینی که در وزارت اطلاعات به همین کارها مشغولند، بفرمایید سراز خانواده ی من وسایر معترضان بیرون کشند. ویا اگرنه، ورود این نابخردان و افسار گسیختگان به اشاره ی جناب شما صورت پذیرفته و می پذیرد، بفرمایید تا ما، باورهای ایمانی و انسانی خود را با شاخص جدیدی که شما باب کرده اید تنظیم کنیم.

نامه های من با هر مضمونی که برشانه حمل می کنند، از امید و نیکفرجامی سرشارند. ما هنوز به شما و به فرجام نیکِ شما دلبستگی داریم. حساب شما را از حساب جباران تاریخ جدا کرده ایم. ما نمی خواهیم شما را و مأموران شما را در انزوایی که در پس مرزهای تاریخیِ ما پای می کوبد، گرفتار ببینیم. یک روزهایی مَا ادب را، احترامَ را، تکریم آحاد خانواده را، وخط قرمزی به اسم حریم خصوصی مردمان را از جناب شما فهم می کردیم. من اطمینان دارم افسار گسیختگان اطلاعات سپاه، دور از چشم مبارک شما سربه اندرون خانواده های ما فرو برده اند. من نمی توانم باور کنم آندسته از مأموران اطلاعات سپاه که در مجاورت هیولاگونگی سربرآورده اند، از جناب شما برای سرک کشیدن به خانواده ها و آشفتن نظام آن خط گرفته و می گیرند. مباد آن روز که بشنوم حضرت شما به این هیولاها فرموده باشید: بروید و هربلایی که می توانید برسر نوری زاد وخانواده اش بیاورید. نه نه ، ما هنوز شما را درحوزه ی ادب ورزی و رعایت اصول اخلاقی، صاحب وجاهت می دانیم. اگر روزی درهمین نزدیکی ها اتفاقی نامبارک در کانون زندگی من رخ داد، خواهم دانست – و برای شما خواهم نوشت – که شخص جناب شما در ترسیم این نامبارکی دخیل بوده اید و شخصاً به مأموران خود فرمان فرموده اید که با من آن کنند که با کافرِحربی نمی کنند.

رهبر گرامی،

احتمال دارد من به همین زودی توسط مأموران وفادار شما پودر شوم. وخانواده ام به آوارگی درافتد و متلاشی گردد. اگر اجازه بدهید و موافق باشید، من ازمخاطبان خود می خواهم که در غیاب من به نگارش نامه همت کنند و همچنان جناب شما را با الفاظ شایسته ندا دردهند. ما هنوزبه شما و به رفتار متوازن شما امید داریم. شما را بخدایی که می پرستید، از چنبره ای که گِردِاگرد شما بالا برده اند، بیرون بزنید. هوای جامعه را آنگونه که هست اَستنشاق کنید. اجازه ندهید موریانه هایی که چهار ستون مناسبات ما وشما را می جوند، شما را در شرایطی که خود پدید آورده اند، گرفتار کنند و از زبان شما آن برآورند که خود می خواهند. من زنده یا مرده، در پیشگاه خدای متعال، ودر پیشگاه مردم فلک زده ی ایران عزیز، جمعی از نخبگان جامعه ی خویش را به مدد می گیرم تا از هفته ی آینده، یک به یک، یا چند به چند، روبه جناب شما نامه بنویسند و شما را از آسیب ها و الفت ها با خبر کنند.

این عزیزانی را که من نام می برم و از آنان می خواهم تا برای شما نامه بنویسند، از سرشناسان وادی علم و ادب و ایمان و تقوایند. من اینان را در اجابت درخواستم، یا حتی دربی بها دانستن آن، به خدا وا می گذارم.

من و خانواده ام در این چند وقت، رنج فراوانی را تحمل کرده ایم. اگر تا هفته ی بعد و هفته های بعد زنده بودم و خانواده ام برقرار بود، همچنان برای شما خواهم نوشت. وگرنه فردای قیامت، اگر مرا فرصتی و امکانی بود، هم گریبان شما را خواهم گرفت، وهم گریبان این چند نفری که یک به یک نامشان شماره می کنم و مختصری با آنان سخن می گویم:

۱ – همسرشهید همت و همسر شهید باکری: شما خوبان در این دوسال بسیار آسیب دیده اید. آقای شریعتمداری کیهان از شما نیز فروگذارنکرد و برشما ناسزاها بارید. شرمم باد که دهان قلم خویش را به تکرار و یادآوری آن ناسزاها بیالایم. شما ازآبروداران بنام سرزمین مایید. من شما را به نمایندگی از خانواده های مکرم شهدا بهَ این معارضه فراخوانده ام. می دانم برای شما سخت است، اما شما را به عزیزان وشهیدانتان سوگند، قلم برگیرید و هرچه بشارت و هرچه هشدار سراغ دارید به سمت رهبرمان اشارت دهید. من شما دوتن را بسیار غیور یافته ام. شاید پرچمداری شما در این تقاضایی که من به میان آورده ام، دیگران را برسرشوق آورد و آنان نیز به تکاپو درافتند. شما در فردای قیامت جلوی خیلی ها را خواهید گرفت و از آنان به پیشگاه خدای خوب شکوه خواهید بُرد. اما چرا من و خانواده ام در همان فردا، جلوی شما را نگیریم و نگوییم چرا ما را دراین ورطه ی بلا تنها گذاردید؟ مباد آن روز. من با تمام ارادتم در پیشگاه سلامت و صلابت شما دوتن سرتعظیم فرود می آورم.

۲ – حضرت آیت الله وحید خراسانی: من جناب شما را بسیار دوست می دارم. همین که درآن دیدار کوتاه سکوت فرمودید تا من هرآنچه را که دردل داشتم برشما ببارم، برعلاقه ی من نسبت به خود افزودید. من درآن دیدار جسورانه به شما گفتم: جناب وحید، مردم ما چقدر دیگر باید هزینه کنند تا برای شما علما بقدر آن خلخالِ ربوده شده اَز پای آن زن یهودی بیارزد تا شما علما یک تکانی بخورید و عمامه از سربگیرید و پای برهنه از بیت شریفتان بیرون بزنید و فریاد کشان نسبت به فجایع جاری کشور بر بشورید؟! به شما گفتم: چرا خروج نمی کنید؟ چرا آبرویی را که از مردم و از دین خدا دارید، خرج مردم و دین خدا نمی کنید؟ گفتم: مگر قرآن نفرموده : برای خدا قیام کنید اگر چه به زیان خودتان و به زیان پدر ومادرتان و به زیان خویشاوندانتان تمام شود؟ گفتم: جناب وحید، مردم را کشته اند و اموال مردم را سوخته اند و تخریب کرده اند و چهره ی بسیج و بسیجی را تا حد شعبان بی مخ ها خراشیده اند.پس کی می خواهید اعتراض کنید؟ وشما با تبسمی مدام به من فرصت دادید تا سخنم و آتش درونم فرو بنشیند. درپایان فرمودید: آقای نوری زاد، والله اگر برمن مسجّل شود که خروجم به نتیجه خواهد انجامید، همین فردا خروج خواهم کرد. اکنون به محضر شما عارضم که: خروج نه، اما برای رهبر نامه ای بنویسید و با آن شجاعتی که از شما سراغ داریم، جناب ایشان را به مخاطرات پیش رو وبه کورسوهای امید هشدارو بشارت دهید. قرارما و شما، فردای قیامت بجای خود، قرار ما درهمین دنیا. مباد نامه های خود را محرمانه برای ایشان ارسال فرمایید. بنای ما بر انتشارِعلنی نامه هاست.

۳ – حضرت آیت الله جوادی آملی: من شما را شخصیتی فرهیخته و عارف و عالم و با تقوا می دانم. اما از شجاعتتان سراغی نمی بینم. حضرتعالی به قرآن و نهج البلاغه بسیار مسلط اید و بدانها اشراف دارید. اگر به فراخوان من بها ندهید، شما را به همان قرآن و به همان نهج البلاغه ای وا می گذارم که عمرخود را مصروف فهم آن ها فرموده اید. سکوت فراوان شما در قبال حادثه های این دوسال اخیر، چه به اسم تقیه و چه به هر اسم و به هر دلیل شرعی و عقلی، مردمان ما را به انزجار از اسلام ترغیب کرده است. دست به قلم ببرید و برای رهبرمان نامه ای و نامه هایی بنویسید و از ایشان بخواهید فکری برای اینهمه انشقاق مردم بکنند و به آغوش مردم باز گردند. به ایشان بفرمایید که پوزش خواهی از مردم، و ترمیم رنج های آنان، به خداوندی خدا، ای بسا عزت ایشان را مضاعف گرداند. اگر به اینگونه اشارات من تمایل ندارید، به هرچه که خود بدان متمایلید اشاره فرمایید. مهم این است که مردم ما از جناب شما یک دو خط نامه بخوانند و باور کنند که علمای شیعه، هیچگاه وامدار حکومت ها نبوده اند و به وقت ضرورت، به میان آمده اند و از حق و از مظلومان دفاع کرده اند. وگرنه، این چند روز دنیا را به سکوت و تماشا سپری فرمایید. که در این صورت، من و خانواده ام و هزاران خانواده ی دیگر، فردای قیامت راه را برشما خواهیم گرفت.

۴ – حضرت آیت الله مکارم شیرازی: شما نیز از صاحب نامان این روزگارید. حادثه های این دوسال اخیر را تماشا کردید و ترجیح دادی سکوت کنید. اما نه ، یک چند باری به بدحجابی ها و فعالیت وهابی ها اعتراض فرمودید. خون جوانان بی گناه مردم را به چشم دیدید و ازیک اعتراض ساده هراسیدید. ظاهراً برای مرجعیت، برخورداری از شجاعت، یک ضرورت حتمی است. ما شما را شجاع می خواهیم. با آن قلم شیوایی که آثار علمی فراوانی پدید آورده، نامه ای به رهبرمان بنویسید و وی را به فرداهای مهیبی که در کمین کشور ماست هشدار دهید و خیرخواهانه حضرت ایشان را به آشتی و دلجویی از مردم معترض و آسیب دیده ترغیب فرمایید. وعده ی ما و شما نیز فردای قیامت. بخدا قسم حضرت آیت الله، ما نیز چون شما خانواده ی خود را دوست داریم و از رواج آشوب و اضطراب در خانواده و در کلیت کشورمان در رنجیم.

۵ – حضرت آیت الله صانعی: من به شخص شما ارادت ویژه ای دارم. نامه ی شما به رهبرمان، با وجود همه ی لطمه هایی که از هواداران ایشان تحمل فرموده اید، می تواند راهها را بگشاید و بن بست ها را پس بزند. در یک سال و نیمی که من در زندان بودم، نمایندگان جناب شما به خانواده ی من سرزدند و از آنان دلجویی کردند. امروز همان خانواده در معرض آسیب و دربدری است.

همان خانواده ی خون جگر، توسط مأموران هرزه یِ اطلاعات سپاه، به سمت آشوب و گسست رانده می شود. من شخصاً درمعرض

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۰ ، پنج شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

نامه پانزدهم محمدنوری زاد خطاب به رهبری

رهبر گرامی! به آقای تائب بفرمایید از اندرون خانه های مردم سر بیرون کشد

ادامه از صفحه ی یک ...
همان خانواده ی خون جگر، توسط مأموران هرزه ی اطلاعات سپاه، به سمت آشوب و گسست رانده می شود. من شخصاً درمعرض تهدید شما درشکستن سکوت صاحب وجاهت اید. با نامه ای به رهبر، از آسمان خدا برای مردم ما برکت و رشد و همدلی، و برای رهبرما نیکنامی و فرود آمدن از بلندای دست نیافتنی ای که برای وی برساخته اند، آرزو کنید. شما را به خدا مبادا نگارش نامه را به دوردست ها احاله دهید! پسندیده است که درهمین هفته ی آینده، هجوم نامه های شما عزیزان به سوی رهبرمان بال بگشاید و وی را در زیر بارش کلمات شریف انسانی و آسمانی غسل دهد.

۶ – حضرت آیت الله بیات زنجانی: جناب شما نیز از ارادت من به خویشتن نیک خبردارید. دست به قلم ببرید و با ترنم کلمات، فضایی از درستی و رعایت حقوق مردم و انصاف و خیرخواهی ترسیم کنید و رهبرمان را به این فضا دعوت فرمایید. من اطمینان دارم بارش کلمات زمینی و آسمانی عزیزانی چون شما می تواند دل سنگ را بشکافد چه برسد به دل رهبر ما که یک زمانی ما از او نور می نوشیدیم.

۷ – حضرت آیت الله علیمحمد دستغیب: شما را دوست دارم. آزادگی شما را می ستایم. از تهران به شوق شما تا شیراز رانندگی کردم تا به دیدار عزیزی نائل آیم که نخواست منبرآزادگی اش از سلامت و صلابت تهی باشد. شمانیز ای عزیز دست مرا در این نهضت بزرگ بگیرید و همراهی ام کنید. ای بسا روزی درهمین نزدیکی ها، با هرنامه ی من هزاران نامه همراه شود و هجوم این همه نامه، همانند آن گلهایی باشد که ما در روزهای انقلاب به داخل لوله های تفنگ سربازان شاه فرو می کردیم.

۸ – حضرت آیت الله موسوی اردبیلی: نامه ی شما درکنار نامه های دیگران می تواند راهگشایی کند. ما از تلاش شما برای راه گشودن دراین دوسال اخیر نکته های نیکی شنیده ایم. قلم به دست بگیرید و رهبرمان را به آن روزی بشارت دهید که فتنه های واقعی را نه در خواست های بحق مردم، که در رفتار پلیدانی بنگرد که نقاب رفاقت به صورت بسته اند و از پشت به ایشان خنجر زده اند و می زنند.نامه های شما خوبان به ایشان، می تواند از دیوارهای ضخیم این روزهای بیت رهبری گذر کند و بردل وی تأثیربگذارد.

۹ – جناب سید محمد خاتمی: از میزان ارادت من به شخص خود آگاهید. شاید برای شما کمی سخت باشد که دست به قلم ببرید و از رهبر بخواهید به روزهای خوب درکنار مردم بودن نظر کنند. اما نه، شما دراین دوسال تلخ، نرم ترین مواضع را اتخاذ فرموده اید و قلم شیوای شما بی تاب نگارش یک نامه ی دلنشین و شریف است. به این تقاضای من حتماً عمل کنید. بخدا قسم من روزها و ساعت های بسیار سخت و فرساینده ای را سپری کرده ومی کنم. اطمینان دارم طعم تنهایی را چشیده اید. اگر بنویسید و هوشمندانه و قاطع و درست و منصفانه رهبر را به فرداهای نیک بشارت بدهید و از خطاها و احتمال های حتمی برحذر دارید، من از همین اکنون برکات آن نامه و نامه ها را برای شما تضمین می کنم. ما با این نامه ها قرار است برای هزارمین بار حجت را بر رهبرمان تمام کنیم. نه آنکه خدای ناکرده وی را در معرض تهدید و تنگنا قرار دهیم، بلکه از این منظر که ایشان بدانند آن سوتر از هواداران رسمی رهبری، هستند مشفقان غیرت مندی که به نیک فرجامی ایشان و رهایی کشور، عمیق تر و آگاهانه تر می نگرند. شاید نیاز به این نباشد که بگویم: اگر ننویسید و منتشر نکنید، من و خانواده ام چشم به راه قیامت نخواهیم ماند. درهمین دنیا از شما گله خواهیم کرد. وشما با اعتنا به آموزه های دینی مان، ازمیزان نفوذ آه بی پناهان با خبرید.

۱۰ – جناب هاشمی رفسنجانی: شما شاید بیش از همه ی ما به این نامه نگاری ها مستحق باشید. چرا که شما و خاندان شما در این دوسال آنچنان در معرض آسیب و خراش بوده اید که هیچ انسان منصفی هجوم آنهمه بلا را به ساحت شمایان نمی پسندد. شما یک روز چشم و چراغ این کشور بودید و جایگاهتان بسیط بود. درکل کشورجایی نبود که تاثیر نفوذ شما درآن تعریف نشده باشد. بویژه قلب رهبر.

که دریک تنگنای عاطفی، اشک درچشم فرمودند: هیچ کس برای من هاشمی نمی شود. اما گذر زمان، به توفانی سهمگین انجامید و جای شما را در دل رهبر به دیگران سپرد و شما را از هرطرف به تنگ آورد و به گوشه ای ناگزیر پرتاب کرد. قلم به دست بگیرید و مارا از هجوم بلایی که مأموران بی حیای اداره ی اطلاعات سپاه برایمان تدارک دیده اند بدربیرید. اگر همچنان بنا را برسکوت بگذارید، به خدای کعبه سوگند، تنهای تنها به راهی که آغاز کرده ام ادامه خواهم داد و تا پای جان به افشای مفسده های سپاهیان فربه از مال حرام و اطلاعاتی های هیولا صفت دست خواهم برد. اگرچه این افشاگری به نابودی من و خانواده ام بیانجامد. واز آن پس: دیدارمان به قیامت!

۱۱ – جناب سید حسن خمینی: قبول می فرمایید که در این دوسال اخیرشما را سخت ترسانده اند. پدرشما مشکوک از دنیا رفت. شاید به شما گفته باشند که همان سرنوشت پدرمرحوم می تواند برای شما نیز رقم بخورد. من به جایگاه مردمی شما آگاهم. مردم شما را دوست دارند. به همان دلیلی که درآن ملاقات حضوری به شما گفتم، شما می توانید در فرابردن فضای جامعه به سمت اصلاح، و به سمت پاکسازی از مفسده ها نقش اساسی داشته باشید. قرار نیست شما قلم بربگیرید و آسمان و زمین را به هم بدوزید. قرار است به رهبرمان بگوییم: شاید فردا دیر باشد. و باید ازهمین امروز به فکر فردا بود. مردم ما برای دوست داشتن شما دلیل می خواهند. نشانشان بدهید که مستحق این دوست داشتن های بی ریای مردم هستید. هیچ مأمور اطلاعات و هیچ سپاهی اطلاعاتی، از این که شما سخن مشفقانه به رهبر بگویید و وی را به روشنایی ها و تاریکی ها بشارت و هشدار بدهید، برشما نمی شورد. سرتان را به خدا بسپرید. اگر سکوت کنید، شاید درهمین دنیا خانواده ی من یک روز جلوی شما را بگیرند و به شما بگویند: نوری زاد را پودر کردند و ما را از هم گسستند و شما سکوت اختیار کردید.

۱۲ – آقای علی مطهری: شما از نام پدر شهیدتان سود می برید. گرچه گاه نشان داده اید که روح آن شهید بزرگوار در شما به تکاپو در می افتد و از زبان شما جاری می شود و حق خواهی می کند. قلم به دست گیرید و به رهبرمان بنویسید که ولایت فقیه آنجا خواستنی است که ما از او جز عدالت و علم و تقوا و پاکیزگی و شجاعت و پاکدستی و جهان شناسی و فهم مقتضیات روز نبینیم. به وی بنویسید که با رویت ابتدایی ترین تراشه های ظلم، مقبولیت شرعی وی به مخاطره می افتد. به وی بنویسید که شجاعت تنها در برآوردن فریاد نیست. شاید عالی ترین مراتب شجاعت، پوزش خواهی از مردم است بهنگام رواج ظلم. آقای مطهری، یکبار به شما گفتم:

شما نمایندگان در تک تک فاجعه های جاری کشور سهیمید. و امضای شما برهرقطره خونی که از بی گناهان به زمین ریخته شده، نشسته است. گفتم: سکوت شما نمایندگان در مجلس، به معنای تایید فجایع کشوراست. رهبر، شما را و خاندان شما را دوست دارد. شاید قلم شما و صداقت قلم شما از تیزی قلم من کارگرتر افتد و دل ایشان به سوی مردم واگشوده شود. تنهایی، حتماً قابل تحمل است اما تنهایی ای که با ناجوانمردی آمیخته باشد، فرساینده است. من اما گفته باشم: والله اگر هیچ یک از شما عزیزان به ندای من پاسخ نگویید، تا هرکجا که مقدورم باشد، به افشای مفاسد جاری کشور، بویژه مفاسدی که از آتشفشان سپاه و وزارت اطلاعات بیرون می زند، اصرار خواهم ورزید. به هرقیمتی که برای خودم و برای خانواده ام تمام شود.

۱۳ – سرداریاسدار حسین علایی: من یک بارهم به شما گفته ام. که اگربخواهم جانم را در رکاب یک پاسدارحقیقی فدا کنم، آن یک نفر شمایید. گرچه امثال شما فراوانید و شکرخدا ذخیره های سلامت برای فردای کشوربشمار می روید اما من شخصاً شما را پاسداری فهیم، تیزبین، اهل مطالعه، منصف، مردمی، پاک، جنگ دیده، جهان دیده، به روز، مومن، صبور و اهل مدارا یافته ام. اینها که برشمردم مگر کم سرمایه است؟ شما نیزتقاضای مرا اجابت فرمایید و نامه ای از زاویه ای که خود می پسندید برای رهبرمان بنویسید. متاسفانه دوست گرامی من، جماعتی در سپاه، به این نهاد پاک آسیب نشانده اند. کجا شما باور می کردید بعضی از پاسداران از اسارت برگشته، و پاسداران جنگ دیده، به روزی درافتند که با تلسکوپ های خود به زندگی امثال نوری زاد فرو شوند و با شنود تلفن های او و غارت اموال او و بیرون کشیدن فیلمهای خصوصی او و خانواده اش از و انتشار فیلمهای به غارت رفته ی او بخواهند او را به زانو درآورند؟ اینها را اضافه کنید به پاسدارنماهایی که سربه اموال مردم فرو برده اند و از هزار اسکله ی قاچاق مشغول حفظ نظامند. نامه ای بنویسید و مرا در این راه پرخطر یاوری فرمایید.

۱۴ – جناب دکتر سروش: متاسفانه شأن علمی شما در کشورما به چالش درافتاد و قدر شما دانسته نشد. امامان ما با دانشمندان ملحدی چون ابن ابی العوجا به بحث می نشستند و به شاگردان خود شیوه های مدارا و داد و ستد علمی را می آموختند. شما اما درجایگاه یک دانشمند شیعی نیز تحمل نشدید و ناگزیر به ترک و جلای وطن شدید. یکی از رازهای تحمل نشدن شما، این بود که علمای دینی ما نخواستند با درافتادن به مباحث روزجهانی که شما مبدع آن درکشوربودید، خود را با شتاب علوم و مباحث تازه هماهنگ کنند. شاید به همین دلیل است که زمان و جهان پیش رفته اند و بسیاری از علمای ما در دوردست های علمی جا مانده اند. با این همه من از جناب شما تقاضا دارم نامه ای از سر رفاقت و شفقت به رهبر بنویسید. می دانم اجابت این تقاضا برای شما ای بسا ناگوار باشد و ناشدنی. اما اجازه بدهید این مکتوب

جمعی، از شیوایی قلم شما نیز بهره مند باشد. حتماً شجاعت برای شما نیز در همین فرو خوردن محاکاتی است که به شما نهیب می زند: ننویس! اما شما بنویسید. ما بنا داریم با این نوشتن ها به تاریخ نشان بدهیم که: شاید فردا دیر نباشد. وبشود ایران عزیز را مجدداً احیا کرد. اگر ننوشتید، ایرادی نیست. من و خانواده ام در فردای قیامت با شما کاری نخواهیم داشت. شما به اندازه ی کافی آسیب دیده اید.

۱۵ – جناب دکتر کدیور: از جناب شما نیز تقاضا دارم نامه ای خیرخواهانه برای رهبربنویسید. گرچه شما پیش از این نیز نشان داده اید که درهمراهی و مساعدت فکری صادق و منصف اید. ازهرچه که صلاح می دانید بنویسید. شما اکنون می توانید از موضع یک عالم دینی دور از وطن، آسیب های درکمین را وابشکافید. می توانید افق های روشن را – هرچند در دوردست نشان ما بدهید. نگران نازسازهای امثال آقای شریعتمداری کیهان نباشید. او را اگر به حال خود هم وابگذاریم، از قلمش نازسا می چکد. شما بنویسید تا در تاریخ بماند. تا آیندگان قضاوت کنند که جماعتی خیرخواهانه و با به خطرانداختن خود و خانواده ی خود، تلاش کردند کشورشان را از کام هزار حادثه ی درکمین بدر ببرند اما کسی صدایشان را نشنید. باور بفرمایید من هنوز ناامید نیستم. چرا که می دانم درسخن حق نوری نهفته است که مخاطب خود را می جوید و کام او را به نور خود برمی آورد.

۱۶ – من از نمایندگان مجلس، ازمدیران و مسئولان، چه با اسم خود و چه با اسم مستعار، درهرکجای ایران و جهان تقاضا دارم مرا در این حرکت بزرگ یاری دهند. ما می توانیم چند به چند، یک به یک، با همین نامه های خود بارانی از کلمات شایسته برسر رهبر ببارایم و او را به آسیب ها و به نادرستی ها و به کجی ها هشدار دهیم. محل انتشار این نامه ها می تواند سایت های شخصی و حرفه ای باشد.

می توانید نامه های خود را برای من، یا به سایت آقای دکتر خزعلی ارسال فرمایید. یا به سایت کلمه و جرس و هرکجا که خودتان صلاح می دانید. شایسته می دانم دراین نهضت بزرگ نامه نگاری، از رواج واژه های زشت و ناپسند پرهیزکنید. قرار ما تا زمان انتخابات. البته بنا نیست در آن روز اتفاق حیرت انگیزی رخ بدهد و همه ی آبهای رفته به جوی بازگردد. اما انتهای این راه را همان ایام انتخابات رصد می کنیم. همه می نویسیم و رهبر را مخاطب نوشته های صریح اما مشفقانه ی خویش قرار می دهیم.

به امید اثربخشی اقیانوسی از کلمات خیرخواهانه.

بدرود

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه
WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۱ ، دوشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

به یقین فجایع کهریزک و آدم کشی های روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد و عاشورای حسینی از خاطره جمعی ملت پاک نخواهد شد و نباید هم پاک شود که خیانت به خون شهدا و بی گناهان است.

بیانیه شماره ۱۸ میرحسین موسوی

سرمقاله

استیصال و دستپاچگی برای انتخابات

بیتا موحد : در حالی اصلاح طلبان و منتقدان دلسوز کشور از ماهها قبل زمینه حضور در انتخابات مجلس نهم را مساعد ندانسته و براین باورند در فضای کنونی امکان رقابت سالم انتخاباتی وجود ندارد،به اصطلاح اصولگرایان با لطایف الحیل در صدد جلب آنان برای رونق انتخابات سرد پیش روی هستند.

استیصال حاکمیت اقتدارگرا در انتخابات اسفند ماه تا آنجاست که بارها اقدام به خبرسازی از میتینگها و اظهارنظرهایی از اصلاح طلبان و شخصیتهای مطرح سیاسی کرده است. این جریانسازی حتی تا آنجا پیش رفت که نامه ای با امضای جعلی زندانیان سیاسی توسط سایتهای محافظه کاران منتشر شد.

اینک که اجماع عمومی برای عدم مشارکت فعال در انتخابات مجلس نهم از سوی گروهها و فعالان سیاسی این جبهه عنوان شده است، مشاور فرمانده کل سپاه که هنوز نتوانسته رنج حاصل از تشتت جبهه اصولگرایان را در تهیه یک فهرست انتخاباتی کاهش دهد، از چند صدایی در جبهه اصلاح طلبان سخن گفته و گمان دارد که گفتمان غالب در این میان از سوی یکی از نمایندگان مجلس بیان شده است.

این مشاور فرمانده سپاه که ورودش در عرصه انتخابات نقض فرموده امام مبنی برعدم مداخله نیروهای نظامی در مسایل مرتبط با انتخابات است، بدون اینکه به اختلافات و شکاف عمیق اصولگرایان و حامیان دیروز احمدی نژاد بپردازد و راه حلی برای چند صدایی موجود در این جبهه بیابد، برای حضور اصلاح طلبان خط و نشان می کشد و ادعا می کند که نیازی به حضور آنان نیست!. اما اگر حاکمیت نیازمند این حضور نیست پس چرا هر روز در جلسات علنی و اظهارنظرهای رسمی در مورد چگونگی این مشارکت شرط و شروط می گذارید؟ چگونه است که بالاترین مقام سیاسی کشور تا جبهه پایداری و شش بعلاوه دو و موتلفه و ... هنوز در انتظار توبه و انابه هستند؟ اگر اصلاح طلبان نباید باشند و همه چیز بر وفق مراد است، دیگر این همه نگرانی و دستپاچگی و به استقبال یکساله رفتن برای چیست؟

باید گفت برخلاف تصور او چند صدایی در جبهه اصولگرایان است و اجماع عمومی درجبهه اصلاح طلبان.چه این اصولگرایانند که هر روز با شعاری و ادعایی به میدان میایند.اصلاح طلبان از ماهها پیش تاکنون هم صدایند.چه در داخل کشور چه در خارج. چه در زندان چه در حصر. زمینه ای که از سوی اصلاح طلبان برای برگزاری یک انتخابات سالم و رقابتی مطرح شده است،حداقل ساز و کار موثر در برگزاری یک مشارکت سیاسی آزاد است.

آزادی زندانیان سیاسی،رفع حصر از رهبران جنبش سبز،آزادی مطبوعات و احزاب و عدم مداخله نظامیان درانتخابات حداقلهایی است که نه تنها از سوی اصلاح طلبان بلکه از سوی عقلای جامعه و همه دلسوزان انقلاب و نظام مطرح میشود.از منظر اصلاح طلبان انتخابات بستری برای مشارکت مردم و جلب اعتماد عمومی است.بستری که مردم نتیجه رای خود را در ساختار سیاسی منبعث از آن ببینند. فلذا برگزاری انتخاباتی آزاد بدور از تزویر و تقلب همانگونه که میرحسین موسوی گفته بود، مطالبه عمومی مردم ایران است؛

امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکار ناپذیر مردمی تبدیل شده است.هر که جز این طلب کند در مسیری خلاف جریان جامعه حرکت کرده و در موج خروشان مردم گم خواهد شد.

خانواده شهید بهشتی به دیدار خانواده شهید علی موسوی رفتند

خانواده شهید بهشتی در آستانه سالگرد شهادت سید علی موسوی به دیدار این خانواده شهید رفتند.

به گزارش کلمه، در این دیدار که فرزندان زهرا رهنورد و میرحسین موسوی نیز حضور داشتند، خانواده شهید بهشتی یاد و خاطره خواهرزاده میر حسین موسوی را گرامی داشتند.سید علی حبیبی موسوی خامنه خواهرزاده ۳۵ ساله مهندس موسوی ۶ دی ۱۳۸۸ در مراسم عزاداری روز عاشورا در نزدیکی خیابان آزادی، از ناحیه کتف هدف گلوله قرار گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان ابن سینا واقع در فلکه دوم صادقیه به شهادت رسید.

اخبار کوتاه

- حمیدرضا خادم فعال سیاسی و عضو جبهه ملی ایران که اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین بسر میبرد دچار خون ریزی ریه و سرفه های ممتد عفونی و همچنین درد و التهاب کلیه شده است.
- یعقوب ملکی از اعضای ستاد ارومیه میرحسین، خلبان و رزمنده دفاع مقدس به ۱۰سال حبس محکوم شد.
- مسعود باستانی از زمان بازداشت تا کنون حتی یک روز هم به مرخصی نیامده و مدت دو سال و نیم گذشته را در زندان گذرانده است. این روزنامه‌نگار به ۶ سال زندان و پرداخت جزای نقدی سنگین محکوم شده است. دادستان تهران تا کنون با درخواست مرخصی استحقاقی و استعلاجی وی مخالفت کرده است.

ای کاش ما هم می توانستیم اعتراض کنیم

کلمه- دکترحسین راغفر

ای کاش ما هم می توانستیم به جنبش ضد وال استریت بپیوندیم و به سیاستهای نومحافظه کارانه سالهای گذشته و بویژه شش سال اخیر، دولتها در کشورمان اعتراض کنیم و مکاری طراحان این سیاستها را فریاد میزدیم که بر واگذاری سهام بنگاههای دولتی عنوان سهام "عدالت" نهادند و بر آزاد سازی قیمت ها "هدفمندی یارانه ها".

ای کاش ما نیز می توانستیم در این لحظاتی که تاریخ جهانی رقم میخورد سهم خود را به تاریخ آینده کشورمان و دنیا ادا کنیم؛ لحظاتی که نشانه های قطعی فروپاشی لیبرالیسم به عنوان معرّف جغرافیای فرهنگی نظام جهانی عصر ماست.

جنبش ضد وال استریت جنبش قربانیان نظامهای ظلم و بی عدالتی است.جنبش ضد وال استریت خواهان آزادیهای مشروع است.ای کاش ما نیز می توانستیم به همراه همه جوانانی که یا شغلی ندارند و یا از سرناگزیری سرگرم مشاغل کاذب هستند به مسببین بیکاری آنها اعتراض کنیم؛جوانانی که قربانی سیاست های راست افراطی دولتهای نو محافظه کار شده اند؛همچون معترضان ضد وال استریت به رهاسازی اقتصاد در چنگال مشتی الیگارش اعتراض میکردیم و مسببین واردات بی سابقه در تاریخ کشور را که فرصت میلیونها شغل را از جوانان و کارگران ما گرفتند و به جوانان و کارگران چین و هند و ترک اعطاء کردند افشاء میکردیم.

ای کاش ما هم می توانستیم تظاهرات ضد وال استریت داشته باشیم و آنهایی را که آزادی را موعظه میکنند بدون آنکه فرصتها را فراهم آورده باشند رسوا میکردیم و فریاد میزدیم این آزادی شما "هدیه ای شیطانی" است به مردم ما و آنهایی که از ارائه فرصتها امتناع میورزند "جنایت" میکنند و بی جهت نیست که آن واعظان و این تبهکاران پیوندی تاریخی دارند.

جنبش ضد وال استریت داستان اعتراض میلیونها نفر از مردمانی است که شغلی ندارند و دولت هایشان در جهتی مخالف مصالح آنها حرکت میکنند؛ داستان دروغ پردازی ها و افسانه سازیهای بی پایان دولتهاست که علّت بیکاری میلیونها جوان و انسان بیکارجویای کار را به عوامل خارجی از جمله رکود جهانی نسبت میدهند و حال آنکه همگان آگاهند که فساد،اختلاس و غارت منابع عمومی در داخل،علت بیکاری آنهاست.

ای کاش ما هم می توانستیم به سیاستهای نومحافظه کاران کشوردر گروگان گرفتن سرنوشت کودکان این سرزمین به نفع زالوهایی که درآمدهای میلیاردی دارند و از پرداخت مالیات امتناع می ورزند اعتراض کنیم و فریاد میزدیم ای دولت شجاع چرا حقوق کودکان ما را برای داشتن مدرسه بهتر، نظام سلامت همگانی

و با کیفیت،به صنف طلا فروشان و پارچه فروشان و جرّاح ها و الیگارشها تقدیم میکنی؟

ای کاش ما هم می توانستیم به "سیاست های قاتل" اعتراض کنیم و همراه میلیونها نفر که در اثر آلودگی هوا، فقدان نظام سلامت همگانی، و فقر گسترده دچار ابتلاء به بیماری های مهلک و مرگ زودهنگام میشوند از سیاستهای نومحافظه کارانه که مسبب این مصائب هستند اعلام انزجار میکردیم.ای کاش ما هم می توانستیم به فقر گسترده وعمیق میلیونها هموطن خود اعتراض کنیم و در راهپیماییهای اعتراضی بر روی پارچه نوشته های خود می نوشتیم"۶۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفت و گاز۶ سال گذشته کجاست؟"؛ "سیاستهای قاتل مردم را محکوم می کنیم و خواهان محاکمه عوامل آنها هستیم"؛"این سرزمین سرزمین ماست"

ای کاش ما می توانستیم به سیاستهای قاچاق مستمرو گسترده ایران اعتراض کنیم و گوشه ای از جنایت واردات قاچاق را که به فروپاشی هزاران واحد تولیدی و بیکاری میلیونها نیروی کار و فقر و فساد وفحشا و اعتیاد منجر شده اعتراض میکردیم و بر روی پارچه نوشته های خود مینوشتیم "آیا قاچاق کالا، پاسداری از انقلاب است؟"ای کاش ما هم می توانستیم به همراه میلیونها کشاورزی که در اثر واردات بی سابقه آسیب خوردند به خیابانها می آمدیم و اعتراض خود را به سیاستهای واگذاری بازارهای کشور به تعداد انگشت شماری الیگارش فریاد میکردیم.

ای کاش ما هم می توانستیم همراه هزاران کارگری که ماهها حقوق دریافت نکرده بهمراه خانواده هایشان راهپیمایی میکردیم و روی پلاکاردهای خود مینوشتیم "به ما قربانیان سیاست های رهاسازی اقتصادی و فرزندان ما بنگرید آیا فرزندان شما هم نگران غذا و مسکن و آموزش خود هستند؟"،"شرم بر مسببین مصائب ما باد."

ای کاش ما هم می توانستیم به همراه میلیونها فعّال اقتصادی و اعضای خانواده هایشان در مقابل مجلس و بانک مرکزی گردهمایی اعتراضی داشته باشیم و خطاب به مسئولین برروی پلاکاردهای خود مینوشتیم "ما بیش از ۹۹ درصد هستیم،چه کسی منافع ما را نمایندگی میکند؟"و آنها را که صدایشان در کریدورهای مجلس طنین افکنده و نمایندگانشان درجلسات تصمیم گیریهای پولی و ارزی برای تعیین نرخ ارز به نفع نخبگان کمتر از ۱ درصد حضور دارند و رئیس جمهور وعده تخصیص ۱۴۰۰ میلیارد تومان جایزه صادرات را از منابع متعلق به همه آحاد جامعه، به آنها میدهد اعتراض میکردیم و بر روی پلاکاردهای خود مینوشتیم"سهم ما برای یک زندگی مبتنی بر سختکوشی و ریاضت کجاست؟"،"چه کسی منافع ما را نمایندگی میکند؟چه نهادی؟ چه فردی؟چه کسی مدافع حقوق قربانیان نظام اجتماعی و فقراست؟چه کسانی مدافعین رای و صدای مردم هستند؟ کجا هستند؟ چه کرده اند؟

در قاموس اسلام حصر و زندان کردن افراد بدون محاکمه پسندیده نیست

هادی غفاری، امام جماعت مسجد الهادی با غیرقانونی خواندن حصر آقایان موسوی و کروبی،این اقدام را به ضرر نظام دانست.

به گزارش کلمه، غفاری خواستار رفع حصر رهبران جنبش سبز شد و تاکید کرد:در قاموس نظام اسلامی حصر و زندان کردن افراد بدون محاکمه پسندیده نیست.

او هشدار داد:همه باید آگاه باشیم که اسلام بیش از هر موقع دیگر در خطر است و برعهده ماست که حساب اسلام را از حساب آنچه که به نام آن انجام میدهند جدا کنیم.

غفاری در تحلیل خود از اقداماتی نظیر نامه های آقای نوری زاد به رهبری گفت: ما با هیچ شخصی سر دعوا نداریم و این نامه نگاری ها، سخنرانی ها، نقد و خطابه ها همه از سر دلسوزی و بازگشت به راه آرمان های انقلاب است.

وی در ادامه با ابراز تاسف از فضایی که برای احزاب، رسانه ها و شخصیت های سیاسی ایجاد شده است گفت: نتیجه این اقدامات از دست رفتن پشتوانه مردمی نظام است و با این روش در آینده نه چندان دور بر بام های منازل پرچم بی بی سی و رسانه های بیگانه به نمایش در خواهد آمد.

غفاری همچنین تحقق شروط اعلام شده اصلاح طلبان برای حضور در انتخابات توسط جناح حاکم را منتفی خواند و گفت:کسی با تابلوی اصلاحات وارد این میدان نخواهد شد.

او مشروعیت نظام را از پشتوانه مردمی آن دانست و افزود ما ولایت فقیه و ولی فقیه رو قبول میکنیم به شرط اینکه عدالت و نظارت در آن برقرار باشد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه
WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۳ ، پنج شنبه ۲۹ دی ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

سرمقاله

این بی‌تفاوتی را دریابید

کلمه-بامداد راد

مصطفی احمدی روشن، دانش‌آموخته‌ی مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف و معاون بازرگانی تأسیسات هسته‌ای نطنز، چهارشنبه‌ی هفته‌ی پیش ترور شد و به شهادت رسید.

یک. وظیفه‌ی حفاظت از جان احمدی‌روشن و احمدی‌روشن‌ها، برعهده‌ی کدام نهاد اطلاعاتی-امنیتی کشور است؟ چرا در طول بیش از دو سال گذشته، چهار ترور مشابه «دانشمندان هسته‌ای» کشور را از میان برداشته و تنها کاری که دستگاه اطلاعاتی کشور انجام داده، دستگیری ضعیف‌ترین حلقه‌ی شبکه‌ای بوده که برنامه‌ریزی این ترورها را برعهده داشته‌است؟

در طول دو سال و اندی گذشته و پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، حکومت به‌جای پاسخ به ابهاماتی که مردم درباره‌ی نتیجه‌ی انتخابات داشتند، روی‌کردی امنیتی را در مواجهه با آنان برعهده گرفت و در نتیجه، دستگاه اطلاعاتی کشور به‌جای حفاظت از مملکت و تأمین امنیت آن، درگیر ساختن اتهامات بی‌پایه و نگارش سناریوهای پیچیده بود که برای نپذیرفتن مهندسی آرای انتخابات انجام گرفت؛ وقتی رهبر جمهوری اسلامی در نمازجمعه‌ی تاریخی ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ پیش از اتمام مهلت قانونی بررسی اعتراض‌های انتخاباتی توسط شورای نگهبان قانون اساسی، اعلام می کند تقلب در انتخابات جمهوری اسلامی «غیرممکن» است، تمام تلاش‌ها باید صرف این شود که این ادعا ثابت شود؛ حتی اگر به خنده‌دارترین سناریوها متوسل شوند. همان‌گونه که در جریان بررسی قتل‌های زنجیره‌ای، رهبر نظام آن‌ها را کار بیگانگان دانست و پس از آن بود که رسوایی بازجویی از همسر سعید امامی پیش آمد و معلوم شد با چه ترتیبات بی‌رحمانه‌ای وی وادار به اعتراف دروغین به همکاری با بیگانگان شده‌است.

دو. واکنش جامعه‌ی دانشگاهی، فضای مجازی و تاحدودی عموم مردم به خبر ترور مصطفی احمدی‌روشن را مقایسه کنید با واکنش این گروه‌ها به خبر ترور مسعود علی‌محمدی که دو سال پیش روی داد. تنها تفاوت این دو ترور در این بود که مرحوم احمدی‌روشن یک مقام بلندپایه در برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی بود و مرحوم علی‌محمدی صرفاً یک «دانشمند هسته‌ای». صرف‌نظر از بحث‌هایی که در بحبوحه‌ی اعتراضات به نتایج انتخابات پیرامون این درگرفت، پس از ترور آقای علی‌محمدی دانشجویان دانشگاه تهران به‌صورت واقعاً خودجوش واکنش درخوری به این امر نشان دادند، ولی درباره‌ی ترور اخیر هنوز خبری غیر از برپایی مراسم رسمی در دست نیست.

آیا این نمی‌تواند ارتباطی با برخوردهای نظام با مردم داشته‌باشد که به‌انواع شیوه‌ها تحقیرشان می‌کند؛ از انواع گشت‌های امنیت اخلاقی و ارشاد و نسبت، تجاوز به حریم خصوصی مردم با جمع‌آوری دیش‌های ماهواره و سلب آزادی‌های فردی مردم به طرق گوناگون، تا سرکوب‌ها و برخوردهایی که با اعتراض مسالمت‌آمیز مردم صورت گرفت؟ نمی‌شود این موضوع به جدایی مردم از حکومتی مربوط باشد که مدام در حال دروغ‌گویی و ساختن آمارهای بی‌پایه است و در حالی که شرایط زندگی مردم بدتر از «شعب ابی‌طالب» است، مدعی وجود شرایط «بدر و خیبر» در کشور است؟ آیا امکان ندارد که حتی هواداران سرسخت نظام هم از انبوه فشارها و سختی‌ها به‌جان آمده و عطای حمایت از حکومتی را که به آن معتقد بودند، به لقایش بخشیده‌باشند؟ این، همان ریزش مشروعیت نظام نیست که میرحسین موسوی آن را به حاکمان جمهوری اسلامی هشدار داده‌بود؟

سه. وجود انسان ارزش‌مند است. من پیش‌تر نسبت به سخن گفتن از ترور قاسم سلیمانی -فرمانده سپاه قدس- از سوی مقام‌های آمریکایی واکنش نشان داده‌بودم [۱]. ترور این هم‌وطن هم محکوم است، کار هرکس می‌خواهد باشد. اما باید دانست همه‌ی مردم این‌گونه فکر نمی‌کنند که وجود آدمی را بیرون از نهادی که مشغول به کار در آن است ببینند؛ نظیر همان فکری که درباره‌ی سردارحسن تهرانی‌مقدم -رییس سازمان جهاد خودکفایی سپاه- داشتند. او را هم نه یک انسان که جانش جدا از لباسی که بر تن دارد ارزش‌مند است، بلکه جزئی از سپاهی می‌دانند که سرکوب می‌کند و به‌جای تمرین در پادگان، مشغول جولان در سرمایه‌های این مملکت است.

آن زمان که عبدالرضا سودبخش [۲] -پزشکی که زندانیان کهریزک را معاینه کرده‌بود و اطلاعات گسترده‌ای پیرامون تجاوز به زندانیان این زندان داشت و حاضر نشده‌بود بگوید زندانیان کهریزک در اثر ابتلا به منتژیت به شهادت رسیده‌اند- در روز روشن برابر مطبش ترور شد و معلوم نشد دو موتورسوار تروریست، با چه اطمینانی نیم‌ساعت در خیابان بدون کاسکت چرخ زده‌اند تا مرحوم سودبخش از مطب خارج شود و با اسلحه‌ی مجهز به صداخفه‌کن او را به قتل برسانند، معلوم نشد چرا دوربین‌های بلوار کشاورز هیچ فیلمی از زمان ترور دکتر سودبخش ندارند، معلوم نشد چرا فیلم داروخانه‌ی مجاور مطب ضبط شده ولی تاکنون هیچ متهمی بازداشت نشده و پرونده گویی بسته شده‌است، نظام باید به فکر این روزها می‌بود که یکی از افرادش ترور شود و مردم واکنشی به آن نشان ندهند. این بی تفاوتی هشدارآمیز است. آن را دریابید.

برادر میرحسین موسوی:

دل‌تنگ و دل‌نگرانیم، آزارمان می دهند

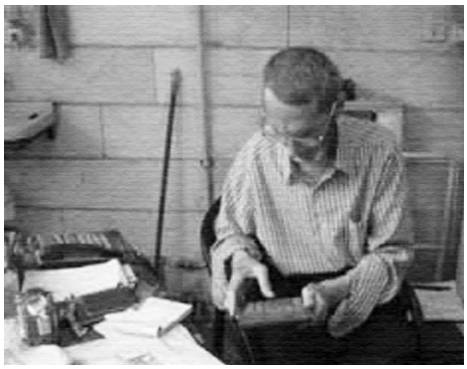

زهرا صدر: میرعبدالله موسوی برادر ارشد مهندس موسوی با ابراز نگرانی از بی خبری در مورد سلامتی خانواده برادرش میگوید:هیچ کس با آن ها ارتباط ندارد. مانع دیدار همه می شوند. دخترهایش، ما، برادران. اصلا نمیدانیم در چه شرایطی نگهداری میشوند. بیش از ۱۰ ماه است بلاتکلیف مانده ایم.

او با اعلام اینکه حق همیشه پیروز است و بی شک میرحسین حق است.قاطعانه تاکید می کند:برادرش کاری نکرده که مقصر باشد. آنها زمانی که ناحق شد، از حق دفاع کردند و برای همین گرفتار شدند.

برادر سالخورده میرحسین که در مغازه کوچکش مشغول کسب است از آزار و اذیت ماموران امنیتی در امان نمانده و چند بار به مغازه‌اش رفته اند. بازجومنشانه او را مورد تفتیش و توهین قرار داده اند.

نمی‌تواند نگرانی خود را از حال برادر پنهان کند. برادری که ۸ سال در جنگ نشسته خوابید تا مردم سختی را کمتر حس کنند.

چند روز پیش دلشوره و نگرانی امانش را بریده بود، دلشوره ای از همان جنس که می گویند درد برادر کمر برادر را خم می کند. آنقدر که دیگر طاقت نیاورد و از کنج مغازه ی کوچکش در محله درخونگاه به سوی زندان اختر میرود شاید بتواند خبری از او بگیرد. اما با برخورد زننده زندانبانان مواجه میشود.

با لحظه ی شیرین آذری برای خبرنگار کلمه تعریف میکند:نگران برادرم و همسرش بودیم که مدتهاست آنجا اسیر شده اند. دل ما برایشان خیلی تنگ شده.

میرعبدالله موسوی میگوید:خیلی وقت بود مشتاق زیارتشان بودیم.میگوید:کاری نداشتیم، نگران بودیم. نگرانی یک برادر برای برادر. می‌خواستیم بریم و فقط ببینیمشان. می‌خواستم مطمئن شوم که حال آن ها خوب است، اما نگذاشتند.

آقای موسوی با صدایی غمگین و در عین حال مبهوت می گوید:ماموری آنجا گفتند ما چنین آدمی را نمی شناسیم. من گفتم چطور نمی شناسید؟ همه ی دنیا ایشان را می شناسند شما چطور او را نمی شناسید؟

ده دقیقه ای ایستادیم. گفتند بروید منزلتان. ما رفتیم و دوباره برگشتیم اما باز هم مانع شدند و نگذاشتند برادرم را ببینم. فرزند ارشد مرحوم میراسماعیل موسوی بار دیگر ناباورانه تکرار می کند: گفتند ما اصلا کسی را به اسم موسوی نمی شناسیم.»

وقتی از اخبار رسانه های دولتی می گویم و ادعاهایی که"عزیزانش در بند نیستند و صرفا تحت حفاظت هستند."میگوید:هیچ کس با آن ها ارتباط ندارد. مانع دیدار همه میشوند. دخترهایش، ما، برادران. اصلا نمیدانیم در چه شرایطی نگهداری میشوند. همه همینطور بلاتکلیف مانده ایم.

میرعبدالله تصریح میکند: حدود یکی دو ماه پیش دختر برادرم توانسته بود آنها را ببیند و بعد از آن دیگر هیچ خبری نداریم. اینکه اصلا نمی دانیم در چه حالی‌اند و آیا مریض هستند و یا سالم، آزار دهنده است.

با برادر بزرگ میرحسین موسوی از اتهام هایی که این ماه ها به او زده شد میگوییم و اینکه چطور میتوان به کسی که در بحرانی ترین شرایط، ۸ سال زیر تهاجم مستقیم دشمن، کشور را اداره کرده است اتهام ارتباط با بیگانگان و خیانت به کشور را زد، با دلی گرفته فقط می گوید: «میر حسین اهل این حرفها نیست. این شایعات را از خودشان در آورده اند...»

انگار به خاطرات گذشته بازگشته آرام و نامفهوم، گویی با خود فکر میکند،میگوید: «اینها رفتار خوبی نکردند و همه را گرفتار کرده اند. اگر رفتار مناسبی داشتند این پیش‌آمدها اتفاق نمی افتاد.»

با کمی مکث اضافه میکند: «قرار نیست کسی را بگیرند بدون محکمه و قاضی همینطور نگه دارند و نگذارند با هیچ کس دیدار داشته باشد. بالاخره باید کاری کرد. یک دادگاهی تشکیل شود و ببینند که چه گناهی مرتکب شده اند. اگر مقصر بودند، هر چقدر قانون گفت نگهشان دارند اما نمی شود که بدون هیچ گناه و بی دادگاه و قاضی زندانیشان کنند.»

این برادر دل تنگ که به گفته خود وارد وادی بی رحم سیاست نشده،در پاسخ به این سوال که چرا برخی از آزادی میرحسین میترسند میگوید:اینها می خواستند اذیت کنند و آزار بدهند. بیشتر از۱۰ ماه است بلاتکلیف گذاشته اند.معنی این چیزی جز آزاد دادن نیست.

کمتر از دو ماه حبس غیر قانونی میرحسین موسوی و همراه همیشگی اش نگذشته بود که میر اسماعیل موسوی دار فانی را وداع گفت و آه ندیدن پسر دربندش را بر دل همه باقی گذاشت. آن روزها وقتی میر دربند برای دقایقی توانست با پیکر سرد شده ی پدر دیدار کند به تنها جمله ای بسنده کرد که این روزها معنایش برای برادران و دختران و یاران و همراهان سبز بیشتر معنا یافته است؛ صبر صبر صبر..

و حالا برادر بزرگتر که چمدانی از خاطرات پدر و برادر بر دوش دارد در پاسخ به اینکه چه باید کرد،میگوید:ما هم مثل شما.. کاری از ما بر نمی آید. هر کاری بخواهند دست خودشان است و انجام میدهند.

او اما مانند تمام دنیا دیده های دیگر که تاریخ خوانده امیدوار است و به گفته خود همه چیز رابه «خدای احد و واحد» واگذار کرده است. آرام و مطمئن میگوید:هر که حق هست خدا همان را می خواهد. دیر یا زود، حق همیشه پیروز است و بی شک میرحسین حق است.میرعبدالله قاطعانه تاکید میکند:برادرش کاری نکرده که مقصر باشد. آن ها زمانی که ناحق شد، از حق دفاع کردند و برای همین گرفتار شدند.»

آقای موسوی افسوس میخورد و میگوید:مردم خودشان همه چیز را فهمیده اند. آن ها امروز همه چیز را می دانند اما چه می‌توانند بکنند وقتی هر کس نفس حق می کشد بازداشت می شود.

به او میگویم آیا با مسوولان سخنی دارید که میگوید:حرف خاصی خطاب به مسئولان ندارم. ما هم مثل همه ی مردم هستیم. از حرف ما چیزی در نمی آید همه چیز دست آنهاست.

مهدی کروبی در وضعیت انفرادی و بدون ملاقات است

اخیرا ماموران امنیتی امکانات و ملاقاتهای محدود مهدی کروبی را قطع کرده اند.

به گزارش کلمه، حسین کروبی با اعلام این خبر گفت: از روزی که اقای کروبی پیامی را مبنی بر فرمایشی خواندن انتخابات توسط مادرم، سرکار خانم فاطمه کروبی منتشرنموده اند از آنروز به بعد ملاقات هفتگی شیخ با مادرشان را قطع کرده اند وهمچنین آن دو روزنامه ای راکه مدت کوتاهی برای مطالعه در اختیارشان قرار داده می شد دیگر نمی دهند و ایشان در آپارتمان کوچکی به صورت انفرادی زندگی می کنند.

پیش از این نیز خانم فاطمه کروبی در دیدار با زندانیان پیش از انقلاب به این موضوع اشاره کرده و گفته بود: آقای کروبی از من خواستند در باب انتخابات پیش رو مطالبی را به اطلاع هموطنان برسانم و من چنین کردم. اما بدنبال انتشار خبر، ملاقات من هم با ایشان قطع شده است و رفتار ماموران وزارت اطلاعات بسیار توهین آمیز شده است.

مهدی کروبی چندی پیش در پیامی خطاب به مردم در خصوص انتخابات آینده مجلس گفته بود: می خواهند انتخاباتی فرمایشی و دستوری ترتیب دهند. آقایان هیچ اعتقادی به رای مردم ندارند و از هم اکنون خود را برای برگزاری انتخاباتی فرمایشی آماده می کنند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۴ ، شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. نهادهای تصمیم‌گیر مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند.

انتقاد نوری زاد از عملکرد لباس شخصی ها

رهبری موضع گیری کند

محمد نوری زاد نویسنده و مستندساز در نوزدهمین نامه خود به رهبری از عملکرد دستگاه های تحت فرمان رهبری و اقدامات لباس شخصی ها بشدت انتقاد کرده و خواستار واکنش و مسئولیت پذیری رهبری دراین مساله شده است.

این مستند ساز در آخرین نامه خود که هر هفته جمعه ها منتشر می شود، مسئولیت های رهبری را مورد اشاره قرار داده و نوشته است: اگر رهبرشدن آسان باشد، رهبرماندن حتماً به فرسودن می انجامد. بیست و سه سال پیش جماعتی دست به دست هم دادند و شما را برای رهبری این کشوربرگزیدند. بله، این، به یک نشست صورت پذیرفت. آنان کوهی از امانت را برشانه های شما وانهادند و بلافاصله به سروقت کارو کسب خود رفتند.

نوری زاد با مروری بر عملکرد لباس شخصی ها طی این سالها می نویسد: دراین سالها آنچه که از رفتار مستمر این اختراع به جان جامعه ی ما فرو شده، رواج بداخلاقی و بی قانونی بی درو پیکراست. شما یکبار تا کنون آیا براین اختراع نامیمون برآشفته اید؟ که مثلاً: من این رویه را تأیید نمی کنم؟ یا: از فردا هرکسی و هرکسانی اگر خودسرانه به راه بیفتند و دست به تخریب بزنند و برکسی فحش و ناسزا ببارند، سخت مواخذه می شوند؟ ویا به دستگاههای انتظامی بفرمایید: هرچه زودتر جلوی این اوباشان مذهبی را بگیرید؟ بله، شما تا کنون به رفتار این دستگاه اختراعی ما اعتراضکی نیز نفرموده اید. بدیهی است که این دستگاه، روشن شدن موتورش را مدیون شخص شما بداند و به کمتراز خود شما نیز روی خوش نشان ندهد. وگرنه چرا نباید دستگاه قضایی ما حریف آن سردار و امام جمعه و جوانک فحاشی شود که باخروج از تعادلِ روانی، همه ی کائنات را با شخص شما می سنجند و چرخش هستیَ را نیز مدیون تأیید جناب شما می دانند.

اخبار کوتاه

* جواد امام از اعضای دربند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تنها چند هفته مانده به آزادی مورد بازجویی قرار گرفته و به تبلیغ علیه نظام از طریق امضا شهادت نامه در خصوص مرگ هدی صابر و امضا بیانیه ۳۹ امضایی در خصوص عدم مشارکت در انتخابات مجلس تفهیم اتهام شد.

* حکم ۳ سال حبس فرشته شیرازی، فعال جنبش زنان و وبلاگ نویس منتقد، در دادگاه تجدید نظر تایید شد.

* حسین زمان که مدتهاست نتوانسته علی رغم تلاشی که داشته آلبومی را در بازار موسیقی ایران عرضه کند،خبر داده ادامه ممنوعیت پخش آثار او از صدا و سیما همچنان ادامه دارد.

* مهدی خزعلی، نویسنده و چشم پزشک بیش از ۱۰ روز است که در اعتصاب غذا بسر می برد و از شرایط جسمی مناسبی برخوردار نیست.او که در زمان بازداشت با ضرب و شتم ماموران امنیتی رو به رو شد، از ناحیه دست دچار شکستگی شده و دست او را گچ گرفته اند.جرم خزعلی در حال حاضر مصاحبه با بی بی سی در مورد انتخابات و نوشتن نامه به رهبری، جنتی نامه و ۱۲ اسفند، شهر بوی مرده خواهد داد، است.

* «جدایی نادر از سیمین» در بخش‌های فیلم خارجی‌زبان سال، فیلمنامه‌نویس سال (فرهادی) و بازیگر زن مکمل سال (ساره بیات) پیروز شد. نماینده ایران در جوایز اسکار در بخش‌های فیلم سال و کارگردان سال هم نامزد دریافت جوایز حلقه منتقدان لندن بود.

* مهدی اقبال، زندانی سیاسی و عضو جبهه مشارکت ایران که در زندان مبتلا به بیماری ستون فقرات و آرتروز گردن شده، با ممانعت مسوولان این زندان جهت اعزام به بیمارستان، از درمان محروم مانده است.

* رسول بداقی، معلم زندانی محبوس در زندان رجایی شهر توسط حکم آموزش و پرورش برای همیشه از این وزارتخانه اخراج شد.

وی در پیامی از زندان برای معلمان گفته است:«اینجانب ضمن محکوم کردن احضارها، تهدیدها، اخراجها و ارعاب معلمان ایران به ویژه اعضای کانونهای صنفی کشور اعلام می کنم که جمهوری اسلامی نظام تعلیم و تربیت کشور را به سوی نابودی و بی هویتی هدایت کرده و آینده ای تاریک را برای جوانان و نوجوانان کشور رقم می زند.»

هشدار ۱۱ استاد برجسته نسبت به فروپاشی دانشگاه علامه طباطبایی

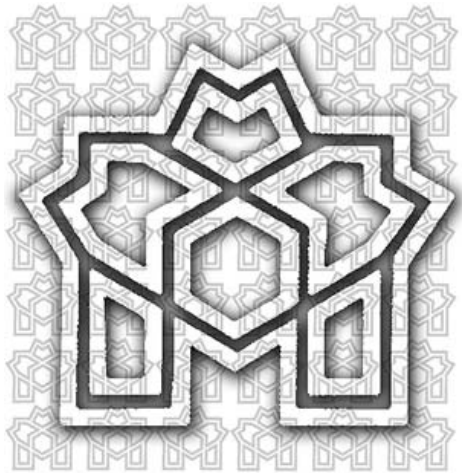

برخی از اساتید مشهور دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با انتشار نامه ای انتقادی و ارسال آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی، نسبت به آنچه فروپاشی دانشکده اقتصاد علامه خوانده هشدار داده و خواستار آن شدند که مرجعی در قوه قضائیه یا آن شورا برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات اعضاء هیات علمی و دانشجویان تعیین شود تا استیفاء حقوق آنان را پیگیری کند.

نویسندگان این نامه با اعلام اینکه اینک دانشجو، استاد و کارکنان دانشکده در معرض ناامنی های جدی در بسیاری از امور به سر می برند،اعلام کردند:دانشگاه علامه طباطبائی و به طور ویژه ای دانشکده اقتصاد در ۶ سال اخیر با شیوه ای اداره میشود که هیچ نسبتی با رویه های متعارف در اداره محیط های دانشگاهی ندارد. شیوه ها و ابزارهای جاری ریاست کنونی دانشگاه در مدیریت این نهاد علمی ملی، نیازی به معرفی ندارد.

در این نامه تبدیل مسئولیت های انتخابی به انتصاب،اعمال فشار بر دست اندرکاران و تغییر غیر متعارف و یک شبه مدیرمسئول، سردبیر و اعضاء هیات تحریریه فصلنامه علمی دانشکده اقتصاد،دخالت های نابجا در جزئی ترین امور،ممنوعیت از تدریس و عدم موافقت با حضور استادان بازنشسته با وجود اعلام نیاز مکرر دانشکده و گروه های آموزشی به آنان، ممنوعیت حضور برخی استادان شاغل و با سابقه در گروه های آموزشی، تحریم اداری برخی استادان ،جلوگیری از پرداخت حقوق و مزایای قانونی استادان بازنشسته به عنوان برخی از اقدامات غیر متعارف و خلاف قانون و اخلاق و دون شان محیط دانشگاه به ویژه دانشکده اقتصاد ذکر شده است.

هم چنین اعمال نظارت و کنترل شدید بر مصوبات شوراها و کمیته های تصمیم گیری و حتی تغییر صورتجلسات مصوب پس از تصویب، تخلیه اتاق ها و جلوگیری از حضور استادان بازنشسته در دانشکده با روشهائی بسیار توهین آمیز و تحقیرکننده،استخدام پنج عضو هیات علمی جدید به روش غیرمتعارف و خلاف رویه قانونی و تحمیل آنان به گروه های آموزشی،ایجاد فضای پادگانی و اعمال کنترل شدید بر رفت و آمد، ملاقاتها، جلسات رسمی و کلاسهای درسی از طریق نصب دوربین های متعدد،جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و گفتگوها و مباحث علمی و آموزشی، همایش ها و مباحثات متعارف و ضروری یک محیط علمی و دانشگاهی، تعطیلی دسته جمعی و یا اعمال محدودیت های شدید برای تشکلها، نهادهای علمی، فرهنگی و صنفی دانشجویان و جلوگیری از برگزاری جلسات علمی و آموزشی و انتشار نشریات آنان از دیگر مواردی است که دراین نامه نسبت به آن هشدار داده شده است.

در این نامه آمده:نگرانی بزرگتر اینست که این برخوردها توسط کسی انجام می شود که با لباس روحانیت بر صندلی ریاست دانشگاه نشسته است.برخوردهای غیرقانونی و بی ضابطه ریاست دانشگاه تاکنون زمینه تشکیل پرونده های متعددی در محاکم قضائی و صدور رای علیه ایشان شده اما پادرمیانی و رایزنی دوستان نزدیک ایشان در داخل و خارج از دانشگاه، آراء قطعی محاکم قضائی و حتی برخورد و تذکر نمایندگان مجلس که در یک مورد به نامه اعتراضی ۷۵ نفر از آنان منجر شد و حتی دستور صریح ریاست جمهوری، نه تنها منجر به اندکی تخفیف یا اصلاح در این روش های ایشان نشد، بلکه هربار عمق و ابعاد آن شدت یافته و قربانیان جدیدی گرفته و هربار نیز بر مسئولیت های ایشان در کمیته ها و شوراهای سرنوشت ساز ملی افزوده شده است.

این نامه به امضای چهره هایی چون حمیدرضا برادران شرکاء، محمود ختائی،محمد ستاریفر،علی صادقی تهرانی،بهروز هادی زنوز رسیده که تصریح کردند در اعلام این هشدار تنها نیستند و بدلیل احساس ناامنی و سابقه برخوردهای نامناسبی پس از هر تذکر و گلایه استادان، ازسوی مدیریت دانشگاه با آنان با وجود تقاضای گروهی از استادان شاغل، امضاء کنندگان این نامه، آنان را از درج نام خود در ذیل این نامه منصرف کرده اند.

پدر و مادر مسعود باستانی در نامه ای به محسنی اژه ای؛

بدون دستبند و پابند درمانش کنید

پدر و مادر مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی رجایی شهر در نامه ای به دادستان کل کشور با اشاره به اینکه سلامتی فرزندانشان در خطر است ، اعلام کردند:فرزند ما حاضر نیست با پابند به بیمارستان اعزام شود چرا که این کار غیرقانونی و برخلاف آیین‌نامه سازمان زندان‌ها می‌داند، کم نبود که بر دستان اهالی قلم دستبند زده شد و اکنون بر پاهای آنها هم بند می زنند! مسعود گفته است در صورت استفاده از پابند توسط مسئولین و در هنگام اعزام به بیمارستان، علی‌رغم بیماری شدید، از اینکار صرف نظر خواهد کرد.

به گزارش کلمه ،در این نامه خطاب به محسنی اژه ای آمده است: مسعود بیش از ۳۰ ماه است به صورت پیوسته در زندان به سر می‌برد و کاملا غیرقانونی به زندان رجایی‌شهر تبعید شده است. در حال حاضر او علاوه بر محرومیت از تلفن و ملاقات هفتگی و حضوری، امکان استفاده از مرخصی را پیدا نکرده و اکنون سلامتی‌اش در خطر است و نیاز فوری به درمان خارج از زندان دارد.

پیگیری‌های ما به دفتر دادستان تهران و معاون وی برای مرخصی استعلاجی تا این لحظه بی‌نتیجه مانده و جالب است بدانید آقایان وقتی برای پاسخ‌گویی به مردم و خانواده زندانیان ندارند. به خوبی می‌دانیم شما قادر به اعمال نظر بر تصمیمات آنان که برای جان و مال مردم تصمیم می‌گیند و اجازه مرخصی به فرزند ما نمی‌دهند؛ ندارید اما امیدواریم حداقل با پیگیری‌های شما مانع از رخدادی غم‌انگیز و تشدید بیماری فرزندمان شوید.

مدت طولانی است که نامه‌ای برای شما و سایر مسئولین قضایی ننوشته‌ایم. دلیل آن بی‌تفاوتی نسبت به حقانیت و حقوق مسعود نبود بلکه بی‌اعتمادی و ناامیدی از قوه قضاییه جمهوری اسلامی ما را به مرحله‌ای رسانده که کار خود را به خدا واگذار کرده‌ایم و فرزندمان را به او سپرده‌ایم. اما اکنون که وضعیت جسمانی مسعود روز به روز بدتر می‌شود و بر مشکلات گوارشی و دندان درد؛ سر دردهای طولانی مدت و لمس شدن بدن مسعود نیز اضافه شده، خودمان را به حق می‌دانیم تا در نامه‌ای گلایه کنیم و حق داریم نگران جان فرزندمان باشیم.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۵ ، دو شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. نهادهای تصمیم‌گیر مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند.

سرمقاله

باید اندیشه را با اندیشه پاسخ داد؛ نه با لشکر کشی

غلامعلی رجایی - باید دید اشکال در کجاست که وقتی بعضی در تخطئه رفتار و حاکمیت مطلقانه و مستبدانه قذافی معدوم ایراد میگیرند بعضی آن را کنایه ای متوجه داخل میدانند؟ بجای اینکه قلم را از دست امثال علایی نوری زاد خزعلی و.. بگیریم باید رفتار خود را درست کنیم تا این نقدها نوشته نشود.گیرم تمام نقد و نتیجه گیری دکتر علایی درآن نوشته متوجه بعضی مواضع و رفتارهای اخیر رهبری باشد، کجای این کار اشکال دارد؟ کجای این کار خلاف قانون است؟ مگر رهبری خود را فارغ از نقد میداند و باید بداند و یا دانسته است؟اگر اینگونه باشد معلوم میشود دایره خط قرمزها در جمهوری بعد از امام چنان تنگ شده که حتی امثال علایی که از بانیان این نظام مقدسند هم نمیتوانند زبان به سخنی ناصحانه بگشایند. چرا به این سمت نرویم که بجای اتهام و تهمت و طعنه و.. به علایی اگر در نقد او از حاکمیت اشکالی می بینیم، همانند خود او دستی به قلم ببریم و جواب بدهیم.

عجیب است برای بعضی هنوز این حقیقت مسلم درک نمی شود که باید اندیشه را با اندیشه پاسخ داد نه با لشکر کشی.

بنظرمیرسد با اینکه زمان زیادی از تاریخ مصرف این لشکر کشیهای گاه و بیگاه بعنوان تجمعات خودجوش گذشته اما بعضی این را درنمی یابند.حالا چرا دست اندرکاران این حوادث متوجه این حقیقت نیستند،خدا میداند! بنظر هوش آقایان بیشتر از این باشد.

اگر این تجمعات خودجوش است؛زمان آغاز تجمع را چه کسی به اطلاع شرکت کنندگان میرساند؟ دوربینهای فیلمبرداری را چه کسی از زمان و مکان تجمع خبردار میکند؟ عکسهای متحدالشکل رهبری و گاه امام را چه کسی با خود به محل تجمع می آورد و به دست افراد می دهد؟ شعارهای از پیش آماده شده را چه کسانی سفارش می دهند ،تهیه می کنند ،به دهان افراد می گذارند؟ اسپری های غالبا به رنگ مشکی! - که درواقعه مسخره مثلا تصرف چندساعته سفارت انگلیس هم نمونه اش را دیدیم- چه کسانی تهیه و بدست افراد می دهند؟ حالا یکبار از اسپری قرمزهم استفاده کنند بد نیست!آیا زمان آن نرسیده دیگر به این بازیها خاتمه داده شود؟

در اینکه انتقاد از رهبری وحتی از بعضی رفتارهای حضرت امام درسطح بعضی از اقشار جامعه وجود دارد تردیدی نیست.از قضا طبیعی هم هست .خود رهبری هم این مطلب را تایید کرده است .اتفاقا از برکات این نقدها این است که مسولیت وجایگاه رهبری فقیه را که یک امر انتخابی توسط خبرگان مردم است از حالت قدسی آن خارج می کند.مگرنه اینکه از نظر شرع هرکس حق دارد دیگری از جمله رهبری را نقد کند، او را به معروف دعوت کند از کاری که به زعم خود ناصواب می داند باز دارد و..؟ چرا بعضیها حکم خدا را نسبت به حقوق مردم در قبال حاکم در این عرصه تعطیل می بینند؟

مهم وجود انتقاد از رهبری نیست .انتقاد، وارد یا ناوارد در ذهنها پدید می آید و نمیشود جلوی آن را گرفت. مهم این است که با این انتقادها که هرگزبا اتهام به منتقدین وحبس وحصرآنها از بین رفتنی نیستند، چگونه برخورد شود.

راه چاره و تنها راه چاره این است که بگذاریم انتقاد از هر کس مطرح شود و فضای گفت وگو باز شود در غیر اینصورت به دست خودمان اندیشه ها و نقدها را زیر زمینی خواهیم کرد.کما اینکه کرده ایم.ما نباید اشتباهات گذشته را تکرار کنیم.

اخبار کوتاه

* رئیس شورای نظامی حاکم بر مصر به مناسبت اولین سالگرد قیام مصر، نزدیک به دو هزار زندانی را مورد عفو قرار داده است. تمام افراد آزاد شده در دادگاه های نظامی پس از سقوط مبارک محکوم شده بودند.

* محمد رضا معتمدی نیا، زندانی سیاسی حامی جنبش سبز با ممانعت برای درمان روبروست.مسوولان در اقدامی غیرقانونی قصد داشتند وی را با دست بند و پا بند به بیمارستان اعزام کنند که با اعتراض شدید از رفتن به بیمارستان خودداری کرد.

* سید حسین رونقی ملکی وبلاگ نویس زندانی در بند ۳۵۰ اوین در بیمارستان شهیدهاشمی نژاد برای چهارمین بار تحت عمل جراحی قرار گرفت.او روز پنج شنبه بیست و نهم دی ماه بر اثر شدت خونریزی و عفونت دچار شوک شده و باحالت بی هوشی به بیمارستان هاشمی نژاد اعزام شد.

* در جریان تیراندازی به پرسنل ارتش در خرم‌آباد یک نفر از نیروهای ارتش کشته و یک نفر دیگر مجروح شد.

* به گفته همسر حسن فتحی،این روزنامه نگار بازداشت شده هم چنان ممنوع الملاقات است و این احتمال هست اوبه زندان انفرادی منتقل شده باشد.

میرحسین موسوی بار دیگر در زندان خانگی عزادار شد

حاج میرعباس موسوی عموی بزرگ میر حسین موسوی دار فانی را وداع گفت. مراسم تشییع میرعباس موسوی در جو شدید امنیتی و در حلقه نیروهای انتظامی برگزار شد.

به گزارش کلمه ،پس اعلام مراسم تشییع پیکرعموی میر حسین موسوی از خیابان مولوی تهران، از صبح امروز، صدها دستگاه ماشین پلیس مملو از کماندو و ماموران انتظامی به همراه ده ها دستگاه کماندوی موتور سوار میدان محمدیه تهران را به تسخیر خود درآوردند.

شاهدان عینی گزارش داده اند یگان های موتوری ضد شورش در ضلع شمالی میدان محمدیه حضور بسیار پر رنگی داشتند همچنین ۶ عدد ماشین ون نیروی انتظامی که در انها نیروهای لباس شخصی ها مستقر شده بودند در ضلع جنوبی میدان حاضر بودند.

این در حالیست که تعداد چشمگیری از مامورین لباس شخصی هم در پیاده رو ها در حال حرکت بودند و مردم را تحت نظر داشتند.تشییع کنندگان و عابران از حضور سنگین نیروهای پلیس متعجب بودند.خبر نگار کلمه که در ایستگاه متروی میدان محمدیه حضور داشت با تنی چند از شهروندان تهرانی گفتگو کرد.مردم میگفتند: اگر حکومت مدعی است که دیگری جریانی تحت عنوان "فتنه" وجود ندارد و سران جنبش سبز در اسارت خانگی هستند این همه حضور سنگین پلیس ناشی از چه وحشتی می باشد؟

یکی از خبرنگاران کلمه گزارش داد:مراسم تشییع قبل از ساعت ۱۰ صبح، از منزل ایشان آغاز شد و پس از طی مسیری کوتاه از داخل بازارچه، و با رسیدن به خیابان مولوی، روبروی بانک کارگشایی به اتمام رسید و متوفی همانجا داخل آمبولانس که در کنار اتوبوس ها و سر بازارچه قرار داشت، گذاشته شد.

تشییع کنندگان پس از ان برای مراسم خاکسپاری، رهسپار بهشت زهراء، قطعه ۹ شدند.نماز میت در بهشت زهرای تهران برگزار نشد و نیروهای امنیتی تاکید کرده بودند این مراسم باید در منزل متوفی برگزار شود که شرکت کنندگان فرصت هرگونه سواستفاده را از نیروهای امنیتی سلب کرده و بی توجه به حضور پرشمار نیروی پلیس و ماموران امنیتی و لباس شخصی، این مراسم را به جای آوردند.مراسم ختم میرعباس موسوی سه شنبه از ساعت ۳ بعداز ظهر تا ۴:۳۰ در مسجد بینایی، در خیابان مولوی برگزار خواهد شد.

وضعیت وخیم ۸ هزار زندانی محبوس در زندان اوین بدلیل نبود گازوییل و دارو

بیش از چند روز است ۸ هزار زندانی اوین از جمله زندانیان سیاسی بدون وسایل گرمازا ، آب گرم و محروم از حمام اغلب سرماخورده و بیمار شرایط سختی را می گذرانند.

زندانیان محبوس در بازداشتگاه اوین بدلیل تمام شدن ذخیره گازوئیل این زندان و سرمای شدید حاکم بر این مکان در شرایط بسیار دشواری به سر میبرند.کار نکردن همه وسایل گرما زای زندان اوین بدلیل تمام شدن ذخیره گازوئیل این مکان را در چند روز گذشته به جایی غیر قابل تحمل برای زندگی زندانیان آن تبدیل کرده است. زندانیان در چند روز گذشته با آب سرد حمام کرده اند.

این در حالیست که زندانیان سیاسی بندهای ۲۰۹ ، ۳۵۰ و دو الف و همچنین بند زندانیان سیاسی زن در زندان اوین به دلیل امکانات محدودتر حتی شرایط بسیار بدتری را نسبت به زندانیان عادی دارند و مسوولان زندان هم به زندانیان گفته اند تا ۱۰ روز آینده امکان تهیه گازوئیل وجود ندارد.خانواده های آنان نیز با نگرانی زیاد و دلشوره تنها این وضعیت را نظاره کرده و نمیدانند باید به کدام مقام مسوول شکایت کنند.

بند ۳۵۰ که یک زیرزمین در زندان اوین است، این روزها به دو بخش بند مردان و زنان تقسیم شده است . این بند که زیر زمینی جدا افتاده و بدون امکانات است از سایر بندهای زندان اوین وضعیت رفاهی بسیار بدتری دارد وزندانیان آن در سرمای شدید و محروم از آب گرم و استحمام شرایط سختی را می گذرانند .

انتهای این بند یک سالن بدون هر گونه امکانات و حتی سالن هواخوری وجود دارد که زندانیان سیاسی زن در آن نگهداری میشوند. بیش از ۳۰ زندانی سیاسی زن در شرایطی در این بند نگهداری می شوند که حتی امکانات شان برای نگهداری ۱۰ نفر هم مناسب نیست.نسرین ستوده ، بهاره هدایت ، ژیلا کرم زاده، مهدیه گلرو و عاطفه نبوی از جمله زنان محبوس در این بند هستند .

این شرایط دشوار برای زندانیان بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات و دو الف سپاه حتی دشوارتر هم هست چراکه این بندها اساسا بازداشتگاه های غیرقانونی هستند که بدون نظارت نهادهای قضایی در کشور زندانیان را در هر شرایطی نگهداری می کنند و هیچ مقام مسوولی نیز حق بازدید از این بازداشتگاه های غیر قانونی را ندارد.در این دو بند حتی مسئولان زندان از دادن پتوی بیشتر به زندانیان خودداری می کنند و حتی لباسهای زندانیان را که توسط خانواده هایشان به زندان برده می شود به آنها تحویل نمی دهند.زندانیان سیاسی این دو بند مجبورند بر کفپوش سرد سلول روزهایشان را به شب برسانند.در این دوبند زندانیانی همچون بهزاد نبوی ، عبدالله رمضان زاده ،عبدالفتاح سلطانی ، کوهیار گودرزی و تعداد زیادی از فعالان سیاسی و دانشجویی نگهداری می شوند . همچنین زندانیان تازه بازداشت شده مانند پرستو دوکوهکی ، سهام بورقانی ، مرضیه رسولی ، آرش صادقی و .. نیز به همین دو بند منتقل شده اند .

اقتدارگرایان به الگوی ارتجاع و دیکتاتوری تبدیل شده اند

تاجزاده در پیامی از زندان اوین با تبریک به اصولگراها برای تبدیل شدن به الگوی کامل ارتجاع و سفاکی در منطقه معتقد است نه تنها به الگوی بیداری اسلامی تبدیل نشده ایم بلکه به الگوی حکومتهای دیکتاتور و جبار تبدیل گشته ایم.

به گفته او درحال حاضر تنها حکومتهای جبار و سفاک اند که از مدل حکومت ایرانی استفاده میکنند: از روی مردم با اتومبیل رد میشوند، موتورسوارهای مرعوب کننده مدل شترسواران مصری میشوند، حکومت سفاک سوری به تاسی از لباس شخصی ها و نیروهای خودسر سازمان یافته ایرانی به خوابگاه دانشجویان حمله میکند و فقط مانده معترضین را از پلها به پایین پرتاب کنند تا الگوبودن اقتدارگرایان کامل شود.اگر زمانی انقلاب اسلامی الگوی بیداری بود، اکنون اقتدارگرایان ایرانی تبدیل به الگوی استبداد و ارتجاع و ضدیت با حقوق بشر در منطقه و جهان شده اند.معتقدم هر نظام سیاسی یک ویژگی دارد و ویژگی مبرز نظام ما هم یک نفره بودن آن است!

دیکتاتور یمن فرار کرد

منابع خبری از خروج عبدالله صالح دیکتاتور یمن از صنعا خبر دادند.

شبکه تلویزیونی الجزیره گزارش داد عبدالله صالح (دیکتاتور یمن) از طریق فرودگاه صنعا از یمن خارج شد.

کمیته عمومی کنگره ملی حاکم بر یمن با سفر دیکتاتور به خارج به بهانه مداوا موافقت کرده بود.به گفته سخنگوی مطبوعاتی این حزب، عبدالله صالح طی روزهای آینده به سلطان نشین عمان و از آنجا به اتیوپی و در نهایت برای درمان به نیویورک خواهد رفت.فرار این دیکتاتوردرحالیست که امروز نیز دهها هزار نفر در صنعا در اعتراض به اعطای مصونیت به عبدالله صالح از سوی پارلمان این کشور تظاهرات کرده و خواستار اعدام وی شدند.پارلمان یمن با وجود مخالفت گسترده مردمی، با تصویب لایحه ای به دیکتاتور این کشور در مقابل کناره گیری از قدرت مصونیت داده که براساس آن عبدالله صالح از هر پیگرد قضایی و حقوقی به خاطر ارتکاب جنایات فراوان در طول ۳۳ سال مصون میماند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱٤٦ ، چهار شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

ملت ما در انقلاب اسلامی به دلیل عدم انعطاف در قبال خواسته‌های به حقش، که از زبان امام راحل بیان می‌شد، مجبور به ساختارشکنی گردید. نهادهای تصمیم‌گیر مجاری را برای اصلاح اشتباهات باز بگذارند.

تسلیت آیت الله صانعی به میرحسین موسوی

بدنبال درگذشت عموی میرحسین موسوی، آیت الله صانعی در پیامی درگذشت وی را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: درگذشت مؤمن بالله، سالک الی الله بزرگ خاندان موسوی مرحوم حاج میرعباس موسوی (رحمهٔ الله علیه) در ایّام رحلت پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) و شهادت سبط اکبرش امام حسن (علیه السلام) موجب تأثر و تأسف گردید اینجانب این مصیب را به سید متعهد و بزرگوار جناب آقای مهندس میرحسین موسوی(دام عزّه) و کلیه وابستگان نسبی و سببی آن مرحوم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم مغفور علوّ درجات و حشر با اجداد طاهرینش و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل را خواستارم.

جدایی نادر از سیمین نامزد دو بخش ویژه در اسکار۲۰۱۲

برای نخستین بار فیلمی از ایران (جدایی نادر از سیمین) در دو رشته نامزد جایزه اسکار شده است.

در مراسم معرفی نامزد های اسکار ، فیلم ایرانی جدایی نادر از سیمین نامزد بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان و همچنین بهترین فیلمنامه اصلی شده است .این فیلم پنجمین فیلم اصغر فرهادی است و هم‌اکنون با فروش بیش از ۹ میلیون دلار، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است که برنده چندین جایزه از بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر و همچنین جوایزی بین‌المللی چون جایزه گلدن گلوب و خرس طلایی از جشنواره فیلم برلین بوده‌است.این فیلم تاکنون بیش از ۵۰ جایزه جهانی را از آن خود کرده است.در جریان اعلام نامزدهای دریافت جوایز اسکار سال ۲۰۱۲، فیلم جدایی نادر از سیمین نامزد بهترین فیلم خارجی شد. همچنین کاندید اسکار ۲۰۱۲ برای دریافت بهترین فیلمنامه شد.

با این حال محمود احمدی نژاد در مراسمی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان میراث فرهنگی خواست که تعزیه که هیچکس در آن دنبال نشان اسکار نیست، حمایت کنند.

تشدید تحریم ها علیه کشور؛

اتحادیه اروپا توقف خرید و واردات نفت از ایران را تصویب کرد

وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا بر سر توقف خرید و واردات نفت از ایران به توافق رسیدند.این تحریم ها به منظور افزایش فشارها برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعمال می‌شود.

تحریم‌ها که به تصویب نمایندگان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا رسیده شامل توقف فوری امضای قراردادهای جدید با ایران برای خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی و پایان قراردادهای جاری تا یازدهم تیر ۱۳۹۱ می شود.

خبرگزاری رویترز گزارش داده انتظار میرود دولتهای اتحادیه اروپا انعقاد قراردادهای جدید نفتی با ایران را از لحظه اجرایی شدن این ممنوعیت جدید که می تواند از همین هفته باشد، متوقف کنند.

ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه بریتانیا، این تصمیم اتحادیه اروپا را بخشی از "یک مجموعه تحریم‌های بی‌سابقه" خواند. اتحادیه اروپا دارایی‌های بانک مرکزی ایران را هم مسدود خواهد کرد.

در قطعنامه های سازمان ملل از ایران خواسته شده تا زمانیکه جامعه بین المللی از غیرنظامی بودن فعالیت های اتمی این کشور اطمینان حاصل نکرده است، بخشی از فعالیتهای اتمی خود، بخصوص غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد و ضمن همکاری نزدیکتر با آژانس بین المللی انرژی اتمی،اطلاعات کامل و شفافی در مورد فعالیت های هسته ای خود در اختیار این نهاد قرار دهد.

از سویی وزارت خزانه‌داری آمریکا، بانک تجارت ایران را در فهرست بانک‌های تحریم شده خود قرار داده و علت این تصمیم را اقدام بانک تجارت ایران در ارائه خدمات اقتصادی به شماری از بانک‌ها و شرکت‌های دیگر ایرانی عنوان کرده است. بانک‌ها و شرکت‌هایی که به گفته این وزارتخانه، پیشتر به خاطر دست داشتن در فعالیت‌های ایران در زمینه "سلاح‌های کشتار جمعی" تحریم شده بودند.

مقامات رسمی عربستان سعودی و لیبی اعلام کردند در صورت کمبود ناشی از قطع صادرات نفت خام ایران، حاضرند تولید و عرضه نفت خام خود را افزایش دهند.

در چارچوب محدودیتهای جدید آمریکا، ارتباط بانکی شهروندان و موسسات تجاری آمریکایی با بانک مرکزی ایران ممنوع شده و موسسات خارجی هم اگر با این بانک ارتباط برقرار کنند،هدف محدودیتهایی در زمینه دسترسی به بازارهای صادراتی و تسهیلات مالی آمریکا قرار میگیرند.

رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت خارجه گفته است:اعمال تحریم‌های اقتصادی به بهانه فعالیتهای هسته‌ای ایران اقدامی غیرمنطقی و ناعادلانه است و تاثیری در روند حرکت ملت برای دستیابی به حقوق اساسی خود ندارد.

پرسش حسین زمان از کاربران شبکه های اجتماعی؛

در دنیای واقعی هم مقابل ظلم می ایستید؟

حسین زمان هنرمند مردمی در حالی شبکه ها اجتماعی مجازی با استقبال مردم و بخصوص جوانان رو به رو شده و در غیاب فضای مناسب برای اظهار نظر، به عرصه ای برای مباحث سیاسی تبدیل شده است،می پرسد "آیا حاضریم در فقدان فضای مجازی آستین بالا بزنیم و برای احقاق حقوقمان در مقابل ظلم بایستیم ؟" وی که از حامیان میرحسین موسوی در زمان انتخابات بود می گوید که هر کدام از ما قطعا برای این پرسش ها پاسخی داریم و امیدوارم پاسخ هایمان ما را در مقابل وجدانمان قانع کند.

حسین زمان که در صفحه فیس بوک خود می نویسد: بیاییم صادقانه خودمان را محکی بزنیم و به قضاوت خود بنشینیم . چقدر حاضریم در فضای حقیقی همانی را بگوییم که در فضای مجازی میگوییم ، همان کاری را بکنیم که در فضای مجازی شعارش را میدهیم و در یک کلام همانی باشیم که در فضای مجازی از خود نشان میدهیم .اگر صادقانه به خودمان پاسخ دهیم ، خواهیم فهمید چقدر با مردم صادقیم ، یا چقدر شجاعت داریم و یا چقدر خود را باور داریم . حسین زمان می پرسد: آیا فکر کرده ایم اگر این فضای مجازی وجود نداشت ما در کجای این دنیای واقعی قرار داشتیم ؟ آیا اگر فضای مجازی نبود تا تصویر غیر واقعی از خودمان در فیس بوک قرار دهیم و نام مستعار بکار ببریم چگونه با واقعیت ها روبرو میشدیم ؟ آیا حاضریم در فقدان فضای مجازی آستین بالا بزنیم و برای احقاق حقوقمان در مقابل ظلم بایستیم ؟ هر کدام از ما قطعا برای این پرسش ها پاسخی داریم و امیدوارم پاسخ هایمان ما را در مقابل وجدانمان قانع کند .

برخی بیمارستان ها در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نسبت به ورشکستگی برخی از بیمارستان های دولتی و خصوصی هشدار داد و گفت: برخی از بیمارستان ها در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند.

به گفته دکتر تامینی براساس گزارشهای ارائه شده به کمیسیون بهداشت برخی از بیمارستانها اعم از دولتی و خصوصی بویژه در شهرهای کوچک در معرض ورشکستگی قرار دارند.

وی افزود: با توجه به افزایش حامل های انرژی، قیمت مواد اولیه، دارو و اقلام پزشکی و واقعی نبودن تعرفه های پزشکی، درآمد برخی از بیمارستان ها پاسخگوی هزینه ها نیست و در گزارشی اعلام کرده اند در صورت حمایت نشدن از سوی دولت در آستانه تعطیلی و ورشکستگی قرار می گیرند. وی افزود: برخی بیمارستانهای خصوصی نیز به ویژه در شهرهای کوچک ضریب اشغال تخت پایینی دارند که ادامه فعالیت برای آنها میسر نیست.

احضار مجدد ابوالفضل قدیانی به بازپرسی اوین به اتهام نگارش نامه به رهبری

هفته گذشته ابوالفضل قدیانی برای چندمین بار به شعبه ۴ بازپرسی دادسرای اوین احضار شد تا در مورد نامه اخیرش مبنی بر تحریم انتخابات غیرقانونی مجلس و مسئولیت رهبری در وضعیت موجود کشور پاسخگو باشد.این سومین پرونده ابوالفضل قدیانی است و برغم اتمام محکومیت یکساله دادگاه اول او که آذرماه ۹۰ به اتمام رسید،همچنان در زندان به سر میبرد.او کمی قبل از پایان محکومیت یکساله این زندانی سیاسی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب احضار شد تا به اتهام توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام تحت محاکمه قرار گیرد. دادگاهی که قدیانی در آن حاضر نشد.انتقال قدیانی از زندان به شعبه چهارم بازپرسی موجب حیرت بازپرس شعبه چهار شد چرا که معتقد بود به لحاظ قانونی اکنون نباید وی در زندان باشد و حکم شعبه ۱۵ مبنی بر ۳ سال حبس هنوز توسط دادگاه تجدید نظر تایید نشده است.او در آخرین نامه تحلیلی خود، انتخابات مجلس نهم را نامشروع خوانده و آنرا تحریم کرده بود.

اخبار کوتاه

❋ شورای هماهنگی راه سبز امید با محکومیت ترورهای اخیر اعلام کرد: تأمین امنیت شهروندان از وظائف ذاتی حکومت‌هاست؛ و حاکمیت سیاسی در ایران باید در قبال انجام چنین تروزهایی مسئول و پاسخگو باشد. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی که مدعی احاطه بر امور و متولی حفظ امنیت شهروندان هستند، باید توضیح مستدل و مستندی در خصوص این ترورها و اقدامات ضدانسانی مشابه به افکار عمومی نگران ارائه کنند.

❋ براساس آخرین قیمت اعلام شده از سوی سایت مثقال قیمت یک سکه در حال حاضر ۱۰۲۰۰۰۰ است که نسبت به روز قبل آن دویست هزار تومان رشد داشته است.این در حالیست که قیمت طلا در بازارهای جهانی ۱۶۷۶ دلار است که حتی با محاسبه دلار در بازار آزاد، قیمت سکه حدود ۸۰۰ هزار تومان تخمین زده میشود.تعطیلی چند روزه، سکوت مسئولان و سیاست های غلط اقتصادی نگرانی مردم را موجب شده است.

❋ ماموران امنیتی بابلسر با یورش به منزل پدری یاسر یوسف زاده، از فعالان مدنی این شهر، وی را بازداشت و به محل نامعلومی منتقل کردند،پدر او از ماموران درخواست کرده حکم مراجع قضایی و کارت شناسایی خود را ارئه دهند، اما در پاسخ ماموران بر صورت پدر و خواهر او اسپری فلفل پاشیده و باعث صدمه دیدن آنها شده اند.

❋ در کمتر از یک هفته باز فرودگاه شهید هاشمی نژاد حادثه آفرید و هواپیمای مشهد – اصفهان در فرودگاه مشهد به گل نشست و با بیش از ۲۰۰ مسافر هنگامی که قصد داشت پس از ۴ ساعت تاخیر پرواز کند دچار حادثه شد.

❋ دو تن دیگر از فعالان مازندران به نام های مبین جعفری و عیسی برار خانی توسط نیروهای امنیتی بابلسر دستگیر شده اند.اتهام این دو نفرفعالیت در فضای مجازی (اینترنت) عنوان شده است.

❋ یک مقام قضایی از فیلترینگ سایتهایی خبر داد که در روند بازار طلا و ارز اخلال ایجاد می کنند.او گفته سایتها و خبرگزاریها ملزم به استفاده قیمت سکه و ارز از مراجع ذی صلاح و رسمی هستند و بهره گیری از عناوینی همچون "بازار غیررسمی" و "پیش بینی کارشناسان" امری غلط و غیر معتبر است و در صورت احراز تخلف سایت به جرم اخلال در نظام اقتصادی با آنها برخورد و سایت مزبور به دستور مقامات قضایی مسدود خواهد شد.

شرکت شیر «د» قیمت یک لیتر شیر خمره‌ای با ۳ درصد چربی را که ۱۰۵۰تومان عرضه می‌کرد، قیمت همین محصول را در فاصله دو روز به ۱۲۰۰ تومان (۱۴.۲درصد افزایش) رسانده است. عضو انجمن صنفی لبنی ایران ماه گذشته پیشتر گفته بود افزایش قیمت شیر و رسیدن آن به ۷۰۰ تومان منجر به افزایش قیمت فرآورده های لبنی می شود. وی گفته بود که افزایش قیمت شیر از ۴۱۰ به ۶۳۰ تومان در سالجاری منجر به کاهش تولید شده است. این در حالی است که طی روزهای گذشته نوسانات قیمت ارز، دلار را به ۲۰۵۰ تومان رسانده است.هم چنین مهاجران رئیس اتحادیه میوه و تره باراز رکورد شکنی قیمت‌ها در بازار سبزیجات نیز خبر داد و افزود: مبنای این امر قیمت ریحان در بازار به کیلویی چهار هزار و ۵۰۰ تومان، شاهی حدود یک هزار و ۵۰۰ تومان در هر کیلو و تربچه بابل به حدود کیلویی یک هزار و چهارصد تومان افزایش یابد.او گفت :افزایش قیمت به صلاح بازار نیست و در این خصوص نیازمند حمایت دولت هستیم.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۷ ، شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

جنبش سبز با پیگیری اهداف و آرمان های همیشگی انقلاب اسلامی و با اتکا به بازخوانی انتقادی تحولات صورت گرفته پس از انقلاب – به خصوص در عرصه روابط ملت و دولت- برپایه میثاق مشترک مردم ایران یعنی قانون اساسی، در پی دستیابی به آینده ای روشن برای ملت ایران است.

دیدار خانواده آیت الله منتظری با دختران موسوی

ابراز نگرانی دختران میرحسین موسوی از وضعیت سلامت پدر و مادر

فرزندان میرحسین موسوی در ملاقات با خانواده آیت الله منتظری و نیز همسر دبیرکل مجمع محققین و مدرسین از عدم امکان هرگونه ارتباط و کسب خبر از والدینشان ابراز نگرانی کردند.پس از این دیدار عروس آیت الله منتظری در نامه ای به رهبری به شرح نگرانی های خانواده میرحسین موسوی پرداخت و اظهار داشت:افرادی ناشناس در تماس هایی جداگانه با فرزندان آقای موسوی به آنها گفته اند «پدر یا مادر شما بسیار بیمار هستند» و «بیماری خطرناکی دارند و الآن در حال شیمی‌درمانی هستند»

به گزارش کلمه ،در این دیدار دختران میرحسین موسوی و زهرا رهنورد با ابراز همدردی و یادآوری دوستی و محبت پدر و مادرشان نسبت به آیت الله منتظری ، به شرح بلاها و فشارها و تهدیدهایی که از جانب حکومت در یکسال اخیر یعنی از زمان بازداشت مهندس موسوی و زهرا رهنورد در زندان اختر بر آنها و خانواده آنها وارد شده پرداخته و شدیدا و عمیقا از وضعیت پدر و مادر خود و ادامه این زندان، سلامتی آنها و دلایل زندانبانان برای جلوگیری از کسب خبر از وضعیت والدینشان ، ابراز نگرانی کردند.

در آخرین دیداری که یکی از اعضای خانواده با میرحسین موسوی و زهرا رهنورد داشته است از کاهش وزن مشهود خانم رهنورد ، لرزش دست و حالت رنجور او خبر داده است.این در حالیست که تاکنون بارها درخواست شده تیم پزشکی مستقل و امین خانواده این زوج دربند را معاینه کند.در انتهای این دیدار دختر آیت الله منتظری مچ بندهای سبزی را که خود تهیه کرده بود به دختران هدیه کردند.

ملاقاتهای دختران دو همراه جنبش سبز پس از این بی خبری طولانی مدت، پس از عید غدیر هرکدام تنها یکبار به طور جداگانه و درجایی غیر از زندان اختر انجام شده است اما ازآن پس مجددا همه ارتباطات قطع گردید این در حالیست که به دنبال مشاهدات فرزندان در دیدارهای مجزا و محدود و انگشت شماری که در فضای شدید امنیتی صورت گرفته و نیز تبلیغات خود سایتها و منابع خبری حکومتی نگرانی شدیدی از نظر سلامت جسمی و شرایط زندگی آنان بروز نموده است.

هم چنین در هفته های گذشته،فرزندان میرحسین موسوی با خانم فاطمه کروبی فرزندان ایشان دیدار کردند.در این دیدارهای جداگانه ،آنها مسائل متعددی را که از نظر امنیتی آنها و خانواده آنها را تحت تاثیر قرار داده ، که حتی به حیطه خصوصی زندگی شخصی و خانوادگی و یا کاری آنان ونیز سایر بستگان وارد شده است و تهدیدها و محدودیتهای مختلف را توضیح دادند.

انتشار عمومی نامه محرمانه احمد صدر حاج سیدجوادی به رهبری پس از ۷ ماه

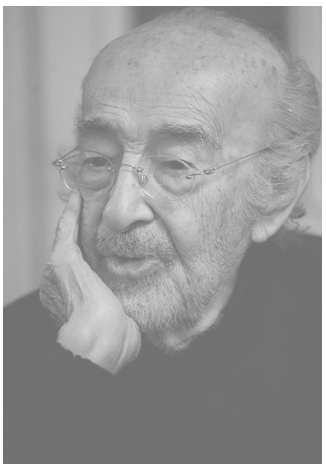

حدود هفت ماه پیش، دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی، دیرپاترین کنشگر سیاسی ایران با ارسال نامه ای به آیت الله خامنه‌ای، ملاحظات مهمی را برای رهبری عنوان کرد. نامه مزبور به شکل محرمانه برای آیت الله خامنه‌ای ارسال شد.

این نامه در ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ نگاشته و به شکل محرمانه برای آیت الله خامنه ای فرستاده شده است.

در بخشی از نامه امده است:

صرفنظر از حوادث سیاسی و اتفاقاتی که این روزها در کشورهای دیگر منطقه در جریان است، رعایت مصالح ملی و ضرورت بازگشت صداقت و راستی به عرصه‌ی حکومت و نظم و آرامش به زندگی عامه‌ی مردم، جلب نظر آن مقام محترم به اشکالات و پیچیدگی‌های مسایل اجتماعی که از طرف حکومت روا دانسته شده و موجب آزار روحی و فشارهای غیرقابل تحمل به مردم و به ویژه فعالان سیاسی و خانواده‌های ایشان شده است، غرض اصلی تقریر مکتوب حاضر و تصدیع اوقات جنابعالی بود و انتظار می‌رود تا با استفاده از مقام و امکاناتی که هنوز در اختیار دارید، در رفع مشکلات و نگرانی‌ها، اقدام عاجل و موثر بفرمایید.

جنابعالی بارها و بارها از رییس دولت – آقای احمدی‌نژاد – حمایت کرده‌اید و حال آن که به زعم اینجانب، ایشان محور بحران در جامعه‌ی ایران و عرصه‌ی بین‌المللی بوده و ادعاهایی داشته و دارد که هیچ دستاوردی برای ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران و حتی مقام رهبری و جایگاه ولایت فقیه ندارد. ادبیات مادون شأنی که امروزه بر کرسی ریاست قوه‌ی مجریه تکیه زده است، امر مکتومی نیست که نیاز به توضیح فراوان داشته باشد. رییس دولتی که در عرصه‌ی داخلی، کاری جز ویران کردن دستاوردهای مادی و معنوی انقلاب اسلامی و عدول از آرمان‌ها و هنجارهای قانون اساسی نداشته و در صحنه‌ی بین‌المللی نیز به مثابه‌ی کانون بحرانی در منطقه عمل کرده است.

آیا تا کنون اندیشیده‌اید که حاصل حدود شش سال مدیریت آقای احمدی‌نژاد، جز زیر سوال بردن عموم دستاوردهای سالیان پیش از زعامت ایشان، نقض فراگیر و مستمر حقوق بشر، نقض آرمان‌های انقلاب و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، حذف یاران و مدیران بعضاً توانمند دولتی، تخریب زیرساخت‌های اقتصاد ملی، ویرانی صنعت کشور و فربه ساختن سرمایه‌داری تجاری مبتنی بر واردات بی‌رویه چه بوده است؟ آیا اندیشه کرده‌اید که مراد از حبس افراد شایسته‌ای مانند آقایان مهندس صفایی فراهانی، محمد نوری زاد، مصطفی تاج‌زاده، دکتر ابراهیم یزدی و بسیاری خادمان دیگر ملت ایران چه می‌تواند باشد؟ آیا برای چنین امری، هدفی جز آسیب رساندن به جان افرادی می‌توان یافت که عظیم‌ترین خدمات را به پیروزی انقلاب و برپایی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند و از باب کهولت سن و یا فشارهای روحی و جسمی رایج در محیط زندان در معرض بیماری‌های سهمگین قرار دارند؟

حذف آشکار یاوران انقلاب و بار کردن عناوین غیرواقعی و توهین‌آمیزی چون " سران فتنه " برای کسانی که بهترین سال‌های جوانی خود را برای برپایی انقلاب و تثبیت نظام هزینه کرده‌اند، با کدام توجیه می‌تواند در راستای تقویت نظام و آرمان‌های انقلاب ارزیابی شود و آیا برای جنابعالی که در حال حاضر تنها عضو شورای انقلاب محسوب می‌شوید که لااقل به ظاهر از تیرهای این جریان منحرف در امانید و یگانه کسی هستید که هنوز از امکانات قابل توجهی برخوردار است، تکلیفی احساس نمی‌شود که تا فرصت باقی است، تغییری ایجاد کرده و به اصلاح امور پرداخت.

متن کامل نامه را در وبگاه کلمه بخوانید

حمایت شورای امنیت از طرح اتحادیه عرب برای انتقال قدرت در سوریه

در پیش نویس طرح شورای امنیت از طرح اتحادیه عرب برای سوریه حمایت خواهد شد و از کشورهای جهان خواسته میشود«دولت بشار اسد را تحریم کنند.»

در حالی بریتانیا، فرانسه، آلمان و کشورهای عربی در حال تهیه پیش نویس قطعنامه ای اند که قرار است برای محکوم کردن "سرکوب مخالفان به وسیله حکومت سوریه" به شورای امنیت سازمان ملل متحد تقدیم شود،احتمال داده میشود این کشورها از برکناری بشار اسد و انتقال قدرت در این کشور حمایت کنند.

اتحادیه عرب اعلام کرد برای توقف خشونتها در سوریه باید کارهای بیشتری کرد و از این رو دو نماینده را راهی نیویورک میکند تا وارد گفت وگو شده و از شورای امنیت بخواهند در مورد سوریه دست بکار شود و از طرح اتحادیه عرب مبنی بر تشکیل دولتی ائتلافی در سوریه با حضور مخالفان، حمایت کند.

نبیل العربی، دبیرکل اتحادیه عرب و نخست وزیر قطر قرار است روز شنبه به مقر سازمان ملل متحد بروند و پیشنهاد خود را عرضه کنند.این در حالیست که اتحادیه عرب در آخرین موضع گیری خود از بشار اسد خواسته بود از قدرت کناره گیری کند.

براساس طرح اتحادیه عرب،سوریه سرکوب را متوقف کرده و ظرف دو ماه، دولتی ائتلافی و متحد با حضور نمایندگان مخالف و معترض تشکیل دهد.دمشق این طرح را رد کرده و آن را دخالت در امور داخلی خود خوانده است.

این در حالیست که شورای همکاری خلیج فارس با صدور بیانیه ای از اعضای شورای امنیت خواسته است همه تدابیر لازم را برای اعمال فشار بر سوریه برای اجرای تصمیم های اتحادیه عرب و ابتکارعمل این اتحادیه بکار گیرند.

روسیه و چین که پیشتر قطعنامه شورای امنیت در مورد سوریه را وتو کرده اند،اعلام کردند از طرح سازنده ای که به پایان دادن خشونت در سوریه منتهی شود،حمایت خواهند کرد.

یارانه نقدی ۱۰ میلیون نفر قطع می شود

محمد رضا فرزین معاون وزیر اقتصاد گفته است:براساس اعلام دو ماه پیش در خصوص حذف خانوارهای پر درآمد،حدود ۱۰ میلیون نفر مشمول حذف دریافت یارانه نقدی شدند که از هفته آینده اطلاع‌رسانی در مورد آنها با همکاری استانداری‌های کشور از طریق مکاتبات کتبی به مرحله اجرا خواهد گذاشته شد.

اخبار کوتاه

* همسر مهدی کروبی در دیدار با احمد قابل، پژوهشگر دینی از قطع کلیه ارتباطات با مهدی کروبی و بدرفتاری ماموران خبر داد و گفت:پس ازاعلام نظر همسرش مبنی بر عدم شرکت در انتخابات، ملاقات با او کاملا قطع شده است. به گفته او ماموران طی این مدت متاسفانه برخورد بسیار بی ادبانه و هتاکانه با خانم کروبی داشته اند.

* کارگران شرکت پی وی سی مهدیشهر سمنان مدت یکسال است که حقوق نگرفته اند.این کارگران که پیش از این بارها در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا اعتصاب کرده بودند، اما طی ماه های گذشته تحت فشار حراست این کارخانه قرار گرفته اند که چون مملکت در شرایط بحرانی سیاسی قرار دارد ، در صورتی که از درب کارخانه یک قدم بیرون بگذارید به جرم اقدام علیه منافع ملی کارتان به ناکجا آباد میرسد.

* جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی در بیانیه ای با ابراز نگرانی از وضعیت جسمی فاطمه خردمند همسر مسعود لواسانی، روزنامه نگار تازه آزاد شده از اوین هشدار داده اند که او علاوه بر تحمل مشقات ناشی از بازداشت همسر و بیماری صرع خویش، به نگهداری و درمان فرزندی خردسال و مبتلا به بیماری اوتیسم بوده و هیچگونه اقدام خلاف و غیر قانونی مرتکب نشده است.

* برنج در کرمانشاه کمیاب شد.با گرانی اقلام خوراکی و مواد غذایی، برخی از بازاریان برای کسب سود بیشتر، از فروش برنج های موجود در مغازه و انبار خود امتناع می ورزند.

* بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و حقوق کودک که محکوم به پنج سال زندان شده هنگام بازجویی در سال ۸۹ از ناحیه پرده گوش دچار آسیب شد و تا کنون اجازه دسترسی به درمان نداشته است.خانواده ابراهیم زاده در اعتراض به محرومیت بهنام از درمان، به مقامات شکایت کرده اند.

گرانی دوباره بلیت قطار در آستانه سفرهای نوروزی

با وجود افزایش ۱۴ درصدی قیمت ها در سال جاری ، برخی نرخ‌های جدید بلیت قطار از این هفته اعمال خواهد شد که این افزایش قیمت بسته به نوع و میزان مسیر متفاوت است.

به گزارش فارس،قیمت‌های جدید بلیت قطار در برخی از مسیرها بسته به نوع و میزان مسیر متفاوت خواهد بود.

مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اینکه کمتر از ۵۰ درصد قطارها مشمول افزایش قیمت بلیت نخواهند شد، خاطرنشان کرد: میزان این افزایش نرخ بلیت در مسیرهای مختلف، متفاوت است.

بنا به گفته مدیرعامل راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران ، زمان افزایش قیمت‌های بلیت قطار و میزان افزایش قیمت‌ها را در زمان مشخصی که تعیین می‌شود، اعلام می‌شود. از ابتدای تیرماه سال جاری نیز قیمت‌های بلیت قطار به طور متوسط ۱۴ درصد افزایش یافته بود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۸ ، دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

شما تمام هنجارهای نظام را زیر پا گذاشته اید و بسیاری از کسانی را که سر کار آورده اید ما به آنها مشکوک هستیم. ما یک سئوال ساده داریم این همه درآمد از کجا آمده است؟

سرمقاله

بازیچه دست انحصارطلبان نخواهیم شد

کلمه- سید کاظم قمی

نمی دانم آیا این خصلت مشترک همه خودکامگان است یا اقتدارگرایانی که امروز در «ایران ما» بر مسند قدرت تکیه زده اند دارای این ویژگی هستند، و آن این که شعور مخاطبان خود را نادیده می گیرند. این روزها سخنانی از مسئولان مملکتی و نظامیان حاکم بر کشور شنیده می شود که به گمانم اگر خود آنها نیز لختی از مدیریت آشفته بازاری که دستپخت ناکارآمدی های خودشان است می آسودند و در آن تأمل می کردند، از این همه ضدونقیض گویی در شگفت می شدند.

یکی از عرصه های آشکار این تناقض گویی ها، انتخابات است. بگذارید خود را لحظه ای از میان خیل مردمی که با تجربه ای که از انتخابات سال ۸۸ آموختند دیگر حاضر نیستند به بازی گرفته شوند بیرون بکشیم و در جایگاه کسانی قرار بدهیم که بنا بر باورهایشان، هنوز هم تصور می کنند که شرکت در انتخابات نمایشی پیش رو، برای حفظ کیان مملکت، نظام، یا احتمالا گذران زندگی خود و خانواده شان ضروری است.

فرض کنیم ما هم با ادبیات جنگی و نظامی ماشین تبلیغاتی جریان حاکم همزبان بوده و شرکت در انتخابات را مشتی بر دهان دشمنان خارجی و ایادی داخلی شان، یا به تعبیری که اخیرا رایج شده، پیاده نظام دشمنان قسم خورده نظام و اسلام، بدانیم.در اینصورت، طبیعی است در غیاب اصلاح طلبان، باید به یکی از دسته بندیهای موجود و یا رهنمودهای حکیمانه مسئولان بلندمرتبه نظام گوش فرا دهیم. اما مشکل دقیقا از همین جا آغاز میشود. آیا به جریانی که گرداگرد آیت الله مصباح یزدی جمع شده اند دل ببندیم، در حالیکه میدانیم سراً و علانیه جایگاهی برای رأی مردم قائل نیستند؟ چگونه میتوانیم بپذیریم که از نظر ایشان و حواریونشان در حکومت اسلامی رأی مردم دارای هیچگونه اهمیتی نیست و یا به جریان آیت الله مهدوی کنی رو کنیم که میدانیم در کارنامه سیاسی اش مصلحت بینیهایی بچشم میخورد که زمانی تنها کاندیدای مورد پذیرش وی آقای بنی صدر برای پست نخست وزیری شد و پس از شهادت شهید بهشتی و یارانش در هفتم تیرماه سال شصت و شهادت شهیدان باهنر و رجایی در هشتم شهریور همان سال برای مسعود رجوی پرچم سفید بلند کرد و امروز در بیرون شمردن یاران امام از خط اسلام و انقلاب سخن میراند؟ شاید باید ازهمه ندانم کاریها و وعده های توخالی احمدی نژاد چشم بپوشیم و به او، که به گفته رهبری دیدگاهش از همه به ایشان نزدیک تر است،امیدی سه باره ببندیم و چشم بسته به کاندیداهای جریان «نزدیک» دیروز و «انحرافی» امروز رأی بدهیم؟

یا این که واقعیت چیزی نیست جز این که اصولی در کار نیست و هر چه هست، دسته بندیهای سیاسی میان کسانی است که تعدد و تنوع موجود در جامعه را به رسمیت نمیشناسند و در نتیجه، شراکت در قدرت را بر نمیتابند.از یک طرف مردم را صغیر میدانند و رأیشان را نامعتبر، و از سوی دیگر نه تنها از آنها میخواهند به عنوان عمل به واجبی شرعی به پای صندوق ها بیایند، بلکه تلویحا می گویند که آرایشان را به نام چه کسانی بریزند تا دین و دنیایشان حفظ شود.از هم اکنون درصد مشارکت را تعیین و حضور «پرشور و دشمن شکن» آنها را پیش بینی میکنند.

خوب است آقایان یاد بگیرند که شرکت در انتخابات عملی معطوف به اراده آزاد شهروندان است و در نتیجه، اگر بخواهند در آن شرکت می کنند و اگر نخواهند شرکت نمی کنند. توصیه می کنم دو کتاب ژوزه ساراماگو با عناوین «کوری» و «بینایی» را بخوانند تا بفهمند چطور مردمی که از کوری درآمده و به بینایی دست یافته اند را نمی توان بازیچه دست انحصارطلبان قدرت قرار داد و شاید خود نیز بینا شوند و به بصیرت واقعی دست یابند.

اخبار کوتاه

* پیکر همسر آیت الله صانعی با حضور جمع کثیری از مردم و شخصیت‌های سیاسی تشییع و به خاک سپرده شد و حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن آقا خمینی در صحن اصلی حرم حضرت معصومه بر پیکر همسر آیت الله صانعی نماز خواند. پیکر مرحومه خانم شفیعی همسر آیت الله یوسف صانعی از مراجع تقلید شیعه با حضور جمع کثیری از مردم و شخیصت‌های سیاسی در قم عصر امروز از مسجد امام حسن عسگری قم به سمت حرم حضرت معصومه (س) تشییع شد.

* براساس پیش بینی تحلیلگران، همچنان که انتظار می‌رفت دولت هنوز نتوانسته آنگونه که باید در کنترل بازار ارز موفق باشد. این در حالی بود که اعلام شده صرافی‌ها باید ۳ الی ۵ درصد بالاتر از نرخ مرجع بانک مرکزی دلار را بفروشند وگرنه تعطیل می‌شوند.

خواب زمستانی با بصیرت‌ها

آشفتگی بازار ارز و سکه و رشد بیش از صد در صدی قیمت دلار طی یک هفته، یکی دیگر از بی کفایتی های دولت احمدی نژاد است که این روزها حتی صدای حامیانش را هم در آورده است و خواستار رای به « عدم کفایت سیاسی» این نزدیک ترین رییس هیات دولت به رهبری شده اند.

مثل همیشه وزیر اطلاعات هم به میدان آمد و از « عوامل پشت پرده گرانی ارز و سکه « خبر داد و اینکه ماموران گمنام امام زمان آنان را شناسایی کرده اند، اما برای معرفی شان باید حوصله به خرج داد!

بازی تکراری که بعد از هر بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را نشان می دهد. چند انتقاد حساب شده، یک سناریو مداخله بیگانه، ورود قهرمانانه ماموران امنیتی و بستن پرونده تا سناریویی دیگر.

سیاستمداران و کارشناسانی این روزها به میدان انتقاد آمده اند و از فساد و بی انضباطی دولت احمدی نژاد سخن می گویند که گویی این اتفاقات یک شبه پیش آمده و تا پیش از اول بهمن ۱۳۹۰، دولت مبتنی بر قانون و برنامه های پنج ساله توسعه مصوب اقدام می کرده و از نظر همه کارشناسان اقتصادی بهره می جسته است.

منتقدان چنان پرشور و احساس فریاد می زنند و از اصول تعطیل شده قانون اساسی سخن می گویند و خواستار مشارکت همه اقتصاددان و دلسوزان برای اداره امور کشور می شوند که این تصور ایجاد می شود که حامیان دیروز که امروز میدان را برای انتقاد گشاده دیده اند تاکنون در خواب زمستانی به سر می بردند.

همان کسانی که سال هاست چشم بر مفاسد اداری و مالی و ریخت و پاش های دولت احمدی نژاد بسته اند. کسانی که همه افتخارشان فقط « منتقد بودن» است در هر دوره ای و حاضر نیستند این افتخار را با چیز دیگری عوض کنند. کسانی که نقض آشکار قانون اساسی را سالهاست ندیده اند و حال خواستار اجرای اصل ۸۹ قانون اساسی هستند.

امروز کسانی دم از اجرای قانون اساسی و بی کفایتی احمدی نژاد می زنند که در جریان رویدادهای پس از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری که منجر به کشته شدن ده ها شهروند بی گناه و به زندان رفتن صدها فعال سیاسی، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و شهروندان شد، سکوت کرده و گاه به حمایت از خشونت عریان علیه مردم می پرداختند.

در زمانی که منتقدان دولت با آمار و ارقام نسبت به پیامدهای سیاستهای مخرب اقتصادی دولت هشدار می دادند و خواستار پیشگیری از این همه نابسامانی بودند، رییس مرکز پژوهش های مجلس و دبیرمجمع تشخیص مصلحت نظام برای پیوستن به صف « بابصیرت « ها از هم سبقت می گرفتند و چشم بر حبس اقتصاددانان منتقد و دلسوزان مصلح بسته بودند.

در زمانی که روزنامه نگاری دلسوز چون بهمن امویی با کنکاشی در عملکرد دولت مقالات انتقادی می نوشت و با شماره کردن همه مفاسد اقتصادی و مالی احمدی نژاد و مردانش از نمایندگان مجلس و مسئولان سوال می کرد «آن همه حمایتهای قانونی، غیرقانونی، امنیتی، اطلاعاتی و نظامی که هرگز هیچ دولتی پیش و پس از انقلاب از آن برخوردار نبوده به چه منظور و توسط چه کسانی به محمود احمدی نژاد اعطا شده است؟ و او در سایه این چک سفید امضا چه خدمتی باید ارائه می داد و بابت آن خدمات چه رقمی در آن نوشته است؟»

چرا رییس کمیسیون برنامه و بودجه پاسخی به این سوال نداشت و چرا آن همه هشدار و انذاری که از سوی کارشناسان و استادان اقتصاد صورت می گرفت، نادیده گرفته می شد؟

وقتی دلسوزان کشور هشدار می دادند از ریخت و پاش های دولت احمدی نژاد، افزایش وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد و بودجه دولت به درآمدهای نفتی بر خلاف تمام قوانین و مقررات جاری کشور، دست کاری غیر قانونی تعرفه های کالاهای، تغییر مداوم و پی در پی و غیر کارشناسی مدیران صنعتی و اقتصادی کشور، عدم ارائه کوچکترین اطلاعاتی از چگونگی هزینه کردن در آمدهای نفتی، نابودی زیر ساختهای اقتصادی و موقعیت گردشگری کشور، نابودی کشاورزی ایران از طریق واردات گسترده و فراوان محصولات کشاورزی، نابودی توان تولید ملی ایران، افزایش وابستگی به واردات و کاهش ضریب امنیت غذایی کشور و ..... کجا بودند منتقدان امروز که حداقل مانع به حبس رفتن آنان شوند؛ کسانی که به جرم انذار بموقع، همه سهمشان از کشور یک سلول در زندان شد به اتهام « تشویش اذهان عمومی» و « توهین به احمدی نژاد « و « اقدام علیه امنیت ملی». همان هایی که به جز دلسوزی برای کشور و پیشگیری از کاهش ارزش پول ملی و اقتدار جمهوری اسلامی در عرصه بین الملل بارها و بارها هشدار دادند و همه سلاح براندازی شان « مقاله « بود و « سخنرانی» با اتکا به « آمار و ارقام واقعی» و « نظرات کارشناسانه و علمی».

اینک که فاسدترین دولت تاریخ ایران موفق شده به جای مانور قدرت در صحنه بین المللی، اقتصاد کشور را به فساد جهانی و مافیای فراقانونی پیوند بزند و همه منافع ملی را بر سر ترکتازی های غیرواقعی و بلندپروازی های غیرمنطقی بر سر نرد قدرت ببازد، حامیان دیروز احمدی نژاد « هشدار « می دهند و می پرسند که «کدام دولت از اینچنین کابینه بی ثباتی برخوردار بوده بطوریکه دوره عمر وزیران دولت در این دو دوره از کشورهای عراق و افغانستان در دوران بحرانی جنگ نیز کمتر بوده است. مگر سازمان بازرسی و خود مجلس محترم پرونده سنگین تخلفات قانونی دولت را بارها مطرح نکرده است؟ مگر جمیع اقتصاددانان آشفتگی و انهدام اقتصاد را ناشی از بی تدبیری دولت نمی دانند؟ مگر اختلاس باور نکردنی ۳۰۰۰ میلیاردی در همین دولت اتفاق نیفتاده؟ مگر حجم تحریم ها و تهدیدات قدرتهای خارجی در همین دولت و بواسطه تصمیمات نسنجده همین سیاستمداران به اوج نرسیده ؟ مگر نابسامانی نظام اداری ناشی از انحلال سازمان مدیریت حاصل تفکرات آقایان نبوده؟ بودجه ریزی که متعارف ترین امور بوده کجا چنین وخامتی داشته ؟مگر رواج بی اخلاقی در عرصه سیاست و فرهنگ قبل از این دولت از چنین سابقه برخوردار بوده؟ «

و ده ها سوال دیگر که سال ها پیش پرسیده شد و پرسشگران نه تنها پاداش داده نشدند بلکه به جرم حق گویی به زندان رفتند و حصر شدند. همه جرمشان پیش بینی این « سحر ساحران « بود. همه گناهشان این بود که می دیدند همه منابع ملی در پای بی کفایتی و بی تدبیری مسئولان قربانی می شود. شاید بتوان گوش ها را بست و خود را به خواب زد. اما کلماتی که در تاریخ و بر صحیفه دل مردم ثبت شده را هرگز نمی توان زدود.

«آلودگی در بدنه دولت رسوخ کرده است. در چهار سال گذشته ردیف کشور بین کشورهای جهان از نظر فساد اداری و دولتی۵۰ رتبه تنزل پیدا کرده است. چرا یک معامله چند میلیارد دلاری نفتی توسط وزیر کشوری که با مدرک قلابی رای آورده و با معاون پارلمانی رئیس دولت پشت درهای بسته مورد مذاکره قرار گیرد؟ چگونه می‌شود قراردادهای نفتی خارج از وزارت نفت صورت گیرد؟ کشور ما از این همه ریخت و پاش بی‌برنامه از بیت‌المال خسته شده است و ما برای نجات کشور آمده‌ایم.(میرحسین ۱۳۸۸»

میرحسین موسوی که از هیچ چیز به اندازه رذالت دروغگویی این دولت رنج نمی برد، پدرانه، برادرانه و خیرخواهانه بارها خواسته بود "نگذارید دروغگویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نا اهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدارن راستگویتان است از شما مصادره کنند."

شاید اینک زمانی باشد که حامیان دیروز و منتقدان امروز از خود بپرسند، جرم این دلسوزان چه بود که اینک باید در زندان باشند و آنان آزادانه همان را بگویند که این مصلحان سال ها پیش گفته بودند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۴۹ ، چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

آن چیزی که مردم را عصبانی می‌کند و به واکنش وا می‌دارد آن است که به صریح‌ترین لهجه، بزرگی آنان انکار می‌شود. مگر نمی‌خواهید که ما نباشیم و شما باشید؟ راهش توجه به این واقعیت است.

۹ پیشنهاد برای مواجهه سبزها با نمایش انتخابات مجلس

۱- آنچه در انتخابات آینده تعیین کننده است،آگاهی مردم از ماهیت آن است.بنابراین از هر فرصتی باید برای آگاه ساختن اقشار مختلف مردم به ویژه اقشار محروم‌تر و ناآگاه‌تر استفاده کرد.با توجه به ضعف رسانه‌ای جنبش سبز،ارتباطات شفاهی و دونفره و چند نفره بسیار تعیین کننده خواهد بود.سبزها باید از فرصت تمام جمعها، دیدارهای دوستانه، فامیلی ، روابط در کوچه و بازار و محل کار و ... برای آگاهی بخشی در این زمینه استفاده کنند.دانشجویان در این میان نقشی تعیین کننده می‌توانند داشته باشند.

۲- انتخابات مجلس برخلاف انتخابات ریاست جمهوری جنبه محلی و منطقه‌ای دارد و به خصوص در مناطق کمتر توسعه یافته انگیزه‌های محلی و قومی برای شرکت در انتخابات نقشی مهم‌تر از انگیزه‌های سیاسی دارد.باید تلاش گسترده‌ای را برای آگاه ساختن مردمان شهرهای کوچک‌تر نسبت به ماهیت انتخابات آینده به کار بست.

۳- پس از بمباران هماهنگ، گسترده و سنگین تبلیغاتی در دهه فجر، تبلیغات انتخاباتی حاکمیت آغاز خواهد شد.استبداد حاکم در سطح تبلیغاتی برای هریک از اقشار جامعه پروژه خاصی تعریف خواهد کرد. رسانه‌ها و فعالان جنبش سبز نیز باید جوامع هدف خود را مشخص کنند و از هم اکنون برای ارتباط با اقشار مختلف جامعه طرح و برنامه خود را آماده کنند و با ارائه تحلیل‌ها، اطلاعات و گزارشهای مختلف از عملکرد مجلس هشتم، اوضاع اقتصادی کشور، بحرانهایی که مدیریت بی کفایت و نالایق استبداد بر کشور تحمیل کرده است.

۴- استفاده از تکنولوژیهای ارتباطاتی جدید نظیر اس ام اس، ایمیل و اینترنت با حفظ جنبه‌های ایمنی آن میتواند نقش مهمی در آگاه کردن مردم نسبت به ماهیت انتخابات ایفا کند.رسانه‌های سبز می‌توانند نحوه استفاده مطمئن و ایمن از این امکانات را به مخاطبانشان آموزش دهند. باید نهضتی شبیه آنچه در ایام انتخابات سال ۸۸ و ماه‌های پس از آن جریان داشت،شکل گیرد.

۵- آنان که برغم اصلاح طلب خواندن خود اقدام به ثبت نام در انتخابات کرده‌اند البته در تصمیم خود آزاد هستند و ما نمی‌توانیم و حق نداریم به زور آنان را تصمیم خود منصرف کنیم،اما متقابلا حق داریم بر این حقیقت پای بفشاریم که شرکت یا عدم شرکت در انتخابات شاخص هویت اصلاح طلبی است.ما این حق را داریم که مراتب مخالفت و انزجار خود را از این اقدام به اطلاع ایشان برسانیم آنان باید به وضوح دریابند بی اعتنایی به زندان خانگی موسوی و کروبی و صدها زندانی و خانواده داغدار و سرکوب و اختناق حاکم چه واکنشی در جامعه نسبت به ایشان برانگیخته است.سیستم پیام کوتاه و ایمیل بهترین راه برای آگاه ساختن ایشان از این واکنش اجتماعی است.

۶- از جمله محدودیتها و نقاط آسیب پذیر استبداد حاکم،اوضاع رو به وخامت و انحطاط اقتصاد کشور است.روند کنونی افزایش قیمت ارزاق و ارز خارجی گویای این حقیقت است که اوضاع از کنترل حاکمان اقتدارگرا خارج شده است.آثار تحریمهای خارجی و مدیریت نالایق و بی‌کفایت داخلی اکنون تا حدودی به ثمر نشسته و دیو گرانی و تورم از شیشه سربرآورده و دیگر به سادگی کنترل آن ممکن نخواهد بود.مردم باید دریابند استبداد مطلقه فردی علت همه دردهای آنان است و بقای این حاکمیت و ادامه این روند نتیجه ای وخیم تر از این خواهد داشت و شرکت در انتخابات مجلس عملاً به معنای تأیید موجودیت و سیاستها و عملکردهای حاکمیت کنونی است.

۷- فضای آزادی در روزهای منتهی به انتخابات بسته‌تر خواهد شد.در عین حال استبداد حاکم در موضعی تناقض آمیز برای جلب مشارکت مردم در انتخابات و ایجاد شور انتخاباتی ناگزیر از تحمل برخی آزادی‌ها خواهد بود.این وضعیت فضای مناسبی برای روزنامه‌های منتقد فراهم خواهد کرد تا با اطمینان از حاشیه امن ایجاد شده برخی از ناگفته‌ها را بگویند و جامعه را نسبت به وضعیت وخامت بار کنونی آگاه کنند.

۸- میتینگها،سخنرانیها ومیزگردهای انتخاباتی یکی از بهترین فرصتها برای آگاهی بخشی است.کاندیداها باید به سؤالهای مخاطبان بصراحت پاسخ گویند و راجع به زندانیان محروم از حقوق قانونی، سرکوبها،حصر آقایان موسوی و کروبی، بی اختیار بودن مجلس و تعهد در برابر مردم یا قدرت و.. اظهار نظر کنند.بویژه دانشجویان نباید از کنار برنامه های ایام انتخابات بی اعتنا بگذرند.

۹- نهادها و کانونهای جنبش از جمله شورای هماهنگی راه سبز امید برای این مرحله کنشها و فعالیتهایی را پیشنهاد خواهند کرد. آنچه مهم است اولا هماهنگی و انسجام و همدلی کامل همه بخشهای جنبش سبز و اجتناب از تک‌روی‌ها و خودمحوری‌ها دراینگونه کنش‌هاست و ثانیاً رعایت اصل اجتناب از اقدامات خشونت آمیز و هرج و مرج طلبانه و پایبندی به کنشهای مسالمت آمیز است.باید توجه داشت استبداد حاکم از اقدامات خشونت آمیز برای ایجاد هراس و بدبینی در جامعه و قانع کردن ایشان به شرکت در انتخابات بهره خواهد برد.حتی این احتمال نباید از نظر دور داشت بخشهای امنیتی نظامی حاکمیت به برخی اقدامات خشونت آمیز دست بزنند. بنابراین باید هوشیار بود و در سناریوی حاکمیت استبداد بازی نکرد.

فراخوان راهپیمایی اعتراضی شورای هماهنگی راه سبز امید برای ۲۵ بهمن

شورای هماهنگی راه سبز امید در آستانه ی ۲۵ بهمن و سالگرد حضور خیابانی مردم به دعوت میرحسین موسوی و مهدی کروبی و همچنین سالگرد آغاز زندان خانگی رهبران جنبش سبز در بیانیه ای ازهمراهان و حامیان جنبش سبز دعوت کرد از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر روز ۲۵ بهمن ماه در تهران در پیاده‌روهای خیابان‌های انقلاب و آزادی،حدفاصل میدان فردوسی و تقاطع نواب، و در شهرستانها در خیابان اصلی هر شهر بنابر تصمیم فعالان محلی اقدام به پیاده‌روی سکوت کنند.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

«خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که خودشان آن را تغییر بدهند.» (سوره رعد، آیه ۱۱)

«امروز گفتمانی تازه متولد شده است.گفتمانی که شهدای آن، پیشقراولان، و دربندشدگانش پرچم‌داران آن هستند. گفتمانی که خشونت را طرد می‌کند و راه تغییر را از طرق مسالمت آمیز جستجو می‌کند. گفتمانی که چندصدایی را به رسمیت می‌شناسد و اتحاد ملی را نه در سکوت گورستانی که در تمسک به عقلانیت جمعی می‌جوید. گفتمانی که عدالت را نه در اقتصاد صدقه‌ای، بلکه در ایجاد فرصت‌های برابر و توانمندسازی محرومان می‌داند. گفتمانی که فساد را تحمل نمی‌کند و با وعده‌ی آوردن نفت بر سر سفره مردم، یک‌شبه قیمت نان و سوخت و برق و گاز را چند برابر نمی‌سازد. گفتمانی که به حفظ نیروی کار کشور ایمان دارد و منابع و تولیدملی را با تحویل بازار ملی به واردات خارجی ویران نمی‌سازد. گفتمانی که اعتیاد و دزدی و طلاق را نتیجه سی درصد بیکاری جوانان می‌داند. گفتمانی که از رأی مردم نمی‌ترسد و از رجوع به قانون اساسی نمی‌هراسد.»(بخشی از بیانیه آقایان مهدی کروبی و میرحسین موسوی در آستانه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹)

هموطنان آزاده و آگاه

ایران و ایرانیان در چالش با یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ خود بسر می‌برند.بی کفایتی دولتمردان،منافع و سرمایه‌های ملی را بر باد داده و می‌دهد. با اینکه درآمد نفتی ایران طی سالیان اخیر بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلار بوده و مدعیان عدالت با شعار آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم و رفع فقر و فساد و تبعیض بر سرکار آمدند نتایج عملکردشان جز کاهش نرخ‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری به پائین‌ترین سطح و افزایش نرخ‌های بیکاری و تورم به بالاترین رقم در در دو دهه اخیر نبوده و بشکلی تأسف‌بار بر دامنه‌ی فقر و فساد و تبعیض در کشور افزوده شده است. رجوع به گزارش‌های رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، و همچنین مراجع و نهادهای بین‌المللی به‌خوبی اثباتگر این موضوع است.افشای فساد و اختلاس بانکی بی‌سابقه در ماه‌های اخیر تنها یکی از نشانه‌های بارز فساد مالی و اداری دامنگیر کشور است.

تیرماه سال گذشته، مهندس میرحسین موسوی در ارزیابی دور جدید تحریم‌ها علیه ایران و واکنش حاکمیت اقتدارگرا، نکات مهم و سخنان ماندگاری بیان داشت، و ازجمله تاکید کرد:«این حق مردم است که ماهیت قطعنامه و تحریم‌های دیگری که در حال افزوده شدن به آن است بشناسند. باید آنها بدانند این تحریم‌ها چه اثری بر سفره آنها و روی نرخ بیکاری و تورم و تولید و پیشرفت کشور و امنیت می گذارد. صرفا گفتن اینکه این قطعنامه یک ورق پاره است مشکل مردم و کشور را حل نمی کند.» وی از منظر یک صاحب‌نظر و فعال سیاسی «ملی» اعلام کرد:«جنبش سبز باید از تمام توان بین‌المللی خود استفاده کند تا به قدرتهای خارجی نشان دهد به آنها اجازه نمی‌دهد از ضعف وعدم مشروعیت دولت کنونی استفاده و به استقلال، تمامیت ارضی و منافع عالی کشور آسیب رسانند.» اینها ملاحظاتی بس ارزشمند و درخور توجه و پیگیری است.

اما با کمال تأسف،به نصایح دوراندیشانه دلسوزان کشور بی توجهی شد و اینک، در هنگامه‌ی تورم لجام گسیخته و تشدید تحریمها علیه ایران، و نیز تشدید سرکوب و ارعاب و بازداشت منتقدان و شهروندان ناراضی، مردم ایران دشوارترین روزهای زندگی خود را سپری می کنند. بجای روی کردن به مردم و جبران اشتباهات، هنوز هم بر ادامه سیاست سرکوب پافشاری می‌شود و صدها کنشگر مدنی و فعال سیاسی معترض به اوضاع کشور از کودتای انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸، هم‌چنان در زندان‌های استبداد و حبس غیرقانونی بسر می‌برند. آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی، و خانم زهرا رهنورد، رهبران آزاده و صادق و همراه جنبش سبز از آن جمله‌اند که از سال گذشته، در حبس غیرقانونی و زندان خانگی محصورند.

در چنین شرایطی است که ۳۹ زندانی سیاسی و آزاده‌ی دربند در بیانیه‌ای خواستار پیگیری اعتراض‌ها و خواستهای حقوق بشرطلبانه و دموکراسی خواهانه‌ی مردم ایران، با اولویت نهادن به آزادی رهبران جنبش سبز شده‌اند.

این حق انسانی و قانونی و شرعی ایرانیان است که بوضع کنونی زندگی خود و نیز شرایط کشور خویش اعتراض کنند؛اعتراض کنند به: حاکمیت دروغ و سرکوب، شرایط سخت زندگی، گرانی روزافزون نیازهای اولیه و تنگناهای معیشتی، سلطه‌ی ناکارآمدی در اداره‌ی کشور، گسترش ناامنی، فروپاشی ارزش‌های اخلاقی، شرایطی که باعث فروپاشی بسیاری از کانون‌های گرم خانواده‌ها شده، گسترش روزافزون اعتیاد و بزهکاری در جامعه، توسعه‌ی ساعت به ساعت فقر، قرار گرفتن در شرایط ذلت‌بار بین‌المللی که نتیجه سیاست‌های ماجراجویانه و غیرواقع بینانه دولت در طی سال‌های اخیر است، مدیریت پادگانی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، اعمال سیاست‌های تبعیض آلود در برخورد با زنان، اقوام و صاحبان عقاید و باورمندان به آیین‌های گوناگون و نیز دگراندیشان، حبس غیرقانونی رهبران جنبش سبز و دیگر زندانیان حوادث پس از انتخابات،که همگی برخلاف قانون اساسی است؛ اعتراض به این همه، حق ایرانیان است.

از اینرو،از تمامی همراهان جنبش سبز دعوت میکنیم از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر روز ۲۵ بهمن ماه در تهران در پیاده‌روهای خیابان‌های انقلاب و آزادی، حدفاصل میدان فردوسی و تقاطع نواب، و در شهرستان‌ها در خیابان اصلی هر شهر، بنابر تصمیم فعالان محلی، اقدام به پیاده‌روی سکوت کنند. بدیهی است که همه‌ی ما همچون گذشته، با حفظ هوشیاری و نیز التزام به خط مشی جنبش در پایبندی به اصل عدم توسل به خشونت،ازهرگونه سوء استفاده احتمالی جلوگیری خواهیم کرد.در مقابل از نیروهای انتظامی نیز می‌خواهیم به حقوق قانونی هموطنانشان احترام بگذارند و به جهانیان نشان دهندمانند نیروهای سرکوبگر نظام‌های استبدادی عمل نخواهند کرد.

سید هادی خامنه ای با فرزندان میر حسین موسوی دیدار کرد

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خامنه ای در دیدار با فرزندان میرحسین موسوی مواضع رهبر سبز در ایام انتخابات را سندی ماندگار در بیان کاستیهای موجود و چشم انداز آینده دانست و اظهار امیدواری کرد تلخیها و سختیهای اینروزها هر چه زودتر با آزادی آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد به شیرینی مبدل شود.

او گفت:مباحثی که در ایام انتخابات مطرح شد،همگی کارشناسانه و حاکی از تسلط آقای موسوی به حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود.

وی گفت:هر میزان اهداف بزرگتر و متعالی تر باشد زحمات و سختیها برای رسیدن به این اهداف نیز بیشتر است.جمع شما فرزندان و این خانواده اهل علم و فضل و هنر هستید و انشاء الله این ایام را با صبوری و توکل بر خدا پشت سر خواهید گذارد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۰ ، شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوه مبارزات تاریخی دویست‌ساله شما با استبداد و عقب‌ماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی‌است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخه اصیلش به اجرا درآید تمامی خواسته‌های ما را در بر می‌گیرد.

میرحسین موسوی

دانشجویان دانشگاه های تهران جشنواره فیلم فجر را تحریم کردند

جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه های تهران در اعتراض به وضعیت سینمایی کشور با صدور بیانیه ای اعلام کرده اند:جشنواره فیلم فجر را تحریم می کنیم.

در بیانیه این دانشجویان آمده است:چشمان نگران آزادی و عدالت در جامعه، بیش از این سکوت را جایز نمی شماریم که نه تنها خیانت به عرصه فرهنگ و هنر ایران بلکه باز گذاشتن عرصه جولان غول استبداد است و به نشانه اعتراض بر همه آنچه که در مدت این دو سال بر سینمای کشور گذشته جشنواره فیلم فجر امسال را تحریم میکنیم و این بار تماشاچی نخواهیم بود. بدیهی است که این حرکت کاملا مستقل از تصمیمی است که کارگردانان، بازیگران و دیگر عوامل برای شرکت یا عدم شرکت در این جشنواره خواهند گرفت.

آنها تاکید کردند:هنوز زخم های برجا مانده از دستگیری و محکومیت های چندین ساله برخی از سینماگران محبوب کشور هم چون جعفر پناهی، رامین پرچمی، مرضیه وفامهر، مستندسازان و . . .التیام نیافته بود که تیر استبداد به مقصد خانه سینما از چله رها شد و درست بر هدف نشست. با بهانه تراشی های واهی تنگ نظران سرانجام رای به منحل شدن آن دادند تا در سکوت ویرانگر این جامعه استبداد زده به سراغ طعمه بعدی خود بروند.

فشار روانی مسوولان قضایی به کودکان نسرین ستوده

مسوولان زندان و قضایی با دادن قول ملاقات حضوری به ویژه به کودکان نسرین ستوده وکیل دادگستری در حبس و اجرا نکردن آن سعی در تخریب روحیه کودکان و فشار بیشتر به این حقوقدان و اعضای خانواده‌ی او دارند.

بگونه ای که هر هفته به نسرین ستوده قول ملاقات حضوری می‌دهند ولی با مراجعه خانواده، مسولان از آنان جلوگیری می‌کنند.

پس از نزدیک به یک سال و نیم بازداشت وی، امکان هر بار ملاقات حضوری برای کودکان نسرین ستوده تا ۴ ماه به طول می‌انجامد. این در حالی است که از ۲۶ اسفند ۸۹ تا ۱۹ فروردین ۹۰ حتی امکان ملاقات کابینی را هم از این کودکان دریغ کرده اند.

خانواده ستوده می گویند با وجود نامه‌ی صریح دادستان تهران مبنی بر برقراری ملاقات منظم حضوری، نسرین ستوده با فرزندانش اما همچنان از دادن ملاقات به وی جلوگیری می‌شود.

اخبار کوتاه

- جواد امام پس از یک سال حبس با بدرقه زندانیان بند ۳۵۰ که با سرود « ای و مرغ سحر » همراه بود،از زندان اوین آزاد شد.رئیس ستاد میرحسین موسوی در تهران و ازاعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است.

- رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور از تضیع حقوق ۵۰ درصد از کارگرانی خبر داد که توسط شرکت های پیمانکاری جذب می شوند.

- در آستانه سی و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دادسرای ویژه روحانیت اهواز با یک قرار جدید، مرخصی زندانی سیاسی تبعیدی "سید احمدرضا احمدپور" را لغو کرد.

- بیش از ۸۰۰ دانشجو رشته حقوق در اعتراض به نتایج آزمون وکالت سال ۹۰ در مقابل کانون وکلای مرکز تجمع کردند و خواستار لغو آزمون مرحله دوم کارآموزی وکالت ۹۰ شدند.

- علی ملیحی، مسوول روابط عمومی ادوار تحکیم وحدت برای درمان به درمانگاهی خارج از زندان اوین منتقل شد.

- مصطفی علیزاده، کارگر قسمت رنگ گروه بهمن (مزدا) در محوطه کارخانه دست به خودکشی زد و جان باخت.

- کارخانه قند ورامین که درسال ۱۳۱۳ به دست مارکوف روسی ساخته شد، به علت نبود مواد اولیه به تعطیلی کشیده شده است.

- مهدی خزعلی پس از بیست و پنج روز اعتصاب غذا بر اثر خونریزی معده به بهداری بند ۳۵۰ منتقل شد.

- مراسم هفتمین روز درگذشت بانو شفیعی همسر مکرمه حضرت آیت الله العظمی صانعی در حسینیه شهداء قم برگزار شد.

- آریا آرام نژاد برای پرونده دوم روز سه شنبه مجددا با دستبند وپابند به دادگاه اورده شد.

ملت و جوانان برومند در مسیر سبز آینده‌ای روشن برای کشور و ملت رقم زنند

عذرخواهی عضو شورای انقلاب از ملت ایران

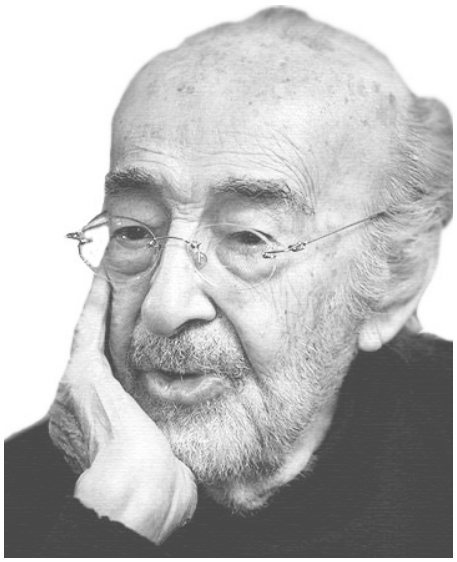

حاج سید جوادی عضو شورای انقلاب و دولت موقت در در آستانه سی و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در نامه ای با پوزش از ملت ایران نوشت: دمکراسی در ایران یک ضرورت و سرنوشت محتوم است و امید دارم، ملت و به ویژه جوانان برومند ایران در مسیر سبزی که پیش رو دارند با عبرت گرفتن از تجربیات انقلابیون قدیمی‌تر، ضمن ایستادگی و پایداری روزافزون بر آرمان‌های خود و با تعمیق ظرفیت‌ها و صبر و توکل بر خداوند، بر مشکلات و بحران‌ها فائق آیند و آینده‌ای روشن را برای کشور و ملت ایران رقم زنند.

در این نامه که خطاب آن ملت شریف و ستمدیده ایران است ، می خوانیم:راه دشوار بود و گاهی نیز شاید به خطا و بیراهه رفتیم اما در این لحظات، با وجود کهولت و خستگی، بیش از هر زمان دیگر به پیروزی دمکراسی و آزادی ملت ایران باور و امید دارم.

حاج سید جوادی در بخشی از این نامه نوشته است:تاسف اینجانب از این حقیقت مایه می‌گیرد که تمامی روشن‌فکران در برهه‌ی انقلاب ۱۳۵۷، از دستیابی به وحدت و بسط و گسترش نهادهای مدنی و سیاسی مدرن در مقابل شبکه‌های سنتی اجتماعی درک درستی نداشتند و آگاهانه و متناسب با مسوولیتی که بر عهده داشتند، عمل نکردند و بر اثر بی‌تجربگی و احیانا اشتباهات عمدی و غیرعمدی، زمینه‌ی ظهور و قدرت‌گیری بلامنازع سنت‌گرایان بر تحول‌خواهان فراهم و حتی منجر به نفوذ مجدد قدرت‌های خارجی در مدیریت نوپای نظام جدید شد و موجبات انحراف گسترده از اصول و آرمان‌های انقلاب پدید آمد.

او می نویسد:در شامگاه عمر و در آستانه سی و سومین سالگرد پیروی انقلاب اسلامی و در سالروز پذیرش مسوولیت از سوی دولت موقت زنده یاد مهندس مهدی بازرگان، به عنوان احدی از یاران و همراهان ایشان در دولت موقت و در نهضت آزادی ایران، بر خود واجب دانستم آن‌چه را که از خاطرات دردناک روزگار گذشته و پس از سال ها مبارزه برای آزادی ملت و رهایی از سیطره خودکامگان در ذخیره ی تجربه دارم، به عنوان ادای دین به حافظه‌ی تاریخی ملت شریف ایران و به ویژه جوانان پرشور و نیک‌اندیش سرزمینمان در میان گذارم و ضمن ایفای مسوولیت سنگین انتقال تجربیات بیش از شش دهه تلاش و حضور در عرصه سیاست و اجتماع این مملکت، با دفاع از اصالت انقلاب و آرمان‌های مردم ایران و تایید مدیریت و رهبری آن که لااقل تا برهه‌پیروزی، مبتنی بر شعار " همه با هم " بود و موجبات پیروزی انقلاب را با کم‌ترین هزینه فراهم آورد و همچنین، ضمن تایید مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی ملت ایران علیه نظام فاسد، خائن و خودکامه‌ی پهلوی و تاکید بر ضرورت و درستی گزینش راهبرد مبارزه‌ی قانونی و مسالمت‌آمیز در راستای استقرار و پیشبرد دمکراسی در ایران پس از انقلاب، به مسوولیت دیگر خویش یعنی پذیرش قصور و نارسایی‌ها و خسارات مادی و معنوی که از رهگذار عملکرد و سیاست‌گزاری‌های مسوولان نظام جمهوری اسلامی ایران، طی بیش از سه دهه حکم‌رانی به مردم و کشور تحمیل شده است، به عنوان احدی از افرادی که در تاسیس این نظام و مدیریت انقلاب نقشی ایفا کرده است، پوزش خواسته و اظهار تاسف می‌کنم.

صرف عذرخواهی و اعلام مطلق عبارت " ما اشتباه کردیم "، کافی نبوده و خود، برگرفته از مطلق‌نگری و تنها به منزله‌ی کوچک‌سازی صورت مساله بوده و ارایه‌ی پاسخی ساده به وضعیتی پیچیده و قابل تحلیل و بررسی است که ابدا متناسب با مسوولیت روشن‌فکران و لااقل کسانی که به ملت، تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی باور دارند، ارزیابی نمی‌شود. اینجانب بر آنم تا فراتر از پذیرش اخلاقی مسوولیت عملکرد سیاسی‌ام، با تحلیل وقایع تلخ گذشته، چراغی در روشن‌سازی آینده برافروزم...

هجوم نیروهای امنیتی به بند ۳۵۰ زندان اوین و شعار مرگ بر دیکتاتور زندانیان

هجوم و بازرسی در بند ۳۵۰ زندان اوین و انتقال زندانیان سیاسی به حیاط این بند همزمان با بارش برف، زندانیان را تا آنجا خشمگین کرد که با سردادن شعار و سرود موجب واکنش و شعار متقابل در بند زنان شده و ماموران را وادار به ترک بند کرد.

به گزارش کلمه از زندان اوین، صبح روز چهارشنبه ۱۲ بهمن و در آستانه دهه فجر در پی ورود ناگهانی دهها نیروی امنیتی به بند ۳۵۰ زندان اوین تمامی اسباب و اثاثیه زندانیان مورد تهاجم و کنکاش قرار گرفت و تا مدتها وقت زندانیان صرف تفکیک و دوباره چینی وسایل درهم ریخته آنان شد که در وسط اتاق رها شده بود.

بدنبال این بازرسی تمامی زندانیان از جمله زندانیان بیمار این بند مجبور به خروج از اتاقها و حضور در هواخوری بند ۳۵۰ شدند و این در حالی بود که هوای زیر صفر و بارش برف کار را بر زندانیان بیمار سخت کرده بود.

در پی این اقدام غیر قانونی که همزمان با حضور دادیار ویژه صورت گرفت زندانیان دست به اعتراض زده و یکصدا شعارهایی از جمله یاحسین میرحسین، محمود خائن ..،سرود ای ایران، یاردبستانی، مرگ بردیکتاتور و... سردادند.

شعارها و سرودهای زندانیان بند ۳۵۰ که لاینقطع تکرار می شد باعث واکنش بند بانوان بند۳۵۰ شد و آنها نیز با خواندن سرود و سردادن شعار به این اقدام اعتراضی واکنش نشان دادند.

بیانیه اعتراضی مجمع مدرسین و محققین

سیاستهای جاری باعث انحراف از اهداف انقلاب شده است

مجمع مدرسین محققین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه ای نسبت به روند سیاستهای جاری که باعث انحراف از اهداف انقلاب شده است، هشدار داد.

در این بیانیه ضمن تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی آمده است: کسانی که به عنوان متهم یا محکوم سیاسی در حصر و حبس می باشند آیا در دادگاهی عادلانه و با حضور هیأت منصفه و به طور قانونی محاکمه شده اند یا جناح بندیهای سیاسی، که در سالهای اخیر شدت گرفته، در دستگاه قضایی اثر گذاشته و باعث شدهاست که منتقدان دلسوز، محبوس یا منزوی شوند؟ آیا ملت ایران تا چه حد به دستگاه قضایی اعتماد دارد و احساس امنیت می کند؟ آیا دادرسی و رسیدگی به پروندهها در شأن نظام جمهوری اسلامی انجام می شود؟

مجمع از حاکمیت خواسته است که تعالیم آن بزرگوار را در جهت تحقق وحدت و اجرای عدالت، نقد پذیری حاکمیت و تحقق کرامت و آزادی انسان فراروی خود قراردهد.

هم چنین این بیانیه با اظهار تاسف از اینکه در چند سال اخیر نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش بسیار محدود شده است، نمونه بارز آنرا سلیقه ای کردن انتخابات خوانده است.

بیانیه مجمع نکاتی را در عرصههای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی در شرایط فعلی، که از آثار کمرنگ شدن نقش جمهوریت نظام است، به نقد و تحلیل گذاشته است.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۱ ، دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوه مبارزات تاریخی دویست‌ساله شما با استبداد و عقب‌ماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی‌است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخه اصیلش به اجرا درآید تمامی خواسته‌های ما را در بر می‌گیرد.

میرحسین موسوی

تقاضا از مهدی خزعلی برای پایان دادن به اعتصاب غذا

همسران شهید باکری و همت و همچنین محمد نوریزاد در نامه ای خطاب مهدی خزعلی، نویسنده منتقدی که نزدیک به یک ماه پیش بازداشت و از همان روز در اعتصاب غذا به سر می برد خواسته اند که برای فردایی که همه چشم به راه اویند به اعتصاب خود پایان دهد.

در این نامه می خوانیم: مروز بیست و نهمین روز اعتصاب غذای اوست. ما برای او که نویسنده، مترجم، متخصص، فرهنگی، ایراندوست، مردمخواه، و یک شخصیت سیاسی – اجتماعی است، سلامتی و آزادی، وبرای حاکمان و متولیان کشور فراخ نگری و سعه صدر و درس آموزی از تاریخ آرزو می کنیم. از دکترمهدی خزعلی تقاضا می کنیم برای فردایی که همه ما چشم به راه اوییم به اعتصاب غذای خود پایان دهد و خانواده خود و دیگرانی را که سخت برای او احترام قائلند، از نگرانی بیرون آورد.

حسین زمان در گفت و گو با کلمه: لحظه ای به مردم پشت نمی کنم

حسین زمان در گفت و گو با کلمه تاکید کرد:ترجیح می دهم از همه حقوقی که یک هنرمند باید از آنها بهره مند باشد بگذرم ولی لحظه ای به مردم پشت نکنم .

او با بیان اینکه هنر را به بازی گرفته و قدردان هنرمند نیستند، می گوید: وقتی شنیدم اخیرا بر عدم پخش کارهای من از صدا و سیما تاکید شده بسیار خوشحال شدم چون از اینکه صدایم در اختیار سازمانی قرار بگیرد که هنر را به بازی گرفته و قدر شناس هنرمندان کشور نیست ، احساس خوبی نداشته و ندارم . پوشش خبری ندادن موفقیت جهانی اصغر فرهادی که اگر برای هر کشور دیگر به دست آمده بود در صدر اخبار هنری آن کشور قرار میگرفت نشان دهنده نوع برخورد عوامل صدا و سیما با هنرمندان کشور است.

حسین زمان که با همه این محدودیت ها مجالی برای ارائه آثار هنریش در داخل کشور ندارد، گفت:راه برایم کاملا مسدود است. به کمک دوستان تلاش می کنم تا کارهایم را در بیرون از کشور تولید و از طریق شبکه های خارج از ایران و یا شبکه اینترنت در اختیار مردم قرار دهم.

امیرارجمند نسبت به خودداری اقتدارگرایان از پذیرش مسئولیت حبس رهبران سبز هشدار داد

اردشیر امیر ارجمند سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید در نامه ای به گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر برای وضعیت حقوق بشر در ایران، وضعیت حصر غیر قانونی رهبران جنبش سبز را مورد اشاره قرار داد و توجه خاص احمد شهید را به وضعیت زندان خانگی و غیر قانونی آقایان مهندس موسوی و مهدی کروبی و خانم زهرا رهنورد که از اواخر بهمن سال گذشته تاکنون (قریب به یکسال) که در محرومیت کامل از وسائل ارتباط با دنیای خارج منجمله اعضای خانواده خود بوده اند، جلب کرده است.

او در نامه خود گفته است:علاوه بر انواع فشارهای دستگاه امنیتی بر خانواده های رهبران جنبش سبز، بازی های اطلاعاتی-امنیتی ماموربن حکومتی در هفته های اخیر موجبات نگرانی شدید خانواده مهندس موسوی نسبت به سلامت و امنیت پدر و مادر در بندشان را بشدت افزایش داده است.

سخنگوی شورای هماهنگی گفته است:اقتدارگرایان حاکم، بویژه قوه قضائیه غیر مسئول،از پذیرش هرگونه مسئولیت در قبال اقدام غیر قانونی و غیر انسانی خود در حبس رهبران جنبش سبز خودداری کرده و حتی جرات نمی کنند اعلام کنند رهبران جنبش سبز در چه وضعیتی بسر میبرند.

امیر ارجمند هچنین با ابراز نگرانی در مورد وضعیت جسمی زندانیان سیاسی از جمله عبدالله مومنی، کیوان صمیمی و مهدی خزعلی، به پیوست نامه خود اعلامیه ۳۹ نفر زندانی سیاسی پیرامون اعلام نظر در مورد انتخابات فرمایشی مجلس نهم و اعلام خواست مشخص آزادی سریع و بدون قید و شرط رهبران جنبش سبز بعنوان اولین اقدام لازم در جهت تحقق حاکمیت ملی را ارسال کرده و از او خواسته تا از موقعیت خود بعنوان گزارشگر بمنظور نیل به این هدف تلاش نماید.

وی در این نامه همچنین انتظار جنبش سبز از گزارشگر برای تهیه و ارائه هر چه سریع تر گزارش کامل خود از وضعیت نقض سیستماتیک و سامان یافته حقوق بشر در ایران را مورد تاکید قرار داده و از او خواسته توجه شورای حقوق بشر و دبیرکل سازمان ملل متحد را به آنچه که در ایران می گذرد جلب نماید.

رهبری از خطاهای خود و قوای سه گانه عذرخواهی کند

سید مصطفی تاج زاده در جدید ترین پیام خود از زندان اوین ضمن انتقاد از سخنان رهبری در نماز جمعه این هفته تهران،خواهان عذرخواهی رهبر جمهوری اسلامی از مردم شد.

در پیام این زندانی سیاسی آمده است: با کمال تأسف رهبری این فرصت را هم از دست داد و به این ترتیب نه تنها در این شرایط دشوار باری از دوش میهن و مردم برنداشت بلکه با تأکید بر راهبرد غلط و خطرناک تهدید در برابر تهدید راه را برای گسترش و تقویت اجماع قدرت های بزرگ علیه منافع و حتی امنیت ملی کشورمان هموار کرد و آنان را به ایجاد ومحدودیت و تحریم بیشتر علیه جمهوری اسلامی ایران و مردمش تحریک کرد.

او می گوید:انتظار این بود که اگر رهبری از خطاهای گذشته خود و قوای سه گانه که ایران و مردم را با مخاطرات و مشکلات فراوانی مواجه کرده است، عذرخواهی کنند و اگر به هر دلیلی برایشان سخت است که پوزش بطلبند، لااقل خطبه نمازجمعه بهمن ماه را به گونه ای ایراد کنند که همگان و به ویژه منتقدان اوضاع کنونی، نشانه های حاکمیت عقلانی و تمکین حکومت به اجرای کامل قانون اساسی و تأمین و رعایت حقوق و آزادی های اساسی شهروندان و اتخاذ سیاستهای عاقلانه و مصلحت جویانه را به وضوح مشاهده کنند. اما با کمال تأسف رهبری این فرصت را هم از دست داد و به این ترتیب نه تنها در این شرایط دشوار باری از دوش میهن و مردم برنداشت بلکه با تأکید بر راهبرد غلط و خطرناک تهدید در برابر تهدید راه را برای گسترش و تقویت اجماع قدرت های بزرگ علیه منافع و حتی امنیت ملی کشورمان هموار کرد و آنان را به ایجاد ومحدودیت و تحریم بیشتر علیه جمهوری اسلامی ایران و مردمش تحریک کرد.

تاجزاده ادامه می دهد:این سخن کاملا درست است که انتخابات مصونیت بخش است، اما انتخابات آزاد این خاصیت را داراست نه انتخابات فرمایشی. چرا که در ایران زمان شاه و حتی دربرخی کشورهای عربی که حکومت هایشان ساقط شده مانند مصر، انتخابات برگزارمی شد اما به دلیل آن که نمایشی و فرمایشی بود و منتخبان عده ای بله قربان گو بودند، هیچ نقش مصونیت بخشی نداشت. متأسفانه با شرایط موجود،در انتخابات ۱۲ اسفند نیز انتخابانی نمایشی خواهیم داشت و مجلس برآمده ازآن نیز فرمایشی و بله قربان گو خواهد بود و نه تنها بنا نیست تا هیچ باری از دوش ملت بردارد بلکه دستاوردهای انقلاب را هم نابود خواهد کرد.

یکدست کردن حاکمیت یک تجربه شکست‌خورده است

محمدرضا خاتمی در گفت و گویی با روزنامه توقیف شده روزگار با تاکید بر اینکه پیروزی اصلاحات مهم است نه اصلاح طلبان گفت:ما که نمی گوییم ماریس جمهور باشیم.ما رییس مجلس مجلس باشیم.یک آدم منطقی برود بشود رییس جمهور، یک آدم منطقی بنشیند در مجلس نه یک آدمی که فقط گوش به فرمان باشد.

خاتمی تصریح کرد: نتیجه انتخابات آن چیزی نیست که از توی صندوق‌های رای درمی‌آید،علی‌الظاهر این‌طور است اما انتخابات مهندسی‌شده است و نتایج آن مشخص است. نبودن اصلاحات در انتخابات خود به خود بخش عمده‌ای از این انتخابات را خدشه‌دار می‌کند، این هم کاری نبود که اصلاح‌طلب‌ها بخواهند انجام دهند، اصلاح‌طلب‌ها هم از این جریان ناراضی هستند اما چاره‌ای هم ندارند، یعنی وقتی همه مجاری فعالیت‌های جریان اصلاح‌طلبی را می‌بندید، اجازه نمی‌دهید خودشان باشند و می‌خواهید بگویید اصلاح‌طلبی باید چه باشد و چه نباشد، خب طبیعی است که اصلاحات زیر بار این وضعیت نخواهد رفت.

او تصریح کرد:عدم شرکت یا سکوت در انتخابات به‌این معنی نیست که‌این شیوه را کنار گذاشته‌اند و می‌خواهند شیوه‌های دیگری را به کار بگیرند؛ برای انتخابات حداقل‌هایی لازم وجود دارد. هدف‌شان هم تاثیرگذاری بر انتخابات نیست، مثلا از واژه تحریم استفاده نکرده‌اند. گفتند ما شرکت نمی‌کنیم.

وی با اعلام اینکه اصلاح‌طلب‌ها از طرف حاکمیت و قدرت به شدت تحت فشار هستند و خطرات این طوری تهدیدشان می‌کند، این نکته را مورد اشاره قرار داد که یک زمانی بحث بر این بود که اصلاح‌طلب‌ها سازمان‌های دوپا هستند، یک پا در قدرت و یک پا در جامعه دارند و آن پایی که در جامعه دارند بسیار ضعیف بود، الان اما آن پایی که در قدرت دارند بریده شده و در جامعه آن مقبولیت‌شان در بین نیروهای سیاسی داخلی و خارجی فوق‌العاده است، اما اگر بگوییم که ما کاری را می‌توانیم پیش ببریم لازمه آن ابزار قدرت است که ما نداریم. تحلیل من این است که سرمایه اجتماعی مهم‌ترین سرمایه یک جریان است و این هست. امروز را مقایسه می‌کنم با سال ۸۴؛ اصلاح‌طلب‌ها قدرتمندتر، منسجم‌تر و بابرنامه‌تر هستند.

خاتمی افزود: اگر اصلاح‌طلب‌ها هنوز فعال هستند به خاطر این است که امیدشان را به اصلاح‌پذیری نظام از دست نداده‌اند و سعی می‌کنند هر چه بیشتر این روزنه‌هایی را که روز به روز بسته‌تر می‌شود باز کنند.

خاتمی در مورد یکدست بودن حاکمیت گفت: آقایان در سال ۸۴ آمدند گفتند حاکمیت باید یکدست باشد، می‌بینیم که در طول تاریخ جمهوری اسلامی اختلاف بین ارکان قدرت به این شدت نبوده است. آقای احمدی‌نژاد که سوگلی و بی‌نظیر در تاریخ و معجزه هزاره بود، بشارت امام زمان بود و طبق گفته مرحوم آقای مشکینی حکمش را امام زمان امضا کرده بود، حالا ببینید در چه وضعیتی است؟ کسانی که دوراندیش هستند، می‌دانند که درون جامعه ایران آنقدر تکثر وجود دارد که امکان یکدست کردن حاکمیت وجود ندارد. این مهندسی شکست خورده است. برای انتخابات بعد هم برنامه دارند اما نمی‌توانند یک جامعه متکثر را یکدست کنند و هر کاری می‌خواهند انجام دهند، این امکان‌پذیر نیست؛من تردیدی ندارم که در دوران ریاست جمهوری بعدی وضعیت مثل الان نخواهد بود.

❋ خانواده عبدالفتاح سلطانی در آستانه‌ی پنج ماهه شدن حبس او از وزارت اطلاعات و قوه‌ی قضائیه خواسته‌اند در اجرای قانون بیش از این کوتاهی نکنند و نسبت به تبدیل قرار وی اقدام عاجل انجام دهند.

❋ به گفته رئیس انجمن بازنشستگان جامعه اسلامی کارگران حدود ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی زیر خط فقر هستند.

❋ سید احمد میری زندانی سیاسی زندان متی کلای شهرستان بابل روز یازدهم بهمن ماه جهت برگزاری دادگاه به دادگستری شهرستان بابل آورده شد.

❋ سیمین نعمت اللهی از دراویش ساکن تهران با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از سلول انفرادی بند امنیتی زندان اوین آزاد شد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۲ ، چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

مردم باید بدانند این تحریمها چه اثری بر سفره آنها و روی نرخ بیکاری و تورم وتولید وپیشرفت کشورو امنیت می گذارد. صرفا گفتن اینکه این قطعنامه یک ورق پاره است مشکل مردم و کشور را حل نمی کند.

میرحسین موسوی

درخواست فرزندان میرحسین و کروبی از مردم در آستانه ۲۵ بهمن

پژواک صدای حق خواهی ما باشید

فرزندان موسوی و کروبی در آستانه سالگرد حبس غیرقانونی رهبران سبز طی نامه مشترکی، از همه هموطنان مظلوم و رنج دیده و فداکار و از همه انسان های حق طلب و آزادی خواه و عدالت جو در جای جای جهان خواسته اند که پژواک صدای حق خواهی آنها بوده و صدای شان را به گوش جهانیان برسانند که زندانیان مظلوم و مقاوم ما و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی را در سراسر ایران آزاد کنید.

به گزارش کلمه متن کامل این نامه به شرح زیر است:

هم وطنان مظلوم ، رنجدیده و فداکار

انسان های حق طلب ، آزادی خواه عدالت جو در جای جای جهان

نزدیک یک سال است که عزیزان ما برخلاف نص صریح قوانین داخلی و تمامی کنوانسیون های بین المللی و به دنبال درخواست مجوز سال گذشته برای راهپیمایی ۲۵ بهمن در آنچه به صورت یک بدعت حقوقی حبس خانگی و درعمل زندانی بی نام ونشان است ، قرار دارند .حتما بیاد دارید که این راهپیمایی برای حمایت از جنبش های ضد استبدادی منطقه بود . کاری که نه برای شما و نه همراهان به بندکشیده شده شما حال در هر زمان ، نه تنها جرمی نیست بلکه نشانی از رشد اجتماعی و مسئولیت پذیریست .

آقایان موسوی و کروبی سالها در مسئولیتهای طراز اول کشور به مردم خدمت کرده اند. هشت سال ریاست مجلس و هشت سال نخست وزیری کشور تحت سخت ترین شرایط جنگی داخلی و محاصره اقتصادی ، کم ترین سابقه عزیزان ماست. آیا جز این است که در تمامی این سالها دلسوز یار و امین هموطنان خود بوده اند؟

این دو بزرگوار در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ حتی از همه فیلترهای شورای نگهبان که با بدعتی به نام نظارت استصوابی و برخلاف شعارها و آرمان های بنیانگذار انقلاب در رابطه با «آزادی» برای همگان به گزینش اولیه نامزدهای انتخاباتی می پردازد، عبور کردند و طبق همان قوانین به فعالیت انتخاباتی پرداختند .آنها در حالی که شاهد تخلف های فراوان از سوی نامزد رقیب بودند، که همه امکانات کشور و همه نوع حمایت سیاسی را در پشت خود داشت ، به رقابتی سالم و عادلانه پرداختند و در مناظره هایشان نیز در کمال ادب و با بصیرت کامل و دلسوزی و با رعایت تمام مصالح ملی نظراتی را در نقد شرایط موجود مطرح کردند که تماما امروز سخنی است که دیگر همگی بدان معترفند و خود نیز تکرار می کنند.

ایشان، پس از اعلام نتایجی که کاملا غیر منتظره و خلاف همه مشهودات و مستندات بود و اعتراضات میلیونی مردم که براساس قانون اساسی کشور صورت گرفت؛ نظر اعتراضی خود را ابراز داشتند و پا به پای مردم معترض ایستادگی کردند. خود کتک خوردند و شهید دادند و با انبوه توطئه ها ، افترا و سرکوب ها و لشگرکشی اراذل به خانه و کاشانه خود مواجه شدند.

آخرین حربه ای که علیه این عزیزان به کار گرفته شد برخورد غیرانسانی و غیر قانونی مبنی بر به اصطلاح حبس خانگی آنهاست. اینک یک سال از این عمل ضد انسانی می گذرد . در این مدت مقامات و نهادهای حاکم که دست شان از هر محمل قانونی خالی است، جز این دروغ که آنها خودشان خواهان مراقبت از خویش بوده‌اند و ما برای حفظ جان آنها چنین کرده ایم ، حرفی برای گفتن و منطقی برای ارائه به افکار عمومی داخلی و جهانی ندارند . آیا این که هر از گاهی دروغهای آشکاری از زبان بعضی افراد مسئول در داخل و خارج از کشور به گوش می رسد ، با حقایق در تعارض نیست؟

ما اعضای خانواده این عزیزان با صراحت و قطعیت می گوییم که آنها برخلاف خواست خود و برخلاف قانون یک سال است که در بازداشت به سر می برند و جز تعدادی تماس تلفنی و دیدار محدود ،کوتاه و کنترل شده حق هرگونه ارتباطی با بیرون از آنها سلب شده است . آنها از حقوق قانونی خود محروم مانده اند . تا کنون هیچ شخص مسئولی حتی همین اقدام غیر قانونی راهم بنا بر جایگاه حقوقی خود نپذیرفته است . آنها از نظارت نهادهای بی طرف بر خوراک و سلامتی و دارو بی بهره اند . و در مورد امنیت و کجایی مکان نگهداری آنان ابهامات زیادی وجود دارد و این نگرانی‌ها روز به روز برای ما شدیدتر شده است .

اینک ما خانواده آقایان کروبی و موسوی و خانم رهنورد از طرف آنان اعلام می کنیم که ما و عزیزان مان به این زندان هرچه که باشد خانگی یا غیر خانگی ، معترضیم و خواهان پایان دادن به این اقدام ضد انسانی و ضد قانونی هستیم. مسببین اینگونه رفتارها به خوبی می دانند که با اقداماتی چنین، در اراده عزیزان ما در حق خواهی خویش و دفاع از آرمان هایی که میلیون ها هم وطن مان در خیابان ها ابراز کردند و خون خود را نثار نمودند و دهها شهید دادند و دچار حبس وشکنجه و انواع مسایل دیگر شدند و نیزهزاران زندانی که همچنان مقاوم و استوار در حبس اند؛ خللی ایجاد نخواهد کرد.

ما از حاکمانِ بر جان و مال و ناموس مردم می خواهیم از راه ضد ملی و ضد دینیِ و ضد انسانی که در سرکوب هر منتقد و مخالف خود در پیش گرفته اند و کشور را درلبه پرتگاه جنگ و ویرانی قرار داده اند به راه منطق وقانون و مصلحت مردم و میهن برگردند.

ما خانواده آقایان موسوی و کروبی، که برعهد خود با مردم در دفاع از حقوق شان وفادار واستوار مانده اند؛ اینک به خاطر حقوق از دست رفته آنها ، به عنوان نمادی از حقوق از دست رفته مردم ایران و مخصوصا شهدای مظلوم و زندانیان بی گناه ، از همه هموطنان مظلوم و رنج دیده و فداکار و از همه انسان های حق طلب و آزادی خواه و عدالت جوی، هم گام با هموطنان داخل کشور که خواهان تسلط مردمسالاری واقعیند ، در جای جای جهان میخواهیم پژواک صدای حق خواهی ما باشند . و صدای مارا به گوش جهانیان برسانند که: "زندانیان مظلوم و مقاوم ما وهمه زندانیان سیاسی و عقیدتی را در سراسر ایران آزاد کنید . کشور وملتی با اینهمه سرفرازی و بزرگی شایسته این حد رنج تنگناهای اقتصادی و سیاسی وخدای‌ناکرده جنگ نیست ."

خانواده مهدی کروبی و میرحسین موسوی

رییس شورای هماهنگی راه سبز: فراخوان ۲۵ بهمن برای به فعلیت رساندن پتانسیل اعتراضی جامعه است

اردشیر امیر ارجمند،رییس شورای هماهنگی راه سبز با تشریح انگیزه ها و اهداف فراخوان اعتراض خیابانی ۲۵ بهمن گفت:تحقق اهداف جنبش، نیازمند تبدیل پتانسیل اعتراضی موجود در جامعه از حالت بالقوه به حالت بالفعل است.

او با بیان اینکه فراخوان اعتراضی ۲۵ بهمن امسال نیز مبتنی بر همین نیت، پس از ارزیابی،مشورت و نظرخواهی وسیع از کنشگران منتشر شد گفت: نوع و شیوه اعتراض هم با رایزنی از جریان های مختلف به دست آمد و همه تلاش بر این بوده که فراخوان حاصل عقل جمعی باشد.

امیرارجمند با بیان اینکه ما از خطرات و ریسک های این فراخوان غافل نیستیم. اما بهرحال هر تصمیمی دارای ریسک ها و خطراتی است که باید آن را پذیرفت، تاکید کرد:حرکت اعتراضی مد نظر ما یک حرکت کاملا مسالمت آمیز و منطبق با قانون است. هیچ دلیلی وجود ندارد که نیروهای نظامی و انتظامی مبادرت به سرکوب مردم کنند.

او گفت:نوع اکسیون و اعتراض هم به گونه ای انتخاب شده که ضریب سرکوب را پایین بیاورد وشهروندان را در معرض هزینه های شدید قرار ندهد.با این حال ریسک و خطر کردن هم جزئی از فعالیت سیاسی است. ما باید سعی کنیم که هزینه ها را توزیع و شجاعت مدنی را بالابریم. افزایش شجاعت مدنی به این معنی است که همه شهروندان در پرداخت هزینه های مبارزه مشارکت کنند. هزینه ها باید سرشکن شود تا برای کنشگران منطقی و قابل تحقق باشد.

به گفته او ، اینکه هسته های اعتراضی در روز ۲۵ بهمن چگونه شکل خواهند گرفت نیز کاملا به قدرت ابتکار و حرکت های خودجوش آنها برمی گردد. ما در مقام هماهنگ کننده هستیم و تمام سعی خود را برای شکل گیری این هسته ها خواهیم کرد.

درخواست سید محمد خاتمی از مهدی خزعلی برای شکستن اعتصاب غذای یک ماهه

سید محمد خاتمی رییس جمهور سابق کشورمان در پیامی از مهدی خزعلی خواست اعتصاب غذایش را بشکند.

به گزارش کلمه ،او در تماس تلفنی با خانواده مهدی خزعلی از فرزند وی خواست پیام وی را مبنی بر درخواست شکستن اعتصاب غذای یک ماهه که انتظار همه دلسوزان و کسانی است که به مهدی خزعلی و انقلاب و ایران دلبستگی دارند به گوش وی برساند.

در پیام خاتمی آمده است:وجود عزیزانی چون ایشان گران بها است و حفظ آن لازم است. خواهشمند است دست از اعتصاب غذا بردارند و این، انتظار همه دلسوزان و کسانی است که به جناب آقای دکتر مهدی خزعلی و انقلاب و ایران دلبستگی دارند. با این امید که مسؤولان ذی ربط نیز به خواست های ایشان توجه کنند.

هر چند وضعیت جسمی مهدی خزعلی زندانی سیاسی مناسب نیست و تاکنون بیش از ۱۶ کیلو کاهش وزن داشته است، اما او اعلام کرده به اعتصاب غذای خود ادامه می دهد.

خاتمی با اظهار تأسف از وضعیت این نویسنده منتقد و صدور احکام بسیار سنگین برای او در سی و چهارمین سالروز عروج برادر شهیدش خاطر نشان کرد: در حالی که انتظار می رفت در ایام دهه فجر که باید دل ها به هم نزدیک تر شود شاهد گشایش امور و بازتر شدن فضا، بخصوص برای کسانی باشیم که در دلبستگی آن ها به اسلام و انقلاب و ایران و مردم تردیدی نیست شاهد این برخوردها هستیم و امیدوارم هرچه زودتر این گشایش را ببینیم.

همچنین صبح امروز همسرشهید همت در نامه ای دیگر به مهدی خزعلی گفته است: بمان و ما را در این تلخ نوشی مدد برسان و مگذار شب پرستان از نبود تو دهان به قهقهه بگشایند.

مهدی خزعلی، پیشتر در پیامی خطاب به همسر شهید باکری، همسر شهید همت و محمد نوریزاد که خواستار شکست اعتصاب غذای او شده بودند، با اعلام اینکه تا شهادت ایستاده است، گفته بود:بگذارید قبل از اینکه در سوگ ارزش ها دق کنم برای احیای ارزش های ناب انقلاب اسلامی جان خویش فدا کرده و جایی برای خویش در خیل شهیدان باز کنم.

❊ سید مصطفی تاجزاده در ادامه سوالات هفتگی خود به طرح سوال پرداخته است: آقای احمدی نژاد در سخنرانی های خود قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران را کاغذ پاره می خواند. حال باید از او و جناح اقتدارگرای حاکم پرسید: چرا اکنون علت العلل مشکلات و نابسامانی های پولی و اقتصادکشور و نیز گرانی و تورم افسارگسیخته را «تحریم ها» می دانند. براستی چرا ریال و پول ملی ما براثر سوء مدیریت اقتدارگراها به کاغذپاره تبدیل شده است؟

❊ بانک مرکزی در آخرین گزارش خود از وضع تورم در کشور، نرخ تورم در ماه آذر را ۲۰/۶ درصد اعلام کرد.

❊ خانواده زندانیان سیاسی بابل با انتشار بیانیه ای به رفتار ماموران و قوانین اختصاص یافته برای زندانیان سیاسی اعتراض کرده اند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۳ ، دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

راهپیمایی شکوهمند شما در روز ۲۵ بهمن، دستاورد بزرگ ملت و جنبش سبز با شرکت همه قشرها از مردان و زنان سلحشورجامعه، در مقابل ناباوری بسیاری از بدبینان و اقتدار گرایان شکل گرفت.

میرحسین موسوی

بیانیه جدید شورای هماهنگی راه سبز امید برای راهپیمایی اعتراضی ۲۵ بهمن

شورای هماهنگی راه سبز امید،در تازه ترین بیانیه خود بار دیگر همراهان سبز و یکایک شهروندان معترض به اوضاع بحرانی ایران(از شرایط سیاسی گرفته تا اقتصادی و بین‌المللی)را به اعتراض و مقاومت در برابر استبداد داخلی و مداخله خارجی (از تحریم ها گرفته تا جنگ) فراخواند.

به گزارش کلمه،این بیانیه براستفاده حداکثری همه یاران آزاده و سبز جنبش اعتراضی مردم ایران از کمترین امکانات و حداقل‌های موجود،در زمان باقی‌مانده تا ۲۵ بهمن، برای اطلاع رسانی در مورد راهپیمایی مزبور،حضور فعال و خلاقانه و توام با تدبیر و به دور از خشونت در این آیین اعتراضی و نیز تداوم مقاومت صبورانه و امیدوارانه در برابر دولت کودتا، تا آزادی آقایان موسوی، کروبی و خانم رهنورد و تمامی زندانیان سیاسی تاکید کرده است.

در این بیانیه می خوانیم: در ادامه فراخوان ۳۹ زندانی سیاسی جنبش سبز از زندان، وهمزمان با سالروز زندان خانگی رهبران وفادار و حق‌طلب و آزاده‌ی جنبش سبز، هموطنان آگاه و آزاده‌ی خویش را به راهپیمایی سکوت فرامی‌خوانیم.خیابان انقلاب و آزادی تهران(حدفاصل میدان فردوسی و نواب)و خیابانهای اصلی تمام شهرهای کشور از ساعت ۱۶ تا ۱۹ بار دیگر تجلی بخش حضور سبز آزادی‌خواهان و دموکراسی‌جویان خواهد شد.

تاکید موکد شورای هماهنگی راه سبز امید، استفاده حداکثری همه یاران آزاده و سبز جنبش اعتراضی مردم ایران،از کمترین امکانات و حداقل‌های موجود، در زمان باقی‌مانده تا ۲۵ بهمن، برای اطلاع رسانی در مورد راهپیمایی مزبور، حضور فعال و خلاقانه و توام با تدبیر و به دور از خشونت در این آیین اعتراضی، و نیز تداوم مقاومت صبورانه و امیدوارانه در برابر دولت کودتا، تا آزادی آقایان موسوی، کروبی و خانم رهنورد و تمامی زندانیان سیاسی است.این گام نخست برای نیل به «حاکمیت ملی» از گذرگاه انتخابات آزاد، سالم و عادلانه است. بپاس یکایک شهیدان انقلاب، جنگ و جنبش سبز، و همه قهرمانان دربند آن، تلاش برای تحقق آرمان‌های انقلاب ۵۷ و مطالبات برحق مردم ایران پس از انتخابات ۱۳۸۸ را با صبر، مقاومت،عقلانیت، امید و خلاقیت ادامه خواهیم داد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: حضور سبز مردم در ۲۵ بهمن پیام آور اصلاحات برای عبور از بحران است

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در آستانه ی یکمین سالگرد حبس خانگی غیرقانونی رهبران جنبش سبز ضمن حمایت و پشتیبانی از دعوت به راهپیمایی روز ۲۵ بهمن شورای هماهنگی راه سبز امید در اعتراض به حبس و حصر آقایان کروبی و موسوی و خانم رهنورد و دیگر زندانیان سیاسی،وضعیت اسف بار اقتصادی، استبداد حاکم و مخالفت با تشدید تحریم های اقتصادی و خطر جنگ خطاب به مردم با صدور بیانیه ای اعلام کرد: انتظاردارد که حضور سبز مردم در خیابان ها بتواند پیام آور اصلاحاتی برای عبور کشورمان از وضعیت بحرانی کنونی در عرصه داخلی و خارجی باشد.

در این بیانیه آمده است: اکنون در آستانه سالگرد دومین خیزش عظیم سبزها، در حالیکه رهبران جنبش سبز در حصر و بسیاری از فعالین سیاسی، دانشجویی، مطبوعاتی و ... در حبس های غیر قانونی هستند، حاکمیت بار دیگر به سمت برگزاری یک انتخابات نمایشی و غیر آزاد گام بر می دارد. از صحبت اخیر رهبری در نماز جمعه مبنی بر شرکت مردم درانتخابات برای برطرف شدن تهدیدها می توان عدم اعتماد به نفس و بحران مشروعیت حاکمیت بعد از سرکوبهای خرداد ۸۸ را درک کرد.

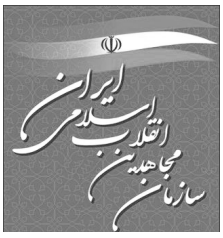

سازمان مجاهدین تصریح کرده است: شرکت مردم در انتخابات نه تنها تهدیدهای بین المللی (تحریمهای اقتصادی و تهدیدهای نظامی) را کاهش نمی دهد بلکه باعث تقویت موضع و اقدامات ماجراجویانه و ستیزه جویانه حاکمیت استبدادی در عرصه‌های داخلی و خارجی خواهد شد و آنها را به تداوم این رویکرد و مواضع تشویق و ترغیب می‌کند. در حالیکه عدم شرکت در انتخابات حاکمیت را در ادامه سیاست‌های ستیزه جویانه و جنگ طلبانه بی پشتوانه در عرصه خارجی و استبدادورزی و سرکوب در عرصه داخلی دچار تردید و بازنگری خواهد کرد.

در این بیانیه می خوانیم :در ۳۳ سال پیش، پس از سالها مبارزه، انقلابی مردمی در کشورمان در مقابله با استبداد داخلی و مداخله خارجی به پیروزی رسید و نظام "جمهوری اسلامی " را برپا ساخت. حال پس از گذشت سالها و پیمودن فراز و نشیب ها و تغییر نسلی باید از نسبت وضعیت کنونی و آرمانهای انقلاب پرسید و به ارزیابی عملکرد حاکمیت در این باره پرداخت، و اینکه آیا این کارنامه قرابتی با آنچه مردم در انقلاب می خواستند، دارد؟

اگر " قانون اساسی" را اصلی ترین دستاورد انقلاب بدانیم و آنرا به عنوان میثاق حاکمیت با ملت بپذیریم، در این سالها عملکرد حاکمیت اقتدارگرا کمترین قرابتی با بسیاری از اصول این قانون نداشته و برخی از اصول در اجرا فراموش شده است. قرائت حاکمیت از قانون اساسی دراصل "ولایت مطلقه فقیه" خلاصه شده و تمامی اصول دیگر و به ویژه فصل "حقوق ملت" در سایه این عنوان بلاموضوع شده است. بر پایه این قرائت شهروندان ایرانی به خودی و غیرخودی تقسیم شده، و هرآنکه در زمره غیرخودی ها قرار گیرد از تمام حقوق شهروندی محروم، و اگر کوچکترین انتقاد و اعتراضی کند مستحق مجازات زندان و شکنجه و تبعید و... است. و این در حالی است که ناکارآمدی حاکمیت در اداره امور، وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور را بحرانی و همه شهروندان را درگیر امور روزمره معیشتی کرده است. درعرصه سیاست خارجی نیز روز بروز بر انزوای ایران و چالش هایش با دیگر کشورها افزوده است. تشدید تحریم های اقتصادی و سیاسی علیه کشورمان و چنگ اندازی سایه جنگ در این فضا چشم انداز تیره و تاری را به نمایش می گذارد، و دراین شرایط کشورمان در سالروز پیروزی انقلاب روزهای خوشی را سپری نمی کند.

در خرداد ۸۸ شهروندان برای تغییر این وضعیت اسف بار به پای صندوق های رای آمدند و انتظار داشتند که با رایشان سرنوشتشان را بسازند و راهی برای برون رفت کشور از نابسامانی ها و ناکارآمدی ها بیابند اما انجام کودتای انتخاباتی به اعتراض گسترده شهروندان منجر شد و حاکمیت بجای شنیدن فریاد معترضان بر طبل سرکوب و ارعاب کوبید و جنبش سبز از دل این حوادث روئید و رشد کرد، و با روئیدن جنبش های ضد استبدادی در کشورهای عربی طوفان تحول در منطقه براه افتاد و در ۲۵ بهمن ماه ۸۹ بود که سبزها به دعوت رهبران جنبش آقایان موسوی و کروبی به خیابان آمدند تا همبستگی خود را با جنبش های منطقه به نمایش گذارند و اینکه همراهی این جنبش ها تا رفع همه نظام های استبدادی ادامه خواهد داشت. در عکس العمل به این حضور قدرتمند خیابانی سبزها حاکمیت اقتدارگرا به حبس خانگی رهبران جنبش سبز اقدام کرد، با این خیال خام که با قطع پیوند این دو با بدنه جنبش می تواند به تضعیف و مهار جنبش بپردازد در حالیکه به رغم همه تمهیداتی که از سوی حاکمیت در این باره بکار بسته شده جنبش روز بروز بر عمق و گستره اش در جامعه افزوده و همچون یک موجود زنده به رشد و بالندگی خود ادامه داده و در مسیر پیروزی به پیش می رود. اجماع سبزها برای عدم شرکت در انتخابات نمایشی مجلس شاهدی بر این واقعیت و نمادی از این پویایی است.

فریاد «یاحسین میرحسین» و «مرگ بر دیکتاتور» در زندان اوین

همزمان با اعلام دعوت برای گفتن "تکبیر" از صدا و سیما در شب ۲۲ بهمن زندانیان بند ۳۵۰ اوین ساعت ۲۱ یکپارچه شعار "یاحسین میرحسین" و "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند.

به گزارش یکی از یاران گمنام جنبش سبز در اوین،شعارها از بند ۳۵۰ پس از چند دقیقه به گونه ای افزایش یافت که صدای زندانیان تا بهداری اوین نیز شنیده می شد و برخی از پرسنل زندان نگهبانان با شنیدن شعار یا حسین میرحسین ، آرام و زیر لب با زندانیان بند ۳۵۰ همراهی می کردند.

دختران میر حسین موسوی تهدید به بازداشت شدند

بلافاصله پس از انتشار نامه مشترک فرزندان میرحسین و کروبی و در آستانه یکمین سال زندان خانگی موسوی و زهرا رهنورد،دختران میرحسین موسوی از سوی زندانبانان تهدید به بازداشت شدند و یکی از دختران آنان از تدریس در دانشگاه منع شد.

به گزارش کلمه، ماموران امنیتی تماس گرفته و تهدید نموده آنها را بازداشت و به زندان یا مکانی منتقل خواهند کرد که هیچکس از آن خبردار نشود.همچنین یکی از دختران میرحسین از ادامه فعالیت در دانشگاه بازداشته شد.

عیسی سحرخیز: راهپیمایی ۲۵ بهمن؛ پیام مردم برای پایان دیکتاتوری

عیسی سحرخیز که هم اکنون در زندان به سر می‌برد، با تاکید بر مسالمت آمیز بودن راهپیمایی ۲۵ بهمن گفت: این راهپیمایی باید پیام محکم مردم را برای پایان دیکتاتوری به حکومت برساند.

این روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در تماس تلفنی خود با خانواده ضمن استقبال از راهپیمایی روز ۲۵ بهمن تاکید کرد:این راهپیمایی باید مسالمت آمیز باشد و در سکوت انجام شود حتما باید پیام محکم مردم را برای پایان دیکتاتوری به حکومت برساند.

فرزند مهدی خزعلی: نگرانیم ؛با هر دین و آیین برای پدرم دعا کنید

پسر مهدی خرعلی با ابراز نگرانی از طولانی شدن اعتصاب غذای پدرش و بی خبری از او خطاب به مردم گفت:با هر دین و آیین برای پدرم دعا کنید.

مهدی خزعلی رزمنده دوران دفاع مقدس و نویسنده منتقد که بیش از ۳۵ روز از بازداشت و اعتصاب غذایش می گذرد بسیار ضعیف شده و بر خلاف درخواست هم بندیان و دوستان و خانواده و فعالان سیاسی حاضر به پایان دادن به اعتصاب غذای خود نیست.

بر اثر همین اعتصاب و نوسان شدید فشار، تغییر رنگ صورت و بی حالی مفرط به بهداری اوین منتقل شده اما همچنان می گوید که خود را برای شهادت آماده کرده است و اعتصاب خود را نخواهد شکست.

اخراج کارگران ذوب آهن غرب کشور به بهانه غیربومی بودن

جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن غرب کشور در نامه‌ای اعلام کردند: مدیریت این کارخانه به دلیل غیربومی بودن آنها از ورودشان به کارخانه جلوگیری کرده است.

به گزارش ایلنا، این کارگران در تشریح جلوگیری از ورودشان به کارخانه عنوان کردند:کارخانه ذوب آهن غرب کشور با ۲۷۰ کارگر واقع در کیلومتر هفت جاده اسد آباد – قروه، با فسخ قرارداد به صورت یک جانبه با شرکت فرازمان کوش سپاهان،کارگران تحت نظارت این واحد را مجددا زیر نظر خود برده و با این کارگران تا پایان سال جاری قرار داد کار بسته است که با این وجود در هفته گذشته از ورود آنها به کارخانه جلوگیری شده است.

این کارگران یاد آور شدند: کارخانه ذوب آهن غرب کشور با فسخ قرارداد به صورت یک جانبه با شرکت فرازمان کوش سپاهان ،کارگران تحت نظارت این واحد را مجددا زیر نظرخود آورده و با آنها قرار داد بسته است.

کارگران معترض افزوده‌اند: طبق عقد قرارداد کاری که با کارخانه ذوب آهن غرب کشور داشتیم با مراجعه به کار در شیفت مقرر، با ممانعت نگهبانی کارخانه مواجه و از حضور و ورود ما ۱۷ نفر کارگر قروه‌ای جلوگیری به عمل آمد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۳ ، شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

از شعله امید در سینه‌های خود محافظت کنید. امید بذر هویت ماست؛ بذری که با نخستین باران شروع به روییدن می‌کند و جان هرکسی را که هنوز ایرانی باقیمانده است، به اهتزاز در می‌آورد، تا از نو خود را در سرنوشت این خاک شریک بداند.

میرحسین موسوی

روایت یکی از سبزاندیشان از مراسم ۲۵ بهمن

سلام بر معترضان ۲۵بهمن، مردم صبور، شجاع ومقاوم ، خوبان وسربزیران ؛ آنانی که علیرغم یال و کوپال وچنگ ودندان نشان دادن ماموران، چه با انیفورم و یا با لباس شخصی، دل به دریا زده و در پی اعتراض به حبس و حصر غیر قانونی یاران انقلاب ومومنان راستین و باورندگان اصیل ارزشها که در غل و زنجیر کوته نظران هستند؛ پا خاستند. معترض به دروغ ها و یاوه گویی ها، که هر معترض را منسوب به خارجی می کنند تا تاریکیهای اندیشه و عمل خود را تطهیر نمایند.آنها بار دیگر به میدان آمدند تا بگویند ما با شما سر جنگ نداریم. نه در دستمان سلاح سرد و گرم است و نه بر زبانمان شعاری که دل شما را بلرزاند؛ بلکه گام های استوار ما بر سنگ های سرد خیابان انقلاب دلهای شما را به لرزه اندازد که هنوز این مردم بدون تبلیغات و بدون پذیرایی و بدون رسانه ، همراه با تهدید و وجود هزاران مامور که بیش از مردم حاضر، حضور داشتند، به صحنه آمدند.

اما چرا ! پذیرایی بود !... از آن جمله است،جسارت به مادری که نجات فرزند خود را از دست ماموران طلب میکرد وآنها که برای عدم جلب توجه،خواستند صدای او را در گلو خفه کنند و بدین دلیل بعد از هل دادن او به پیاده رو توسط مردان قوی هیکل یکی از آنها شال این زن را از قسمت جلو به دور دست خود پیچیده و بدین شکل زن را به دنبال خود می کشید، این در حالی بود که مشت مرد چنان بر گلوی زن فشار می آورد که خون در صورتش دویده و حالت خفگی به او دست داده بود.زن را با زور به داخل ماشینی فرستادندکه پر از مردان رشید اسیر شده بود،تاهیچ گوشی صدای او را نشنود و هیچ چشمی او را نبیند!

ما ۳ نفر بودیم اما حدود ۳۰ نفر از لباس شخصی هایی که حتما خانواده دارند،زن دارند ،دختر دارند ،عزیز دارند این صحنه را دیدند.غیرت شما کجا رفته. آن زن فریاد زد؛ نه این که خلخال از پایش ربوده باشند بلکه عزیزش را از کنارش ربوده بودند و شمایان چگونه آنشب سر به سجده گذاشتید و یا سر به بالین نهادید که خدایا برای حفظ حکومت! به زنی جسارت نمودیم و یا نمودند و ما همراهی کردیم.خدایا این شکوه به کجا برم که در جامعه ای که صدای خفه در گلو نیز پاسخش جسارت به ناموس الهی است آنهم مردانی نه با نشانه کفر که با نشانه ایمانی جسارت می کنند این درد

معیشت کارگران درخطر است

با نزدیک شدن به تعطیلات نوروز، علاوه بر اضطراب افزایش چند برابری قیمت کالاها، کارگران قراردادی فشار روانی پایان قرارداد یکساله و احتمال عدم تمدید قرار داد و بیکاری را نیز متحمل می‌شوند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور با بیان اینکه طبق برآوردهای این اتحادیه، سبد معیشتی کارگران ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته،افزود: شورای عالی کار در تعیین دستمزد کارگران تورم واقعی موجود و سبد معیشتی خانوار کارگری را لحاظ کند.

فتح الله بیات با اشاره به اینکه دریافت یارانه‌ها بجهت افزایش حامل‌های انرژی تاثیری در روند معیشت زندگی کارگران نداشته گفت:مسئولین برای بقای کارگران باید در تعیین دستمزد، افزایش نرخ اقلام سبد هزینه کالاهای مصرفی را لحاظ کنند.

او با بیان اینکه جامعه کارگری دیگر توان پذیرش وضعیت فعلی را ندارد و جوانب این کار قابل پیش بینی نیست،افزود:اگر حقوق پایه ۳۳۰ هزار تومانی کارگران دو برابر شود هم باز با شرایط کنونی افزایش قیمتها کارگران جوابگو زندگی خود نخواهند بود.

بیات با تاکید بر اینکه در تعیین دستمزد در چند سال گذشته تورم واقعی مد نظر نبوده است عنوان کرد: حقوق کارگران از نرخ واقعی تورم همیشه یک سال عقب تراست.

به گفته او،با نزدیک شدن به سال جدید ،نگرانی های کارگران قرار دادی با اتمام قرار داد یکساله و ادامه همکاری با واحد طرف قرارداد بیشتر شده است.

وزارت اطلاعات ایران هم به جمع تحریمی ها پیوست

در ادامه تحریم های شخصیتهای حقیقی و حقوقی، وزارت دارایی آمریکا در بیانیه ای با اعلام تحریم وزارت اطلاعات ایران، این وزارتخانه را به حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و حمایت از حکومت سوریه در سرکوب مخالفان متهم کرد.

در این بیانیه آمده است:امروز وزارت اطلاعات و امنیت ایران را به نقض حقوق بشر شهروندان ایران و صدور رفتار ددمنشانه این وزارتخانه برای حمایت از حکومت سوریه در سرکوب مردم آن کشور متهم کردیم.

در این گزارش هم چنین با اعلام اینکه وزارت اطلاعات ایران از گروه القاعده، القاعده در عراق، حزب الله لبنان و حماس حمایت می کند، آن را بیانگر سیاست حکومت این کشور در حمایت از تروریسم خوانده است.

نامه تکان دهنده مهدی خزعلی از آنچه در بند ۳۵۰ اوین می گذرد

مهدی خزعلی که در اعتراض به رفتارهای غیر قانونی مسئولان قضایی کشور در اعتصاب غذا به سر میبرد در نامه ای به حجت الاسلام والمسلمین احمد منتظری با شرح آنچه از رفتار بازجویان و قاضی های دادگاه ها در بند ۳۵۰ اوین دیده ، با بیان اینکه حال می‌فهمم که والد معظم شما از چه فریاد می‌زد، خدایش رحمت کند و ریشه این ظلم را بکند،می نویسد:اینها نمونه‌هایی از دردهای ماست و بسیاری دردهای ناگفتنی دیگر دارم که در این مختصر نگنجد! حال جا دارد که در این همه درد بمیرم؟ آیا هنوز خلخال از پای پیرزن یهودی در نیاورده‌اند؟

به گزارش کلمه،خزعلی که در اثر اعتصاب غذا، بسیار ضعیف شده و بر خلاف درخواست هم بندیان و دوستان و خانواده و فعالان سیاسی حاضر به پایان دادن به اعتصاب غذای خود نیست، در این نامه افزوده:در میان ما کسانی از زندانیان دهه شصت هستند که از قتل عام شهریور ۶۷ جان سالم بدر برده‌اند، وقتی از شرایط زندان‌های آن دوران سخن می گویند،مو بر تن انسان سیخ میشود، می‌گویند در سلول های انفرادی که مرا حبس کرده بودند، یک تخت سه طبقه قرار می‌دادند و ۳۰ نفر در آن جا می داده،در هر طبقه ۹ نفر چمباتمه می‌زدند و سه نفر در فضای باقیمانده جلوی در چمباتمه می‌زده‌اند و هنگام رفتن به دستشویی زانوها باز نمی شده است!

یا قصه قفس‌های آهنی و تابوت و کیسه حاج داوود آهنگر (رییس زندان) دهشتناک است!حال می‌فهمم اگر فریاد اعتراض پدر شما نبود، چه بر سرما می‌آمد،اینجا همه زندانیان برای والد معظم شما دعا می کنند وبرایش علو درجات مسئلت دارند.

بگذار جان ناقابل من نیز سبب شود تا آیین دادرسی در محکمه‌ها رعایت شود و از نفوذ عناصر ضد انقلاب و منافق در وزارت اطلاعات و سپاه کاسته شود، شاید آیندگان برای من نیز خدا بیامرزی بگویند.

شاید با شهادت من بساط بیدادگاههای انقلاب و این شعب فرمایشی و شعب تجدید نظر کذایی جمع شده و این رسوایی از دامن دستگاه قضا برچیده شود!

آنچه من به چشم خویش دیدم، کمترین حقوق متهم وزندانی در دادگاههای انقلاب رعایت نمی‌شود.کسی اجازه خواندن پرونده خویش را برای دفاع ندارد،شما را از داشتن حکم و دادنامه محروم می‌کنند، قبل از رویت حکم از شما به اجبار امضا می‌گیرند که حکم به شما ابلاغ شده است، حتی رای دادگاه را نمی‌توانی بخوانی!

سه نفر از هم اتاقی‌های مرا بدون ادله و مستندات و اقرار قاضی پیرعباسی ظرف دو دقیقه دادگاه به ۱۷سال حبس محکوم کرده است و اینک از ۱۴بهمن به اعتصاب غذا پیوسته‌اند.

فرد دیگری را بدون ادله و اقرارير به صرف یک ایمیل ۵/۱ سطری دریافتی مجعول به اعدام محکوم کرده‌اند!

هفته گذشته جوانی را به خاطر تکذیب نکردن عقایدش که در چند بیانیه آمده بود به زندانی دیگر تبعید کردند تا باقیمانده حبس را به او و مادرش سخت گردانند!

اینها نمونه‌هایی از دردهای ماست و بسیاری دردهای ناگفتنی دیگر دارم که در این مختصر نگنجد!

تقدیر شورای هماهنگی راه سبز امید برای مشارکت در فراخوان اعتراضی ۲۵ بهمن

شورای هماهنگی راه سبز امید: فراخوان راهپیمایی اعتراضی ۲۵ بهمن‌ماه، با واکنش توام با ترس حاکمیت اقتدارگرا، و با استقبال شهروندان آزادیخواه و فعالان جنبش سبز همراه شد.رهبران در حبس جنبش سبز و زندانیان سیاسی سبز البته به این مشارکت اعتراضی و حضور معنادار و همدلانه افتخار خواهند کرد.

۳۲ ماه پس از انتخاباتی که در آن آراء واقعی مردم تاراج شد،حاکمیت سیاسی برآمده از کودتای انتخاباتی، با گسیل داشتن نیروهای امنیتی و انتظامی و سرکوبگر خود به خیابان‌های شهرهای بزرگ (بویژه در پایتخت) و با احضار گسترده‌ی کنشگران مدنی و تهدید فعالان سیاسی، کوشید مانع از شکل‌گیری تجمعات گسترده اعتراضی همراهان آگاه جنبش سبز شود.خیل گسترده نیروهای ارعابگر در تهران و برخی دیگر شهرهای بزرگ کشور بیش از هرچیز نشان‌دهنده عمق بی‌پشتوانگی مردمی حاکمان و نمایشگر دوباره‌بحران مشروعیت صاحبان قدرت بود. حاکمیت زر و زور و تزویر که تلاش میکند ایران را به «کره شمالی با بزک دموکراسی» مبدل سازد، در آستانه انتخابات نمایشی و فرمایشی مجلس نهم نشان داد به چه میزان از حضور مدنی مخالفان و مشارکت سیاسی شهروندان در هراس است.یک راهپیمایی اعتراضی به اوضاع وخیم کشور(که حق قانونی و انسانی شهروندان است)حتی با حضور توام با «سکوت» هموطنان برتابیده نشد.هزاران شهروند خاموش تنها به جرم حضور در پیاده‌روهای شهر، با تهدید و ارعاب و برخوردهای غیرقانونی مواجه، و چند صد تن از آنان با بازداشت غیرقانونی مجازات شدند.بازداشت‌هایی که امیدواریم با عقلانیت و احترام حداقلی صاحبان قدرت نامشروع به حقوق اساسی شهروندان، هرچه سریعتر پایان یابد.

شورای هماهنگی راه سبز امید با تقدیم درود و ابراز احترام به شهروندان آزاده‌ای که بهرشکل ممکن در فراخوان اعتراضی ۲۵ بهمن حضور داشتند و اعتراض خود را به اوضاع بحرانی کشور و نیز ادامه بازداشت غیرقانونی زندانیان جنبش سبز،بویژه تداوم حبس آقایان کروبی و موسوی و خانم رهنورد ابراز کردند،از حضور و مشارکت مسئولانه تمامی یاوران و همراهان آزاده‌ی جنبش سبز قدردانی میکند. قطعا خلاقیت و پیگیری مستدام و هوشمندانه مطالبات قانونی و خواستهای انسانی ایرانیان موجب گسترش و تداوم و تعمیق این جنبش اعتراضی و مدنی خواهد شد.

سازمان ملل جنایات بشار اسد را محکوم کرد

اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت قابل توجهی قطعنامه پیشنهادی کشورهای عرب در محکومیت نقض حقوق بشر در سوریه را تصویب کردند.این قطعنامه با ۱۳۷ رای موافق و تنها ۱۲ رای مخالف به تصویب رسید.اگر چه تصویب قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل ضمانت اجرایی مشابه شورای امنیت این نهاد بین المللی ندارد اما تصویب این قطعنامه با رای اکثریت نسبتا قاطع می تواند به انزوای چین و روسیه بینجامد که چند روز پیش همین قطعنامه را وتو کرده بودند. علاوه بر چین و روسیه، ایران، ونزوئلا و کره شمالی هم از جمله ۱۲ کشوری بودند که امروز به این قطعنامه رای منفی دادند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۵ ، چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

تاکید چند باره در آخرین گفت و گوی تلفنی با فرزندان : میرحسین موسوی: چیزی تغییر نکرده است، بر مواضع خود ایستاده ام

سرمقاله

عدالت نمایشی برای نمایش انتخاباتی

سید کاظم قمی:بالاخره پس از ماهها وعده و وعید، دادگاه متهمان اختلاس سه هزار میلیاردی آغاز شد.این اختلاس بزرگ ترین اختلاس «تبلیغاتی» شده تاریخ ایران است، چرا که خبرهای دیگری مبنی بر اختلاسهای بزرگ تری وجود داشت که بنا به مصلحت، «کش» داده نشد و مکتوم باقی نگه داشته شد.درباره نفس برپایی این دادگاه، میتوان به سه پیام مهم آن اشاره کرد.

نخستین پیام به مردم و افکارعمومی است.پس از ماجرای قهر رئیس دولت از رهبر و آغاز حمله رقبای سیاسی احمدی نژاد به اطرافیانش با طرح جریان موسوم به «انحرافی»،این رسوایی مالی، بیشترین تأثیر در کاهش محبوبیت اقتدارگرایان و ریزش گسترده طرفداران معتقد به آنان را در پی داشته است.شاید مؤثرترین راه برای اعاده حیثیت حاکمان،رسیدگی به این پرونده،آنهم با پوشش تبلیغاتی گسترده باشد.انتخاب زمان برگزاری این دادگاه در آستانه انتخابات،براساس همین محاسبات صورت گرفته است. با توجه به کندی معمول روال دادرسی در ایران، آشکارست احکام صادره ماهها بعد و در حالی که حکومت از «گردنه» انتخابات مجلس عبور کرده اعلام خواهد شد.

پیام دوم،هشدار رقبای سیاسی احمدی نژاد به اوست.آنها که از حرکت چراغ خاموش او و همراهانش در جریان انتخابات مجلس نهم سخت هراسناک هستند،فرصت را برای نشان دادن عواقب هرتلاش برای دستکاری در نتایج انتخابات و بدست گرفتن اکثریت در مجلس، مناسب تشخیص داده اند،چون اینبار دیگر قرار نیست تقلب انتخاباتی برای از میدان بدر کردن منتقدان خودکامگی و حامیان آزادیخواهی و مردم سالاری، که بمنظور تصاحب کامل قدرت از سوی دست اندرکاران کودتای انتخاباتی سال ۸۸ بکار گرفته شود.زمزمه هایی که برای برخورد با رئیس دولت منتصب، که تا دیروز دیدگاهش از همه به رهبری نزدیک تر اعلام شد،مدتی است از سوی رقبای سیاسی او و حلقه نظامی- امنیتی اداره کننده کشور به گوش میرسد.

پیام سوم، که شاید کمتر به ذهن خطور کند و شاید ناخواسته هم باشد، به آن بخش از فعالان بحش خصوصی است که طی سالهای اخیر یاد گرفته برای ادامه حیات خویش باید به باندهای اقتصادی حکومت باج بدهند و در سایه آنان به کسب درآمدهای هنگفت بپردازاند.در حوزه خصوصی هیچکس نیست نداند که نبض اقتصاد کشور در دست بخش سوداگر سپاه و دستگاه های امنیتی تابع آن است و سرمایه داران و فعالان غیردولتی میدانند که برای ورود به عرصه های دارای سوددهی های کلان،چاره ای جز باج دهی به سوداگران در لباس سپاهی و بسیجی نیست.در روز حسابرسی، یک اشاره از مراکز قدرت کافی است تا از حساب کشی از دانه درشت های دارای حاشیه امن حکومتی صرف نظر شود و بجای آن، فعالان بخش خصوصی بی پناه به قربانیان «عدالت نمایشی» تبدیل شوند.

آیا این نمایشهای تبلیغاتی باعث افزایش مشارکت مردم در انتخابات خواهد شد؟ پاسخ این سؤال را باید۱۲ اسفند مشاهده کرد. اما یک چیز روشن است که این حربه ها در نظر تیزبین بخش بزرگی از مردم این مرز و بوم، زنگ زده تر از آنست که بتوان با آن حقیقت را قربانی کرد.

نامه دختر علامه طباطبایی برای اعتصاب غذای مهدی خزعلی

زیربنا و بنیان دین و اعتقاد ما ضربه خورده و می‌خورد

فرزند مرحوم علامه طباطبایی (همسر شهید آیت الله قدوسی) در نامه ای خطاب به مهدی خزعلی که بیش از ۴۰ روز است در اعتراض به احکام و رفتار خلاف شرع و قانون مسئولان در اعتصاب غذا بسر می برد.از وی خواست به اعتصاب غذای خود پایان دهد.

به گزارش کلمه خانم نجم السادات طباطبایی، در این نامه نوشته است: اکنون آنچه بیش از هر چیز نگران کننده است، مشکلاتی است که در آینده پیش خواهد آمد و ریشه در امروز دارد. اکنون، زیربنا و بنیان دین و اعتقاد ما ضربه خورده و می‌خورد. نسل جوانی که اکنون دوران شکل‌گیری فکری و اعتقادی آنان است چگونه بزرگ می‌شوند و چگونه می‌اندیشند؟

در این نامه می خوانیم:خبر اعتصاب غذای شما و آثار بدنی و خطرات آن باعث نگرانی و تاسف شدید من و همه دوستداران انقلاب است.آنچه بیش از هرچیز دل را می‌آزارد تنها در خطر قرار گرفتن یک فرد نیست.نگرانی من و بسیاری از خانواده‌های شهدا از شرائط سخت و خطرناک آینده‌ای است که در پیش داریم و بیش از امروز نیازمند مومنان حقیقی و پیروان صادق اسلام و انقلاب هستیم تا سیر آینده کشور ما بهتر از آن باشد که اکنون شاهد آن هستیم.

اگر چه همه ما دلبسته ارزش‌های مقدسی هستیم که اسلام و انقلاب به ما ارزانی داشته است اما مسیر پر از تلاطم و طوفانی که در پیش است نیازمند سرمایه‌های فراوانی است که نباید آن را هدر داد. شرائط کنونی سخت و طاقت‌فرسا است و من به عنوان کسی که پدر ، شوهر و فرزند خود را در کمتر از یک سال از دست داده بیش از هرکس دلبسته این ارزشها هستم و می دانم که پایمال شدن آنها چه رنج و سختی دارد و چگونه جان و دل خانواده‌های شهدا و دوستداران اسلام حقیقی از آن خونین است و خوب می‌دانم که بزرگان شهید چقدر از این شرائط بیزار هستند و به عنوان کسی که بزرگوارانی را از نزدیک دیده‌ام و خدمت آنان کرده‌ام، خوب می‌فهمم که در حالی که نام و تصویر آنان در هر کوی و برزن و در هر برنامه و تبلیغی علم شده است،از حقیقت آنان و طریقه آن بزرگواران فاصله‌ای داریم که قابل ترسیم نیست. اما چه می‌شود کرد ما آنچه را درو می‌کنیم که خود کشته‌ایم و این قول و وعید خداوند است که نتیجه اعمال را جه بسا در همین زندگی شاهد باشد.

اکنون آنچه بیش از هر چیز نگران کننده است، مشکلاتی است که در آینده پیش خواهد آمد و ریشه در امروز دارد. اکنون، زیربنا و بنیان دین و اعتقاد ما ضربه خورده و می‌خورد. نسل جوانی که اکنون دوران شکل‌گیری فکری و اعتقادی آنان است چگونه بزرگ می‌شوند و چگونه می‌اندیشند؟ آنان که از دیانت و انقلاب تنها تبلیغات رائج و عرضه شده را مشاهده می‌کنند مسلما مشکلات فکری و دینی فراوانی را دچار می‌شوند.حوادثی که آنان شاهد هستند, نبودن عملی ارزش‌ها و نبودن شخصیت‌های بزرگی که اسوه و نمونه اسلام عزیز و تشیع راستین هستند،همگی عواملی است که بنیان فکری و اعتقادی نسل‌های جوان را تهدید می‌کند. در عمل شاهد هستیم که مردم و جوانان چگونه ما و دیگر کسانی را که به نوعی به انقلاب و شهیدان وابسته هستیم را مورد سوال قرار می‌دهند تا جائی که چه بسا همه بزرگان درگذشته و شهید را در آنچه می‌گذرد سهیم دانسته و آنان را متهم به یکسان بودن با حاضرین می‌کنند. اتهامی که بسیاری از دشمنان این شهیدان و نیز دوستانی که از قبل آن شهیدان به نعمت و مکنت رسیده‌اند نیز می‌پسندند و القا می‌کنند.

تحمل شرائطی که خون شهیدان پایمال قدرتمندان می‌شود و آنان از ناحیه دوست و دشمن متهم می‌شوند، سخت و طاقت‌فرساست.اما این کاسه زهری است که باید به پیروی از آن پیر فرزانه نوشید و تحمل کرد.

از شما می‌خواهم کلام ارزشمند امام پس از قبول قطعنامه را به اجرا بگذاری که به مومنان و عاشقان اسلام و مبارزه گفت" فرزندان انقلابی ام, ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید از غرور مقدستان دست بردارید..می دانم به شما سخت می گذرد مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد ... بغض و کینه انقلابی خود را در سینه‌ها نگه دارید, بدانید پیروزی از آن شماست" و در این شرائط با شکست اعتصاب خود برای فردایی سخت‌تر و دردناک‌تر خود را آماده کنی.

با هجوم وحشیانه بیت آیت الله منتظری پلمب شد

حجت الاسلام والمسلمین احمد منتظری دراطلاعیه ای به شرح نحوه حضور ماموران دادسرای ویژه روحانیت در منزل و پلمب اتاقهایی در منزل خود و مرحوم آیت الله منتظری پرداخت.

در این اطلاعیه آمده است:در آخرین روز بهمن ۱۳۹۰ ساعت ۱۳:۳۰ فردی خود را مأمور شهرداری معرفی نمود و از پسرم خواست برای امضای ابلاغیه‌ای درب منزل را باز کند.حدود ۱۰ نفر با فشار وارد منزل شده و دست پسرم را گرفته که به داخل منزل خبر نبرد. حدود یک ساعت اتاقی را که محل کار من بود بازرسی کرده و وسایلی از قبیل لپتاپ و مقادیری پول نقد، سی دی خاطرات و مجموعه آثار آیت الله منتظری و... را بهمراه خود بردند.

پس از آن در کوچه مجاور درب کتابخانه و منزل شخصی

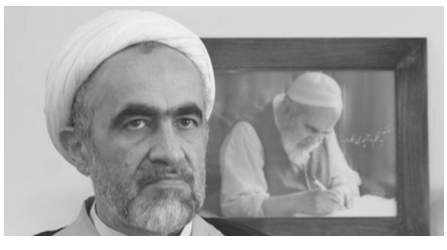

مرحوم آیت الله العظمی منتظری را مسدود و پلمب کردند. عملیات! در ساعت ۱۵:۳۰ پایان یافت.

اعتراض و تجمع کارگران به بیکاری و عدم دریافت مطالبات قانونی

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال مشکلات کارگران هم چنان پابرجاست و عدم دریافت مطالبات ،بیکاری و مشکلات معیشتی زندگی این قشر را تهدید می کند.

در هفته جاری ،بیش از ۱۵۰ کارگر کارخانه پارسیلون خرم آباد، بزرگ‌ترین تولید کننده نخ آسیا در اعتراض به دریافت مطالبات قانونی شان مقابل این کارخانه تجمع کردند.

محمد موسیوند رئیس کانون هماهنگی شورای اسلامی کار لرستان با اعلام اینکه کارخانه پارسیلون به جهت انباشت بدهی‌ها تعطیل شده است،اعلام کرد: این کارخانه دارای ۲۵۰ کارگر رسمی و ۲۶۰ کارگر قرار دادی است که همگی بیکار شده‌اند.

از سویی دیگر،علی سالاری رئیس کانون هماهنگی شورای اسلامی خراسان جنوبی اعلام کرده: کارخانه قند بهستان با ۱۰۰ کارگر رسمی و ۶۰ کارگر فصلی به جهت کم بودن ورودی چغندر قند و کمبود نقدینگی از پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه کارگران خود درمانده است.

به گفته او، بیش از ۱۲ ماه است که کارگران تولید نخ پارسیلون حقوق دریافت نکرده و همچنین عیدی و سایر مزایای قانونی آنان نیز پرداخت نشده است. محمد یعقوبی دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان نیز با انتقاد از عدم تناسب بین هزینه‌های زندگی و در آمد کارگران این بخش گفته است: اکنون بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش روزانه و بدون حساب نرخ کالا و خدمات باعث شده امنیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های کارگران به خطر بیافتد.

به گفته او،عدم پرداخت مزد عادلانه موجب شده کارگران به دنبال لقمه‌ای نان برای سیر کردن خانواده‌هایشان بیشترین ساعات عمر خود را در محیط کار به سر ببرند.

عبدالله مختاری عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز نسبت به این موضوع که هر ساله وضعیت معیشتی کارگران به دلیل افزایش بی رویه نرخ تورم با مخاطرات زیادی مواجه می شود.انتقاد کرده است.

این فعال کارگری عدم تامین نیازهای حداقلی را یکی از دغدغه های اصلی جامعه کارگری در کشور اعلام کرده و افزود::بیش از ۷۰ درصد از کارگران به دلیل عدم تامین نیازهای حداقلی خود در کشور زیر نرخ خط فقر گذران معیشت می کنند.

اخبار کوتاه

❊ شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای ضمن محکوم کردن نقض فاحش حقوق اولیه شهروندان ایرانی، مسئولیت جان و سلامتی کلیه فعالان سیاسی در بند، بویژه مهدی خزعلی را بر عهده عالیترین مقامات حکومتی دانست و هشدار داد: انکار واقعیتها و اصرار بر دروغ، سرکوب، خشونت و بی قانونی اثری جز تشدید شرایط بحرانی کشور در عرصه داخلی و بین المللی را بدنبال نخواهد داشت.

❊ آیت الله بیات زنجانی از عیسی سحرخیز روزنامه نگار زندانی که به دلیل وخامت حال به بیمارستان منتقل شده، عیادت کرد.

❊ طبق گزارش سازمان پزشکی قانونی تا پایان دی‌ماه سال ۹۰، ۱۷ هزار و ۶۴۲ نفر در حوادث رانندگی کشته شدند که هزار و ۷۵۵ نفر از تلفات حوادث رانندگی مرد و سه هزار و ۸۸۷ نفر از این آمار زن هستند.

❊ درپی یورش ماموران امنیتی به منزل یکی از داراویش گنابادی شهر کوار داراویش شهر این شهر در مقابل پاسگاه انتظامی این شهر تجمع کرده‌اند.

❊ با گذشت ۴۰ روز از دستگیری پرستو دوکوهکی، قوه قضاییه در پاسخ به پیگیری های خانواده وی گفته است:وضعیت این روزنامه نگار زندانی به این دستگاه ارتباطی ندارد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۷ ، پنج شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

شما اگر پدر و مادرتان را دوست دارید دعا کنید که ما مصداق آیه ی إن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التی کنتم توعدون باشیم. - زهرا رهنورد

اسرار مشارکت ۶۴ درصدی؛
تناقض دو میلیون و پانصد هزار نفری در واجدین شرایط فقط در استان تهران و البرز

علیرغم تلاش بی وقفه و شبانه روزی مسوولان برای دقت در ارایه آمار مشارکت و واجدین شرایط شرکت درانتخابات تناقضهای آمار اعلامی همچنان ادامه دارد.

به گزارش کلمه این تناقضها که ناشی از عدم شفافیت و صداقت در ارایه اطلاعات به مردم است نشانگر مهندسی ناشیانه آمار برای با شکوه نشان دادن انتخاباتی است که هیچ یک از معیار های شرعی و قانونی موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی را ندارد.

در حالی که از نظر سنی و سایر شرایط قانونی میزان واجدین شرایط در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری تفاوتی ندارد برگزار کنندگان انتخابات در تناقضی دیگر آمار واجدین شرایط در انتخابات را در استان تهران و البرز را حدود دو میلیون نفر کمتر از واجدین شرایط در انتخابات آخرین دوره ریاست جمهوری اعلام کرده است.

طبق گزارش بازتاب امروز "بر اساس آمار رسمی استانداری البرز، تعداد واجدین شرایط در این استان با توجه به آخرین آمار سازمان‌های قانونی یک میلیون و ۳۴۵ هزار نفر است. تمدن استاندار تهران هم عنوان می کند تعداد واجدین شرایط استان تهران حدود ۵ میلیون نفر هست."

استان البرز و تهران، در این دوره از انتخابات از هم تفکیک شده اند، اما دو سال قبل یک استان واحد محسوب می شدند.

حال برای قیاس بین تعداد واجدان رای دادن در محدوده جغرافیایی تهران و البرز (بین سال ۸۸ و ۹۰) اگر اقدام به تجمیع تعداد واجدین انتخابات در این دو استان کنیم، تعداد واجدین این محدوده جغرافیایی در سال ۹۰ بر اساس امار وزارت کشور معادل ۶ میلیون و ۳۴۵ هزار نفر است.

نکته جالب دقیقا در همین جای محاسبات است. رقم ۶ میلیون و ۳۴۵ هزار واجد شرایط در دو استان تهران و البرز برای انتخابات سال ۹۰ حال آن که بر اساس آمار وزارت کشور در همین محدوده جغرافیایی در سال ۸۸ تعداد واجدین شرایط معادل۸,۷۹۶,۴۶۶ نفر بوده است.

یعنی تعداد واجدین استان تهران و البرز در سال ۹۰ کمتر از واجدین همین محدوده جغرافیایی در سال ۸۸ هست!

در سال ۸۸ تعداد واجدین شرایط همین محدوده جغرافیایی (یعنی تهران و کرج) معادل ۸,۷۹۶,۴۶۶ نفر بوده است و حالا پس از دو سال در همین محدوده جغرافیایی (که حال به دو استان مجزا تفکیک شده) به گفته مسئولان انتخاباتی قرار است ۶ میلیون و ۳۴۵ هزار نفر واجد رای باشند!

اگر فرض را بر این بگذاریم که حتی یک «رای اولی» هم در این دو سال به آمار واجدین شرایط شرکت در انتخابات اضافه نشده باشد مسئولان برگزاری انتخابات ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار شهروندی که تا همین دو سال پیش در این محدوده واجد رای بوده اند را به یکباره پاک کرده اند.

حال باید مسوولین پاسخ دهند که آیا در دو سال گذشته ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر دراین دو استان از واجد شرایط بودن حذف شده اند؟ ایا در این دو سال در تهران و البرز این تعداد شهروند به یکباره فوت کرده اند که سبب شده تعداد واجدین ۹۰ به این میزان کمتر از واجدین ۸۸ باشد؟ آیا این تقلب در آمار در سال ۸۸ رخ داده است و یا همین امسال برای نشان دادن شور و حال انتخاباتی؟

حتما باید گفت که در این دو سال حتی یک شهروند هم وجود نداشته که از سن ۱۶ سال در سال ۸۸ به سن ۱۸ سال در سال ۹۰ رسیده باشد و به عنوان رای اولی، به آمار واجدین افزوده شود؟ چرا که اگر رای اولی ها هم به همان واجدین سال ۸۸اضافه شوند رقم واجدین پاک شده از ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر هم بالاتر می رود.

مخاطبان باید در جریان قرار بگیرند که آمارهای ارائه شده در مورد تهران و البرز، حتی با این شیوه، قابل قیاس با آمار دو سال پیش نیست. چه رسد به این که بخواهیم رشد جمعیت واجد رای دادن در این دو سال را هم به آمار واقعی اضافه کنیم. چرا که اگر بخواهیم حداقل رای اولی های این دو استان را نسبت به سال ۸۸ لحاظ کنیم حداقل ۴۰۰ هزار نفر باید به واجدین این دو استان در این دو سال افزوده شوند. چرا که تعداد رای اولی های کل کشور نسبت به انتخابات سال ۸۸ معادل ۳ میلیون و ۹۶۰ هزار نفر است که اگر حداقل ۱۵ درصد آن سهم تهران و البرز باشد، حداقل در این محدوده جغرافیایی ۵۵۰ هزار نفر رای اولی خواهیم داشت که باید به رای سال ۸۸ اضافه شود.

در سایت کلمه بخوانید :

- دردسرهای رای تهرانی ها و آمار ساختگی مسئولان
- ادامه تناقض در آمار و ارقام در انتخابات مجلس نهم
- مهندسی در آمار مشارکت مردم
- آمار واقعی مشارکت؛ استمرار محدودیت یا فضای باز سیاسی
- مسوولان باز هم نتوانستند دقیق آمار سازی کنند

دیدار رهنورد و موسوی با دختران
توصیه به صبر و گذشت در راه خدا

رهنورد و میرحسین در انتخابات شرکت نکرده اند

میرحسین موسوی در دیدار با دختران خود همگان را به صبر و گذشت برای خدا توصیه کرده و گفت که در راه حق صبر و گذشت هردو باهم مهمند.

پس از مدتها محدودیت و قطع دیدارها و برای دومین بار درطول یکسال بازداشت زهرا رهنورد و میرحسین موسوی با دختران خود دیدار کردند.

به گزارش کلمه در این دیدار که در روز یکشنبه ی پس از انتخابات در منزل یکی از دختران میرحسین موسوی انجام شد، روحیه این زوج دربند بسیار عالی بود و بر خلاف شایعات و اخبار محافل امنیتی از سلامت کامل برخوردار بوده اند.

در این دیدار که در زمانی محدود، با تدابیر شدید امنیتی و حضور ماموران اطلاعاتی در منزل برگزار شد و چندان امکان گفت و گوی آزاد بین دختران و پدر و مادرشان فراهم نبود، با اینحال و علیرغم این مشکل، میرحسین موسوی که پیش از این هم اعلام کرده بود با توجه به شرایط موجودی امیدی به این انتخابات نیست گفت در انتخابات شرکت نکرده و رای نداده است.

همچنین میرحسین موسوی در گفت و گو با فرزندان همگان را به صبر و گذشت برای خدا توصیه کرده و گفت که در راه حق صبر و گذشت هر دو باهم مهمند. همچنین درمکالمه دقایق آخر با دختران، مهندس موسوی پخش خبر مکالمه تلفنی خود با دخترانش مبنی بر ایستادگی بر مواضع پیشین را تحسین نموده و مجددا برآن تاکید کرد.

این گزارش حاکی است که میرحسین موسوی هر چند با محدودیت های زیادی از نظر دسترسی به اطلاعات و اخبار رو به روست، اما در جریان اخبارجاری کشور بوده است.

در همین حال زهرا رهنورد، که او نیز رای نداد ه بود نیز در در پاسخ به ابراز نگرانی ها با روحیه ای مثال زدنی توصیه می کرد که شما اگر پدر و مادرتان را دوست دارید دعا کنید که ما مصداق آیه ی إن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التی کنتم توعدون" باشیم.

پ ن: ترجمه آیه: بی گمان کسانی که گویند پروردگار ما خداوند است، سپس پایداری ورزند، فرشتگان بر آنان نازل شوند [و گویند] که مترسید و اندوهگین مباشید و مژده باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده بودند (آیه ۳۰ سوره: فصلت)

مشارکت یک رقمی تهرانی ها در انتخابات مجلس و حماسه آمارهای دروغین

در حالی که نماینده گرمسار اعلام کرده بود که تا ظهر ۱۲ اسفند تنها ۵ درصد از گرمساری ها در انتخابات شرکت کرده بودند، اخبار رسیده از آمار نهایی تهران حاکی از مشارکت زیر ده درصدی تهرانی ها در انتخابات مجلس نهم است.

به گزارش کلمه، اخبار رسیده از حوزه های انتخابیه شهر تهران در غرب و شمال شهر حاکی از مشارکت بسیار پایین شهروندان در این مناطق بوده است. بر اساس گزارش شاهدان عینی از صندوق های حوزه های اخذ رای سعادت آباد، جردن و شهرک غرب در برخی از صندوق ها حتی یک رای به ریخته نشده که موجبات نگرانی مسئولان کشور را فراهم کرده است.

بر اساس آماری که در بولتن های محرمانه ارائه شده میزان مشارکت در شهر تهران بقدری پایین است که مسئولان ستاد انتخابات و وزارت کشور را با شوک رو به رو کرده است. مسئولان در انتظار مشارکت ۱۷ درصدی تهرانی ها بودند، اما به نظر می رسد افرادی که بطور سنتی در انتخابات شرکت می کردند نیز این بار در این انتخابات شرکت نکرده اند.

بر این اساس هر چند مسئولان دولتی بر این باورند که باید رقم واقعی مشارکت در سراسر کشور برگزار شود اما مقامات بلند پایه با جلوگیری از چنین اقدامی همچنان بر ارائه آمار ساختگی تاکید دارند.

طی سه سال گذشته در جریان اعتراضات به برگزاری انتخابات مهندسی شده ۱۳۸۸، بسیاری از شهروندان که رای خود را به نفع میرحسین موسوی و مهدی کروبی به صندوق ریخته بودند نسبت به صحت برگزاری انتخابات شک کرده، فلذا تمایلی برای شرکت در انتخاباتی که به گفته آنان نتیجه اش از قبل معلوم است ندارند.

مشاهدات میدانی خبرنگاران کلمه از سطح شهر تهران که در گزارش های پیش نیز منتشر شد، نشان از استقبال سرد مردم از این انتخابات بود.

گرانی و تورم و عدم پاسخگویی دولت و خونهای ریخته شده شهدای مظلوم اعتراضات پس از انتخابات مهندسی شده سال ۸۸ از اصلی ترین محورهایی است که مردم در خصوص عدم مشارکت خود در انتخابات مجلس نهم ارائه کرده اند.

یکی از خبرنگاران خارجی که برای پوشش اخبار انتخابات به تهران رفته بود به خبرنگار کلمه گفت: با همه تلاشی که برای حضور در سایر حوزه های اخذ رای کردیم اما فقط ما را به سه حوزه بردند. او می گوید در مسجد امام حسین تهران تعدادی از مردم برای رای دادن به صف ایستاده بودند.

این در حالی بود که در چند صد متری این حوزه اخذ رای، حوزه های دیگر بسیار خلوت و خالی از جمعیت بود. میدان امام حسین و میدان خراسان به طور سنتی از مناطق مذهبی نشین تهران است و مردم همواره بالاترین میزان مشارکت را در این مناطق دارند، اما مشاهدات خبرنگاران ما حاکی است که حضور مردم در حوزه های اخذ رای بسیار پایین بود و حتی در برخی از حوزه های به جز برگزار کنندگان و ناظران کسی حضور نداشت.

نماینده فعلی گرمسار در مجلس از خرید آرا در این شهر با مبالغ ۴۰ تا ۱۰۰ هزار تومان خبر داده و گفته است مردم خواستار ابطال انتخابات در این حوزه انتخابیه هستند.

در همین حال گزارش های رسیده از شهرهای مختلف نیز حاکی است که آرای این حوزه انتخابیه نیز از قبل خریداری شده بود. با توجه به وضعیت اقتصادی و ترکیب جمعیتی برخی مناطق احتمال خرید و فروش رایکاملا قابل پیش بینی بود.

خرید و فروش رای از جمله محورهایی بود که در سخنان و اظهارات مسئولان و دست اندرکاران از ماه ها پیش از انتخابات عنوان می شد و نسبت به آن هشدار داده شده بود.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال دوم ، شماره ۱۵۸ ، یک شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

در پی افشای ترکمانچای ارزی، سایت بازتاب فیلتر شد

سخن میرحسین

یک دولت نامشروع و سرکوبگر ودر حال جنگ با ملت خود نمی تواند در مقابل تهدیدات بیگانه مقاومت نماید. در چنین حالتی یا باید به بیگانگان باج دهد و یا کشور را در آستانه خطرات مهلک افکند.

افشای امتیازی ننگین تر از ترکمنچای
فروش نفت بدون پول در دولت احمدی نژاد

سرمقاله
چوب حراج بر منافع ملی

بی تردید برای کسانی که با الفبای سیاست آشنایی داشته باشند می دانند که روابط با کشورهای خارجی در تداوم سیاست داخلی و شرایط اقتصادی و سیاسی و میزان مشروعیت یک حکومت شکل می گیرد، برای داشتن یک رابطه معقول و عملگرایانه خارجی مبتنی بر منافع ملی باید بر اساس منابع و مقدورات ملی حد و حریم کشور را در عرصه بین المللی و منطقه ای تعریف کرد.

طی سالهای اخیر بدنبال ناکامی دولت احمدی نژاد در بارگیری در صحنه روابط بین الملل، نگاه به شرق بیش از حد پررنگ شد و تداوم سیاست غرب ستیزی به علت افزایش و گسترش تحریم ها چاره ای بجز رفتن به آغوش چین و روسیه برای دولتمردان باقی نگذاشت.

در طول تاریخ معاصر، همواره نگاه بد بینانه ای نسبت به روسیه، خیانت ها و بلندپروازی هایش در عرصه مسایل داخلی و خارجی ایران وجود داشته است. شاید بتوان از قراردادهای تحمیلی گلستان و ترکمانچای بعنوان فصل خطابی در تاریخ روابط خارجی با مسکو نام برد که پس از سالها هنوز خاطره تلخ آن از ذهن ها دور نشده است.

اما این روزها در پی بی کفایتی مسئولان سیاست خارجی و دیپلماسی کشور که منجر به انزوای بیش از حد کشورمان در محافل و مجامع بین المللی شده است، مسکو و پکن توامان در حال بهره برداری از نقطه ضعف ایران در عرصه روابط سیاسی و اقتصادی هستند و مسئولان نیز برای گریز از فشارهای بین المللی و داشتن همراهی در سازمانهای جهانی دست به دامان روسیه و چین شده اند.تجربه سالهای اخیر نشان داده این دو کشور نیز در پی تحکیم رابطه خود با غرب و در راس آن واشنگتن بوده و هیچ گاه منافع ملی دراز مدت خود را بخاطر جمهوری اسلامی فدا نخواهند کرد.

پیش از این میرحسین موسوی به دولتمردان نسبت به توسعه رابطه با پکن و مسکو هشدار داده بود که "اصل اساسی در این ارتباط این است که اگر ما با غرب دارای روابط دوستانه بودیم آیا روابط با مسکو و پکن نیز بدین شکل موجود ادامه میداشت؟ روسها هم بر این گزاره واقف اند که ایران ناگزیر به داشتن ارتباط نزدیک با آنها و چینی هاست و به ظن آنها داشتن ارتباط استراتژیک و همکاری های راهبردی از سوی ایرانی ها بیشتر حس می شود و نگرانی ایران از گسترش تحریم های غرب و انزوای بین المللی ، ایران را وادار می سازد ضمن دادن برخی امتیازات به حفظ روابط با روسیه و چین امیدوار باشد."

این در حالی است که اخیرا نیز از این قرارد داد ننگین پرده برداشته شد که دولت چین علاوه بر آن که پول خرید نفت ایران را نزد خود نگه می دارد، مدیریت این پول را نیز به عهده دارد و خود این پول را به ارزهای مختلف می تواند تبدیل کند.در واقع دولت چین برای افتتاح ال سی یا فروش نسیه کالا به ایران، نه تنها پول نقد ایران به عنوان پشتوانه در اختیار دارد بلکه اقدام به دریافت بیمه از ایران می کند.

چنین قراردادی در عرف بین الملل شگفت آور است و تنها یادآور قراردادهای استعماری قرن نوزدهم است. نداشتن مشروعیت مردمی از یک سو، انزوای بین المللی از سوی دیگر، جمهوری اسلامی را به وادی کشانده است که به قیمت بذل و بخشش از کیسه بیت المال و چوب حراج زدن به اعتبار، منافع و منابع ملی است.

در کنار امتیاز دادن های مکرر به پکن و مسکو، هزینه های سرسام آور خط لوله صدور گاز به شبه قاره هند «خط لوله صلح»، قراردادهای نفتی و گازی زیر قیمت بازار جهانی با ترکیه و قطر و امارات، سکوت در برابر ادعاهای ارضی امارات متحده در خصوص جزایر سه گانه، سرمایه گذاری های بی وقفه در امریکای لاتین، کمک های بلاعوض چندصد میلیون دلاری به لبنان، پاکستان و افغانستان، واردات بی رویه و نابودی کشاورزی و تولیدات داخلی و ده ها اقدام دیگر، از جمله بی کفایتی های دولت احمدی نژاد است که در سکوت مجلس و نهادهای نظارتی در حال انجام است.

میرحسین موسوی پیشتر هشدار داده بود" در شرایط کنونی شکاف بین ملت و دولت، خطر بیگانگان و بد خواهان از همیشه بیشتر است. "

او با آسیب شناسی پیامدهای انتخابات مهندسی شده بر مشروعیت دولت گفته بود که " نتایج ناشی از تقلب انتخاباتی و سرکوبهای بعد از انتخابات ومصائب ناشی از سوء مدیریتها و فساد و دروغ و آشفتگی سیاستهای اقتصادی و فرهنگی منجر به بحران اعتماد به حکومت و فاصله گرفتن مردم از دست اندرکاران شده است." بارها راهکار ارائه کرده و انذار داده بود "یک دولت نامشروع و سرکوبگر ودر حال جنگ با ملت خود نمی تواند در مقابل تهدیدات بیگانه مقاومت نماید. در چنین حالتی یا باید به بیگانگان باج دهد و یا کشور را در آستانه خطرات مهلک افکند."

جزئیات یکی از زیان بار ترین قراردادهای اقتصادی بعد از انقلاب با کشور چین در دولت احمدی نژاد پس از گذشت سه سال برملا شد.

به موجب این قرارداد ننگین دولت ایران سه سال قبل درآمد حاصل از فروش نفت کشور را نزد دولت چین می گذارد تا به عنوان پشتوانه ال سی های خرید کالای چینی برای ایران استفاده گردد.براساس این قرارداد عجیب وبی سابقه در تاریخ بانکی جهان، چین نه تنها سودی بابت میلیاردها دلار پول ایران به کشور نمی دهد بلکه « مبالغ سنگینی به عنوان بیمه و ریسک از ایران دریافت می کند».

این بدان معناست که فروشنده در حالی که مبلغی بسیار بیشتر از پول کالا به صورت نقد در اختیار دارد، اقدام به کشیدن درصد قابل توجهی بر روی مبلغ کالا به عنوان حق بیمه یا هزینه ریسک کرده که این مبلغ در سالهای قبل ۴ درصد بوده و احتمالا در شرایط فعلی به دو برابر این رقم افزایش یافته است که در مقیاس کلی میلیاردها دلار می شود.

از سوی دیگر،دولت چین ، هیچ گونه تعهدی نسبت به نتیجه اقدام خود ندارد و اگر به خاطر اشتباه سهوی یا عمدی دولت چین بخشی از سود یا اصل پول ایران با نوسانات نرخهای ارز از بین برود، مسئولیت آن بر عهده ایران است.

براساس جزییاتی که سایت بازتاب از این قرارداد منتشر کرده است، اگر ایران بجای این قرارداد، روی به خرید طلا آورده بود، «اکنون ارزش ۵۰ میلیارد دلاری داشت که معادل پرداخت دو سال یارانه مستقیم به مردم است.»

بنابر این قرارداد، دولت چین علاوه بر آن که پول خرید نفت ایران را نزد خود نگه می دارد ، مدیریت این پول را نیز به عهده دارد و خود این پول را به ارزهای مختلف می تواند تبدیل کند.

در این قرارداد که به دلیل زیانباربودن آن برای منافع کشور، ترکمنچای ارزی نام گرفته است، ایران از ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌ای که در حال حاضر نزد چین دارد نمی‌تواند به طور کامل استفاده کند که گفته می شود این رقم در حال حاضر از مرز ۲۵ میلیارد دلار گذشته است.

به بیان دیگر، ۲۵ میلیارد دلار از سرمایه کشور طبق این قرارداد در اختیار دولت چین می باشد، اما به جای پرداخت سود به ایران، از ایران مبالغ سنگینی به عنوان بیمه و ریسک دریافت می شود.

برای مشخص شدن ابعاد زیان کشور از محل این قرارداد، تنها به ذکر این نکته بسنده می کنیم که اگر این مبلغ هنگفت به جای سپرده گذاری نزد برادران چینی به خرید طلا اختصاص یافته بود، طی این مدت ارزش آن چندین برابر شده بود و علاوه بر آنکه اصل ۲۵ میلیارد دلار موجود بود، حدود ۵۰ میلیارد دلار دیگر که یارانه دو سال مردم است، سود عاید ایران شده بود.

برملا شدن این قرارداد زیانبار آن هم در سالی که آقای خامنه ای آن را به جهاد اقتصادی" نامگذاری کرده است.کلکسیون شکست های اقتصادی حکومت را کامل کرد و رکورد جدید دیگری برای آن از به تاراج رفتن سرمایه های کشور برملا ساخت.

آیت الله العظمی دستغیب :
هنوز دیر نشده امید به رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی وجود دارد

آیت الله العظمی سیدعلی محمد دستغیب در تماس تلفنی با دختران میرحسین موسوی و زهرا رهنورد، با دلجویی از دختران، آنان را به ادامه صبر و استقامت توصیه کرد.

به گزارش کلمه، مرجع تقلید مقیم شیراز در این تماس تلفنی که در آستانه نوروز برقرار شد، همچنین برای بهبود وضعیت حاضر و آزادی همه زندانیان به خصوص میرحسین، رهنورد و کروبی دعا کرد.

وی اظهار امیدواری کرد به امید خدا و پایداری این عزیزان مسائل حل خواهد شد.

وی با اشاره به برگزاری اجلاس اخیر خبرگان، تاکید کرد: ای کاش در این ایام که نزدیک نوروز و سال جدید است، خبرگان رهبری یک بند به بیانیه خود با این مضمون اضافه می کردند که ما امیدواریم؛ ایام نوروز نوید رفع حصر از جنابان میرحسین موسوی و حجت الاسلام کروبی و سرکار خانم رهنورد و آزادی همه زندانیان سیاسی داده شود تا میلیونها نفر از مردم این سرزمین در داخل و خارج کشور و نیز خانواده های آنان خوشحال شوند.

این مرجع عالیقدر افزود: اما هنوز هم دیر نشده و امید است اینکارها انجام شود. هرچند از بعضی از ایشان امید است که چنین کنند.

زندان اوین
ضرب و شتم فعال سیاسی در انفرادی

از اوین خبر میرسد احسان هوشمند مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته به نحوی که به شنوائی وی آسیب رسیده و اکنون صداهای شدید در گوشش احساس می‌کند. همچنین پاهای هوشمند به دلیل شرایط وی در انفرادی دچار درد شدیدی شده و حداقل ده کیلو وزن کم کرده است.او که در شصت و یکمین روز بازداشت انفرادی خود تماس کوتاهی با خانواده اش داشته مشخص شده هیچ اطلاعی از خارج از سلولش ندارد و با هیچ فردی غیر از بازجویانش ارتباطی ندارد و تفاوت ساعات روز و شب را احساس نمی کند.احسان هوشمند کارشناس ارشد رشته جامعه شناسی، روزنامه نگار و پژوهشگر مطالعات قومی است.

همراهان سبز
روزه سیاسی دانشجویان علم و صنعت در حمایت از مهدی خزعلی

جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه علم و صنعت در حمایت از مهری خزعلی روزه سیاسی گرفته و خواهان آزادی و رسیدگی فوری به وضعیت وی شدند.به گزارش کلمه، آنها باابراز تاسف از وضعیت اسفناک زندانیان سیاسی و خاصه زندانیانی که برای رساندن صدای اعتراض خود هیچ راهی به جز اعتصاب غذا ندارند، بی تفاوتی مسئولین نسبت به اینگونه فجایع انسانی را شرم آور دانسته و از مردم خواستند صدای اعتراض مظلومانه ی ایشان را به همگان برسانند.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۵۹ یک شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: حتی اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط‌های دولتمردان ایمن نشده‌ایم. آنان زمینه را برای اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم‌ها فراهم کرده اند.

سر مقاله

چند سوال ساده از کیهان

کلمه: کیهان آقای شریعتمداری در شماره های متعدد خود با انواع لحنها و منطقها به دفاع از سیاستهای هسته ای جریان حاکم پرداخته است.اما آن‌چه یادداشت ۲۲ فروردین این روزنامه را قابل تأمل می سازد اینست که درست در آستانه مذاکرات هسته ای ۱۳ آوریل، ناگهان این یادداشت لحن و منطق و مسیر تازه ای می یابد:مسیر انحرافی!

لحن کیهان این بار از همیشه آرام‌تر و حتی ترس خورده تر است.یادداشت نویس کیهان که نمایندگی ولی فقیه راعهده دارد به مذاکره کنندگان هسته ای یادآور میشود،در مواجهه با طرف مقابل حتما – و ظاهرا فقط – به فتوای حضرت آقا در تحریم بکارگیری سلاح هسته ای متوسل شوند و برایشان تبیین کنند که فتوای حضرت آقا چون مبانی فقهی و شرعی دارد می تواند یگانه و احتمالا قوی ترین مستند برای تشخیص نیت ایران از دستیابی به انرژی هسته ای تلقی شود.

میزان پایبندی حاکمان کنونی را به مبانی قانون و شرع و دینی که خود آن را به دروغ جار میزند،در کدام رفتار و اقدام میتوان دین و به آن استناد کرد؟ آیا تجاوز به جوانان و شکنجه آنان تا سرحد مرگ در کهریزک بر اساس مبانی شرعی و فقهی حرام در حرام نبوده است؟ آیا دست درازی به آرای مردم و خیانت در امانت و تقلب آشکار در انتخابات و سپس سرکوب، کشتار و زندانی کردن هزارها معترضی با اطلاع و فرمان عالی ترین مقامات،از نظر مبانی شرعی و فقهی حرام نبوده است؟

توجیه شما را در این موارد کاملا از حفظ شده ایم. توجیهی که دو وجه دارد: شما در تاریکخانه های خود برای توجیه پای اولویت مصلحت نظام اسلامی بر هر چیز دیگر و "اوجب واجبات" بودن حفظ نظام را وسط می کشید.همانکه سعی کردید از زبان یکی دوتن از زندانیان به عنوان اعتراف بیان کنید. آیا همین شما نیستید که در میان خواص خود این تفکر ماکیاولیستی و طالبانی را ترویج می کنید که برای حفظ نظام، هر حلالی را میتوان حرام و هر حرامی را حلال شمرد!

اگر چنین باشد رفتار این چند ساله حکومت نشان می دهد جز این نیست، آیا عجیب است اگر در آینده ای بسیار نزدیک که خرمان از پل دیپلماسی گذشت، برای حفظ نظام فتوایی بر حلال بودن کاربرد سلاح هسته ای صادر شود؟

و اما بازی علنی شما و آن‌چه برای عوام و عموم می گویید کاملا متفاوت با این توجیه است،می گویید:این رفتارهای حرام اندر حرامی که شرحش رفت به ضرص قاطع مخالف نظر حاکمان صاحب فتواست و همگی این تجاوزها و کشتارها و ستم ها توسط نیروهای خودسر انجام شده است.

و از آن حیاتی تر این‌که به فرض محال، شما راست می گویید،اماواقعا چه تضمینی هست در آینده، انشاء لله پس از دستیابی به فناوری سلاح هسته ای، یکی از همین خودسرهای ظاهرا بی خبر از منویات آقا، هوس نکند در راستای اثبات خودسری و صرفا به قصد تقرب، دکمه سلاح خانمان سوز هسته ای را، البته همین طور محض تبرک و شوخی شوخی فشار بدهد تا دنیا و دشمنان حساب کار دستشان بیاید و جدی جدی قتل عام شوند!

با تشکیل حلقه های نقد و بررسی کتاب

با میر سبز همراه شوید

در پی دومین توصیه میرحسین موسوی به مطالعه کتاب وجدان بیدار نوشته اشتفان تسوایگ ،رسانه های سبز با صدور فراخوان مشترکی، خواستار تشکیل حلقه های نقد و بررسی این کتاب از سوی شما شده اند.

به گزارش کلمه ، اهداف این فراخوان تشریح سه عنصر «گسترش سازمان یافته جنبش آگاهی بخشی»، «مبارزه مثبت با رواج سازماندهی شده لمپنیزم فرهنگی» و «گسترش هسته های سبز و شبکه های اجتماعی از طرق به لحاظ امنیتی کم هزینه» ذکر شده است.

بنا بر این پیشنهاد، حلقه هایی (حداکثر پنج یا شش نفره) با اعضایی که نسبت به یکدیگر شناخت کافی دارند (دوستان، خویشان، همکاران و ...) تشکیل می شود و بسته به علایق و سلایق مشترک، هر ماه یک کتاب (یا هر محصول فرهنگی دیگری مانند فیلم) انتخاب و توسط اعضاء مطالعه و در یک جلسه از طریق گفتگو، به نقد و ارزیابی و بحث گذاشته می شود. نتایج این مباحث می تواند به صورت یادداشت های فردی یا جمعی در وبلاگ ها و فضای مجازی و نیز فضای حقیقی (با رعایت ملاحظات امنیتی) منتشر و در اختیار دیگران قرار می دهند.

در این فراخوان آمده است:با جلسات کتابخوانی با هیچ منطقی نمی توان به عنوان تبانی علیه نظام یا تبلیغ علیه آن برخورد امنیتی کرد، چرا که حاصلی جز بی آبرویی بیش از پیش کودتاگران حاکم در بر نخواهد داشت و وجهه جهانی دولتمردان را بیش از پیش خدشه دار خواهد ساخت. در نتیجه، در شرایط پلیسی کنونی، تشکیل چنین هسته هایی، کم هزینه و پرفایده خواهد بود.

شرح شکنجه های اعمال شده بر ضیا نبوی دانشجوی تبعیدی

سید ضیا نبوی، فعال دانشجویی زندانی در تبعید، طی نامه ای به محمدجواد لاریجانی بخشی از شکنجه های خود در دوران بازجویی را شرح داده است.

به گزارش کلمه،در این نامه می خوانیم: من یک زندانی تبعیدی ام.از اینکه هنوز زنده ام، احساس خوشبختی به من دست می دهد!

او که نگارش این نامه را شهادتی بر گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر خوانده که لاریجانی آن را دیکته شده توسط قدرت های غربی اعلام کرده بود،در شرح گوشه ای از شکنجه های خود آورده است:تقریبا در تمامی جلسات بازجویی تحت فشارهای روحی و فیزیکی بودم. سرشار از فشارهای روحی و جسمی مانند توهین، تحقیر، تهدید، بشین پاشو رفتن اجباری، پشت گردنی و لگد.. در دو جلسه ی متوالی بازجوئی، اینقدر به اجبار بشین پاشو رفتم که تا سه روز قادر به راه رفتن نبودم و تا یک هفته از درد بی وقفه ی پا، خیس از عرق بودم. زمانی هم که از اجرای دستور بازجو امتناع می کردم با لگد به پشت پایم می کوبید. در یک جلسه بازجو از من می خواست که سرم را روی دیوار بگذارم و پاهایم را عقب ببرم و در این وضعیت بمانم.در جلسه ای دیگر اینقدر فشار روحی و جسمی تحمل کردم که پس از بازگشت به سلول و بلافاصله پس از خوردن جرعه ای آب، از هر دو مجرای بینی ام خون سرازیر شد.

او اشاره کرده است:یکی از جلسات در زیرزمین ساختمان ۲۰۹ و به دور از کنترل مانیتوری از من می خواست در برگه بازجوئی بنویسم انتخابات را تحریم کرده و به آقایان موسوی و کروبی توهین کرده ام.از آنجا که نوشته های برگه بازجوئیم مطابق میل بازجو نبود،تهدید به اعدام شدم.

دیدار بیت آیت الله منتظری با خانواده زندانیان سیاسی

به گزارش کلمه، طاهره منتظری فرزند مرحوم آیت الله العظمی منتظری و تعدادی دیگر از اعضای خانواده در سال گذشته بخصوص ماههای اخیر پس از فشار حکومت برای قطع دیدارها و ملاقات ها در این بیت، نسبت به مراجعه و دیدار با خانواده زندانیان سیاسی در تهران و شهرستانها و دلجویی از آنها اقدام کرده اند.

از جمله این دیدارها می توان به ملاقات با خانواده های علیرضا رجایی، امیر خرم ،عیسی سحرخیز و تعدادی از زندانیان در استان مازندران اشاره کرد که در آنها ضمن تشریح اوضاع و توصیه به صبر و استقامت در راه آزادی و تحمل مصائب نسبت به دلجویی و دادن آرامش به این خانواده ها اقدام کرده است.

صدور مجوز راهپیمایی در بیابان‌های بهشت‌زهرا

برخی از فعالان کارگری با انتقاد از مقاومت دولت برای ممانعت از برگزاری راهپیمایی روز کارگر اعلام کردند:کارگران نه تنها در روز کارگر که در تمامی روزهای سال در سراسر کشور برای بیان خواسته‌های صنفی خود نیازی به مجوز ندارند و ممانعت دولت غیر قانونی است.

یکی از آنها با اشاره به ترفندهای دولت در سال‌های گذشته گفت:اعطای مجوز برگزاری راهپیمایی روز کارگر در بیابان‌های اطراف بهشت زهرا برای منصرف کردن کارگران از برگزاری راهپیمایی و مطالبه حقوق صنفی‌شان صورت می‌گیرد و کار عبث و بیهوده‌ای است.

ایلنا به نقل از حسین طاهرزاده نوشت: طبق اصل ۲۷ قانون اساسی برگزاری راهپیمایی و تجمع بدون حمل سلاح آزاد است .

اخبار کوتاه

کوهیار گودرزی با وثیقه صد میلیونی آزاد شد

کوهیار گودرزی، فعال حقوق بشر پس از هشت‌ماه حبس در بند ۲۰۹ زندان اوین،با سپردن وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد.گودرزی چندی پیش از سوی دادگاه به تحمل پنج سال حبس تعزیری و تبعید به زندان شهرستان زابل محکوم شده بود.

سیف زاده بار دیگر صلاحیت دادگاه انقلاب را رد کرد

سیدمحمد سیف زاده وکیل دربند دادگستری بار دیگر صلاحیت دادگاه انقلاب را رد کرد و اعلام نمود در جلسه دادگاه در روز ۲۱ فروردین ماه که به دلیل ارسال نامه به سیدمحمد خاتمی و اظهار نظر در مورد وضعیت دستگاه قضایی، تشکیل می شود، شرکت نمی کند.

نظرسنجی رضایت مندی مردم از یارانه ها !

در شرایطی که ثمره طرح هدفمندی یارانه ها خالی شدن سفره های ایرانی، گرانی لجام گسیخته،تعطیلی واحدهای تولیدی و رشد تورم بوده است، دولت قصد برگزاری نظرسنجی درباره میزان رضایت‌مندی مردم از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها دارد.

نخستین شماره روزنامه کلمه در سال ۹۱ با فراخوانی برای شما که با تشکیل حلقه های نقد و بررسی یک کتاب با میر سبز همراه شوید. شرح گوشه هایی از شکنجه های یک دانشجوی تبعیدی و چند پرسش از کیهان از دیگر مطالب شماره جدید کلمه در سال جدید است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۰چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: حتی اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط‌های دولتمردان ایمن نشده‌ایم. آنان زمینه را برای اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم‌ها فراهم کرده اند.

سر مقاله

رسوایی در آخرین روزهای مجلس هشتم

سعید مرتضوی،متهم اصلی جنایت کهریزک، نمایندگان را در آخرین روزهای عمر مجلس هشتم، در مقابل هم قرار داد؛نه وزیر استیضاح شد و نه متهم جنایت کهریزک از کارش برکنار.این خلاصه ای است از آنچه در هفته گذشته بین دولت و مجلس رخ داد.

صبح روز استیضاح،در حالی بر خلاف معمول احمدی نژاد از اولین ساعات بامداد به همراه وزیر خود برای پاسخگویی به نمایندگان به خانه ملت رفته بود،نامه شبانگاهی حداد عادل که ادعا کرده بود سعید مرتضوی استعفا کرده،هجده نماینده را به پس گرفتن امضایشان وادار کرد و مردان احمدی نژاد از همان راهی که آمده به ساختمان پاستور بازگشتند.

احمدی نژاد و نزدیکان وی گفته بودند تعهدی برای قبول استعفای مرتضوی نداده اند.ولی احمد توکلی مدعی شد سعید مرتضوی از خانه خارج نشده و استعفای خود را تقدیم وزیر کرده و منتظر نظر وی است. نظری که اعلام نشد و در همین حال مرتضوی ادعا کرد دیداری با احمد توکلی نداشته است. این در حالیست که حداد عادل در گفت و گوی تلویزیونی خود مدعی شده بود ۱۳ ساعت مذاکره بین احمد توکلی و سعید مرتضوی طی چهار جلسه انجام شده است.

گویا احمد توکلی می خواست با پاس دادن توپ حکمیت به زمین حداد عادل، حق دوستی را ادا کرده باشد و از این رهگذر اعتباری برای حداد عادل کسب کند و راه وی را برای رسیدن به کرسی ریاست مجلس نهم هموارتر سازد.

اینک در حالی که نمایندگان استیضاح کننده سعید مرتضوی را تهدید کرده بودند در روز استیضاح اطلاعاتی را از تریبون مجلس مطرح خواهند کرد که برای احمدی نژاد هم خوب نیست، به ناگاه حداد عادل از گفت و گوی خود با این متهم کهریزک پرده بر می دارد!

او که می خواست به کمک سایر همفکرانش و حکمیت احمد توکلی در نقش یک شوالیه ظاهر شده و با "درایت"، "گره"ای را که احمدی نژاد به "دندان" انداخته بود با "دست" باز کند، در برابر دروغ گویی و قول "شرف" مرتضوی (به تعبیر علی مطهری) "خام" شد و نه تنها نتوانست از این محمل اعتباری برای خود به دست آورد بلکه هم آبروی خود را برد و هم از مجلس هزینه کرد. هزینه ای که به نفع دولتیان شد و نشان داد آن طور که احمدی نژاد بارها گفته است، این مجلس نه تنها در راس هیچ امری نیست، بلکه بدون تدبیر و برنامه ریزی به امور جاریه می پردازد.

دستاورد انتصاب جنجالی سعید مرتضوی از یکسو رسوا کردن موقعیت از دست رفته مجلس در جمهوری اسلامی و نیز تهی از محتوا شدن حاکمیت یکدست و عیان کردن اختلاف مجلس و دولت،و از سوی دیگر بارز کردن بیشتر اختلافات و شکاف های اصولگرایان بود. بخصوص آنها که ماهها برای کرسی ریاست مجلس و ساختمان پاستور خیز برداشته اند.

باید دید در این آخرین روزهای عمر مجلس هشتم،یارکشی لاریجانی و حدادعادل چه سرانجامی می یابد و آیا برنده این اختلافات مثل برخی موارد مشابه قبلی،نزدیکان مصباح یزدی خواهند بود؟

«وظیفه‌ی ماست که آن قدر بگوییم تا هیمنه‌ی استبداد را بشکنیم»

ابوالفضل قدیانی: با زر و زور و تزویر از رهبری بت ساخته اند

ابوالفضل قدیانی زندانی سیاسی و مبارز دوران ستمشاهی در گفت و گو با کلمه با انتقاد از وضعیت حاکم بر کشور و زندانیان سیاسی مسبب اصلی آن را شخص رهبری خواند و با دعوت به صبر در راه مبارزه تاکید کرد:ما باید هیمنه استبداد را بشکنیم.

قدیانی گفت: دستگاه سرکوب حاکمیت اساساً اعتقادی به قانون ندارد و سعی می‌کنند با اعمال تبعیض و اهمال در اجرای قانون به زندانی فشار بیاورند تا مأیوس شود و واداراش کنند که از کار سیاسی کنار بکشد، ساکت شود به مقاومت و مبارزه با استبداد ادامه ندهد.

مسن ترین زندانی حامی جنبش سبز، با بیان اینکه معلوم نیست رفتار غیر قانونی و بعضاً غیر انسانی منصوبین آقای خامنه‌ای در دستگاه‌های قضایی و امنیتی کی تمام می‌شود،تاکید کرد:امامطمئن باشید که به فضل الهی اینگونه رفتارها زیاد دوام نخواهد آورد و پایمال‌کنندگان حقوق ملت نتیجه اعمالشان را خواهند دید.

قدیانی انگیزه نوشتن نامه به رهبری را امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرد و افزود:دیگر بر قاطبه‌ی جامعه پوشیده نیست که بسیاری از این مفاسد و مشکلات امروز کشور مستقیم یا غیر مستقیم از ایشان ناشی می‌شود.اما تأکید بر این مسئله و تکرار آن هم لازم است.

او با اشاره به اینکه حاکمیت با زر و زور و تزویر از ایشان بت ساخته است و می‌خواهد با نشاندن ایشان بر فراز قانون، جرأت نقد رهبری را از منتقدان بستاند،افزود: این حریم کاذب باید شکسته شود و آن بخشی از مردم که به هر دلیلی خبر ندارند، بدانند که ایشان مملکت را به لبه پرتگاه کشانده و ایشان مسئول اصلی ویرانی اقتصاد، صنعت و فرهنگ این کشور است.

این زندانی سیاسی وضعیت امروز کشور رامتأثر از لجاجت و استبداد و خودبینی رهبری خوانده با بیان اینکه از قرائن هم پیداست که ایشان نمی‌خواهند از این رفتارهایشان دست بکشند، گفت:وظیفه‌ماست که آن قدر بگوییم تا هیمنه‌ی استبداد را بشکنیم. آقای خامنه‌ای به عنوان بالاترین مقام کشور و کسی که بیشترین قدرت را در کشور در اختیار دارد باید درباره وضعیت امروز کشور پاسخگو باشد. نمی‌توان پذیرفت که کسی دارای بیشترین اختیارات ممکن باشد و از پاسخگویی به خاطر این اختیارات معاف شود. به گفته او ،مهمترین چیزی که رهبری باید درباره‌ی آن پاسخگو باشد سوء استفاده از اختیارات، به منظور استقرار استبداد دینی است.او در این مورد توضیح داد: ایشان دین را آلت دست خود و ابزار قدرت‌ورزی خود کرده‌اند.

او با اعلام اینکه بعد از انتخابات خرداد ۸۸ روندی چندین ساله بروز تام و تمام پیدا کرد و آن براندازی جمهوری اسلامی بدست نهادهای انتصابی و نظامی منصوب آقای خامنه‌ای بود،افزود:آنچه که پر رنگ شد ولایت فقیه بودو سقف آن هم معلوم نیست تا کجا خواهد رفت. العیاذ بالله اگر کسی نداند امر بر او مشتبه می‌شود که واقعاً اختیارات ولی فقیه در حد اختیارات شارع مقدس است.

او با تاکید بر اینکه جنبش سبز جنبشی ریشه دار است ، وظیفه‌ی یک فعال سیاسی و اجتماعی را در این شرایط اعترض به وضع موجود خواند و افزود:بنده و امثال بنده هم در مقام کسانی که جوانی‌شان را پای انقلاب گذاشته‌اند تا شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی محقق شود نمی‌توانسته‌ایم و نمی‌توانیم ساکت بنشینیم که آقای سید علی خامنه‌ای بیاید و به نام ولایت فقیه، سلطنت مطلقه بکند. وظیفه دینی ماست در حد توانمان در مقابل جور و ظلم بایستیم.

موسوی و کروبی بر عهد خود با مردم ایستاده اند

فاطمه کروبی در دیدار با جمعی از جوانان اصلاح طلب،گفت:آقایان کروبی و موسوی در محدود ملاقاتهایی خود با خانواده بشدت بر این نکته تاکید دارند که بر عهدی که با مردم بسته اند ایستاده اند و هیچ ابایی هم از پرداخت بالاترین هزینه ها در این راه ندارند.

وی افزود:برخی از ماموران امنیتی در روز اول حصر می گفتند که تا ۱۰ روز دیگر زیر فشار حصر و فشار؛ آقای کروبی از مواضع خود عقب نشینی خواهد کرد،حال این آقایان کجا هستند تا روحیه آقای کروبی را بعد از چهارده ماه حصر ببینند؟

او با بیان اینکه در زمان شاه حداقل ماموران ساواک شأن و حرمت خانواده زندانیان سیاسی را محترم می شمردند، گفت:متاسفانه اخلاق یکی از مواردی بوده که در سالهای اخیر به شدت در حاکمیت کمرنگ شده و رفتارهایی که ماموران امنیتی و قضایی با یک خانواده شهید و یک شهروند انجام می دهند به هیچ وجه قابل بازگویی نیست.

کارگران به صورت خودجوش راهپیمایی می کنند

در صورت عدم ارائه مجوز از سوی وزارت کشور، کارگران با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی به صورت خودجوش راهپیمایی می‌کنند.

علی اکبر عیوضی عضوهیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: دولت به دلیل عدم ارائه مجوز برخلاف مقاوله نامه‌های سازمان بین المللی کار عمل می کند و در صورتی که امسال هم نسبت به ارائه مجوز در این روز اقدام نکند، سازمان بین المللی کار به این مسئله وارد خواهد شد.

به گفته او، عده‌ای از عناصر دولتی از برگزاری راهپیمایی در روز جهانی کارگر ممانعت می کنند.

افزایش ۲۰۰ هزار نفری جمعیت بیکار کشور

احمدی نژاد و دولتش در حالی اصرار دارند سال گذشته یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کرده اند که گزارش اخیرا مرکز آمار نشان می دهد نه تنها این ادعا دروغ است و در زمستان گذشته ۲۰۰ هزار نفر هم به جمعیت بیکاران افزوده شده است.

براساس گزارش جدید مرکز آمار، نرخ بیکاری در زمستان با ۲،۳ درصد افزایش به ۱۴،۱ درصد رسیده که این تغییر به معنای افزایش جمعیت بیکاران کشور از ۲،۶ میلیون نفر به دو میلیون ۸۷۷ هزار نفر در عرض تنها سه ماه آخر سال ۹۰ است.

اخبار کوتاه

افزایش نرخ تعرفه های درمانی

رئیس سازمان نظام پزشکی از موافقت وزارت بهداشت با پیشنهاد این سازمان پیرامون افزایش حدود ۳۰ درصدی تعرفه پزشکی در سال ۹۱ خبر داد.به گفته شهاب الدین صدر میزان تعرفه‌های پزشکی امسال با در نظر گرفتن نرخ تورم تعیین خواهد شد.

تعلیق فعالیت یک تشکل منتقد

در پی شکایتهای متعدد بسیج دانشجویی،هیئت نظارت بر تشکلهای دانشجویی دانشگاه شهید عباسپور، انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه را تعلیق کرد.فشار برای توقف فعالیت های این انجمن پس از برنامه سخنرانی حسین شریعتمداری در ۲۰ آذر ماه سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسیده بود.

وجدان بیدار نایاب شد

در پی پیشنهاد میرحسین موسوی برای مطالعه کتاب وجدان بیدار نوشته «اشتفان تسوایگ »، این کتاب نایاب شد و نسخه کپی شده آن به بازار کتاب آمده است.این در حالی است که گفته می شود وزارت ارشاد از چاپ مجدد آن ممانعت کرده است.

اعتصاب غذای دوباره رضا شهابی

در آستانه روز جهانی کارگر، رضاشهابی فعال کارگری در پی وخامت حالش در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی و تحقق نیافتن وعده های مقامات قضایی دست به اعتصاب غذا زده و اعلام کرده تا آزادی و اجازه صدور درمان به اعتصابش ادامه می دهد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۱ شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندانها محبوس هستند پای بندان سرسخت استقلال کشور هستیم. ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم.

رنجنامه مسئول پشتیبانی جنگ از داخل زندان به رهبری

شجاعت داشته باشید، خواست ملت را بپذیرید

محمدرضا معتمدنیا ،زندانی سیاسی که این روزها در اعتصاب غذاست ،طی نامه ای سرگشاده به رهبری ضمن انتقاد از عملکرد وی با طرح سوالاتی خطاب به او نوشته است: آنچه امروز نجات بخش شما خواهد بود «شجاعت» است. شجاعت در پذیرش اشتباه، شجاعت در پذیرش خواست و اراده ملت و از همه مهمتر شجاعت در مقابل هوس قدرت و مقام.

معتمد نیا مشاور شهیدان باهنر و رجایی و هم چنین مسول پشتیبانی جنگ در دوران نخست وزیری مهندس موسوی که اعلام کرده تا رفع کامل حصر خانگی نخست وزیر امام اعتصاب غذا بسر خواهد برد،با دستور مسئولان زندان اوین به سلول انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شده بود که بدلیل بدحالی و افت شدید فشار به بیمارستانی خارج از زندان انتقال یافت و پس از ساعاتی به انفرادی بند ۲۴۰ بازگردانده شد.

به گزارش کلمه،در نامه او خطاب به رهبری می خوانیم :

طی مدت قریب به یکسالی که در بندهای مختلف زندان اوین به سر برده ام با صحنه هایی مواجه شدم که پذیرش رخداد آن در سایه نظامی که با عنوان صدها هزار شهید و جانباز شکل گرفته برایم تلخ و باور ناپذیر است. چگونه ممکن است میراث خوار آن همه فداکاری و ایثار که جنابعالی باشید، به خود اجازه می دهد جوانی ۲۰ ساله را صرفا به اتهام پیامکی انتقادی علیه حکومت یا شخص رهبر آن مقدار در سلول انفرادی و زندان نگاه دارد که خود در دوره مبارزه علیه طاغوت پهلوی حتی یک دهم آن را هم به عنوان یکی از رهبران نهضت تجربه و چه بسا تصور هم نکرده است. والله که پشیزی انصاف هم بد نیست.

باور بفرمایید که شاید بتوان نام «میرحسین موسوی» را از روی برگه های رای میلیون ها ایرانی بیرون کشید اما علاقه ای را که نسبت به این خدمتگذار صدیق و قهرمان مبارزه با استبداد و دروغ در قلوب ملت رسوخ کرده نمی توان با سرکوب و تهمت و یاوه گویی از دل ها زدود.

واقعیت آن است که در پاسخ به این پرسش در مانده ام که با چه توجیهی سیل میلیونها مخالف خود را که البته بارها در خیابانهای تهران و شهرستانها جاری شده یکسره فتنه گر و میکروب می خوانید .گرچه هنگامی که جان و حرمت خون مخالفان خود را در خطبه های نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ به هیچ انگاشته و با اردو کشی نامیدن تظاهرات قانونی و مشروع مردم زمینه را فراهم ساختید که فردای آنروز به یکی از تلخ ترین و خونبارترین سرکوبهای پس از انتخابات بدل شود و مگر در ادامه همان سیاستگذاری علنی نبود که عده ای از ماموران و قضات دست نشانده برای تقویت هرچه بیشتر سطح شکنجه ها در بازداشتگاههای مختلف از جمله کهریزک را بدان پایه رساندند که از شدت قساوت آن دستکم ۴ جوان کشته شدند و بر عده فراوان دیگری چنان آسیبهای جسمی و روحی وارد آمد که معلوم نیست چه زمانی آثار آن مرتفع شود و شما بدانید که نمونه های قتل حاصل از شکنجه در دنیا به استثنای مواردی چون حکومتهای بشار اسد و قذافی و هیتلر امری نادر و کمیاب است.

جناب آقای خامنه ای

وضع معیشتی مردم امری نیست که با تبلیغات تلویزیونی و وارونه نمایی حقایق و ارائه آمارهای دروغین از تورم و بیکاری بتوان آن را پوشاند. دستاورد عمده دولت منصوب و محبوب شما چیزی نیست جز به راه انداختن موجی که هر روز گروههای بیشتری از مردم را در بر می گیرد و بی محابا در جریان است و نامی بر آن جز «موج فلاکت» نمی توان گذاشت. طی این مدت نه تنها نفت بر سر سفره مردم نیامد بلکه امید به تهیه اندک نان و نمکی هم رو به زوال رفته است.

امروزه در شرایطی که تنها در دوره اول ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد مجموع درآمدهای نفتی برابر با تمامی تاریخ فروش نفت ایران بوده و درآمدهای حاصل از آزادسازی قیمتها و حذف یارانه ها فروش شرکتها و املاک دولتی بطور بی سابقه ای افزایش یافته مردم با چنان وضع نابسامانی مواجهند که هیچکس اطمینانی نسبت به فردای خویش ندارد، با وجود سرکوبهای وسیع، روزی نیست که صدها کارگر بدلیل عدم دریافت حقوق و یا اخراج دست به تجمع نزده باشند.وضعیت واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ نیز که اظهر من الشمس است.این همان رونق و جهاد اقتصادی بود که وعده داده بودند؟و آیا در چنین شرایطی سردادن شعار «تولید ملی» حکایت از توسل به سیاست فریب و فرافکنی ندارد؟

و محبوبیت حضرت عالی در میان عموم مردم؟ اگر در چنین رویای شیرینی هستیدباید بگویم که خیر، این نمایشی که برگزار کردید نه تنها حماسه ای غرور آفرین نبود بلکه تراژدی غم باری بود در رثای جمهوریت برباد رفته نظام مقدس جمهوری اسلامی.

جناب آقای خامنه ای

امروز که در حبسم و ضعف ناشی از اعتصاب غذا را تحمل می کنم یکی از عمده ترین دردهایی که قلبم را می فشارد حبس و حصر رهبران جنبش سبز و وضعیت جناب مهندس موسوی و همسر دانشمند و گرانقدرش خانم زهرا رهنورد و همچنین حجت الاسلام مهدی کروبی است. بصراحت عرض می کنم آنچه با این بزرگواران کردید لکه ننگی است که تا ابد از دامان شما و مجموعه حلقه به گوشتان پاک نمی شود.من میدانم هنوز به جهت حفظ ظاهر هم شده در محل کار و بیت خود تصویری از حضرت امام راحل بر روی دیوار نگاه می دارید اما نمی دانم که چگونه شرم نمی کنید وقتی به این تصویر نگاه می کنید در حالیکه نزدیکترین و محبوب ترین یاران حضرت امام را یا چون آقایان موسوی و کروبی در حصر و حبس کرده اید.کسانی که به شک به مراتب نسبت به شما در شکل گیری و پیروزی انقلاب و در دوره مبارزه علیه استبداد پیشگام تر بودند.دائما دم از خط امام می زنید اما عملکردتان چیزی جز عقده گشایی نسبت حضرت امام و نزدیکان آن رهبر مردمی نیست.

اینک شما بر سر یک دوراهی تاریخی قرار دارید، یک راه همسویی با اراده ملت و احترام به حق انتخاب آزادانه آنان بر سرنوشتشان است و انتخاب دیگر تقابل با ملت.فرصت را دریابید چه بسا در آینده با الزام ها روبرو شوید نه با انتخاب ها.

نیک می دانم کینه و حقدی که امروز در درون شما نسبت به نخست وزیر محبوب امام ریشه دوانده از کجا ناشی می شود؛ وقتی در جلسه آخر هیئت دولت در پایان اولین دور ریاست جمهوریتان جناب مهندس میرحسین را تهدید به تعویض کردید من آنجا بودم و از نگاه خصمانه آن روزتان هراسی نگران کننده در دلم افتاد.

به شما مشفقانه توصیه می کنم کینه و حسادتی که نسبت به جناب میرحسین موسوی در دل داشتید و در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر و با مشاهده میزان محبوبیت ایشان در دل توده های مردم آن هم پس از بیست سال سکوت، صد چندان شد از قلب خود بیرون کنید و باور بفرمایید شاید بتوان نام «میرحسین موسوی» را از روی برگه های رای میلیون ها ایرانی بیرون کشید اما علاقه ای را که نسبت به این خدمتگذار صدیق و قهرمان مبارزه با استبداد و دروغ در قلوب ملت رسوخ کرده نمی توان با سرکوب و تهمت و یاوه گویی از دلها زدود.

جناب آقای خامنه ای

آنچه امروز نجات بخش شما خواهد بود «شجاعت» است. شجاعت در پذیرش اشتباه، شجاعت در پذیرش خواست و اراده ملت و از همه مهمتر شجاعت در مقابل هوس قدرت و مقام. بزودی همه واقعیتها آشکار و در معرض داوری افکار عمومی، تاریخ و در مرحله بالاتر ذات اقدس الهی قرار خواهد گرفت که برای شما بدنامی دارد که بگویند در برابر آنها که دشمنان خارجی و استکبار بین المللی می نامید پس از مدتی فشار تحریم و تهدید تن به گفتگو و مصالحه می دهید و اما در برابر ملت خود حاضر به خضوع و گفتگو با نمایندگان واقعی آنها نیستید و در سرکوب آنها بی پروا عمل می کنید.

اینک شما بر سر یک دوراهی تاریخی قرار دارید، یک راه همسویی با اراده ملت و احترام به حق انتخاب آزادانه آنان بر سرنوشتشان است و انتخاب دیگر تقابل با ملت.فرصت را دریابید چه بسا در آینده با الزام ها روبرو شوید نه با انتخاب ها.

احتمال اعتصاب دوباره بازاریان تهران

بازاریان تهرانی این روزها در تدارک یک حرکت اعتراضی جدید علیه تلاش دولت برای اخذ مالیات بیشتر هستند.

به گزارش کلمه،در پی فراخوان بازاریان تهران به اداره مالیات برای افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده، برخی از اصناف بازار تهران اعلام کرده اند که از اوایل اردیبهشت ماه دست به اعتصاب خواهند زد.

اداره مالیات با اعلام افزایش درصد مالیات بر ارزش افزوده در سال جدید، در شرایطی بار دیگر نگرانی و اعتراض بازاریان برانگیخته که مطلعان پیش بینی می کنند با توجه به رکود بازار، افزایش شدید نرخ تورم و فشار بر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا، اعتصاب امسال بازاریان به مراتب گسترده‌تر از سال قبل باشد.

احضار فعالان کارگری در آستانه روز کارگر

با نزدیک شدن به روز جهانی کارگر نهادهای امنیتی شماری از فعالان کارگری را احضار و تهدید کرده اند.

به گزارش کلمه، گروهی از فعالان کارگری نیز از تماس های تهدیدآمیز ماموران امنیتی خبر داده اند و می گویند حاکمیت نگران است که گسترش اعتراضات کارگری در روزهای آینده به نوعی تقابل با حاکمیت در روز جهانی کارگر منتهی شود.

حکم محرومیت از تحصیل برای مجید توکلی

حکم محرومیت مجید توکلی از ادامه تحصیل به خانواده وی ابلاغ شد.

در متن این حکم از سوی اداره کل امور آموزشی دانشگاه صنعتی امیرکبیر به خانواده وی ابلاغ شده که مجید توکلی از ترم دوم سال ۱۳۸۸ از ادامه تحصیل محروم شده است. این در حالی است که حکم محرومیت مادام العمر او از ادامه تحصیل توسط قاضی صلواتی و با درخواست وزارت علوم پیشتر صادر شده بود.

بازداشت یکی از هواداران نهضت آزادی

جعفر گنجی، فعال ملی – مذهبی و از هواداران نهضت آزادی ایران، بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

جعفر گنجی به حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و به اتهامهایی نظیر اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت با تشکیل و راه اندازی گروه مطالعه تاریخ، حضور در تجمعات غیر قانونی و فعالیت تبلیغی علیه نظام به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده است.

محرومیت برخی ناشران از حضور در نمایشگاه

بهمن درّی معاون امور فرهنگی وزارت ارشاد اعلام کرده به ناشرانی که به عرضه کتاب‌هایی با مضامین ضدشیعی و وهابیت می‌پردازند، و یا تمامیت ارضی و ارزش‌های اخلاقی جامعه را خدشه‌دار می‌کنند، برای حضور در نمایشگاه کتاب اجازه نمی‌دهیم.این در حالیست که هیچ کتابی بدون بررسی و بازبینی و ممیزی وزارت ارشاد امکان چاپ و باز نشر ندارد.به گفته او این ناشران از شرکت در کلیه نمایشگاه‌های کتاب به مدت پنج سال محروم می‌شوند.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۲ دوشنبه ۴ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما می گوییم نهاد بزرگ و تاثیر گذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می شود و هم کشور را به فساد می کشاند .

حاکمان در رسوایی برزیل خطاهای گذشته را تکرار می کنند

سرمقاله

محمد تقی کروبی – خبر و اتهام تعدی جنسی کارشناس ارشد سفارت ایران در برازیلیا به چند دختر نوجوان در یک استخر شنا در رسانه های مختلف پوشش داده شد. آنچه موجب نگارش این چند خط شد رویه نگران کننده مسوولان کشور در حمایت مطلق از ماموران حکومتی اعم از انتظامی، اداری و سیاسی است که به یک اصل خدشه ناپذیر تبدیل شده است. در این راستا با توسل به "دکترین تکذیب" همواره اصل موضوع را پیش از رسیدگی ماهوی انکار و هاله ای از اطمینان برای متخلفان فراهم می کنند. این دکترین بنا به ارتباط مامور به مراکز قدرت امکان هر عمل غیر قانونی و نامشروع را به کارگزار مربوطه می دهد زیرا می داند که در صورت افشاء، افشا کنندگان "عامل بیگانه" و یا "مزدور استکبار" خوانده و مرتکب با یک جابجایی کوچک نه تنها رانده نمی شود بلکه ارتقای مقام یافته و به خدمت خود ادامه خواهد داد.در موضوع اخیر سفارت جمهوری اسلامی بدون پرداختن به اینکه دیپلمات مذکور در استخر مختلط چه می کرده به تکذیب موضوع آزار جنسی پرداخته و مدعی سوء تفاهمی ناشی از تفاوت در رفتارهای فرهنگی شده است. بدین معنی که در فرهنگ ایران زمین لمس جنسی نوجوانان امری عادی و مرسوم است. نویسندگان اطلاعیه توجه نکردند که ادبیات انکار و ماست مالی ناشیانه که هدف به تبرئه یک فرد داشته یک کشور را در معرض اتهام غیر اخلاقی قرار داده است .

ریشه این اشتباه به رویکرد مقامات نظام بر می گردد که فکر می کنند افشاء این قبیل رسوایی ها موجب سرخوردگی و یاس مردم مسلمان می گردد، لذا باید بگویم در نظام الهی و اسلامی ما همه چیز بر وفق مراد است و آمر و مامور مصون از خطا و اشتباه هستند، و اگر روزی بر حسب شرایط مانند قتل های زنجیره ای پذیرفتیم که در سیستم حکومتی افرادی مرتکب جنایت و یا خیانت شدند، باید انگشت اتهام را متوجه موساد و سیا کرد . تخلف مامور و یا مامورین خواه با دستور آمر باشد و یا بدون آن ، مهم آن است که مقامات کشور چگونه با آن برخورد کنند. آیا دستگاه عدالت در محکمه ای صالح و مستقل و علنی به محاکمه متهمین مبادرت می کند؟ اما انکار موضوع و برخورد با افشاء کنندگان به جای متخلفان جز یاس و ناامیدی نسبت به حاکمان چیزی بدنبال نخواهد داشت.

شاید لازم باشد برای یاد آوری و درس از حوادث گذشته تنها به چند مورد اشاره شود:

• مرگ مشکوک مرحومه دکتر زهرا بنی یعقوب که در شب عید فطر از کنار نامزدش به اتهام واهی به نیروی انتظامی برده شد و فردا جنازه اش تحویل داده شد.

• ماجرای کهریزک و شهادت ۴ فرزند برومند این کشور و گماردن متهم ردیف اول آن جنایت در ستاد مبارزه با قاچاق ارز و کالا!

• انتقام از کروبی بخاطر بیان آنچه که نباید می گفت. اگر مبنای حبس غیر قانونی ۱۵ ماه گذشته رهبران جنبش سبز را دعوت مشترک آنان از مردم در حمایت از قیام مردم تونس و مصر(۲۵ بهمن ۸۹) بدانیم، نباید شاهد مجازات گزینشی باشیم. آیا تحمیل شرایط متفاوت و سختگیرانه به پدرم دلیلی جز افشای جنایات تکان دهنده بازداشتگاه ها دارد؟

برای این فعال حقوق بشر شش سال حبس بریده‌اند
بازداشت نرگس محمدی، با وجود دو فرزند

تقی رحمانی به دنبال بازداشت همسرش نرگس محمدی، از بیماری این فعال حقوق بشر که ناگهان دچار فلج عضلانی می شود و هم چنین مساله نگهداری دو کودک خردسال خود ابراز نگرانی کرد.

این فعال سیاسی که در پی فشارها و تهدیدهای حکومتی از ایران خارج شده است، در گفت و گو با کلمه با اشاره به وضعیت همسرش که پزشکان گفته اند باید جایی باشد که بتواند راحت تر باشد و فشار کمتری رویش باشد، اظهار کرد: متاسفانه این دستگیری باز برایش مساله ایجاد می کند.

نرگس محمدی که چندی پیش به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد ، روز شنبه در پی احضار به اداره اطلاعات زنجان بازداشت و به بند زنان زندان اوین منتقل شده است که همسرش در این خصوص با اشاره به اینکه معمولا روش های دستگیری عجیب و غریب است ، افزود : ما می توانیم سر و صدا هم بکنیم ولی این ها غالبا برای روش های دستگیری پاسخگو نیستند.

رحمانی گفت: بچه ها نمی دانند چه اتفاقی افتاده، فعلا می گویند مامان نیست. ما فکر می کردیم که با توجه به اینکه خودشان گفته بودند از تهران خارج شود و عملا نرگس به خاطر مریضی اش قادر به فعالیت خاصی نبود اصلا حکم اجرا نخواهد شد که حالا دیدیم مثل اینکه آرام نمی نشینند

این فعال سیاسی خاطرنشان کرد : به پدر مادر نرگس گفته بودند ایشان چون حکم داشته از تهران متواری شده در صورتی که این هم یک دروغ است چون اینها خودشان می دانستند که ما زنجانیم و به دستور خودشان ما از آبان ۱۳۹۰ در یک تبعید ناخواسته به سر می بردیم .

وی با توضیح اینکه بازجوها خیلی در بازجویی هایشان دم از اخلاق و اسلام و منش اسلامی می زنند ، اشاره کرد : این توقع وجود دارد وقتی کسی می گوید من نماز می خوانم و روزه می گیرم و اعتقاد به خدا و قیامت دارم، لااقل در اتهام زنی این جوانمردی را داشته باشند که درست تر با انسانها برخورد کند.

وضعیت محمد علی ولایتی در اوین به شدت نگران کننده است

وضعیت محمد علی ولایتی زندانی سیاسی که معاونت امور استانهای ستاد مردمی مهندس موسوی را در انتخابات ۱۳۸۸ عهده دار بود و بیش از ۴۰ روز در اعتصاب غذا به سر می رود، نگران کننده است و این در حالی است که به گفته دختر وی مسوولان حاضر به عملی شدن هیچ یک از درخواست های او نشده اند.

قدرت پایین تکلم بر اثر ضعف، نوسان فشار خون، رعشه های گاه و بیگاه در طول روز و خونریزی بینی هر چند روز یکبار اخبار نگران کننده ای است که دختر این زندانی سیاسی در گفت و گو با کلمه مطرح کرده و با بیان اینکه یکی از درخواست های پدر دیدار با دادستان و اعاده دادرسی بوده، هشدار می دهد: پدرم بیش از ۱۵ کیلو کاهش وزن داشته و با توجه به اینکه کم خونی و مشکل معده و ناراحتی دیسک کمر دارند و از بیماری های نخاعی رنج می برند و همچنین سکته قلبی در خانواده پدرم ارثی است

تبلیغات زودهنگام ریاست جمهوری

در حالی که بیش از یکسال به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم مانده است، رسانه های محافظه کاران پر شده است از اخبار و شایعات مربوط به چگونگی شرکت اصلاح طلبان در این انتخابات.

جدای از صحت و کذب اخبار منتشر شده که تاکنون از سوی هیچیک از شخصیت های اصلاح طلب مورد تایید قرار نگرفته است، بنظر می آید در آستانه برگزاری دور دوم انتخابات فرمایشی مجلس نهم که با استقبال کمرنگ مردم رو به رو شده است، گروه های باصطلاح اصولگرا تلاش دارند بار دیگر تنور انتخاباتی را گرم کرده و نان خود را از آن بیرون بیاورند.همانهایی که امروز بعد از گذشت نزدیک به سه سال حاضر نیستند به خطاها و اشتباهات استراتژیک خود در حمایت از این رییس متخلف دولت اشاره کنند، در یک اقدام زودرس و عقیم سیاسی، تبلیغات انتخابات ریاست را کلید زده و دلنگرانی های خود را از عدم حضور اصلاح طلبان با جعل اخبار و انتشار شایعات به نمایش می گذارند.

بی شک تا قبل از آزادی همه زندانیان سیاسی، تضمین حداقل آزادی های سیاسی، رسیدگی به پرونده متهمان جنایت کهریزک و کوی دانشگاه و دلجویی از خانواده های آسیب دیدگان حوادث پس از انتخابات، بحث شرکت در هر رقابت انتخاباتی از سوی اصلاح طلبان بی فایده است.

برای سبزها نهاد انتخابات اصلی ترین و کلیدی ترین راهکار رسیدن به اهداف اصلاح طلبانه است و شرکت در یک انتخابات قانونی، منصفانه و رقابتی آمال آنهاست، اما این شرکت مشروط به مقدمات و ملزوماتی است که در حال حاضر فضای سیاسی کشور فاقد آن است و تبلیغات زود رس که تنها با هدف انحراف افکار عمومی از توجه به سو مدیریت و بی کفایتی مسئولان در اداره امور جامعه، گرانی های افسار گسیخته، سیاست خارجی ماجراجویانه، تحریم های گسترده بین المللی و ده ها کاستی دیگر صورت می گیرد، راهکار مناسبی بنظر نمی آید.

همانطور که میرحسین موسوی بارها طی سه سال گذشته تاکید کرده است " تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد . این قانون باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه ها تضمین کند و جلوی دخالتهای سلیقه ای و جناحی دست اندرکاران را بگیرد" تنها راهکاری است که می تواند از هم اکنون مد نظر آنانی باشد که مشتاق شرکت اصلاح طلبان در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری هستند.

در غیر اینصورت، آزموده را آزمودن دوباره خطاست و بی شک مردمی که هنوز پاسخ پرسش ساده " رای من کجاست؟" را نگرفته اند، هیزم تنور انتخاباتی نخواهند شد و امیدی به شرکت در هیچ انتخاباتی نخواهند داشت.

اخبار کوتاه

ابراهیم یزدی به اوین فراخوانده شد

ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران در حالی برای اجرای حکم هشت سال حبس به زندان اوین فراخوانده شده که از کهولت سن و سرطان پروستات رنج می‌برد و نظر پزشکان این است که وی از نظر شرایط جسمانی قادر به تحمل زندان نیست.

تجمع دوباره کارگران خوزستانی

کارگران کارخانه لوله‌سازی خوزستان که بیش از ۲۵ ماه حقوق طلب دارند ، باز هم مقابل استانداری تجمع کردند.این کارخانه، حدود ۴۰۰ کارگر رسمی و قراردادی دارد که ۵ سال است با مشکلات این شرکت دست و پنجه نرم می‌کنند و به مشکلات آنها رسیدگی نمی شود.

آزادی مسوول کمیته علمی ستاد جوانان مهندس موسوی

حسین نیکخواه، مسئول کمیته علمی ستاد جوانان میرحسین موسوی، پس از گذراندن مدت محکومیت از زندان آزاد شد.

آقای نیکخواه که به شش ماه حبس تعزیری و یک سال و نیم حبس تعلیقی محکوم شده بود، از آذرماه گذشته در بند ۳۵۰ اوین زندانی بود.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۳ شنبه ۹ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما «امید» را سرمایه خود قرار داده‌ایم تا حاکی از هویت ایرانی‌مان باشد؛ امیدی که این ملت را از گردنه‌های سخت تاریخ عبور داده و حیات او را در تلخ‌ترین روزهای این سرزمین تداوم بخشیده است؛ راه سبز امید.

تهدید مهندس موسوی با چه پشتوانه‌ای؟

بی خبری مطلق از وضعیت موسوی و رهنورد

سرمقاله

باید از صداقت آقای باهنر تشکر کرد که اولین بار به عنوان یک مسئول رسمی در جمهوری اسلامی اعتراف کرده اند مهندس موسوی در حصر و بلکه بازداشت خانگی است. برای مدعیان مدیریت دنیا و تصدی امور مسلمین جهان خیلی زشت بود که جرات نداشته باشند مسئولیت کار خودشان را بپذیرند و رسما اعلام کنند که نخست وزیر و رئیس مجلس سالیان گذشته در آزادترین مملکت دنیا زندانی اند. به هرحال این صداقت حتی اگر به خاطر نزدیک شدن انتخابات دور دوم و با هدف کمی سر و صدای بیشتر و چند رای بیشتر باشد، جای تقدیر دارد.باز هم باید از صداقت ایشان تشکر کنم که اعتراف کرده اند یک هفته بعد از انتخابات به همراه دوستان اصولگرایشان به سراغ میرحسین موسوی رفته اند تا تهدیدش کنند. عین حرف آقای باهنر به شکلی که در رسانه ها آمده، این است: "من در دیداری که با عده‌ای دیگر از دوستان یک هفته بعد از انتخابات به نزد موسوی رفته بودیم، به وی گفتم هر نظامی اپوزیسیون لازم دارد اما باید داخل نظام باشد و تو اگر حزب اپوزیسیون داخل نظام تشکیل دهی، من از تشکیل حزبت دفاع می‌کنم اما مسلماً من هرگز نمی‌توانم در حزبی که موسوی یا خاتمی راه بیندازند، حضور داشته باشم، ولی اگر بخواهی اپوزیسیون خارج نظام باشی، به تو هشدار می‌دهم که این راه همه چیز دارد، ازجمله زندان، تبعید، اعدام و ..."

جا دارد از آقای نایب رئیس مجلس بپرسیم چطور و به چه پشتوانه ای به این راحتی یک هفته بعد از انتخابات، نامزد انتخابات ریاست جمهوری با (طبق ادعای حکومت) ۱۳ میلیون رای را به زندان و تبعید و اعدام محکوم کرده اند؟ و چقدر مهندس موسوی با اغماض و بزرگواری برخورد کرد که تا روز حصر هم صحبتی از این تهدید و رفتار توهین آمیز شما نکرد؟ واقعا جمهوری اسلامی اینقدر بی صاحب شده که چند مسئول مملکتی در روز روشن عضو مجمع تشخیص و نامزد ریاست جمهوری اش را اینطور راحت تهدید به اعدام و تبعید می کنند؟ یا خاک امام اینقدر سرد شده که نخست وزیر محبوبش در نظام امام باید به اعدام تهدید شود؟آقای باهنر در سخنرانش اش گفته "آخرین فردی که در این مملکت به بازداشت خانگی مهندس موسوی راضی شد، رهبر معظم انقلاب بود" و نیز لو داده که این آقای قاتل یا به قول خودشان قاضی، دو هفته بعد از انتخابات ۸۸ گفته است: "آقای حسینیان دو هفته بعد از ۲۲خرداد در مجلس گفتند این سه نفر را به من بدهید تا اعدامشان کنم و غائله بخوابد."آقای باهنر. باز صد رحمت به صداقت شما، اگرچه به شدت بوی سیاست می دهد. نیاز به گفتن شما نبود و همه می دانستند که مهندس موسوی با نظر رهبری حصر شده است. باز نیاز به گفتن شما نبود و آقای حسینیان خودش سالهای قبل اعتراف کرده بود که "والا ما خودمان یک زمان قاتل بودیم." البته بعدا گفتند که گفته بودیم قاضی بودیم، و با این توضیحی که داده بودید چندان فرقی هم نمی کند.

یک بار دیگر بخوانیم: "این سه نفر را به من بدهید تا اعدامشان کنم و غائله بخوابد." این است عدالت آقای قاضی که خودش می گوید قاتل نگفتم و نیستم! همین هم بوده که تا حالا یکی از شما مسئولان جسارت و شرافت را به هم نیامیخته اید تا بگویید بالاخره چند نفر را در حوادث بعد از انتخابات کشته اید. کشته اید هم نه، بگویید زیردستان متخلفتان، همان ماموران خودسر که شاید سرنخشان هم به موساد و سیا برسد، چند نفر را روانه قبرستان کرده اند. بگویید این تخلفاتی که آقای رفیق دوست چند روز قبل گفته بود و ماموران خاطی که با آنها برخورد شده و ... چند نفر کشته و چند مجروح و آسیب دیده داشت و نظام با بازماندگان آنها چه کرد.

پس از ملاقات چند ساعته نوروزی و نیز دو تماس محدود تلفنی، هم اکنون بیش از دو هفته است که خانواده به طور مطلق، هیچ خبری از آنها ندارند و در این مدت، علاوه بر امکان تماس تلفنی و احوالپرسی ساده ، امکان کسب خبر از آنها نیز به طور عجیبی سلب شده است. آنها اخیرا در صحبتی تلفنی با مادر پیر رهنورد، به وی گفته اند که به ایشان اجازه تماس تلفنی با فرزندان را نخواهند داد.

در حالی که میرحسین و رهنورد در دیدار کوتاه نوروزی خود بر سلامتشان تاکید کرده اند ، خبرپراکنی های غیرمسئولانه درباره سلامت جسمی میرحسین که منشأ آنها به نهادهای امنیتی می رسد ، بر نگرانی خانواده افزوده است. با توجه به حصر کامل این دو همراه جنبش سبز، تنها منبع مسئول درباره وضعیت

میرحسین و رهنورد، نهادهای امنیتی هستند که آنها نیز تاکنون از قبول مسئولیت در این زمینه طفره رفته اند.

بر اساس این گزارش، محل قرارگیری خانه ای که این دو در آن زندانی اند، در فضای کاملا محافظت شده ی خیابان پاستور و در بن بست باریک اختر، اکنون با انواع درهای بلند و قطور و موانع امنیتی از چشم عابران پنهان تر از قبل شده است. این خانه در همسایگی یکی از پایگاههای حفاظت اطلاعات سپاه و چند نهاد امنیتی دیگر قرار دارد و ایزوله بودن شدید آنها در حالت عادی نیز خود به تنهایی موجب نگرانی است.

بی خبری اخیر که باعث نگرانی خانواده و نزدیکان میرحسین شده بود، سبب شد که در روزهای گذشته برخی اقوام مهندس موسوی و خانم رهنورد به منزل کوچه اختر مراجعه کنند اما آنها بار دیگر با پاسخ تکراری و غیر مسئولانه ی زندانبانان مواجه شدند که می گفتند : کسی اینجا زندگی نمی کند. آنها می گفتند به همان جایی که شایعه شده موسوی آنجاست مراجعه کنید؛ اینجا خانه موسوی نیست!

این چندمین بار است که چنین سخن غیر مسئولانه ای از سوی ماموران مستقر در منزل مهندس موسوی بیان می شود ، در طول چهارده ماهی که از بازداشت خانگی آنها می گذرد، ماههای طولانی ای که هیچ خبر و حتی صدا یا نوری از آن ساختمان ها به بیرون نمی رسید و خانواده در دوره های زمانی طولانی در بی خبری از آن دو قرار می گرفتند، همواره از عوامل تشدید کننده نگرانی ها بوده است.

تکذیب خبر همراهی پسر کروبی در سفر به کاشان

در پی انتشار گزارش هایی در مورد سفر مهدی کروبی به کاشان به همراهی پسرش، همسر وی در توضیح این خبر گفته است که این رسانه ها «دروغ می گویند و پسران من بعد از عید، اصلا پدرشان را ندیده اند چه برسد به همراهی.فاطمه کروبی در این خصوص به کلمه می گوید: این سفر به اجبار، بدون اطلاع خانواده و بدون حضور پسرانش انجام شده است. وی توضیح می دهد : بعد از مدتی که ممنوع الملاقات بودم، از عید امسال روزهای چهارشنبه به من ملاقات می دهند که خبردار شدم آقای کروبی را برند بیرون از شهر. خودشان خبر نداشتند برنامه چیست. فقط به ایشان گفته شده که می رویم بیرون، که حرکت کردند به سمت قم و کاشان و امامزاده و مسجدی هم رفته اند و غذا خورده بودند و شب هم به محل حبس خودشان بر گردانده شدند.

مردمی هم گذری رد شده بودند که چند

نفری هم جلو آمده بودند و سلام و علیک کردند با ایشان. این همه ی اطلاع ما از این سفر ایشان است.

وی در ادامه با اشاره به سن و سال مهدی کروبی می افزاید: حالا بعد از ۱۵ ماه این همه فشار و محدودیت، یک روز برند و باز هم در همان شرایط چرخاندند و حالا دارند این طور روی آن تبلیغات می کنند. طبیعی است که ایشان از نظر جسمی بالاخره به حدی رسیده اند که نیاز هست از این کارها بکنند وگرنه خطرناک میشود. اما من واقعا نمی فهمم. تعجب کردم از این واکنش های کیهان و رسانه های آنها، و فقط می توانم بگویم متاسفم.وی می گوید: من را مجبور کرده اند خانه ای با شرایطی که خودشان می گویند اجاره کنم و هر ماه مبلغ زیادی هزینه ی آن می شود. با این همه شرایط و سختی ها که تحمیل کردند و می کنند، حالا یک سفر اجباری و یک روزه که هیچ جذابیتی هم نداشته برند که بگویند فشار نیست؟ ما این را می گذاریم به قضاوت خود مردم و ملت. فاطمه کروبی با اشاره به اینکه ۱۵ ماه زندانی و دور از خانه و خانواده در انفرادی و محرومیت ها کمترین هزینه در برابر هدفی است که ایشان دارند، می افزاید: این راهی است که خودشان آن را قبول کردند و همیشه می گویند راه ما راه امام و انقلاب و خون شهدا است و تا رسیدن به روزی که قانون اساسی کاملا رعایت شود، این راه را ادامه خواهیم داد.

قدیانی در دادگاه : رهبری بزرگترین ضربه را به نظام زد

ابوالفضل قدیانی زندانی سیاسی که تاکنون به دلیل غیر قانونی دانستن دادگاه انقلاب از حضور در جلسه دادگاه خودداری کرده است ، در پی شیوه فریبکارانه ماموران زندان اوین که او را به بهانه انتقال به بیمارستان به دادگاه بردند ، در پاسخ به این گفته قاضی مقیسه که «به هر حال شما متهم هستید و من موظفم اتهام علیه تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری را به شما تفهیم کنم» تصریح کرد: بزرگترین مبلغ علیه جمهوری اسلامی آقای خامنه ای است. هم ایشان که در شهر قم مردم ایران را میکروب دانست.آقای خامنه ای طاغوت زمان است و من ۵۰ سال عمر خود را مبارزه نکرده ام که امروز او این گونه با خودکامگی سلطنت کند.

قدرت خرید مردم ۴۰ درصد کاهش یافته است

به گفته الیاس نادران عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ، اجرای نادرست طرح هدفمندی یارانه ها از سوی دولت باعث شده قدرت خرید خانوارها ۴۰ درصد کاهش یابد.

او گفت : وقتی متوسط افزایش قیمت ها ۲۰ درصد باشد یعنی کل یارانه ای که دریافت می کنند از بعد مصرفی خارج می شود.

نادران تصریح کرد: در اجرای قانون هدفمندی یارانه ها چندین تخلف صورت گرفته و به همین دلیل افزایش قیمت داشته ایم و قانون افزایش تدریجی قیمت ها عمل نشده و دولت در واکنش به افزایش قیمت گاز و برق عقب نشینی کرده است.

اخبار کوتاه

هشدار به وضعیت وخیم حسین رونقی

پزشکان و متخصصان بهداری زندان اوین نسبت به وضعیت جسمی حسین رونقی زندانی سیاسی که در اعتصاب درمانی به سر می برد ، هشدار داده اند .

به گزارش کلمه، سید حسین رونقی ملکی به خاطر وضعیت بد جسمی و دخالت سپاه و بازجویان در روند پرونده خویش در داخل زندان از هرگونه درمان و انجام عمل جراحی خودداری کرده است.

فشار برای حذف واژه "شهید" از سنگ قبر رمضانی

خانواده بهنود رمضانی از جان باختگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ناگزیر شده اند با دستور نهادهای امنیتی سنگ قبر فرزند خود را تغییر دهند.

بر سنگ قبر اولیه وی ، یک شعر سیاسی نوشته شده بود که در آن واژه «شهید» به چشم می آمد که گفته شده باید واژه «شهید» از کنار نامش حذف شود.

چین هم واردات نفت از ایران را کاهش داد

میزان واردات نفت چین از ایران در مارس ۲۰۱۲ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۴ درصد کاهش یافته است.

با نزدیک شدن به زمان تحریم های اتحادیه اروپا، میزان واردات نفت چین از ایران به کمتر از ۱،۰۸ میلیون تن رسیده است .

هم چنین ، واردات نفت کشور هند از ایران به ۱۴ میلیون تن کاهش یافته است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۴ دوشنبه ۱۱ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: فعالیت ها و جهت گیری های قشر کارگر و معلم جزو مهمترین مولفه های اقتدار ملی ماست. آنها تولید کنندگان ثروت ،علم ، فضیلت و اخلاق در کشور هستند و بدون فعالیت آنها نیل به ارزش های بنیادی در یک نظام امکان پذیر نیست.

بازخوانی پیام موسوی در روز کارگر و معلم

سر مقاله

تقریبا یک سال پس از حوادث انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری، میرحسین موسوی در سخنانی به مناسبت رو کارگر و معلم پیام مشترکی داد و به بررسی مسایلی پرداخت که بر سرنوشت این دوقشر که پرتعداد ترین جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

او مثل همیشه با قبول و پذیرش بحران موجود در جامعه بر این حقیقت تاکید کرد که بحران های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بر سرنوشت و گذران این دو قشر تاثیر زیادی خواهد گذاشت. تاثیری که امروز همه صاحبنظران و کارشناسان به آن معترفند و بر آن پا می فشرند.

بحرانی که بیکاری صدها هزار کارگر و به زیر خط فقر بردن میلیونها معلم و کارگر شده است.

"تورم، پایین آمدن نرخ سرمایه گذاری ها، فساد، رواج دروغ و سو مدیریت ، حقوق معوقه کارگران و بیکاری روزافزون آنها، تعطیلی روزافزون کارخانه ها یا با ظرفیت پایین کار کردن کارخانه ها" در کنار واردات بی رویه، تسخیر بازار توسط سرمایه داران سرنوشت کشور را به جایی رسانده است که با وجود بالاترین سطح درآمد ملی، مردم در سخت ترین شرایط معیشتی به سر می برند و میلیونها نفر از عهده هزینه های ضروری زندگی خود هم بر نمی آیند.

در حالی که طی سال های اخیر دولت احمدی نژاد در مصاف با اتحادیه ها و تشکل های مدنی و صنفی اقدام به تعطیلی کانون صنفی معلمان کرد. کانونی که تعدادی از اعضای آن در حال حاضر در زندان به سر می برند، میر حسین موسوی یکی از مشکلات جدی این دو صنف جامعه را محدود کردن آزادی و تشکل های صنفی و سیاسی می داند. موسوی بر این باور است که مسائل و مشکلاتی که معلمان و کارگران در زندگی روزمره لمس و درک می کنند با مسائل عمده کشور در ارتباط است و این ارتباط مستقیم و جدایی ناپذیر است.

میرحسین با شناختی که از معلمان و کارگران دارد "عدالت در سطح معیشتی و اقتصادی و چه در سطح توزیع منزلت های اجتماعی " را خواسته اساسی این دو قشر می داند و معتقد است وقتی چنین عدالتی در معیشت و منزلت اجتماعی ایجاد شود، آنان نیز بهتر خواهند توانست خدمت کنند و تولید ثروت ملی نمایند.

این میر دربند با تقدیر از منزلت اجتماعی کارگران و معلمان تصریح دارد که آزادی، عدالت، توسعه و پیشرفت کشور همواره مد نظر این دو قشر بوده و آنان که نقش اساسی در ساختن و تربیت جامعه دارند، همیشه مخالف فساد بوده اند. چرا که بواسطه نقش کلیدی این دو قشر در جامعه آنها می دانند که وقتی بحث درآمدهای عظیم نفتی می شود و صدها میلیارد که قرار بود سر سفره مردم آورده شود آورده نمی شود و در عوض خبرها یی مبنی بر فساد ، ناپختگی و نارسایی در امور اقتصادی کشور می شنوند و می دانند که این به ضرر آنها و منافع آنهاست و به ضرر منافع ملی و به ضرر امنیت ملی و آتیه کشور است.

معیشت مردم یکی از دغدغه های همیشگی این رهبر جنبش سبز است. وی از همان آغاز تبلیغات انتخاباتی که پس از بیست سال سکوت به صحنه بازگشت، شاه کلید همه بحث ها و سخنانش توجه ویژه به وضعیت معیشتی مردم بوده است.

موسوی مثل همیشه اعتقاد دارد که تنها راه، بازگشت به قانون اساسی است . راهی است که می توان با آن مشکلات را در سطح ملی حل کرد. راهی که می توان از ورود بی رویه کالاهای خارجی به کشور جلوگیری کرد و اجازه نداد بیگانگان اجناس بنجل خود را به ما تحمیل کنند و در کنار آن صنعت و کشاورزی در کشور نابود شود. راهی که می توان با آن از حقوق کارگران دفاع کرد تا روز به روز از کار بی کار نشوند و حقوق معوقه کارمندان روی هم تلمبار نشود.

از منظر این سیاستمدار، قانون اساسی "میثاق ملی" است و حقوق مردم " فراموش شده ترین" قسمت قانون اساسی است و با رعایت آن است که معلمان و کارگران ما آنچنان که شایسته است جایگاه واقعی خود را کسب خواهند کرد.

دستمزدهای ناچیز و سفره‌های تهی خسارات جبران‌ناپذیری به کارگران زده است

بیانیه کارگران زندانی به مناسبت روز کارگر

رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده، دو فعال کارگری در بند ۳۵۰ اوین با صدور بیانیه ای از داخل زندان از تمامی کارگران و زحمتکشان و فعالین کارگری و تشکل های مستقل کارگری و شخصیت های مردمی مدافع حقوق کارگران و انسان های آزاده خواسته اند که با اتحاد و همبستگی خود روز جهانی کارگر را هر چه با شکوه تر برگزار کرده و بر مطالبات بر حق در این بیانیه پافشاری کرده و حمایت خود را اعلام کنند.

متن کامل این بیانیه را با هم می خوانیم:

روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که میلیون ها کارگر ایرانی در شرایط بسیار سخت معیشتی به سر می برند و اعتراض خود را به شکل های گوناگون همچون سالیان گذشته ابراز می دارند و همچنین در این رابطه تعدادی از فعالین سندیکاها و دیگر تشکل های کارگری در زندان به سر می برند.

روز جهانی کارگر به پاسداشت مبارزات خونین کارگران به ویژه کشتار کارگران شهر شیکاگو برای اجرای هشت ساعت کار در تاریخ مبارزات کارگری به عنوان روز جهانی کارگر شناخته شد. از آن تاریخ عموم کارگران جهان و همچنین کارگران ایران این روز را گرامی داشته و اعتراضات و خواسته های خود را به ویژه در این روز اعلام می کنند.

در کشور ما اول ماه می مصادف با یازدهم اریبهشت است اما دولتمردان ایران به کارگران در تشکل های مستقل کارگری اجازه هیچ گونه اعتراض و راهپیمایی نمی دهند و با کارگران با شدت هرچه تمام تر برخورد می کنند و حق مسلم ما کارگران در داشتن حقوق اولیه مان در ایجاد تشکل ها و سندیکاهای کارگری را پایمال نموده اند. روز کارگر و حق اعتراض و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در بیشتر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده است.

دستمزدهای ناچیز، سفره های تهی کارگران و همچنین افزایش تورم، عوارض و خسارات جبران ناپذیری را برای کارگران به وجود آورده است. شعارها و عملکرد مسوولان برای رفع مشکل کارگران اثر چندانی ندارد. شرایط به گونه است که طبقه کارگر و دیگر اقشار جامعه زحمتکش نمی توانند شان خود را با شرایط کنونی حفظ کنند و دولت ایران با وجود این که یکی از امضا کنندگان مقاوله نامه های بین المللی سازمان جهانی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۳) است اما هیچ گاه حقوق اساسی کارگران را مطابق با استانداردهای بین المللی رعایت نمی کنند.

مطابق قانون و کنوانسیون های بین المللی تشکیل نهادهای کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما حق کارگران است اما دولت ایران به کارگران اجازه ایجاد تشکل و سندیکاهای کارگری مستقل و راهپیمایی و اعتراضی و برگزاری مراسم اول ماه می، روز جهانی کارگر، را نمی دهد و با برگزار کنندگان مراسم اول ماه می به شدت برخورد می نماید.

کارگران ایران به صورت واقعی و گسترده و مستقل از تشکل های دولتی از حق برگزاری مراسم اول می محروم هستند. ضرب و شتم و دستگیری و زندانی کردن اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد توسط تشکیلات حکومتی و شوراهای اسلامی کار، زندانی کردن اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و فعالان کارگری در پارک لاله تهران و دیگر دستگیری ها نمونه های فعجش بر نقض آشگار حقوق کارگران ایران هستند.

کارگران ایران به ویژه فعالین کارگری زندانی این روز بزرگ را گرامی داشته و امیدواریم در سال جدید هیچ کارگر و انسان آزادی خواهی به خاطر حق خواهی و طرح مطالبات صنفی و سیاسی خود در ایران و دیگر کشور ها دستگیر و زندانی نباشد. ما فعالین کارگری، سندیکایی و دیگر تشکل های کارگری در بند یکبار دیگر به بهانه روز جهانی کارگر خواسته های به حق خود را اعلام می داریم:

۱- ما کارگران در بند خواستار ایجاد سندیکا و تشکل های کارگری و اجرای دیگر حقوق بنیادین کارگران طبق استانداردهای سازمان جهانی کار هستیم.

۲- به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی ها و دیگر مراسم اعتراضی کارگری به ویژه در روز جهانی کارگر

۳- ایجاد کار برای کارگران بیکار و رفع هرگونه نابرابری میان کار زنان و مردان، لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال، افزایش دستمزد ها مطابق با آمار و ارقام واقعی، امنیت شغلی کارگران و لغو قرار دادهای سفید امضا و موقت

۴- پایان یافتن اخراج، تعقیب، بازداشت و زندانی کردن مدافعان حقوق کارگران و تمامی فعالان سندیکایی و دیگر تشکل ها.

۵- حمایت از اعتراضات کارگران در همه کشورها که بر اثر بحران های اقتصادی و افزایش فقر و شکاف طبقاتی به وجود آمده است.

در پایان ما از تمامی کارگران و زحمتکشان و فعالین کارگری و تشکل های مستقل کارگری و شخصیت های مردمی مدافع حقوق کارگران و انسان های آزاده می خواهیم با اتحاد و همبستگی خود روز جهانی کارگر را هر چه با شکوه تر برگزار کرده و بر مطالبات بر حق در این بیانیه پافشاری کرده و حمایت خود را اعلام کنند.

حسین رونقی در نامه ای به رییس قوه قضاییه :

از تعطیلی قانون اساسی بیشتر از بیماری خود رنج می برم

سید حسین رونقی زندانی سیاسی دربند ۳۵۰ اوین در نامه ای به آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه با اعلام اینکه اعتصاب غذا نخواهد کرد اما تا روزی که ناعدالتی وجود داشته باشد در زندان تن به عمل جراحی نخوهد داد ، گفته است : امروز آنقدر که از تعطیلی قانون اساسی، قانون شکنی و ظلم رنج می برم از بیماری و درد جسمانی خود رنج نمی برم. به گزارش کلمه ، این فعال حقوق بشر خطاب به رییس دستگاه قضا می نویسد : بازجویان با تفتیش عقاید، جلوگیری از تعیین وکیل و دسترسی به آن، با نادیده گرفتن اصل برائت و همچنین هتک حرمت و حیثیت متهمان، با زندان انفرادی که بر اساس قانون مصداق بارز شکنجه است و اعلام اینکه زندانی مدت بازداشتش در سلول انفرادی نامحدود است و با استفاده از خشونت، تهدید و آزار بدنی یا روانی در زمان بازجویی از متهمان، علیه خود و دیگران اعتراف می گیرند که من نیز از این موارد مستثنا نبوده ام.این وبلاگ نویس منتقد با تاکید بر اینکه "شما احتمالا آخرین مرجع برای قضاوت و دادخواهی در جمهوری اسلامی هستید" می افزاید : نگذارید شان و جایگاه قوه قضایی برای همیشه در اذهان عمومی از بین برود. مشکل اصلی و جدی در حقوق اساسی و شهروندی در ایران نبود قانون نیست بلکه عدم رعایت قوانین و مقررات توسط نهادهایی با اختیارات فراقانونی است. کار فراتر از قانون نمی خواهیم. جلوی این قانون شکنی ها و بی قانونی ها را بگیرید.در بخش دیگری از این نامه می خوانیم : بهترین روزهای من درحالی پشت دیوارهای زندان اوین سپری می شود که به واسطه عدم استقلال قضایی با مرگ تدریجی روبرو هستم با این حال سکوت را جایز نمی دانم و مشکلات را به شما مطرح می کنم . او با اعلام اینکه فروپاشی اخلاق در دستگاه های سیاسی و امنیتی کشور، مانعی بزرگ در برابر حکومت قانون است ، اعلام می کند: با تمام خطراتی که سلامتی مرا تهدید می کند و احتمالا مرگ تدریجی من را در پی خواهد داشت در داخل زندان تن به عمل جراحی نخواهم داد و از درمان و مصرف دارو خودداری خواهم کرد تا آنها که با تازیانه استبداد تلاش می کنند مرا ساکت کنند بدانند که در مقابل تهدید، ظلم و ستم سر خم نخواهم کرد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۴ دوشنبه ۱۱ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میر حسین موسوی : کارگر و معلم چه می خواهد؟آنها می خواهند کشور توسعه پیدا کند، آنها آزادی می خواهند، آنها دنبال عدالت هستند

جنبش سبز و اقشار محروم

علی مزروعی

این فرض که جنبش های اجتماعی تاریخ معاصر ایران از مشروطیت تا جنبش سبز ریشه در مطالبات طبقه متوسط داشته است بطور نسبی مورد توافق نظریه پردازان و تحلیگران و فعالان سیاسی و اجتماعی این دوران است اما « جنبش سبز » چه نسبت و ارتباطی با « اقشار محروم » دارد؟

اینکه انقلاب اسلامی در ارتباط و پیوند با " مستضعفان " به پیروزی رسید و قرار بود در سایه تحقق " عدالت "، توزیع درآمد در جامعه عادلانه شود و شکاف فقر- غنا کاهش یابد و دیگر خبری از طبقه محروم نباشد، آرمانی بوده است که در تجربه ۳۳ ساله جمهوری اسلامی محقق نشده و هنوز چهل درصد افراد جامعه ما زیر خط فقر زندگی می کنند و هم اینان هستند که هم اکنون نقشی تعیین کننده در چگونگی صف بندی نیروهای اجتماعی و سیاسی و موازنه نیروی حاکمیت با منتقدان و تحول خواهان در قالب جنبش سبز دارند. نگارنده براین نظر است که تحقق " عدالت " و بهبود بخشی به توزیع درآمد و حل مشکل فقر و محرومیت در کشورمان جز در سایه یک اصلاحات سیاسی و اقتصادی عمیق در شیوه حکومتداری که در برنامه جنبش سبز مستتراست، ممکن نیست اما ترجمه این برنامه بزبانی که اقشار محروم جامعه ما آنرا فهم و لمس کنند حلقه مفقوده ای است که باید مد نظر همه فعالان و گنشگران جنبش سبز باشد و برای آن چاره جویی کنند. میرحسین موسوی در مواضع و سوگیری های خود توجه تامی به این موضوع داشت و در سخنانی گفت :"ازاینکه مشکلات حاد سیاسی باعث شده است مشکلات اقشار پایین دست جامعه و حقوق انان کمتر مورد توجه قرار گیرد، ناراحت هستم.وقتی معیشت مردم سامان پیدا می کند، هم ریشه های آزادی در جامعه عمیق تر می شود و هم وحدت و رشد و شکوفایی مردم بیشتر می شود. به هر حال باید گفت که اقشار مستضعف جامعه که دل در ارزش های اسلامی دارند بالقوه خواستار تحقق اهدافی هستند که جنبش سبز نیز بدنبال آن است. کسانی که خواستار اجماع ملی برای تغییراند باید بیشتر با اقشار تهی دست گره بخورند و از منافع آنها دفاع بکنند. گذشته از آن، امروز به دلیل سرنوشت ساز بودن تصمیمات و سیاست های اقتصادی همه باید به اخبار و تحلیل های اقتصادی حساسیت نشان بدهند. این روزها حجم اخبار اقتصادی و اجتماعی درمقایسه با اخبار سیاسی بسیار اندک است و در این زمینه اطلاع رسانی کمی صورت می گیرد. (۱۳ بهمن ۱۳۸۸) در آستانه روز کارگر و معلم برفعالان جنبش سبز است که در ارتباط با این این دو قشر تاثیر گذار جامعه طرحی نو دراندازند و در برنامه ای تعریف شده به پیوند و ارتباط بیشتر « جنبش سبز و اقشار محروم » تصریح و تاکید نمایند. در این برنامه باید بتوان بین اهداف اصلی جنبش سبز که حاکمیت قانون ، مردمسالاری، عدالت و آزادی است با مسائل اقتصادی و معیشتی محرومان جامعه به شیوه و زبانی پیوند زد که برای مردمی که گرفتار فقر و مشکلات مادی هستند، پیام داشته و آنها را برای همراهی با جنبش ترغیب و تحریک نماید. خلاصه آنکه پایگاه حرکتی جنبش سبز در طبقه متوسط قرار دارد که حاضر به ریسک پذیری و خطر کردن زیاد نیست، درحالیکه پایگاه اجتماعی اقتدارگرایان عمدتا معطوف به طبقه فرودست اجتماعی است که ریسک پذیری بالا دارند و در سایه امکانات حکومتی می توانند نیروهای حاضر و آماده برای سرکوب و هرکار دیگر باشند. درعین حال جنبش سبز در دوسوی طبقه متوسط می تواند یارگیری کند اما نگاهش را باید عمدتا و بیش از پیش معطوف به اقشار محروم اجتماعی جامعه کند چراکه جمعیت قابل توجه این بخش و تاثیری که می توانند در برهم زدن توازن نیروهای اجتماعی و سیاسی داشته باشند بسیار کلیدی و تعیین کننده است، و اینکه اقتدارگرایان حاکم تلاش دارند با تکیه براین اقشار همچنان به حفظ و توجیه قدرت و حاکمیت خود بپردازند.

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید به مناسبت روز کارگر
با مطالبات کارگران اعلام همبستگی می کنیم

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر با تاکید بر پشتیبانی خود از مطالبات بحق کارگران کشور و ضمن تبریک روز جهانی کارگر به تمامی کارگران و زحمتکشان ایران، با اعتراضها و مبارزات آنان در جهت کسب حقوق صنفی و انسانی و قانونیشان، و برای بهبود شرایط زندگی و پی‌ریزی آینده‌ای بهتر، اعلام همبستگی کرد.

به گزارش کلمه ، این بیانیه برخورد شدید امنیتی و قضایی با فعالان و تشکلهای مستقل کارگری و اعضاء هیات مدیره انها در سالهای اخیر را نماد آشکاری از سیاستهای ضدکارگری اقتدارگرایان حاکم خوانده و پایداری همه فعالان کارگری را که به دلیل دفاع از خواستهای انسانی و صنفیشان مورد سرکوب , خشونت و زندان غیر قانونی قرار گرفته اند ارج نهاده است.

در این بیانیه آمده است : چند سال است که جریان اقتدارگرای حاکم اجازه نمی‌دهد کارگران زحمتکش و آزاده کشور حتی در قالب راهپیمائی مدنی، خواسته‌های انسانی و صنفی و قانونی خود را مطرح سازند. این درحالی است که کارگران عزیز ایران سال پررنج و دشواری را پشت سر گذاشتهاند. درد و رنجی که از بحران اقتصادی، رکود و تورم، سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد دولت احمدی نژاد و بی کفایتی مدیران، و نیز تحریم‌های بین‌المللی ناشی میشود.

این شورا تصریح کرده است: کارگران در سال گذشته با وجود تشدید سرکوب، علیه تعویق پرداخت دستمزدها، اخراجها، افزایش تورم، بیکاری و فقر، کاهش امنیت شغلی، تداوم و گسترش کار پیمانی و قراردادی، تبعیض جنسیتی، تعطیلی واحدهای تولیدی و واردات بی‌رویه کالاهایی خارجی و برای کسب حقوق سندیکائی مبارزه کردند و هزینه سنگینی را متحمل شدند. مبارزه و کنش اعتراضی کارگران، امیدواری فراوان به حضور بیش از پیش کارگران در متن تحولات اجتماعی-سیاسی کشور ایجاد کرده است.

در این بیانیه با اشاره به اینکه بین خواستههای کارگران با مطالبات جنبش سبز وجوه مشترک کم نیست؛ از جمله این اشتراکها به تأمین آزادی و عدالت و امکان فعالیت امن تشکل‌های صنفی و جمعیتهای سیاسی، آزادی اطلاع‌رسانی، حق برگزاری تجمعات اعتراضی و راهپیمایی اشاره شده است.

در گفت و گو با کلمه
کارگران از رنج های خود می گویند

حقوق برابر، قانون کار، عزت نفس، منزلت و رفاه حداقلی؛ اینها شعارهای فراموش شده ای است که کارگر ایرانی نه تنها سهمی از آن ندارد، بلکه دیگر مطالبه آن را هم رها کرده است. کارگر ایرانی حالا مدتهاست تنها مطالبه نانی می کند برای زیستن.

جامعه کارگری در یک سال اخیر بحرانی ترین دوره کاری و معیشتی را پشت سر گذاشته است. از اخراج و تهدید به بیکاری تا مطالبات معوق همگی دست به دست هم داد تا شاهد یکی از گسترده ترین موج های اعتراض به دولت در این عرصه باشیم؛ اعتراضاتی که پاسخ آن چیزی جز سرکوب نبوده است.

خبرنگار کلمه در خصوص این مشکلات با برخی از فعالان کارگری به گفت و گو نشسته است که در ادامه می خوانید.

یکی از فعالان کارگری مازندران مهم ترین معضل جامعه کارگری را عدم امنیت شغلی و پرداخت نشدن حقوق آنها ذکر می کند.

او کارگران نساجی مازندران را به عنوان نمونه ای ذکر می کند که بیش از هزار نفر آنها بیش از ۱۸ ماه حقوق معوقه دارند و توضیح می دهد: در این استان بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ نفر، از ۳ ماه تا ۱۸ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

یکی از فعالان کارگری اصفهان نیز به کلمه می گوید: سوال من از مسوولان این است که طی این سال ها در مقابل مرغ ۱۳۰۰ تومانی که ۵ هزار تومان شده و گوشت هفت هزار تومانی که قیمتش سر به فلک کشیده و میوه و... چقدر بیشتر به جیب کارگران آمده است؟ حق دستمزد این قشر چه میزان افزایش یافته است؟ اینها مسایلی نیست که مسوولان دولت و نمایندگان مجلس ندانند. به گفته او، در استان اصفهان، واحدهای مختلف بالای ۱۰۰، ۲۰۰ و حتی صحبت از هزار نیرو هست که در سال جدید با آنها تمدید قرارداد نشده است.

فعال کارگری اهواز نیز می گوید: سال گذشته ۱۰ هزار نفر کارگر این استان اخراج شدند.

یکی از نمایندگان کارگری هم می گوید: در شرایط فعلی کارگران با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارند و بیش از ۷۰ درصد دچار معضلات معیشتی و سفره های خالی هستند.

فعال کارگری دیگر از دولت می خواهد به جای اصلاح قانون کار، خود را اصلاح کند. سیستم بانکی و ارزی و واردات کالاهای خارجی و قانون هدفمندی یارانه ها را اصلاح کند و هیچ وقت سراغ قانون کار و کارگران نیاید.

کارگران مازندارن با تجمع خود خیابان را بستند

کارگران نساجی مازندران با تجمع در خیابان اصلی قائمشهر باعث توقف عبور و مرور شدند. این کارگران بیش از ۱۸ ماه حقوق طلبکارند.

این اقدام ، بدنبال عدم پاسخگویی مسئولان استانی به مطالبات آنها صورت گرفت.

کارگران خواستار پاسخگویی مسئولان نسبت به صدوربخشنامه اخیر کارفرمایی شده که براساس آن کارگران باید سه ماه تحت بیمه بیکاری قرار گیرند و بعد از این مدت تکلیفشان مشخص می شود.

کارخانه کبریت سازی تبریز در آستانه تعطیلی

خبرگزاری ایلنا از احتمال فروش ماشین آلات تولیدی کارخانه کبریت سازی تبریز به کشور هندوستان و بیکاری ۱۱۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی خبر داد.

طبق اظهارات مدیرعامل این کارخانه ، تا پایان تیر ماه با کلیه کارگران کبریت سازی تبریز (صدقیانی) تصفیه و کارخانه تعطیل خواهد شد.

با تعطیلی این واحد تولیدی ۷۰ نفر از کارگران قراردادی و ۴۰ نفر کارگررسمی از کار بیکار خواهند شد.

هدفمندی یارانه ها ۴۰ درصد صیادان را بیکار کرد

رئیس اتحادیه صیادان از بیکاری ۴۰ درصدی صیادان طی یک سال گذشته در پی اجرای قانون هدفمندی یارانهها خبر داد.

« محمد کارگر» از افزایش بدهی صیادان به بخشهای دولتی خبر داد و گفت: تعداد زیادی از صیادان به دلیل عدم توانایی در پرداخت این بدهیها ورشکست شدهاند.

او، افزایش هزینه سفرهای دریایی به تبع افزایش نرخ سوخت را از مهمترین دلایل افزایش بیکاری صیادان خواند.

کارگران شهاب خودرو باز هم تجمع کردند

کارگران اخراجی شهاب خودرو پس از تجمع ها بی نتیجه مقابل نهاد ریاست جمهوری و وزارت رفاه کار و تامین اجتماعی ، در آستانه روز کارگر در اعتراض به اخراج شان برای دومین بار مقابل وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی تجمع کرده خواستار بازگشت به کار شدند.

در این تجمع از مجموع ۶۵۰ کارگر که پس از پایان تعطیلات، با عدم تمدید قرارداد کار اخراج شده بودند، حدود ۲۰۰ نفر حضور یافتند.

نرخ بیکاری امسال بی سابقه خواهد بود

حسین زاغفر کارشناس اقتصادی ضمن پیشبینی افزایش بی سابقه نرخ بیکاری در سال جاری نسبت به ۳۰ سال گذشته ، از اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر طی یک سال گذشته خبر داد و گفت: واردات بی وریه کالا و ورشکستگی واحدهای تولیدی کشور آمارهای دولت را در خصوص ایجاد اشتغال رد میکند.

به گفته او، دولت طی یک سال گذشته ۳۰۰ هزار فرصت شغلی هم ایجاد نکرده است.

۵۰ درصد قراردادهای کارگری سفید امضاء است

نایب رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران نسبت به عواقب روی آوردن برخی بنگاه‌های بزرگ کشور به انعقاد قراردادهای ماهانه، فصلی و سفیدامضا با نیروی کار هشدار داد و گفت: پرونده‌های مربوط به قراردادهای سفید امضا در مورد زنان شاغل نسبت به مردان ۷۰ به ۳۰ است.

ابوالفضل فتح الهی گفت: با توجه به شرایطی که پس از اجرای دور اول هدفمند کردن یارانه‌ها برای بنگاه‌ها به وجود آمده، هم اکنون میزان دریافت "تسویه‌های سفیدامضا" رو به افزایش است.

به گفته فتح الهی، هم اکنون بیش از ۵۰ درصد کل قراردادهای همکاری بین کارگران و کارفرمایان با شرایط کارفرما و به اصطلاح سفید امضا می‌شود.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۴ چهارشنبه ۱۳ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: یادمان باشد که تا یکایک ما، خود را از آلودگی ها و نقایص اخلاقی پاک نسازیم، انتظار داشتن جامعه اخلاق بنیادی که در آن همه انسانها بتوانند به قله های شکوفایی انسانی خود برسند، بیهوده است.

خودزنی بس است؛ به حصر و حبس پایان دهیم

غلامعلی رجایی

سر مقاله

در احزاب سیاسی فعال مصر بعد از حسنی مبارک، حزبی بنام " جبهه ملی تغییر" وجود دارد.هرچند درایران ما آنطور که شنیده ام فعلا خانه احزاب تعطیل است، اما کاش می شد برای برون رفت ازاین وضعیت جبهه ملی تغییرهم در ایران تاسیس می شد. نیاز به تغییر درکشور کاملا محسوس است. گاهی که با تدبیری درست کسانی مثل نوری زاد یا خزعلی از زندان آزاد می شوند، انسان بخوبی اثرات مثبت این اقدام را می بیند. عکس آن هم صادق است. به حکم عقل و شرع و اخلاق هیچ کس نباید از زندان رفتن پیرمردهای بالای هفتاد و هشتاد سال سن راضی باشد. هیچ کس نباید از ماهها در زندان انفرادی بودن بعضی از زندانیان سیاسی راضی باشد.هیچ کس نباید از پاشیده شدن برخی خانواده ها به دلیل زندانی بودن سرپرست خانواده نگران نباشد. هیچ کس نباید نسبت به ازبین رفتن برخی که به دلیل بیماری استطاعت جسمی بودن در زندان را ندارند، نگران نباشد. من نمی دانم حصر جناب مهندس میرحسین موسوی وجناب شیخ مهدی کروبی براساس کدام قانون صورت گرفته است که اعلام نمی شود اما باشناختی که از افکار عمومی جامعه دارم می دانم با توجه به نقش وسابقه انکار ناپذیری که این دوعزیز درانقلاب وجنگ دارند، شاید جز اندکی ازاین حصر و ادامه آن راضی نباشند . ازبحث آخرتی مساله که بگذریم – که البته نمی شود از آن گذشت– نباید با بی تدبیری با آبروی خودمان درتاریخ بازی کنیم. خود زنی بس است. مدتهاست معلوم شده است با این روشها به جایی نمی رسیم. تاریخ به ما آموخته است جوامعی که نتوانسته اند تغییر را بپذیرند، تغییر خود را برآنان تحمیل کرده است. تاریخ و سرنوشت حاکمیت جابرانه سلسله های اشغالگر یا ستمکار بر ایران عزیز که نتوانستند یا نخواستند تغییر را بپذیرند، بهترین گواه این مدعاست. حتی مغول اشغالگر وقتی درایران ماند که حاکمان آن با همه قدرتی که داشتند تغییر را پذیرفتند، از روشهای خود دست برداشتند، پاسای چنگیز را کنار گذاشتند و مسلمان شدند. ما که با آنها فرق می کنیم و در روشهایمان هیچ شباهتی با آنها نداریم و نباید داشته باشیم. تغییر، یک ضرورت است .باید برای آن به جد فکری کرد. تغییر، عیب و عقب نشینی نیست. یک هنر است که باید آن را آموخت و بکار بست. تغییر، سنت الهی است. سنت های الهی برکت آفرین هستند.نمی بینیم که در طبیعت همیشه زمستان و حتی بهار ماندگار نیست؟

قلم عفو رهبری بر جرایم جریان انحرافی
غاصبان انقلاب در مسند، فرزندان انقلاب در حبس و حصر

در میانه دعواهای جناحی اخیر که در آستانه دور دوم انتخابات مجلس بالا گرفته، افشای برخی خبرها از عمق فساد و سیاهی وضعیت حاکم بر کشور پرده بر می دارد. یکی از این موارد، موضوع عفو یار نزدیک رئیس دولت و مشاور جدید رئیس سابق قوه قضاییه است که چندی پیش به اتهام انحراف بازداشت بود و اکنون به عنوان مشاور احمدی نژاد به خدمت! مشغول است. روزنامه کیهان خبر داد ملک زاده، همان کسی که جنجال انتصاب او به عنوان معاون می رفت که کار وزیر امور خارجه را به استیضاح بکشاند، تبرئه نشده بلکه عفو شده است.

دو نکته در این میان باقی است :

نخست اینکه تقریبا همه می دانند ماجراهایی از نوع رفع و رجوع استیضاح وزیر خارجه با عزل معاون منتسب به انحرافی، معمولا با دخالت بیت رهبری محقق می شود، اکنون مشخص شده این "دخالت" با چه روشی به حل مشکل انجامیده و با چه امتیازی رئیس دولت را راضی به عقب نشینی و عزل ملک زاده کرده است: عفو و مختومه شدن پرونده او! ابزاری که تنها در دست رهبری است. حال اینکه چرا کیهان صریحا نمی نویسد رهبری یکی از عناصر اصلی جریان موسوم به انحرافی را عفو کرده، جای تأمل دارد.

دوم؛ در سه سال اخیر بارها دلسوزان نظام و انقلاب، آشکار و پنهان، به رهبری گفتند با اعلام عفو عمومی، آشتی ملی یا با هر عنوان دیگری دستور آزادی زندانیان سیاسی را صادر کنند، به سمت حل بحران سیاسی بروند و به آشتی با مردم بپردازند. اما آیت الله خامنه ای با هر چیزی که عنوان عفو داشته باشد مخالفت کرده اند و در معدود مواردی هم که عفو برخی از زندانیان بعد از انتخابات را پذیرفته اند، با سختگیری هرچه تمامتر نظر داده اند و در عین حال حاضر به اجرایی کردن نظر قبلی خود مبنی بر ده به یک حساب کردن ایام حبس انفرادی هم نشده اند. حالا طبعا برای کسانی که در این سه سال پیگیر مسائل سیاسی بوده اند و هستند، جالب می شود بدانند جریانی که بیشتر از یک سال وقت کشور و بودجه رسانه های رسمی صرف انحرافی نامیدن آنها شد، حالا اینقدر نزد رهبری مطلوب و بلکه شاید محبوب هستند که هنوز محکوم نشده مورد عفو قرار می گیرند؛ عفوی که محکومان بی گناه جریانات بعد از انتخابات، ظاهرا از نظر ایشان شایسته آن نیستند.

احتمالا کیهان هم که از عفو متهم جریان منحرف نزدیک به رئیس دولت خبر داده، به خاطر نداشته که همین یک سال قبل جریان مذکور را چگونه به "جاسوسی"، "اختلاس"، "ارتشا"، "تحصیل مال نامشروع" و "ارتباط نامشروع" متهم می کرد و چه اتهامات مالی و امنیتی سنگینی در رسانه های مدعی اصولگرایی به همین متهم عفو شده رهبری در خصوص مسئولیتش در دبیرخانه شورای عالی ایرانیان وارد می شد. هرچند ماجرای پرونده سنگینی که در جریان تحقیق و تفحص مجلس در این شورا جمع شد نیز طبعا با قلم عفوی که رهبری بر جرایم این فرد و جریان متبوعش کشیده، اکنون بی اثر و منتفی شده است. لابد دلیل این تفاوت رویکرد رهبری این بوده که جریان انحرافی مجیزگوی قدرت بوده و تنها اتهام ناچیز دست اندازی به بیت المال مسلمین را داشته که قابل بخشش و صرفنظر کردن بوده است. اما زندانیان سبز چون احساس تعلق به انقلاب داشته و دارند و از همین رو کانون قدرت را مورد نقد قرار می دادند و می دهند، باید مورد غضب قرار گیرند و مستحق هیچ لطف و عنایتی هم نیستند. به همین خاطر است که صاحبان انقلاب را این روزها در حبس و حصر می بینیم و غاصبان انقلاب را در مسند و منبر.

به دلیل هفت تیرکشی و ایجاد ارعاب
قاضی متهم پرونده کهریزک بازداشت شد

علی اکبر حیدری فر، بازپرس حوادث کهریزک، از سوی دادسرای قضات بازداشت و روانه زندان اوین شد.

او همان کسی است که به همراه متهم اصلی کهریزک جوانان مردم را به نام " اراذل و اوباش" به کهریزک فرستاد و اینک در حالی به اوین فراخوانده شده که جرم او به جنایت کهریزک بر نمی گردد. او مثل همان اراذل و اوباشی که خوب می شناسد، سوم فروردین ماه در یک پمپ بنزین اقدام به "زورگویی" کرده بود.

او در یک پمپ بنزین در اصفهان وقتی می خواسته صف طولانی منتظران بنزین را دور بزند با اعتراض مردم رو به رو می شود، با کلت کمری تیر هوایی شلیک می کند و اقدام به ارعاب و تهدید مردمی می کند که برای دریافت بنزین ساعتها در صف ایستاده بودند.

پلیس که سر می رسد، او از سمت خود سواستفاده کرده و خود را قاضی دادسرای عمومی و انقلاب معرفی می کند و از قانون می گریزد و در پناه کارت های شناسایی خود امان نامه می گیرد.

اما حاضران موضوع را از طریق دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان پیگیری می کنند. با توجه به حساسیت مسئله و عنوان شغلی فرد یاد شده، دستور فوری قضایی صادر و خودروی شخص خاطی در مسیر اصفهان توسط ماموران پلیس متوقف و راننده به دادسرای اصفهان انتقال یافت.

اینک که دعوای ریاست سازمان تامین اجتماعی بالا گرفته، شاید می خواهند ضرب شستی به معاون گوش به فرمان او نشان دهند تا حساب کار به دست مرتضوی و دوستانش بیاید.

رنجنامه رضا شهابی خطاب به مردم
من به فقر و تبعیض، به استثمار و بهره کشی معترضم

رضا شهابی، فعال کارگری زندانی طی رنج نامه ای خطاب به مردم و مسئولان نوشت: من به جرم مطالبه حداقل حقوق هم طبقاتی هایم در همین کار با اتوبوس شرکت واحد در جنوبی ترین منطقه تهران توسط ماموران وزارت اطلاعات در دیدگان شهروندان و مسافران اتوبوس به اتهام دزدی دستگیر شدم. به گزارش کلمه، این زندانی سیاسی محبوس در بند ۳۵۰ اوین با شرح گوشه ای از شکنجه ها و شرایط بدی جسمی نوشته است: چه کسی است نداند من تنها به جرم اینکه برای بهبودی وضع کارگران و ایجاد سندیکا و تشکل خواهی پای در راه نهادم و مورد فشار های روحی و روانی و جسمی قرار گرفته و از ناحیه گردن، دست چپ و کمر و پای چپ دچار بی حسی و تبدیل به یک آدم از کار افتاده شدم و در نهایت برای تعیین تکلیف پرونده و درمان دیسک گردن و بی حسی و عدم تحرک در دست و پای چپ در اول آذر ماه سال ۹۰ دست به اعتصاب غذا زدم و به علت ضعف جسمانی و وخامت حالم به بیمارستان منتقل و تحت درمان قرار گرفتم.

شهابی می نویسد: اینها قسمتی از عواملی بود که باعث شد خانواده ام از همه لحاظ تحت فشار های روحی و روانی قرار بگیرند و در نهایت منجر به فوت مادرم که تا آخرین لحظه در انتظار دیدار فرزندش بود، گردید و بالاخره بعد از ۲۳ ماه بلاتکلیفی به شش سال حبس به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی و پنج سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی و هفت میلیون جزای نقدی توسط قاضی صلواتی رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محکوم شدم.

وی ضمن اعتراض به حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب و بیان اینکه به چه کسی اعتراض کنم و از چه کسی دادستانم که دادستان خود به میدان آمده است! اضافه کرده «آقای دادستان من تنها به در بند بودن فعالین کارگری و خودم اعتراض نمی کنم، آری من به همان شدت و با همان قوت به زندانی شدن فعالان آزادیخواه و شخصیت های مردمی، روزنامه نگاران، دانشجویان و زنان آزادیخواه اعتراض می کنم، به نقض حقوق اولیه زحمتکشان اعتراض می کنم، به استثمار و بهره کشی از کارگران اعتراض می کنم. من به فقر و تبعیض مخصوصا برای طبقه فرودست جامعه اعتراض می کنم و در یک کلام به نقض حقوق بشر اعتراض می کنم.

اخبار کوتاه

حمله نیروهای لباس شخصی به بیت آیت الله بیات زنجانی

دفتر آیت الله العظمی بیات زنجانی در پی اقدام غیر قانونی عده ای مامور لباس شخصی که بدون ارائه حکم به دفترایشان مرجع مردمی وارد شده و برخی مدارک و جزوات این دفتر را با خود بردند،با صدور بیانیه ای از این اقدام انتقاد و ابراز تاسف کرد.

معتمد نیا به دلیل بدحالی شدید به بیمارستان منتقل شد

محمدرضا معتمدنیا، زندانی سیاسی که از ۲۱ فروردین ماه سال جاری دست به اعتصاب غذای نامحدود زده بود، پس از بدحالی شدید به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد.

مشاور ویژه رجایی، باهنر و میرحسین موسوی اعلام کرده تا پایان حبس نخست وزیر امام در اعتصاب خواهد ماند.

ورشکستگی ۳۰۰ واحد تولیدی و شناسایی ۲۷۰۰ واحد بحرانی

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور از ورشکستگی ۳۰۰ واحد تولیدی و اخراج بیش از ۱۲ درصد کارگر پیمانی طی سال گذشته خبر داد.

فتح الله بیات با اشاره به شناسایی بیش از دو هزار و ۷۰۰ واحد بحرانی در کل کشور،وضعیت جامعه کارگری را نامطلوب خواند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۶ شنبه ۱۶ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکار ناپذیر مردمی تبدیل شده است.

آزادی ۱۴ متهم پرونده تخلف بانکی ۱۰۰ میلیون یورویی

در حالی که هنوز متهمان اصلی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی دردادگاه حضور نیافته اند، مصطفی پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کشور از آزادی به قید وثیقه ۱۴ نفر در جریان پرونده ارائه تسهیلات ۱۰۰ میلیون یورویی در یکی از شعب بانک ملی خبر داد.

این تخلف بانکی که چندی پیش برای اولین بار از سوی مشاور رئیس سازمان بازرسی رسانه ای شد، مربوط به تسهیلات ارزی به مبلغ یکصد میلیون یورو و ۲۰ میلیون دلار به شرکتی است که نه از کالاهای ساخت داخل استفاده کرده و نه خدماتی صادر کرده است و بخشی از تجهیزات خریداری شده برای پروژه مخابراتی موضوع وام، اسرائیلی بوده است که سازمان بازرسی کشور اعلام کرده که مستندات این تخلف موجود است.

بنابر مصوبه شورای پول و اعتبار، وام های ارزی در صورتی به پیمانکاران پرداخت می شود که آنها به اندازه ۶۰ درصد از ارزش قرارداد خود از کالاهای ساخت داخل استفاده کنند در حالی که به گزارش سازمان بازرسی کشور، این شرکت خصوصی چنین نکرده و در نتیجه، مقررات را زیر پا گذاشته است.

طبق اعلام سازمان بازرسی، بیش از ۷۱ میلیون دلار از وام پرداخت شده در شش شعبه بانکی توقیف شده و مبلغ ۹ میلیون یورو باقی مانده تبدیل به ریال یا به صورت ارزی در داخل کشور هزینه شده است.

نکته قابل توجه در این پرونده، آزادی غارتگران بیت المال با قید وثیقه آن هم در شرایطی است که روزنامه نگاران و فعالان سیاسی حتی از مرخصی قانونی نیز محرومند.

در این تخلف جدید بانکی به گفته رییس سازمان بازرسی کشور، خاوری ، مدیرعامل سابق و فراری بانک ملی نیز یکی از افرادی است که تخلفات در این پرونده نیز با دستور و پیگیری وی انجام شده است .

وی ، با اعلام اینکه در جریان این پرونده ۱۴ نفر احضار شدند که با قرار وثیقه آزاد شده اند و در مراحل بازجویی و رسیدگی به تخلفات صورت گرفته حضور خواهند داشت، خبر داد: پرونده‌هایی را داریم که افرادی که به وابستگی به جریان انحرافی معروف هستند در آنها متخلف شناخته شده اند.

اخبار کوتاه

محسن میردامادی دچار حمله قلبی شد

محسن میردامادی، دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی در زندان اوین دچار مشکلات قلبی شد.پزشک معالج وی توصیه کرده دربیمارستان بستری شود ولی مسئولین قضایی اقدامی در این مورد نکرده اند.

خروج ۷۷۰ میلیارد دلار ارز از کشور

براساس آمار رسمی، طی سالهای ۶۱ تا ۹۰ بیش از ۷۷۰ میلیارد دلار ارز به دلیل واردات از کشور خارج شده که این رقم در سالهای ۸۳ تا ۹۰ تشدید شده است.

تشدید تدابیر امنیتی در بند ۳۵۰ اوین

ماموران امنیتی مستقر در زندان اوین با آغاز دور جدیدی از محدودیت و کنترل زندانیان سیاسی بند۳۵۰ اوین یک مامور امنیتی در بخش افسر نگهبانی بند ۳۵۰ مستقر کردند.

تاخیر دوباره در واریز یارانه ها

در حالی که از مردم خواسته شده برای انصراف از دریافت یارانه به سایت مراجعه کنند، مسئولان به خاطر گرفتاری‌های فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها هنوز یارانه مردم را واریز نکردند.

جلوگیری از عرضه آثار شهید بهشتی در نمایشگاه

امسال برای سومین سال متوالی از حضور نشر بقعه، ناشر کتابهای بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، در نمایشگاه کتاب جلوگیری شد.

حمله نیروهای بشار اسد به خوابگاه دانشجویان

نیروهای امنیتی سوریه در واکنش به تظاهرات ضد حکومتی دانشجویی به یک خوابگاه دانشجویی در شهر حلب حمله کردند که در جریان این حمله چهار دانشجو کشته شده اند.

محکومیت دو ساله برای فعال اصلاح طلب

دادگاه میثم مشایخ فعال سیاسی اصلاح طلب را به دو سال حبس تعلیقی محکوم کرد. او پیش از انتخابات دور اول مجلس نهم نیز به مدت ۲ ماه بازداشت شده بود.

اخراج ۵۰۰ هزار نفر از بازار کار

با وجود ادعای دولت در ایجاد ۴،۱ میلیون فرصت جدید شغلی در سال‌های ۸۹ و ۹۰، در این مدت از جمعیت فعال و شاغل کشور ۵۰۰ هزار نفر کاسته شد.

نسیم بیداری توقیف شد

همزمان با توزیع شماره ۲۶ ماهنامه نسیم بیداری این نشریه از سطح روزنامه فروشی ها جمع آوری شد.وزارت ارشاد محتویات این نشریه را تخلف از مصوبات شورای عالی امنیت ملی ذکر کرده است.

بر همین اساس از ادامه چاپ و انتشار و توزیع آن به مدت دو ماه جلوگیری به عمل می آید. در نامه وزارت ارشاد اشاره نشده است چه مطالبی نقض مصوبه شورای عالی امنیت ملی است.

شرایط حبس کروبی از سلول انفرادی هم بدتر است

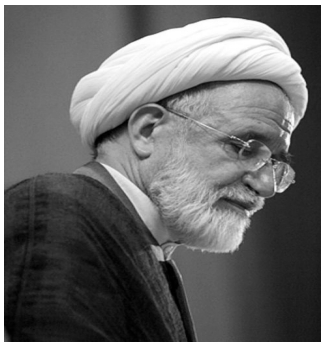

اسماعیل گرامی مقدم، مشاور مهدی کروبی، ضمن تشریح شرایط سختی که مهدی کروبی در آن محبوس است، وضعیت او را محروم از روزنامه، محروم از ملاقات با فرزندان و محروم از هوای آزاد توصیف کرد و آن را سخت تر از انفرادی دانست.به گفته او، مهدی کروبی به تنهایی در یک آپارتمان زندانی است که صرفا" با یک آیفن می تواند با نگهبانان تماس بگیرد که معمولا " هم ایشان تماسی نمی گیرند و نگهبانان هر پنج ، شش ساعت یک بار صرفا " با آیفن از او می پرسند به چیزی نیاز دارید یا خیر، حالا شما تصور کنید برای یک فرد ۷۴ ساله چگونه می تواند این شرایط مطمئن و از امنیت برخوردار باشد، حوادث پیر و جوان نمی شناسد زمان و مکان ندارد و اگر برای فردی که اینگونه زندانی است اتفاق ناگهانی رخ دهد و قادر نشود از آیفن استفاده کند ، پس از پنج یا شش ساعت بی اطلاعی از او با چه حوادث ناگواری ممکن است مواجه شود.از این جهت شرایط آقای کروبی برای خانواده به شدت نگران کننده شده است.

وی ، همچنین با تاکید بر اینکه حبس خانگی کروبی، موسوی و رهنورد کاملا سلیقه ای است و هیچ مبنای حقوقی ندارد، گفت: خواست و انتظار به حق خانواده آقای کروبی این است که حال که حکومت به هر دلیلی تن به محاکمه ی عادلانه آقای کروبی بر اساس قوانین قضایی جاری و ساری کشور نمی دهد و قانونی هم برای حصر خانگی وجود ندارد حداقل همان تجربه ی حصر خانگی مرحوم آیت الله حسین علی منتظری را در مورد ایشان و خانواده اش اعمال نمایند یعنی به جای اینکه آقای کروبی بصورت انفرادی در یک خانه اجاره ای در حصر باشد، به منزل خودش انتقال یافته و در آنجا به میل حکومت در حصر خانگی بسر ببرد

گرامی مقدم گفته است: با گذشت ۱۵ ماه از حصر آقای کروبی، فقط می توانیم بگوییم شرایط بلاتکلیفی ادامه دارد.

نامه همسر معتمدنیا به وی: اعتصاب غذایت را بشکن

همسر محمدرضا معتمدنیا، زندانی سیاسی اعتصاب کننده غذا در نامه ای از همسرش خواست با توجه به نگرانی افراد خانواده، درخواست دختران مهندس موسوی خانم رهنورد و لزوم حضور سبزش در کنار خانواده به اعتصاب غذای خود پایان دهد.

مشاور ویژه رجایی، باهنر و میرحسین موسوی که از ۲۱ فروردین ماه سال جاری در اعتراض به حبس میرحسین و کروبی و خانم رهنورد دست به اعتصاب غذای نامحدود زده بود، هفته گذشته پس از بدحالی شدید به بیمارستان شهدی تجریش منتقل شد.

در بخشی از این نامه می خوانیم:

بیست و شش روز از اعتصاب غذا و بیست روز از محبوس بودنت در انفرادی می گذرد. نبودن هایت از آغاز زندگیمان سخت و گرانبار بوده ولی اکنون که در سن بالای ۶۰ سال و از صدقه ظلم هایی که در این مدت حدود یکسال محبوس بودنت که ناراحتی قلبی، ناراحتی های ستون فقرات، فلج شدن انگشتان دست، خونریزی های مکرر لثه، مشکلات تنفسی و ... متوجه ات شده به شدت نگران سلامتی ات هستیم. لذا با توجه به نگرانی افراد خانواده، درخواست خواهرانمان، نگرانی های دوستان و نزدیکانت و لزوم حضور سبزت در کنار خانواده تقاضای پایان دادن به اعتصاب غذایت را دارم.

افزایش قیمت ۵۰ درصدی شیر و ۴۵ درصدی گوشت

براساس آمار بانک مرکزی در خصوص قیمت مواد غذایی در هفته اول اردیبهشت، قیمت ها نسبت به هفته پیش ۶/۹ رشد داشته است.

این آمار نشان می دهد قیمت لبنیات در تهران نسبت به هفته قبل ۶/۹ درصد و نسبت به هفته مشابه سال قبل ۵۱/۶ درصد رشد داشته است.

قیمت تخم مرغ نسبت به هفته قبل ۱۱/۵ درصد و نسبت به هفته مشابه سال قبل ۱۰/۹ درصد کاهش داشته است. قیمت برنج در هفته اول اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۷/۱ درصد رشد داشته و انواع حبوبات در هفته اول اردیبهشت امسال نسبت به هفته مشابه سال قبل ۵۰/۴ درصد افزایش قیمت داشته اند.

انواع میوه های تازه در هفته اول اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۶/۷ درصد رشد داشتند و انواع سبزیجات در همین زمان ۹۱/۱ درصد افزایش قیمت نشان میدهند.

گوشت قرمز افزایش قیمت ۴۴ درصدی داشته و گوشت مرغ در هفته اول اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۱/۸ درصد رشد قیمت داشته است.

قند و شکر نیز طی یکسال رشد قیمت ۲۲/۸ درصدی و چای رشد قیمت ۳۳/۴ درصدی نشان میدهد. همچنین انواع روغن نباتی نیز رشد قیمت ۴۲ درصدی داشته است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۷ پنج شنبه ۲۱ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: قانون اساسی ما پر از ظرفیت‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند؛ مسئولان گاهی با این حقیقت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی به عنوان امری مستحب مخیرند همچنان استفاده‌های بیشتری از ذخائر قانون اساسی ببرند.

این رشته سرِ دراز دارد

سر مقاله

پایان انتخابات مجلس نهم، فرصت خوبی برای ارزیابی عملکرد مجلس هشتم است. هرچند جناح اصولگرای حاکم علاقه ای به باز شدن این بحث ندارد و مایل است افکار عمومی را به سمت دعواهای زرگری بر سر ریاست مجلس آینده و رقابت های درون جناحی کم اهمیت سوق دهد.

نتایج اعلام شده برای انتخابات که خبر از راه نیافتن ۱۹۶ نماینده این مجلس به دوره بعد می دهد، نشان می دهد دست کم ارزیابی رای دهندگان از کارنامه مجلس هشتم و نمایندگانش به شدت منفی است.

آنچه در اولین جلسات مجلس پس از دور دوم انتخابات اتفاق افتاد، نشان می دهد کارنامه مجلس هشتم حتی از دید خود همین نمایندگان هم منفی است. مجلسی که چهار سال در برابر یکه تازی های دولت سکوت کرد و هرجا هم اندک اعتراضی از آن بلند شد، بلافاصله با کوچکترین تشر یا پیغامی از بیرون، خاموش شد؛ در سه ساعت، سه مورد تخلف بزرگ دولت از قانون را به قوه قضاییه ارجاع داد.

اگر نمایندگان در آخرین روزهای مجلس هشتم از قانون شکنی پیاپی دولت احمدی نژاد در زمینه خصوصی سازی، دست درازی به حساب بانک ها و هدفمند کردن یارانه ها به دادگاه شکایت بردند، تا دیروز هم باید درباره انواع و اقسام تخلفات دولت، از جمله در ماجرای سهام عدالت، بنگاه های زودبازده، اختلاس بزرگ، گرانی ناگهانی ارز، واردات بی رویه، ورشکستگی تولید و صنعت، حیف و میل درآمدهای نجومی نفتی و دهها مورد خرد و کلان دیگر از انحرافات بزرگ دولت ایستادگی می کردند. چرا نکردند؟

آری، چرا نمایندگان مجلس هشتم چنین نکردند؟ به یک مورد ملموس تر و جدید بپردازیم: چرا بودجه سالانه کشور هنوز مشخص نیست؟ آیا در سخت ترین سالهای دهه شصت هم که مخارج جنگ کمرشکن شده بود و در واقع بودجه ای برای خرج کردن در خزانه دولت باقی نمانده بود، سالی گذشت که کشور اینچنین بی نظم و بی سامان اداره شود؟

پاسخ این سوالها را باید در نحوه روی کار آمدن مجالس هفتم و هشتم جست و جو کرد و همچنین روی کار آمدن دولت نهم و برقرار ماندن دولت دهم. بودجه به همان دلیلی تصویب نشده و قوانین به همان دلیلی اجرا نشده اند که مجلس امروز عاجز از ممانعت از قانون شکنی ها نشان می دهد و دست به دامن قوه قضاییه می شود. دقیقا به همان دلیلی که امروز هنوز احمدی نژاد بر سر کار است و به همان دلیلی که مجلس نمی تواند شأن قانونی خود را حفظ و از ابزارهای نظارتی و سیاسی اش استفاده کند.

این رشته سر دراز دارد و سر رشته همان جایی است که میرحسین موسوی و دیگر دلسوزان نظام از سه سال قبل هشدارش را می دادند. خروج حاکمیت از مدار قانون و تن ندادن به اجرای بدون تنازل قانون اساسی، به شکل گیری مجالسی از نوع هفتم و هشتم، به روی کار آمدن و ماندن دولت قانون شکن نهم و دهم، به بی برنامه شدن دولت و ناتوان شدن مجلس، و به بروز شرایطی منجر شد که جز بازگشت سریع و بی قید و شرط به قانون اساسی و خواست مردم هم چاره ای وجود ندارد.

اما اگر چنین نشود، حضور یک اکثریت دو سومی ناشناس و بی تجربه در مجلس نهم، بیش از همه برای رهبری و سران حاکمیت فعلی خطرناک و هشداردهنده است. آنها که هم ریشه احزاب را زدند تا نیروهای سیاسی منتقد خود را بی هویت سازند و هم پای دلسوزان قدیمی را از از نظام حذف کردند تا تنها افرادی مطیع و سرسپرده روی کار بمانند، اکنون باید بیشترین خطر را از ناحیه افراد بی ریشه و بی سابقه احساس کنند. اما آیا در حاکمیت، عقلانیتی برای توجه به این ظرایف سیاسی باقی مانده است؟

نامه رهبری و چرخش ناگهانی مواضع مجلس
مسئولیت این گرانی ها و بیکاری ها با کیست؟

طی روزهای اخیر چرخش های عجیبی در مواضع مجلس در خصوص فاز دوم هدفمند شدن یارانه ها پدید آمده که ناظران را متعجب ساخته است.

تصویب افزایش بیش از ۲۰ درصدی بودجه هدفمندی نسبت به سال گذشته، تصریح باهنر نایب رئیس مجلس به آغاز فاز دوم طرح هدفمندی از خردادماه و بدتر از همه تاکید علی لاریجانی بر اینکه مجلس با فاز دوم هدفمندی یارانه ها مخالفتی ندارد، نشانه هایی از چرخش در موضع گیری کسانی است که تا چند روز قبل، اجرای فاز دوم را معادل ویرانی اقتصاد کشور و فاجعه در جامعه توصیف می کردند.

رئیس مجلس که گفته است "اینگونه نیست که مجلس مخالف فاز دوم باشد"، همان علی لاریجانی است که یک ماه قبل در نامه ای به رهبری، با هشدار نسبت به تبعات اقتصادی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها، از آیت الله خامنه ای خواست جلوی احمدی نژاد را بگیرد تا فاز دوم هدفمندی یارانه ها را اجرا نکند.چه اتفاقی افتاده که نظر همه سران مجلس مدعی اصولگرایی ناگهان از اساس تغییر کرده و شاهد چرخشی ۱۸۰ درجه ای در مواضع آنها نسبت به برنامه دولت برای افزایش شدید قیمت ها در فاز دوم هدفمندی یارانه ها هستیم؟

درست سه هفته قبل، چند ساعت پیش از آنکه احمدی نژاد برای یک مصاحبه زنده و اعلام آغاز فاز دوم هدفمندی یارانه ها به تلویزیون بیاید، مجلس با این موضوع مخالف کرد و چیزی نگذشت که اعلام شد مصاحبه تلویزیونی احمدی نژاد لغو شده است. از آن زمان تا پایان هفته گذشته که دور دوم انتخابات مجلس نهم برگزار می شد، فرصتی برای اصولگرایان منتقد دولت فراهم شد تا با انتقاد فزاینده از گرانی ها و تبعات هدفمندی یارانه ها، در آتش رقابت های انتخاباتی خود بدمند. اما از کمتر از یک هفته قبل، ورق برگشت. زمزمه هایی مبنی بر تغییر نظر شورای حل اختلاف قوا مطرح شد و لحن نمایندگان اکثریت مجلس درباره فاز دوم هدفمندی نیز به طور محسوسی تغییر کرد.چند روز قبل نیز، علی لاریجانی اعلام کرد: رهبری به نامه اش درباره فاز دوم هدفمندی پاسخ داده است.

اینچنین بود که لاریجانی در دیدار با اعضای کمیسیون تلفیق بر اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها تاکید کرد و خواست همان چیزی که دولت خواسته تصویب کنند یعنی تصویب رقم ۶۶ هزار میلیارد تومان برای بودجه هدفمندی که این به معنای افزایش ۷۰ درصدی بهای بنزین، گاز طبیعی، برق و گازوئیل از سوی دولت خواهد بود.

از سوی دیگر، آنطور که اعلام شده، نرخ یارانه ماهانه نیز حداکثر ۱۴ هزار تومان افزایش خواهد یافت و به کمتر از ۶۰ هزار تومان خواهد رسید و این یارانه ها هم به حدود یک میلیون خانواری که وادار به انصراف از دریافت یارانه های نقدی شده، پرداخت نخواهد شد.

چنین تحولی در قیمتها، به معنای دور جدید گرانی های طاقت فرسا است که بیشترین آسیب آن متوجه اقشار ضعیف و کم درآمد است. به این تبعات تلخ، باید ورشکستگی بخش تولید و صنعت با همه نتایج ناگوارش از جمله در بخش کارگری را هم افزود. دولت دهم در سال آخر فعالیت خود قرار دارد و باکی از تحمیل تورم به مردم ندارد. مجلس هشتم هم دو هفته بعد به پایان می رسد و نگرانی نسبت به پیامدهای تصمیمش ندارد.

بالاتر از اینها، درباره نامه رهبری هم که به چرخش مواضع مجلس و باز شدن قفل فاز دوم هدفمندی منجر شده و به طبع مسبب اصلی گرانی های در پیش رو خواهد بود، اشاره نمی شود چرا با یک نامه، ناگهان همه نگرانیهای اصولگرایان در مجلس و رسانه ها به فراموشی سپرده می شود و سیاه نمایی های قبلی ناگهان به سفیدنمایی و تطهیر برنامه دولت برای فاز هدفمندی تبدیل می شود.

مادر مهسا امرآبادی به مسئولان: از حبس و زندانی کردن جوانان دست بردارید

گفت و گو

مهسا امرآبادی، همسر مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی ، روز گذشته برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری به زندان اوین رفت.خانم مریم نقی، مادر مهسا امرآبادی با اعلام این خبر به کلمه، از مسئولان خواست که نگاهشان را تغییر دهند و از حبس و زندانی کردن این جوانان دست بردارند.وی از مسئولان قضایی کشور خواست در حال حاضر که مهسا در اوین است، حداقل لطفی که می توانند بکنند این است که مسعود را هم از زندان رجایی شهر به اوین منتقل کنند.خانم نقی می گوید: برایمان خیلی سخت است که هر هفته بخواهیم برای دیدار عزیزانمان به رجایی شهر و اوین برویم. حداقل اگر هر دو در یک زندان باشند، راحت تر می توانیم آنان را ملاقات کنیم.مادر مهسا امرآبادی با بیان این نکته که هیچیک از جرم هایی که برای مهسا و مسعود گفته اند را نمی پذیرد می گوید:اینها بچه های این مملکت هستند و دلشان برای این کشور سوخته است. اینها خارجی نیستند و مسئولان باید نگاهشان را تغییر دهند. امرآبادی در پرونده بازداشت سال ۸۸ یک سال حبس تعزیری داشت که سال قبل در پرونده ای جدید به ۵ سال زندان که ۴ سال آن به تعلیق در آمد، محکوم شد و حالا دو سال محکومیت دارد.

حفظ نظام با دهان‌های بسته و قلم‌های شکسته

دیدگاه

در این هفته دو خبر هم زمان منتشر شد: خبر مصاحبه دادستان تهران که در توجیه علت عدم برخورد قضایی با انتصاب محمد شریف ملک زاده به عنوان مشاور احمدی نژاد که در آن ذکر شد پیش از رسیدگی در دادگاه شامل رأفت اسلامی و عفو رهبری شده، و خبر صدور حکم بدوی محکومیت میثم محمدی، مسئول سایت بنیاد نشر اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی به چهار سال حبس تعزیری. آنچه در این دو خبر چشمگیر است این است که اتهام ملک زاده فساد مالی مرتبط با اموال بیت المال مسلمین است و جرم محمدی قلم زدن در دفاع از مردم سالاری دینی، آزادی و عدالت. معلوم می شود که چشم بند فرشته عدالت به کنار رفته و ترازوی عدالتش کج شده که چنین احکامی، لابد بنام دین محمدی و عدالت علوی، صادر می شود.البته ملک زاده نخستین کسی نیست که در معادلات قدرت و بده و بستان های سیاسی از چنگال عدالت رهانیده می شود. پیش از این بسیاری از اعضای حلقه های حاکمیت از جمله معاون رئیس دولت با پرونده سنگین فساد مالی حلقه خیابان فاطمی، دادستان سابق تهران با پرونده جنایت بار کهریزک، وزیر اقتصاد با پرونده رسوای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، به صلاحدید دفتر رهبری از اجرای عدالت معاف شده اند. در طرف دیگر، محمدی نیز تنها کسی نیست که به جرم پاسداری از آرمان های این ملت بپاخاسته محاکمه می شود. در فهرست بلندبالای محکومانی که به این جرم در زندان ها به سر می برند، نام زنان و مردان بسیاری درج شده است. آنچه باعث تأسف است، دامنه کوته اندیشی مسئولان نظام است که نمی دانند با این گونه اقدامات، تیشه به ریشه مشروعیت خود می زنند.هنگامی که ترازو ها نامیزان، قلم ها شکسته، دهان ها بسته و تارهای وابستگی به قدرت های شرقی بر سراسر اندام این نظام تنیده شده باشد، منطق حفظ نظام در هم شکسته خواهد شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۷ پنج شنبه ۲۱ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: حتی اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط‌های دولتمردان ایمن نشده‌ایم. آنان زمینه را برای اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم‌ها فراهم کرده اند.

تشدید آزار و اذیت خانواده میر حسین موسوی

در حالی که مدت زمان بی خبری فرزندان مهندس موسوی از پدر و مادرشان به حدود دو ماه رسیده، آزار و اذیت روحی و روانی آنها نیز شدت گرفته و ارائه اخبار دروغ، تهدیدها و ایجاد مزاحمت ها برای زندگی آنها به اوج رسیده است.در پایان پانزدهمین ماه بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد، گزارش ها حاکی از تشدید فشارها بر خانواده ایشان و ادامه محدودیت مطلق ارتباطی ایشان با دخترانشان است.

شدت بخشیدن به ارائه اطلاعات دروغین و ضد و نقیض درباره سلامتی میرحسین، از جمله جدیدترین مصادیق آزار و اذیت دختران بوده است که در یک مورد با ادعای بستری شدن میرحسین موسوی به علتی نامعلوم در بیمارستان همراه بوده است؛ موضوعی که نگرانی شدید خانواده موسوی را به دنبال داشته و آنها را نسبت به احتمال سوء قصد به ایشان در وضعیت حصر و بازداشت و بی خبری، بیمناک ساخته است.

در مورد اخیر، پس از قطع کامل ارتباطات از ابتدای نوروز به این سو، با هدف وارد ساختن فشار روانی مضاعف به دختران، بعد از مدتها ایجاد دل نگرانی شدید و بی پاسخ ماندن جست و جوهای مکرر اقوام موسوی و خود دختران و ایجاد فضای بسیار آزار دهنده در خانواده، سرانجام به چهار نفر از اقوام دور این خانواده اجازه ملاقات دادند، با این شرط که "فرزندان نباید متوجه شوند"!

آنها همچنین تهدید کرده اند که هیچ خبری درباره این دیدار منتشر نشود و گفته اند ابراز نگرانی دختران راجع به پدر و مادرشان "به ضرر کشور است."

این روش شکنجه روحی و ارائه انبوه اطلاعات دروغ در مورد دختران در زمینه مسائل سیاسی، خانوادگی و سلامتی آنان، متقابلاً برای میرحسین و همسرش نیز انجام گرفته که باعث نگرانی این پدر و مادر دربند در مورد فرزندانشان شده است. ماموران امنیتی همچنین به صراحت به فرزندان موسوی اعلام می کنند که علت جلوگیری از ملاقات و تماس و کسب اطلاع آنها از پدر و مادر، اطلاع رسانی درباره گوشه ای از این وضعیت بوده است. آنها از این رفتارهای غیر قانونی به عنوان تنبیه یاد می کنند و حتی در یک مورد از دختران موسوی خواسته اند که از رفتار خود ابراز پشیمانی کنند تا اوضاع بهتر شود.

این در حالی است که همزمان در طول سال گذشته دختران موسوی با تعقیب و مراقبت های شدید، شنود و کنترل آشکار و پنهان مکالمات و ارتباطات خود، بازجویی های متعدد حتی در خودروهای تاکسی تلفنی، و مزاحمت های خاص و عجیب امنیتی که غالبا با تهدید و به کار بردن لحن و الفاظ زشت و تهدید های مکرر جانی و مادی دیگر همراه بوده، رو به رو بوده اند. دامنه این آزار و اذیت ها علاوه بر دختران میرحسین، به سایر اقوام نیز کشیده شده است و در خصوص آنها به طور گسترده ای اقدام به ممنوع الخروجی و ضبط پاسپورت به همراه رفتار خشن امنیتی صورت گرفته است.

زندانبانان در موارد متعددی ضمن تهدیدها به صراحت به آنها اعلام کرده اند مسئولیتی در برابر سلامتی زندانیان خود ندارند و برای آنها تنها یک چیز مهم است: حفظ نظام به هر قیمت!

محمدرضا معتمدنیا به دختران میرحسین:
آماده ام جان ناقابلم را به ایران تقدیم کنم

محمدرضا معتمدنیا، زندانی سیاسی که در اعتراض به بازداشت خانگی رهبران جنبش سبز و زهرا رهنورد از ۲۱ فروردین در اعتصاب غذا به سر می برد، در پیامی به دختران میرحسین موسوی با اشاره به درخواست ایشان برای پایان اعتصاب غذا نوشته است: از مراحم شما دختران بزرگوار این دلاوران عزیزمان تشکر کرده و اجازه می خواهم تا بر آورده شدن این خواسته مشروع به اعتصاب خود ادامه دهم.فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد اخیرا در پیامی از محمدرضا معتمدنیا در خواست کرده بودند که به اعتصاب نامحدود خود پایان دهد.این زندانی سیاسی و مشاور شهیدان باهنر و رجایی با وجود کاهش وزن ۳۰ کیلویی و تمام عوارض و مشکلات جسمی ناشی از اعتصاب، گفته است: به اعتصاب خود تا پایان حبس میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد ادامه خواهد داد.

در پیام او می خوانیم :

«حقیقت این است که هر کداممان دینی به کشور و مردم خوبمان و قهرمانان ملی و شهدای سرزمین مان داریم که می باید این دین را کامل و در وقت لازم ادا کنیم. فکر میکنم وقتش فرا رسیده و من آماده ام این جان ناقابل را بر خاک پاک کشور بزرگم ایران و قهرمانان نامی اش و همه ی شهدای اسلام تقدیم کنم.

درخواست این فرزند کوچک انقلاب، درخواست بزرگ و عجیبی نیست. خواسته من و میلیون ها مثل من آزادی نخست وزیر مظلوم هشت سال دفاع مقدس و مورد تایید حضرت امام و همسر بزرگوار و دانشمندش سرکار خانم دکتر زهرا رهنورد و همچنین پیر فرزانه یادگار حضرت امام جناب آقای کروبی است.»

واگذاری غیرقانونی میلیاردها سهام پتروشیمی به سپاه

معاون وزیر نیرو اخیرا در حالی از انتقال سهام برخی واحدهای پتروشیمی دولتی بدون تشریفات قانونی و تنها با دستور و عنایت شخص احمدی نژاد به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه خبر داده که مشخص نیست اینگونه پروژهها با کدام تشریفات مناقصه و با چه توجیه قانونی واگذار میشوند.

قرارگاه خاتم بعد از جنگ تشکیل شد و هدف از تأسیس آن آبرسانی، صدور نفت و گاز، پروژههای سدسازی و انتقال آب و نیرو و راهسازی بوده است. اما سیاستهای حمایتی احمدی نژاد در واگذاری پروژه های کلان به این نهاد نظامی، مخالفت و انتقاد بخش خصوصی را به همراه داشته است.قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه، تنها در یک سال اخیر چندین پروژه بزرگ ملی را از آن خود کرده و به گفته کارشناسان، به کمک موقعیت خاص سپاه و نیز تسهیلات ویژه دولتی از جمله ترک تشریفات مناقصه و واگذاریهای خارج از روال، امکان رقابت را از بخش خصوصی سلب کرده است.

تنها در دو هفته اخیر، علاوه بر طرح شیرین سازی و انتقال آب دریای خزر به استان سمنان، دو پروژه بزرگ سد بختیاری و ساخت مخازن زیرزمینی نفت نیز به این قرارگاه اقتصادی- نظامی واگذار شده که درباره نحوه واگذاری آنها ابهامات زیادی وجود دارد و دستکم سلب امکان رقابت از بخش خصوصی، کمترین تاوان روند فعلی محول کردن پروژههای نجومی به سپاه است.

بسیاری از دلسوزان نظام هشدار دادهاند که آلوده شدن سپاه به فعالیتهای پرسود اقتصادی، به انحرافات بزرگ در این نهاد انقلابی خواهد انجامید. اما این هشدارها شنیده نشده است.

به گفته عطارزاده تا کنون هفت تا هشتهزارمیلیاردتومان برای ۱۰تا ۱۵ پروژه به قرارگاه خاتم واگذار شده است.

دیدار سیدهادی خامنه ای با خانواده کروبی

سیدهادی خامنه ای دبیر کل مجمع نیروهای خط امام با حضور در منزل مهدی کروبی با خانواده این روحانی دربند دیدار کرد.

وی در این ملاقات ضمن اشاره به سابقه آشنایی خود با شیخ اصلاحات گفت: سابقه دوستی ما قدمتی نزدیک به پنجاه سال دارد که از همان ابتدا با همکاری در امر مبارزه تداوم و گسترش یافت.

او، با تاکید بر اینکه آقای کروبی به حق از معدود چهره هایی بود که در صحنه های خطر با شجاعت وارد می شد و نگران هزینه های آن هم نبود افزود: تعهد، صداقت و مسئولیت پذیری آقای کروبی را همه از نزدیک دیده اند و کسی نمی تواند آن را انکار کند.

وی همچنین با تمجید از همراهی و شکیبایی همسر و خانواده کروبی اظهار امیدواری کرد هرچه سریعتر با آزادی آقایان کروبی، موسوی و خانم رهنورد و سایر زندانیان، چشم همه علاقمندان به آنها روشن شود.

اخبار کوتاه

مخالفت با اعزام رونقی به بیمارستان

در پی نامه سیدحسین رونقی ملکی به رییس قوه قضاییه، دادستانی تهران با اعزامش به بیمارستان مخالفت کرد.وی به دلیل عفونت و خونریزی از ناحیه کلیه باید تحت درمان قرار بگیرد.

۲۵ ضربه شلاق برای کشیدن کاریکاتور

« محمود شکرایه» ، کاریکاتوریست نشریه استان مرکزی به خاطر ترسیم کاریکاتور «احمد لطفی آشتیانی»، نماینده اصولگرای مجلس هشتم در اراک به تحمل ۲۵ ضربه شلاق محکوم شده است.

افزایش ۲۰ درصدی مشاغل کاذب

غلامرضا خادمیزاده فعال کارگری از افزایش ۲۰ درصدی مشاغل کاذب در کلان شهرها از سال گذشته تا امسال به دلیل وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی خبر داده است.

حبس ۲ ساله برای یک روزنامه نگار

احمدرضا یوسفی روزنامه نگار و معاون سابق فنی ایسنا پس از یک سال بازداشت موقت از سوی قاضی صلواتی به ۲ سال حبس قطعی و ۳ سال تعلیقی محکوم شد.

درخواست برای انتقال زندانیان فلسطینی به بیمارستان

سازمان صلیب سرخ از اسرائیل خواسته تا به شش زندانی فلسطینی که از دو ماه قبل اعتصاب غذا کرده اند اجازه دهد برای مراقبت پزشکی به بیمارستان انتقال یابند.

وضعیت نامناسب فعال زنان در اوین

ژیلا کرمزاده مکوندی، فعال مدنی که برای گذراندن حکم دو سال حبس تعزیری خود در زندان نگهداری میشود،به دلیل بیماری " فشار خون" در وضعیت نامناسبی به سر می برد.

افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت مسکن

ستاریان، کارشناس مسکن با پیش بینی افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت مسکن در سال ۹۱ گفت: فروردین امسال، قیمت مسکن نسبت به اسفند ماه سال گذشته ۱۵ درصد افزایش داشته است.

تجمع اعتراضی مقابل مجلس

برای چندمین بار از سال پیش تاکنون تعدادی از معلمان و آموزشیاران شرکتی آموزش و پرورش و مربیان پیش دبستانی مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار پیگیری حق و حقوق خود شدند.

پیشنهاد

از ناشران محروم از نمایشگاه حمایت کنیم

مجید دری، دانشجوی زندانی و محروم از تحصیل در یادداشتی از زندان به بهانه برگزاری نمایشگاه کتاب، پیشنهاد کرد که از ناشران محروم از حضور در نمایشگاه، حمایت شود.او در بخشی از این یادداشت با یادآوری اینکه نمایشگاه کتاب باری دیگر با اعمال سلیقه و محدودیت برای ناشران و تعیین تکلیف برای خواندن آغاز شد ، اشاره کرد: عملکرد نشرهای چشمه، کوچک، کویر، امید فردا و آهنگ دیگر در این یک ساله به مذاق آقایان خوش نیامده و مثلا برای تنبیه و البته جهت اعمال قدرت و در نهایت همه چیز را زیر نظر خود بردن که از تفکر تمامیت خواه برمی خیزد، مانع حضورشان در نمایشگاه امسال شدند. دری گفته است: مبلغی را جهت خرید کتاب از این ۵ نشر، هم برای اعتراض، هم برای حمایت اختصاص داده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۸ شنبه ۳۷ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: امروز حاکمیت در ورای ایجاد این نگرانی که اگر او نباشد دین از بین می‌رود سنگر گرفته است و مرتبا با این اعلام خطر سعی می‌کند اقشار مذهبی را در پشت سر خود بسیج و منسجم کند، حال آن که در واقعیت، آن چیزی که بیشترین لطمه را به فضای دینی جامعه زده است رفتارهای ستمکارانه و ضددینی خود حاکمیت است.

سیاست خارجی ایران به کجا می رود؟

سر مقاله

سیدمحمدصدر *

در حال حاضر رابطه ما با کشورهای حوزه خلیج فارس دچار مشکل شده است. گستاخی های اخیر امارات و کشورهای عربی، نتیجه سیاست خارجی غلط و انزوای دولت احمدی نژاد است. این هم از ضرباتی است که سیاست خارجی غلط دولت فعلی به امنیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است. اینکه در زمان آقای خاتمی این بحث ها مطرح نبود به این دلیل است که در آن زمان دولت ایران منزوی نبود و مشروعیت بین المللی دولت، اعراب را در موقعیت انفعالی قرار داده بود و آنها زمینه طرح ادعاهای واهی خود را در جامعه بین الملل فراهم نمی دیدند. در نتیجه آنها چنین مسائلی را مطرح نمی کردند ولی الان احساس می کنند که این دولت منزوی و تنهاست و می توان به آن فشار آورد. از این رو، دولت های عربی باید بدانند که مسائلی مثل خلیج فارس و جزایر سه گانه و ... ربطی به دولت فعلی ندارد و خواسته ملت ایران است و ملت ایران یک متر از تمامیت ارضی خود کوتاه نمی آید. نکته دیگری که در حوزه سیاست خارجی بویژه در مورد همسایگان خارجی حایز اهمیت است، اشاره به این مساله است که اساسا همسایگی نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی دارد. همه دولت های دنیا حتی اگر رژیم هایشان و ادیان و فرهنگ هایشان متفاوت باشد، تلاش می کنند با کشورهای همسایه روابط خوبی داشته باشند. چرا که روابط تیره با همسایگان می تواند به شدت مشکل آفرین باشد. یعنی اگر همسایه قدرتمندی باشد به خودی خود می تواند مشکل ساز باشد و اگر فاقد قدرت ویژه باشد کشورهای قدرتمند می توانند از آن علیه منافع ملی و تمامیت ارضی کشور استفاده کنند. به این دلیل عقل حکم می کند که با همسایگان رابطه خوبی داشته باشیم. من این سیاست را که ما روابطمان با ترکیه را فدای روابط با سوریه کنیم اشتباه می دانم. هر کشوری در سیاست خارجی جایگاه خود را دارد. اختلاف نظر ایران و ترکیه در مورد بحران سوریه نباید باعث شود که روابط ایران و ترکیه تیره شود. چرا که ترکیه کشور همسایه و مسلمان است و به لحاظ سیاسی، اقتصادی و بین المللی برای ایران دارای اهمیت است. از این گذشته اگر از لحاظ فرهنگی و ایدئولوژیک به موضوع روابط ایران و ترکیه نگاه کنیم، با توجه به این که در این کشور یک دولت اسلام گرا بر سر کار است، در می یابیم که ایران و ترکیه در حال حاضر از مشابهت های زیادی برخوردار هستند و این مشابهت های فرهنگی می تواند همسویی در سیاست خارجی ایجاد کند. به هر حال ما نبایستی صرفا به دلیل حمایت حکومت سوریه از گروههای مقاومت، از رژیم بشار اسد که اینگونه با مردم خود برخورد می کند حمایت کنیم و در نتیجه آینده خود را در سوریه و جهان عرب به خطر بیندازیم. به خاطر حمایت ایران از بشار اسد موقعیت ما در کل جهان عرب زیر سوال رفته است. این حمایت موجب شده که این اتهام را هرچه بیشتر به ایران وارد کنند که ایران به طایفه گری دامن می زند. یعنی چون طایفه علوی در سوریه حاکم است ایران از حکومت این کشور بدون چون و چرا حمایت می کند. در حالی که سیاست ایران طایفه گری نیست و مبتنی بر حمایت از مردم بدون توجه به مذهب و طایفه بوده است. اما عملکرد غلط دولت ایران در موضوع سوریه موجب پررنگ شدن این اتهام شده است. بنابراین سیاست ایران در سوریه سیاست مناسبی نیست و به هیچ وجه استراتژیک و مبتنی بر آینده نگری نیست و نمی تواند منافع ایران را در سالهای آینده تامین کند. چه بسا این سیاست منجر به انزوای هرچه بیشتر ایران در سطح منطقه شود.

* معاون وزیر امور خارجه دولت خاتمی

حلقه‌های «صالحین»؛ تکرار تجربه مجاهدین خلق

در خبرها آمده بود که ساختار حلقه‌های «صالحین» که یکی از تشکیلات زیرمجموعه بسیج است از سوی سپاه پاسداران به سراسر کشور ابلاغ شده است. هدف نهایی این طرح تربیت عقیدتی و سیاسی و کادرسازی از پایین‌ترین سطح ممکن یعنی مساجد و مدارس اعلام شده است. ایده اولیه تشکیل حلقه‌های ۱۵ تا ۲۰ نفره «صالحین» از سوی رهبری مطرح شده است. مستندات موجود که به طور علنی منتشر شده نشان می‌دهد سرتیپ نقدی فرمانده بسیج خود شخصا استان به استان می‌رود و از نزدیک بر اجرای این طرح سراسری و کشوری نظارت می‌کند.

مطالعه جزئیات اعلام شده طرح نمایشی دیگر از عزم رهبری به منظور تکمیل روند تبدیل سپاه و بسیج به عنوان حزب پادگانی حاکم و تحت امر است. در حالیکه فعالیت احزاب سیاسی مستقل با فشارهای روزافزون دستگاه های امنیتی به شدت محدود و به صورت تعلیق درآمده، حزب پادگانی که سابقه روند رشد سریع آن را می توان به سال ۱۳۷۷، یعنی یک سال پس از پیروزی غیرمنتظره اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، بازگرداند، با تکیه بر منابع مالی ملی در حال رشد است.

دو نکته قابل توجه درباره نگرشی که به شکل گیری و گسترش حزب پادگانی معتقد است وجود دارد نخست اینکه در مرکز این نگرش، برابر انگاشتن خود با حق و حقیقت خودنمایی می کند. از آنجا که مصادره مفاهیم دینی از ابزارهای متداول اقتدارگرایان حاکم است، نام «صالحین» باید لابد حاکی از نوعی تقدس دینی باشد که پیشاپیش به این تشکیلات و اعضای آن اعطا شده است. خودکامگان نه تنها حاضر به پذیرش سنجش خود با حق نیستند، که خود را برابر با تمامی حق و در نتیجه، مخالفان خود را کاملا ناحق می شمرند. از همین روست که میلیشیای قدرت، هر زمان که فرمان برسد، در سرکوب و از میان بردن مخالفان و منتقدان ابایی نخواهد داشت و آن را تعبد نسبت به رهبری و عبادت در پیشگاه خالق می داند.

نکته دیگر، استفاده ابزاری از مسئله مهدویت و انتظار ظهور ناجی بشریت آشکار است. گویی تنها میلیشیای «صالحین» هستند که قرار است در رکاب حضرتش در نبرد علیه ظلم و جور پیکار کنند و پس از آن، وارثان زمین باشند. آنچه به راحتی، و در پرتو تعلیمات ایدئولوگ این میلیشیا یعنی شیخ مصباح یزدی نادیده گرفته می شود، ظلم و جوری است که توسط چنین تشکیلاتی بر خیل عظیم منتقدان روا داشته و می شود. در قاموس اینان، ستم بر دیگران اگر از سوی حکومتیان صورت بپذیرد عین عدالت است و صدای تظلم خواهی از سوی مردمان، آب به آسیاب دشمن ریختن و مستحق سرکوب.

بعد دیگر داستان شکل گیری میلیشیای «صالحین»، به سازمان دهنده آن یعنی سردار نقدی مربوط می شود. وی که پیش از فرار به ایران و جذب در سپاه، خود در عراق میلیشیای صدام و چگونگی کاربرد آن را تجربه کرده، اینک در پرتو عضویت در عالی ترین حلقه امنیتی کشور و ارتباط وثیق با دفتر رهبری، قصد دارد آن تجربه را این بار نه در فضای ایدئولوژی بعثی، که در حال و هوای گفتمان خشونت محور دینی مکتب مصباح یزدی تکرار کند.

اما آیا تکیه بر میلیشیای «صالحین» می تواند حاکمان را در نجات از بحران مشروعیتی که به دست خود پدید آورده اند یاری رساند؟ آیا نارضایتی اکثریت مردم ایران را می توان با رضایت اقلیتی وفادار جبران نمود؟

پاسخ به این پرسش را باید در ادبیات رایج در میان گروه های سرکوب یافت. آنها مشروعیت خود را در لابلای صفحات تاریخ صدر اسلام جست و جو می کنند و خود را در موضع بدر و حنین می دانند، همانگونه که مخالفان خود را طلحه و زبیر می نامند؛ نگرشی که هیچگونه پشتوانه علمی، منطقی و دینی ندارد و بیشتر به مذاق اهالی وعظ و مدح خوش می آید تا فقیهان و فیلسوفان.

آنچه ضروری است توسط «صالحین» سخت مورد توجه قرار گیرد، دعوت به عبرت آموزی از تاریخ است؛ مروری بر تاریخ سرنوشت خودکامگان با هر توجیهی برای مشروعیت بخشی به خود که مسلح باشند، نشان از ناکامی و درماندگی درست در زمانی از حکمرانی و فرماندهی دارد که خود را در اوج قدرت و سلطه می پندارند.

نرگس محمدی در زندان به فلج عضلانی مبتلا شد

تقی رحمانی، همسر نرگس محمدی، فعال حقوق بشر که در زندان به سر می برد، با اعلام اینکه همسرش در تماس تلفنی با خانواده اش از بازگشت بیماری عصبی و فلج عضلانی اش خبر داده است، نسبت به وضعیت او ابراز نگرانی کرد. او گفته است: همسرش در حالی برای اجرای حکم از حدود دو هفته پیش در زندان به سر می برد که دوباره تحت بازجویی قرار گرفته است.طبق اعلام او، خانم محمدی

را برای زیر فشار قرار دادن او دوباره بازجویی کرده اند که به گفته او مصداق "گروگانگیری"

است.رحمانی ادامه داد: همسرش در تماسی با منزل گفته است که "چندین بار حالش بهم خورده و به زمین افتاده است و یک بار نیز سرش با زمین برخورد کرده است." او هم چنین اعلام کرد: همسرش در جریان بازداشتش در سال ۱۳۸۹ دچار شوک عصبی شده بود که ماه ها طول کشید مداوا شود و حالا به گفته او با بازداشت و بازجویی مجدد او، دوباره دچار این بیماری شده است.

انتقال معتمدنیا از بیمارستان به اوین

محمدرضا معتمدنیا پس از سی وسه روز اعتصاب غذا در اعتراض به حبس خانگی میرحسین موسوی از بیمارستان قلب به زندان اوین منتقل شد.انتقال وی از بیمارستان به اوین در حالی صورت گرفت که هنوز نتیجه آزمایشات انجام شده در بیمارستان به رویت پزشک متخصص نرسیده بود. معتمدنیا که از ۲۱ فروردین ماه دست به اعتصاب غذای نامحدود زده، پس از انتقال به بند عمومی در حالیکه بیش از ۳۰ کیلو کاهش وزن داشته و دچار رعشه های شدید در بدن خود شده و ضربان نامنظم قلبش نگران کننده بوده است تاکید کرده به اعتصاب خود تا پایان حبس میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد ادامه خواهد داد.او اعلام کرده آماده ام جان ناقابلم را به کشور و شهدای اسلام تقدیم کنم.

گرامیداشت یک سال و نیم روزه سیاسی تاجزاده

تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی، فعالین سیاسی اصلاح طلب، خانواده شهید باکری و همکاران سابق سیدمصطفی تاجزاده در خانه ی او برای برگزاری مراسم افطار و دعا به مناسبت یک سال و نیم روزه داری این زندانی سیاسی جمع شدند. در این مراسم پس از افطار، خانواده های زندانیان سیاسی از خداوند رفع ظلم و آزادی تمامی زندانیان بی گناه سیاسی را خواستند.

در این برنامه هم چنین فخرالسادات محتشمی پور گزارشی از وضعیت همسرش ارائه کرد و گفت تازمانی که او در این وضعیت غیر عادلانه و غیر قانونی به سر می برد به روزه داری خود ادامه خواهد داد. در این جلسه نسبت به اجرای حکم مهسا امر آبادی اعتراض شده و آن را موجب بدبینی کامل به دستگاه قضا دانستند.

اخبار کوتاه

اعطای یک پروژه دیگر به سپاه از سوی احمدی نژاد

دولت احمدی نژاد پروژه دیگری را به قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه واگذار کرد که براساس آن طبق اعلام معاون عمرانی استاندار تهران پروژه قطار بین شهری تهران- دماوند در مرحله عقد قرارداد بوده و قرار است توسط قرارگاه خاتم الانبیا اجرایی شود.

گسترش قراردادهای سفیدامضاء

به گفته علی دهقان کیا فعال کارگری، بیش از ۵۵ درصد کل قراردادها بین کارگران و کارفرمایان سفید امضا منعقد می‌شود که این مساله حکایت از فقدان امنیت شغلی کارگران و گسترش بیکاری دارد.

رشد صعودی قتل های ارتکابی در کشور

سرپرست دادسرای جنایی تهران با اعلام خبر افزایش قتل های ارتکابی به وسیله سلاح سرد و افزایش خرید و فروش آزاد این سلاح گفته است: در هر شبانه روز، ۳ ایرانی در کشور بر اثر اصابت سلاح سرد جان می‌بازند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۶۹ دو شنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: به احقاق حقوق خود امیدوار باشید و اجازه ندهید کسانی که برای ناامیدی و ارعاب شما می کوشند خشمتان را برانگیزند.

آیا حکومت فعلی کشور اسلامی است؟

سر مقاله

« علامه محمدرضا حکیمی »

آیا جمهوری اسلامی را، خصوصا به شیوهای که هماکنون در ایران در حال برقراری است، میتوان اسلامی دانست؟

• هر حاکمیّتی، فقط در صورتی عنوان «اسلامی» بر آن صادق است و «عقلا» و «شرعا» این حق را دارد که خود را «اسلامی» بنامد و بخواند که حرکت کلّی آن ـ بویژه حرکت معیشتی ـ اقتصادی در جهت صلاح و اصلاح افراد، و صلاح و اصلاح اجتماع باشد. حاکمیّتها در اشتباهند که فکر میکنند با بیخبری از انسان محروم و مشکلات فقر و کمبودداری، حاکمیّتهایی مطلوب هستند.

• امام علی(ع): جز با حکومت صالح، جامعه اصلاح نشود و جز با پایداری و همکاری مردم، حکومتها موفّق نخواهند بود. هرگاه مردم وظایف خود را در برابر حاکمیّت، درست انجام دهند و حاکمیّت نیز به وظایف خود در برابر مردم درست عمل کند، «حق» (در همه چیز) ملاک قرار میگیرد.

• و (بدانید) هیچ کس ـ دارای هر مقام و منزلتی باشد، و از نظر دینی، هر فضیلت و سابقهای داشته باشد ـ در حدّی نیست که در اجرای حکومت الهی، از کمک فکری (مشورت و نظرخواهی) و همکاری عملی دیگران بینیاز باشد؛ و هر کس ـ اگرچه از افراد پایین و فراموششدهٔ اجتماع ـ چنان نیست که نتواند در اصلاح جامعه و جریان امور کمک کند و نظر دهد.

پس در حاکمیّتهای صالح، بنا بر نصّ سخنان علی(ع) و مؤدّای آنها، هیچ کس نباید بیاهمّیّت تلقّی گردد و کنار گذاشته شود!

• در «انقلاب»ها نیز ... با فداکاریهای بیدریغ و گوناگون تودههای ضعیف و پابرهنه، انقلاب به پیروزی میرسد، سپس کار به دست اغنیا و توانگران و فرصتطلبان و «مرفّهان بیدرد» میافتد! «فرعون» (طاغوت سیاسی) به دست محرومان ساقط میشود، امّا «قارون» (طاغوت اقتصادی) (با نزدیک شدن به قدرتمندان) به قدرت میرسد، بلکه خود به گونهای، به صورت قدرت حاکم و تصمیمگیرنده در میآید ... اینگونه انقلابها ـ در واقع ـ انقلاب نیست، رفتن اشخاصی است و آمدن اشخاصی دیگر ... زیرا انقلاب آن نیست که «اشخاص دولت» عوض شوند، بلکه انقلاب آن است که «احوال ملّت» عوض شود! ... و فقر و تبعیض و اختناق از میان برود.

•حضرت علی(ع) تاکید دارند که باید حاکم صالح و اسلامی، حقپذیر باشد نه مستبد و خودرأی... و باید کسانی را دور خود جمع نکند که کارهای نادرست او را تأیید کنند، و برای سوء استفاده به او نزدیک شوند... و همواره برای او... اصولاً در اسلام، «سلطنت» و «سلطه بر مردم» وجود ندارد، چه سلطنت سیاسی، چه سلطنت اقتصادی، و چه سلطنت و سلطههای دیگر.

•در خصوص کشتن مخالفان غیر مسلّح و اپوزیسیون در غیر زمان معصوم، ذکر این مساله ضروری است که «در غیر زمان معصوم(ع) و با غیر معصوم، نمیتوان چیزی را مطلق کرد، و دم از عملی شدنِ مطلق اسلام زد، و مدّعی عمل درست به همهٔ اسلام شد!!»

• اگر کسانی تصوّر کنند که با اِعمال زور و سرکوبگری میشود حکومتی صالح داشت و نظامسازی اسلامی کرد، سخت در اشتباهند. این گونه برخوردها اسلامی نیست و اسم اسلام و ادّعای مسلمانی، برای اسلامی شدن و مسلمان بودن کفایت نمیکند. نگرانی بزرگانی از عالمان بسیار برجسته و بزرگ شیعه، مانند آیت الله آخوند ملّا محمّدکاظم خراسانی (م: ۱۳۲۹ ق)، و آیت الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (م: ۱۳۴۰ ش)، در مورد اقدام برای تشکیل حکومت دینی و نظام اسلامی، برای همین منظور بوده است، تا مبادا عملکردهایی و برخوردهایی ـ در مقام حاکمیّت ـ با مردم بشود، که موجب سرخوردگی از دین گردد، و زبان دشمنان را باز کند.

برگرفته از کتاب «حکومت اسلامی از منظر قرآن و احادیث

تاکید خانواده موسوی و کروبی بر آزادی زنان زندانی سیاسی
مصرانه خواستار پایان اعتصاب غذای معتمدنیا هستیم

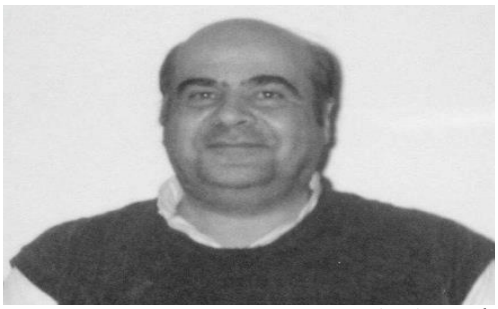

در پانزدهمین ماه از حبس خانگی رهبران جنبش سبز، خانواده های موسوی و کروبی با هم دیدار کردند.

در دیدار دختران موسوی با همسر مهدی کروبی که در سالروز تولد حضرت فاطمه زهرا (س) و به مناسبت روز زن صورت گرفت، دو خانواده ضمن اعلام نگرانی و ابراز تشکر از محمدرضا معتمدنیا زندانی سیاسی اعتصاب کننده غذا، مصرانه خواستار پایان یافتن اعتصاب غذای وی شده و اعلام کردند قطعا نظر رهبران جنبش نیز چنین است و تاکید کردند که وجود گرانبهای ایشان برای جامعه و خانواده بسیار مثمر ثمرتر خواهد بود.

محمدرضا معتمدنیا به حصر خانگی رهبران جنبش سبز معترض است و برای پایان دادن به این حصرها اعتصاب غذا کرده است.

در این دیدارصمیمانه، دو خانواده هم چنین ضمن اظهارنگرانی در مورد حوادث چند روز اخیر برای زنان زندانی از جمله مهسا امرآبادی و نرگس محمدی، ابراز امیدواری کردند به مناسب ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ، تمام زندانیان سیاسی زن از زندان ها آزاد و به آغوش خانواده بازگردند.

همسر نسرین ستوده: ۲۱ ماه دوری از فرزندان غیرقابل تحمل است

گفتگو

همسر نسرین ستوده در حالی از دریافت احضاریه ای برای محاکمه دوباره همسرش در پرونده ای جدید خبر می دهد که ضمن آن می گوید:

با این وجود همسرم بازداشتش را نیز غیر قانونی می داند. رضا خندان همسر این وکیل زندانی در گفتگو با کلمه توضیح می دهد: این دادگاه در ادامه محاکمه ای است که از حدود یک سال پیش بنا به درخواست مرجع قضایی مبنی بر تعلیق پروانه وکالت اش، آغاز شده است.احضار نسرین ستوده در شرایطی صورت می گیرد که وکیل وی عبدالفتاح سلطانی نیز در بازداشت به سر می برد.او اشاره می کند:

همسر من به هیچ وجه، نه در این پرونده که اصلا موضوعیت ندارد که حتی در پرونده ای که حکم برای آن صادر شده حکم صادره را عادلانه نمی داند، در واقع ایشان اصلا بازداشت خودش را عادلانه نمی داند.

او هیچ خلافی نکرده است. کسی را برای چهار تا مصاحبه ۵۱۰ سال حکم نمی دهند. نسرین ستوده، در حکم اولیه ش ۵۱ سال حکم داشت ۲۰ سال محرومیت از وکالت، ۲۰ سال ممنوعیت از خروج از کشور و یازده سال هم حبس تعزیری که رضا خندان در این مورد تاکید می کند:

همسر من خودش را مجرم نمی داند و چون معتقد است حکم غیر عادلانه است حق خودش می داند که بتواند به وکالتش در هر حالت ادامه دهد.وی، با اشاره به قطع ارتباط ۲۱ ماهه نسرین ستوده از خانواده و به خصوص فرزندان خردسالش می گوید: این موضوع به ویژه برای بچه های کوچک سخت و غیر قابل تحمل و خرد کننده است. اما با این وجود همسرم همچنان روحیه خوبی دارد.

نگرانی از افزایش نرخ مسکن در خرداد و تیر

از زمان اجرای قانون هدفمندسازی یارانهها در کنار افزایش نسبی اقلام مختلف، میزان اجارهبها و قیمت مسکن نیز رشد صعودی داشته است. این در حالی است که پیش بینی ها حکایت از تداوم این رشد در ماه های آینده دارد.بنگاههای معاملات مسکن از افزایش بیرویه قیمت مسکن در خرداد و تیرماه اظهار نگرانی میکنند اما برخی دست اندرکاران دولت قیمت بازار مسکن را متعادل اعلام کرده و معتقدند قیمتهای واقعی اجارهبها و خرید و فروش مسکن با آغاز جابهجاییها در اوایل تیرماه مشخص میشود.

درحالیکه در کلانشهر تهران متقاضیان برای خرید یک واحد مسکن ۱۰۰ متری، باید چیزی در حدود حداقل ۱۵۰میلیون تومان هزینه کنند، متقاضیان مسکن از ناهماهنگی بین درآمد و قیمت عرضه مسکن گلایه میکنند.هم اکنون دولت افزایش ۱۵درصدی دستمزد کارمندان را به مجلس داده است ولی کمیسیون تلفیق به دلیل اعلام تورم ۲۱٫۵ درصدی از سوی بانک مرکزی با آن مخالف است. در این میان آنچه مشهود است فاصله چشمگیر درآمدها به خصوص میان کارمندان و کارگران با میزان قیمت و اجاره بهای مسکن است.

خواستار اجرای قانون و حرمت قلم ایم

۱۲۶ روزنامه نگار در نامه ای خطاب به روسای قوای مقننه و قضاییه نسبت به سه حادثه اخیر در حکم ۲۵ ضربه شلاق برای کاریکاتوریست اراکی، احضار مهسا امرآبادی برای اجرای حکم به زندان و توهین و ناسزا به خبرنگار هفته نامه آسمان در مجلس اعتراض کرده و اعلام داشتند:

ما خواستار توقف حرکت شلاق ایم، ما خواستار پایان نهادن بر همه بی قانونی ها، بی عدالتی ها و بی حرمتی ها به اهل قلم هستیم، ما خواستار اجرای قانون ایم... ما خواستار حرمت قلم ایم و از شما به عنوان دو متولی دو قوه از قوای سهگانه جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم در این حیطه، قدرتی برای عمل و عزمی برای اعمال قانون و اجرای عدالت داشته باشید.

در این نامه آمده است:

درست در روزهایی که متهم بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک ارتقا مقام می گیرد و قوای تحت ریاست شما چشم بر اتهامات او می بندد، روزنامه نگاران ایرانی یکی بعد از دیگری راهی زندان ها می شوند، به آنان ناسزا می گویند و حتی تعرض فیزیکی می کنند.

اخبار کوتاه

تاسف دو مرجع تقلید از بازداشت نرگس محمدی

آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله صانعی طی تماسهایی با خانواده تقی رحمانی نسبت به بازداشت نرگس محمدی اظهار تاسف کرده و ضمن دعا برای اصلاح امورکشور، ابراز امیدواری کردند دو کودک آنها بتوانند از محبت والدینشان برخوردار شوند.

بازداشت دو فعال دانشجویی

معین غمین و محمد حاجی بابائی دو فعال دانشجویی در بابل، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. نیروهای امنیتی طی روزهای گذشته اقدام به ایجاد محدودیت و فشار بیشتر به چند تن از فعالان دانشجویی و همچنین فعالان مدنی کرده اند.

اخراج ۶۰ کارگر به دلیل بدهی بانکی

بدهی ۳ میلیارد تومانی کارخانه شیرین طعم لارستان ، ۶۰ کارگر را بیکار کرد. اخراج کارگران و هم چنین تعطیلی کارخانه به جهت انباشت بدهیهای بانکی بوده که هم اکنون کلیه اموال آن مصادره یکی از بانک ها شده است.

تبریک به رئیس جمهور منتخب فرانسه

اردشیر امیر ارجمند، سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید در پیامی به رئیس جمهوری منتخب مردم فرانسه، ابراز امیدواری کرد فرانسه از تلاشهای بین المللی برای رفع سایه جنگ از منطقه و حل مسالمت آمیز و عزتمند پرونده ی هسته ای ایران حمایت کند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۰ چهارشنبه ۲۷ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: سرنوشت جنبش زنان و جنبش سبز به هم پیوسته است و فکر نمی کنم جنبش سبز به آرمان هایش برسد بدون آنکه زنان قدم به قدم با آن گام بردارند. برعکس آن نیز صادق است.

ناگفته هایی از فعالیتهای اقتصادی سپاه

سرمقاله

قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء در یک ماه گذشته، دست کم سه بار تکذیبیه منتشر کرده است. ظاهرا خبرهایی هست که قرار نیست کسی مطلع باشد. آخرین مورد، ظاهرا مربوط به شرکت های طرف قرارداد، اما در واقع واکنشی به افشای خبر واگذاری سهام شرکت های دولتی پتروشیمی به این قرارگاه بود. در این اطلاعیه، قرارگاه خاتم الانبیا به متهم کردن "برخی شرکتها و افراد حقیقی و حقوقی" پرداخت که "به طور کذب، خود را نمایندگان و یا وابستگان قرارگاه سازندگی خاتمالانبیاء(ص) معرفی نموده و اقدام به دریافت حقالمشاوره و یا عقد قرارداد با بخش خصوصی برای اجرای پروژه و خرید تجهیزات نمودهاند و از این بابت تقاضای تخفیف و بخشودگی نموده و بعضاً تعهدات خود را به بازار و طرفهای قرارداد اجرا ننمودهاند."

نکته اصلی این اطلاعیه، "تکذیب هرگونه ادعا مبنی بر اخذ کار و عقد قرارداد خارج از مناقصه" بود که واکنشی صریح به گزارش روز قبل روزنامه شرق درباره نحوه تامین اعتبار پروژه شیرین سازی و انتقال آب دریای خزر به نظر می رسید. این در حالی است که این موضوع از سوی معاون وزیر نیرو خبری شد که گفته بود: قرارگاه هم چون یک تشکیلات دولتی است برای کمک به دولت این را پذیرفته است. ما هم پذیرفتهایم که نگذاریم آسیبی به آنها برسد. اگر احیانا پروژهای به مراحل پایانی نرسید و قرارداد منعقد نشد، با پیمانکار بعدی تفاهم میکنیم که کار انجام شدهشان داخل آن کار برود. و به همین سادگی یک قرارداد نجومی بدون طی تشریفات قانونی به قرارگاهی که خود را "بزرگترین پیمانکار طرف قرارداد دولت در ایران" می خواند، واگذار شده است. به طوری که قرارگاه مذکور حتی نتوانسته به صراحت این خبر را تکذیب کند.

دو هفته پیش هم این قرارگاه در اطلاعیه ای "واگذاری پروژه قطار شهری تهران – دماوند به این قرارگاه را رد کرد." اما جالب اینجاست که این بار هم یک مقام دولتی (معاون عمرانی استاندار تهران) خبر را اعلام کرده بود و البته این بار هم تکذیبیه با این لحن مبهم همراه بود که "قرارگاه در این خصوص در هیچ مناقصهای شرکت نکرده است." ظاهرا منظور از انتشار چنین تکذیبیه هایی نیز، بیشتر از تکذیب اصل موضوع، تغییر دادن ذهنیت افکار عمومی درباره غیرقانونی بودن فعالیت های اقتصادی سپاه است که واضح ترین مصداق آن، واگذاری های غیر قانونی پروژه های دولتی به این قرارگاه نظامی- اقتصادی است. یک ماه و اندی قبل که به دنبال خرابی یک سد در راین در استان کرمان، که بنا به اعلام رسمی ۱۷ میلیارد ریال خسارت به بار آورد، بار دیگر قرارگاه خاتم تکذیبیه صادر کرد.

خبر ابتدا در رسانه های رسمی با عنوان "شکستگی سد راین در کرمان" منتشر شد و حاکی از شکسته شدن سد حتی قبل از افتتاح آن بود. اما چند روز بعد که یکی از رسانه ها نام واقعی این سد را سد خاتم الانبیا اعلام کرد، بلافاصله قرارگاه اقدام به انتشار تکذیبیه کرد. پس از این سه حادثه شکستگی سد، وقوع یک حادثه جنجالی تر که به آب گرفتگی در متروی تهران منجر شد، این بار قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه را به پرده برداشتن از چهره نظامی خود و ورود مستقیم به سانسور رسانه ها واداشت. هیچ کس در مطبوعات اجازه نیافت سازنده دیواره های پیش ساخته مسیل آب را که خرابی آنها علت مستقیم سرازیر شدن آب به خط متروی تهران بود، معرفی کند.

با این وجود مشخص نیست مجموع رقم قراردادهای دولتی قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء چقدر است. اگر چه دو فرمانده قرارگاه در اظهارنظرهای خود در زمان مسئولیت، اتفاق نظر داشته که "قرارگاه خاتم الانبیا پروژه های کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان را برعهده نمی گیرد." این خوش اشتهایی البته با رنگ و لعاب "لحاظ کردن جایگاه بخش خصوصی" اعلام شده تا باز مشخص شود که این قرارگاه برای خود شأنی بالاتر از بخش خصوصی قائل است و لابد به همین خاطر هم هست که قراردادهای مورد نظر خود را بدون مناقصه و تشریفات قانونی برمی دارد.

برآورد مجموع ارقام پروژه های قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه ممکن نیست. اما به طور تخمینی می توان از بودجه بالغ بر دهها میلیارد دلار برای هر سال سخن گفت. ناگفته پیداست که تجمیع این حجم هنگفت بودجه در دست یک نهاد نظامی، چه تبعات تلخی در عرصه های سیاسی و امنیتی خواهد داشت.

آنطور که فرمانده فعلی قرارگاه خاتم اعلام کرده، "بیش از ۷۰ درصد پروژه های قرارگاه توسط بخش خصوصی انجام می شود." همین، یعنی اعتراف به اینکه قرارگاه خاتم الانبیاء برخلاف ادعای مبنی بر سازندگی و خودکفایی و ... در واقع در اکثر موارد در این پروژه های بزرگ و نجومی، تنها نقش "دلالی" دارد و خود را – قاعدتا با استفاده از امتیاز بهره مندی از ابزارهای امنیتی و نظامی – واسطه واگذاری قراردادهای دولتی قرار می دهد و در نهایت از این میان، پول هنگفتی از بودجه کشور به جیب می زند.

قاتل رامین رمضانی هنوز معرفی و محاکمه نشده
سه سال زندان، تاوان اعتراض یک پدر شهید

در حالی که هنوز حکومت با گذشت سه سال در قبال پرونده های شهدای اعتراضات سال ۸۸ سکوت کرده است، دادگاه انقلاب در اقدامی تاسف بار پدر شهید رامین رمضانی از شهدای جنبش سبز را به سه سال حبس تعزیری محکوم کرد.

این اولین بار است که پدر یکی از داغدیدگان حوادث پس از انتخابات به زندان محکوم می شود و این در حالی است که سرنوشت پرونده قتل فرزند وی همچنان در تعلیق و نامشخص است.

پدر شهید رامین رمضانی در آذرماه ۱۳۸۹ بر سر مزار فرزند ۲۲ ساله اش بازداشت شد. او چند روز قبل از بازداشتش، در مصاحبه ای با کلمه گفته بود: من قاتل فرزندم را نه آن بسیجی که کسی می دانم که فرمان قتل این بچه ها را صادر کرد. بعد از کشته شدن رامین به دیدن آقای ظفرعلی براتلو معاونت اجتماعی – امنیتی استانداری تهران رفتم. او گفت که در آن روز ناچار شده اند دستور شلیک بدهند. رامین رمضانی ۲۲ ساله یکی از اولین نفراتی بود که در روز ۲۵ خرداد ۸۸ در جریان راهپیمایی میلیونی و مسالمت آمیز مردم، از پایگاه بسیج هدف شلیک گلوله قرار گرفت و شهید شد.

انتقال نرگس محمدی به بهداری اوین
تقی رحمانی: حتی به یک مادر بیمار هم رحم نمی کنند

گفتگو

تقی رحمانی از فعالان ملی مذهبی با اعلام خبر بستری شدن همسرش نرگس محمدی در بهداری اوین به دلیل تشدید فلج عضلانی تاکید کرد: کسی که فعالیت های حقوق بشری می کند مستوجب این عقوبت و این حجم از آزار و اذیت نیست، بیکاری، بیماری، زندان، احکام سنگین پاداش تلخی است برای دلسوزان و فعالان در ایران.او در گفتگو با کلمه با اشاره به این که همسرش در جریان بازداشت گذشته در سال ۸۹ به بیماری عجیبی مبتلا شده بود خاطر نشان کرد: هم ما و هم ماموران از سال ۸۹ در جریان این بیماری بودیم و آن ها حدس هم می زدند که اگر به بند امنیتی ۲۰۹ منتقل شود و در فضای متشنج آنجا قرار بگیرد دوباره بیماری بر خواهد گشت و من نمی دانم این چه منش و اخلاق و سرسختی غیر معقولی است که این آقایان دارند که حتی به یک مادر، یک انسان که بیمار شده هم رحم نمی کند. آقای رحمانی با اشاره به ملاقات هفته گذشته خانواده با نرگس محمدی گفت: نرگس در آن ملاقات بیان ضعیف همراه با لکنت داشته که نشان دهنده تشدید همین بیماری بوده است.نرگس محمدی در ملاقات با خانواده اش گفته است "من از همین انفرادی به کعبه می روم." به گفته او، این یعنی همسرم در بدترین حال تبیین و تاکید کرده اشتیاهی مرتکب نشده که بخواهد از کسی عذر خواهی کند و در عین حال وضع جسمی بدی داشته که همه را نگران تر کرد.تقی رحمانی همچنین با بیان اینکه عدم رعایت مراجع قانونی، ذره ای از مسئولیت و حق وی برای پیگیری کم نمی کند، گفت: در همین چارچوب و از طریق هر مرجع بین المللی که جمهوری اسلامی آن را امضا کرده و به لحاظ قانونی باید به آن تن دهد پیگیری می کنم. به گفته وی چنین برخوردی را با هیچ انسان و هیچ فعال حقوق بشری خصوصا یک مادر بیمار هیچ سیستمی نمی پذیرد.

ملاقات کوتاه مهدی کروبی با خانواده

مهدی کروبی که از ۱۵ ماه قبل در حبس خانگی است، اخیرا اجازه یافته با خانواده اش ملاقاتی کوتاه داشته باشد.این همراه مردم در جنبش سبز برای ساعاتی به منزل شخصی خود در جماران برده شده و توانسته است به طور محدود و زیر نظر ماموران امنیتی با همسر و فرزندان خود دیدار کند.

وی همچنین بعد از نزدیک به ۴۴۰ روز محرومیت از حقوق اولیه یک زندانی، اخیرا از امکان هواخوری و پیاده روزی بهره مند شده؛ پنجره های محل حبس ایشان برای دسترسی به هوای آزاد باز شده و قفل درب آپارتمان نیز گشوده شده است تا آقای کروبی بتواند در محوطه پارکینگ ساختمان قدم بزنند.

حبس انفرادی آقای کروبی در مکانی غیر از منزل مسکونی خود، همواره موجب نگرانی خانواده درباره سلامتی ایشان بوده است. خانواده وی امیدوارند در صورت مقامات بر تداوم "حبس غیر قانونی" رهبران جنبش، لااقل آقای کروبی بتواند در آینده ای نزدیک، دوران حبس خود را در منزل شخصی و در کنار همسرش بگذراند. این درخواست همواره با مخالفت مقامات روبه رو شده و به رغم ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی که ادعا می کنند موسوی و کروبی در منزل خود در حصر هستند، آقای کروبی نه تنها در منزل شخصی خود نیست، بلکه از حقوق اولیه یک متهم یا یک زندانی، نیز محروم بوده است.

از داخل اوین

* محمد صدیق کبود وند فعال حقوق بشر زندانی، اعلام اعتصاب غذا کرد.
* امید کوکبی دانشمند جوان، پس از ۱۵ماه بازداشت موقت، به ۱۰ سال حبس محکوم شد.
* رضا انصاری راد، روزنامه نگار زندانی در وضعیت نامناسب جسمانی به سر می برد.
* محسن میردامادی، پس از دو هفته تعلل قوه قضاییه، از زندان به بیمارستان منتقل شد.
* محمد توسلی زندانی سیاسی که از آبان ۱۳۹۰ در بازداشت بود، به مرخصی آمد.

اخبار کوتاه

یارانه ۱۰ میلیون نفر حذف می شود

بالاخره پس از نمایش اختلافات دولت و مجلس در مورد فاز دوم قانون هدفمندی یارانه ها، مصوبه های اخیر مجلس حکایت از آن دارد که یارانه ۱۰میلیون نفر به زودی حذف خواهد شد.

تصرف زمین های مردم از سوی دولت

بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای تعاونی مسکن وزارت نیرو در تجمعی مقابل مجلس، به تصرف غیرقانونی زمینهای خود از سوی دولت در شهر هشتگرد و ساخت مسکن مهر! در آنها اعتراض کردند.

تعطیلی بزرگترین مجتمع تولید گوشت کشور

مجتمع گوشت زیاران به عنوان بزرگ ترین مجموعه کشتارگاهی و تولید گوشت قرمز کشور به دلیل کمبود نقدینگی و سوء مدیریت به طور کامل تعطیل شد و ۷۰۰ کارگر آن بیکار شده اند.

باج ایرانی و بدقولی چینی

با وجود گذشت سه سال از عقد قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی توسط شرکت « سی ان پی سی » چین با ایران، این شرکت تاکنون اقدام به توسعه این فاز نکرده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۱ شنبه ۳۰ اردی بهشت ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم، تفتیش عقاید، تجسس، بستن روزنامه ها و محدود کردن رسانه ها را مخالف دین مترقی و رهایی بخش خود و مخالف قانون اساسی برآمده از این دین می دانیم.

جنبش سبز و آلزایمر سیاست ورزان

سر مقاله

در دوره پس از انتخابات مجلس نهم و با نزدیک شدن به سالروز تولد جنبش مدنی سبز شاهد مقالات و مصاحبه های بحث برانگیزی هستیم که در آن، جنبش سبز، کارنامه و خط مشی آن مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است. برای یک جنبش دموکراتیک، مدنی و تحول خواه، هیچ موهبتی بالاتر از برخورداری از نقد و ارزیابی مستمر نیست. در مناقشات و مباحثات مطرح شده اما، ضعف بزرگی دیده می شود و برخی بدون توجه به واقعیتهای آشکار تاریخچه جنبش، به ارایه انتقاد و پیشنهاداتی می پردازند که نشان از بی توجهی یا فراموشکاری نسبت به حوادث و وقایع سه سال اخیر دارد. برای نمونه، دیدگاهی که این روزها سعی در جلب نظر سیاست ورزان طیف منتقدان وضعیت موجود کشور دارد، از تندروی ها، عدم پذیرش واقعیتها و انعطاف ناپذیری رهبران جنبش، به ویژه در ماههای نخستین، به عنوان نقطه ضعف مهم خط مشی آن سخن می راند. نگاهی به بیانیه های میرحسین و آرشیو رسانه ها اما، حاکی از این واقعیت تلخ است که حاکمیت، بدون توجه به خواست میلیون ها نفر که بطور مسالمت آمیز و تنها با شعار «رأی من کجاست؟» خواستار رسیدگی به مسئله ای که به آسانی قابل حل می نمود شده بودند، به سرکوب و تهدید و ارعاب و وابسته خواندن و فتنه نامیدن این حرکت مدنی مردمی تمسک جست. رهبران جنبش، که در همان لحظه های اول اعلام کردند که تنها برای احقاق حقوق شهروندان معترض خواستار تعیین مرجعی بی طرف در مقام رسیدگی و حکمیت و پایبندی خود به تمکین در برابر حکم آن شدند. اما حاکمیت ، حکمیت را «بدعت» نامید و از پذیرش آن طفره رفت.

نمونه دیگر، تلاش برای جدایی اصلاح طلبان از جنبش سبز است. بن مایه این تلاش، دست کم از سوی تحلیلگران با صداقت این نظریه، اشتباه خواندن همراهی اصلاح طلبان با جنبش سبز است. به زعم آنها، اصلاح طلبان می توانستند (و می توانند) به شرایط ماقبل انتخابات ریاست جمهوری بازگردند. این روزها شنیده می شود برای رهبری حرکت اصلاحی چهره هایی مطرح و چگونگی ورود به کارزار انتخابات آتی ریاست جمهوری در دستور کار محافل حامی این دیدگاه قرار گرفته است. شادمانی مراکز تصمیم گیر سیاسی در حاکمیت از تفرقه در حال شکل گیری، به حدی است که در حالیکه از کوچک ترین تجمع و گردهمایی همراهان جنبش سبز جلوگیری می کنند، تشکیل جلسات رسمی و غیر رسمی این محافل سیاسی را مورد مسامحه قرار می دهند. آنچه در این میان به فراموشی سپرده شده این است که همراهی اصلاح طلبان با میرحسین پیش و پس از انتخابات، مهمترین ایرادی بود که از سوی حاکمیت ابراز می شد. حاکمیت خواهان مرزبندی میرحسین با اصلاح طلبان و اخراج آنان از کمپین انتخاباتی اش بود؛ خواسته ای که میرحسین با توجه به اصل پذیرش تنوع و تعدد، آن را نپذیرفت.

برای ارزیابی گذشته، بیش از هر چیز باید به بافتار تاریخی حوادث آن توجه داشت و از تاریخ سازی و وارونه سازی حقایق تاریخی در جهت اثبات درستی تحلیل ها سخت پرهیز کرد. آنها که از طولانی شدن راه خسته شده و در آستانه دروازه تنگ عرصه سیاست ورزی رسمی در انتظار فرصتی برای ورود و حضور به هر قیمتی هستند، فراموش کرده که انتخابات سال ۸۸ آغاز اجرای طرح اقتدارگرایان برای بیرون راندن اصلاح طلبان و منتقدان از عرصه سیاسی کشور، یکدست سازی قدرت و ایجاد تنوع سیاسی مصنوعی و نمایشی در میان طرفداران خود بود؛ طرحی که با هوشیاری مردم، مشارکت فعال کسانی که پیش از آن از تأثیرگذاری بر روند سیاسی کشور نومید شده بودند، پایداری ستودنی همراهان جنبش سبز و صبر و استقامت شان، نقش بر آب شد. راه مبارزه مدنی، راهی است پر پیچ و خم و دشوار و ملت خواهان تحول بنیادین در وضعیت امروز و فردایی بهتر، چاره ای جز صبر و استقامت و تلاش بی وقفه در این راه ندارد.

موسوی خواستار پایان اعتصاب غذای معتمدنیا شد

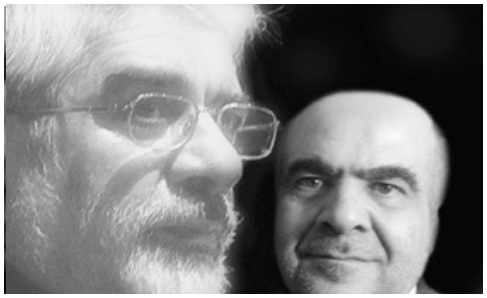

ماموران امنیتی در حالی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد را به دیدار خانم نواب صفوی مادر زهرا رهنورد بردند که هم چنان فرزندان آنها را از ملاقات محروم کرده اند. در این دیدار میرحسین موسوی از سوی یکی از اقوام از اعتصاب غذای محمدرضا معتمدنیا با درخواست آزادی رهبران جنبش سبز با خبر شد و به محض اطلاع از او خواست به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد. محمدرضا معتمدنیا که در دوران اعتصاب بیش از ۳۰ کیلو کاهش وزن داشته و دچار رعشه های شدید و ضربان قلب نامنظم شده در پی درخواست های مکرر برای پایان اعتصاب غذا گفته است تنها با پیام نخست وزیر امام حاضر است اقدام اعتراضی خود را متوقف کند که اکنون این خواسته او محقق شده است که باید دید مسوولان قبل از بروز هر اتفاق ناگواری این پیام را به وی خواهند رساند یا خیر.ملاقات میرحسین موسوی و زهرا رهنورد پس از حدود یک ماه بی خبری صورت گرفته است با این وجود فرزندان آنها را از ملاقات و حتی تماس تلفنی محروم کرده اند به گونه ای که از آخرین ملاقات آنها با دختران بیش از دو ماه و از آخرین تماس تلفنی آنها بیش از یک ماه می گذرد. ماموران امنیتی در اقدامی آشکارا غیر قانونی گفته اند که آنها از ملاقات با پدر و مادر خود محروم هستند.

هشدار درباره از بین رفتن کلیه های حسین رونقی

پزشکان معالج سید حسین رونقی ملکی وبلاگ نویس زندانی هشدار داده اند که ادامه زندان منجر به از بین رفتن کلیه های وی خواهد شد و با خطر جدی مواجه است. با این حال اطلاعات سپاه هم چنان با مرخصی او مخالفت می کند.

سید حسین رونقی را اواسط هفته گذشته به دلیل وخامت شدید حالش از بهداری زندان اوین به بیمارستان هاشمی نژاد اعزام کردند. کلیه های رونقی ، به دلیل ضربات وارده در دوران بازجویی بشدت آسیب دیدند که تحت عمل جراحی پلیوپلاستی قرار گرفت. اما به دلیل بازگردانده شدن به زندان در دوران نقاهت، با عفونت و خونریزی کلیه مواجه شد که این امر موجب شد بعد از آن ۴بار تحت عمل جراحی قرار گیرد و در نهایت کلیه وی عمل جراحی را پس زد.

تاکید آیت‌الله دستغیب بر آزادی موسوی و کروبی

آیت الله دستغیب شیرازی بار دیگر بر آزادی رهبران جنبش سبز و زندانیان سیاسی تاکید کرد.

وی با اشاره به شرایط بحرانی کشور خواستار آزادی همراهان جنبش سبز شد و افزود: میرحسن موسوی به نظر ما شخصی مخلص و مظلوم هستند و از خدای متعال خواستاریم که آقای میرحسن موسوی و عیال ایشان و آقای کروبی و همچنین زندانان سیاسی که اغلب آنها اهل نماز و روزه و قرآن هستند را آزاد بفرماید! و از خدای متعال می خواهیم که همه خواسته های ایشان (آقای موسوی) که همگی موافق با شرع است را برآورده به خیر بفرمایند!

وی همچنین افزود: خداوند به نوجوانان و جوانان ما کمک بفرما که این مشکلات و اتفاقات نتواند آنها را از دین زده کند،خدا خودت آنها را از این بلایا حفظ بفرما!

ولایتی: کاش از ظاهرسازی صهیونیست یاد می گرفتند

محمدعلی ولایتی، زندانی سیاسی که پس از بیش از ۵۰ روز اعتصاب غذا در پاسخ به درخواست فرزندان میرحسین به اعتصاب پایان داد با ارسال نامه ای خاطرنشان کرد: ای کاش برای حفظ ظاهر هم شده همانند رژیم صهیونیستی که دشمن خود را بعد از ۴۳ روز اعتصاب غذا آزاد کرد یک زندانی سیاسی را که نه تنها مسلح نیست نه تنها شهروند یک سرزمین دیگر نیست بلکه به عنوان شیعه ایرانی که ۳۱ سال را صادقانه خدمت کرده و تنها منتقد سیاستهای جاری است خرافی خواندند و پاسخی در خور به درخواستهای قانونی کوچک او (اعاده دادرسی، ملاقات با دادستان کل) می دادند.

اسراییل به خواسته زندانیان فلسطینی تن داد

با میانجیگری مصر، زندانیان فلسطینی که در زندانهای اسرائیل دست به اعتصاب غذا زده بودند، موافقت کردند پس از قبول درخواست زندانیان از سوی دولت اسراییل به اعتصابشان پایان دهند. بیش از ۱۵۰۰ زندانی فلسطینی در اعتراض به حبس های انفرادی و تقاضا برای پایان بازداشت های بدون محاکمه و بهبود شرایط رفاهی زندان ها ازاواسط ماه گذشته میلادی دست به اعتصاب زده بودند. مردم شهرهای مختلف فلسطین در پی انتشار خبر تن دادن اسراییل به خواسته اسرا با ابراز شعف و شادمانی، پیروزی اسرای فلسطینی بر سیاستهای غیرانسانی تل آویو را جشن گرفتند.

اعلام خاورمیانه به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای

شورای هماهنگی راه سبز امید با ابراز نگرانی نسبت به تنش در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای ایران، انتقاد از به کارگیری زبان تهدید به حمله نظامی و دیپلماسی ماجراجویانه در دو طرف پیشنهاد کرد منطقه خاورمیانه به‌عنوان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای تعیین شود.

از داخل اوین

* نرگس محمدی فعال حقوق بشر در اقدامی غیرقانونی به زندان زنجان منتقل شد.
* زندانیان بند ۳۵۰ با برگزاری مراسمی روز بزرگداشت فردوسی را گرامی داشتند.
* محمد جواد شاهپری زندانی سیاسی برای اجرای حکم خود به بند ۳۵۰ انتقال یافت.
* دادستانی تهران با درمان محمد امین هادوی زندانی سیاسی مخالفت می کند.
* پسر عموی زندانی همسر احمدی نژاد، اخیرا دست به اعتصاب غذای نامحدود زد.
* شاهین دادخواه از مشاوران شورای عالی امنیت ملی به ۷سال حبس محکوم شد.

اخبار کوتاه

قبض های نجومی در راه است

با تصمیم قطعی دولت، قیمت آب در بخش خانگی به زودی افزایش خواهد یافت و در هر مترمکعب آب در بخش خانگی از ۲۵۰ فعلی به ۳۰۰ تومان خواهد رسید.

نامه فعالان ملی مذهبی به رهبری

پنج فعال سیاسی ملی و مذهبی در نامه سرگشاده ای به آیت الله خامنه ای،خواسته اند که دستور استخلاص و آزادی کلیه شخصیت‌های زندانی بویژه افراد بیمار را صادر کند.

نتایج اصلاحات سیاسی در برمه

آمریکا برخی تحریم های برمه را در واکنش به اصلاحات سیاسی در این کشور کاهش داد. این اقدام بدنبال رفع حصر خانگی رهبر آزادی خواهان برمه و انتخابش در پارلمان صورت گرفت.

احمدی نژاد از کیسه شاه بخشید

احمدی نژاد درسفر اخیرش به سبزوار به مردم وعده ساخت فرودگاهی بین المللی را داد که کلنگ زنی آن دوره شاه صورت گرفته و سال ۸۲ هم افتتاح شده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۲ دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: امروز حاکمیت در ورای ایجاد این نگرانی که اگر او نباشد دین از بین می‌رود سنگر گرفته است و مرتبا با این اعلام خطر سعی می‌کند اقشار مذهبی را در پشت سر خود بسیج و منسجم کند، حال آن که در واقعیت، آن چیزی که بیشترین لطمه را به فضای دینی جامعه زده است رفتارهای ستمکارانه و ضددینی خود حاکمیت است

آخرین خبر

سخنگوی دستگاه قضایی پاسخگو باشد

دادستان کل کشور به عنوان سخنگوی قوه قضاییه تاکنون ۲۹ جلسه پرسش و پاسخ با خبرنگاران برگزار کرده است.

اما اکثر سؤالات این جلسات، در چارچوبی مشخص و نسبتا از پیش تعیین شده مطرح می‌شوند و به خصوص از کاستی‌هایی که دستگاه قضایی در التزام به حقوق شهروندان داشته و دارد، کمتر سخنی به میان می‌آید.

کلمه از دادستان درخواست دارد برای روشن شدن افکار عمومی در نشست خبری هفتگی پاسخگوی سؤالات زیر باشند:

*مستندات زیادی درباره دخالت عوامل امنیتی در تعیین احکام قضایی دادگاههای سیاسی وجود دارد. علت دخالت بازجویان در احکام صادره برای زندانیان سیاسی چیست؟

*با توجه به دستور اکید رهبری مبنی بر احتساب یک روز انفرادی معادل ده روز زندان عادی، چرا این مساله تاکنون اجرایی نشده است؟

*چهارده ماه از حبس خانگی آقایان موسوی و کروبی می‌گذرد. با توجه به اینکه بر اساس قانون، هیچ شهروندی را نمی‌توان بیش از ۲۴ ساعت بدون حکم قاضی در بازداشت نگه داشت، چرا تاکنون درابره مرجع صدور حکم، علت بازداشت و نحوه رسیدگی به این موضوع از سوی هیچ یک از مراجع رسمی توضیحی ارائه نشده است؟ چرا آنان که بدون حکم قانونی در زندان خانگی هستند، از حداقل حقوق و امکانات قانونی لازم برای یک زندانی نیز محروم‌اند؟

*بر اساس آیین‌نامه‌ها، زندانیانی که نیمی از محکومیت خود را سپری کرده‌اند، می‌توانند از مرخصی استفاده کنند. چرا بسیاری از زندانیان سیاسی از این حق محروم شده‌اند؟

*علت محرومیت اکثر زندانیان سیاسی از ملاقات حضوری، تماس تلفنی و مرخصی چیست؟ و قوه قضاییه در برابر اظهاراتی که عملکرد

جمهوری اسلامی را در این زمینه‌ها با رژیم شاه مقایسه می‌کند و به وهن انقلاب و امام می‌انجامد، چه پاسخی دارد؟

*تاکنون چندین نامه به رییس قوه قضاییه در خصوص شکنجه و رفتارهای غیرقانونی بازجویان با زندانیان سیاسی منتشر شده است، نتیجه تحقیقات قوه قضاییه در این رابطه چه بوده است؟ آیا تاکنون با خاطیان برخوردی صورت گرفته است؟

*تاکنون بسیاری از زندانیان سیاسی در نامه های سرگشاده به مقام‌های رده اول نظام، خواستار احقاق حقوق خود شده و از محتوای خلاف قانون پرونده‌ها و بی‌پایه بودن احکام صادر شده، شکایت کرده‌اند؟ آیا قوه قضاییه به این شکایت‌ها رسیدگی کرده و پرونده‌های موضوع شکایت را مورد بازنگری قرار داده است؟

*دادستان تهران از مدتی قبل، تعیین تکلیف درخواست‌های خانواده زندانیان سیاسی را به نظر شخص خود موکول کرده و از دیگران سلب اختیار کرده بود. اما در حال حاضر، حتی خود ایشان هم از رسیدگی به بسیاری از این درخواست‌ها سر باز می‌زند و زندانیان و خانواده‌های ایشان را در بلاتکلیفی نگه داشته است. آیا این رفتار، قانونی است و قوه قضاییه درباره تخلفات ایشان چه پاسخی دارد؟

*مقام های امنیتی و قضایی چندی پیش خبر از محاکمه برخی از ماموران نیروهای انتظامی داده بودند که در جریان رویدادهای سال ۱۳۸۸ با مردم به خشونت رفتار کردند. اگر ممکن است در این باره توضیح دهید.

*پانزده ماه از شهادت صانع ژاله و محمد مختاری می‌گذرد. این دو نفر در جریان تظاهرات آرام ۲۵ بهمن در سال گذشته به شهادت رسیدند و شخص شما سال گذشته اعلام کردید که عاملان این جنایت را شناسایی کرده‌اید. برای آگاهی افکار عمومی، آخرین روند پیگیری این پرونده را اعلام فرمایید.

سیاست خارجی ایران در وضعیت هشدار

سر مقاله

محمدعلی سبحانی *

در دولت های نهم و دهم ما آن ملاحظات و مسائلی که همیشه در رابطه با همسایگان رعایت می کردیم چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله به علاوه شرایط کلی منطقه موجب شده که وضعیت روابط ما با همسایه ها به مرز هشدار برسد. نگاهی کوتاه به اخبار هر روزه رسانه می تواند نشان دهد که ما در روابط خود با همسایگان در وضعیت مطلوبی به سر نمی بریم. روابط ما با همسایگان جنوبی مان (کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس) در بدترین وضعیت در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و این را از اخبار رسمی و غیر رسمی می توان دریافت. با توجه به وضعیتی که در یکی از دو سال اخیر در روابط ما با همسایگان وجود دارد به عنوان کسی که مسائل سیاست خارجی را رصد می کند واقعا نگران هستم و احساس می کنم روابط ما با همسایه ها به مرز هشداررسیده است. این مسئله ای است که باید به آن رسیدگی کرد و نباید بیش از این مورد بی توجهی قرار گیرد. مخصوصا این که ما در حال حاضر مسائل و مشکلاتی با برخی کشورهای قدرتمند در جامعه جهانی داریم. هرچند ما به دنبال حل آن مشکلات هم هستیم ولی به هر ترتیبی بخواهیم این موضوع را حل کنیم باید با همسایگان بیشتر ارتباط داشته باشیم. در حالی که اگر روابط ایران با همسایگان در سی سال گذشته را بررسی کنیم می بینیم ما الان در بدترین شرایط هستیم. مرتبا مسائل به نقطه ای می رسد که نسبت به یکدیگر هشدار می دهیم و جنگ تبلیغاتی با بعضی کشورها شکل می گیرد. این ها مسائلی است که نمی توان به سادگی از آن گذشت. غربی ها و به خصوص آمریکایی ها در تک تک این کشورها پایگاههایی با هدف کنترل یا مقابله با ایران درست کرده اند. در این شرایط ما باید در جهت عکس آن چیزی که برای منافع ملی ایران ضرر دارد حرکت کنیم. من احساس می کنم که توجه لازم را به این مسئله مبذول نمی کنیم. باید این مسئله را در مجموعه مشکلات کنونی کشور دید. متاسفانه ما در حال حاضر از برخی از مشکلات داخلی هم رنج می بریم که نیاز به درایت در سیاست خارجی را افزون می کند. مسئله تحریم ها وضعیت اقتصادی ما را نیز دچار مسائلی کرده که باید به آن دقت کنیم. در این شرایط اگر از روابط با همسایگان غفلت کنیم و اجازه دهیم برخی مسائل و اختلاف افکنی های غرب این روابط را تیره کند قطعا هزینه های سنگینی برای کشور به همراه خواهد داشت.سیاست خارجی ما در زمان جنگ با عراق در این مورد می تواند مد نظر ما قرار گیرد. در آن زمان ما با همه مسائل و اختلافاتی که به دلیل جنگ با بسیاری از کشورها داشتیم در روابط با کشورها خصوصا همسایگان مدارا می کردیم تا مطمئن باشیم که در جنگ تحمیلی عراق آنها در کنار عراق نمی ایستند. در شرایطی که دشمنان ایران هر روز کشورمان را تهدید می کنند و ما را تحت فشار قرار داده اند، باید به ایجاد رابطه منطقی و بسیار خوب با همسایگان بیشتر توجه کنیم.

*دیپلمات سابق وزارت امور خارجه

سود ۷ برابری خرید «همراه اول» در جیب سپاه

با اعلام خبر مدیرعامل شرکت ارتباطات سیار مبنی بر اینکه در دو سال گذشته، سپاه هفت برابر بهایی که برای خرید همراه اول پرداخته، سود برده است، گوشه ای دیگر از اقدامات غیرقانونی و زد و بندهای دولت و سپاه فاش شد.

او البته اشاره ای به نام یک بنیاد متعلق سپاه و دیگر سهامداران خرید این شرکت نکرد و صرفا از درآمد ۴۳ هزار میلیارد ریالی این شرکت در سال ۸۹ و درآمد ۵۵ هزار میلیارد ریالی این شرکت در سال ۹۰ خبر داد. حال آنکه این شرکت در سال ۸۸ به بهای ۱۵ هزار میلیارد ریال واگذار شده و در دو سال اخیر به اندازه هفت برابر رقم خرید، درآمد کسب کرده است! در این معامله که بزرگترین واگذاری تاریخ ایران توصیف شده، سودی نجومی عاید سپاه شد که ارقام رسمی اعلام شده از سوی مدیرعامل همراه اول، ابعاد تکان دهنده آن را نشان می دهد. این موضوع باعث شد بسیاری از ناظران، واگذاری هایی از این نوع و توقف پیگیری ها درباره غیر قانونی بودن آنها را نوعی معامله در ازای خدمات سپاه به سایر ارکان حاکمیت در جریان سرکوب های سال ۸۸ تلقی کنند.

یک سال حبس به جرم نوشتن نامه به رهبری

حکم یک سال حبس تعزیری برای ابوالفضل قدیانی به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق نوشتن نامه به رهبری به اجرا گذاشته شد.این در حالی است که آذر ماه سال گذشته، حکم یک سال او تمام شده بود. او که اعلام کرده بود در اعتراض به غیرقانونی بودن دادگاه انقلاب در آن شرکت نخواهد کرد با توسل به شیوه های فریب کارانه ماموران قضایی به دادگاه انقلاب منتقل شد و جلسه دادگاه را تریبونی برای اعتراض مجدد به عملکرد رهبری تبدیل کرد و در بخشی از سخنانش گفت: آیا امروز دستگاه قضایی که قاضی القضاتش خود را فرمانبر رهبری می داند، می تواند آقای خامنه ای را به دادگاه بیاورد و به شکایت من از او رسیدگی کند؟با انتشارخبر این دادگاه در کلمه، شورای عالی امنیت ملی در نامه ای به دادستانی تهران با امضای سعید جلیلی خواستار برخورد و تشدید مجازات این زندانی سیاسی شد.

ورود سعید جلیلی در این پرونده پس از آن صورت می گیرد که موضوع "خطر نقد مستقیم مقام رهبری در سطح جامعه از طریق نامه های سرگشاده" در شورای عالی امنیت ملی به عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت نظام تلقی شده است.

از داخل اوین

* ۶ حقوقدان زندانی در اوین ضمن انتقاد از بی قانونی و نابسامانی زندانها، برای تدوین قانون برای زندانها اعلام آمادگی کردند.

* با انتقال سیدعلیرضا بهشتی شیرازی از اوین به بیمارستان، خانواده وی برای ملاقاتش با برخورد توهین آمیز ماموران مواجه شدند.

* مسعود پدرام فعال ملی مذهبی که به انفرادی دوالف متعلق به سپاه منتقل شده بود، به بند ۳۵۰ زندان اوین بازگردانده شد.

* مهدیه گلرو، نائب دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه پس از سی ماه حبس از زندان اوین آزاد شد.

* رحمان بوذری روزنامه نگار برای اجرای حکم دو ساله حبس تعزیری به بند ۳۵۰ اوین منتقل شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۳ چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: بی شک راهی که به فتح خرمشهر ختم شد همواره چراغ روشنی بخش ملت ایران در تمام فراز و فرودهای امروز خواهد بود. پاسداشت یوم الله سوم خرداد روشن نگه داشتن چراغ آن حماسه غرور آفرین است.

سیاست ورزی یک نفره اسلامی

سر مقاله

مصطفی تاج زاده

در انتخابات مجلس ششم آقای حدادعادل رأی کافی برای نماینده شدن کسب نکرد و نفر سی و سوم شد ولی آقای جنتی با ابطال غیرقانونی بیش از ۷۰۰ هزار رأی مردم تهران، او را روانه مجلس کرد. آقای علیرضا رجایی که در آن انتخابات رأی آورد و به ناحق از ورود به مجلس محروم شد، اکنون در زندان است و آقای حدادعادل احساس تکلیف می کند که این بار نیز با اتکا و حمایت داماد خود بر کرسی ریاست نهم تکیه زند. وی چنان سیاست مدار برجسته ای است که فردی هم چون مرتضوی او را به سادگی فریب می دهد و اینک می خواهد با ریاست خود مجلس و اصول گرایی را نجات دهد!

اما حقیقت ماجرا آن است که با اعمال نظارت استصوابی یا همان نظارت مطلقه و غیرپاسخ گو روند فرمایشی شدن پارلمان که از مجلس هفتم جدی شد و مجلس هشتم را عملا به شعبه ای از دفتر رهبری تبدیل کرد و رئیس مجلس را درحد رئیس دفتر رهبری در قوه مقننه تنزل داد، قرار است باز هم افول کند و این بار رئیس مجلس منشی رهبری شود. اقدام هوشمندانه اصلاح طلبان در عدم معرفی نامزد در انتخابات مجلس نهم به علت آن که شرایط پیشنهادی توسط آقای خاتمی محقق نشد، موجب گردید اصولگرایان که رقیب قدرتمندی برای خود نمی دیدند به جان هم بیفتند و به افشاگری علیه هم بپردازند و اسناد و مدارکی علیه یکدیگر منتشر کنند. امری که تاکنون بی سابقه بوده است.

آقای مهدوی کنی که نامزدی اش برای ریاست مجلس خبرگان باعث شده بود که آقای هاشمی از این سمت کناره گیری کند، به همراه دوستانش در انتخابات مجلس نهم توسط آقای مصباح و شاگردانش بی اعتبار شدند. ایشان که همیشه نگران تکرار مشروطه و حذف روحانیت توسط روشنفکران بود، باورش نمی شد که جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علناً پیرو ناکارآمد و ساکتین فتنه خوانده شوند که باید میدان را به نفع آقای مصباح و مریدانش ترک کنند. به عبارت روشن تر حذف آقایان مهدوی کنی و شیخ مهدی یزدی به نام ولایت و فقاهت و روحانیت و بصیرت انجام شد!

آقای مصباح یزدی که از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۷ جمعاً به مدت بیست و سه سال از صحنه انقلاب و دفاع مقدس غایب بود، ناگهان پس از رحلت رهبر فقید انقلاب اسلامی یگانه مفسر انقلاب و جنگ و جمهوری اسلامی شد که بزعم مریدانش به تنهایی جای علامه طباطبایی و استاد مطهری را پر کرده است و اکنون حکم به حذف فرزند شهید مطهری می دهد و پس از حذف اصلاح طلبان فهرست نامزدهای دو تشکل روحانی سنتی با سابقه را بی اعتبار کرده است!

به نظر من آقای حدادعادل در چنین شرایطی در صدد است با اتکا به موقعیت و امکانات دفتر رهبری و پشتیبانی آقای مجتبی خامنه ای امسال رئیس مجلس و سال آینده رئیس جمهور شود تا به این ترتیب به حذف پست ریاست جمهوری نیز نیاز نباشد. جالب آن که رقیب او آقای علی لاریجانی که خود را و مجلس اصول گرا را مفتخر می داند که اگر طرح یا لایحه ای را تصویب کنند و بعد بفهمند که رهبری با آن مخالف بوده است مصوبه را تغییر می دهند. با وجود این همه بی اعتبار کردن مجلس و مصوباتش، باید حذف شود. در هر حال باید منتظر ماند و دید که آیا راست سنتی میتواند در برابر تلاش های داماد آقای حدادعادل و بیت رهبری مقاومت کند یا خیر. نکته بسیار مهم آن که هر کدام رئیس شوند، داستان اختلافات اصول گراها هم چنان ادامه خواهد داشت و در یک سال آینده اوج هم خواهد گرفت و مسیر اصلی، صرف نظر از این که کدام انتخاب یا منصوب شوند به سوی حکومت مطلقه فردی و یک نفره شدن سیاست ورزی اسلامی خواهد بود.

جدال باندهای قدرت بر سر ریاست مجلس

با وجود افتتاح مجلس جدید در روزهای آتی، اما موضوع ریاست مجلس آینده از چند ماه پیش و بلکه پیش از انتخابات مجلس در دستور کار باندهای قدرت رقیب در حاکمیت بوده است. دو باند جبهه پایداری که به ارتباط ویژه با بیت رهبری شهرت دارد و جبهه متحد اصول گرایان که اصول گرایان محافظه کار را نمایندگی می کند خود را برای تصاحب کرسی ریاست آماده می‌کنند. جبهه پایداری از ریاست حداد عادل و جبهه متحد اصولگرایان خواهان ریاست علی لاریجانی هستند.

علی لاریجانی طبعا خواهان حفظ کرسی ریاست در مجلس نهم است اما چند ماه پیش که رهبری او را نه به عنوان رئیس مجلس بلکه به عنوان شخصیت حقیقی وی به عضویت مجمع منصوب کرد، مشخص شد نظر رهبری برای ریاست مجلس نهم شخص دیگری است.

اما طبیعی است که بهترین تصمیم برای لاریجانی که خواهان حفظ ریاست مجلس است این است که این پیام غیرمستقیم رهبری را نادیده بگیرد و با تغافل از کنار آن بگذرد. تجربه نشان داده نظر رهبری زمانی برای او روشن می‌شود که به صراحت بیان شود. چنانکه در ماجرای انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ عصر روز رأی گیری او طی تماسی با مهندس موسوی انتخاب وی را تبریک گفت و طی روزهای بعد از ۲۲ خرداد معتقد بود معترضان به انتخابات و مخالفان احمدی‌نژاد را نباید سرکوب کرد. تنها هنگامیکه رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد مخالفان را تهدید به برخورد کرد و مسؤلیت ریخته شدن خون در خیابان‌ها را به گردن معترضان انداخت، نظر رهبری برای لاریجانی روشن شد و پس از آن بود که موسوی و کروبی را ضد انقلاب و وابسته خواند.

سوی دیگر این رقابت حداد عادل و جبهه پایداری است. یکی دو ماه قبل از انتخابات مجلس نهم حداد عادل در مراسمی در پاسخ به شعار «حداد عادل رئیس جمهور ما» گفته بود فعلا باید به فکر انتخابات مجلس باشیم.

هفته گذشته نیز اعلام کرد کاندیدای ریاست مجلس نهم خواهد شد حتی اگر هیچ‌کس جز خود او به وی رأی ندهد. او نه یک سیاستمدار است و نه اساساً اهل ریسک و تصمیمات مهم. او زمان ریاست مجلس هفتم هم به قول خودش تصمیمات را پس از هماهنگی با آقا مجتبی اتخاذ می‌کرد و هرگز مستقلاً تصمیم نمی‌گرفت و همواره خود را مرید و مقلد رهبری دانسته است. بنابراین تردید نباید کرد که تصمیم اخیر حدادعادل برای نامزدی ریاست مجلس پس از آن صورت گرفته که او حداقل از طریق آقامجتبی از نظر مساعد رهبری مطلع شده است. براساس اطلاع از نظر رهبری است که از ریاست مجلس حداد عادل حمایت می‌کنند. اکثر راهیافتگان گفته‌اند تنها در صورتی که رهبری در این زمینه به نمایندگان مجلس پیام دهد به حداد رأی خواهند داد.

اما برای رهبری اعلام موضع علنی و دادن پیام غیر رسمی به نمایندگان مجلس در حمایت از حداد عادل تصمیم ساده‌ای نیست. چنین اقدامی به معنای اعلام عدم بی‌طرفی رهبری به ضرر جبهه متحد اصول‌گرایان و نتیجه تعمیق بیشتر شکاف در حاکمیت است و این همان عامل رودربایستی است که لاریجانی و جبهه متحد اصول‌گرایان روی آن حساب باز کرده‌اند. در روزهای آینده روشن خواهد شد آیا ریاست حدادعادل و اداره مجلس از طریق آقا مجتبی برای رهبری ارزش هزینه تعمیق بیشتر شکاف در حاکمیت را دارد یا خیر.

خانواده‌های هاله سحابی و هدی صابر
دادگاه باید به شهادت شاهدان رسیدگی کند

در واکنش به ادعای دادستان کل کشور که تلویحا پرونده های مرگ هاله سحابی و هدی صابر را مختومه و مرگ آنها را طبیعی اعلام کرد، خانواده این دو عضو فعال ملی مذهبی اعلام کردند با توجه به شهادت شاهدان درباره ضرب و شتم منجر به مرگ این دو، پرونده هنوز باز است و آنها پیگیر قتل عزیزانشان خواهند بود.

آنها همچنین از تلاش برای برگزاری مراسم سالگرد در مسجد خبر داده اند.حال آنکه سال گذشته از برگزاری مراسم برای آنها جلوگیری کرده و حتی دفن هاله سحابی شبانه و در فضایی امنیتی انجام شد.

خانواده سحابی خبر دادند شاهدان جان باختن هاله سحابی، دو هفته پیش درباره جان باختن او شهادت داده اند و هنوز نتیجه دادگاه به این خانواده ابلاغ نشده و خانواده صابر نیز با اشاره به شهادت ۶۴ زندانی بند ۳۵۰ درباره ضرب و شتم منجر به شهادت هدی صابر، گفتند: پرونده در دادگاه جنایی باز و در جریان است.

زندانیان سیاسی

*زندانیان سیاسی زندان تبریز در پی اعتراض به شرایط نامساعد نگهداری و بلا تکلیفی به بند متادون منتقل شدند.
*فریبرز رئیس‌دانا، پژوهشگر اقتصادی و عضو کانون نویسندگان ایران، بازداشت و به بند ۳۵۰ اوین منتقل شد.
*در پی تجمع صنفی دانشجویان دانشگاه مازندران چهار تن از آنها بازداشت شدند.
*در حالی نسرین ستوده به دادگاه احضار شده بود که ماموران از اعزام او برای شرکت در دادگاه خودداری کردند.
*محبوبه کرمی، فعال زنان بعد از یکسال برای درمان مشکلات ایجاد شده در دوران حبس به مرخصی درمانی آمد.
جواد علیخانی فعال دانشجویی برای گذراندن یک دوره ۲۰ روزه انفرادی به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

اخبار کوتاه

افتتاح سه باره یک طرح توسط احمدی نژاد

محمود احمدی نژاد پروژه پتروشیمی اروند را برای سومین بار افتتاح کرد.
خلیل حیات مقدم نماینده مجلس که این خبر را داد گفت: این طرح پیش از این دو بار افتتاح شده و اکنون با چهار سال تاخیر و به طور ناقص بهره برداری می رسد.

احتمال از دست رفتن سهمیه المپیک با دخالت دولت

دخالتهای دولت، این بار به بهای احتمال محروم شدن تیم ملی قایقرانی ایران از حضور در المپیک تمام شد.احمد دنیامالی که از فدراسیون قایقرانی برکنار شده، گفته ممکن است به خاطر دخالت دولت، قایقرانی ایران را تعلیق کنند که در این صورت ۴ سهمیه المپیک لندن از بین می‌رود.

تقدیر جوانان اصلاح طلب از خانواده جهان آرا

در حاشیه دیدار جوانان اصلاح طلب با سید محمد خاتمی لوحی به مناسبت سی امین سالگرد آزادی خرمشهر با امضای جوانانی از طیفهای مختلف خطاب به خانواده شهید محمد جهان آرا تهیه و به نمایندگی از آنها توسط سید محمد خاتمی به خواهر شهید جهان آرا تقدیم شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۴ شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: «تمامی تلاش‌هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می‌گیرد برای آن است که از ثمربخش بودن اعتراضات قانونی خود ناامید شوید، زیرا تا ما ناامید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد شد. امید به آینده رساترین اعتراض ماست.

سرمقاله

خرداد ماه مردم است

علی مزروعی

در تاریخ معاصر ایران هیچ ماهی همچون « خرداد » در جهت دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی کشورمان سرنوشت ساز و موثر نبوده است و از این رو در حافظه و خاطره تاریخی ما، روزهای دوم، سوم ، چهاردهم و پانزدهم، بیست و دوم، و بیست و پنجم خردادماه جا افتاده و در هرسال ما را به بازخوانی رخدادهایی که در این روزها اتفاق افتاده و کشور را در مسیر جدیدی قرار داده است، فرا می خواند. روزهای این ماه چهار نسل را به گونه ای زنجیروار در انجام تحولات جاری به هم پیوند داده و هم اکنون ما را در ملتقای نتایج و پیامدهای آن قرار داده است، و با بازخوانی و عبرت آموزی از آنچه انجام شده است می شود راه عبور به آینده را یافت و پیمود.آخرین تجربه سال ۸۸ بود که مردم بار دیگر در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ به پای صندوقهای رای آمدند و با حضور پرشور خود حماسه دوم خرداد را تکرار کردند، وزنده بودن راهبرد اصلاح طلبی را به نمایش گذاشتند اما اقتدارگرایان با تحویل مطالبات اصلاحی مردم به انقلاب مخملین و رنگی و براندازی نرم دست به کودتا زدند و نتیجه انتخابات را به نفع نامزد دلخواه خود تغییر داده و درنمایشی عجیب و غریب رای او را بیش از ۲۴ میلیون اعلام کردند تا تحقیر ناشی از رای خاتمی را طی دو دور انتخابات ریاست جمهوری هفتم و هشتم را جبران کرده باشند !

۲۵ خرداد ۱۳۸۸ روز نمایش بزرگ حضور مردم در پاسداری از رای شان بود. از میدان امام حسین تا آزادی، جمعیت میلیونی مردم با سربندها و دستبندها و پرچم های سبز با شعار نوشته « رای من کو؟ » با سکوت و آرامشی بی مانند به خیابان آمدند و تصاویری تاریخی از اعتراض مدنی ساختند، و به دلیل عدم پاسخگویی از سوی حاکمیت جنبش سبزی را درادامه جنبش های اصلاحی تاریخ معاصر ایران رقم زدند که تاکنون ادامه دارد و می رود تا مسیری تازه را پیشا روی ایران برای دست یابی به فردایی بهتر بگشاید.

برآمدن قیام ۱۵ خرداد ۴۲ از دل نهضت ملی شدن صنعت نفت، پیروزی انقلاب اسلامی بهمن۵۷ از دل قیام ۱۵ خرداد، جنبش اصلاحات از دل انقلاب و جنگ و جنبش سبز از دل جنبش اصلاحات از به هم پیوستگی و روند تکاملی پویش تاریخی مردم ایران برای دست یابی به آرمان های بلند حاکمیت قانون، عدالت، استقلال، آزادی، مردمسالاری حکایت دارد و اینکه مردم ایران با هوشمندی ذاتی در بزنگاه های تاریخی آن چنان به میدان می آیند که همگان را غافلگیر و مبهوت می سازند !

« خرداد ماه مردم » است ؛ چون روزهای این ماه به ما یاد آور می شود حضور مردم را و می آموزد که دوران سکوت مردم را نباید به معنای تسلیم و بی تفاوتی و...گرفت و از پیمودن سختی های راه دشوار آزادی هراسید؛ بلکه بر راهبران جنبش است که صبر و پایداری پیشه کنند تا روزش فرا رسد و مردم به میدان آیند و حماسه های دوم، سوم،...خرداد را برای رهایی ایران از استبداد تکرار سازند. خرداد ماه امید است و پیروزی و اینکه روند تکاملی جنبش های اصلاحی چشم انداز روشنی را پیش پای ما می گذارد و اینکه جنبش سبز زود یا دیر پیروز میدان است چون ریشه در مطالبات مردم دارد.

پیشنهاد

وصیت نامه ؛ ترانه جدید آریا آرام نژاد

آریا آرام نژاد آهنگساز هوادار جنبش سبز همزمان با سالروز فتح خرمشهر ترانه « وصیت نامه» را منتشر کرد.این سروده پیش از این مجوز انتشار نیافته بود و مسئولان خواستار حذف بخش هایی از آن بودند ولی امسال همزمان با سوم خرداد منتشر شد. آرام نژاد پس از عاشورای ۱۳۸۸ ترانه ای با عنوان «علی برخیز» منتشر کرد که در پی استقبال بی سابقه از آن در فضای مجازی، اداره اطلاعات بابل وی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر کرد.

گزارش مرگ خاموش زندانیان در رجایی شهر

اینجا زندان رجایی شهر، ندامتگاهی در همسایگی ام‌القرای جهان اسلام است. جایی که هر روز فاجعه تکرار می‌شود و مرگ به امری روزمره، جان به کالایی بی‌ارزش و انسان‌ها به بی‌حرمت‌ترین اشیاء ممکن تبدیل شده‌اند.زندان رجایی شهر کرج، با هفت اندرزگاه یکی از دشوارترین زندان های کشور برای زندانیان سیاسی است که به آنجا تبعید شده و خانواده هایشان بر رنجی که بر آنها تحمیل شده صبوری و مقاومت می کنند.این محدودیتها با تغییر رییس زندان هر روز برای زندانیان سیاسی ابعاد گسترده تری یافته است. خانواده‌ها می‌گویند این روزها ضرب و شتم زندانیان سیاسی در زندان رجایی‌شهر متداول شده و نگهبانان و مسئولان زندان به ویژه زندانیان سیاسی را به هر بهانه مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. تعداد افرادی که در این زندان قرص اعصاب و آرامبخش های سنگین مصرف می کنند تقریبا سه چهارم افرادی است که در آن نگهداری می شوند؛ در سالن زندانیان سیاسی، به عنوان کم ترین آمار مصرف کننده، بیش از ۲۵ نفر از حدود ۵۵ نفر به مصرف قرص روی آورده اند. در بند ۱۲ هر روز ۳۷ الی ۳۸ نفر روزی ۲ ساعت اجازه دارند به هواخوری بروند و به گفته زندانیان سیاسی هیچ سرگرمی دیگری در آن جز مواد مخدر که فراوان است، وجود ندارد و معلوم نیست چرا مسئولان از ترویج مصرف آن استقبال می کنند. طی یک هفته گذشته ۷ زندانی در زندان رجایی شهر کرج جان خود را از دست داده اند. سه تن آنها در اثر سکته جان باختند که یک نفر زندانی سیاسی بوده است. منصور رادپور زندانی سیاسی بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر که به علت شکنجه های فیزیکی طولانی مدت از ناراحتیهای جسمی متعدد از جمله ناراحتی ریوی و خونریزی معده رنج می برد، طی احکامی به اتهامات «اقدام علیه امنیت ملی» و «همکاری با سازمان مجاهدین خلق» به هشت سال زندان محکوم شده بود. او که پیشتر فردی شاداب و با روحیه بود، با انتقال به بند ۱۲ به اعتیاد روی آورد. درهای بسته، اتاق های دو متر در دو متر و هواخوری های کوتاه و مقطعی افسردگی را در این سالن رایج کرده که برخی هم به مصرف مواد مخدر یا قرص آرام بخش روی آورده اند.رادپور روزانه ۱۰ الی ۲۰ قرص های آرام بخش تجویز شده پزشک زندان را مصرف می کرد.در یک هفته اخیر ۳ مرتبه حال رادپور بد شد و بیمارستان و بهداری زندان باز تنها به تجویز آرام بخش و قرص ضد حساسیت اکتفا کرده و گفته اند چیز خاصی نیست.او روز دوشنبه ساعت ۸ شب در حالیکه صورت، گردن و پاهایش سیاه شده بود درگذشت. پزشکان زندان تشخیص دادند وی بر اثر سکته مغزی درگذشته است. وی در این مدت با توجه به شرایط خانوادگی و جسمی اش چند بار توبه نامه نوشت خواست اجازه دهند نزد همسر و فرزندانش برود اما تا قبل از مرگ، بیش از یک سال بود که ملاقات وی با همسرش به طور کامل قطع شده بود.

گفتگو

پس از یک سال و نیم روزه‌داری در حبس انفرادی
نگرانی درباره سلامتی سید مصطفی تاجزاده

سید مصطفی تاجزاده، زندانی سیاسی به تازگی در زندان دچار مشکل دید شده و چشمان او تار می بینید. همچنین بیماری هایی که پیش از این به آنها مبتلا بوده مانند نقرس و سینوزیت و آرتروز گردن نیز باقی است و با وجود آنکه چند ماه قبل درخواست ام آر آی داده شده و پزشک قانونی هم تأیید کرده بازهم مانع انجام مراحل تشخیص پزشکی و درمانی او شده اند.

فخرالسادات محتشمی پور با ابراز نگرانی از سلامت او که بیش از یک سال و نیم از روزه داری او در حبس انفرادی می گذرد به کلمه می گوید:

به آقایان هشدار داده ام که در این ماه خرداد و در آستانه سالگرد شهادت هدی صابر اجازه ندهید اهمال و بی توجهی در شکل خوش بینانه البته، منجر به گرفتاری هایی برای زندانی ها و خانواده هایشان و خودتان شود. گفته ام که شما وظیفه حفاظت از جان و روان عزیزان ما را دارید و هرگونه تخطی از این وظیفه می تواند موجب پیگرد قانونی باشد.به گفته او اینها در حالی است که سپاه ، دادستانی و زندان هیچ یک مسوولیت وی را بر عهده نمی گیرند.

زندانیان سیاسی

* سیدحسن رونقی ملکی در نامه ای خطاب به رهبری اعلام کرد از امروز شنبه اعتصاب غذا خواهد کرد.
* خانواده مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی از دادستانی تهران خواستارانتقال وی به زندان اوین شدند.
* محمد سلیمانی‌نیا، متخصص فن‌آوری اطلاعات با صدور وثیقه به صورت موقت از زندان اوین آزاد شد.

ذره بین

جلوی دوربین مسکن مهر دادند و پس گرفتند

کارگر ساختمانی که در جریان سفر احمدی نژاد به مشهد یک واحد مسکونی به عنوان مسکن مهر گرفته بود، می گوید پس از چهار روز، خانه را از او پس گرفته اند.

جهانبخش جهانی گفته است: در زمان افتتاح واحدهای مسکونی توسط احمدی نژاد، وسایلم را به این منزل منتقل و گزارش تبلیغی به همین مناسبت تهیه و از شبکه ۳ پخش شد.اما در حالی ما از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدیم به ما اعلام شد باید خانه را تخلیه کنیم.

خبر

افزایش ۶۰ درصدی اجاره مسکن در کشور

همزمان با رشد فزاینده مسکن، عضو هیئت مدیره کانون سراسری انبوه سازان پیش بینی کرده که با سرازیر شدن نقدینگی ها به سمت بازار مسکن شاهد افزایش ۶۰ درصدی اجاره بها خواهیم بود.

حسن محتشم با اشاره به اینکه اجرای فاز دوم قانون هدفمند کردن یارانه موجب افزایش قیمت اجاره و رهن در تهران می شود افزود: بخش عمده ای از اقتصاد کشور در بخش مسکن قرار دارد و همین امر موجب افزایش قیمت خرید، اجاره و رهن در کشور شده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۵ دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم. ما می گوئیم نهاد بزرگ و تاثیر گذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می کشاند.

مانده ایم این ننگ را کجا ببریم

سر مقاله

مصطفی تاجزاده

از زمانی که شنیدیم در جلسات خصوصی از روحانیون و سیاستمداران در اداره کشور اظهار ناامیدی می شود، روشن شد که به زودی چکمه پوشان در همه عرصه ها، به ویژه در سیاست ورزی فعال خواهند شد و احزاب منتقد و منفعل منحل می شوند تا حزب پادگانی جایگزین آن گردد، بسیج به حزب سراسری تبدیل و بسیج دانشجویی عملا تنها تشکل دانشجویی خواهد شد و انجمن های دانشجویی منتقد یکی پس از دیگری تعطیل خواهند گشت. فرماندهان سپاه در انتخابات فعال می شوند و نظارت استصوابی به نظارت استصوابی – نظامی بدل خواهد شد تا در نهایت، هم چون عصر استبداد، حکومت و جامعه، تک صدا و سیاست ورزی یک نفره شود. اکنون فرماندهان نظامی، به نام ولایت، در اقتصاد و اجتماع و فرهنگ و آموزش و ورزش و سیاست حرف اول را می زنند.ما مانده ایم که این ننگ را کجا ببریم: در حالی که رژیمی که توسط مصطفی کمال پاشا، یک افسر نظامی در ترکیه، تأسیس شد، جهت گیری حرکتش از نظامی گری به سوی مدنیت و دموکراسی است و نظامیان در آن کشور به پادگان بازگشته اند، جمهوری اسلامی ایران به رهبری یک روحانی، به طرف نظامی گری و مقابله با حقوق اساسی ایرانیان و فراموشی کامل دو فصل سوم و پنجم قانون اساسی در حرکت است.تفاوت دو کشور در حال حاضر در این است که در ترکیه نظامیان مداخله گر در سیاست در انتظار محاکمه به سر می برند و در ایران، به نام ولایت، معترضان به دخالت غیرقانونی و غیرعقلی نظامیان در سیاست، محاکمه و محکوم می شوند. به نظر من علت این که به شکایت ما از کودتاچیان انتخاباتی که سردار مشفق برخی جزئیات آن کودتا را افشا کرد رسیدگی نمی شود، این است که نمی خواهند ابعاد دخالت فرماندهان سپاه در انتخابات مشخص شود. به همین دلیل بعید می دانم سپاه رسما از آقای علی مطهری شکایت کند. زیرا این اقدام مساوی با بازشدن پرونده های دیگر و توجه بیشتر افکار عمومی به اصل و میزان دخالت نظامیان در انتخابات خواهد شد. در آن صورت بزرگترین انحراف در سیاست ایران که جایگزینی نظامیان به جای احزاب و شخصیت های مستقل و منتقد است، بزرگترین گام به سوی استقرار استبداد دینی رسوا خواهد شد. به طور خلاصه، مادام که انتخابات گروگان فرماندهان سپاه است، اهمیت درازمدت و پیشرفت همه جانبه کشور و رشد اخلاق و معنویت سرابی بیش نخواهد بود. راه نجات کشور آزاد شدن انتخابات و برچیده شدن نظارت استصوابی – نظامی است چرا که شعار انقلاب «میزان رأی ملت است» بوده نه این که «میزان رأی یک نفر» باشد.

ادامه کشتار مخالفان بشار اسد در سوریه

خبر کوتاه

آنچه در سوریه می گذرد یک جنگ داخلی تمام عیار است، قدرت طلبی های بشار اسد و اطرافیانش با حمایت کشورهایی چون ایران مهار کردن جنگ داخلی را تقریبا غیر ممکن کرده است. اکنون ۲۷۵ ناظر حقوق بشر در سوریه حضور دارند و کشتار در حضور ناظران ادامه دارد .روز شنبه حداقل ۸۸ نفر از جمله سیزده کودک در شهر حمص کشته شدند. روز جمعه بیش از ۱۱۰ تن کشته و ۳۰۰ تن مجروح شدند. اپوزیسیون سوریه از کشتار جمعی خانوادهها در شهر حوله توسط نیروهای نظامی سوریه سخن گفته است. مخالفان رژیم بشار اسد اعلام کردند که تنها در ایالت حما ۱۴ تن توسط نیروهای دولتی کشته شدهاند. آتشبسی که توافق شده بود، تا کنون از سوی طرفین مخاصمه رعایت نشده است و برنامه کوفی عنان برای دستیابی به صلح نتوانسته از قوه به فعل درآید. سازمان ملل میگوید حداقل ده هزار نفر تا کنون در خشونتهای این کشور کشته شده اند.

رونقی ملکی خطاب به رهبری:

حکومت با ظلم دوامی نخواهد داشت

سیدحسین رونقی ملکی، وبلاگ نویس منتقد که از روز شنبه دست به اعتصاب غذا زده است در نامه ای خطاب به رهبری با تشریح دلایل خود برای این اعتصاب نوشت:

همانگونه که از اتفاقات کوی دانشگاه و کهریزک رنجیده خاطر شدید و دستور رسیدگی به آن را دادید، امیدوارم حداقل به وضعیت بد من، پیگری زندانیان سیاسی، خانواده هایمان، بازداشتگاه های غیر قانونی و نحوه برخوردها در آنها توجه کنید. او خطاب به آیت الله خامنه ای نوشته که مسوولیت حفظ جان من بر عهده مسوولان جمهوری اسلامی است و این اعتصاب غذا را در اعتراض به ناروایی ها و شکایت از دخالت های سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات در امور قضایی و سلب استقلال این قوه و تلاش برای احیای قانون اساسی، آیین دادرسی، استقلال قضایی و احیای حقوق زندانیان سیاسی و خانواده هایشان نظیر برخورداری از مرخصی، تلفن، ملاقات و غیره خوانده است.رونقی با تاکید بر اینکه آنچه امروز در ایران شاهدیم چیزی جز استبداد و بی قانونی و ظلم نیست، افزوده است: ملک و حکومت با کفر برقرار می ماند ولی با ظلم دوامی نخواهد داشت.او نوشته است: سکوت هر انسانی در مقابل ظلم و ستم، خیانت به خون شهدای بی گناه و مظلوم ایران زمین است و این بار با بردباری خواهم ایستاد شاید لایق آن باشم در کنار مرحوم هدی صابر که مظلومانه جان خود را در زندان از دست داد قرار بگیرم.

متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.

فعالیت اقتصادی سپاه باز هم فاجعه آفرید

روز جمعه صداوسیما در بخشهای مختلف خبری از سد گتوند به عنوان یک افتخار بزرگ یاد کرد و از افتتاح سد و نیروگاه گتوند با حضور وزیر نیرو خبر داد. اما به نقش قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه در ساخت این سد که مورد انتقاد گسترده کارشناسان است، اشاره نکرد. کارشناسانی که میگویند افتتاح این سد به معنای استقبال از یک فاجعه در بخشهای محیط زیست، منابع طبیعی و کشاورزی است.

فاجعه وقتی آشکارتر میشود که بدانیم تنها ۲۰ روز پس از آبگیری سد در تابستان ۱۳۹۰ با حضور احمدی نژاد، دیوارهای که در پاسخ به منتقدان این پروژه، ادعا میشد برای جلوگیری از ورود سنگ نمک از معادن نمک مجاور به مخزن سد ساخته شده، فرو ریخت .در شرح خلاصه ای از زیان های حاصل از این طرح می توان اشاره کرد :

«آب رودخانه کارون روز به روز شورتر می شود. کشاورزان پایین دست کارون از شوری آب رودخانه و کاهش محصولات و نابودی اراضی گلایه مندند و روستاییان وعشایر بالادست سد از آوارگی و عدم پرداخت بهای اراضی خود می گویند. روستاییان حوزه مخزن سد هنوز مطالبات خود را دریافت ننموده اند. پل ساخته شده بر دریاچه سد گتوند در نزدیکی لالی بدون توجه به بافت جمعیتی قربانی می گیرد. در جریان سومین مرحله آبگیری سد گتوند علیا، شوری آب کارون تا هفده هزار بالا رفته است. فعالان محیط زیست خواهان بازدید از سد و اندازه گیری میزان شوری آب هستند ولی مقامات شرکت مجری سد چنین اجازه ای به آنها نمی دهند. اگر رقم اعلام شده توسط فعالان محیط زیست درست باشد، این شوری ۴ برابر بالاتر از شوری آب خلیج فارس است و حتی تخلیه آب دریاچه سد گتوند به سوی خلیج فارس می تواند سلامت خلیج فارس را نیز به خطر انداخته و اعتراض کشورهای همسایه را به دنبال داشته و ابعاد محیط زیستی بین المللی پیدا کند.

انتقاد فرزند آیت الله طالقانی از دادستان کل کشور

اعظم طالقانی، فعال ملی- مذهبی در واکنش به ادعای اخیر دادستان کل کشور مبنی بر طبیعی خواندن مرگ هاله سحابی و هدی صابر در نامه ای سرگشاده خطاب به او این نکته را مطرح کرد که نمی توان باور کرد جنابعالی یا قوه قضائیه نمی دانید که چه کسی مجرم است.

او در این نامه آورده است: آیا می توانید در روزی که مقابل حضرت باری تعالی قرار می گیرید و همه از فرزند و همسر و ارباب خود می گریزند، بگویید: «هیچ کس در فوت هاله سحابی و هدی صابر مقصر نیست؟» مطمئناً اگر شهادتها، گزارش ها، فیلم های دوربین ها و مشاهدات نویسندگان مقالات را در یک سال قبل بدون قضاوت یک طرفه مطالعه کرده بودید اینگونه امروز با این جرات قضاوت نمی کردید؟

زندانیان سیاسی

* محمدرضا معتمدنیا بدلیل عوارض اعتصاب غذا به بیمارستان مدرس تهران اعزام و سپس به زندان اوین بازگشت.
* وحید لعلی پور همسر مهدیه گلرو، فعال زنان با پایان یافتن یک سال حبس تعزیری از بند ۳۵۰ زندان اوین آزاد شد.
* منیژه نجم عراقی، نویسنده با احضار به پلیس امنیت جهت اجرای حکم یکسال حبس تعزیری به زندان اوین منتقل شد.
* محمد ایلخانی زاده، از آخرین متهمان کوی دانشگاه تهران به سه ماه حبس و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم شد.

ذره بین

همزمان با سالگرد حماسه فتح خرمشهر، دو جانباز مورد ضرب و شتم مقامات دولتی قرار گرفتند.جانباز ۷۰ درصد قطع نخاعی که برای تحویل ماشین خود به اداره راهنمایی و رانندگی تهران مراجعه کرده بود بعد از بی توجهی افسران به درخواستش به آنها معترض شد که توسط برخی از افسران مورد ضرب و شتم قرار گرفت.از سویی جانباز ۷۰ درصد کبودرآهنگی که به شرکت گاز مراجعه کرده بود، در پی اصرار بر گرفتن حقش، مورد ضرب و شتم مسئولان شرکت قرار گرفت.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۶ چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: یک جوان که شاهد انبوه مشکلات اقتصادی و فرهنگی و حضور گسترده‌ی دروغ در همه‌ی صحنه‌هاست، چگونه باور کند حفظ نظام در حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و منافع ملی، و نه بر حفظ افراد بر مسند قدرت به هر قیمت، استوار است؟

دروغگویی های بی پروای رئیس دولت

دروغ ممنوع! منتقدان رهبر در زندان اند

سر مقاله

اولین دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد توام بود با اخبار ضد و نقیضی که از سوی رییس هیات دولت می رسید، دروغ هایی که در چهار سال اول در سطح کارشناسان و فعالان سیاسی نمود داشت. سوم خرداد ۸۸ وقتی اولین بار پلاکاردهای "فقط دروغ" و " دروغه، دروغه" در برابر دوربین ها در خرمشهر به نمایش گذاشته شد، اولین نمود عمومی از دروغگویی رییس هیات دولتی بود که جدای از هاله نور و کشف انرژی هسته ای در زیر زمین خانه دانش آموز شهرستانی، خبر از افتتاح و بهره برداری از ده ها پروژه داده بود که نه اثری از پروژه بود و نه عمران و آبادانی. اوج دروغ و اتهام زنی احمدی نژاد در جایی که یکی از مراجع تقلید تاکید کرده بود نباید به "دروغگو" رای داد، در برابر دیدگان میلیون ها بیننده خود را نشان داد، وقتی رییس هیات دولت در برابر چشمان متحیر میلیون ها ایرانی، چشم در چشم میرحسین موسوی دوخت و اسناد کذب ارائه کرد و دروغ گفت. اینجا بود که میرحسین انگشت اتهام به سمت رییس دروغگوی دولت نهم گرفت. پس از آن بود که مردم در یک اقدام خودجوش وقتی به حمایت از نامزد های ریاست جمهوری خود می پرداختند، با طراحی تابلوی "دروغ ممنوع" مسئولان را دعوت به صداقت کردند. هرچند دامنه دروغ گویی مسئولان به تقلبی بزرگ در انتخابات ریاست جمهوری منجر شد و میلیون ها ایرانی به خیابان ها آمدند و رای سبز خود را فریاد کردند و خون فرزندانشان سنگفرش خیابان ها را سرخگون کرد، اما دروغ و دروغگویی از این سرزمین رخت بر نبست و احمدی نژاد در راس هیاتی از مردانش کذب و دروغ را به آنجا رساند که حتی نزدیکترین کسان و حامیان سینه چاکش هم او را به دروغ گویی متهم کردند. برای کسانی که شنیده بودند، نامزد انتخاباتی شان را با چه ترفندهایی از میدان به در برده بودند، خیلی عجیب بود که صفحات روزنامه ها را ببینند که مزین شده این بار به اعترافات حامیان احمدی نژاد و گلایه آنان از دروغگویی این رییس منتصب هیات دولت. آنها که شنونده خطبه های نماز جمعه ای تاریخی بودند، همان خطبه ای که خطبیش رهبری، گفته بود " بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه هایی که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم.....از یک طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می آوردند و من می دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمتهائی زدند، حرفهائی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند." چند ماهی نگذشته بود از این سخنان که تیم منتصب احمدی نژاد، با عنوان " انحرافی" و به جرم رمالی و اشاعه خرافات به دادگاه فرا خوانده شدند و به حبس رفتند. سالی نگذشت که پرده داری ها کنار رفت و رسانه ها به نقل از منوچهر متکی نوشتند: "شایسته جایگاه ریاست جمهوری نیست که در اظهارات ۲۰ سطری ایشان، ۲۴ نکته خلاف واقع، ناروا و یا ادعای نادرست وجود داشته باشد." و این روال ادامه یافت و هر روز تیتری با عنوان " سخنان احمدی نژاد کذب است" زینت بخش روزنامه ها و رسانه های داخلی شد. نه به نقل از رسانه های بیگانه و دشمنان و مخالفان و اجانب و.. بلکه نقل قول هایی از نماینده رهبری در موسسه کیهان و نماینده اصولگرای حامی احمدی نژاد و وزیر مورد تایید رهبری و.. امروز دیگر کسی به دنبال یافتن نکات خلاف واقع در سخنان احمدی نژاد نیست، آنجا که می گوید " ایران آزاد ترین کشور جهان است."، " در ایران زندانی سیاسی نداریم"، " آقایان موسوی و کروبی در حصر نیستند و آزادانه زندگی می کنند و صدها دروغ دیگر.

در آستانه سومین سالگرد روزی که انگشت اخطار میرحسین موسوی، زبان دروغ پرداز رئیس دولت را به سکوت فراخواند، یک نماینده ولی فقیه ادعا کرد رهبری در سال ۸۸ دستور آزادی کسانی را که اتهامشان توهین به رهبری بوده، صادر کرده است.

محمدحسن رحیمیان که نمایندگی رهبری در بنیاد شهید و امور ایثارگران را عهده دارد، گفته است: «در فتنه ۸۸ رهبری دستور فرمودند که اگر کسی را به خاطر توهین به من دستگیر کرده‌اید، هرچه سریع‌تر آزاد کنید و تاکید کردند که با کسانی که در برخی موارد به من توهین می‌کند، برخورد نکنید. ایشان فرمودند کسی حق ندارد به خاطر شخص من متهم را محاکمه کند.»

این اظهارات در حالی پس از سه سال و در آستانه سالگرد انتخابات ریاست جمهوری دهم مطرح می شود که از میان زندانیان سیاسی پس از انتخابات، بخش قابل توجهی از آنها در دادگاهها با اتهام توهین به رهبری رو به رو بودند و بسیاری از آنها نیز به همین خاطر حکم گرفتند و زندانی شدند که تعدادی از آنها هنوز زندانی اند.

جالب اینجاست که در اکثر قریب به اتفاق موارد، آنچه به عنوان مصداق اتهام توهین به رهبری به این زندانیان تفهیم شده و مورد محاکمه قرار گرفته، در حقیقت انتقاداتی دلسوزانه با هدف اصلاح نظام و یا ارزیابی بی طرفانه از نقش رهبری در مشکلات کشور بوده است.

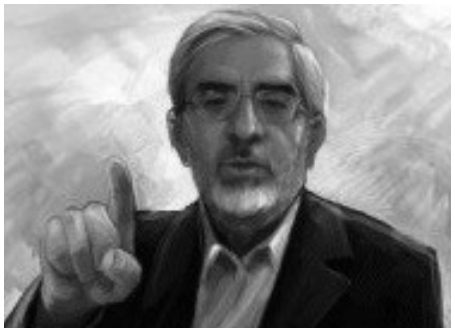

از این رو بسیاری از زندانیان سیاسی نیز در دفاعیه های خود بر این نکته تاکید داشته اند که آنچه نهادهای امنیتی و دادگاه انقلاب، توهین می نامند، در واقع چیزی جز انتقاد نبوده است. اما متاسفانه در حاکمیت فعلی، هر انتقادی از آیت الله خامنه ای، توهین تلقی و با زندان رو به رو می شود.

اکنون نماینده ولی فقیه در حالی به دروغ تلاش کرده دامن رهبری را از ننگ زندانی کردن منتقدان پاک کند که هنوز تعداد قابل توجهی از زندانیان سیاسی، دست کم بخشی از محکومیت حبس خود را از اتهام توهین به رهبری کسب کرده اند و هنوز هم دم دستی ترین اتهامی که بازجویان به زندانیان سیاسی بی گناه منتسب می سازند، عبور از خط قرمز نقد رهبری است که از آن به عنوان توهین یاد می شود.

حال پس از سه سال و در واکنش به ادعای دروغین نماینده ولی فقیه، یادآوری روز ۱۳ خرداد و مناظره میرحسین و احمدی نژاد که پیشنهاد نامگذاری آن به عنوان «روز دروغ ممنوع» مطرح شده، می تواند بهترین پاسخ برای این ادعای ضمنی باشد که کسی به خاطر انتقاد از رهبری در زندان نیست.

باز هم دست درازی سپاه به منابع ملی

وزیر نیرو از موافقت دولت با پرداخت منابع صندوق توسعه ملی به قرارگاه خاتم الاوصیا برای ساخت یک سد در کشور تاجیکستان خبر داد.خاتم الاوصیا قرارگاهی نظامی- اقتصادی است که آن را خواهر قرارگاه خاتم الانبیا توصیف می کنند و در سالهای اخیر همانند برادر سرمایه دارش، پروژه‌های ملی زیادی را از آن خود کرده است.

این قرارگاه، در واقع مجموعه‌ای به هم پیوسته از چند شرکت نظامی- اقتصادی وابسته به سپاه و وزارت دفاع است که بنا دارد در حوزه صنایع نفت و گاز و همچنین راهسازی و ...، بقایای پروژه‌های موجود دولتی را در دست بگیرد.تعداد قراردادهای دو قرارگاه خاتم الانبیا و خاتم الاوصیا در دو حوزه نفت و گاز به بیش از ۵۰ مورد می‌رسد.قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه، تنها در یک سال اخیر چندین پروژه بزرگ ملی را از آن خود کرده و به کمک موقعیت خاص سپاه و نیز تسهیلات ویژه‌ی دولتی از جمله ترک تشریفات مناقصه و واگذاری‌های خارج از روال، امکان رقابت را از بخش خصوصی نیز سلب کرده است.خبر موافقت دولت با پرداخت منابعی مجدد به این قرارگاه نظامی پس از آن اعلام می‌شود که احمدی نژاد به طور ناگهانی با جابجایی معاونانش، ریاست صندوق توسعه ملی را به محمدرضا فرزین داد که مسئولیت ستاد هدفمندی یارانه‌ها را نیز برعهده دارد.

صندوق توسعه ملی که در پی دست‌اندازی‌های پیاپی دولت احمدی‌نژاد جایگزین حساب ذخیره ارزی شده که چیزی از دلارهای نفتی در آن باقی نگذاشته بود حالا با سرازیر شدن دلارهای آن به جیب سپاه سرنوشتی مشابه حساب ذخیره ارزی پیدا کرده است.

زندانیان سیاسی

* نرگس محمدی پس از انتقال به زنجان در میان معتادان و مبتلایان به ایدز محبوس شد.
* محمد رضایی از فعالان ملی مذهبی برای اجرای حکم خود راهی زندان اوین شد.
* همسر فریبرز رییس دانا از شرایط جسمانی همسرش در اوین ابراز نگرانی کرد.
* جشن تولد ۹ زندانی سیاسی با پیام سید محمد خاتمی در تهران گرامی داشته شد.

اخبار کوتاه

آمار نگران کننده از مهاجرت نخبگان

با وجود ادعای احمدی نژاد در کذب خواندن مهاجرت نخبگان، آمار نشان می دهد ۶۲درصد از دانش‌آموزان مدال آور المپیادی کشور طی ۱۴ سال گذشته به کشورهای توسعه یافته دنیا اعم از آمریکا و کانادا مهاجرت کرده اند و هم اکنون بیش از ۵۰۰ پروفسور ایرانی در ایالات متحده هستند.

ذره بین

گسترش تجمعات کارگری در اهواز

بعد از تجمع کارگران لوله سازی خوزستان، حدود ۵۰ نفر از کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز هم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماه گذشته و دیگر مطالبات صنفی خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. افزایش مشکلات کارگران در استان خوزستان باعث تجمعات متعددی در آن شده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره۱۷۷ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

ویژه نامه روز دروغ ممنوع

میر حسین موسوی: دروغ سازمان یافته مشروعیت زداست و ما امروز با دروغ سازمان یافته رو به رو هستیم. رسانه ها باید حداکثر تلاش خود را در برملا کردن آن به کار گیرند. باید در مقابل هر تحلیل آمیخته به دروغ، تحلیلی مبتنی بر حقیقت در اختیار مردم بگذاریم.

دروغ ممنوع!

سه سال پیش از این، همچون امروز در سیزدهم خرداد ۱۳۸۸ و در زمانی دروغ گویی رئیس دولت از حد تحمل گذشته بود، اخطار میرحسین موسوی به او برای اینکه ساکت باشد و از حق و حدش تجاوز نکند، صحنه ای خاطره انگیز را ثبت کرد. صحنه ای که با دروغ های مکرر مسوولان آن روز را تداعی می کند.

در سومین سالگرد ۱۳ خرداد ۸۸، روز دروغ ممنوع، روزی که میرحسین موسوی همه ی دروغگویان حاکمیت را به سکوت فراخواند، محمدحسن رحیمیان از نمایندگان ولی فقیه ادعا کرده که رهبری در سال ۸۸ دستور آزادی کسانی را که اتهامشان توهین به رهبری بوده، صادر کرده است.

این دروغ بزرگ در حالی مطرح شده که بسیاری از زندانیان سیاسی پس از انتخابات به اتهام توهین به رهبری محاکمه و زندانی شده اند و هنوز تعدادی از آنها در زندان اند. جالب اینجاست که در اکثر قریب به اتفاق موارد، آنچه به عنوان مصداق اتهام توهین به رهبری به این زندانیان تفهیم شده و مورد محاکمه قرار گرفته، در حقیقت انتقاداتی دلسوزانه با هدف اصلاح نظام و یا ارزیابی بی طرفانه از نقش رهبری در مشکلات کشور بوده است. از این رو بسیاری از زندانیان سیاسی نیز در دفاعیه های خود بر این نکته تاکید داشته اند که آنچه نهادهای امنیتی و دادگاه انقلاب، توهین می نامند، در واقع چیزی جز انتقاد نبوده است. اما متاسفانه در حاکمیت فعلی، هر انتقادی از آیت الله خامنه ای، توهین تلقی و با زندان رو به رو می شود.

ابوالفضل قدیانی زندانی به جرم انتقاد از رهبری

ابوالفضل قدیانی یکی از نمونه هایی است که شرح وضعیت او، دروغ نماینده‌ی رهبری را رسوا می سازد. او از جمله زندانیان سیاسی است که به جرم انتقاد از رهبری در زندان اند. قدیانی ۶۷ ساله هفته پیش در حالی حکم یک سال حبس خود را در زندان دریافت کرد که از آذرماه گذشته به طور غیر قانونی در زندان به سر می برد. او تا پیش از این در دو پرونده جداگانه، به ترتیب به یک سال و سه سال حبس محکوم شده بود که محکومیت اولی قطعی بود و در آذر ۱۳۹۰ پایان یافت. محکومیت سه سال قدیانی هنوز در مرحله تجدید نظر است و قطعی نیست. بدین ترتیب او باید در آذرماه آزاد می شد، اما تا هفته پیش که در پرونده سوم به یک سال حبس دیگر محکوم شد، به طور غیر قانونی او را در زندان نگه داشته بودند.

احمد زیدآبادی روزنامه نگار محبوس برای پرسشگری از رهبر

احمد زیدآبادی روزنامه نگاری که سابقه نامه نگاری به رهبری در پرونده خود دارد. همان جرمی که توانست محکومیتی سنگین برایش به ارمغان بیاورد. او به اتهام اجتماع و تبانی و اخلال در امنیت کشور به پنج سال حبس تعزیری، و به جهت تبلیغ علیه نظام از طریق در اختیار گذاشتن مطالب و اخبار تحت پوشش تحلیل، به یک سال حبس تعزیری، محرومیت مادام‌العمر از هر گونه فعالیت سیاسی و شرکت در احزاب و هواداری و مصاحبه و سخنرانی و تحلیل حوادث، به صورت کتبی یا شفاهی و پنج سال تبعید به شهرستان گناباد محکوم شد.یکی از نزدیکان زید آبادی نقل کرده بود که بازجویان به آقای زیدآبادی گفته اند که باید از رهبری بابت اینکه مقابل اسمش کلمه «معظم» را ننوشته است عذرخواهی کند. اما او جرم بیشتری هم دارد و آن پرسیدن چند سوال کلیدی از رهبری است.

عبدالله مومنی؛ معلم زندانی به جرم نامه به رهبری

عبدالله مومنی این معلم درد آشنا، از خانواده شهیدان است. تاکنون ۵ شهید به این انقلاب و نظام هدیه داده اند. جرمش مثل همه همرزمانش است، او که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در حبس و شکنجه است و محکومیتش ۴ سال و یازده ماه حبس. صد روز هم در انفرادی بوده و تحت فشار و شکنجه و توهین و فحاشی.عبدالله مومنی شرح شکنجه های اوین را هم داده است و نوشته "تحمل انفرادی و بازجویی های طولانی امری بود که باید به آن عادت می کردم. اما درکنار انفرادی، بی خوابی های مکرر در نتیجه جلسات بازجویی چند ساعته و ایستادن بر روی یک پا و ضرب و شتم و سیلی های پیاپی نیز ترجیع بند این روزها بود.

قاسم شعله سعدی وکیل دربند به جرم نقد رهبری

قاسم شعله‌سعدی از جمله زندانیان سیاسی است که به جرم انتقاد از رهبری در زندان اند؛ آن هم در حالی که وضع جسمی نامناسبی دارد و پزشکان گواهی کرده اند که توانایی گذراندن حبس را ندارد. این وکیل دادگستری ۱۰ سال پیش هم به جرم انتقاد از رهبری زندانی شده بود. او پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ نیز به خاطر آنکه در انتقاد از عملکرد و مواضع رهبری در حوادث پس از انتخابات و تاکید بر مسئولیت وی در این باره، با رسانه‌های منتقد مصاحبه کرد، از شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران حکم دو سال زندان دریافت کرد.شعله سعدی هم مانند ابوالفضل قدیانی، به طور غیرقانونی در زندان است و محکومیت قطعی او ۸ فروردین ماه به پایان رسیده، اما دستگاه قضایی با اعمال نفوذ نیروهای امنیتی، او را در زندان نگه داشته است.

عیسی سحرخیز، روزنامه نگار به جرم «توهین به رهبری»

عیسی سحرخیز یکی دیگر از نمونه هایی است که از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی به اتهام "توهین به رهبری" و فعالیت تبلیغی علیه نظام به سه سال حبس محکوم شده بود، اما در حکمی دیگر به دو سال حبس همبه دلیل فعالیت های مطبوعاتی سابقش و در مجموع به ۵ سال زندان محکوم شد. وی در دفاعیه خود آورده است: در مقدمه قانون اساسی و همچنین فصل هشتم میثاق ملی، بجز شرط عدالت و تقوا، خصوصیات و شرایط دیگری نیز برای رهبر در نظر گرفته شده است که نه تنها باید از همان ابتدا داشته باشد بلکه در تمام دوران زمامداری نیز باید آن ویژگی‌ها را حفظ کند و حتی اگر ثابت شود که از همان ابتدا این شرایط وجود نداشته است، خود به خود شرط رهبری لغو و منتفی می‌شود."

علی جمالی فعال دانشجویی به جرم توهین به رهبری

علی جمالی فعال دانشجویی که ۳۱ مرداد ۸۹بازداشت شد، در تاریخ ۲۱ سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به چهار اتهام «توهین به رهبری»، «توهین به رئیس جمهور»، «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی برای برهم زدن امنیت داخلی»، مجموعا به چهارسال حبس تعزیری محکوم گردید که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۲سال کاهش یافت.وی چندی پیش با وثیقه چهارصد میلیون تومانی برای چند روز به مرخصی آمد و توانست پسر کوچک خود را ببیند. پسر علی در هنگام بازداشت پدر چند ماه بیشتر نداشت و هنگامی که او به مرخصی آمد دو ساله شده بود. همسر علی جمالی، سمیراصدری در دومین سال تولد فرزندنش برای او نوشت: نیکان؛ این روزهای سخت تمام می شود اما یادتان باشد که آزادی شما در گرو هزینه‌های جان‌فرسایی بود که ما پرداختیم."

متهمان توهین به رهبری، فقط این شش نفر نیستند. سال گذشته که فهرستی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰اوین در کلمه منتشر شد، در پرونده بیش از ۳۰ نفر از آن زندانیان اتهام توهین به رهبری درج شده بود. در زندان های دیگر نیز بسیاری از زندانیان به همین اتهام زندانی اند.

پاسخی به رئیس صدا و سیما

پس از سه سال و در آستانه سومین سالگرد جنبش سبز مردم ایران، ضرغامی منتصب رهبری در صداو سیما به یک طرفه بودن این رسانه ملی در طول اعتراضات مردمی پس از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری اعتراف می کند که برای آرام کردن اوضاع چنین اقدامی را انجام می داده است. وی نمی گوید در حالی که مسئولیت امنیت و انتظامات کشور نهادهای دیگری هستند و صداو سیما بر اساس اصل ۱۷۵ باید با رعایت آزادی بیان به نشر افکار مختلف با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور بپردازد، چرا میلیون ها ایرانی را از حق مسلم خود محروم کرده است. رئیس سازمان صداوسیما با بیان اینکه اصلی ترین کار ما عادی سازی شرایط بود، به یکسو نگری این رسانه در جریان پس از انتخابات اعتراف کرد و گفت: مصاحبه هایی با مردم صورت می گرفت که آنها عمل فتنه گران را تقبیح می کردند و این به عادی شدن شرایط کمک می کرد!! او نمی گوید که چرا از یکی از این همه مردمی که در خیابان ها حضور داشتند، مصاحبه ای پخش نشد. ضرغامی با ادعای اینکه گفت وگوهای تلویزیونی و مصاحبه های زیادی در این خصوص صورت گرفت، گفت: من شخصا با سران فتنه گفت وگو کردم و به آنها گفتم شما هم بیایید و گفت وگو کنید اما آنها می خواستند یک طرفه بیایند و بیانیه بخوانند.

این رییس انتصابی صدا و سیما نمی گوید که مصاحبه های یک طرفه و نادیده گرفتن حق همان ۱۳ میلیونی که ادعا می کنند، را چگونه تضییع کرده و چگونه باعث شده است که بخش وسیعی از جامعه هیچگونه سهمی از صدا و سیمای ملی نداشته باشند و آن را در حد یک رسانه قبیله ای و قومی نازل کرده است.

او پیش از این ادعا کرده بود که "دو سه روز پس از انتخابات ملاقاتی با مهندس موسوی داشتم و گفتم شما با استفاده از برنامه‌های تبلیغی مفصل سازمان در آن چند ماه چه جایگاهی در کشور به دست آوردید و اینکه ۱۳ میلیون رایی که آوردید بسیار بالا و قابل توجه است. پس قدر بدانید و با پذیرش قواعد بازی و دموکراسی در صحنه رقابت سیاسی حضور پیدا کنید و ما نیز این آمادگی را داریم که این همکاری را با شما داشته باشیم".

او اقبال عمومی مردم به میرحسین موسوی را فراموش می کند و یادش می رود صدا وسیمای ضرغامی در طول زمان تبلیغات انتخاباتی با همه قوا در اختیار احمدی نژاد و تیمش بود و با اعلام زودرس نتایج انتخابات به تنش در جامعه دامن زد.

ضرغامی گفته بود: ایشان توانایی کنترل اغتشاشاتی را که به دلیل انتشار بیانیه‌های ایشان در تهران رخ داد، نداشتند. در همان شب اول که حوادث شروع شد تعداد زیادی کشته شدند. اگر این مساله را که در چند خیابان و منطقه مشخص رخ داد به صورت عمومی در شبکه‌های سراسری مطرح می‌کردیم، چه پیامی می‌توانست داشته باشد؟ او نمی گوید کسی که توانایی دارد با یک بلند گوی دستی میلیون ها شهروند را که از میدان امام حسین تا میدان آزادی تجمع کرده اند را به سکوت و آرامش فرا بخواند، نخواهد توانست از یک رسانه ملی با صدایی رساتر مردم را به آرامش بخواند!! ضرغامی نمی گوید که عامل این عدم آرامش چه کسی بوده است؟ بیانیه قانونی و هدفمند میرحسین موسوی یا سخنان و تحریکات کسانی که برای این قدرت چند روزه بر همه چیز پشت پا زده و چشم به همه واقعیات بسته اند؟ وی پس از سه سال مدعی می شود که یکی از بهترین پایلوت های بررسی این موضوع فتنه ۸۸ است. او می گوید: بخشی از کار مقابله با فتنه جمع کردن کف خیابان ها بود که توسط نهادهای امنیتی انجام می شد و در کنار آن باید بر روی افکار عمومی کار بسیار وسیعی انجام می شد.وی پس از سه سال اعتراف می کند که از رهبری دستور مستقیم می گرفته و می افزاید: رهبری در آن زمان از ما خواستند که جداسازی کنیم و نشان دهیم افرادی که الان در کف خیابان ها امنیت را برهم می زنند، غیر از ۱۳میلیونی هستند که به جریان مقابل رای دادند. ضرغامی نمی گوید جعل واقعیت حضور سبز مردم در خیابان های شهر با چه منطقی اجرا شده است و او و همراهانش چگونه با قلب حقیقت، و عدم اطلاع رسانی درست و منصفانه مردم را به سمت رسانه های خارجی هدایت کردند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
ویژه نامه روز دروغ ممنوع
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۷ شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

مهدی کروبی: مبارزه با رویه خطرناک دروغ گویی و خرافه پرستی که متاسفانه هر روز شاهد افزایش آن هستیم، آسان نبوده و نیست و ما همه باید در این زمینه بیشتر تلاش کنیم. این مبارزه نیازمند حضور تک تک ما در عرصه آگاهی بخشی و اطلاع رسانی است.

آیت الله موسوی اردبیلی خطاب به مسوولان:
از مردم عذرخواهی کنید

آیت‌الله موسوی اردبیلی طی سخنانی با اعلام اینکه با همه برکاتی که این انقلاب و نظام داشته و دارد قصور و تقصیرها هم زیاد است، افزود: به خاطر کوتاهی‌ها از مردم عذر می‌خواهم و حلالیت می‌طلبم و گمان می‌کنم همه ما، همه مسئولین، از سابق تاکنون، باید از مردم عذرخواهی کنیم.

این مرجع تقلید با اعلام اینکه کارهایی می‌کنیم که موجب یأس و بدگمانی مردم شده و امروز جوان‌های زیادی اعتماد شان سست شده است هشدار داد که ایمان‌هایی در معرض خطر است. این‌ها تلفات سنگینی است که باید جدی گرفته شود. وی افزود: اگر رفتار من، گفتار من، اخلاق و منش من، کوتاهی من، تزلزلی در ایمان حتی یک نفر ایجاد کرده باشد، کافی است که خواب از چشمم ربوده شود.ایشان با بیان اینکه ما دلمان می‌خواست و می‌خواهد که ملت ما سربلند باشند، اخلاق و ایمان در میان جامعه ما رونق داشته باشد، ملت ما خوب زندگی کنند، گفت: ما خیرخواهانه پا در راه انقلاب اسلامی گذاشته‌ایم گفت: حالا بعضی کارها و نتایج را که می‌بینم، نگران می‌شوم که نکند ما در انجام وظایفمان قصور یا تقصیری داشته ایم. آن روز که دوستان ما مبارزه می‌کردند، آن روز که فداکاری می‌کردند، خیلی بهتر از این را توقع داشتند. نکند فردا در مقابل خدای تعالی، در مقابل صاحبان حق در این مسیر، در برابر این ملت، شرمنده باشیم.وی با تأکید بر ضرورت تفکیک میان آزادی بیان و اهانت، گفتند اهانت به اعتقادات مردم مجاز نیست.

خانواده ۴۶ زندانی سیاسی به دادستان تهران:
شما را به دادخواهی در پیشگاه الهی تهدید می کنیم

خانواده های ۴۶ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین طی نامه ای خطاب به دادستان کل کشور، وی را به عمل به تکالیف انسانی و اسلامی و قانونی دعوت کرده و ضمن آن اعلام داشتند: شما را به دادخواهی خویش از پیشگاه الهی تهدید می کنیم.

آنها با یادآوری عرف جاری و آیین نامه اداره زندان های کشور برای زندانیان، اعم از آنانکه مرتکب جرائم بزرگ قتل و تجاوز و سرقت و یا جرایم کوچک شده اند، نسبت به رویه غیرقانونی فعلی که در تبعیضی آشکار توسط شخص دادستان حقوق قانونی و انسانی از فرزندان، همسران، پدران، مادران، و بستگان بیگناه آنها که به صرف حق گویی و مبارزه با تقلب و دروغ در بند به سر می برند سلب شده ، اعتراض کردند.این خانواده ها در این نامه با اشاره به این آیه قران کریم « بترس از ستم بر کسانی که در برابرت یاوری جز خدا ندارند» این سوال را مطرح کردند که آیا در کشوری که مدعی اجرای عدل اسلامی است اینها انتظاری گزافه است؟آنها تاکید کردند: ما برای عزیزان خود خواسته هایی فراتر از همه حقوقی که سایر زندانیان از آن برخوردارند و تا پیش از تصدی شما در مورد زندانیان سیاسی بعد از انتخابات به بند ۳۵۰حتی در این زندان به رسمیت شناخته می شد، نداریم. آیا در کشوری که مدعی اجرای عدل اسلامی است اینها انتظاری گزافه است؟

گفتگو

ابراز نگرانی از وضعیت جسمانی فیض الله عرب سرخی

همسر فیض الله عرب سرخی عضو دربند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با ابراز نگرانی از وضعیت جسمی همسرش می گوید که مدتی طولانی است که با مشکلاتی در ناحیه زانوها و کتف چپشان مواجه شده اند و ناراحتی دندان هم شدیداً آزار دهنده شده بگونه ای که قدرت ورزش و تحرک از ایشان گرفته شده که همین امر باعث بالا رفتن قند خون وی شده بود.

مریم شربتدار قدس به کلمه گفت: همسرم قبل از دستگیری فردی سالم و اهل ورزش بود و متأسفانه روز به روز شاهد افت سلامت ایشان هستم . اگر واقعآ مسئولین ادعای مسلمونی دارند بهتر است رسیدگی و پیگیری کنند که در زندان و ایام بازجویی و انفرادی های آنچنانی، چه اتفاقاتی برای آنها افتاده که امروز با انواع و اقسام بیماری ها مواجهند؟

او خطاب به مسئولان قضایی تاکید کرد: اگر واقعاً به فکر مملکت هستند این افراد بی گناه و خدوم و صادق را که به بهانه های واهی زندانی کرده اند آزاد کرده و بروند سراغ خائنین واقعی که در کسوت خدمت به اسلام و مردم، تیشه برداشته و افتاده اند به جان همه سرمایه های مادی و معنوی و انسانی این کشور، و بدانند که اگر خدای ناکرده کشور با موقعیت بحرانی و خطرناکی روبرو شود دقیقاً افرادی که واقعاً فداکار و دلسوزند و کاری برای نجات برمی آید همانهایی هستند که الان در زندانند.

هشدار درباره فشارهای روانی بر زندانیان رجایی شهر

چهار زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر با ارسال نامه ای به دادستان کل کشور نسبت به افزایش فشارهای روانی حاصل از عدم ارتباط مستمر تلفنی با نزدیکانشان هشدار دادند که طی یک سال و چند ماهی که از قطع ارتباط روزانه تلفنی ما با خانواده هایمان می گذرد، بنا به تایید بهداری زندان تعداد بیمارانی که مجبور به استفاده از قرص های اعصاب و روان شده اند از حدود ۱۰ درصد به بیش از ۴۰ درصد ساکنان بند سیاسی رسیده است. آنها علت فوت منصور رادپور، همبند متوفایشان که اخیرا در رجایی شهر جان باخت را نیز در احتمال استمرار مصرف نامناسب این قرص ها دانسته اند.

افزایش نگران کننده بیکاری کارگران

در حالی احمدی نژاد مدعی شده که می خواهد بیکاری را در سال جاری ریشه کن کند که سال ۹۱ با موج گسترده بیکاری برای کارگران آغاز شده است. اخبار اخراج و بیکاری کارگران از ابتدای سال جاری به بی سابقه ترین دوره طی سال های اخیر رسیده است. صنایع مختلف تولیدی کشور خبر از موج گسترده اخراج کارگران می دهند.بیکاری ۶۷ کارگر چدن پارس ، اخراج ۸۰ کارگر ایران تایر ، اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه تولید شمش چدن، اخراج ۶۵۰ تن از کارگران شهاب خودرو و ۲۰۰ نفر از کارگران ذوب آهن غرب کشور تنها نمونه هایی از بیکارشدن کارگران شاغل است که اخیرا منتشر شده است.

زندانیان سیاسی

* محمد مهدی فروزنده پور، رییس دفتر میرحسین موسوی پس از یک سال حبس در زندان اوین آزاد شد.
* یورش مجدد یگان ویژه به بند ۳۵۰ اوین با واکنش زندانیان سیاسی روبرو شد که شعار "یاحسین میرحسین" سر دادند.
* سه دانشجوی دانشگاه اصفهان به جرم توزیع نشریه دانشجویی "کبریت" توسط اطلاعات سپاه دستگیر شدند.
* سعادتی، احدی، کرمی و رشیدی از فعالان مدنی سیاسی تبریز هفته گذشته با سپردن قرار وثیقه آزاد شدند.
* پزشکان وضعیت جسمی محمدرضا معتمدنیا را پس از اعتصاب غذا خطرناک و نگران کننده اعلام کرده اند.
* مهدی اقبال، زندانی سیاسی که در زندان مبتلا به بیماری ستون فقرات و آرتروز گردن شده به مرخصی آمد
* غلامحسین آذری نجف آبادی آخرین بازمانده راهپیمایی ۲۵بهمن ۹۰ بعد از حکم یکسال حبس تعلیقی آزاد شد.
* عاطفه نبوی اولین زندانی سیاسی زن بعد از انتخابات سال ۸۸ با پایان دوره حبس خود، از زندان اوین آزاد شد.

شش پرسش از رهبری

زهرا ربانی املشی عروس آیت‌الله منتظری در نامه ای به آیت الله خامنه ای شش پرسش درباره نسبت سیره علوی و عملکرد حاکمیت فعلی مطرح کرد.

او در این نامه خطاب به رهبری نوشته است: بسیار طبیعی است که دل امثال من و خانواده ام، همانند پدرم، از جفاهایی که بر این ملت و انقلابش وارد می‌آید به درد آید و گاهی ناله‌ای و حتی فریادی از سر دلسوزی بر آوریم، که متأسفانه به جای رسیدگی به آن‌ها با رفتارهای خشن مواجه می‌شویم؛ و حتّی به ضد انقلاب بودن متهم می گردیم.

عروس آیت الله منتظری در این نامه با الهام از نامه ۵۳ نهج البلاغه، که حضرت علی(ع) خطاب به بنده ای از بندگان خاص خدا می‌نویسد پرسیده است:

– آیا افراد نهادهای تحت نفوذ شما و حتی دفتر حضرتعالی چنین می کنند؟ و یا اینکه غالب مردم از دسترسی و درد دل مستقیم با مسئولین محرومند و حتی اگر نامه‌ای هم به دفتر آنان ارسال شود به دلایل مختلف به دست آنان نمی رسد؟

– آیا افراد مسئول تحت نفوذ شما مطابق دستور حضرت امیر(ع) عمل می کنند و از ظلم مبرّا هستند؟

– آیا زندانی کردن معترضین ظلم نیست؟

– جدا کردن مادر از فرزندان خردسال به جرم دگراندیشی و فعالیت حقوق بشری ظلم نیست؟

– قطع حقوق زن و بچه زندانی ظلم نیست؟

– مبتلا شدن زندانیان به بیماری های قلبی- عروقی- فلج عضلانی و یا بیماری‌های عصبی و فشار خون و... در زندان ظلم نیست؟

– تبعیض‌های اقتصادی، عقیدتی و طبقاتی ظلم نیست؟

–محروم بودن خانواده‌های زندانیان سیاسی از حتی یک ملاقات حضوری آن هم در ایام نوروز ظلم نیست؟ و این در حالی است که به زندانیان غیر سیاسی حتی عفو هم تعلق می گیرد.

– مگو من فرماندهی هستم که فرمان می‌دهم و باید فرمان مرا ببرند؛ اگر چنین فکر کردی که من فرمانده‌ام، تو مشغول فاسدکردن قلب خود شده‌ای و دین خود را هم ضعیف می کنی.

تهدید زندانیان سیاسی به اعتصاب غذای جمعی

محمدرضا معتمدنیا، زندانی سیاسی که به تازگی به اعتصاب غذای خود پایان داده در نامه ای به حسین رونقی، وبلاگ نویس زندانی که دست به اعتصاب غذا زده، درخواست کرد با توجه به وضعیت خطر جسمی اش به اعتصابش پایان دهد. او در نامه خود به مسئولان هشدار داده اگر به درخواست های سیدحسین رونقی بی توجهی شود، وی و تعداد دیگری از زندان در همراهی با این جوان دربند دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

ذره بین

حذف سهمیه المپیک حاصل دخالتهای دولت

درنتیجه دخالت نابجای دولت د رامور ورزش فدراسیون جهانی قایقرانی اعلام کرد که فدراسیون قایقرانی ایران را به دلیل برکناری رئیس این فدراسیون «بدون هیچ دلیل رسمی» به صورت موقت تعلیق کرده است. تعلیقی که به تبع آن باعث از دست رفتن ۴ سهمیه المپیک شده است. پیش از این قایقرانان تیم ملی ایران نیز که خود را برای المپیک آماده می‌ساختند، در حمایت از آقای دنیامالی اعلام کرده بودند که در المپیک شرکت نخواهند کرد و تنها بازگشت آقای دنیامالی به فدراسیون نظر آن‌ها را تغییر خواهد داد

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۸ چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: هنر شگرف امام باطل کردن سحر دوگانه‌انگاری‌های بین اسلام و جمهوریت بود. من آمده بودم تا با تکیه بر راه امام تلاش ساحرانی را که دوباره جان گرفته‌اند خنثی کنم.

خبر ویژه

مهدی کروبی با خانواده اش دیدار کرد

در چهارصد و پنجاهمین روز از حبس خانگی رهبران جنبش سبز، مهدی کروبی روز دوشنبه به مناسبت ۱۳رجب توانست با خانواده خود دیدار کند. این دیدار به مدت سه ساعت در منزل شخصی کروبی در منطقه جماران صورت گرفته که با همسر و فرزندان خود دیدار و گفتگو کرد.مهدی کروبی در حال حاضر در ساختمانی تحت حفاظت و نظارت نیروهای امنیتی، جدا از همسر خود در حبس خانگی به سر می برد.

سر مقاله

گزیده نامه تاجزاده به رئیس قوه قضاییه

همان گونه که مستحضرید از سه ماه پیش فرزند این جانب فاطمه سادات تاج زاد بدون ارائه هیچ گونه دلیلی ممنوع المعامله شده و تلاش من برای حل مشکل، از جمله رساندن پیغام به شما بی نتیجه بوده است. بناچار این نامه سرگشاده را برایتان ارسال می کنم: به راستی با استناد به کدام مواد و موازین قانونی و شرعی، یک شهروند قانون گرا اما منتقد افزون بر تحمل سال ها حبس و حتی بی بهره شدن از حقوق اولیه خود در زندان، باید شاهد محکومیت همسر و محرومیت فرزندانش از حقوق قانونی و بدیهی خود باشد؟ از مبارزان رژیم ستم شاهی بپرسید شاه و دربار و ساواک، همسر کدام یک از مخالفان قانون گرای خود را به چهارسال حبس محکوم کردند و علاوه بر آن، از دو دخترش یکی را ممنوع الخروج و دیگری را ممنوع المعامله نمودند؟! و به شنود تلفنی بسنده نکرده در اطاق خوابشان نیز شنود گذاشتند؟ تردید ندارم که این اقدامات خلاف قانون و شرع و اخلاق، در جهت تحقق راهبرد «النصر بالرعب» یا «کسب و حفظ قدرت برپایه ترس» انجام می شود و هدف اصلی از این گونه اقدامات از جمله تشکیل پرونده اتهامی جدید علیه زندانیان سیاسی، در ایام حبس، تلاش برای ساکت و مرعوب کردن منتقدان سیاست های نادرست جاری در کشور و حکومت مطلقه فردی است. شما به نیکی آگاهید که مشی و شعار فعالان انتخاباتی و سیاسی بازداشت شده در سه سال گذشته، اجرای کامل قانون اساسی از جمله دو فصل سوم و پنجم آن که بر حقوق شهروندی آحاد ایرانیان تأکید دارد، بوده است. اما گذشته از آن که عملکرد زندانیان سیاسی قانون گرا که مشی و هدفشان اجرای کامل قانون اساسی و خلاصه نکردن آن در یک اصل و در حقیقت در یک نفر است، بطلان آن راهبرد را به اثبات رسانده است، از جناب عالی می پرسم فرض کنیم جناح حاکم بتواند در عصر اینترنت و ماهواره و تلفن همراه و هم زمان با بهار عربی دهان منتقدان استبداد دینی ومخالفان «احیای مناسبات شاهنشاهی به نام اسلام» را ببندد و آزادی مطبوعات و نیزاطلاع رسانی آزاد، احزاب آزاد، تجمعات آزاد و انتخابات آزاد را برای مدتی به محاق برد، در آن صورت آیا شاهد گرانی و تورم لجام گسیخته، بیکاری روزافزون، فساد مالی- اقتصادی روبه رشد، تضعیف پایه های تولید و پول ملی و چینی شدن اقتصاد کشور آن هم در دوره درآمدهای طلایی نفت نخواهیم بود؟ آیا بزه ها و نابهنجاری های اجتماعی، فرار سرمایه ها، مهاجرت نخبگان و مهم تر از همه سست شدن پایه های ایمان و اعتقاد و اخلاق جامعه پایان خواهد یافت یا مهار خواهد شد؟! احتمالا تاکنون متوجه شده اید که چنانچه سازمان اطلاعات سپاه به جای ۵۰۰ صفحه، ۵۰۰۰ صفحه پرونده علیه این جانب بسازد و دادگاه نمایشی با حکمی فرمایشی چند سال دیگر بر محکومیت زندانم بیفزاید و تمام خویشانم را نیز از حقوق خود محروم کنید، قادر نخواهید بود که مرا از انجام وظیفه انسانی، اسلامی و ملی خود بازدارید و من به یاری خداوند از آن چه حق می دانم دفاع کرده با ارائه چهره ای استبدادی، خشن و ضدحقوق بشر از اسلام و جمهوری اسلامی مقابله خواهم کرد. عجالتاً امیدوارم در حدی اختیار و آزادگی داشته باشید که نام دخترم را از فهرست ممنوع المعامله ها خارج کنید تا مجبور نشوم در این زمینه با «ولیّ» آن جناب مکاتبه کنم.

مشاور میرحسین موسوی در گفت و گو با کلمه:
آزادی زندانیان سیاسی و رهبران جنبش سبز مقدمه اصلاح رفتار حاکمیت

مشاور میرحسین موسوی در آستانه سومین سال تشکیل جنبش سبز، آزاد کردن رهبران جنبش و زندانیان سیاسی را نخستین گام برای اصلاح رفتار حاکمیت و حل بحران خواند و خواستار تغییر روندها و روش ها در عرصه داخلی شد.

وی در گفت و گو با کلمه با تاکید دوباره بر راهکارهایی که بیانیه شماره ۱۷ میرحسین موسوی برای حل بحران های جاری کشور ارائه کرده، حل و فصل عزت مندانه پرونده هسته ای با حفظ منافع کشور و پایان دادن به رقابتهای مخرب جناحی درون حاکمیت در این باره را خواستار شد.

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید گفت: حکومت باید شجاعت گفت و گو با مردم و معترضین را پیدا کند، حقوق آنها را به رسمیت بشناسد و اشتباهات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را اصلاح کند.مردم دارند زیر بار گرانی و فقر، له می شوند. بیکاری، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی خانوادگی جامعه را دچار گسست های فراوان جدی کرده است. همبستگی ملی آسیب جدی دیده است.

او عدم مشارکت در انتخابات مجلس نهم را به معنای قهر کردن با صندوق های رای ندانست و افزود: انتخابات معنا و مفهومی دارد، شرایط حداقلی دارد. تا این شرایط مهیا نشود، انتخابات و شرکت در آن معنا ندارد.

ارجمند این توصیه را هم کرد که همگی باید نقد را چه در داخل جنبش و چه در خارج آن بپذیریم، وگرنه دچار همان مشکلی می شویم که حکومت با آن مواجه است و ما با آن مبارزه می کنیم. البته متاسفانه گاهی دیده می شود که در بین مدعیان دموکراسی بردباری لازم وجود ندارد و اصول مفاهمه دموکراتیک رعایت نمی شود.

دروغ ممنوع

نماینده محترم ولی فقیه! دروغ بگویید و پروا نکنید

این بار قرعه به نام عبدالله حاجی صادقی جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه خورده تا در حالیکه ده ها تن از فعالان سیاسی و روزنامه نگاران به جرم "توهین به رهبری" زندانی اند و به احکام محیرالعقول به حبسهای طولانی و تبعید محکوم شدند، در دروغی مشابه همکاران خود مدعی شود «رهبری با بزرگواری با افراد برخورد کرده و هیچ‌گاه در پی انتقام‌جویی از افرادی که با ایشان دشمنی کرده‌اند، نبوده‌اند.» دو سال قبل که اسامی و مشخصات گروهی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین در کلمه منتشر شد، از بین حدود ۱۰۰ زندانی که اتهامشان در آن فهرست مشخص شده بود، حدود ۳۰ نفر به اتهام توهین به رهبری، حکم زندان گرفته بودند. اما اینک نماینده رهبری در سپاه معتقد است که ایشان در طول ۲۳ سال رهبری خود، آنجا که پای نظام و اسلام در میان باشد با قدرت و قاطعیت و با دلیل و منطق از اسلام دفاع می‌کنند اما جایی که بحث خود ایشان باشد، بزرگواری و گذشت می کند. وی البته نگفته که نوشتن نامه و انتقاد از عملکرد " رهبر " که در نص صریح متون اسلامی و سیره و عمل معصومان به آن تاکید شده است، چه خطری برای اسلام و نظام می تواند ایجاد کند. در همین حال، در شرایطی که روز به روز دامنه بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت افزایش پیدا کرده و شکاف بین مردم و حاکمان عمیق تر می شود و حتی نزدیکترین فرد به رهبری هم دیگر حاضر به تمکین از ایشان نیست، نماینده رهبری مدعی می شود که " امروز بسیاری از آزادی‌خواهان جهان در سراسر دنیا رهبر معظم انقلاب را به عنوان رهبر خود می‌شناسند."

وی نمی گوید چگونه است که آزادیخواهان ایران به جرم انتقاد از عملکرد رهبری در زندان و حصر هستند یا از وطن آواره شده اند، ولی آزادی خواهان سایر نقاط جهان وی را به رهبری شناخته اند. وی مدعی می شود " ویژگی دیگر رهبر معظم انقلاب اعتماد به مردم و پیروی واقعی از مردم‌سالاری دینی در جریان اداره امور کشور است." اما نمی گوید چگونه است که رای همان "سیزده میلیون " نفر را پاس نداشتند و نمایندگان برحق آنان را به ستم و بدون هیچ رویه حقوقی به حصر و حبس کردند.

او توضیح نمی دهد این احترام به حقوق مردم چرا در صدور مجوز برای یک راهپیمایی متجلی نمی شود. چگونه است که مریدان و حامیان ایشان هر گاه اراده کنند در کف خیابانها " لشکرکشی" می کنند اما مردمی که به گفته ایشان همان اقلیت است حتی از حق داشتن یک روزنامه نیز محروم هستند.

او توضیح نمی دهد حبس و حصر موسوی و کروبی، حبس صدها دانشجو و فعال حقوق بشر و سیاسی و روزنامه نگار و.. از نشانه های کدام نوع از مردم سالاری دینی است.

وی با اشاره به اینکه بصیرت رهبری در تمام زمینه‌ها می‌تواند الگو برای اهل بصیرت باشد، گفت " ما در طول این دو دهه بحران‌ها و فتنه‌گری‌های پیچیده‌ای از ناحیه دشمن و دست‌نشانده‌های آنان داشتیم اما مقام معظم رهبری از تمام این گردنه‌ها کشور را با سلامت عبور دادند."

وی نمی گوید آیا به شهادت رساندن جوانان در کف خیابان ها یا شکنجه دادن آنها در حد مرگ و اقدامات خلاف اخلاق و شرع و عرف در زندان ها، تدبیر رهبری برای عبور از آنچه وی بحران می خواند است یا فرمان آتش صادر کردن در خطبه های نماز جمعه، مکانی که مرکز وحدت امت اسلامی است.

زندانیان سیاسی

*محمدصدیق کبودوند، فعال حقوق بشر که در اعتصاب غذا به سر می برد در پی وخامت حالش به بهداری زندان اوین منتقل شد.

*حسین رونقی ملکی بدلیل وخامت وضعیت جسمی به بیمارستان منتقل شد اما بدلیل مطمئن نبودن از حق مرخصی حاضر به درمان نشد.

* طاهره منتظری فرزند مرحوم آیت الله العظمی منتظری با فرزندان و خانواده نرگس محمدی دیدار و از آنها ابراز دلجویی کرد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۹ شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: در ۲۲ خرداد مردم می‌خواستند با شرکت در انتخابات آزاد در سرنوشت خود سهیم باشند و آینده را خود شکل بدهند، اما با اتفاقاتی که بعداً افتاد، ملت اشکالات و انحرافاتی را کشف کردند و مطالبات جدیدی با طیفی وسیع شکل گرفت.

سر مقاله

زنجیره سبز، پاسخی به بی‌عدالتی

خرداد یکی از خاطره انگیزترین روزهای جنبش سبز از بدو تولد است. در این روز زنجیره انسانی به طول ۸۸ کیلومتر در سراسر کشور مردم ایران را به هم متصل کرد. از زاهدان تا تبریز، از اهواز تا بجنورد، از ساری تا بندرعباس و در بیش از یکصد و سی شهر دیگر ایران مردم در خیابان اصلی شهرها جمع شدند و اعتراض خود را به وضع موجود نشان دادند. و البته در تهران این زنجیره در بزرگترین خیابان خاور میانه تجسم پر رنگ تری از اعتراض به دروغ و نابرابری فضای انتخاباتی را رقم زد.

چیزی که آن روز مردم را به هم نزدیک کرد صرف ایستادن کنار یکدیگر نبود بلکه نزدیکی قلب ها و همدلی مردم بود که ۱۸ خرداد را روز بی بدیلی کرد. همدلی که در روزهای پس انتخابات و در هنگامه سرکوب معترضین خود را بیشتر نشان داد.

یکی از نکاتی که در مورد این زنجیره کمتر به ان پرداخته شد تفاوت عملکرد جوانان اصلاح طلب اعم از فعالین سیاسی و دانشجویی تا جوانانی که خود را اصلاح طلب می دانند و به اصولی از قانون اساسی مثل ازادی، حقوق مخالف، انتخابات آزاد و حقوق اجتماعی تاکید بیشتری دارند با نیروهای امنیتی، مدعیان اصولگرایی و نسل دوم این دو جریان که عملا در یک طیف قرار می گیرند است.

انتخابات سال ۸۸ عرصه نابرابر تبلیغات ریاست جمهوری بود. از تخریب های غیر مستقیم و ناجوانمردانه رسانه ملی علیه مهندس موسوی و تبلیغات غیر مستقیم به نفع احمدی نژاد تا پخش پول نقد در روستاها و شهرستان ها توسط دولت. از دادن مجوز برنامه به ستاد احمدی نژاد و کارشکنی و عدم اجازه برگزاری برنامه به ستاد مهندس موسوی و شکایت ها و بازداشت های کوتاه و ایجاد فضای رعب علیه جوانان اصلاح طلب. در شرایط مخالفت و محدودیت حکومت،یک پیشنهاد از سوی جوانان فعال حامی میرحسین برای تشکیل زنجیره انسانی و اقبال مردم تهران تیر خلاصی بر همه برنامه ریزی ها و بی اخلاقی های احمدی نژاد و ستادهای وی و بر همه نابرابری هایی که کام جوانان اصلاح طلب را تلخ کرده بود زد. بعد از زنجیره حتی ستاد احمدی نژاد هم فهمیده بود انتخابات را در شهر تهران واگذار کرده است. زنجیره فرصتی شد برای فریاد بلندی که متاسفانه مسئولین در ایام انتخابات حاضر نشدند آن را بشنود.

اما انچه از این نوشته به مدعیان اصولگرایی بر می گردد تذکر مهمی بود که یا نشنیدند یا ترجیح دادند ان را نشنیده بگیرند. در حالی که کار اصلی برای مهندی موسوی از سوی جوانان داوطلب و خودجوش انجام می شد؛ رقیب جوانان اصلاح طلب در ایام انتخابات یک جریان سیاسی که برنامه ریزی کند؛ برنامه های تبلیغاتی برگزار کند، واکنش سیاسی نشان دهد، به جای تخریب در انجام برنامه های اخلاقی و جوانمردانه بکوشد نبود. رقیب آنها یک جریان امنیتی و وابسته به قدرت بود که پول توزیع می کرد، تهدید می کرد، پرونده می ساخت، دست به تخریب با استفاده از امکانات بیت المال می زد. اگر دولت و نهادهای وابسته به قدرت در دادن مصلی و سایر برنامه های تبلیغاتی تبعیض قائل نمی شدند شاید جوانان اصلاح طلب چاره را در گذاشتن برنامه در خیابان ولیعصر نمی دیدند. واکنش هوشمندانه که نتیجه انتخابات در تهران را به نفع مهندس موسوی تثبیت کرد.

این را همه می دانند . هم نیروهای سیاسی و هم نیروهای امنیتی اصولگرا. انتخابات سال ۸۸ اوج خلاقیت و ابتکار جوانان اصلاح طلب بود که آنها را برنده واقعی فعالیت سیاسی کرد و اوج ناتوانی و ضعف نیروهای اصولگرا که با همه جر زنی ها و رانت ها حرفی برای گفتن نداشتند و در نهایت نیز اتهامات بی اساس کودتا و .. را سرپوشی بر ناتوانی خود گذاشتند.

معاون اول و رئیس دفتر احمدی نژاد هم به فساد متهم اند

رئیس سابق ستاد انتخابات، متهم به اخذ رشوه میلیاردی

کامران دانشجو، وزیر علوم فعلی دولت احمدی نژاد که در زمان انتخابات ریاست جمهوری، رئیس ستاد انتخابات بود و پیش از آن هم استاندار تهران؛ به دریافت دو میلیارد ریال رشوه متهم شد. این موضوع از سوی یکی از متهمان پرونده اختلاس بیمه ایران فاش شد که خبر داد : آقای دانشجو در حضور وکیل و خانواده‌اش به دریافت این مبلغ اعتراف کرده است، اما در برابر تحویل این مبلغ، سندی نداده است. این متهم که "ی – د" معاون سابق فنی و عمرانی استانداری تهران معرفی شده، گفته است که ۱۵۰ میلیون ریال از مبالغی را که به طور غیر قانونی دریافت کرده، به مرتضی تمدن، استاندار فعلی تهران، پرداخت کرده است.

اعترافی که باعث شد نماینده دادستان نیز در جلسه دادگاه به احضار و بازجویی از این مقام دولتی در سال گذشته اشاره کند. اما دادگاه هنوز درباره احضار وزیر علوم فعلی که به دریافت دو میلیارد ریال رشوه متهم شده، چیزی اعلام نکرده است. دادگاه این پرونده که تاکنون به نام "پرونده اختلاس بیمه ایران" شناخته می شد، پس از افشای فساد مالی این دو یار احمدی نژاد، در رسانه ها به عنوان "اختلاس بیمه ایران و استانداری" معرفی شده است. پیش تر، متهمان این پرونده به "حلقه فاطمی" معروف بودند. "ی – د" این مقام سابق دولت احمدی نژاد که تنها در یک فقره به ۵ میلیارد ریال اختلاس متهم است، تمام اتهامات خود را انکار کرده و دیگر مقام های دولتی را متهم واقعی این پرونده می داند.

علاوه بر کامران دانشجو ، محمدرضا رحیمی معاون اول احمدی نژاد هم در این پرونده متهم بوده اما هنوز به دادگاه احضار نشده و زمزمه هایی مبنی بر حذف نام او از فهرست متهمان مطرح شده است. دادگاه پرونده اختلاس بیمه ایران همزمان با دادگاه اختلاس سه هزار میلیارد تومانی برگزار می شود که آن نیز مقام های بلندپایه دولتی تا حد معاون وزیر مورد محاکمه قرار گرفته اند. اما به رغم طرح مکرر نام رئیس دفتر احمدی نژاد، هنوز خبری از احضار و محاکمه او منتشر نشده است.

تشکیل چهارمین پرونده برای ابوالفضل قدیانی به خاطر انتقاد ازرهبری

ابوالفضل قدیانی که از آذرماه سال گذشته به طور غیرقانونی در بند ۳۵۰ اوین نگهداری می شود و در ۳ پرونده خود مجموعا به ۵ سال حبس محکوم شده، اخیرا برای توضیح در مورد چهارمین پرونده خود احضار شده که مانند دفعات گذشته با رد صلاحیت دادگاه و دادسرای انقلاب، آن را غیرقانونی خواند.قدیانی در پرونده اول، یکسال، پرونده دوم، ۳ سال، و پرونده سوم به یکسال حبس محکوم شده است و در حال حاضر در پرونده چهارم نیز با احتمال صدور یکسال حبس مواجه است. او در پرونده جدید خود متهم است با انجام مصاحبه ای با "کلمه" در دوران مرخصی کوتاه مدت خود در فروردین ۹۱، آیت الله خامنه ای را ویرانگر استقلال کشور و مسبب شرایط بحرانی پیش آمده برای جمهوری اسلامی ایران خوانده است. شکایت علیه این فعال سیاسی به درخواست وزارت اطلاعات و از سوی سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته است و سند این ادعا را قدیانی پس از حضور در دادسرا و مطالعه پرونده جدید به طور اتفاقی رویت کرده است. اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام اسم رمز و اتهامات تغییر یافته «توهین به رهبری» و هرگونه سخن انتقاد آمیزی است که خطاب به آیت الله خامنه ای نگاشته می شود. پیشتر از سوی برخی مراجع ادعا شده رهبری حاضر به شکایت علیه منتقدان خود نیست و به همین دلیل در یک سال گذشته تمام اتهامات تفهیمی به فعالانی که تیغ تیز انتقادات خود را متوجه رهبری و جایگاه وی کند، تحت عناوینی دیگر به آنان تفهیم می شود.

انتقاد آیت الله جوادی آملی از فقر و بیکاری در کشور

روزی تازیانه سوء مدیریت ها را خواهیم خورد

آیت الله جوادی آملی در سخنانی با انتقاد از شیوه مدیریت کشور تاکید کرد: در کشور یا اختلاس است و یا به جان هم می افتیم و باندبازی می کنیم.

این مرجع تقلید افزود: کشور ما چهار فصل است؛ ولی در عین حال بیکار و فقیر هم در آن موج می زند؛ ضعف مدیریت یعنی همین؛ امکانات فراوان، درگیری زیاد و عده ای هم بیکار و فقیر و نتیجه این است که روزی تازیانه این کار را خواهیم خورد.

جوادی آملی افزود: مسئله فقر و گرانی چیزی نیست که گفته شود ۲۰ یا ۳۰ درصد مردم فقیر هستند. نباید توقع داشت با موعظه و نصحیت جوان‌های بیکار را آرام کرد چراکه این توقع به جایی نیست و کشوی که هم آب و هم خاک دارد اما بیکاری و تورم در آن وجود داشته باشد، باید گفت که از رحمت خدا به دور مانده است. وی گفت: امیدوارم خداوند به همه علاقمندان به اسلام توفیقی عطا کند که هم بار خود را به مقصود رساند و هم باری بر دوش دیگران نگذارند.

زندانیان سیاسی

* مامورین امنیتی با مراجعه به منزل پدربزرگ ۸۰ ساله آرش صادقی، او را بازداشت کردند.
* حمزه کرمی فعال سیاسی محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین به مرخصی آمد.
* امیرحسین علوی، عضو شعبه زنجان سازمان دانش آموختگان ایران بازداشت شد.
* سیدحسین رونقی ملکی، اعتصاب خشک خود را شکست و اعتصاب تر از سر گرفت.
* احمدرضا یوسفی، روزنامه نگار و معاون سابق فنی ایسنا با پایان یافتن دوران حبس آزاد شد.
* جواد علیخانی، فعال دانشجویی زندانی را با درمان نیمه کاره به زندان بازگرداندند.
* قرار بازداشت موقت افسانه توقیر دانشجوی تبریزی به مدت دوهفته تمدید شد.

حمله پلیس چین به دانش‌آموزان مسلمان، همزمان با سفر احمدی‌نژاد

همزمان با سفر احمدی نژاد به پکن، در جریان حمله ماموران پلیس چین به یک دبستان اسلامی، دوازده دانش آموز زخمی شده و به بیمارستان انتقال یافتند.

تاکنون بارها پلیس چین به مسلمانان حمله کرده است ولی تاکنون دولت احمدی نژاد به آن واکنش نشان نداده است. این در حالی است که بالاترین سطح واردات کالا از پکن است.

دولت چین به ندرت برای تاسیس مدارس دینی مجوز می دهد و ظاهرا در دبستانی که هدف حمله قرار گرفت، قرآن تدریس می شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۷۹ شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: سبز بودن ما به این معنا نیست که همه را به رنگ خود در آوریم. سبز بودن، زیستن در کنار یکدیگر با درک تفاوت‌ها و اختلاف آرا و نظرات و سلایق یکدیگر است. آگاهی‌بخشی در عین مسالمت، موثرترین سلاح علیه خشونت و تفرقه و جهل است

بیانیه ای در سومین سالگرد تولد جنبش سبز

اعتراض حق مردم است

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای به مناسبت سومین سالگرد جنبش سبز از اقشار مختلف مردم دعوت کرد در اعتراض به دشواری‌های روزافزونی که دولتمردان اقتدارگرا و ناکارآمد بر سر راه زندگی آزاد و توأم با کرامت ایرانیان پدید آورده‌اند، بین ساعت ۷ تا ۹ شامگاه پنجشنبه ۲۵ خرداد در اماکن عمومی و به ویژه پارک‌های اصلی شهرها تجمع اعتراضی سکوت برگزار کنند. متن کامل این بیانیه را با هم می خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

«خداوند به کسانی از قوم شما که ایمان آورده و اعمال نیک انجام داده‌اند وعده کرده است که حکومت روی زمین را نصیب آنها خواهد فرمود، همچنان که پیشینیان آنها را عطا فرمود.» (آیه ۵۵ سوره نور)

هموطنان عزیز، همراهان سرافراز

سه سال پیش در چنین روزهایی با حضور میلیون‌ها شهروند، حرکتی عظیم آغاز شد که به تولد جنبش سبز انجامید. جنبش سبز مبتنی بود بر حرکتی مدنی و خواست عمومی برای تحول در شیوه اداره کشور با رأی به نامزدهای انتخاباتی تغییرخواه. اکثریت چشمگیری از مردم، سیاست‌های ماجراجویانه، فریبکارانه و فاقد پشتوانه عقلانی دولت نهم را برای توسعه و پیشرفت کشور و رفع مشکلات روزافزون مردم مناسب نمی‌دیدند. شهروندان تغییرخواه ادامه دولت اقتدارگرا و ناکارآمد و بی‌کفایت احمدی‌نژاد را موجب ورشکستگی اقتصاد، فروپاشی اجتماع، انزوای بیش از پیش بین المللی، عمیق‌تر شدن شکاف میان فقیر و غنی، افزایش تورم، بسط ید نهادهای نظامی و امنیتی و محدودیت بیشتر آزادی‌های قانونی می‌دانستند. دل نگرانی‌هایی که گذشت زمان، واقعی بودن آن و بصیرت و دوراندیشی تحول خواهان و کوته اندیشی و بی‌بصیرتی اقتدارگرایان را به اثبات رساند. حاکمان شیفته و تشنه قدرت اما با پافشاری بر درک غلط خود، تغییر را با منافع خود در تضاد دیدند؛ آنان صندوق‌های رأی را از کارآیی خود تهی و به ابزار کودتای انتخاباتی تبدیل کردند. نتیجه‌ی این خیانت در امانت، اعلام آمار و اعداد خودساخته و نادقیق به‌عنوان نتیجه انتخابات، به‌جای رأی واقعی مردم بود. مقاومت نامزدهای غیرحکومتی و خشم مردمی که می‌دیدند رأیشان چگونه به سرقت رفته و شعورشان چگونه مورد تمسخر گردانندگان انتخابات قرار گرفته، میلیون‌ها معترض را در نقاط مختلف کشور به خیابان‌ها کشاند. اقتدارگرایان اما به جای تصحیح روش نادرست خود، با تحقیر مخالفان، انتصاب آنها به قدرت‌های بیگانه، دستگیری و سرکوب خشونت بار شهروندان معترض، و بازداشت گسترده‌ی فعالان سیاسی و مطبوعاتی، به حراست از کودتای انتخاباتی خود پرداختند. حاکمیت اقتدارگرا و سرکوبگر، کنش مدنی و اعتراض و پرسش مردم را انقلاب مخملی و فتنه نامید تا کودتای انتخاباتی و فتنه‌ی خود را با تبلیغات و تحریف حقیقت، از چشم‌ها مخفی کند. دوستان و یاران دیروز به بی‌بصیرتی متهم شدند تا بی بصیرتی حاکمان پنهان شود. نظر رئیس دولت برآمده از کودتا از همه به خود نزدیک تر اعلام شد تا تأیید و حمایتی که تا آن روز فاش نمی‌شد، آشکار گردد. دست نیروهای سرکوب‌گر و خشونت پیشه و ارعاب‌گر در تعرض به جان و مال و ناموس معترضان باز گذاشته شد تا بی پروای قانون و انسانیت و دین، مشت آهنین علیه شهروندان به کار افتد. اما چه سود که پرده‌ها یک به یک فرو افتاد و امواج بیداری و آگاهی، هر گوشه و کنار این سرزمین را درنوردید. سه سال پس از کودتا، و به‌دنبال آشکار شدن ناکارآمدی، فجایع و فضایح دستگاه اداره کننده کشور، حقانیت مواضع جنبش سبز بیش از پیش پرفروغ می‌درخشد.با نزدیک شدن به سومین سالروز میلاد این جنبش مدنی و خشونت پرهیز، فرصت را برای بازخوانی چند نکته، مغتنم می‌شماریم:

۱- پیدایش جنبش سبز، تبلور خواست مردم ایران برای تغییر روندهایی است که کشور را از فرایندهای تصمیم گیری عقلانی و مبتنی بر منافع بلندمدت ملی، دور می‌سازد. کارنامه سه ساله دولت کودتا حاکی از گسترش بی سابقه فقر، فساد و تبعیض است که حاصل نقض بدیهی‌ترین حقوق شهروندی، گرانی و تورم و بیکاری، بر باد دادن سرمایه و ثروت ملی، جنگ قدرت و دغدغه‌ی حفظ خود و حذف رقیب به جای حل مشکلات کشور است. رهبران جنبش سبز بارها و بارها نسبت به درافتادن کشور به چنین وضعی هشدار داده بودند؛ ازجمله، مهندس میرحسین موسوی تاکید می‌کند: «از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به‌سر میبرد و اکثریتی از جامعه، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد. دولتی با پشتوانه‌های ضعیف مردمی و اخلاقی که از او انتظاری جز بیتدبیری، قانونگریزی، عدم شفافیت، تخریب ساختارهای تصمیمگیری و تدوام سیاستهای ویرانگر اقتصادی نداریم، و بیم آن می‌رود که بر اثر ضعفهای بیشمار ذاتی و عارضیاش در ورطه امتیاز دادن به بیگانگان بیفتد.» (بیانیه شماره ۹)

۲- جنبش سبز، اهداف و آرمان‌های خود را در امتداد مطالبات یک‌صدساله‌ی اخیر مردم ایران زمین بازمی‌شناسد. استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت، حاکمیت ملی و حکومت قانون، از زمان شکل‌گیری نهضت

مشروطه خواهی، تا نهضت ملی شدن نفت، از قیام پانزده خرداد تا انقلاب اسلامی، و از حماسه دوم خرداد تا خیزش عمومی ۲۲ خرداد و تداوم آن در جنبش سبز، خواسته‌های ملی بوده و هست؛ مطالباتی که تقلیل و تعطیل پذیر نیستند. ایرانیان می‌دانند که بهروزی آنان در گرو تحقق این چشم‌اندازهاست. مردم آگاه و آزاده‌ی ایران نیک می‌دانند که بدون آزادی، عدالت دست نیافتنی است؛ بدون عدالت نمی‌توان پیشرفت کرد؛ بدون پیشرفت نمی‌توان به استقلال رسید؛ بدون حاکمیت قانون، هرج و مرج و خودکامگی چیره خواهد شد؛ و بدون رعایت لوازم حاکمیت ملی، اقتدارگرایان اراده خود را با سلاح و سرکوب و تهدید و دروغ، بر اکثریت تحمیل خواهند کرد. مردم اخلاق‌گرای ایران به نیکی می‌دانند که هیچ‌یک از پیامبران الهی مردم را به پذیرش خودکامگی و ظلم و فقر و بردگی فرانخوانده‌اند. مردم آگاه ایران می‌دانند که در زمانه‌ای که زندگی بهتر در گرو تحقق این آرمان‌هاست، ناچارند از میان تسلیم شدن در برابر انحطاط و سقوط کشور و تلاش برای تغییر و اصلاح امور یکی را انتخاب کنند؛ و حرکت سه ساله‌ی اخیر آنان نشان داد که با وجود همه‌ی تهدیدها و سختی‌ها دومی (تغییر وضع نامطلوب کنونی) را انتخاب کرده‌اند.

۳- «جنبش سبز» یک جنبش است و نه یک حزب. این بدان معناست که انتظار شکل‌گیری تشکیلات و سازماندهی هرمی که در اغلب احزاب به‌کار گرفته می‌شود، برای ساماندهی تشکیلاتی جنبش نابجاست. جنبش‌ها از سازماندهی‌های متناسب با شرایط خود بهره می‌برند. جنبش سعی در گسترش قاعده هرم و نزدیک ساختن آن به رأس دارد تا زمینه را برای حضور فعال همراهان و احترام به تکثر و تنوع هرچه بیشتر فراهم سازد. از همین روست که کمک به گسترش هسته‌های خودبنیاد همواره در دستور کار شورای هماهنگی راه سبز امید بوده است. آنچه این هسته‌ها را مانند دانه‌های تسبیح به یکدیگر متصل می‌کند و هویتی واحد می‌بخشد، اشتراکات حداقلی است که در منشور راه سبز امید (مورد تایید آقایان موسوی و کروبی) تبیین شده است. همین ظرفیت است که امکان فراگیری هرچه بیشتر جنبش و دربرگیری گسترده‌ترین طیف تنوع و تعدد را برای آن فراهم ساخته است. در همین راستا، شورای هماهنگی راه سبز امید کوشیده در شانزده ماهی که از فعالیت آن می‌گذرد، بطور فزاینده ای نمایندگان و رابطان گروه‌ها و تشکل‌ها و جریان‌های بیشتری را به همکاری و همفکری و همگامی دعوت کند.

۴- جنبش‌های اجتماعی، شیوه‌های گوناگونی را برای پیشبرد اهداف خود به کار گرفته می گیرند. این‌گونه، گاه مانند ۲۵ خرداد به نشانه‌ی اعتراض به کودتای انتخاباتی به خیابان می‌آیم، و گاه مانند ۱۲ اسفند به نشانه‌ی مهندسی انتخابات مجلس و بی شأن و منزلت شدن آرای مردم در خانه می‌مانیم. گاه با نمادهای سبزمان حضور و بروزمان را به یکدیگر یادآوری می‌کنیم، و گاه در اعتراض به سیطره‌ی روزافزون ارگان‌های نظامی-امنیتی، مصرف کالاها و خدمات آنها را تحریم می‌کنیم. گاه حلقه‌های کتابخوانی تشکیل می‌دهیم، و گاه با کمک به توزیع نسخه‌های تک برگی روزنامه‌های اینترنتی سبز به بسط آگاهی می‌پردازیم. راه سبز امید، شیوه زندگی است و نفس در راه بودن، پیروزی است.

۵- از همان روزهای نخست پیدایش، جنبش سبز بر مسالمت‌آمیز بودن مبارزه‌ی خود تأکید داشته و دارد. با وجود اذعان به وجود نواقص و معضلات در قانون اساسی، به تلاش برای بالفعل کردن ظرفیت‌های مردم‌سالارانه‌ی آن معتقدیم. همین اعتقاد است که همراهان جنبش سبز را از دو جریان متمایز می‌کند؛ نخست، کسانی که هنوز در اندیشه‌ی بازگرداندن قدرت موروثی مادام‌العمر غیرپاسخگو هستند، و گروه دیگر، آنانی که به اعمال خشونت تکیه می‌کنند و استفاده از هر وسیله ای را برای رسیدن به اهدافشان مجاز می‌دانند. به تجربه‌ی سرگذشت بشریت و تاریخ دور و نزدیک میهنمان دریافته‌ایم که خشونت، خشونت می‌آورد و بستر تحول تدریجی دارای دستاوردهای ماندگار را از میان می‌برد. افزون بر این، خشونت، ابزار دست اقتدارگرایی، خودکامگی و زورمداری است، و اینها همان چیزهایی است که به‌دنبال محو آنها از زندگی اجتماعی ایرانیان هستیم. برای دستیابی به اهداف‌مان، تنها از شیوه ها و روش‌ها و ابزاری که با آرمان‌های اخلاق مدارانه‌ی جنبش سبز سازگار باشد استفاده می‌کنیم. با صندوق رأی قهر نمی‌کنیم، اما چنان‌که در منشور جنبش نیز آمده، تا بازگرداندن هویت و کارآیی آن، و تا تحقق شرایط انتخابات آزاد و سالم و منصفانه و تعیین سرنوشت مردم به دست مردم، از تن در دادن به انتخابات نمایشی و فرمایشی و غیرآزاد سرباز می‌زنیم. درهای آشتی و گفت‌وگو را نمی‌بندیم، اما آن را نه به عنوان ابزاری برای تعامل غیرشفاف و تنزل از خواسته‌های مشروع و حقوق قانونی شهروندان، که به‌عنوان بستری برای تحقق مطالبات مردم شریف ایران ارزیابی می‌کنیم. برای آینده ایران، روزگاری عاری از انحصارطلبی و انتقام‌جویی در عرصه قدرت و بازگرداندن اقتدار به‌دست مردم آرزومندیم، و نیک می‌دانیم که صبر و امید و استقامت و پیگیری و تلاش مستمر، بزرگ‌ترین تضمین برای دستیابی به چنین فردایی است.

۶- همبستگی و همدلی، رمز موفقیت جنبش‌های مدنی است. باید یاد بگیریم که نقد به خود را برتابیم، و در عین حال نسبت به تلاش استبدادطلبان و دستگاه امنیتی- نظامی برای ایجاد تفرقه و اختلاف در میان همراهان جنبش سبز هوشیار بمانیم. شاید یادآوری مستمر یک نکته‌ی مهم به خودمان و دیگران مفید باشد که به جابجایی مرجعیت‌های اجتماعی در زمان ما مربوط می‌شود: این شهروندان آگاه و آزاده‌ی ایران نیستند که در هر مسیری که نخبگان و رهبران سیاسی نشان دهند حرکت خواهند کرد، بلکه برعکس، رهبران و نخبگان هستند که باید مراقب باشند از حرکت حق‌طلبانه‌ی مردم و خواست‌های مشروع و انسانی آنان، دور نیفتند.

۷-جنبش سبز، جنبشی اخلاق‌مدار است که به تعهد خود به موازین اخلاقی و بازگشت جامعه و حکومت به ارزش‌های اخلاقی نه به‌عنوان تاکتیک، که به‌مثابه‌ی استراتژی پایدار معتقد است. بسط عقلانیت جمعی اخلاق‌مدار در سراسر جامعه، راه را بر گسترش خرافه و دروغ و تقلب و خشونت خواهد بست. هر همراه جنبش سبز باید الگویی درخشان از پایبندی به موازین اخلاقی باشد. جنبش سبز، جنبش «دروغ ممنوع» است و همه‌ی مصیبت‌هایی را که جامعه‌ی ما امروزه بدان مبتلاست، ناشی از آلودگی به این ضدارزش خانمان برانداز (دروغ و تحریف حقیقت) می‌داند.

۸- «آگاهی، چشم اسفندیار خودکامگان است». تأثیر شگرف آگاهی‌بخشی را طی سه سال گذشته به عیان دیده‌ایم. مدت‌هاست حتی کسانی که گمان می‌کردند دولتمردان در راه خدمت به مردم گام برمی‌دارند فهمیده‌اند که عرصه سیاست‌ورزی مسئولان چنان به جنگ قدرت، فساد و دروغ‌پردازی آلوده است که امیدی به سامان بخشی اوضاع اسفبار مملکت از آنان نمی‌توان داشت. از همین‌رو، بار دیگر لزوم تشکیل و گسترش شبکه‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف فکری، هنری، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن را به‌منظور آگاهی‌بخشی و همدلی و همفکری، مورد تاکید قرار می‌دهیم.

۹-شهدای عزیز جنبش سبز، پیشقراولان راه سبز امید بوده و خواهند بود؛ و زندانیان غیور جنبش که با پایمردی در راهی که آگاهانه انتخاب کرده‌اند، زندان‌های استبداد را به سرچشمه جوشان حرکت و سمبل صبر و مقاومت تبدیل کرده‌اند، هیچگاه از یاد مردم آزاده‌ی ایران نرفته و نخواهند رفت. شورای هماهنگی راه سبز امید به نمایندگی از همراهان جنبش سبز، مراتب احترام و قدردانی خود نسبت به آنان و خانواده‌های گرامی ایشان تقدیم می‌نماید.

۱۰- بخش عظیمی از ایرانیان در نتیجه‌ی سیاست‌های نادرست و نسنجیده‌ی گردانندگان حکومت، روزهای سخت و تلخی را سپری می‌کنند. گرانی، کمر بیشتر شهروندان را خم کرده و موج بیکاری روزافزون، شالوده خانواده‌های نابرخوردار را تهدید می‌کند. سفره‌هایی که قرار بود با وعده‌ی فریبکارانه آوردن نفت بر سر آن رنگین‌تر گردد، روز به روز تهی‌تر می‌شود. نابسامانی در بخش درمان و سلامت، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، تنزل کیفیت مواد غذایی و مانند آن، زندگی روزمره‌ی شهروندان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان را مشقت‌بار نموده است. بودجه های سرگردان کشور به جای آن که صرف بهبود وضع مردم ایران شود، در داخل و خارج از کشور برای طرح‌هایی هزینه می‌شود که بیش از آن که سودی برای بهروزی ایران و ایرانیان داشته باشد، به استحکام پایه‌های لرزان قدرت اقتدارگرایان نظر دارد. این حق مردم ماست که نسبت به این وضعیت بحرانی نگران باشند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند. از همین‌رو از اقشار مختلف مردم در نقاط گوناگون کشور دعوت می کنیم در اعتراض به دشواری‌های روزافزونی که دولتمردان اقتدارگرا و ناکارآمد بر سر راه زندگی آزاد و توأم با کرامت ایرانیان پدید آورده‌اند، بین ساعت ۷ تا ۹ شامگاه پنجشنبه بیست و پنجم خرداد در اماکن عمومی و به‌ویژه پارک‌های اصلی شهرها تجمع اعتراضی سکوت برگزار کنند؛ باشد که حاکمان اقتدارگرا و بی کفایت به خود آیند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۰ دوشنبه ۲۲خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: یک جوان که شاهد انبوه مشکلات اقتصادی و فرهنگی و حضور گسترده‌ی دروغ در همه‌ی صحنه‌هاست، چگونه باور کند حفظ نظام در حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و منافع ملی، و نه بر حفظ افراد بر مسند قدرت به هر قیمت، استوار است؟

حفظ کدام نظام واجب است؟

خبر ویژه

آیت الله العظمی حسین وحید خراسانی، از مراجع تقلید قم، ضمن انتقاد از قدرت طلبی ها به نام دین اظهار کرد: حفظ نظام وقتی واجب است که دائر مدار نهج البلاغه باشد و وسیله ای برای حفظ دین، نه وسیله ای برای حفظ قدرت. این مرجع تقلید در اظهار نظری صریح درباره نقل قولی که رسانه‌های وابسته به حاکمیت از وی درباره «واجب بودن حفظ نظام» نقل کرده بودند، حفظ نظام را نه واجب عینی و مطلق، بلکه «واجب مشروط» دانسته و گفته است: «بنده حفظ نظام را واجب می دانم، اما واجب مشروط. نظامی که دائر مدار نهج البلاغه باشد. نظامی که منطبق بر احکام اسلامی باشد.»

آیت الله وحید خراسانی همچنین تصریح کرده است: «نظام باید وسیله ای باشد برای حفظ دین و نه من. تا اگر ده سال بعد، صد سال بعد، دویست سال بعد انشاءالله حضرت ظهور کنند، دین در جامعه حفظ شده باشد. نه اینکه نظام وسیله ای باشد برای حفظ من و قدرت» آیت الله وحید خراساتی از جمله مراجع تقلید سرشناس قم که در زمان سفر رهبری به قم، به دیدار ایشان نرفت، پیش از این بارها از سیاست های جریان حاکم انتقاد کرده است.

ایشان در سال ۸۹ دو بار به صراحت از اقرارگیری ها و نیز عادی شدن حبس و زندان به نام اسلام و فقه شیعی انتقاد کرد. در دی ماه در درس خارج فقه خود در اظهاراتی که تعریضی آشکار به دادگاههای نمایشی سال ۸۸ تلقی شد، اقرار در حبس و اقرار با تهدید را بی اعتبار دانست و گفت: اگر قاضی صرفا به استناد آن قضاوت کند و حکمی دهد، آن قاضی از اهلیت و صلاحیت قضاوت ساقط می شود. چندی بعد اما گروهی از طلاب حامی مصباح یزدی به سرکردگی قاسم روانبخش، به اشغال محل درس ایشان پرداختند. با این حال، این مرجع تقلید یک هفته بعد بار دیگر بر دیدگاه قبلی خود تاکید کرد و از عادی شدن حبس و زندان انتقاد کرد. یک ماه پس از آن، و در فروردین ۱۳۹۰ نیز، وقتی گروهی از اعضای جامعه مدرسین به دیدار این مرجع تقلید رفتند تا خواستار تعدیل اظهارات ایشان شوند، آیت‌الله وحید بار دیگر و با بیانی صریح تر از مواضع پیشین خود دفاع کرد و با تصریح به اینکه انتقاداتش از برخی عملکردها، با اندیشه‌ی قبلی بوده، با اعتقاد بیان شده، از باب حق‌گویی و حق‌طلبی بوده؛ بر ادامه داشتن این مواضع تاکید کرد. پس از استقبال گسترده در پی ناکام ماندن تبلیغات علیه این مرجع تقلید منتقد، برخی اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نسبت به احتمال گسترش انتقادات ایشان و دیگر مراجع ابراز نگرانی می‌کنند و از این رو آیت‌الله محمد مؤمن را به همراه گروهی از اعضای این تشکل رسمی حوزه، به دیدار آیت‌الله‌العظمی وحید می‌فرستند تا با ایشان برای تغییر یا تعدیل نظرشان گفت‌وگو کنند. در این جلسه اعضای جامعه مدرسین از آیت‌الله‌العظمی وحید می‌پرسند: با توجه به فرمایشات پیشین جنابعالی که احترام و حفظ نظام را مورد تاکید قرار داده بودید، چگونه این انتقادات را مطرح ساخته‌اید، چرا که تقریبا این انتقادات متوجه رهبری است. آنها همچنین از این مرجع تقلید منتقد می‌خواهند اظهارات خود را در همان جلسه‌ی درس، تصحیح یا تعدیل کند. اما آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در پاسخ، تاکید می‌کند: تمام چیزهایی که من گفته‌ام، اندیشیده بوده، فکر کردم و با اعتقاد بیان داشته‌ام و برگشتی هم وجود ندارد و به امواج سیاسی هم ربطی ندارد و فقط از باب حق‌گویی و حق‌طلبی بوده است. این مرجع تقلید در عین حال تصریح می‌کند: حرف‌های بسیار اساسی‌تری دارم که در آینده به تدریج مطرح خواهم کرد، و ممکن است نظرات من به هرکس که شما فکر می‌کنید هم بر بخورد. آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی همچنین در پاسخ به سخنان حجت‌اسلام کعبی از اعضای جامعه مدرسین که ظاهرا متضمن برخی هتاکی‌ها نیز بوده، می‌پرسد: اشخاص مهم‌ترند یا اسلام؟ بنیانگذار جمهوری اسلامی الان کجا هستند؟ آقای خامنه‌ای و من تا کی خواهیم ماند؟

بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سومین سالگرد تولد جنبش سبز

ارمغان سه سال دیکتاتوری؛ فساد، گرانی و بیکاری

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در سومین سالگرد تولد جنبش سبز با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد: مادام که جنبش سبز به اصول و مبانی خود، که برآمده از مطالبات واقعی و تجارب ارزشمند تاریخ معاصر ملت بزرگ ایران است، پایبندی دارد، افق آینده روشن و امید بخش و پیروزی اش حتمی است.

این بیانیه تاکید دارد: به رغم فضا و جو ارعاب و سرکوب، انحلال احزاب و نهادهای مدنی و صنفی و توقیف مطبوعات و حبس و بازداشت و تهدید شهروندان معترض و محروم ساختن ایشان از بدیهی ترین حقوق شهروندی، جنبش سبز در سطح وسیع تری از لایه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی نفوذ و گسترش یافته است.

جنبش سبز به عنوان جنبشی مدنی و خشونت پرهیز، متکی به تجربیات ارزشمند مبارزات تاریخ معاصر ملت ایران، ملتزم به استقلال و تمامیت ارضی، مخالف هرگونه دخالت خارجی، اجرای بی‌تنازل قانون اساسی و به طور مشخص اجرای اصول معطل مانده ناظر به حقوق ملت را به عنوان هدفی حداقلی در دستور کارخود قرار داده است. استراتژی مرحله‌ای جنبش سبز برای دستیابی به این هدف به تصریح رهبران آن آگاهی بخشی، مقاومت مدنی برپایه نفی خشونت، مقابله با گفتمان زور و سلطه و غلبه و مبارزه با جهل و فریبی است که حاکمیت استبداد قصد بقا و دوام آن را در جامعه دارد. در این بیانیه می خوانیم: امروز با گذشت سه سال از کودتای انتخاباتی، شاهد تحقق هشدارهای رهبران جنبش سبز هستیم. در این مدت یکی از آلوده‌ترین حاکمیت‌ها را تجربه کرده‌ایم. حاکمیتی که ارمغانش برای ملت برسرکار آوردن قانون شکن‌ترین و فاسدترین دولت در تاریخ معاصر ایران بوده است. دولتی که مدتی است جریان انحرافی لقب گرفته و به تعبیر سینه چاکان سابقش خطرناک‌تر از «فتنه» شده است. سازمان مجاهدین انقلاب همچنین تصریح کرده است: دولتی که روزی دولتی بی‌نظیر در تاریخ معاصر و معجزه هزاره سوم خوانده می شد، امروز تحمل آن به مهم‌ترین مشکل و معضل کشور تبدیل شده است.

فساد گسترده و شایع در میان باندهای قدرت حاکم، عجز و زبونی حاکمیت مطلقه را در برخورد با مفسدان در منظر همگان به نمایش گذاشته است. اعترافات تکان‌دهنده متهمان اختلاس سه هزار میلیاردی در باره فساد و آلودگی مقامات کشور یکی از این صحنه‌های نمایش تأسف‌بار است. افزایش نگران کننده تورم، گرانی، بیکاری، چک‌های برگشتی، اعتیاد، ناهنجاری‌های اجتماعی، اعتیاد، طلاق، بیماری‌های روانی از یک سو و گسترش قانون شکنی و قانون‌گریزی در عرصه‌های مختلف، نقض حقوق شهروندی، سرکوب خشونت‌بار منتقدان وسانسور و توقیف مطبوعات و تعطیل نهادهای مدنی، صنفی و احزاب سیاسی و به بندکشیدن بهترین فرزندان ملت، کاهش شدید ضریب وحدت و انسجام ملی و گسترش خشم و نارضایتی در میان اقوام ایرانی، تنها بخشی از ارمغان قدرت مطلقه نظارت‌ناپذیر برای این ملت بوده است.

جنتی و حداد به خاطر تقلب در انتخابات عذرخواهی کنند

مصطفی تاجزاده در آخرین پیام خود از زندان خطاب به مردم گفته است:

اصرار من بر محاکمه جنتی و پیگیری موضوع ورود آقای حدادعادل به مجلس ششم بر اثر دستکاری در آراء مردم و ابطال هفتصد هزار رأی شهروندان تهرانی، به هیچ وجه کینه شخصی نیست. بلکه صرفا به خاطر این است که من در آن انتخابات سرپرست ستاد انتخابات کشور و امین آرای مردم بودم.

رئیس ستاد انتخابات کشور در دولت اصلاحات تصریح کرد: جنتی تقلب کرد و حدادعادل را که رأی نیاورده بود به جای کاندیدایی که مردم تهران به او رأی داده بودند و پس از انتخابات به زندان افکنده شده است، یعنی دکتر علیرضا رجایی، به مجلس فرستاد. و من با این که اکنون پستی ندارم اما هم چنان مسئولیتم باقی است و خود را موظف می دانم که این دو را وادار به عذرخواهی رسمی از مردم کنم. وی افزود: اهمیت این مسئله به عنوان وظیفه ملی برای من به حدی است که حتی اگر آقای جنتی به دیار باقی برود که در محکمه عدل الهی مجبور به جواب گویی در مورد این بی عدالتی و عدم رعایت حق الناس باشد، من تا روزی که زنده ام با پیگیری هایم تن او را در گور خواهم لرزاند تا آن که بازماندگانش مجبور به عذرخواهی از مردم و حلالیت طلبیدن از آن ها شوند.

معاون احمدی نژاد وضع اقتصادی مردم را خوب می بیند

خبر ویژه

با وجود تشدید گرانی ها و گسترش فقر در خانوارهای ایرانی، معاون اول احمدی نژاد که وضع اقتصادی کشور را خوب می بیند، ادعا کرده که «وضع مردم هم خوب است اما مشکل هم داریم ولی باید دانست که امرار معاش آسان نیست و نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.» محمدرضا رحیمی متهم اختلاس بیمه ایران و رییس حلقه فاطمی در حالی از وضع خوب مردم سخن می گوید که به استناد آمار دولتی هر روز به تعداد افرادی که زیر خط فقر می روند افزوده می شود.

زندانیان سیاسی

* عرفان محمدی و مجتبی کریمی، دو دانشجوی اصفهانی، در بیستمین روز بازداشت همچنان بلاتکلیف‌اند.
* دادگاه انقلاب تبریز، پنج تن از فعالان سیاسی و مدنی آذربایجانی را به یک سال حبس محکوم کرد.
* جمعی از هنرمندان غیر ایرانی با انتشار پیام های تصویری، از آریا آرام نژاد حمایت کردند.
* جمعی از فعالان مدنی خواستار رسیدگی به وضعیت کبودوند، نرگس محمدی و حسین رونقی شدند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۰ دوشنبه ۲۲خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: یک جوان که شاهد انبوه مشکلات اقتصادی و فرهنگی و حضور گسترده‌ی دروغ در همه‌ی صحنه‌هاست، چگونه باور کند حفظ نظام در حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و منافع ملی، و نه بر حفظ افراد بر مسند قدرت به هر قیمت، استوار است؟

حفظ کدام نظام واجب است؟

خبر ویژه

آیت الله العظمی حسین وحید خراسانی، از مراجع تقلید قم، ضمن انتقاد از قدرت طلبی ها به نام دین اظهار کرد: حفظ نظام وقتی واجب است که دائر مدار نهج البلاغه باشد و وسیله ای برای حفظ دین، نه وسیله ای برای حفظ قدرت. این مرجع تقلید در اظهار نظری صریح درباره نقل قولی که رسانه‌های وابسته به حاکمیت از وی درباره «واجب بودن حفظ نظام» نقل کرده بودند، حفظ نظام را نه واجب عینی و مطلق، بلکه «واجب مشروط» دانسته و گفته است: «بنده حفظ نظام را واجب می دانم، اما واجب مشروط. نظامی که دائر مدار نهج البلاغه باشد. نظامی که منطبق بر احکام اسلامی باشد.»

آیت الله وحید خراسانی همچنین تصریح کرده است: «نظام باید وسیله ای باشد برای حفظ دین و نه من. تا اگر ده سال بعد، صد سال بعد، دویست سال بعد انشاءالله حضرت ظهور کنند، دین در جامعه حفظ شده باشد. نه اینکه نظام وسیله ای باشد برای حفظ من و قدرت» آیت الله وحید خراساتی از جمله مراجع تقلید سرشناس قم که در زمان سفر رهبری به قم، به دیدار ایشان نرفت، پیش از این بارها از سیاست های جریان حاکم انتقاد کرده است.

ایشان در سال ۸۹ دو بار به صراحت از اقرارگیری ها و نیز عادی شدن حبس و زندان به نام اسلام و فقه شیعی انتقاد کرد. در دی ماه در درس خارج فقه خود در اظهاراتی که تعریضی آشکار به دادگاههای نمایشی سال ۸۸ تلقی شد، اقرار در حبس و اقرار با تهدید را بی اعتبار دانست و گفت: اگر قاضی صرفا به استناد آن قضاوت کند و حکمی دهد، آن قاضی از اهلیت و صلاحیت قضاوت ساقط می شود. چندی بعد اما گروهی از طلاب حامی مصباح یزدی به سرکردگی قاسم روانبخش، به اشغال محل درس ایشان پرداختند. با این حال، این مرجع تقلید یک هفته بعد بار دیگر بر دیدگاه قبلی خود تاکید کرد و از عادی شدن حبس و زندان انتقاد کرد. یک ماه پس از آن، و در فروردین ۱۳۹۰ نیز، وقتی گروهی از اعضای جامعه مدرسین به دیدار این مرجع تقلید رفتند تا خواستار تعدیل اظهارات ایشان شوند، آیت‌الله وحید بار دیگر و با بیانی صریح تر از مواضع پیشین خود دفاع کرد و با تصریح به اینکه انتقاداتش از برخی عملکردها، با اندیشه‌ی قبلی بوده، با اعتقاد بیان شده، از باب حق‌گویی و حق‌طلبی بوده؛ بر ادامه داشتن این مواضع تاکید کرد. پس از استقبال گسترده در پی ناکام ماندن تبلیغات علیه این مرجع تقلید منتقد، برخی اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نسبت به احتمال گسترش انتقادات ایشان و دیگر مراجع ابراز نگرانی می‌کنند و از این رو آیت‌الله محمد مؤمن را به همراه گروهی از اعضای این تشکل رسمی حوزه، به دیدار آیت‌الله‌العظمی وحید می‌فرستند تا با ایشان برای تغییر یا تعدیل نظرشان گفت‌وگو کنند. در این جلسه اعضای جامعه مدرسین از آیت‌الله‌العظمی وحید می‌پرسند: با توجه به فرمایشات پیشین جنابعالی که احترام و حفظ نظام را مورد تاکید قرار داده بودید، چگونه این انتقادات را مطرح ساخته‌اید، چرا که تقریبا این انتقادات متوجه رهبری است. آنها همچنین از این مرجع تقلید منتقد می‌خواهند اظهارات خود را در همان جلسه‌ی درس، تصحیح یا تعدیل کند. اما آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در پاسخ، تاکید می‌کند: تمام چیزهایی که من گفته‌ام، اندیشیده بوده، فکر کردم و با اعتقاد بیان داشته‌ام و برگشتی هم وجود ندارد و به امواج سیاسی هم ربطی ندارد و فقط از باب حق‌گویی و حق‌طلبی بوده است. این مرجع تقلید در عین حال تصریح می‌کند: حرف‌های بسیار اساسی‌تری دارم که در آینده به تدریج مطرح خواهم کرد، و ممکن است نظرات من به هرکس که شما فکر می‌کنید هم بر بخورد. آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی همچنین در پاسخ به سخنان حجت‌اسلام کعبی از اعضای جامعه مدرسین که ظاهرا متضمن برخی هتاکی‌ها نیز بوده، می‌پرسد: اشخاص مهم‌ترند یا اسلام؟ بنیانگذار جمهوری اسلامی الان کجا هستند؟ آقای خامنه‌ای و من تا کی خواهیم ماند؟

بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سومین سالگرد تولد جنبش سبز

ارمغان سه سال دیکتاتوری؛ فساد، گرانی و بیکاری

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در سومین سالگرد تولد جنبش سبز با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد: مادام که جنبش سبز به اصول و مبانی خود، که برآمده از مطالبات واقعی و تجارب ارزشمند تاریخ معاصر ملت بزرگ ایران است، پایبندی دارد، افق آینده روشن و امید بخش و پیروزی اش حتمی است.

این بیانیه تاکید دارد: به رغم فضا و جو ارعاب و سرکوب، انحلال احزاب و نهادهای مدنی و صنفی و توقیف مطبوعات و حبس و بازداشت و تهدید شهروندان معترض و محروم ساختن ایشان از بدیهی ترین حقوق شهروندی، جنبش سبز در سطح وسیع تری از لایه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی نفوذ و گسترش یافته است.

جنبش سبز به عنوان جنبشی مدنی و خشونت پرهیز، متکی به تجربیات ارزشمند مبارزات تاریخ معاصر ملت ایران، ملتزم به استقلال و تمامیت ارضی، مخالف هرگونه دخالت خارجی، اجرای بی‌تنازل قانون اساسی و به طور مشخص اجرای اصول معطل مانده ناظر به حقوق ملت را به عنوان هدفی حداقلی در دستور کارخود قرار داده است. استراتژی مرحله‌ای جنبش سبز برای دستیابی به این هدف به تصریح رهبران آن آگاهی بخشی، مقاومت مدنی برپایه نفی خشونت، مقابله با گفتمان زور و سلطه و غلبه و مبارزه با جهل و فریبی است که حاکمیت استبداد قصد بقا و دوام آن را در جامعه دارد. در این بیانیه می خوانیم: امروز با گذشت سه سال از کودتای انتخاباتی، شاهد تحقق هشدارهای رهبران جنبش سبز هستیم. در این مدت یکی از آلوده‌ترین حاکمیت‌ها را تجربه کرده‌ایم. حاکمیتی که ارمغانش برای ملت برسرکار آوردن قانون شکن‌ترین و فاسدترین دولت در تاریخ معاصر ایران بوده است. دولتی که مدتی است جریان انحرافی لقب گرفته و به تعبیر سینه چاکان سابقش خطرناک‌تر از «فتنه» شده است. سازمان مجاهدین انقلاب همچنین تصریح کرده است: دولتی که روزی دولتی بی‌نظیر در تاریخ معاصر و معجزه هزاره سوم خوانده می شد، امروز تحمل آن به مهم‌ترین مشکل و معضل کشور تبدیل شده است.

فساد گسترده و شایع در میان باندهای قدرت حاکم، عجز و زبونی حاکمیت مطلقه را در برخورد با مفسدان در منظر همگان به نمایش گذاشته است. اعترافات تکان‌دهنده متهمان اختلاس سه هزار میلیاردی در باره فساد و آلودگی مقامات کشور یکی از این صحنه‌های نمایش تأسف‌بار است. افزایش نگران کننده تورم، گرانی، بیکاری، چک‌های برگشتی، اعتیاد، ناهنجاری‌های اجتماعی، اعتیاد، طلاق، بیماری‌های روانی از یک سو و گسترش قانون شکنی و قانون‌گریزی در عرصه‌های مختلف، نقض حقوق شهروندی، سرکوب خشونت‌بار منتقدان وسانسور و توقیف مطبوعات و تعطیل نهادهای مدنی، صنفی و احزاب سیاسی و به بندکشیدن بهترین فرزندان ملت، کاهش شدید ضریب وحدت و انسجام ملی و گسترش خشم و نارضایتی در میان اقوام ایرانی، تنها بخشی از ارمغان قدرت مطلقه نظارت‌ناپذیر برای این ملت بوده است.

جنتی و حداد به خاطر تقلب در انتخابات عذرخواهی کنند

مصطفی تاجزاده در آخرین پیام خود از زندان خطاب به مردم گفته است:

اصرار من بر محاکمه جنتی و پیگیری موضوع ورود آقای حدادعادل به مجلس ششم بر اثر دستکاری در آراء مردم و ابطال هفتصد هزار رأی شهروندان تهرانی، به هیچ وجه کینه شخصی نیست. بلکه صرفا به خاطر این است که من در آن انتخابات سرپرست ستاد انتخابات کشور و امین آرای مردم بودم.

رئیس ستاد انتخابات کشور در دولت اصلاحات تصریح کرد: جنتی تقلب کرد و حدادعادل را که رأی نیاورده بود به جای کاندیدایی که مردم تهران به او رأی داده بودند و پس از انتخابات به زندان افکنده شده است، یعنی دکتر علیرضا رجایی، به مجلس فرستاد. و من با این که اکنون پستی ندارم اما هم چنان مسئولیتم باقی است و خود را موظف می دانم که این دو را وادار به عذرخواهی رسمی از مردم کنم. وی افزود: اهمیت این مسئله به عنوان وظیفه ملی برای من به حدی است که حتی اگر آقای جنتی به دیار باقی برود که در محکمه عدل الهی مجبور به جواب گویی در مورد این بی عدالتی و عدم رعایت حق الناس باشد، من تا روزی که زنده ام با پیگیری هایم تن او را در گور خواهم لرزاند تا آن که بازماندگانش مجبور به عذرخواهی از مردم و حلالیت طلبیدن از آن ها شوند.

معاون احمدی نژاد وضع اقتصادی مردم را خوب می بیند

خبر ویژه

با وجود تشدید گرانی ها و گسترش فقر در خانوارهای ایرانی، معاون اول احمدی نژاد که وضع اقتصادی کشور را خوب می بیند، ادعا کرده که «وضع مردم هم خوب است اما مشکل هم داریم ولی باید دانست که امرار معاش آسان نیست و نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.» محمدرضا رحیمی متهم اختلاس بیمه ایران و رییس حلقه فاطمی در حالی از وضع خوب مردم سخن می گوید که به استناد آمار دولتی هر روز به تعداد افرادی که زیر خط فقر می روند افزوده می شود.

زندانیان سیاسی

* عرفان محمدی و مجتبی کریمی، دو دانشجوی اصفهانی، در بیستمین روز بازداشت همچنان بلاتکلیف‌اند.
* دادگاه انقلاب تبریز، پنج تن از فعالان سیاسی و مدنی آذربایجانی را به یک سال حبس محکوم کرد.
* جمعی از هنرمندان غیر ایرانی با انتشار پیام های تصویری، از آریا آرام نژاد حمایت کردند.
* جمعی از فعالان مدنی خواستار رسیدگی به وضعیت کبودوند، نرگس محمدی و حسین رونقی شدند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۱ سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: چگونه است که محاکم قضایی از آمران و عاملان جنایت های کهریزک و کوی دانشگاه و روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد و عاشورای حسینی می گذرند و پرونده های فسادهای بزرگ را باز نشده می بندند.

گناه موسوی و کروبی ، پیگیری حقوق مردم

گفتار

عبدالله نوری طی سخنانی به حکومت هشدار داد که نگاه سخت گیرانه امنیتی به فعالیتهای مسالمت آمیز و قانونی و بی توجهی به مطالبات مردم به زیان مسوولان تمام شده و خواهد شد.

او نمونه بارز این رفتار را حصر و حبس غیرقانونی موسوی و کروبی رهبران جنبش سبز تنها به دلیل حق طلبی در مسیر قانون اساسی دانست که تا آخرین لحظه بر این نکته تأکید کردند که تنها خواهان اجرای قانون اساسی و رعایت حقوق و آزادی های به رسمیت شناخته شده برای مردم در قانون اساسی و سایر قوانین کشور هستند.

نوری با انتقاد از سیاستهای انقباضی و فضای امنیتی ایجاد شده و حبس فعالان سیاسی افزود: چطور این افراد که خوشنام، خوش سابقه و مقیّد به قانون هستند به اقدام علیه امنیت ملی متهم می شوند.

او با اشاره به رویدادهای سه سال گذشته گفت: رفتار جریان حاکم با منتقدان غیرقابل پیش بینی است و حتی در این مورد خطوط قرمزش هم مشخص نیست. البته شاید این گونه رفتارها از تعدد، رقابت و اختلاف نظر نهادهای امنیتی نیز نشأت بگیرد. به همین دلیل گاهی مشاهده می شود برخوردهایی تند با نیروهای معتدل می شود و این روش حاصل نگاه امنیتی به هر نوع فعالیت سیاسی است.

وی افزود: هنوز برای ما روشن نیست که چرا بلافاصله پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ تعداد زیادی از فعالان سیاسی، دانشگاهی و مطبوعاتی و چهره های شاخص احزاب و گروه های اصلاح طلب با روش هایی عجیب و با ایجاد فضای ارعاب و برخوردهای امنیتی دستگیر شدند و با گذشت سه سال همچنان در زندان بسر می برند. این عزیزان تا روز ۲۲ خرداد در مسیر تعیین شده توسط قانون اساسی جهت تقویت فضای انتخابات و حضور پر شور مردم در تلاش بودند و در ستاد های انتخاباتی آقایان کروبی و میرحسین موسوی به عنوان نامزدهای اصلاح طلب و مورد تایید نظام مشغول فعالیت بودند. تا جایی که آقایان موسوی و کروبی که از چهره های شاخص و مؤثر جمهوری اسلامی بوده اند در حصر و محرومیت قرار می گیرند. بررسی و تحلیل این و اتفاقات نشان می دهد که فعال سیاسی اصلاح طلب و منتقد نمی داند که ممکن است فعالیت او حتی جهت پرشور شدن انتخابات هم، خط قرمز نظام باشد.

او ضمن تاکید بر همپوشانی جنبش سبز و جریان اصلاحات، تکیه بر راهبرد اصلاح طلبی، عمل در چارچوب قانون اساسی و پیگیری جدی و مؤثر حقوق و آزادیهای قانونی مردم و نیز نفی هرگونه افراط گری و خشونت را از جمله این هم پوشانی ها دانست.

نوری، خواهان بازسازی، انسجام و تبیین برنامه و نیز تجدید قوای جناح اصلاح طلب و جنبش سبز مطابق با شرایط امروز جامعه ایران شد و ضمن تاکید بر لزوم مرزبندی جنبش سبز و جریان اصلاحات با نیروهای برانداز و خشونت طلب گفت: شکافتن معنای اجرای بدون تنازل قانون اساسی می تواند یکی از مهم‌ترین ابعاد برنامه اصلاحات در شرایط فعلی باشد.

سوریه هر دقیقه یک خمپاره

ذره بین

در بخش قدیمی شهر حمص تقریبا هر دقیقه یک گلوله خمپاره فرود می آید.

گروه ناظران سازمان ملل که دو روز است برای گرفتن اجازه ورود به بخش قدیمی حمص تلاش می کنند، هنوز موفق به این کار نشده اند. کوفی عنان، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه در مورد شدت گرفتن درگیری‌ها میان نیروهای دولتی سوریه و مخالفان ابراز نگرانی عمیق کرده است.گفته می شود ارتش از هواپیماهای بدون سرنشین برای شناسایی ساختمان هایی که مخالفان در آن سنگر گرفته اند استفاده می کند تا آن ساختمان ها را هدف بگیرد.

اعتراف به رشوه خواری میلیاردی معاون اول احمدی نژاد

دیروز یکی از تلخ ترین روزها برای حاکمیت یکدست مدعی اصولگرایی بود. نه فقط افشای رشوه گیری میلیاردی معاون اول احمدی نژاد و مشخص شدن اینکه عمق فساد تا تخصصی ترین نهادهای نظارتی نظام نیز امتداد یافته، بلکه فاش شدن اینکه بخش قابل توجهی از مبالغ حاصل از این رشوه ها و اختلاس های اخیر برای فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی مدعیان اصول خرج می شده؛ واقعیتی است که اگر در هر کشور نسبتا آزاد و دموکراتیکی رخ می داد، کمترین نتیجه آن سقوط دولت و متحدانش در حاکمیت بود.

این فساد بزرگ اقتصادی – سیاسی در حالی فاش شد که در هفته های اخیر، گرفتاری های بی پایان مردم با گرانی های مهار نشده اخیر، به وضعیتی غیر قابل تحمل تر از قبل رسیده و خبر له شدن مردم زیر بار گرانی آنقدر گسترده شده که حتی صدای سابق حامیان دولت و نزدیکان رهبری را نیز درآورده و تنها معدود افرادی همچون رحیمی معاون اول احمدی نژاد هنوز اینقدر بی شرم هستند که ادعا کنند وضع اقتصادی مردم خوب است.

اما به روال ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی که رهبری فرمان داد آن را «کش ندهند» این بار هم با دخالت رهبری و برغم همه اسناد و حقایق افشا شده، نه فقط محمدرضا رحیمی از پیگرد معاف مانده است.بلکه دو چهره بلندپایه دیگر دولتی، مرتضی تمدن و کامران دانشجو رئیس سابق ستاد انتخابات کشور نیز در این پرونده متهم به فساد شده اند، اما هنوز هیچ یک در دادگاه حاضر نشده اند. این برخورد دوگانه قضایی در حالی همچنان ادامه دارد که که رئیس قوه قضاییه هفته قبل مدعی شده بود نظام از پرونده فساد اخیر سربلند بیرون آمده! و با همه متخلفان هم برخورد کرده است.

با این حال رئیس دولت مورد حمایت رهبری، با بی شرمی خاص خود از انتشار مطالب دروغ و تهمت علیه دولت و تخلفات میلیاردی و مفاسد مالی آن انتقاد کرده، آنها را اتهاماتی بدون سند نامیده که «کنتور ندارد» و مدعیان را خطاب قرار داده که «اگر جرات دارند بروند سراغ همان هایی که اصل کاری هستند.»

احمدی نژاد در حالی افشای فساد نزدیکان خود را «دروغ و تهمت» خوانده که وقتی خود او به اشاره از اسکله‌های «برادران قاچاقچی» صحبت کرد تا سپاه و حامیانش کمی از حملات خود به «جریان انحرافی» حاکم بر دولت عقب‌نشینی کنند، فریاد بسیاری از نزدیکان رهبری و سرداران سپاه به هوا برخاست که چرا رئیس دولت علیه سپاه «دروغ پراکنی» می‌کند. گویی هر دو باند شریک در حاکمیت، فراموش کرده که روزی از همین روزها در سه سال قبل، رهبری به موسوی تاخته بود که چرا «رئیس جمهور را به دروغگویی متهم» کرده است.

اکنون در حالیکه خاطره دستور رهبری به مسئولان نظام مبنی بر اینکه ماجرای اختلاس بزرگ را «کش» ندهند، هنوز در اذهان باقی است و این نگرانی هست که باز رهبری جلوی افشای ابعاد فساد موجود و گسترش این پرونده به همه متهمان را بگیرد، نکات جدیدی در دادگاه تخلفات بیمه تهران مطرح شده که نقش پول های دزدی را در تامین مالی فعالیت‌های انتخاباتی جناح مدعی اصول را برملا می‌سازد. در حالیکه پیش تر در دادگاه اختلاس گروه آریا نقش مسئولان بلندپایه دولتی در مفاسد مالی فاش شده و نام اسفندیار رحیم مشایی به عنوان یکی از افراد دخیل در پرونده مطرح شده بود، در جلسه اخیر دادگاه اختلاس بیمه ایران، متهم اصلی پرونده اعلام کرد ۱۵ میلیارد ریال به رحیمی معاون اول احمدی نژاد رشوه داده است.

این فرد اعتراف کرده رحیمی از اینکه او اسناد رشوه گیری اش را به قوه قضاییه رسانده، عصبانی شده و با احضار او از وی خواسته چند چک سفید به اسم بعضی مقامات از جمله اسفندیار رحیم مشایی امضا کند.

«د.س» از سوء استفاده او و نزدیکانش از نفوذ در دستگاه قضایی و «پرونده سازی و تهدید به زندان با هدف اخاذی» از وی نیز پرده برداشته تا جایی که او حتی مجبور شده خانه اش را نیز به نام آنها سند بزند.

اما نزدیکان رحیمی برای اینکه از این اتهام سنگین فرار کنند از خرج شدن پول حاصل از اختلاس در فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی جناح مدعی اصولگرایی پرده برداشته است.

با این حال سایت روزنامه دولتی ایران در واکنش به انتشار اتهامات جدید علیه معاون اول احمدی نژاد، مدعی شده پول هایی که جابر ابدالی از محمدرضا رحیمی گرفته، به نیابت از محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس بوده است!

جالب آنکه در گزارش ایران، فاش شده ابدالی حتی در اتاق رحیمی شنود کار گذاشته بود؛ خبری که نشان می دهد پیوند خطرناک قدرت و ثروت تا چه حد می تواند به فساد و جرم های باورنکردنی منجر شود.

در همین حال پرویز سروری نماینده مجلس هشتم فاش کرده رحیمی ۹۰۰ میلیون تومان به نمایندگان مجلس هفتم و هشتم پول داده تا در تبلیغات انتخاباتی هزینه کنند؛ پولی که به عنوان «کمک افراد خیر به مساجد» پرداخت می شده تا در کارهای سیاسی هزینه شود.

این رسوایی به حدی گسترده شد که رسایی نماینده حامی احمدی نژاد نیز اذعان کرد رحیمی به او هم پیشنهاد پرداخت پول داده و می خواسته در انتخابات مجلس هشتم به وی کمک کند!رسوایی های پیاپی اقتصادی و سیاسی در حالی فاش می شود که نه دستگاه های نظارتی و قضایی از استقلال کافی برای تعقیب این مفاسد گسترده برخوردارند و نه رسانه های مستقلی باقی ماندند تا به پیگیری تخلفات مسئولان رده بالای حکومتی بپردازند.

بیانیه زندانیان سیاسی در سالگرد ۲۲ خرداد

جمعی از زندانیان سیاسی پس از انتخابات سال ۸۸ در زندان اوین و رجایی شهر و چند زندان دیگر در شهرهای کشور به مناسبت سالگرد ۲۲ خرداد، در بیانیه ای خطاب به حاکمان این سوال را مطرح کردند» آیا وقت آن نرسیده که از این بیراهه بن بست بازگردید در حالیکه می بینند مردم واقعیت دارند و می دانید که مردم می مانند و شما نمی مانید.»

آنها خطاب به مردم نیز آورده اند: حضور به موقع شما در عرصه اعتراضات مدنی به ویژه ۲۵ خرداد آنان را به مقابله با جنبش مردم کشاند و آنان به خیال خام خود گمان می کردند می توانند با سرکوب معترضان و به بند کشیدن آنان ریشه تنومند اراده آزادی خواهانه را در سرزمین ما بخشکانند. اگر چه اعمال خشونت و کشتار مردم بی گناه و جوانان پاک باخته ای چون ندا آقا سلطان و سهراب اعرابی داغ های بزرگی بر سینه های ما گذاشته است اما تداوم مبارزات مردم، امید به ثمر نشستن خون شهیدان را همواره در دل ها زنده نگه می دارد.

زندانیان سیاسی

* دهها زندانی بند ۳۵۰ اوین در سالروز کودتای انتخابات ۸۸ در حرکتی اعتراضی از ملاقات خودداری کردند.
* سید حسین رونقی ملکی ظهر روز گذشته به اعتصاب خود پایان داد تا روند درمان وی آغاز شود.
* مهدی محمودیان اعلام کرد از روز ۲۲ خرداد تا پایان حصر رهبران جنبش سبز روزه خواهد گرفت.
* کوروش کوهکن،زندانی سیاسی اعلام آمادگی کرد کلیه خود را به سیدحسین رونقی تقدیم کند.
* زندانیان بند ۳۵۰ در حین برگزاری مراسم سالگرد شهادت هدی صابر با هجوم گارد ویژه مواجه شدند.در این یورش بهمن احمدی امویی، سعید جلالی فر، فرشاد قربان پور، آرش سقر، سعید متین پور و جواد علیخانی بوسیله گارد ویژه به سلول انفرادی منتقل شدند.زندانیان در پاسخ به این یورش شعار «یا حسین میرحسین» و «مرگ بر دیکتاتور» سر می دادند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۱ سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: اینکه حتی مصلحت های روزمره و عاجل حکومت باعث نشده است که تمامیت خواهان و دولتیان دست از دروغ و فساد و خرافه و زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین بردارند، نشان از نفوذ عمیق این زشتی ها در لایه های درونی نظام دارد.

نامه تاجزاده به رهبری در سومین سالگرد کودتای انتخاباتی

آقای خامنه‌ای! پاسخ بدهید

حضور آیت الله خامنه ای
رهبر محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام سه سال پیش برگزاری یکی از پرابهام ترین و ناسالم ترین انتخابات تاریخ ایران به اعتراضی گسترده در سطح ملی انجامید. حدود یک هفته پس از شروع اعتراضات ، در نماز جمعه تظاهرات معترضان را اردوکشی خیابانی خوانده، مسئولیت خون هایی را که ریخته خواهد شد، متوجه خود آنان دانستید. آن اعتراضات با شدیدترین و سخت ترین شیوه های سرکوب مواجه شد. خون بسیاری از مردم بی گناه ریخته شد، عده زیادی معلول شدند و ساکت در خانه ها ماندند تا تنها همین معلولیت تاوان اعتراضشان به عدم سلامت انتخابات باشد و رنج سال ها حبس بر آن افزون نگردد. خانواده های بسیاری داغدار شدند، خوش نام ترین و محترم ترین چهره های جامعه و مدیرانی که سالها در بالاترین سطوح به این مردم خدمت کرده بودند، حتی پیش از اولین راهپیمایی های اعتراضی دستگیر و به اتهام هایی نظیر انقلاب مخملی، رابطه با بیگانه ، تلاش برای سرنگونی نظام و ..که البته هرگز در دادگاه های فرمایشی کوچکترین سندی دال بر صحت آن ارائه نشد، به حبس های طولانی محکوم شدند در طول این مدت هزاران ساعت میز گرد در صدا و سیما و سخنرانی در تریبون های رسمی و غیر رسمی از نماز جمعه و جماعات گرفته تا وعظ بر منابر و تا مراسم دولتی و ... در محکوم کردن آن اعتراضات و متهم کردن معترضان به براندازی برگزار شده است بدون این که کمترین تأثیری در رفع ابهام های واقعی موجود در این ماجرا داشته باشند و یا حتی به یکی از ده ها سؤال مطرح در باره این ماجرا پاسخ داده شده باشد.

ابهام ها و سؤال هایی که اگر به خوبی در آن تأمل شود حقایق بسیاری را که آقایان به هیچ وجه تمایلی به طرح آن ندارند، آشکار میکند، از جمله این که انتخابات خرداد سال ۸۸ و تخلفات آن کاملاً سازماندهی شده بود، موج دستگیری ها براساس طرحی از پیش آماده شده صورت گرفت و مقامات عالی کشور هیچ عزم و اراده ای در رسیدگی به اعتراضات و شکایات کاندیداهای رقیب مدعی تقلب و طرفداران آنها نداشتند و .... من در این فرصت قصد پرداختن به اصل ماجرا و نقد و ارزیابی تحلیل های محافل نظامی- امنیتی در باره انتخابات ریاست جمهوری دهم و حوادث پس از آن را ندارم. در زندان و درجریان بازجویی ها در این باره مفصل با بازجویانم سخن گفته ام. به اعتقاد من سخنرانان و مبلغان رسمی خود بهتر از من و شما می دانند که تحلیل هایشان در باره این ماجرا که عمدتاً بر محور توطئه براندازی و ارتباط معترضان با سرویس های امنیتی دور می زند، هیچ اساسی ندارد. آنها حتی اگر خود جزو بازی نبوده باشند هم چاره ای جز دفاع از این گونه تحلیل ها ندارند زیرا اگر معترضان را به براندازی و رابطه با بیگانه متهم نکنند، چگونه می توانند خشونتی را که اعمال شد و خون هایی را که بر زمین ریخت، قوانین و معیارهای انسانی که به راحتی زیرپا گذاشته شد و لطمات و آسیب هایی را که عملکرد و تصمیمات مسئولان عالی کشور در این ماجرا به جامعه و کشور و نظام زد، توجیه کنند؟ و از همه مهم تر چگونه می توانند توجیه گر خفقان و استبدادی باشند که اکنون آن را تجربه می کنیم؟

قصد من از نگارش این نامه تنها طرح ساده و در عین حال صریح برخی از همان ابهام هایی است که هزاران ساعت میز گرد و سخنرانی و وعظ و خطابه عمداً از پاسخ به آنها و تبیین آنها طفره رفته اند. تا تأکیدی باشد بر صحت ارزیابی و تحلیل ما از آن کودتای انتخاباتی و حقانیت راهی که رفته ایم و نیز فرصتی باشد برای آنان که نه به ضرورت حفظ قدرت و موقعیت بلکه به انگیزه پای بندی به دیانت و وطن دوستی از عملکرد حاکمیت دفاع می کنند. خوشحال خواهم شد اگر مدعیان و متظاهران به پای بندی به قانون و آزادی و اصول که در قبال مفاسد و بی قانونی های غیر قابل انکار حاکمیت، تنزه طلبی پیشه می کنند تا بی قانونی ها و بی عدالتی های پنهان را توجیه کنند، به این سؤال ها پاسخ دهند:

۱- شما در خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ تظاهرات اعتراضی به نتایج آن انتخابات پرابهام و پر مسئله را اردوکشی خیابانی خواندید و از معترضان خواستید اعتراض خود را از مجاری رسمی قانونی دنبال کنند. و گفتید راه اعتراض به نتایج انتخابات اردوکشی خیابانی نیست و بی قانونی و زورگویی را از هیچ کس تحمل نمی کنید و با کسانی که چنین شیوه ای برای دستیابی به خواسته های خود در پیش می گیرند شدیداً برخورد می کنید. آن خطبه تقریباً در تمامی سخنرانی ها و میزگردهای برگزار شده در رسانه ملی راجع به حوادث پس از انتخابات ۸۸ مورد استناد قرار گرفته است، اما به یک پرسش هرگز پاسخ داده نشد و آن این که در سراسر سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ همواره گروه هایی تحت عنوان انصار حزب الله به کمترین بهانه ای از درج مقاله ای در نشریه ای دانشجویی با تیراژ پانصد عدد گرفته تا عبارتی در یک کتاب و تا اعتراض به یک مراسم قانونی و ... آزادانه در خیابان ها به تظاهرات پرداختند، به مراسم مختلف حمله بردند و به ضرب و شتم مخالفان پرداختند و بعضاً دفاتر روزنامه ها را به آتش کشیدند. کتابفروشی ها و سینماها را سوزاندند، اما در طول این ۱۸ سال حتی یک بار شما به این اردوکشی و تهدید جان و مال شهروندان اعتراض نکردید و از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی و قضائی نخواستید دست اندرکاران این اجتماعات غیرقانونی را شناسایی و مجازات کنند. آیا اردوکشی خیابانی -اگر بتوان نام تظاهرات اعتراضی را اردوکشی خیابانی گذاشت-، مطلقاً خلاف قانون و ناپسند است و یا فقط برای معترضان به عملکرد ما خلاف قانون و ناپسند است؟

۲- پس از خرداد ۸۸ سخنرانان و مبلغان حاکمیت که به اعتراف سردار مشفق مأمور توجیه نخبگان و خواص شدند، آقایان مهندس موسوی و کروبی و فعالان سیاسی اصلاح طلب را متهم می کردند که برای طرح پیگیری شکایت خود به روش های غیر قانونی نظیر تظاهرات اعتراضی متوسل شده اند. اگرچه تظاهرات حق قانونی شهروندان است و دولت مطابق قانون اساسی موظف به تأمین امنیت برگزار کنندگان راهپیمایی های مسالمت آمیز است، اما آنها خود بهتر می دانند که تظاهرات چند میلیونی ۲۵ خرداد به دعوت موسوی و کروبی برگزار نشد، بلکه این خود مردم معترض و عصبانی بودند که به طور خودجوش به خیابان ها آمدند و موسوی و کروبی تنها به انگیزه همراهی با مردم و بنابر عهد خود با مردم که آنها را تنها نخواهند گذاشت در این راهپیمایی شرکت کردند، اما فرض را براین می گذاریم که قانوناً هرکس موظف است برای پیگیری مطالبات خود تنها از مجاری رسمی اقدام کرده و در کنار آن و یا حتی مستقل از آن حق برگزاری هیچ تجمع و راهپیمایی را ندارد، اما آیا مراجع و سازوکارهای رسمی و مقامات منصوب ایشان از جمله شورای نگهبان و قوه قضائیه در سال های گذشته به گونه ای عمل کرده بودند که کمترین اعتماد و امیدی به پیگیری شکایات و اعتراضات قانونی به تخلفات و تقلبات سیاسی در انتخابات وجود داشته باشد؟ در تمام دوران اصلاحات از انتخابات خرداد ۷۶ و ماجرای رسوای کارناوال عصر عاشورا گرفته تا انتخابات مجلس هفتم که شما در برابر رد صلاحیت های گسترده ضمن تأکید بر برگزاری انتخابات، رسیدگی به اعتراضات را به بعد از انتخابات موکول کردید و تا انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ که پرونده دخالت غیر قانونی برخی سرداران در آن انتخابات افشا شد و آقای هاشمی رفسنجانی از تخلفات و تقلبات به خداوند شکایت برد و رهبری وعده رسیدگی به تخلفات را دادند و تا انتخابات سراسر تخلف ریاست جمهوری ۸۸ که حتی شورای نگهبان نیز در گزارش خود آن را انکار نکرد اما تخلفات و اعمال نفوذها را مؤثر در تغییر نتایج انتخابات ندانست، همواره شکایت های فراوانی در شورای نگهبان و قوه قضائیه مطرح شده است، اما به آن شکایات نه از سوی شورای نگهبان و نه از سوی قوه قضائیه و نه از سوی هیچ مرجع دیگری هرگز رسیدگی نشد. با توجه به این سابقه درخشان چگونه از آقایان موسوی و کروبی انتظار می رفت، به امید احقاق حقوق خویش و میلیون ها شهروندی که رأیشان مصادره شده بود، سکوت پیشه کنند؟ ابهام و اعتراض و شکایت به نتایج انتخابات در هر کشوری از افغانستان گرفته تا ایران و تا امریکا می تواند اتفاق بیفتد، کما این که اتفاق افتاده است. اگر در افغانستان این اعتراضات به بحران و کشتار نینجامید، علت را باید در درایت مسئولان آن کشور در پیگری شکایات از طریق مرجعی قابل اعتماد عمومی به نام کمیته تحقیق و حقیقت یاب جست و جو کرد و اگر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که منجر به انتخاب جرج بوش شد اختلاف و ابهام در نتیجه انتخابات به بحران نینجامید علت آن بود که دادگاه فدرال این کشور به گونه ای عمل نکرده بود که اعتماد عمومی از آن سلب شود، بنابراین وقتی دادگاه فدرال صحت انتخابات را تأیید کرد همگی به آن گردن نهادند. ریشه سلب اعتماد عمومی به مراجع و سازوکارهای قانونی پیگیری مطالبات مردم را باید در عملکرد آن مراجع و سازوکارها و وعده های عمل نشده جست و جو کرد.

۳ – ساعت شش بعد از ظهر روز انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ به ستاد انتخابات موسوی در قیطریه حمله شد، تعدادی از لباس شخصی های مهاجم که بعدا معلوم شد وابسته به یکی از نهادهای امنیتی نظامی بودند، توسط کارکنان ستاد دستگیر شدند و آقایان محسن امین زاده و عبدالله رمضان زاده مسئولان ستاد، آنها را به پلیس که در محل حاضر شده بود تحویل دادند که البته پلیس نیز بلافاصله آنان را آزاد کرد. نیمه های شب درحالی که هنوز هیچ تظاهراتی صورت نگرفته بود و هیچ یک از احزاب حامی موسوی و کروبی موضعی اعلام نکرده بودند، نیروهای امنیتی به خانه های برخی فعالان سیاسی و مسئولان ستادهای انتخاباتی موسوی و کروبی هجوم بردند و آنها را دستگیر کردند. این درحالی بود که ماه ها بعد از دستگیری و بازداشت در سلول های انفرادی و تحمل شرایط و بازجویی های وحشتناکی که فعلاً قصد توصیف آن را ندارم وکلای ما به هنگام مطالعه پرونده ها، احکام دستگیری ما را که در روزهای قبل از ۲۲ خرداد صادر شده بود مشاهده کردند. اگر واقعاً بهانه آن دستگیری ها تظاهرات و به اغتشاش کشاندن جامعه و انقلاب مخملی در روزهای پس از انتخابات بود، چرا احکام دستگیری بازداشت شدگان در روزهای قبل از انتخابات صادر شده بود؟ در کدام کشور آزاد حکم بازداشت فعالان ستاد انتخاباتی نامزدهای رقیب (نامزد منتقد جناح حاکم) چند روز قبل از برپایی انتخابات صادر می شود و در روز برگزاری انتخابات به ستاد نامزدهای رقیب حمله می شود و روز بعد از انتخابات نیز مسئولان ستاد وی بازداشت می شوند؟! ساعت شش بعداز ظهر روز رأی گیری کدام اعتراضی صورت گرفته بود که به ستاد موسوی حمله شد؟ این سؤالها پاسخی ندارند اما از یک واقعیت حکایت دارند و آن این که آن هجوم ها و دستگیری ها براساس سناریوی از پیش طراحی شده صورت گرفت. احتمالاً پیش بینی می شده که کودتای انتخاباتی واکنش هایی را برانگیزد در نتیجه باید برای برخورد با آن تمهیدات لازم از جمله احکام دستگیری ها اندیشیده می شده است.

۴- در انتخابات ریاست جمهوری اخیر روسیه که به پیروزی پوتین انجامید، بخش وسیعی از رأی دهندگان و نیز نامزدهای رقیب دولت را متهم به اعمال نفوذ و تقلب در انتخابات کردند. وزیر اطلاعات ایران همچون دیگر مقامات که علاقه زیادی به بیان ادعاهای بزرگ دارند، گفت، ما به روسها اطلاع دادیم که آمریکایی ها و غربیها به بهانه تقلب در انتخابات قصد بحران سازی و توطئه در کشور شما را دارند. لابد وزیر محترم اطلاعات تجارب دستگاههای امنیتی و نظامی ایران در برخورد با اعتراضات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ ایران را در اختیار برادران روس و شخص پوتین قرار داده! اما ظاهراً پوتین و پریماکف علاقه ای به استفاده از این تجربه نداشتند. آنها به رغم برخورداری ازتجارب خشن ترین شیوه های سرکوب در شوروی کمونیستی و برخلاف مسئولان ایران به جای سرکوب، به معترضان نتایج انتخابات و مدعیان تقلب در انتخابات اجازه تظاهرات دادند و با درایت و تدبیر و به رسمیت شناختن حق مردم در برگزاری تظاهرات، از تبدیل شدن آن ماجرا به بحرانی در سطح ملی جلوگیری کردند و با این عملکرد خود به وزیر اطلاعات و دیگر مقامات عالی ایران فهماندند که حتی اگر توطئه بیگانگان هم در کار باشد این هنر مسئولان یک کشور است که میتواند از بروز فاجعه جلوگیری کند. به راستی چرا جناح حاکم

>>> ادامه در صفحه ۳

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۱ سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما می گوییم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است.

<<< ادامه از صفحه ۲

در ایران مانند حاکمان کرملین به معترضان نتایج انتخابات رسما اجازه برپایی تظاهرات نمی دهد؟ و در حد پوتین نمی کوشند به جای سرکوب معترضان، برحقوق شهروندی بیش از گذشته تکیه کنند؟ مگر اعتراض به رفتار حکومت نیز مانند حق حکومت منتخبان یک حق شناخته شده دموکراتیک نیست و مگر براساس همین حق نیست که حکومت ایران از اعتراضات مخالفان در بسیاری از کشورهای جهان حمایت می کند؟ من واقعاً نمی دانم در انتخابات روسیه تقلبی صورت گرفته و اگر صورت گرفته در چه حدی بوده است، اما یک چیز را یقین دارم و آن این که حاکمان این کشور حتی اگر تقلب در انتخابات را طراحی کرده باشند، هیچ طرح و برنامه ای برای استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری برای کودتا علیه مخالفان و منتقدان و حذف آنها از عرصه رقابت سیاسی نداشته اند، به همین دلیل هیچ طرح از پیش تدوین شده برای دستگیری معترضان نداشتند و بی اعتنا به هشدارهای وزیر اطلاعات ایران، ضرورتی برای برخورد خشن و دستگیری های سراسری علیه منتقدان حکومت خود ندیده اند.

۵- شما در مراسم سالگرد ارتحال امام(ره) در دفاع از مردم بحرین گفتید، «در حوادث منطقه، مردم بحرین در مظلومیت مضاعف به سر می برند، حقیقتا مظلوم هستند و به وسیله رژیم مستبد و دیکتاتوری بی جهت سرکوب می شوند، اعتراض آنها با خشن ترین وضعیت پاسخ داده می شود. در حالی که چیز زیادی نمی خواهند، آنها ابتدایی ترین نیازهای انسانی یک کشور مردم سالار را طلب می کنند.» این سخن درستی است. مردم بحرین چیزی بیش از این نمی خواهند که حکومتشان با ملت خود براساس معیارهای دوگانه عمل نکند. برخی را به عنوان شیعه از حق مشارکت در قدرت و حق تعیین سرنوشت محروم نکند. شهروندان را درجه بندی نکند، بحرین را متعلق به همه بحرینی ها بداند. از امکانات و تجارب قدرت بزرگ همسایه یعنی عربستان علیه مردم خود استفاده نکند. مردم خود را از قدرت بزرگ همسایه محرم تر بداند. باور کند منتقدان و مخالفان شیعه اش عامل و مزدور ایران نیستند، بلکه به عزت و سربلندی بحرین می اندیشند. باور کند آنها میکروب سیاسی نیستند، آنها را به بی بصیرتی، ساده لوحی و وابستگی متهم نکند، باور کند که منتقدان و مخالفانش خطراتی را که در این دنیای بزرگ، کشور کوچک و میکروسکوپی بحرین را تهدید می کند، کاملاً درک می کنند و هر انتقاد و اعتراض آنها را به معنای نوکری و وابستگی به ایران تحلیل نکند. آنها فقط از حکومت خود می خواهند که وجودشان را به عنوان بحرینی به رسمیت بشناسد و از حقوق اساسی و مسلمشان محروم نسازد و اعتقاد به مقام الهی امیر بحرین را شرط برخورداری از حقوق اساسی ندانند. ای کاش رهبری نظام با جریان های منتقد و معترض ایران، با برجسته ترین و باسابقه ترین چهره های انقلاب و نظام، با خیل عظیم کسانی که سال ها برای پیروزی انقلاب مبارزه کردند و یا در دفاع از کیان کشور در جبهه ها شجاعانه جنگیده اند، با کسانی که به رغم مخالفت و انتقاد به ایشان، قلبشان برای عزت و سربلندی و تمامیت ارضی این کشور چنان می تپد که از یاوه های وزیر اماراتی در باره جزایر سه گانه برمی آشوبند، آری ای کاش با این منتقدان و مخالفان براساس همین توصیه ها عمل می کردند. حکومت آل خلیفه بحرین شیعیان این کشور را شهروندان درجه دوم می داند و معترضان شیعه را متهم به رابطه با ایران می کند، در عین حال این نگاه ناعادلانه و بدبینانه و توطئه نگر موجب نشده است تا برای رسیدگی به بدرفتاری با معترضان و ریشه یابی حوادث اخیر این کشور کمیته حقیقت یاب به ریاست شخصیتی بی طرف و مورد تأیید و احترام همگان تشکیل ندهد. امیر بحرین چنین کرد و حتی براساس گزارش و توصیه های کمیته مذکور دست به اصلاحاتی نیز زد که البته کمتر از حد انتظار و خواسته های بحق منتقدان بود، اما چرا در ایران اعتراضات بخش عظیمی از ملت و به قول آقایان اعتراضات ۱۳ میلیون نفر ایرانی به نتایج انتخابات، در این حد ارزش نداشت که به جای شورای نگهبان به ریاست آقای جنتی که خود متهم به اعمال نفوذ و تغییر نتایج انتخابات است، کمیته حقیقت یابی متشکل از افراد بی طرف تشکیل شود و آرای مردم یک بار دیگر زیر نظر این کمیته بازشماری شود؟

در بحرین گزارش کمیته حقیقت یاب در مراسمی علنی که از رسانه ها پخش شد، در برابر امیر بحرین قرائت شد و وی اعلام کرد براساس نتایج این گزارش عمل خواهد کرد، اما در ایران حتی به مجلس دراختیار هشتم نیز اجازه داده نشد گزارش حمله به کوی دانشگاه تهران و ضرب و شتم دانشجویان در صحن علنی قرائت شود، چه برسد که به آن عمل شود. البته کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم که اعضای آن از مخالفان سرسخت مهندس موسوی و کروبی و اصلاح طلبان هستند گزارشی در باره قتل های کهریزک تهیه کردند. آن گزارش به رغم همه پنهان کاری ها از جمله کاهش تعداد قربانیان آن ماجرا و حملات شدید به منتقدان و مخالفان، از گوشه هایی از تنها یکی از فجایعی که پس از انتخابات رخ داد پرده برداشت و از افرادی از جمله قاضی مرتضوی به عنوان مقصران ردیف اول به صراحت نام برد. اما نه تنها هرگز برای رسیدگی به آن گزارش قولی داده نشد بلکه قاضی مرتضوی ارتقاء مقام یافت و به ریاست سازمان رفاه و تأمین اجتماعی منصوب شد.

به گمان من علت این تفاوت ها در آن است که بحران بحرین و ایران تفاوتی آشکار با یکدیگر دارند. در بحرین انقلابی علیه سلطنت رخ نداده و این کشور گامی به سوی نظام جمهوریت برنداشته است. حکومت بحرین از بقا و تداوم سنت سیاسی حاکم بر این کشور که براساس قدرت مطلقه فردی سامان یافته است، دفاع می کند، اما بحران ایران از جنس دیگری است.

در ایران انقلابی علیه رژیم شاهنشاهی رخ داده است، نظام جمهوری شکل گرفته است، لوازم جمهوریت نظیر قانون اساسی، تفکیک قوا، مجلس و انتخابات و .... شکل گرفته اند. مضمون اختلافات و رقابت های سیاسی در ایران طی سی سال گذشته برخلاف بحرین تداوم یا عدم تداوم جمهوریت بوده است و نه تداوم و عدم تداوم سلطنت مطلقه فردی. بحران بحرین از آنجا آغاز شده است که اکثریت بحرینی ها خواهان پایان دادن به روش حکومت مطلقه فردی و عبور از این مرحله شده اند و حکومت این کشور در برابر آن ایستادگی میکند و بحران کنونی ایران از آنجا آغاز شده است که اقلیتی خواهان احیای روش حکومت مطلقه فردی و بازگشت به شرایط گذشته هستند و اکثریت مردم در برابر آن مقاومت می کنند.

۶- در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ معترضان به نتایج انتخابات و حاکمیت علیه یکدیگر ادعاهایی را مطرح کردند. موسوی و کروبی و احزاب و گروه های حامی آنها در انتخابات سال ۸۸ مدعی تخلف گسترده در انتخابات و دخالت سپاه و دولت و نیروهای امنیتی در انتخابات بودند، و در مقابل حکومت ضمن تکذیب این اتهامات مدعی بود معترضان با بیگانگان ارتباط داشته و قصد انقلاب مخملی و به آشوب کشیدن کشور را داشتند. حوادث ماه های پس از انتخابات معیار خوبی برای ارزیابی میزان صحت ادعاهای و صداقت هریک از دو طرف بود. تا آنجا که به اتهامات حاکمیت علیه معترضان مربوط می شد، تمامی امکانات تبلیغاتی، اطلاعاتی و امنیتی به کار گرفته شد تا آن ادعاها به اثبات برسد. بلافاصله به دفاتر احزاب و منازل معترضان حمله شد، همه اسناد و مدارک موجود حتی دفاتر پس انداز و دسته چک بانکی دستگیر شدگان ضبط شد، متهمان در سلول های انفرادی ماهها تحت فشار قرار گرفتند، در شهریور همان سال دادگاه فرمایشی رسیدگی به اتهامات متهمان تشکیل شد. اولین جلسات آن دادگاه که به قرائت ادعانامه دادستان اختصاص داشت، از رسانه ملی پخش شد. در آن ادعانامه تمامی اتهاماتی که طی ماه های قبل از آن در رسانه ها و تریبون های وابسته علیه معترضان مطرح می شد، آمده بود. از رابطه با سرویس های امیتی تا گرفتن پول از بیگانگان و تا قصد براندازی و انقلاب مخملی و ... اما نهایتاً هیچ یک از آن اتهامات به اثبات نرسید و هیچ یک از متهمان به آن اتهامات محکوم نشدند. دست دادگاه برای محکوم کردن متهمان چنان خالی بود که ناگزیر برخی متهمان نظیر بهزاد نبوی به دلایل مضحکی نظیر ایجاد اختلال در ترافیک در روز ۲۵ خرداد به شش سال زندان محکوم شدند. در طرف مقابل اما شرایط کاملاً برعکس پیش رفت. چند ماه بعد از انتخابات، سخنرانی سردار مشفق از مسئولان قرارگاه ثارالله در پایگاه های خبری وابسته و طرفدار حکومت منتشر شد. سردار مشفق در سخنان خود تقریباً تمامی ادعاهای معترضان به تقلب و تخلف در انتخابات را تأیید کرد و با افتخار از نقش سپاه و سربازان گمنان در انتخابات گفت. او اعتراف کرد که سپاه صحنه انتخابات را مدیریت کرده است، او اعتراف کرد که سپاه مانع کاندیداتوری کسانی شده است که حضورشان به شکسته شدن رأی احمدی نژاد می انجامید. او اعتراف کرد که سیستم کمیته صیانت از آراء ستاد موسوی را سپاه تخریب کرده و قطع سیستم پیام کوتاه در روز انتخابات کار نیروهای امنیتی نظامی بوده تا مانع اطلاع ستاد موسوی و کروبی از اتفاقاتی شوند که در شعب اخذ رأی رخ داده است. او اعتراف کرد او و همکارانش در سپاه درعملیات روانی رسانه ای علیه موسوی نقش مؤثر داشته اند، او اعتراف کرد... متعاقب انتشار این سخنرانی هفتتن از محکومان دادگاه های پس از انتخابات ۸۸ با استناد به سخنرانی سردار مشفق و اعتراف او به دخالت در انتخابات شکایتی را به قوه قضائیه تقدیم کردند. امروز حدود دو سال و نیم از آن شکایت می گذرد نتیجه آن شکایت تا کنون تشکیل پرونده ای جدید برای برخی از آن هفت شاکی است. یکی از اتهامات آنها در این پرونده شکایت از سردار مشفق است. آنها در بازجویی ها باید پاسخ دهند چرا و به چه انگیزه ای علیه سردار مشفق شکایت کرده و با این اقدام خود در جهت تضعیف نظام گام برداشته اند!!

۷- شکایت علیه مشفق تنها شکایتی نبود که طی این مدت نتیجه عکس داد و شاکیان به خاطر آن تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. برخی دیگر از محکومان پس از انتخابات در این مدت با ارسال نامه هایی به مقامات عالی کشور از جمله مقام رهبری از شکنجه ها و ضرب و شتم ها در سلولهای انفرادی گفتند. و از صدمات و لطماتی که در جریان این شکنجه ها بدان دچار شده اند. تا آنجا که من درجریان هستم با اصرار کسانی چون آقای هاشمی رفسنجانی مقام رهبری در مورد یکی از این نامه ها دستور رسیدگی داده اند. نتیجه رسیدگی، تأیید ادعای شکنجه و ضرب و شتم در سلول های انفرادی بوده است. اما سرنوشت آن نامه ها و نویسندگانش بهتر از سرنوشت شکایت و شاکیان علیه سردار مشفق نبوده است.

رهبری جمهوری اسلامی ایران!

شرایط زندان و وضعیت نامساعد جسمی ازجمله مشکل چشم اجازه نمی دهد بیشتر از این بنویسم وگرنه فهرست این ابهام ها را تا چند برابر می توان افزایش داد. بنابراین سخن را کوتاه می کنم. امروز همگان چه طرفداران و وابستگان به حاکمیت و ارادتمندان به رهبری و چه منتقدان و مخالفان در این نکته اتفاق نظر دارند که تغییر شرایط موجود و تغییر نحوه برخورد با ناراضیان به تصمیم رهبری بستگی دارد و نه هیچ کس دیگر. این اعتراف و اتفاق نظر به نوبه خود گویای حقیقت دیگری نیز هست و آن این که شرایط موجود و نحوه برخورد با ناراضیان براساس تصمیم رهبری سامان یافته است. بنابراین می توان مخاطب این ابهام ها را رهبری دانست و از ایشان خواهان رفع ابهام شد.

اخبار کوتاه

کارگران زیر خط فقر؛ قدرت خرید باز هم کاهش می یابد

یک کارشناس اقتصادی اعلام کرد: با افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان قدرت خرید جامعه کارگری ۱۵ درصد کاهش یافته است.مهدی تقوی در تشریح این مساله به ایلنا گفت: با توجه به اینکه نان ۵۰ درصد اقلام مصرفی خانوارهای کارگری کشور را تشکیل می‌دهد، در پی افزایش ۳۰ درصدی قیمت نان، قدرت خرید جامعه کارگری ۱۵ درصد کاهش می‌یابد.

او ضمن رد اظهارات مطرح شده مبنی بر اثرات افزایش دستمزد کارگران نانوا در قیمت نان گفت: قیمت نان به دلیل افزایش نهاده‌های تولید افزایش یافته که پیش بینی می‌شود روند فزاینده آن همچنان در ماه‌های آتی ادامه یابد.

این کارشناس اقتصادی در ادامه یاد آور شد: با توجه به اینکه تعداد زیادی از کارگران بر مبنای پایه دستمزد، یعنی ۳۸۹ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند از این رو می‌توان گفت که عمده کارگران ایران هم‌اکنون زیر نرخ خط فقر گذران معیشت می‌کنند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۲ چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندانها محبوس هستند پایبند سرسخت استقلال کشور هستیم. ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم.

آزمونی برای وجدان بشریت

جنبش سبز چگونه آغاز شد

سر مقاله

پانزده ماه از کشتار معترضان در سوریه می گذرد و بر اساس تخمین سازمان ملل تا کنون ده هزار نفر در سوریه کشته شده اند. در حال حاضر کوفی عنان، خوشبین ترین نماینده سازمان ملل در امور سوریه، یعنی همان کسی که طرح صلح میان مخالفان و دولت سوریه را ارائه داد، در مورد شدت گرفتن درگیری‌ها در سوریه ابراز نگرانی عمیق کرده است. او می گوید تعداد زیادی از غیر نظامیان در شهرهای حمص و حفاء زیر آتش خمپاره و گلوله تانک گرفتار شده اند، و به گفته گزارشگران ارتش سوریه در حمص از هواپیمای بدون سرنشین برای حمله به شورشیان استفاده کرده است. گروه ناظران سازمان ملل که دو روز است برای گرفتن اجازه ورود به بخش قدیمی حمص تلاش می کنند، هنوز موفق به این کار نشده اند. اما همچنان سوالی بزرگ و ترسناک در این میان وجود دارد؛ همه می دانند که سوریه مقدار زیادی سلاح شیمیایی در اختیار دارد، سوال اینجاست که آیا بشار اسد از این سلاح ها استفاده می کند؟ ناظران سازمان ملل که در سوریه حضور دارند در روزهای اخیر بارها بر کشتار مردم توسط نیروهای دولتی را تایید کرده اند. مقامات صلیب سرخ هشدار داده‌اند که یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سوریه نیازمند کمک‌های امدادی بشردوستانه هستند. اما همچنان جنگ و کشتار ادامه دارد و ظاهرا کاری از دست جامعه جهانی ساخته نیست. برای به یاد ماندن جنایتهای تاریخی موزه ساخته می شود. برای عبرت آیندگان کتاب نوشته می شود. اما کشتار و نسل کشی و استبداد همچنان ادامه دارد و هنوز جامعه بین المللی راه حلی برای حل این مشکل نیافته است. اکنون در سوریه به دستور بشار اسد هر روز تعداد زیادی کشته می شوند. باور اینکه رهبری بتواند دستور قتل عام مردم کشور خود را صادر کند ساده نیست. در درگیری های سوریه بیش از نیمی از کسانی که کشته شده اند را زنان و کودکان تشکیل می دهند. حالا بسیاری از شهر های استان حمص که مرکز اصلی مخالفان است به ویرانه تبدیل شده است. این اولین بار نیست که در تاریخ معاصر سوریه چنین حوادثی اتفاق می افتد سی سال پیش حافظ اسد در پاسخ به اعتراضات مخالفان دولت در شهر حماه همین سیاست را در پیش گرفت. سی سال پیش به دستور حافظ اسد در طول چند روز نزدیک به سی هزار نفر در حماه کشته شدند و از شهر تاریخی حماه تنها ویرانه ای بر جا ماند. اکنون بشار اسد، راه پدر را در پیش گرفته است. اوضاع سوریه تمام مردم دنیا را نگران کرده است. نشانه های درگیری های خونین و کشتار در سرتاسر سوریه به چشم می خورد. اما همچنان روسیه، چین و ایران که از متحدان اسد هستند از او حمایت می کنند و یکی از دلایل اصلی عدم دخالت جامعه بین المللی و نیرو های خارجی در مسائل سوریه همین است. بسیاری از تحلیلگران غربی دخالت در امور سوریه را با آغاز جنگی خونین میان ایران و اسرائیل و یا آغاز جنگی منطقه ای میان شیعیان و سنی های حاشیه خلیج فارس یکی می دانند. برخی از تحلیلگران نیز نگران آغاز جنگ سردی جدید میان آمریکا و روسیه و چین هستند. ای کاش دیکتاتورها اندکی تاریخ می خوانند و ذره ای قدرت تصور در آنها وجود داشت موزه هولوکاست جایی است برای یاد آوری میزان سبعیت بشر، پیامی اخلاقی برای رهبران و سیاستمداران، جایی برای عبرت دیکتاتور ها و آزمونی برای وجدان بشریت.

با شهدای سبز

شهید ناصر امیرنژاد

۲۴ ساله ، دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته هوا- فضا که در جریان راهپیمایی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸مردم تهران در میدان آزادی در ابتدای خیابان محمد علی جناح بر اثر تیراندازی از ساختمان بسیج از ناحیه سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت.

برای بازخوانی و بازشناسی جنبش سبز، یکی از بهترین راهها مرور بیانیه های میرحسین موسوی در ایام پس از انتخابات ۸۸ است. میرحسین در این بیانیه ها که از اعلام ایستادگی در برابر تقلب و کودتای انتخاباتی آغاز شد، با راهپیمایی سکوت و دیگر تظاهرات مردمی همراه بود و در نهایت به تدوین و انتشار منشور جنبش سبز رسید که نشان می دهند جنبش سبز چه مسیری را از ابتدا تا امروز طی کرده است.

میرحسین موسوی از همان فردای انتخابات در برابر«شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما» به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان معترض می شود و می گوید «تسلیم این صحنه آرایی خطرناک» نخواهد شد. وی هشدار می دهد این اقدامات غیرقانونی نتیجه ای جز «تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» و «حاکمیت دروغ و استبداد» ندارد.

او "وظیفه شرعی و ملی" خود می داند به "افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره" بپردازد و "آثار نابود کننده" آن را بر سرنوشت کشور تبیین کند که کمترین پیام انقلاب اسلامی این بود که مردم آگاهند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیایند تمکین نخواهند کرد و به جامعه نیز یاد آور می شود صاحبان حقیقی کشور کیست.

دفاع از حق و صیانت از رأی

او خود پیشقراول این حرکت قانونی است از مسئولان درخواست برپایی یک راهپیمایی را دارد و توصیه می کند برای برقراری آرامش در خیابان ها مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی امکان تجمع های مسالمت آمیز را فراهم کنند.

او که از مردم خواسته اعتراضات خود را مسالمت آمیز و قانونی پیگیر باشند از آنها می خواهد از «رنگ سبز» را که «نماد معنویت و آزادی و عقلانیت دینی و مداراست» و «شعار الله اکبر « دست بر ندارند.

او پس از تجمع عظیم و بی سابقه روز ۲۵ خرداد صراحتا گفت این تجمع «در دفاع از حق و صیانت از رأی و دفاع از جمهوریت و اسلامیت نظام» انجام گرفت و برای همین بود که اصحاب دروغ را آن چنان به خشم آورد که تحمل نیاوردند و کوشیدند شیرینی این همایش پرشکوه را با برخورد سبعانه به کام دوستداران ایران تلخ کنند.

او با دعوت مردم به آرامش، به کسانی که تظاهرات آرام را به خشونت می کشاند می گوید مردم می دانند چه کسانی خوابگاه دانشجویان را ویران کردند و دانشجویان پسر و دختر را کتک زدند یا در شمال میدان آزادی مردم را به شهادت رساندند.

او آمده بود تا...

موسوی از همان هفته اول اعتراضات مردمی می خواهد که شانه از بار مسئولیتی که سرنوشت نسل‌ها و عصرها بر دوش ما گذاشته است خالی نکنیم.

او می گوید برای چه بعد از بیست سال باز از آن خانه کوچه اختر به میان مردم بازگشته است. دلتنگ آرمانهای انقلاب بود. او که به تنگ آمده بود از این همه دروغ و ریا می خواست بگوید مردم از خدمتگزارانشان راستی و درستی می‌خواهند.

آتشی که به خرمن اعتماد مردم زده شد

موسوی"حجم عظیم تقلب و جابه‌جایی آرا» را آتشی می داند که به «خرمن اعتماد مردم» زده شده و باور دارد در این میانه آنچه به مسلخ رفته «جمهوریت نظام « است .

وی متاسف است مقامات کشور با همه آنچه گذشت بر انتخابات صحه می گذارند و پیشنهاد می دهد یک هیئت مورد اعتماد ملی، ابطال انتخابات و تجدید آن را بعنوان حق مسلم مردم مورد بررسی قرار دهد. پیشنهادی که هیچگاه شنیده نشد.

قانون گریز کیست؟!

موسوی اعتراضش را به تداوم رویه های غیرقانونی اعلام می کند و آن را جزء لاینفک حقوق آنها بر اساس این سند میثاق ملی می‌داند.

همزمان با جوسازی رسانه های حکومتی در وارونه جلوه دادن واقعیت اعتراض مردم و عوض کردن جای ظالم و مظلوم میر حسین موسوی به بیهودگی تلاش حاکمان می پردازد که تلاش می کنند نادیده انگارند آنچه در این انتخابات تقلبی بزرگ اتفاق افتاده. همانها که پس از اعتراضات مردمی به گونه ای «غیرانسانی» به مردم حمله کردند.

موسوی می گوید اگر با مسببین جنایت کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به گونه ای قانونی برخورد می شد، امروز شاهد تکرار آن فجایع در ابعاد وسیع تر و وارونه جلوه دادن واقعیتها به گونه ای جسورانه تر نبودیم.

موسوی وقتی با دروغ پردازی و شعبده بازی حاکمیت مواجه می شود به آنان یادآوری می کند با چنین ترفندهایی از صحنه بیرون نمی رود.

ادامه دارد..

تایید حکم ۱۳ سال حبس برای عبدالفتاح سلطانی

دختر عبدالفتاح سلطانی، وکیل زندانی با اعلام تائید حکم ۱۳ سال حبس تعزیری دادگاه تجدید نظر برای پدرش گفت: این حکم هنوز رسما به ما ابلاغ نشده است. فقط یکی از وکلا رونوشت دستنویس این حکم را دیده است. او با اشاره به مقاومت پدرش مقابل پیشنهاد مصاحبه و توبه نامه گفت: هربار به آنها گفته مهم نیست چه حکمی صادر می شود.

انتقال همراه با توهین یک روزنامه نگار به رجایی‌شهر

پس از حمله نیروهای امنیتی به بند ۳۵۰ اوین، بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار منتقد ساعت یک نیمه شب به قرنطینه رجایی شهر کرج و بعد بند سیاسی منتقل شد. او که با دمپایی، زیرپیراهنی، پیژامه، دستبند و پابند منتقل شده، هنگام ورود توسط ماموران با توهین و بی احترامی، برهنه تفتیش شده و حتی فرصت بردن وسایل شخصی اش را پیدا نکرده است.

تاکید دوباره خاتمی بر رفع حصرها وآزادی زندانیان

سید محمد خاتمی همزمان با سالروز ۲۲ خرداد در دیدار با داوود سلیمانی که اخیرا از زندان آزاد شده، آرزو کرد حصرها برداشته شود و دیگر زندانیان سیاسی نیز آزاد گردند. او با تاکید بر پیش شرطهای خود، تنها راه برون رفت وضعیت فعلی را تحقق همان شروط سه گانه خواند و بر اجماع و همدلی بیشتر نیروهای سیاسی و فعالان اجتماعی تاکید کرد.

زندانیان سیاسی

* سیاوش حاتم فعال دانشجویی، برای گذاراندن دوران محکومیت راهی اوین شد.
* حکم یکسال حبس تعزیری ساجده کیانوش راد برای ۵ سال به حالت تعلیق در آمد.
* امید رضایی به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری به دو سال حبس محکوم شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۳ پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: افتخار واقعی به شرکت خودجوش مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد و مراسم های بعد از آن است و نه راهپیمایی های مهندسی شده و یا احیانا اجباری با این همه هزینه و فضای امنیتی و ارعاب.

همفکری زندانیان سیاسی درباره جنبش سبز

زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر ضمن گرامیداشت سالگرد تولد جنبش سبز به تحلیل رخداد های سیاسی و اجتماعی سالهای پس از انقلاب پرداخته و با طرح این پرسش که علت رکود جنبش سبز طی سال های اخیر چه بود از منظر های مختلف به آسیب شناسی جنبش سبز پرداخته و موارد پیروزی جنبش را بررسی کردند. از جمله این محورها حصر رهبران جنبش سبز و تضعیف رهبری جنبش که به عنوان علل رکود جدی جنبش از سوی حاضرین مطرح شد. حاضرین هم چنین با اتفاق نظر در مورد توفیقات فراوان جنبش سبز در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، مدنی و فراگیر شدن آن در بین مردم بر ضرورت استفاده از اعتراضات خیابانی تاکید کرده اعلام داشتند باید از عنصر اعتراض خیابانی به عنوان یک وسیله برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده شود. آنها ضمن آن اشاره کردند باید به مساله انباشت تجربه های ملی در جهت استفاده از عنصر اعتراض خیابانی فکر کرد. زندانیان سیاسی با اشاره بر این که باید از نشانه ها و عناصر شکل گرفته در دوران انتخابات و دوران اعتراضات پس از انتخابات همانند جنبش مبارزه با دروغ، جنبش عدالتخواهی و جنبش قانون مداری بهره گرفت، اعلام کردند: باید بار دیگر همان شعارها را به عنوان شعارهای محوری جنبش سبز مطرح کرد. آنها اشاره داشتند محور فعالیت و مرزها و حدود عناصر حاضر در جنبش سبز را باید در چهارچوب های منشور جنبش سبز که توسط رهبران این جنبش تنظیم شده جستجو کرد و در قالب همان دیدگاه ها و راهکار ها به پیگیری مطالبات پرداخت. در پایان مراسم زندانیان با اتفاق نظر بر اینکه افول جنبش سبز را نباید به معنای مایوس بودن نیروها و یا ناامیدی مردم از دستاورد های این جنبش ارزیابی کرد، خاطرنشان کردند: طبیعتا در آغاز جنبش تعدادی از عناصر فرصت طلب با استفاده از رفتارهای سیاسی موج سوارانه با جنبش پیوسته و حتی باعث انحراف اعتراضات خیابانی هم شدند و اکنون همان موج سواران در حال پیاده شدن از قطار جنبش سبز هستند و این را نباید به معنای افول جنبش و یا ضعف فراگیر مطالبات مطرح شده در جنبش دانست.

مادر مهسا امرآبادی:
این ظلم ها را به عدل الهی واگذار خواهیم کرد

مادر مهسا امرآبادی، روزنامه نگار محبوس در بند زنان زندان اوین که ماه گذشته برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری خود به زندان رفت، در نامه ای خطاب به وی نوشت: اکنون پس از سه سال امید عدل و عدالت را در این کشور از دست داده ام. چرا در اینجا جرم و مجازات با هم همخوانی ندارد؟ کسانی که میلیاردی اختلاس می کنند باید حفظ آبرو شوند و از آنها نامی برده نشود. کسانی که کمر اقتصاد این کشور را شکستند. کسانی که باعث رنج و فقر و عذاب مردم می شوند باید در دادگاه های غیر علنی محاکمه شوند اما خبرنگاران و جوان های بیگناه این گونه علنی و پشت تلویزیون! او با بشارت دخترش به عدل الهی تاکید کرده است که دیری نپایید کسانی که این بلاها را بر سر جوانان کشورم آوردند، این گونه رسوا شده اند و خود در جایگاه متهم قرار گرفته اند. در پایان این نامه آمده است: ما مادران هم تمام این ظلم ها را واگذار به عدل الهی و خداوند خواهیم کرد.

تشکیل جلسه مبارزه با مفاسد اقتصادی به ریاست رحیمی!

خرده بین

یک روز پس از افشای رشوه‌گیری میلیاردی معاون اول احمدی نژاد، خبرگزاری ها از تشکیل جلسه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به ریاست رحیمی خبر دادند!

رحیمی که خود از بلندپایه ترین متهمان فساد اقتصادی در دولت فعلی است، جلسه ای با موضوع بررسی راه‌های تشدید مبارزه با مفاسد اقتصادی را اداره کرد.

در جلسه اخیر دادگاه اختلاس بیمه ایران، متهم اعتراف کرد ۱۵ میلیارد ریال به معاون احمدی نژاد رشوه داده است.

۲۵ خرداد ۸۸ و حماسه حضور سبزها

"سلام بر شما ملت عزیز، سلام بر شما هموطنان. آمده ام تا ادای احترام به این همه ایستادگی و آگاهی بکنم. آمده ام ، تا بهاری سبز «استقامت کنم» تا «نماد سبز» را به «یغما» نبرند." میرحسین موسوی است که ایستاده بر یک اتومبیل با بلندگوی دستی کوچکی که همه سهم این نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس شده بود. رسانه های تصویری همه در خدمت قدرت. میرحسین آمده بود با اتکا به این مردم، در برابر قدرت طلبی ها بایستد و بار دیگر آرمان های انقلاب را زنده کند. درخواست برپایی یک راه پیمایی در ۲۵ خرداد بی جواب مانده بود.

اما میلیونها نفر آمده بودند. میدان امام حسین تا میدان آزادی، جلوگاه حضور میلیونی مردمی بود که با آرامش و مدنیت، رای گم شده خود را در سکوت فریاد می کردند. فقط تهران نبود که سبز می شد، اصفهان، شیراز، مشهد و ... همه ایران جوانه زده بود و یکصدا یک خواسته را فریاد می کرد.

حماسه ای با حضور سبز مردم در خیابانهای تهران آفریده شد. خبرگزاریها و تحلیلگران سیاسی ابتدا با احتیاط و سپس با اطمینان سخن از میلیون ها شهروندی سخن گفتند که بدون هیچ رسانه رسمی، با تمسک به " هر شهروند یک رسانه" گرد " گزینه" ریاست جمهوری خود آمده بودند و از میرحسین می خواستند که " رای" شان را پس بگیرد.

صاحبان قدرت و سناریو نویسان توهم و توطئه، با خیالبافی و سند سازی می خواستند حرکت عظیم مردم را وابسته به بیگانگان نشان دهند و آن را اقدامی علیه " امنیت ملی" بخوانند، اما همانطور که سیدعلیرضا بهشتی، همراه جنبش سبز بعدها در توصیف این حماسه گفت "تظاهرات عظیم روز ۲۵ خرداد با منابع اعطایی بنیاد سوروس و به دست کسانی که از چند روز قبل در زندان به سر می‌بردند سازماندهی نشد، بلکه این مردم بودند که به صورت خودجوش این رویداد تاریخی را رقم زدند."

این همراه میرحسین در روزهای سخت، راوی اتفاقاتی است که آن روز در دفتر کوچک میرحسین رقم خورد. از هشدارها و بیم ها می گوید. اینکه " در روز ۲۵ خرداد از چندین طریق به دفتر مهندس موسوی پیغام رسید که نیروهای ضدشورش با حاضران در تظاهرات برخورد خواهند کرد و مسئولیت خون این عده به گردن اوست"

او می گوید دوستان موسوی در دفتر او جمع شده و به او اصرار میکردند به خیابان نرود، استدلال می کردند تنها تعداد کمی از کسانی که از لغو تظاهرات بی‌اطلاعند خواهند آمد و برای زهر چشم گرفتن از دیگران، این عده بشدت سرکوب می‌شوند و جان هرکسی که به میانشان برود هم در معرض خطر قرار می‌گیرد.

و چه صادقانه میرحسین موسوی به خیابان می رود که " مردم تنها نمانند". بر این باور است که شاید " حضورش هزینه سرکوب را بالا ببرد و از شدت آن کم کند."

او می دانست شورای نگهبان نه بی طرف است و نه عادل و شورایی که در طور انتخابات طرفداری صریح خود را از یک کاندیدا اعلام کرده است، چگونه خواهد توانست به داوری رای دزدیده شده مردم بنشیند.

همان دبیری که بعدها حکم به حصر میرحسین داد و فرمان حبس صادر کرد از تریبون نمازجمعه.

میرحسین راهپیمایی "عظیم و شگفتی‌آفرین ۲۵ خرداد" که به رغم مشکلات و محدودیت‌های فراوان با "خویشتنداری معنادار و هوشمندی کامل مردم" و عاری از شعارهای ساختارشکن همراه شد را راهنمایی برای صاحبان قدرت دانست و گفت این تظاهرات "برای درک خواست و اراده مردم کافی بود و فرصتی برای نظام ایجاد کرد که در صورت تن دادن به خواست مردم و استفاده از فرصت می‌شد با کمترین هزینه به ساماندهی مشکلات کشور پرداخت."

موسوی که افق نگاهش نه کسب کرسی ریاست جمهوری در پاستور که تحقق خواسته های مردم بود، جوانمردانه همانگونه که در ۲۵ خرداد در برابر تهدیدها و هشدارها، مردم را تنها نگذاشت، بعدها هم که "تقیه" سکه رایج سیاستمداران شد، دست از همراهی مردم برنداشت و با ایستادگی بر آنچه در ۲۵ خرداد به مردم وعده داده بود " هر هزینه ای را به جان خرید " و با مردم بر سر "حق" ایستاد و در عمل نشان داد آماده" همه گونه هزینه ای را برای تحقق آرمان های شما ملت عزیز" بپردازد.

در این ۲۵ خرداد که میرحسین در میان ما نیست و زندانیان او را از حداقل حقوق یک زندانی هم محروم کرده است، منشور سبز که به قلم میرحسین نوشته شد، راهنمای حرکت سبزهاست و "امید به آینده ای روشن" هویت ماست.

همراه با میردبرند بر این باوریم که «اما کف به کناری رود و از بین رود، اما آنچه به مردم سود میرساند در زمین می‌مانَد. »

با شهدای سبز

اشکان سهرابی

۲۰ ساله، دانشجوی رشته آی تی دانشگاه قزوین در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ بر اثر اصابت سه گلوله به سینه اش به شهادت رسید.

وی از یک ساختمان بلند مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. پیکر او بعد از سه روز به خانواده تحویل داده شد.پیگیری های قضایی خانواده وی جهت شناسایی آمران و عاملان کشته شدن فرزندشان تاکنون بی نتیجه بوده است. پیکر او در قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۵۰ شماره ۱۹ به خاک سپرده شد.

پیشنهاد

انتشار مجموعه آثار قلمی و گفتاری میرحسین موسوی

مجموعه آثار قلمی و گفتاری میرحسین موسوی در سه سال اخیر، در قالب یک کتاب الکترونیک منتشر شد.

کتاب «چنین گفت میرحسین» حاوی مجموعه سخنرانی ها، گفت و گو ها، بیانیه ها، یادداشت ها، اطلاعیه ها و پیام های میرحسین موسوی است که از بهمن ۸۷ تا اسفند ۸۹ در رسانه ها منتشر شده است. این کتاب الکترونیک که از وب سایت کلمه در اینترنت قابل دسترسی است، به شکلی تهیه شده که در تلفن همراه نیز قابل مطالعه باشد

زندانیان سیاسی

* افسانه توقیر پس از تحمل ۲۳ روز بازداشت و بازجویی به طور موقت از زندان تبریز آزاد شد.
* پدربزرگ آرش صادقی در حدود ساعت ۷ شب گذشته آزاد شد. وی در این مدت در بند ۲۰۹ زندان اوین به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق نگارش نامه به بازجوی نوه‌اش، نگهداری می‌شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۴ شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: آیا در سال های فراوانی ارز نفتی، که به صورت غیرعادی ذخایر ما را بالا برد، برای سال های کمبود و قحطی برنامه ای ریخته ایم؟ آیا در سال های فراوانی درآمد ارزی، گوش به نقد کارشناسی داده ایم و آیا به حرف های متخصصان و کارشناسان سیاسی گوش داده ایم که فراز و نشیب های سیاست را به ما یادآوری کرده اند؟

استقامت مدنی برای مهار استبداد

جنبش سبز به روایت میرحسین

سرمقاله

مهار استبداد از وظایف یکایک ماست. در این مسیر وظیفه اخلاقی و شرعی کوشش در دو زمینه است. یکی شکارساختن و حذف و مهار قانونی و اخلاقی فساد نهادینه، دروغ و ریا و تزویر و تملق نهادینه، خشونت نهادینه، ظاهرگرایی و مادیگرایی نهادینه، و تزویر و دینفروشی نهادینه. دیگری دست کم برای تن ندادن و تسلیم نشدن به همه این آلودگیها و بخشی از چرخه بازتولید آنها نشدن و آنها را توجیه نکردن. این توصیف میرحسین در بیانیه نهم بسیار راهگشا ست:

«در ابتدا هدف همه ما از شرکت در انتخابات آن بود که عقلانیت دینی به فضای مدیریت کشور بازگردد، لیکن در میانه مسیر به اهدافی بسیار بلندتر هدایت شدیم.امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکار ناپذیر مردمی تبدیل شده است. در هر قدمی در آینده تجربه تلخ و مشروعیت زدای جریانات اخیر باید پیشاروی ملت باشد و نباید هیچ فرصتی برای روشنتر شدن ابعاد این دروغ و تقلب بزرگ و پیآمدهای تلخ آن از دست برود.»

همراهان جنبش سبز به عنوان جنبشی ضد تقلب و تغلب، نمیتوانند با کسانی که بنیان سیاست شان فریب و دروغ است همراه شوند و در دامشان گرفتار آیند و بازی آنها را گرم کنند. به قول میرحسین «اگر معلوم بود کدام گروه راستگو هستند که شب فتنه به پایان میرسید. در عین حال این قدر معلوم است که راستگویان دروغ نمی گویند. کسانی که در مبارزه سیاسی اصلی ترین شیوه شان دروغ گفتن است حتما راستگو نیستند؛ ای جماعت مومنان! تقوا کنید و از دروغگویان پرهیز کنید. روزگار شبهه و تاریکی هم مرتفع خواهد شد. حتی در تاریکترین شب فتنه، دروغ بین و آشکار و افترا و تهمت و بهتان را نمیتوان به جای حق گرفت.»

همراهان جنبش سبز هریک میتوانند و مختارند در هر مقطعی از پویشهای جنبش سبز، راههای متنوعی بیازمایند. جنبش از این تنوع و تکثر آزمونها و خطاها نه تنها متضرر نخواهد شد، بلکه از آنها خواهد آموخت و مانند میرحسین موسوی خواهند دید که:

«پیروزی ما آن چیزی نیست که در آن کسی شکست بخورد. همه باید با هم کامیاب شویم، اگرچه برخی مژده این کامیابی را دیرتر درک کنند.»

بندیان آزاده ما، خصوصاً میرحسین، کروبی و زهرا رهنورد ضمیر گویای یک ملت اند و نماد استقامت ایشان در مسیر حق و عدل. ما امروز هم اگر بخواهیم فهم و تعبیر بصیرانه، عمیق و آینده نگرانه از تجربه جنبش اخیرمان علیه استبداد بدهیم، بازگویاترین تعابیر را در میان بیانیه های ایشان می یابیم. تا آن هنگام که ایشان دربندند مردم ما حجت موجهی دارند که خوی استبدادی حاکمان کنونی تغییری نکرده است. مردم می بینند راهشان جز از مسیر پایمردی بر حق و استقامت در مسیر سیاستی اخلاقی نخواهد گذشت، همان راهی که رهبران دربند و دیگر اسیران بی بصیرتی مستبدان رفته اند و بر آن استوار ایستاده اند. چگونه ممکن است حاکمیتی نظامی-امنیتی که خود را مساوی نظام می شمارد ضمیر ملتی را گروگان بگیرد و باز مردم را به مشارکت سیاسی فرابخواند؟ سنگینی این پرسش بر دوش نظامی سیاسی که از مسیر اخلاق و دین و قانون و ادب و مروت خارج شده است بسیار بیشتر است از سنگینی فشارهای بین المللی و تهدید و تحریم، چرا که اولی بنیان مشروعیت چنین نظامی را به چالش می کشد ولی دومی گذران امور را بر مردم دشوار میکند. و توجه به این سخن میر حسین که : «دادار از وفا به وعدهای که داده است عاجز نمی شود و راههایی پیش پای کسانی که برای او میکوشند میگشاید؛ راههایی امن، راههایی هموار، راههایی مستقیم که بدون تردید ما را به مقصد می رسانند. چرا به خداوند توکل نکنیم حال آن که راههایمان را به ما نشان داده است؟ و ما لَنا أن لانتَوَکلَ عَلَی اللهِ و قد هَدانا سُبُلَنا.»

در روزنامه کلمه چهارشنبه ۲۴ خرداد به مرور جنبش سبز به روایت بیانیه های میرحسین موسوی پرداختیم که اکنون قسمت دوم آن مطلب را در ادامه می خوانیم:

موسوی به مردم یادآوری می کند مردم ما می توانستند با بد بینی و ناامیدی حوادثی شبیه به آنچه را که در جریان انتخابات گذشته با آن روبرو شدیم پیشبینی کنند و به صحنه نیایند. او این به صحنه آمدن مردم به رغم همه سختی ها و سرکوبها را ناشی از همان "امیدی" می داند که "هسته درونی هویت ملی" ما را شکل داده است. به جوانان توصیه می کند اگر میخواهید ایرانی باقی بمانید از شعله امید در سینه های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست.

او می خواهد که دستانمان را به سوی یکدیگر دراز کنیم و خانه هایمان را قبله قرار دهیم. واجعلوا بیوتکم قبله. این بار هر شهروند محوری باشد برای یک فعالیت مفید سیاسی،اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منتظرتشویق و کمک دولتی که وجاهت خود را از دست داده است نباشد. موسوی به مردم یادآوری می کند که در چنین عرصه و زمانه ای مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود.

آنان که فرمان تیر می دهند و موسوی را متهم می کنند در برپایی آشوب و شریک جرم مرگ جوانانی که بیگناه به جرم حق خواهی به شهادت رسیدند، یادشان می رود اعتراضی که موسوی در پی آن بود آنقدر آرام و اصلاح طلبانه بود که حتی خردسالان و زنان باردار هم در آن نقش داشتند. در اعتراض و حرکت اصلاحی و اصولی ما هیچکس نباید صدمه ببیند.

مطالبه ملی؛ انتخابات بدون تزویر

موسوی صادقانه با مردم در میان می گذارد همه رایزنی ها که شد. افراد و گروههایی که رفتند و از او خواستند که "گذشت" کند. از نظر او حق و رای مردم اصل نظام و انقلاب است و کسی نمی تواند بر سر آن مصالحه و معامله کند. میرحسین دلسوزانه درخواست می کند توقف برخوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی و بازگشت کشور به فضای طبیعی سیاسی، اصلاح قانون انتخابات ، رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات، آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنهاو...او بر این باور است که "اصل نظام جمهوری اسلامی" مورد حمله بداندیشان قرار گرفته است.

دادگاه های فرمایشی؛ یادگار قرون وسطی

وقتی حکومت از لشکرکشی خیابانی فارغ شد برای تکمیل سناریو خود با دادگاه های فرمایشی سعی کرد حداقل طرفداران خود را راضی کند که این همه سخت گیری و خشونت به چه منظوری انجام شده است.

میرحسین برپایی این دادگاه ها را چیزی جز سقوط اخلاقی و بی اعتباری صحنه گردانان نمی داند.

سه ماه بعد از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری، موسوی در بیانیه تفصیلی راهکارهایش را ارائه می دهد و می گوید مشکلی که بعد از انتخابات ایجاد شد در یک " فرآیندی منصفانه و بیطرفانه" قابل پیشگیری و کنترل بود ولی با "بی تدبیری ،یورش تبلیغاتی رسانه های دولتی و حمله نیروهای امنیتی رسمی و غیررسمی به تجمعات آرام و مسالمت آمیز مردم" به انشقاق، ابهام و اختلاف عمیق و گسترده اجتماعی منجر شد.

موسوی پیامد بلافصل وضعیت ایجاد شده را گسسته شدن رشته های اعتماد میان مردم و حکومت می داند که مشروعیت یک نظام سی ساله را هدف قرار داده است.

راه سبز امید

او راه سبز امید را برای رسیدن به سرمنزل مقصود پیشنهاد می کند. راهی که از پیش از انتخابات آغاز کردید و همچنان با عزم های استوار در آن گام می زنید. او از "راه" می گوید نه "مقصد" تا توفیق‌هایی که در هر مرحله به دست می آوریم پایان کار ندانیم و همواره نگاه به کمالی برتر بدوزیم.

ادامه دارد

تاکید دوباره مادر سهراب اعرابی

از خون فرزندم به شرط آزادی زندانیان و رفع حصرها می گذرم

برگزاری مراسم یابود شهدای جنبش سبز در بهشت زهرا با حضور گسترده نیروهای امنیتی همراه بود.

در این برنامه که در سومین سالگرد کشته شدن اولین شهدای جنبش سبز در ۲۵ خرداد برگزار شد، خانواده های ندا آقا سلطان، اشکان سهرابی، سهراب اعرابی، یوسف زاده و تعداد دیگری از خانواده ها و نزدیکان قربانیان سرکوب های پس از انتخابات ۸۸ حضور داشتند.

مادر شهید سهراب اعرابی که با گذاشتن گل بر مزار یکایک شهدای سال ۸۸ یاد آنها را گرامی میداشت و از مردمی که ابراز همدردی می کردند نیز با توزیع شیرینی پذیرایی و قدردانی می کرد، به توزیع شیرینی بین نیروهای امنیتی هم پرداخت و به آنها گفت: ما هموطن هستیم و باید یکدیگر را تحمل کنیم.

پروین فهیمی می گوید: این شب ها و روزها بسیار به ما سخت می گذرد. این مادر سبز همچنان تاکید دارد: به شرطی از خون فرزندم می گذرم که همه زندانیان سیاسی آزاد شوند و حصر رهبران جنبش سبز و خانم زهرا رهنورد برداشته شود.

با شهدای سبز

کیانوش آسا

۲۵ ساله ، متولد کرمانشاه، وی دانشجوی ترم چهارم کارشناسی ارشد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه علم و صنعت ایران بود. جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در میدان آزادی تهران ناپدید شد و روز ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ در سردخانه پزشکی قانونی توسط خانواده اش شناسایی شد. آسا در اثر اصابت دو گلوله توسط لباس شخصی ها کشته شد. طبق اظهارات شاهدان عینی کیانوش تنها بر اثر اصابت یک گلوله به پهلویش زخمی شده بوده ولی هنگام تحویل جسد یک گلوله نیز به گردن وی اصابت کرده بود.

همراهان سبز

جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه های تهران ضمن روزه داری در حمایت از روزه سیاسی مهدی محمودیان، زندانی سیاسی، مراسم افطاری برگزار کرده و خواستار پایان حصر رهبران جنبش سبز و آزادی زندانیان سیاسی شدند.

خبر

محمد نوریزاد، جهادگر و مستندساز منتقد توسط عده ای بازداشت و پس از ساعت ها نگهداری در یک انفرادی در محلی نامعلوم ساعت یازده و نیم شب در یکی از خیابان های تهران رها شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۵ چهار شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: افتخار واقعی به شرکت خودجوش مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد و مراسم‌های بعد از آن است و نه راهپیمایی‌های مهندسی‌شده و یا احیانا اجباری با این‌همه هزینه و فضای امنیتی و ارعاب.

راه سبز؛ مسیر عقلانی

سرمقاله

میرحسین موسوی بارها تاکید دارد که راه سبز ما یک مسیر عقلانی است. او این مسیر عقلانی را یک "بشارت" می داند زیرا نشان می‌دهد که ما تا انتها بر سر خواسته‌های خود مستحکم خواهیم ایستاد. موسوی حکیمانه یادآوری می کند "تند روی و رفتارهای افراطی" راه را برای تفریط باز می کند. او عرصه سیاست خارجی را مثال مناسبی برای این افراط و تفریط می داند که چگونه مناسبات بین‌المللی کشور به اغراض تبلیغاتی آلوده شد و از خردورزی و متانت کناره گرفت. او نتیجه این امر را معامله مصالح مردم می داند. شاید بهترین نمونه در این میان مساله هسته ای جمهوری اسلامی باشد که به یک موضوع رسانه ای و جنجالی تبدیل شده و صرفا تحریم را برای ملت به همراه آورده است. موسوی دستاورد دولت در موضوع هسته ای را نه یک موفقیت که عقب گرد می داند. او که از مدیریت در عرصه سیاست خارجی گلایه مند است و بر این باور پا می فشارد که دولتمردان با گشاده‌دستی از حقوق ملت عقب نشستند. آنها نشان دادند که حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراط‌گرند. برای او که سالها مدیریت سیاست خارجی را عهده دار بوده است نتیجه "افراط و تفریط‌های دولتمردان" را زمینه اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم‌ها و فشارهای بیشتر به ملت می داند. موسوی خردمندانه می خواهد از این تجربه درس بگیرد و از مردم می خواهد که دچار افراط نشده و به آنان بشارت می دهد مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. این سیاستمدار مردمی مثل همیشه نگران "مصالح کشور" است. او نمی خواهد کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند. او مردم را "صاحبان اصلی کشور" می داند و درخواست دارد که ساختن فردا را باید از امروز آغاز کنیم. باید برای فردا چنان مهیا باشیم که اگر همین فردا از راه رسید یکه نخوریم. باید هریک از ما مردم نه فقط نقش پیشوایی که مسئولیت آن را نیز بر عهده خود احساس کنیم.

اجرای قانون اساسی؛ راهبرد کلیدی

از نظر این نخست وزیر دوران جنگ اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. او چنین راهبردی را نورافکن مسیر عقلانی جنبش سبز می داند که به رهروان این راه کمک می کند در تاریکی قدم نگذارند و میراث‌های به جا مانده از مبارزات نسل‌های پیشین را به هیچ تقلیل ندهند. موسوی به واقعیت دوگانه ای که در کشور جاری است می پردازد. "ساختار ظاهری" که هرگز تمام آن چیزی، بلکه قسمت اصلی آن چیزی نیست که در جامعه واقعیت دارد. بخشی که دولت و حکومت در پی ترسیم آن است. زندانیان سیاسی، دادگاههای فرمایشی و برخوردهای توهین آمیز با خانواده های زندانیان. اما بخش اصلی این واقعیت زندگی‌های ماست. نگاه مردم به این ماجرا و معنایی که آنان به این رویدادها می دهند. از منظر این سیاستمدار تقابلی میان این دو وجود ندارد؛ یکی هست و دیگری نیست، زیرا این زندگی‌های ماست که به هر امری در نظم ظاهری جامعه معنا می‌بخشد. موسوی تاکید دارد که در این مدت نظم ساختگی بر جامعه حاکم بود و لی مردم با تغییر معنا دادن به آن از راه زندگی‌هایمان صحنه جامعه را تغییر دادند. از نظر او نیازی به شکستن این نظم نیست، همین که مردم با اراده خود به این زندگی ها جهت می دهند برای حرکت در مسیر سبز کافی است.

شکست مذاکرات و آغاز تحریم‌های تازه

آخرین خبر

تلاش ها برای جلوگیری از شکست مذاکرات در مورد پرونده هسته ای ایران میان دیپلمات های ایرانی و نمایندگان شش قدرت دنیا نتیجه نداد و اکنون به نظر می رسد اجرای تحریم های جدید علیه ایران از کمتر از ۱۰ روز بعد، قطعی است. فعلا هم قراری بین دو طرف برای ادامه مذاکرات در سطح فعلی گذاشته نشده و صرفا قرار استانبول برای مذاکره در سطح کارشناسان فنی تعیین شده است.

۱۰۰ میلیارد تومان هزینه برای متنفر کردن مردم از دین

سلب امنیت از مردم، به نام طرح امنیت اجتماعی

پروژه امنیت اجتماعی اثرات سوء دارد و تامین کننده اهداف نظام ما نیست و همه مسایل اجتماعی با تکیه بر مزیت‌های ما در اعتماد به جوانان و زنان باید تهیه شود و به صورت آمرانه و خشن هر نوع برخوردی که داشته باشیم آثار مثبتی نخواهد داشت. (میرحسین موسوی)

با گذشت بیش از سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی و ناکامی در ارائه یک الگوی مناسب در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر از گاهی با ادعای برقراری امنیت اجتماعی، لشکری از ماموران انتظامی راهی خیابان ها می شوند و با ارعاب و تهدید و با اهانت و هتاکی به خانواده ها می خواهند الگوی " رفتار و پوشش اسلامی" را به جامعه معرفی کنند.

طرح امنیت اجتماعی از دستاوردهای دولت احمدی نژاد است که طی آن نیروی انتظامی در تفسیری شخصی انواع پوشش های متعارف ورنگ های مقبول جامعه را با عناوین مجرمانه بدون مستند قانونی، ممنوع و از مصادیق جرم تلقی می کند و اقدام به برخوردهای خشن و غیرقانونی با شهروندان می کند. ماموورانی که برای دختران و زنان و جوانان به راحتی مشکل تراشی کرده و چشم بر جنایات و تخلفات بزر گ، ناامنی ها اجتماعی، تجاوز به عنف، گسترش بی رویه مواد مخدر و الکل و ده ها ناهنجاری دیگر بسته و تمام مشکلات جامعه در پوشش زنان و جوانان خلاصه کرده اند.

طرحی که با بیش از یک صد میلیارد از بودجه ملی و بیت المال مسلمانان اسباب نارضایتی و تنفر جوانان و مردم را از شعایر دینی و سنن مذهبی ایجاد کرده و بر فاصله عمیق دولت ملت می افزاید.

طرح امنیت اجتماعی به عنوان اهرمی در دست صاحبان قدرت همه ساله خسارت های عظیمی به کشور وارد می کند. این خسارت ها علاوه بر لشکر کشی خیابانی ماموران انتظامی، بودجه کلانی که صرف بازداشت های موقت و کاغذ بازی های نامتعارف و امضای ضمانت نامه و توبه نامه و .... می شود، نیروی انتظامی را از رسیدگی به وظیفه اصلی خود که ایجاد امنیت اجتماعی و فراهم کردن فضایی برای آزادی عمل شهروندان است، بازداشته و ماموران این نیرو به عنوان عوامل وحشت به ناامنی و ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان دامن می زنند.

کافی است چند ساعتی مهمان خیابان ها باشید تا شاهد برخورد ماموراني باشید که به عنوان اجرای احکام خدا، حکم مسلم الهی را زیر پا گذاشته و به بهانه امر به معروف، مرتکب ده ها منکر شده و اسباب هتک حرمت مسلمانان را فراهم می آورند.

پیام یار نلسون ماندلا به ایرانیان

دزموند توتو، اسقف اعظم آفریقای جنوبی، برنده صلح نوبل و از همراهان نلسون ماندلا در جنبش ضد آپارتاید، در پیامی به مناسبت سومین سالگرد تولد جنبش سبز، این جنبش را الهام بخش تغییرات بی سابقه در منطقه دانست و ایرانیان را به ادامه این راه فراخواند.

وی از حاکمان ایران خواست زندانیان سیاسی را آزاد کنند و از رهبران مذهبی ایران نیز خواست که با زندانی کردن، شکنجه و جنایت تحت لوای دین مخالفت کنند.

حمایت حزب حاکم فرانسه از جنبش سبز

حزب سوسیالیست فرانسه در پاسخ به پیام تبریک اردشیر امیر ارجمند به فرانسوا اولاند به خاطر پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، با تاکید بر تقویت روابط فرانسه با ایران بر پایه صلح، دموکراسی و حقوق بشر؛ به ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران پرداخت و بار دیگر بر لزوم آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی تاکید کرد.

این حزب تاکنون بارها خواستار آزادی زندانیان سیاسی به ویژه رهبران جنبش سبز، موسوی، کروبی و رهنورد شده است.

سخنی با آیت الله مهدوی کنی

جناب آقای مهدوی کنی، ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری

در روزنامه کیهان از قول شما نوشته شده بود: «تعبیری که من از نظارت بر عملکرد رهبری دارم این است که نظارت بر عملکرد رهبری به معنای جلوگیری از حوادثی است که موجب تضعیف ایشان می شود.»

در قانون اساسی به صراحت پیش بینی شده ولی فقیه به دلایلی که در قانون ذکر شده ممکن است عزل شود، اگرچه این احتمال بسیار بعید باشد. اما چون ممکن است روزی ضرورت پیدا کند، قانون برای این امر مهم که موضوع رهبری جامعه اسلامی است، تکلیف را روشن کرده و آن را به عهده مجلس خبرگان گذاشته است.در قانون اساسی، شأن و موقعیت ولی فقیه بطور کامل لحاظ شده است. همچنین به شرایط عزل رهبری اشاره شده است: «هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصدونهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل یکصدوهشتم می باشد.» (اصل ۱۱۱)

با شهدای سبز

ندا آقاسلطان

در جریان اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در محله امیر آباد تهران به ضرب گلوله نیروهای بسیج شهید شد و تحت تدابیر شدید امنیتی در قطعه ۲۵۷ ردیف ۴۱ شماره ۳۲ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

انتشار فیلم کوتاهی از لحظات جان سپردن وی که با تلفن همراه گرفته شد، بازتاب‌های فراوانی در رسانه‌های جهان به دنبال داشت به نحوی که جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا قتل او را صحنه‌سازی و توطئه مخالفان دولت نشان دهد.

زندانیان سیاسی

* نرگس محمدی که در ملاقات با خانواده، صورتش کبود بوده گفته در زندان هر روز فلج می شوم.
* علیرضا رجایی، فعال ملی ـ مذهبی توسط دادگاه انقلاب به تحمل چهار سال حبس دیگر محکوم شد.
* محمدرضا معتمدنیا، زندانی سیاسی محبوس در اوین با پایان یافتن دوران حبس خود آزاد شد.
* میکائیل عظیمی از شاگردان شهید هدی صابر برای اجرای حکم ۲ ساله به زندان اوین رفت.
* با تمام شدن حکم سه سال محکومیت عیسی سحرخیز وی بر خلاف روند جاری آزاد نشده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۶ شنبه ۳ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما می گوییم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است.

افشاگری متقابل دولتی‌ها و لاریجانی‌ها

سرمقاله

در حالی که مفاسد اقتصادی تیم احمدی نژاد هر روز ابعاد تازه تری می یابد، بر دامنه اختلاف سه قوه نیز افزوده شده و هر روز و هفته گروهی از محافل حامی یک طرف به افشاگری علیه طرف دیگر می پردازند. این افشاگری ها در حالی صورت می گیرد که رسانه های حامی دو طرف نیز میدان دار شده و به اعلام مواضع طرفین می پردازند. در این میان شاید نقش سایت نزدیک به احمد توکلی، پسرخاله لاریجانی ها، بیش از بقیه خودنمایی می کند. این نماینده مجلس از تهران، احمدی نژاد و دولتش را متهم کرده است که انتشار اسناد مربوط به زمین خواری برادران لاریجانی، از سوی دولت صورت گرفته است. احمد توکلی که در انتخابات دهم از حامیان احمدی نژاد بود و در تخریب نیروهای انقلابی و دلسوز نظام طی سه سال گذشته از هیچ کوششی دریغ نکرده است، اینک اما مدعی است که سابقه تیم احمدی نژاد نشان می دهد برای "تحصیل منافع شخصی" حاضر به هر اقدامی از" تهدید و تطمیع تا مظلوم نمایی و افشاگری نمایی" است. او تیم دولت حاکم را "جریان فاسد مظلوم نما" می خواند. مقامات قضایی کشور ادعا کرده اند که در بحث اختلاس بزرگ و بیمه ایران، بنا دارند بدون ملاحظه جایگاه سیاسی افراد به مجازات خاطیان بپردازند. بر همین اساس، نام مدیران ارشد احمدی نژاد بارها در رسانه ها مطرح شده و آنان متهم به رشوه و اختلاس و دخل و تصرف در اموال بیت المال و ...شده اند. این مساله انتقاد رییس هیات دولت را در پی داشت. احمدی نژاد که طی هفت سال گذشته بارها همگان را تهدید به افشاگری کرده، و حتی بدون سند و مدرک مقامات بلندپایه کشور را به فساد مالی متهم ساخته است، متهم کردن مردانش را خلاف قانون اساسی و حقوق شهروندی دانسته و خواستار توقف روال دادگاه ها شده است. درخواستی که نه تنها نادیده گرفته شد، بلکه خط و نشان کشیدن های صادق لاریجانی، قاضی القضات را هم در برداشت. اما در واکنش، یکی از سایت ها اسنادی از زمین خواری برادران لاریجانی منتشر کرد. اسنادی که بی شباهت به افشاگری های احمدی نژاد و تهدید های وی طی چند سال گذشته نیست. جواد لاریجانی متهم است که سالها پیش اقدام به تصرف غیرقانونی زمین های عمومی کرده است. گفته شده که وی در روستای مبارکیه در بخش جواد آباد، شهرستان ورامین حدود ۲۵۰۰ هکتار از زمین های محلی را که "زمین های روستا و زمین های منابع طبیعی" بوده اند، به تصرف خود در آورده و در این زمین ها ۱۲ حلقه چاه غیر مجاز عمیق هم حفاری کرده است و با اعمال نفوذ اجازه نداده است که دولت های هشتم و نهم و دهم این زمین ها را به صاحبان واقعی آن که بیت المال است بازگردانند.

در همین حال، در یکی از اسنادی که اخیرا با مهر وزارت کشاورزی درباره "تصرفات اراضی ملی و تخریب منابع طبیعی توسط آقای محمدجواد لاریجانی" منتشر شده، آمده است: «نامبرده در چند نوبت و بدون اخذ مجوز قانونی به تصرفات عدوانی در بیش از ۳۴۲ هزار هکتار از اراضی ملی ورامین، نگهداری دام‌های غیرمجاز (۹۰۰ راس گوسفند و ۲۰۰ نفر شتر) و ...» اقدام کرده است.

واقعیت این است که احمدی نژاد مدتهاست رسما با برادران لاریجانی وارد جنگ شده و به این ترتیب سعی دارد با دادن نشانه هایی آنان را وادار کند که از رسیدگی به پرونده معاون اول فاسد خود دست بردارند و علی لاریجانی در مجلس جلوی افشاگری بیشتر در این خصوص را گرفته و صادق لاریجانی جلوی قضایی شدن مسئله را بگیرد.

در پرونده فساد رحیمی که اولین بار توسط الیاس نادران در مجلس فاش شد، احمدی نژاد تا امروز در چند مرحله سعی کرده است که جلوی رسیدگی به آن را بگیرد. گفته شده که وی بعد از افشاگری نادران، در دیداری با رهبری به وی گفته است که تمامی این پولها در ستاد انتخاباتی وی هزینه شده است تا بدین ترتیب رهبری را متقاعد کند که پرونده رحیمی پیگیری نشود.

درخواست سید مصطفی تاج زاده از آیت‌الله موسوی اردبیلی

در مقابل استبداد دینی ایستادگی کنید

مصطفی تاج زاده زندانی سیاسی در نامه ای خطاب به آیت الله موسوی اردبیلی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت کشور از این مرجع تقلید خواسته است تا با انجام رسالت تاریخی خود مقابل استبداد دینی بایستد.

این نامه با اشاره به تجربه انقلاب اسلامی ایران، تقویت افکار فرقه گرا- حذفی، تکفیری در جوامع مسلمان را باعث وقوع هرج و مرج و جنگهای داخلی خوانده و این سوال را مطرح می کند که «مگر انقلاب اسلامی هویتی انسانی و باز نداشت اما به دلایل گوناگون، اکنون شاهد حاکمیت تنگ نظرانه ترین و دشمن تراش ترین قرائت ها از اسلام، انقلاب، تشیع، جمهوی اسلامی و ولایت به طور عام و ولایت فقیه به طور خاص در آن هستیم؟» او پرسیده است: چطور می توان در جهان معاصر این خفت را تحمل کرد که به نام اسلام و انقلاب اسلامی و در حقیقت برای حفظ قدرت مطلقه فردی، روحانیت شیعی که بزرگترین افتخارش حمایت از مردم در برابر زورگویی حاکمان در طول تاریخ بوده است، اکنون در آزادی کشی از نظامیان حاکم بر «میان مار» (برمه) بسته تر و مستبدانه تر رفتار نماید. آنان به حبس خانگی رهبر مخالفان خود پایان دادند تا به همراه هم فکرانش در انتخابات شرکت و با کسب رأی اکثریت هم وطنانشان به مجلس راه یابند اما متأسفانه در نظام جمهوری اسلامی برآمده از مردمی ترین انقلاب بشر، انتقاد به رهبر با محروم شدن از حقوق اساسی همراه است! از نگاه نگارنده « پرهیز اقتدارگرایان ایرانی از کاربرد واژه «بهار عربی» و اصرار بر «بیداری اسلامی» خواندن جنبش های اخیر از ضدیتشان با دموکراسی ناشی می شود.»

او تاکید دارد : امروز رهبران حکومت در ایران نمی توانند با وجود کهریزک به گوانتانامو انتقاد کنند. آیا می توان با وجود نظارت استصوابی – نظامی در ایران، به حذف نامزدها در مصر اعتراض کرد؟ تاجزاده با اعلام اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران، از صدر تا ذیل نمی تواند به عدم صدور مجوز برای تأسیس حسینیه در قاهره اعتراض کند زیرا در تهران به اهل سنت ایرانی اجازه دراختیار داشتن مسجدی ویژه خود نمی دهند. این نکته را یادآوری کرده که چنین پشتیبانی مطلق و همه جانبه از بشاراسد که استبداد سنتی را با دیکتاتوری مدرن جمع کرده می رود ایرانیان و شیعیان را در مقابل اکثریت قاطع اهل سنت قرار دهد و فجایع بزرگی را خلق کند.

متن کامل نامه را در سایت کلمه بخوانید.

اعتصاب غذای اعتراضی نسرین ستوده

نسرین ستوده وکیل زندانی در پی ممانعت مسوولان زندان از ملاقات حضوری او با فرزندانش تصمیم به اعتصاب غذا گرفته است. خانم ستوده که دارای دو فرزند خردسال است، به دستور مسوولان امنیتی از ملاقات حضوری با فرزندانش محروم شده است. همچنین مادر بیمار و برادر خانم ستوده اجازه ملاقات با او را ندارند و مسوولان دادستانی با ممانعت از ملاقات او با نزدیکانش وی را تحت فشار قرار داده اند.

جان نرگس محمدی درخطر است

کمیته گزارشگران حقوق بشر طی اطلاعیه ای با ابراز نگرانی جدی نسبت به شرایط نرگس محمدی درباره در خطر بودن جان این فعال حقوق بشر زندانی هشدار داد.

در این بیانیه با اعلام اینکه بیماری"فلج عضلانی" وی اخیرا در زندان تشدید شده و در آخرین ملاقات او با خانواده، توانایی تکلم و راه رفتن خود را از دست داده است، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی شده است.

کبودوند خواستار استعفای رییس دستگاه قضایی شد

محمدصدیق کبودوند رییس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در ادامه اعتصاب غذای خود در زندان طی نامه ای خطاب به صادق لاریجانی خواستار استعفای وی شد و او را به قبول امام جماعت و ایراد سخنرانی های آتشین سیاسی فرا خواند.

او در این نامه توجه رییس دستگاه قضاء را به رفتارهای خلاف قانون، افزایش خشونت ها و شکنجه ها و افزایش بی دادگری ها و صدور بی رویه احکام غیر عادلانه در دوره چند ساله مدیریت وی جلب کرده و گفته است: از سخنرانیها و گفتگوهای چندساله اخیر شما پیداست که به عنوان سیاستمداری طرفدار خشونت و سرکوب شناخته شده اید .

محمدصدیق کبودوند خطاب به لاریجانی می نویسد:

بخش عمده ای از دستگاه تحت مدیریت زیر نام دادگاه های انقلاب اسلامی، دربست در اختیار دستگاه امنیتی کشور قرار دارند و قضات بارها اقرار کرده اند که بدون اذن و اجازه بازجویان وزارت خانه امنیتی متصل به قوه اجرایی نمی توانند قلم بر روی کاغذ بیاورند.

با شهدای سبز

رامین رمضانی

۲۲ ساله در جریان تظاهرات ۲۵ خرداد ۸۸ به ضرب گلوله در میدان آزادی شهید شد، جنازه ی رامین که چند روز قبل از جان باختن به عنوان مرخصی از محل خدمت سربازی‌اش به تهران آمده بود، پس از یک ماه پیگیری درست در روز تولد ۲۲ سالگی‌اش در حالی به خانواده‌اش تحویل داده شد که سه گلوله پیکر وی را سوراخ کرده و ریه و کلیه او را از بین برده بود.

زندانیان سیاسی

* آرش رهایی مهر،عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه آزاد برای دوران محکومیت به اوین رفت.
* افتخار برزگریان که برای ادامه حکم به زندان فرخوانده شد، از ملاقات و تماس تلفنی محروم است.
* سید عماد هاشمی از فعالین دانشجویی دانشگاه شهرکرد به اداره اطلاعات اصفهان احضار شده است.
* حسین رونقی با وجود هشدار پزشکان مبنی بر نیاز وی به مراقبت های ویژه به اوین بازگردانده شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۷ دو شنبه ۵ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: هنوز دیر نشده است. هنوز می‌توان اطمینان آسیب‌دیده‌ی مردم را بازسازی کرد؛ امنیت نظام ما در گرو چنین کاری است. فرزندان انقلاب را از زندان‌ها آزاد کنید. حبس آنان جز تغذیه‌ی غریزه‌ی فرافکنی در وجود شما فایده‌ای ندارد.

پانصد روز مقاومت پرافتخار

سرمقاله

پانصد روز از حصر خانگی رهبر جنبش سبز گذشته است. این هفته که به پایان برسد، عدد روزهایی که میرحسین موسوی و زهرا رهنورد و مهدی کروبی در بازداشت خانگی بوده اند، از ۵۰۰ فراتر می رود. پانصد روز است آنها از ارتباط با مردم محروم شده اند، از بسیاری از خبرهای روز کشور و جهان دور نگه داشته شده اند، تحت فشارهای خانوادگی و روحی و جسمی شدیدی قرار گرفته اند که سالها باید بگذرد تا جزئیات آنها برای افکار عمومی بازگو شود، و دستگاه امنیتی هر تلاشی توانسته و هر ترفندی بلد بوده به کار بسته تا بتواند آنها را از راه خود منحرف کند؛ و البته نتوانسته است.

همچنان که ایده بنیادی و مرام بی تغییر جنبش سبز را شاید بتوان در واژه هایی همچون امید و آگاهی و رهایی خلاصه کرد، اگر بتوان این پانصد روز را هم در دو کلمه خلاصه کرد، احتمالا این کلمات خواهند بود: مقاومت و افتخار. به واقع میرحسین و همه همراهان بزرگ و کوچکش در راه سبز امید، در این ۵۰۰ روز توانستند از سویی مقاومت و ایستادگی و از سوی دیگر افتخار و سربلندی را به نمایش بگذارند. دست و پا زدن مدعیان دروغ پرداز برای اعلام چندباره و بی حاصل اینکه جنبش مرده است، نیز نتیجه ای جز این نداشت که هر بار زنده شدن مرده را ببینند و هر سال و ماه از برپایی و سرافرازی آن بر عصبانیت خودشان بیفزایند. جنبش سبز به این معنا ماند و پیروز هم شد؛ حتی اگر ارباب قدرت چشم دیدنش را نداشته باشند، و این ۵۰۰اگر ۵۰۰۰ روز هم شود، چیزی از این مقاومت و افتخار کم نخواهد شد. حتی هیچ نشانه ای اگر برای پیروزی جنبش سبز نبینیم، همین دروغهایی که هر از چندی در رسانه های وابسته منتشر می شود، بهترین نشانه بر حیات موثر و پیشتازی جنبش سبز است. دروغهایی که آخرین موردش را چند روز قبل درباره زهرا رهنورد شاهد بودیم و حتی انتشار این مطلب در دفاع از شخصیت اجتماعی او نیز اسلحه به دستان زورگو را عصبانی کرد. هرچند، صدها چون این عصبانیت ها ارزشی ندارند وقتی در برابر پیام «خسته نباشید» میرحسین قرار می گیریم که ما را همچون خود به ادامه این راه دشوار فرا می خواند. این منظره، حتی زورگویان امنیتی را هم به اعتراف واداشته که جنبش سبز همچنان به فتح گام به گام جبهه های اخلاقی و ایمانی ادامه می دهد و فاسدان و دروغگویان را به عقب می راند، تا روزی که نوبت به دست کشیدن نهایی آنها از قدرت و زانو زدنشان در برابر مردم برسد. اما مگر کسی می تواند رسوایی دولت دروغ و حامیان بدکردارش را انکار کند؟ و مگر کسی مانده که نفهمیده باشد میرحسین بعد از بیست سال سکوت، چه فساد عمیقی را رخنه کرده در حاکمیت جمهوری اسلامی دید که کمر همت بست و به صحنه آمد و از راهی که شروع کرده بود هم باز نگشت و تا حالا هم همچنان مانده؟ مگر کسی می تواند انکار کند که آگاهی مردم درباره مشکلات ساختاری و اخلاقی نظام حاکم، نسبت به سه سال پیش به مراتب گسترده تر شده؟ مگر افشای فسادهای حاکمیت و پشیمانی یک به یک حامیان دیروز دولتمردان دروغ و فریب، کم نتیجه ای است؟ و مگر اینها و چندین چون اینها، همگی از نشانه های پیروزی جنبش سبز نیست؟ ما خسته نشده ایم. سه سال گذشته اما همچنان ایستاده ایم. دعوای ما کرسی قدرت نبوده که بخواهیم نرسیدن به آن را شکست بپنداریم و یا زد و بند سیاسی نبوده که به خاطر آن با حقیقت و صداقت هم بازی کنیم. دعوای ما اصولی بوده که تغییر نکرده و تا مادامی این نظام سیاسی با این شرایط باقی است و قصد دارد به همین رفتار ادامه دهد، ما هم پای اصلاح و جراحی آن ایستاده ایم. این یک پروژه سیاسی موقت نیست، یک راه است. یک سبک زندگی پیگیر سیاسی است. سبکی که صاحبان آن که آحاد مردم اند، تا دروغگویان ریاکار را رسوا نسازند و غاصبان مردم را از پا نیندازند، دست بردار نیستند. مشی ملتی است که به پشتوانه ۱۵۰ سال مبارزه، حرکت می کند. شأن این ملت بالاتر از آن است که کسی آنها را با الگوهای اخیر بهار عربی مقایسه کند. تاریخ معاصر گواهی می دهد آنها که زود رفتند نرسیدند و آنها که ایستادند جا ماندند. سبزها نه این اند و نه آن؛ آهسته و پیوسته در راه اند و آنقدر بر این در می کوبند تا باز شود.

احمدی نژاد؛ نماد تحقیر ایران و ایرانی

هفت سال از فعالیت دولت احمدی نژاد گذشته و در پی رو شدن دست او و افشای دروغ بودن وعده هایش، این روزها در عرصه سیاست خارجی نیز شعارها و ادعاهای سیاست مبتنی بر عزت که در تمام این سالها با خبررسانی های یکسویه توجیه می شد، رنگ باخته و این آخرین سنگر موهوم او یعنی سیاست خارجی عزت مندانه نیز در حال فروریختن است.

چند روز پیش محمود احمدی نژاد برای شرکت در اجلاس بین المللی توسعه و محیط زیست به برزیل سفر کرد، اما هیچکدام از مقام های دولتی برزیل به استقبال او نیامدند. در واقع هیچ مقام برزیلی در فرودگاه این کشور حاضر نشد. احمدی نژاد تنها مورد استقبال معاون خود و سفیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور قرار گرفت و این تنها تحقیر رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران در سفر اخیرش نبود.

در سفر اخیر نه تنها مقام های برزیلی به استقبال احمدی نژاد نیامدند، بلکه رئیس جمهور برزیل درخواست ملاقات احمدی نژاد را رد کرد. شهردار ریو دوژانیرو، رونمایی از یک ستون بدل ستون‌های تخت جمشید را که از سوی دولت ایران به این شهر اهدا شده بود، لغو کرد.

در مورد علت رد درخواست دیدار با احمدی‌نژاد توضیحی از سوی طرفین داده نشد.

اما منابع خبری گزارش دادند حضور رییس دولت ایران در کنفرانس ریو +۲۰ اعتراض شمار زیادی از تشکل‌های اجتماعی و مذهبی در برزیل را نیز برانگیخته بود که از دولت برزیل خواسته بودند احمدی نژاد در این کشور به عنوان عنصر نامطلوب شناخته شود.تظاهراتی نیز بدین منظور علیه سفر او در ساحل ریودوژانیرو انجام شد که در پلاکاردهای آن، احمدی نژاد "نماینده نفرت" خوانده شده بود. تظاهرکنندگان، لابد برای اینکه اوج عزت مردم ایران را به رئیس دولت آن یادآور شوند، پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که روی آن نوشته بود: ریو به احمدی نژاد خوشامد نمی گوید. آنها در پایتخت برزیل شعار می دادند: احمدی نژاد به برزیل نیا. البته پلاکاردهای دیگری نیز حمل می شد که روی آن نوشته بود: "ایرانی ها دوست تان داریم." اما تحقیرها از این هم بیشتر بود. همزمان با آغاز سخنرانی احمدی نژاد در نشست محیط زیست سازمان ملل، هیئت کانادایی جلسه را ترک و هیئت های آمریکا، استرالیا، انگلیس، و اتحادیه اروپا نیز سخنرانی احمدی نژد را بایکوت کردند.

به موارد تحقیر، باید مراسم بدرقه را نیز افزود که هیچ یک از مقامات رسمی برزیل شرکت نکردند و معدود عکس‌های منتشر شده در سایت رسمی دولت، نشان می دهد تنها برخی از نیروهای حفاظتی در برزیل به شکلی شرم آور – البته شرم برای ملت و نه احمدی نژاد – با او عکس یادگاری گرفته اند.

احمدی نژاد چهار سال قبل به دروغ ادعا کرد که ژاک شیراک از سید محمد خاتمی به خوبی استقبال نکرده و این مایه تحقیر ایران شده است. البته انتشار عکسهای آن استقبال کم سابقه، به سرعت دروغ احمدی نژاد را رسوا کرد. اما حالا باید این سوال را از احمدی نژاد پرسید که به راستی چه کسی مسبب تحقیر ایران است؟ و آیا استقبال از رئیس دولت ایران توسط سفیر کشور، در کنار بی اعتنایی توهین آمیز مقامات کشور میزبان، از موضع ضعف نیست؟

البته این سوال محدود به رئیس دولت نیست و رهبری حامی صددرصدی او نیز می تواند به این سوال پاسخ دهد؛ به رغم این همه شعار "بیداری اسلامی" و ادعای تکرار انقلاب و پیگیری تجربه جمهوری اسلامی در جنبش های اخیر کشورهای عربی، آیا پاسخ منفی محمد مرسی ریاست جمهور منتخب مردم مصر به درخواست ملاقات کاردار ایران، نشانه اوج عزت ملت ایران است؟

نامه نرگس محمدی به دادستان:

روایت مرگ تدریجی یک انسان

نرگس محمدی در نامه ای به دادستان تهران بر غیر قانونی بودن حبس خود در زندان زنجان تاکید کرد و با اشاره به وخامت حال خود، مسئولیت هر گونه اتفاق ناگوار در زندان را متوجه مسئولان دانست.

او که از بیماری حاد عصبی رنج می برد در نامه خود با تکذیب هر گونه درخواست برای انتقال به زندان زنجان ، محیط این زندان را استرس زا عنوان کرده و آورده است:

«مصرا و موکدا اعلام می کنم که چنین رفتارو اقدامی با من در واقع مرگ تدریجی من است که مسئولیت آن بامسئولین است.مسئولان محترم آگاهند نگهداری من درمحیط پراضطراب زندان به ویژه بندجرائم عادی (قتل،اعدام،موادمخدرو...) نوعی کشتن عمد است که مسئولیت مستقیم آن برعهده آنان می باشد.امیدوارم بنا نباشد که همچون شهادت هاله سحابی وهدی صابرکه گفته شد به علت گرمای هواواعتصاب غذابود! حادثه دیگری رخ دهد.

با شهدای سبز

امیرارشد تاجمیر

۲۵ ساله در هجوم خودروهای نیروهای انتظامی به میان مردم در میدان ولیعصر تهران در عاشورا مورد اصابت شدید قرار گرفت و سپس همان خودروها از روی بدن نیمه جان او رد شدند.

پیکر او در قطعه ۳۰۲، ردیف ۱۶۶، شماره ۷ بهشت زهرا ، سریع و با عجله به خاک سپرده شد

زندانیان سیاسی

*روح الله کلانتری، روزنامه نگار پیشکسوت پس از سه سال محاکمه از تمامی اتهامات خود تبرئه شد.
*با گذشت دو هفته از بازداشت امین زرگرنژاد، فعال سیاسی تبریز، هیچ اطلاعی از او در دست نیست.
*مصطفی تاجزاده که برای درمان خونریزی چشم به بیمارستان منتقل شده بود، با وجود نیاز به مراقبت به انفرادی بازگردانده شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۸ چهارشنبه ۷ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: این حق مردم است که ماهیت قطعنامه و تحریم های دیگری که در حال افزوده شدن به آن است بشناسند. باید آنها بدانند این تحریمها چه اثری بر سفره آنها و روی نرخ بیکاری و تورم و تولید و پیشرفت کشور و امنیت می گذارد.

تکبر فرعونی و استقامت موسوی

سر مقاله

شادمانی میلیون ها مصری، حاصل سال ها رنج، تلاش و استقامت زنان و مردانی است که سعادت دنیوی و اخروی خود را در آزادی از خودکامگی جستجو کرده اند. تلاش برای رسیدن به جامعه ای که انسان ها بتوانند در آن بدون هراس از نظامیان و سیاستمداران خودکامه، راه خویش برگزینند و سعادت خویش بجویند، بیش از هشتاد سال است که در سرزمینی که در دنیا با هیبت اهرام فراعنه اش شناخته می شود در جریان است. اخوان المسلمین، به عنوان یکی از باسابقه ترین و پایدارترین تشکل های مبارز در دنیای اسلام، در تاریخ خود فراز و نشیب های زیادی تجربه کرده است که از همه مهم تر، بازبینی مستمر و تصحیح خط مشی خود است. زمانی که معلوم شد شیوه مبارزه مسلحانه راه به جایی نمی برد، گروه های تندرو و خشونت طلبی همچون «التکفیر و الهجره» و «جهاد» را از خود راند و با توسعه شبکه های تعاونی و خیریه، شیوه مبارزه مسالمت آمیز را در پیش گرفت؛ الگویی که بعدها در ترکیه سرمشق اسلام گرایان جدید شد. امروزه، الگوهای مبارزه مدنی که همراه با به رسمیت شناختن تنوع و تعدد در جوامع، ضدیت با خشونت، تکیه بر خرده توان ها و شبکه های اجتماعی و بهره مندی از دستاوردهای انقلاب اطلاعاتی عصر حاضر است، در سراسر دنیای اسلام به عنوان تنها راه نجات و سعادت ملت ها شناخته شده است. مصر می رود که به نوبه خود راه های جدیدی برای دستیابی به جامعه ای آزاد و آباد به مردم تحت ستم منطقه نشان دهد؛ راهی که صد البته با شیوه حکمرانی خودکامگان در ایران که این روزها شاهد تلاش های سخیف شان در جهت مصادره جنبش های مدنی منطقه هستیم متفاوت و بلکه متضاد است. نظامیان مصر، همچنان که پیش از آنها نظامیان ترکیه، دریافته اند که حفظ جایگاهشان منوط به درجه همراهی آنها با تحولات و میزان انطباق پذیری شان با مطالبات مردم سالارانه کشورشان است. درسی که نظامیان ایران باید با جدیت در آموختن آن تلاش کنند تا بیش از این پیام های تبری جویی رهبران تونس، لیبی، بحرین و مصر از شیوه حکمرانی در ایران را دریافت نکنند؛ تا جایی که قائم مقام حزب الله لبنان را هم در مصاحبه با بی بی سی عربی بر استقلال حزب الله از قدرت ها و دولت های منطقه و اولویت منافع ملی لبنان تأکید ورزد.

سقوط شدید قیمت نفت، برخلاف پیش‌بینی مسئولان دولتی

تحریم های جدید نفتی و نگرانی از آینده

پنج روز مانده به موعد آغاز تحریم های نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران، سقوط آزاد قیمت نفت به نگرانی ها دامن زده و احتمال کاهش شدید درآمدهای کشور در هفته های آینده را پررنگ ساخته است. در همین حال رسانه های حکومتی با انتشار اخبار امیدوارکننده، سعی می کنند در این شرایط بحرانی، اعتماد به نفس خود را حفظ کنند و برخی مسئولان نیز با متهم کردن عربستان به دشمنی، تلاش می کنند تا نادرست از آب در آمدن پیش بینی های خود مبنی بر افزایش شدید قیمت نفت با آغاز تحریم های اروپا را تحت الشعاع قرار دهند. در حالی که مسئولان دولتی ایران همچنان امیدوار به تعلیق یا تعویق تحریم های نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران هستند که این اتحادیه تاکید کرده تحریم ها را از یکشنبه آینده آغاز خواهد کرد که به معنای توقف مطلق واردات نفت از ایران به ۲۷ کشور اروپایی و همچنین توقف کامل پوشش های بیمه ای اروپا برای محموله های نفتی ایران خواهد بود. تا حاکمیت بیش از پیش تحت فشار قرار گیرد؛ هرچند این فشارها به بهای زندگی دشوارتر از قبل برای مردم نیز تمام شود.

این در حالی است که این روزها آخرین پالس های خواهش گونه مسئولان دولتی برای اروپا ارسال می شود و در آخرین مورد وزیر نفت ابراز امیدواری کرد «اروپایی‌ها عاقلی کنند و این اتفاق نیفتد.» آمریکا نیز اعلام کرده از ۸ تیر دور جدید تحریم های نفتی را که شامل مجازات خریداران نفت از ایران می شود به اجرا بگذارد. همزمان کره جنوبی گفته از هفته آینده واردات نفت خود از ایران را به طور کامل تعلیق می کند. کره جنوبی، چین، ژاپن، و هند؛ عمده ترین واردکنندگان نفت ایران هستند و این احتمال وجود دارد ژاپن هم چنین تصمیمی بگیرد؛ هرچند آمریکا آن را از شمول تحریمها مستثنا کرده است. با این حال، صادرات نفت ایران در ماههای اخیر کاهش چشمگیری یافته است. این موضوع تاکنون از سوی مسئولان دولتی تکذیب می شد، اما اخیرا وزیر نفت به این واقعیت هم اعتراف کرد و با این حال گفت این رقم زیاد نیست!مسئولان ایران تاکنون پیش بینی می کردند که اگر اروپا به طور جدی به تحریم نفت ایران بپردازد، قیمت نفت به شدت بالا می رود. اما قیمت نفت ایران در سه ماه اخیر بیش از ۳۰ دلار کاهش یافته است. این اتفاق که خلاف پیش بینی دولتمردان بوده، آنها را واداشته تقصیر عدم تحقق پیش بینی ها را گردن عربستان بیندازند و از اوج‌گیری دشمنی این کشور با ایران صحبت کنند و از اقدام آن با عناوینی همچون «خیانت» و «دشمنی» یاد شده اما اشاره ای نشده همزمان، روسیه هم در کاهش شدید قیمت نفت ایفای نقش کرده است.

در این حال، وال استریت ژورنال پیش بینی کرده با ادامه روند فعلی تولید نفت، قیمت هر بشکه تا ۷۰ دلار کاهش یابد و برخی منابع دیگر تا ۵۰ دلار را هم ذکر کرده اند. در این شرایط بحرانی، خبرگزاری فارس تلاش کرد اعتماد به نفس را در هواداران سیاستهای بحران زای حاکمیت حفظ کند و همچنان بر طبل بی نتیجه بودن تحریمها و پیروزی نهایی سیاست فعلی ایران بکوبد.

این رسانه وابسته به سپاه که چند روز گذشته را با انتشار چند دروغ بزرگ سپری کرد– از جمله مصاحبه جعلی با محمد مرسی رئیس جمهور منتخب مصر و خبر مانور مشترک در سوریه–در حالی همه رسانه ها از کاهش شدید قیمت نفت خبر می دادند و مسئولان دولتی هم این وضعیت را نگران کننده می خواندند، تیتر زد: «نشست اتحادیه اروپا درباره تحریم نفت ایران قیمت نفت را بالا برد! در فارس بدون اشاره به کاهش ۳۰ دلاری قیمت نفت در سه ماه اخیر و کاهش ۱۵ دلاری در دو هفته اخیر، به افزایش ۷۳ سنتی هر بشکه نفت در پی اعلام قطعی بودن تحریم های اتحادیه اروپا اشاره شد!

اعتماد به نفس فارس به اینجا ختم نشد و به نقل از اداره اطلاعات انرژی آمریکا وعده داد قیمت جهانی نفت تا ۲۳ سال بعد به ۲۰۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید!

متهم رشوه گیری در راس مبارزه با مفاسد اقتصادی

دره بین

جلسات ستاد دولتی مبارزه با مفاسد اقتصادی، همچنان به ریاست محمدرضا رحیمی برگزار می شود.

معاون اول احمدی نژاد که خود در پرونده اختلاس بیمه ایران متهم به دریافت یک و نیم میلیارد تومان رشوه شده، در حالی همچنان به برگزاری جلسات موسوم به «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» ادامه می دهد که قوه قضاییه از احضار و پیگیری تخلفات او خودداری کرده و گفته می شود که تاکید رهبری مانع از محاکمه وی بوده است.

رحیمی در جلسه ستاد مذکور، نقشه راه این ستاد در مبارزه با فساد را فرمان هشت ماده ای رهبری در این زمینه دانست و گفت: «ستاد می تواند با تبعیت از آن با تمام ظرفیت در مقابل سوء استفاده گران و دست اندازان به بیت المال ایستادگی کند.»

می‌هراسند از شما در حصر هم خفاش‌ها

پیشنهاد

مجموعه یازده شعر صدیقه وسمقی برای جنبش سبز که با دکلمه شاعر و به همراه موسیقی در آلبومی با عنوان «دیده‌ام من که ماه می‌روید» گردآوری شده، برای استفاده و توزیع در سایت کلمه اختیار علاقه‌مندان است.

اولین شعر این مجموعه با عنوان «می‌هراسند از شما در حصر هم خفاش‌ها» به زهرا رهنورد، میرحسین موسوی و مهدی کروبی ، سه مظهر پایداری جنبش سبز ایران، تقدیم شده است.

زوج روزنامه نگار زندانی هم چنان محروم از ملاقات

مهسا امر آبادی روزنامه نگار دربند کماکان از ملاقات با همسر خود محروم است. این روزنامه نگار تنها خواسته اش انتقال همسر دربندش مسعود باستانی از رجایی شهر به اوین بود. مسعود باستانی پس از انتقال همسرش به اوین درخواست تماس تلفنی داده که با این درخواست موافقت نشد. دادستانی نیز به مادر باستانی گفته وظیفه ایی برای انتقال باستانی به اوین و یا اجازه ملاقات ندارند. دادستانی مرخصی را منوط به این دانسته خانواده آنها تعهد دهند فرزندشان متنبه شده و ضمن قطع بسیاری از معاشرت ها فعالیت های حرفه ای خود را هم متوقف کند.

اعتراض به «باج خواهی» و «گروگان‌گیری» دستگاه قضایی

عیسی سحرخیز، روزنامه نگار دربند در اعتراض به «باج خواهی» و «گروگان‌گیری» دستگاه قضایی در نامه ای سرگشاده به دادستان تهران نوشت:

«حصر بیمارستانی موجب شده است تا ماهیانه حدود سی میلیون ریال، تنها بابت هزینه‌های اقامت، استراحت و تغذیه ماموران مراقب، مشتمل بر روزانه یک پاسیار رسمی و دو سرباز وظیفه، بپردازم... از این پس به هیچ وجه حاضر به پرداخت پول زور نیستم، حتی در شرایط به خطر افتادن جانم به دلیل "ایست قلبی" یا "مرگ قلبی"... در شرایطی که حقوق بازنشستگی‌ام تنها تکاپوی پرداخت یک پنجم هزینه های بیمارستان ماموران مراقب را می‌کند.»

زندانیان سیاسی

*محمود باقری، عضو کانون صنفی معلمان ایران برای حکم نه و نیم سال حبس به زندان اوین رفت.
*جواد علیخانی، فعال دانشجویی محبوس در بند ۳۵۰ اوین، با پایان یافتن دوران حبس، آزاد شد.
*مهدی محمودیان، روزنامه نگار محبوس در زندان رجایی شهر کرج، به بیمارستان منتقل شد.
* بهمن احمدی امویی روزنامه نگار دربند را پس از احضار به سلول انفرادی این زندان منتقل کردند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۸۹ شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: باور کنید که استبداد ذاتا قبیح است و با دینداری غیر قابل جمع ست و شرّش از هر شرّ دیگری فزون‌تر است. این رذیلت را با فضیلت دفع کنید نه با رذیلت دیگر.

استبداد ایرانی

سر مقاله

علی مزروعی

در حدیث شریف از امام علی آمده است : " استبداد رای نداشته باش که هرکس استبداد رأی داشته باشد هلاک و نابود گردد." این گزاره که در احادیث دیگری مورد تاکید قرار گرفته است چه در حیات فردی و چه در حیات اجتماعی ما آدمیان صادق است، و ازاینروست که خداوند به پیامبر گرامی اسلام فرمان به مشورت در اداره امورجامعه را داده و اصل "شور و مشورت " را به عنوان یکی از اصول پایه در عرصه زندگی هر مسلمان قرار داده است. استبداد هلاکت و نابودی می آورد برای فرد و جامعه، اما اینگونه نیست این اتفاق به یکباره بیافتد بلکه در یک دوره زمانی و بصورت تدریجی شکل می گیرد تا جائیکه اجل سررسد و هلاکت محتوم شود. داستان ظهور و سقوط تمدنها و رژیم های سیاسی را از این منظر می توان زیر ذره بین نهاد و مطالعه کرد و به ویژه در کشورما که سنت استبدادورزی عادت غالب بر تاریخ و جامعه بوده است. غلبه " استبداد مطلقه " بر قالب حکمرانی در ایران و دیرپایی آن به رغم تلاشها و جنبش ها به ویژه در تاریخ معاصر باعث بروز بیماریهایی مسری و ریشه دوانده در جسم و روح ما شده که از آن به عنوان " خلقیات و روحیات ایرانیان " یاد می شود. پیروزی انقلاب اسلامی که قرار بود مهر باطلی براین بیماریها زند و آنها را درمان کند متاسفانه با بازتولید " استبداد مطلقه " آنهم در لباس دینی نه تنها مرهمی براین بیماریها ننهاده بلکه بر شدت و حدت آنها افزوده است. بیماری رایج استبداد ساختن آدم های دو یا چند شخصیتی است. از یکطرف آدم ها عقائد و ارزش ها و باورها و علائق و سبک زندگی خاص خود را دارند، اما از طرف دیگر حاکمیت استبدادی خواهان آدم هایی است که مطیع و منقاد قرائت رسمی و سبک زندگی مورد نظرش باشند و در این میانه غالب شهروندان چون نمی خواهند با حاکمیت استبدادی در افتند ناچار از داشتن دو یا چند شخصیت و بازی در چند نقش می شوند که پیامدش بیماری های دامنگیر دیگری همچون ریاورزی، دروغ گویی، چاپلوسی، حسادت، توطئه گری، تجسس و جاسوسی، سوء استفاده از موقعیت و ...در میان افراد جامعه می شود.در چنین عرصه ای آسیب پذیری های اجتماعی بالا می رود و اسباب سقوط و فروپاشی نظام استبدادی فراهم می شود. برای آنکه شدت « بیماری های استبداد » در جامعه کنونی ما اندازه گیری شود می شود به دهها شاخص در زمینه آسیب های اجتماعی و بصورت مقایسه ای با دیگر کشورها استناد کرد اما من فقط به یک شاخص استناد می کنم. اخیرا از قول مسئولان قوه قضائیه به این اشاره شده است که تعداد پرونده های قضایی درحال رسیدگی در این قوه در سال به بیش از هفت میلیون پرونده رسیده است و این به معنای این است که از هر هفت ایرانی دو نفر در گیر یک پرونده قضایی هستند و این درحالی است که در کشور ژاپن با جمعیتی دو برابر ایران تنها ۳۵۰ هزار پرونده قضایی در سال گزارش شده است! یعنی از هر ۳۷۱ نفر دو نفر درگیر پرونده قضایی اند، و البته این مقایسه فارغ از محتوای پرونده ها و دعاوی مطروحه در آنهاست. تصور بفرمائید چه حجم عظیمی از وقت و هزینه ما ایرانیان باید مصروف چنین موضوعی شود که ناشی از عملکرد خودماست و برآمده از حاکمیت استبدادی که مسبب بیماریهایی است که سرریزش در پرونده های قضایی نمود می یابد.

هنرمندی که بر مواضعش استوار است

پیشنهاد

حسین زمان، هنرمند سبز در یادداشتی کوتاه نوشت: اگر به دلایلی ارتباط من از طریق شبکه مجازی از جمله فیس بوک با شما عزیزان قطع شود بدانید که این خواسته من نیست. من به همه مواضعی که تا کنون داشته ام ایمان دارم و با اراده خود از آنها روی بر نخواهم گرداند. او که با انتشار کلیپی با عنوان "زندانی" در باره زندانیان سیاسی دوباره مورد استقبال مردم قرار گرفت، کلیپ خود را به "تمامی دوستان سبز دربند خود" تقدیم کرده است. برای دریافت آن به سایت کلمه مراجعه کنید.

شروع تابستان سال کار و تولید ملی با اخبار ناگوار

ادامه موج اخراج و بیکاری کارگران

اولین هفته تابستان سال موسوم به کار و تولید ملی در حالی آغاز شد که کارگران ایرانی همچنان با معضلاتی همچون گرانی ، کاهش ارزش واقعی دستمزد، تعطیلی واحدهای تولیدی و اخراج و بیکاری مواجه هستند.

براساس اخبار، هفته گذشته ۵۴۰ کارگر از کارخانه های تولیدی و شرکت های خدماتی کشور اخراج شدند. تعدادی از کارگران "به پخش" با نامه ای به وزیر اقتصاد نسبت به تعدیل ۵۰۰ کارگر این واحد اعتراض کردند. کارخانه شهاب خودرو نیز ۱۷ کارگر قراردادی دیگر را تعدیل کرد. موج اخراج به کارخانه داروسازی جابر ابن حیان هم رسید که بیش از۹۰ کارگر خود را بیکار کرد. هم چنین ۲۵ نفر از کارگران کارخانه "منابع تغذیه الکترونیک" تهران از کار اخراج شدند. از سویی در پی واردات ۶۰۰ درصدی شکر حدود ۸۰ درصد از چغندر کاران در آستانه بیکاری قرار گرفتند.

در همین زمینه علی دهقان کیا فعال کارگری تهران هشدار داد تا پایان تابستان با لشگر بیکاران مواجه می شویم.

در این هفته اخباری هم از تجمعات کارگری منتشر شد. علاوه بر تجمع برخی خانوارهای تهرانی مقابل سازمان هدفمندی برای دریافت یارانه ۲۸ هزار تومانی ، در شهر رشت نیز کارگران کارخانه ریسندگی خاور گیلان در اعتراض به ۱۱ ماه حقوق معوق خود تجمع کردند.

این هفته هم چنین از ۳ هزار کارگر کاشانی خبر رسید که حقوق معوقه و پرداخت نشده دارند.

از آنجا که بسیاری از منابع خبری شهرستانها به نهادهای حکومتی وابسته است، می توان مطمئن بود اخبار بسیاری از اعتراضات و مشکلات این بخشها سانسور می شود. کلمه از کارگران، فعالان کارگری و اصناف در این زمینه یاری می طلبد تا در گزارشهای هفتگی از وضعیت کارگران، پوشش جامع تری داشته باشد.

رهبری از کدام حفظ آبرو سخن می گوید

رهبری در سخنان جدید خود در حالی با تاکید بر به حداقل رساندن مجازات زندان به حفظ آبروی افراد در دادگاه ها تاکید کرد که طی سه سال گذشته بارها دادگاه های فرمایشی در رسیدگی به اتهامات ساختگی برگزار شده است.

از جمله بارزترین آن مرداد ۱۳۸۸ بعد از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری در حالی که فعالان سیاسی و اصلاح طلبان با اتهامات اقدام علیه امنیت ملی، ایجاد اغتشاش، زمینه چینی برای کودتای مخملی بازداشت و بازجویی می شدند، دادگاهی با حضور بیش از صد تن از چهره ها تشکیل شد و مقامات مختلف معاون وزیر، وزیر، مشاور رییس جمهور، روزنامه نگار و .... با لباس زندان و دمپایی مقابل دوربین های تلویزیون در حالی قرار گرفتند که هیچ سندی برای اتهامات آنان در دست نبود و تعدادی تحت شدیدترین فشارها بدون هیچ سندی به حبس های طولانی محکوم شدند.

رهبری در سخنان خود به مساله زندانها هم پرداخت و با بیان اینکه زندان یک مجازات است، برخلاف نص صریح اصول فقه و نظر مراجع گفت در فقه اسلامی زندان ایرادی ندارد.

آیت الله وحید خراسانی اخیرا تاکید کرد: اساس دین بر حریت است: فقیهی که به مُخّ فقاهت رسیده، میداند حبس در چه مواردی است و چقدر امر حبس شدید است و اساس دین بر حریت بشر است و حبس و زندانی کردن او و حرمان او از جامعه و از خانواده در چه حد از شدت است و موارد حبس در شریعت در چه مواردی و با چه دقتی مطرح شده است.

رهبری همچنین در حالی از کاهش مجازات زندان و تبدیل آن به مجازاتهای دیگر سخن گفته که تعدادی از زندانیان سیاسی مانند ابوالفضل قدیانی، قاسم شعله سعدی و عیسی سحرخیز با اتمام دوره حبس خود، همچنان زندانی اند. جالب آنکه جرم هر سه آنها، انتقاد از رهبری است.مشخص نیست ادعای رهبری چگونه با نگه داشتن بیش از حکم منتقدان در زندان همخوانی دارد.

ذره بین

از محمد صدیق کبودوند حمایت کنیم

فعالان کرد امروز ۱۰ تیرماه را به عنوان روز حمایت از محمد صدیق کبودوند نامگذاری کردند. کبودوند به دنبال ابتلا فرزندش به بیماری صعب العلاج خواستار مرخصی شد که بدلیل مخالفت مسئولان از ششم خرداد دست به اعتصاب غذا زد.

اخیرا معاون دادستانی ضمن اعلام عصبانیت دادستان از کبودوند، موافقت با مرخصی را منوط به پیشگیری و مدیریت اخبار مرتبط با اعتصاب او کرد که کبودوند با رد این درخواست، پایان اعتصابش را موکول به موافقت با آزادی خود کرد.

ذره بین

ادعای عجیب درباره بیانیه های زندانیان

غلامحسین اسماعیلی رئیس سازمان زندان‌ها در سخنانی عجیب ادعا کرده بیانیه های زندانیان سیاسی بیرون زندان و توسط دیگران نوشته می شود. وی توضیح نداده اگر مقام‌های قضایی- امنیتی به این ادعا باور دارند، چرا بارها زندانیان را به همین اتهام، احضار، محاکمه و محکوم کردند.از جمله آخرین موارد علیرضا رجایی است که به اتهام تهیه بیانیه‌های داخل زندان به چهار سال حبس محکوم شد. پیشتر نیز برای ابوالفضل قدیانی و دیگر زندانیان سیاسی احکام حبس جدید صادر شد.

ذره بین

برخوردهای ضد انسانی را محکوم می کنیم

جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی در بیانیه ای ضمن اعتراض با برخوردهای ضد حقوق بشری و ضد انسانی صورت گرفته با زندانیان سیاسی، انتقال بهمن احمدی امویی به زندان رجائی شهر و هم چنین بند انفرادی را محکوم کردند.

هم چنین جمعی از استادان دانشگاه صنعتی اصفهان در بیانیه ای درباره جو امنیتی و پلیسی در این دانشگاه اعتراض کرده و بازنشستگی اجباری، تهدید استادان جوان و موارد دیگری از عملکرد رئیس دانشگاه را مورد انتقاد قرار داده اند.

زندانیان سیاسی

*رضا ستایش افزا از فعالین دانشجویی کرج بازداشت و به محلی نامعلوم منتقل شد.
* کلیه های سیدحسین رونقی ملکی به دلیل کمبود دارو در اوین با عفونت مواجه شد.
*عبدالفتاح سلطانی وکیل زندانی، برای چندمین بار حاضر به اعزام به بیمارستان با دستبند نشد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۰ دوشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: مردم می‌پرسند آیا سفره آنان امروز رنگین‌تر از دیروز است و یا حاصل وعده دروغین آوردن نفت بر سر سفره‌هایشان کوچکتر شدن این سفره‌ها و تحلیل رفتن لوازم رفاه در زندگی آنان بوده است؟

گذار از دیکتاتوری در مصر

گفتار

سیامک قادری*

گزارش طولانی و کامل کمیسیون انتخابات ریاست جمهوری مصر در هفته گذشته که حتی فشارهای اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک نیز نتوانست شتابزدگی و سیاست زدگی را به آن تحمیل کند، نماد پیروزی جنبش اجتماعی-مدنی مردم سرزمینی بود که به رغم درگیر بودن در اعتراضات توفنده ی توده ای بر بستر عقلانیت حرکت داشته و به مثابه لنگر تعادل میان نهاد نیروی نظامی و نهادهای جامعه مدنی عمل کرد. یک سال ایستادگی نهادهای مدنی و مستقل به همراه عقلانیت جاری در حوزه « نهاد حکومت»، «نهادهای داوری و انصاف» و «جامعه مدنی» موجب شد تا گذر از نظام بسته با شکوه و آرام صورت پذیرد.

آنچه موجب تامل در این میان شد، شباهت های نهادی و در عین حال تفاوت های اصولی میان نهادهای درگیر منازعه در ایران و مصر بود. اینکه ایستادگی ده ها هزار نفری مردم قاهره در میدان التحریر (آزادی) به چنین فرجامی ختم شود و اجتماع میلیونی و دامنه دار در خیابان آزادی در تهران به چنان انجامی! موضوعی دردناک است. اغلب تحلیلگران نتیجه متفاوت را حاکی از رفتار مسئولانه نهادهای درگیر همچون ارتش، قوه قضاییه و نهادهای مدنی در اوج و فرود تحولات سرزمین اهرام می دانند. حتی اگر بپذیریم موج زیبای مخالفت با حکومت فردی در مصر نه خاستگاهی در جنبش سبز که ریشه در آموزه های انقلاب اسلامی داشته باشد، باید توالی منطقی و اقتضاعات آن را نیز پذیرفت. سوال اساسی این است چگونه آرمان های انقلاب اسلامی، ۳۰ سال پس از آغاز، برخورد، خشونت، زندان، حصر و تبعید را برای آزادی خواهان ایران به ارمغان آورد ولی در سرزمین «فراعنه»، گل دموکراسی و انتخابات آزاد و منصفانه به بار می آورد. اگر سابقه ۱۰۰ ساله در تمنای دموکراسی و نهادهای جامعه مدنی ایران را مبنای تحلیل قرار دهیم غیر از ضعف اصولی ناشی از تضعیف همیشگی آن توسط حکومت، باید علت پیروزی آزادی خواهان مصری را در رفتار مسوولانه نهادهای دولت قدیم چون حکومت و ارتش و استقلال و انصاف نهاد داوری و قضایی آن و پاسداری و انسجام شبکه های اعتراضی و اجتماعی جستجو کرد.

کمیسیون انتخابات در مصر اگر چه بر بستر ساز و کار نظامیان تشکیل شده بود، اما ادعاهای ریز و درشت و صحیح و مبهم دو نامزد مدعی پیروزی را دریافت کرده، تخلفات را کشف و در بازشماری نتایج لحاظ کردند و نهایتا به پیروزی نامزدی رای داده شد که در ساخت قدرت در مصر جایگاهی پایین تر از نامزد نظامی داشت. همین قضات و حقوقدانان در طول یک سال مقاومت مدنی مردم در چارچوب دستگاه قضا به گونه ای عمل کردند که نه تنها معترضان به حکومت نظامی فراتر مجازات های قانونی، مجازات و مواخذه نشدند. به رغم تعلیق بسیاری از قوانین و خصوصا قانون اساسی رژیم سابق، ۲ انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در فضایی رقابتی برگزار شد که در هر دوی آنها اخوان المسلمین حزبی که ۷۰ سال مورد تعرض بود، پیروز شد، هیچ حزب و گروهی اعم از مذهبی و غیر مذهبی از شرکت در انتخابات منع نشد. احزاب و گروه هایی که انتخابات تحت سلطه نظامیان را غیر منصفانه خوانده و آن را تحریم کرده بودند در محاق توقیف قرار نگرفتند و اعضای آن بازداشت نشدند. محمد مرسی رهبر مخالفان در چنین فضایی گرفتار حصر و زندان نشد و خانه اش را تنها زمانی در حلقه نظامیان یافت که به رای مردم و کمیسیون مستقل، عنوان ریاست جمهوری را کسب کرده بود و حضور نظامیان برای محافظت از منتخب ملت بود. نظامیان حاکم و نهادهای نظارتی، پس از اعلام پیروزی ۲ نامزد رقیب، این اقدام را انقلاب مخملی نخواندند و رسانه هایی که این ادعاها را منعکس کردند، لغو امتیاز و مجوز نکرده آنها را به محاق فیلترینگ نفرستادند و به جای آن با دقت جزییات ادعاها را بررسی و اعلام کردند. در حالیکه قوانین در تعلیق قرار داشت، رفتار حکومت و رفتار نهادهای داوری از محدوده انصاف خارج نشده و شهروندان معترض و منتظر، تحریک شده از سوی قدرت های خارجی معرفی نشدند.

این بصیرت فراتر از درک سیاستمداران چنان منطقی برخورد کرد که حتی محمد مرسی از ارتش مصر به عنوان بهترین و آگاه ترین نظامیان جهان نام برد و سرانجام جنبش اجتماعی مردم مصر بر اثر رفتار مسوولانه بخش های مختلف گذار از جامعه بسته را انجام داد و برون شدن تاریخی خود را از چرخه استبداد و نا آگاهی به انجام رساند و حتی اگر تحولات آینده مصر چندان با استانداردهای دموکراتیک هماهنگ نباشد، می توان گفت جنبش اجتماعی مردم ایران متناسب جامعه مدنی مصر بود که توانست در ابتدای دهه دوم قرن ۲۱، گذری آرام و مسالمت جویانه را در آزمایشگاه تاریخ در جغرافیای خاورمیانه پر تلاطم به آزمون موفقیت گذارد.

*روزنامه نگار زندانی

عقب نشینی از افزایش قیمت ها در فاز دوم هدفمندی

سوت کارخانه ها در اعتراض به دولت صدا در می آید

سوت کارخانجات کشور روز ۲۵ تیر ماه در اقدامی اعتراضی به شرایط اقتصادی کشور به مدت یک دقیقه به صدا در خواهد آمد. گردانندگان صنایع کشور در بخش خصوصی همچنین ۱۵ روز به شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی مهلت داده اند تا نرخ بهره را به صورت گذشته بازگردانند و تهدید کرده اند در غیر این صورت، اقدامات اعتراضی دیگری را تدارک خواهند دید.

این موضوع را رییس خانه صنعت و معدن ایران اعلام کرد و علت آن را نیز افزایش بهره بانکی برای بخش تولید و صنعت دانست که به اعتقاد وی باید به کمتر از ۷ الی ۸ درصد کاهش یابد.شرایط اسفبار اقتصادی و تولیدی کشور تنها باعث اعتراض صاحبان کارخانه ها نشده، بلکه ۱۰هزار نفر از کارگران در بخش ها ی مختلف در حرکتی اعتراضی، نامه ای به مسولین کشور فرستاند و با اعتراض به شرایط سخت معیشتی و اوضاع نابسامان کار و تولید در کشور، اعلام داشتند: " عدم پرداخت بموقع دستمزد زیر خط فقر کارگران بیداد می‌کند. توام با چنین وضعیت اسفبار و غیر قابل تحملی در مورد دستمزدها، اصلاحیه‌ای بسیار ضد کارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معیشت کارگران را نشانه رفته است، تهیه شده و قرار است بزودی به مجلس ارائه شود.

همچنین با گران شدن روزانه مواد غذایی، اقشار مختلف مردم در ابتدای هفته گذشته در حرکتی اعتراضی اقدام به اعتصاب خرید نان و شیر به مدت سه روز کردند.

ناتوانی روزافزودن دولت در اداره امور کشور به خصوص وضعیت بحرانی اقتصاد باعث شده که ناظران پیش بینی کنند اعتراضات بخش های مختلف جامعه به خصوص اقشار ضعیف و کم درآمد، علیه این نابسمانی ها گسترده تر شود.

از سویی در حالی که ماههاست زمزمه‌های افزایش قیمت حامل‌های انرژی مطرح است، وزیر اقتصاد از منتفی شدن افزایش قیمت سوخت و آب و برق و حامل‌های انرژی در فاز دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها خبر می دهد تا عقب‌نشینی دولت از دومین مرحله حذف یارانه‌ها را اعلام کند.

این در شرایطی است که قیمت دلار آزاد همچنان در مرز ۲۰۰۰ تومان در نوسان است، تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا در حال آغاز شدن است، تحریم بانک مرکزی از سه روز قبل آغاز شده و همچنین بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی، در هفته گذشته ۸۱ درصد مواد خوراکی نسبت به قبل گران تر شده‌اند.

در چنین شرایطی، قابل درک است که چرا دولت احمدی نژاد از اجرای فاز دوم هدفمند کردن یارانه‌ها که به معنای شوک جدید به قیمت‌ها و موج جدیدی از گرانی‌هاست، عقب‌نشینی می کند.

بیانیه چهار زندانی سیاسی: مردم گرسنه اند

چهار فعال کارگری و حقوق بشری زندانی در اوین در بیانیه ای ضمن اعلام حمایت از اعتراض های ده هزار نفری کارگران و محکومیت بازداشت های صورت گرفته،نسبت به گرانی های افسارگسیخته اخیر به طور جدی به دولت هشدار دادند. در این بیانیه که به امضای ابراهیم زاده، شهابی، رئیس دانا و کبودوند رسیده به دولت اعلام شده که باید وضعیت وخامت بار زندگی کارگران و مزدبگیران و افراد فرو دست جامعه را دریابد و در اسرع وقت تمهیدات لازم را به عمل آورد. در بخشی از این بیانیه می خوانیم: افزایش یکباره قیمت ها سبب کاهش قدرت خرید شده که مشمول قانون حداقل دستمزد برابر با ۳۸۹ هزار تومان می شود. این مبلغ حداکثر برای تامین مخارج فقط چند روز یک خانواده کافی است. سفره تهی کارگران در کنار افزایش گرانی و تورم، اخراج بی رویه کارگران و تعطیلی کارخانه های کوچک و بزرگ اثرات جبران ناپذیرو فشارهای روحی و روانی برای کارگران و خانواده هایشان پدید آورده است. شعارهای دولت برای رفع مشکلات کارگران با عملکرد دولت مطابقت ندارد. گرانی افسار گسیخته و تورم غیر قابل انکار، کارگران و بازنشستگان و مزد بگیران را به ستوه آورده و دیگر رمقی برای کارگران و قشر فرودست جامعه نمانده است. با این وضعیت دولت به چه جسارتی می تواند قیمت نان را افزایش دهد؟آنها اعلام کردند: کارگران پیش نویس اصلاح قانون کار را ضد کارگری و قانون هدفمندی یارانه ها را ناکارآمد و ویرانگر زندگی بخش اعظم مردم می دانند.

تشکیل پنجمین پرونده قضایی برای ابوالفضل قدیانی

ابوالفضل قدیانی، زندانی سیاسی منتقد رهبری، برای پنجمین بار در دوران بازداشت خود به دادسرای اوین احضار و تفهیم اتهام شد. این در حالی است که به نظر می رسد شکایات و دستورات متعدد وزارت اطلاعات درباره ابوالفضل قدیانی موجب سردرگمی و آشفتگی در دادسرای اوین شده است.

این زندانی سیاسی این بار هم در دادگاه ضمن تاکید بر انتقادات خود از رهبری، اعلام کرد که صلاحیت دادگاه انقلاب و دادسرای آن را رسمیت نمی شناسد.

در این جلسه تفهیم اتهام، بازپرس شعبه ۴ ابتدا اعلام کرد که شکایت جدید از سوی جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، و به درخواست وزارت اطلاعات مطرح شده است ولی اسناد اتهامی جدید شکایت وزارت اطلاعات را ارائه نداد و علت احضار را در ارتباط با انتشار گفت و گویی با کلمه که در نوروز امسال منتشر شده بود، اعلام کرد. اما توضیح این زندانی سیاسی مبنی بر اینکه موضوع آن گفت و گو و شکایت جلیلی منجر به صدور رای یک سال محکومیت شده، موجب حیرت و تعجب بازپرس شعبه ۴ شد.

فیلم «شعبون بی مخ ها» اثر نوری زاد

پیشنهاد

محمد نوری زاد، کارگردان، نویسنده و جهادگر دفاع مقدس، اولین قسمت از فیلم کوتاه خود با عنوان «شعبون بی‌مخ‌ها» را در اینترنت منتشر کرد.

او در این فیلم با نمایش صحنه‌هایی از رفتارهای حمله کنندگان به بیت آیت‌الله صانعی و تصاویری از تجمعات گروههای فشار موسوم به حزب‌الله و سرکوب مردم در اعتراضات پس از انتخابات رهبری را درباره عملکرد این افراد که با شعار حمایت از رهبری و تصاویر وی به این اقدامات غیرقانونی می‌پردازند، مورد سؤال قرار می‌دهد.

فایل این فیلم در سایت کلمه قابل مشاهده است.

زندانیان سیاسی

* محمدصادق هنرور شجاعی، روحانی منتقد در بازگشت به زندان اوین توسط ماموران برهنه شده است.
* زندانیان رجایی شهر در پی انتقال آنها به بند کوچک و نامناسب از دریافت غذای دولتی خودداری کردند.
* دادگاه معصومه دهقان همسر عبدالفتاح سلطانی به دلیل عدم حضور نماینده دادستان در دادگاه برگزار نشد.
* ۱۴۱ روزنامه نگار در نامه ای نسبت به وضعیت بهمن احمدی امویی روزنامه نگار زندانی ابراز نگرانی کردند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۰ دوشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: مردم از خود می‌پرسند چه میزان از آزادی‌هایی که در پس قرن‌ها اختناق و استبداد با نثار فداکاری‌ها و تحمل مشقت‌های بی‌شمار به دست آمد و پاسداشت آنها در جای جای قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته، باقی مانده است؟

خطاب به رئیس قوه قضائیه
هر که از این رنجنامه نمیرد...

سر مقاله

اسماعیل گرامی مقدم

هفته گذشته مصادف بودن با بزرگداشت دستگاه قضایی و برپایی این تکریم از دستگاه قضاء در شهر مقدس مشهد با حضور مقامات ارشد نظام و از جمله مقام رهبری برگزار شد، جنابعالی در طول سخنرانی خود در دفاع از دستگاه قضایی بویژه در مقابل انتقادات رئیس دولت دهم که خود به بزرگترین قانون شکنی متهم است، تلاش نمودید اثبات کنید که دستگاه قضایی در برقراری عدالت از استقلال برخوردار است و در راستای موازین اسلامی و دستورات الهی بدنبال برپایی عدالت است. هرکسی وقتی این سخنان شما را بشنود و از وضعیت دادرسی در دادگاهای سیاسی و از وضعیت زندانهای تحت پوشش دستگاههای امنیتی خبری نداشته باشد! حتما تصورش این است این دستگاه قضایی در راستای حکومت پنج ساله امام علی (ع) حرکت کرده است! اما اگر داور بی طرفی بخواهد دفاعیات شما را در استقلال دستگاه قضا بطور مصداقی تک به تک با پرونده های زندانیان سیاسی مقایسه نماید، آنگاه نه تنها دستگاه قضای متبوع شما را در راستای موازین اسلامی نخواهد دانست بلکه این دستگاه در مقابل تمامی شیوه های عملی و تجربه شده دوران امام علی (ع) خواهد پنداشت. یکی از مشهورترین خطبه های امام علی (ع) درباره ربودن خلخال از پای زن یهودی دردوران خلافت حضرت علی که می فرماید: اگر مسلمانی از این غم بمیرد بر او عیبی نیست. سوگند به سوگندهای علی (ع) اگر این امام همام در این دوره می زیست، این خطبه را این گونه می خواند که هرکسی رنج نامه نه یک زن یهودی را بلکه رنج نامه بانوی مسلمان ایرانی یعنی نرگس محمدی را بخواند یا بشنود و از شدت غم و غصه بمیرد بر او عیب نیست. سوال من از جنابعالی این است؛ اینک که شما به تمسک قدرت حاکمیت، برچسب ناچسب جرم امنیتی را به فعالان سیاسی دربند چسبانیده اید! و اگر همین اتهام امنیتی را برای نرگس محمدی فرض قبول بدانیم! او مرتکب کدامین عمل مجرمانه شده است که امنیت یک کشور را به خطر انداخته است؟ او فرمانده کدام لشگر، تیپ یا گردان نظامی بوده است و اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی به راه انداخته است! که او را زندانبانان اینچنین بی رحمانه مورد شکنجه و آزار قرار می دهند؟ آیا معنی و مفهوم اینگونه رفتار ظالمانه با یک بانویی که فقط جرمش انتقاد به نحوه برخورد حکومت با مسئله حقوق بشر است، آنقدر خطرناک و هولناک برای یک نظام سیاسی است و این نظام سیاسی قادر به ارائه استدلال و منطق در مقابل این زن نمی باشد! و تنها چاره اش داغ و درفش است؟! و آنگاه جنابعالی به هزاران رزمنده دوران دفاع مقدس، همچون منی که افتخار داشتیم از کیان کشور و جمهوری اسلامی در برابر دشمنان دفاع کنیم، امروز به ما حق نخواهید داد که پشیمان شویم از اینکه برای دفاع از حکومتی سلاح بر دست گرفتیم که از یک بانوی مسلمان در هراس است؟

جناب آقای لاریجانی! مگر نه این است که شما مدعی هستید این زندانیان سیاسی جرمشان امنیتی است و به خطر انداختن امنیت یک کشور پرواضح است که جرم سنگینی است؟ پس چرا این جرم سنگین که بایستی طی دادگاه طولانی و متوالی و با حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع برگزار شود، ظرف پنج دقیقه دادگاه های این عزیزان انجام می شود که حتی فرصت نشستن بر روی صندلی به متهم داده نمی شود تا چه رسد به فرصت دفاع از خود؟! وقتی که فقط در پنج دقیقه تشریفات انشاء حکم انجام می شود، چگونه باور کنیم که این احکام حاصل یک دادگاه عادلانه است و حاصل دستورالعمل های بازجویان نیست. داماد محترم آیت الله العظمی وحید خراسانی! امروز گاها" شاهدیم برخی از مسئولین سابق دستگاه قضایی در کسوت مرجع تقلید که در آن زمان هم سن و سال جنابعالی بودند، زبان به اعتراف از گناه و اشتباه گشوده اند و طلب حلالیت و بخشش از سوی ملت دارند. از این رو پیشنهاد می دهم در راستای گام برداشتن برای اثبات عدالت و استقلال قوه قضائیه به حرمت ماه مبارک رمضان از مقام رهبری درخواست آزادی همه زندانیان سیاسی را بفرمائید و بدانید آزادی زندانیان سیاسی نه تنها به امنیت کشور آسیب نمی رساند بلکه ضامن امنیت کشور در این شرایط سخت که با بحرانهای اقتصادی و تهدیدات خارجی مواجه است، خواهد بود.

چه کسی مسوول این درد است؟
رنجنامه نرگس محمدی از زندان: من یک مادرم

نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در رنجنامه ای که در زندان زنجان نوشته است، ضمن شرح ماجرای بازداشت غیرقانونی خود، تنهایی های سلول انفرادی، رنج و غصه یک مادر از دوری دو فرزند خردسالش و بیماری جسمی خطرناکی که جانش را به خطر انداخته نوشته است که با هم می خوانیم.

من یک فعال حقوق بشرم یعنی دردم و تلاشم جهت بهبود وضعیت انسانها در هرجای این کره ی خاکی است. سودای قدرت و کسب هیچ مسندی ندارم آنچه جسم ناتوانم را با آن همراه می کنم پا نهادن در راهی است که لبخندی بر لب و عشقی در دل بنشانم.

این دل نوشته ی یک مادر است برای معنا کردن مادر و اینجا زندان است. چهاردیواری بلند و سخت. در میان چهار دیوار نشسته ام .سجاده عشق و نیایش گشوده ام. کلام الهی را محکم به سینه فشرده ام.

سوره‌ی قصص را می گشایم. غوغایی در درونم برپاست قصه مادر موسی معنا کردن مادر بودن است. به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر او ترسان شدی وی را به دریا بیافکن و نترس و محزون نباش که ما او را به تو باز می آوریم و او را از رسولان می گردانیم(قصص۷) و مادر فرزندش را در سبدی گذاشت و روانه رود کرد.

این کلام وعده الهی است که بر یک مادر وحی می شود. براستی مگر می شود نسبت به آن تردیدی در دل راه داد. دردی که حتی با وعده الهی التیام نمی یابد و آن درد مادر بودن است. حتی اگر فرزندت را به آغوش پر مهر و امنی نیز بسپاری اما آتش دل مادر را نمی توانی فرو بنشانی حتی اگر آن دامن پر مهر و امن، دامن الهی باشد. آه تردید ندارم که خداوند با خود چه اندیشید. با خود اندیشید آری من که خود زمانی رحم را خلق کردم گفتم: «تو رحمی و من رحمان و من از رحمانیت خود در تو نهادم. (روایتی از رسول اکرم)

پیشانی بر خاک می نهم. خدایا تو با من "مادر" چه کردی؟ تو چگونه من را خلق کردی؟ وقتی از رحمانیت خود در رحم مادر گذاشتی چه بر سر ما آوردی؟ صدای ناله هایم بلند شده، اشک هایم روانند، چشمانم دیگر نمی بینند. روی دیوار سلول نوشته ای را می خوانم "آه مادر یک ماه است که ندیدمت" دیوانه وار سرم را به دیوار سلول تکیه می دهم و به هق هق می افتم . خدایا با تو کار دارم نه با بندگانت. تو، من مادر را سرشار از عشق به فرزند آفریدی و به یک باره دو طفل به من بخشیدی. نه ماه در وجودم گذاشتی و در یک تن نفس کشیدیم. شب ها و روزها در آغوشم پروراندی و آن ها اکنون ۵ سال دارند، محتاج آغوش من، در حالی که حتی پدر نیز در کنارشان نیست و اکنون اینگونه آغوشم از جگر گوشه هایم خالی است و فرزندانم بدون پدر و مادر چراغ خانه ام را روشن نگه داشته اند .

خدایا تو را به جان مادر موسی قسمت می دهم، ترا به رنج مریم و درد زایمان او قسمت می دهم، ترا به عشق خدیجه به فاطمه قسمت می دهم که لبخند را بر لبان پیامبر نشاند و دل رنجیده اش را روشنی و گرمی بخشید، دستانت را بر روی قلبم بگذار ، قلبم را نگه دار ، محکم ، محکمتر و محکمتر .

آه قسم به آن لحظه که مادر موسی کلام الهی را شنید و فرزند را به رود سپرد اما رنج دوری فرزند را تاب نیاورد و خداوند با مهرش دلش را نگه داشت، اکنون و در این لحظه دست های خداوند را بر دور قلبم احساس می کنم، اما چه کنم من یک مادرم و آرام نمی شوم. با خود چون مریم می گویم ای کاش مرده بودم و اکنون فراموش شده بودم با خود می گویم نرگس صبر کن ، برای خدا صبور باش ، اما نمی شوم ، باز برمی خیزم و با دست هایی که به سوی آسمان بلند کرده ام زار می زنم خداوندا تو را به مادر موسی قسمت می دهم چگونه تدبیر کردی و موسی را به مادرش باز گرداندی، به آغوش آتش گرفته ی من بنگر.

خدایا صدای ناله ام را بشنو، ببین چه بی تاب باتو سخن می گویم. خدایا، بیا، بیا و در کنارم بنشین. آه من از عشق گفتم و اما با رنج و درد. رنجی که اکنون سخت بیمارم کرده است. با دستی می نویسم که به دلیل زمین خوردنم کبود است. اما باید از عشق گفت و نوشت. آن عشق عشق مادری است و آن درد درد دوری از فرزندان. می خواهم گوشه ای ازین رنج را برایتان بازگویم هرچند به پروردگار سوگند تاب گفتن ندارم.

در حالی که دختر سه ساله ام را از بیمارستان و پس از عمل سنگینی به خانه آورده بودم بازداشت شدم. مامورین بالای سرم ایستاده بودند. وقت خواب بچه ها بود. علی را روی پایم گذاشتم. شیشه ی شیرش را دادم و لالایی گفتم و خوابید. اما کیانا را نمی توانستم آرام کنم. هر بار آمدم از او دور شوم با صدای گریان و لرزان می گفت: «مامان منو ببوس» . باز می گشتم و می بوسیدم. پس از سه بار تکرار خواسته اش او را با هزار درد ترک کردم. من در زندان به بیماری سخت اعصاب و روان دچار شدم. زنی سالم بودم ولی با مصرف روزانه ۱۸ قرص و پس از ۱۲ روز بستری شدن در بیمارستان به زندگی با فرزندانم بازگشتم اما افسوس عمر بودن با فرزندانم کم بود. چه بگویم از لحظه ی جدا شدنم و از اشک های روان بر گونه ی طفلانم. این قلم می جنبد و جانم را می گیرد.

نوشتن برایم آسان نیست اما می گویم و می نویسم تا شاید دیگر برای هیچ طفلی تکرار نگردد من یک مادر دور از فرزندان و بیمارم و چنین از مادر موسی گفتم و از درد خود ناله کردم تا بگویم "قدرت عشق مادران برتر از هر قدرتی ست " منشا این قدرت عشق است و مهر مادری. محروم کردن کودکان ازین مهر و رنج دادن مادران از این هجر، گناه نابخشودنی ست و من با هزاران امید از چهاردیوار زندان این نامه نوشتم تا شاید به زودی زود و با لطف الهی در این کره ی خاکی این رنج پایان پذیرد.

تعلل در اعزام به بیمارستان نرگس محمدی

خبر آخر

خانواده نرگس محمدی در ملاقات با وی متوجه شدند که وی برای چندمین بار در این مدت در دستشویی زندان زمین خورده که دست و صورتش سرخ و کبود شده است.بنا به دستور پزشک زندان و مجوز دادسرای زندان اوین قرار بود او روز چهارم تیرماه برای بستری شدن اعزام شود که به دلایل نامعلومی رییس زندان از بستری شدن او جلوگیری کرده است.

آیت الله بیات زنجانی:
جدا کردن مادر از فرزند گناه کبیره است

آیت الله العظمی بیات زنجانی در پاسخ به استفتایی درباره وضعیت برخی زندانیان سیاسی که از فرزندان خود دور نگه داشته شده اند، اصل حبس زنان و جداکردن آنها از خانواده و همسر و به خصوص فرزندان را جز در موارد خاص و نادر، امری مبغوض و نامطلوب دانست و ایجاد حائل و مانع بین مادران و فرزندان را غیر اخلاقی و گناه کبیره توصیف کرد. در سؤال مذکور به وضعیت سه زندانی سیاسی فعلی محمدصدیق کبودوند نسرین ستوده و نرگس محمدی که شرایط بحرانی دارند، اشاره شده است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۱ دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: افتخار واقعی به شرکت خودجوش مردم در راهپیمایی ۲۵ خرداد و مراسم‌های بعد از آن است و نه راهپیمایی‌های مهندسی‌شده و یا احیانا اجباری با این‌همه هزینه و فضای امنیتی و ارعاب.

نمایش خطاهای استراتژیک در بسته پیشنهادی

اعتراف به شنود غیرقانونی ارتباطات شهروندان

سر مقاله

انتشار متن بسته پیشنهادی ایران به ۵+۱ در مذاکرات مسکو را باید گامی به جلو دانست. این که سیاستگذاران سیاست خارجی تصمیم گرفته اند پاورپوینت آن بسته را از طریق یک خبرگزاری ظاهرا غیرحکومتی منتشر کنند، می تواند نشانه نیاز آنان به توجیه افکار عمومی ایران باشد که به خودی خود گامی مثبت در جهت اصلاح رویه حکومتداری دولتمردان به شمار می رود، حتی اگر پیشنهادات ناگفته ی دیگری نیز باشد که از چشم مردم پنهان نگه داشته می شود.

اما اگر انتشار این متن را بتوان به فال نیک گرفت، خود متن از این خوش یمنی تهی است. توجه به مباحث مطرح شده در این پاورپوینت (که گروه مذاکره کننده ایران از ارائه ی آن به جلسه مذکور ذوق زده شده بود و خبرنگار صدا وسیما نیز در کنفرانس خبری سعید جلیلی سعی داشت بدان دامن بزند)، علت بهت زدگی و تعجب نمایندگان کشورهای طرف مقابل که هم در تصاویر پخش شده از جلسات و هم در سخنان کاترین اشتون قابل مشاهده بود را آشکار می کند.

رویکرد طرف ایرانی، کمترین ارتباط با ماهیت مذاکرات را نشان می دهد، تو گویی جلیلی مقاله ای برای یک همایش علمی درباره مذاکرات هسته ای آماده کرده و نه یک برنامه برای پیشبرد مذاکرات. درست مانند این که در یک دادگاه مربوط به فسخ عقد ازدواج یک زوج، قاضی به جای پرداختن به زوایای حقوقی و ارایه راهکار عملی فرایند طلاق، به شرح و بسط علل افزایش میزان طلاق در جامعه مشغول شود.

اما اگر از نقد ساختار متن مذکور از این زاویه نیز بگذریم، خطاهای مهمی در خط مشی اتخاذ شده از سوی هیئت ایرانی دیده می شود. از جمله می توان به تعیین اهداف مذاکره که در بند ب آمده اشاره کرد. تهیه کنندگان متن فراموش کرده اند که اهداف یک مذاکره دیپلماتیک نه از سوی یک طرف، بلکه بر اساس توافق های دوجانبه تعیین می شود.

آیا هیئت متشکل از نمایندگان ۵+۱ نیز همین اهداف را دنبال می کنند؟ با نگاهی گذرا به مصاحبه ها و بیانیه های اعضای آن هیئت، می توان دریافت که پاسخ منفی است.

اما خطای استراتژیک مهم تری که در متن مذکور مشاهده می شود، به بند د، با عنوان «ساختار و روند»، بویژه محور اول آن که به زمان بندی اشاره دارد، مربوط می شود.

لازم نیست دیپلماتی باتجربه یا مدعی تجربه باشید تا دریابید که تنظیم کنندگان متن، تصویری از فرایندی طولانی در گفتگوهای هسته ای را مد نظر داشته اند که دقیقا همان چیزی است که طرف های غربی، بویژه امریکایی ها، از آن خشنود خواهند شد. طولانی شدن مذاکرات چند دستاورد مهم برای کشورهای غربی در بر دارد:

۱- در اختیار داشتن زمان کافی برای حل مسئله سوریه که آشکارا بر موقعیت ایران در منطقه و به تبع آن در مذاکرات تأثیرگذار است.

۲- عبور آسان تر از مقطع انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و کارزار تبلیغاتی آن با پرهیز از موضعگیری عملی سخت تر در قبال ایران

۳- اجازه دادن به ظهور تأثیر تحریم ها بر اقتصاد ایران و استفاده از آن برای مقاصد تبلیغاتی

۴- تضعیف بیش از پیش ایران که می تواند در شکل دهی نتایج مذاکرات نقشی بس مهم ایفا کند.

آنچه بر هر ناظر مذاکرات هسته ای پنهان نیست این است که طول کشیدن آن به ضرر ایران و نفع غرب است. و آنچه باعث تأسف کسانی است که دغدغه سربلندی ایران را دارند، کوته اندیشی ها و بی پشتوانه کارشناسی بودن دستگاه دیپلماسی نظام در جریان سرنوشت سازترین مسئله کشور در طی سی سال گذشته است.

در حالی که قانون اساسی و تمامی موازین شرعی، قانونی و حقوق بشری تجسس و ورود به حوزه خصوصی شهروندان را ممنوع کرده اند، مسوولان دولتی و امنیتی بی اعتنا به این موازین، اقدام به شنود و کنترل مکالمات و ارتباطات شهروندان می کنند. این اعتراف از سوی وزیر ارتباطات دولت احمدی نژاد در صحن علنی مجلس صورت گرفت که بدون اشاره به اینکه امکان گرفتن حکم قضایی برای شنود و کنترل مکالمات در چنین گستره ای وجود ندارد، خاطرنشان کرد: این کار «از سوی همکاران ما و همکاران وزارت اطلاعات انجام می شود.»

رضا تقی پور درباره کنترل و نظارت بر تماس های امنیتی توسط یکی از اپراتورها گفت: کارهای نظارتی از سوی همکاران ما و همکاران وزارت اطلاعات انجام می شود.

وی در همین زمینه گفت: تعداد سیم کارتهایی که در این زمینه مورد سوء استفاده است، کمتر از ۳۵صدم درصد کل است که تلاشمان این است که همین رقم را نیز اصلاح کنیم.

تقی پور نخستین کسی نیست که پس از انتخابات بحث برانگیز سال ۸۸ و ناآرامی های سیاسی، خبر از کنترل و مراقبت تلفنی و ارتباطی توسط دولت می دهد، پیش از این نیز اسماعیل احمدی مقدم در سال ۸۸ به صراحت از دسترسی و کنترل بر ارتباطات شهروندان خبر داده بود.

فرمانده نیروی انتظامی ایران گفته بود که تمامی ایمیل‌ها و اس‌ام‌اس‌ها کنترل می‌شوند و ما می‌دانیم از کجا فرستاده می‌شوند. وی گفته بود: "ایمیل‌ها و پیامک ها از جایی فرستاده می‌شود که کاملاً در کنترل ما قرار دارد. تصور نکنند که آنتی پروکسی جلویش را می‌گیرد و این تصور اشتباه را نداشته باشند که کنترل نمی‌شوند چرا که تاکنون در رابطه با آنها نیز مدارا می شده است".

مسئولان دولتی و امنیتی در حالی ناآرامی ها و اعتراضات سه سال گذشته را بهانه ای برای شنود بدون محدودیت ارتباطات شهروندان و دسترسی به محتوا و کیفیت مکالمات و ارتباطات شهروندان قرار داده اند که قانون اساسی این امر را به صراحت ممنوع کرده است.

۸۵ درصد کارگران زیر خط فقر زندگی می کنند

به گفته علی اکبر عیوضی عضو کانون شورای اسلامی کار تهران ۶۵ درصد از کارگران حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند و به علت افزایش بی‌رویه نرخ سبد هزینه خانوارتقریبا ۸۵ درصد از کارگران زیر خط فقر گذران معیشت می‌کنند.او اشاره کرده که افزایش یکباره و بدون توجیه قیمت‌ها در ماه‌های اخیر باعث افزایش شکاف بین درآمدها و هزینه‌های کارگران شده و افزایش ۶۰هزار تومانی حداقل مزد سال۹۱ تأثیر چندانی در زندگی کارگران نداشته است.

این فعال کارگری با انتقاد از اینکه مسئولین نظام زمان تصمیم گیری در کلیه عرصه‌ها کارگران را فراموش می‌کنند. این در حالیست که کارگران در تمامی زمینه‌ها به نظام خدمت کردند به این نکته اشاره کرد که "همه تلاش‌های شورای‌عالی کار در ماه‌های گذشته برای تقویت حقوق و دستمزد کارگران بی‌اثر شده است." در همین زمینه دبیر اجرایی خانه کارگر تهران نسبت به افزایش شکاف طبقاتی به تبع تورم ناشی از اجرای نادرست قانون هدفمندی یارانه‌ها هشدار داد. اسماعیل حق پرستی با تاکید بر اینکه بحران تورم به شدت گریانگیر قشر محروم جامعه شده است، گفت: بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شود اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها نه تنها در وضعیت معیشتی کارگران بهبودی ایجاد نکرده است بلکه خانواده‌های کارگری را با مشکلات معیشتی غیر قابل تحملی مواجه کرده است. او تاکید کرد: خواسته مردم از دولت این است که اجرای قانون به این نحو را متوقف کرده و نرخ اقلام و قیمت‌ها را به صورت اول خود برگردانند.

گوش شنوایی برای سخن از قانون نیست

محمدصادق هنرور شجاعی روحانی و وبلاگ نویس زندانی در نامه ای به رییس قوه قضاییه نوشت: تا زمان تحقق خواسته هایم به اعتصاب ادامه خواهم داد. بدیهی است که شما و تنها شما به عنوان رییس قوه قضائیه نهایتا مسئول عملکرد نیروها و نهادهای تحت امرتان نزد خداوند منان بوده ، مسئولیت هر گونه رخداد احتمالی درباره بنده بر عهده شما است.

این روحانی اعتصاب کننده غذا که از آبان ماه سال ۸۹ در بازداشت به سر می برد و اخیرا دچار حمله قلبی شده در نامه خود ادامه می دهد در دوره بازداشت خود شاهد هیچ گونه رفتار اسلامی نبوده و هر چه بوده چیزی جز دروغ و ریا و سناریوسازی و فشار و شکنجه روحی و جسمی چیز دیگری نبوده و نیست. او گفته است:

دلیل سناریوسازی نهاد امنیتی در واقع چیزی نبوده و نیست جز موضع انتقادی بنده نسبت به نظریه ولایت فقیه و مراتب علاقمندی اینجانب به حضرات آیات عظام منتقد این نظریه چون مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید کاظم شریعتمداری، سید صادق روحانی و بویژه مرحوم آیت العظمی منتظری. او خطاب به آملی لاریجانی اعلام کرده دستگاه قضایی تحت ریاست شما و بویژه دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت را جز آلت دست نهادهای امنیتی نیافتم.

۲ برابر شدن هزینه خانوارهای ایرانی

آمار جدید بانک مرکزی حاکی از آن است که متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوار ایرانی طی سال‌های ۸۵ تا ۸۹ از هفت میلیون به ۱۴ میلیون تومان افزایش یافته است.

هم چنین متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوار در مناطق شهری ایران این میزان بیش از ۱۴,۱ میلیون تومان گزارش شده است. این میزان طی سال ۸۸ بیش از ۱۲,۷ میلیون تومان، طی سال ۸۷ بیش از ۱۱,۵ میلیون تومان، طی سال ۸۶ بیش از ۹,۸ میلیون تومان و در سال ۸۵ نیز ۷,۷ میلیون تومان بوده است.

زندانیان سیاسی

* زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین با برگزاری جشن تیرگان یاد و خاطره شهیدان ایران را گرامی داشتند.
* معصوم فردیس، زندانی سیاسی ۵۷ ساله محبوس در بند ۳۵۰ زندان اوین به مرخصی آمد.
* مصطفی معین نامزد ریاست جمهوری نهم به ۲۰ میلیون تومان جزای نقدی بدل از حبس محکوم شد.
* علی مصلحی، روزنامه نگار حامی جنبش سبز در کاشان نوسط ماموران امنیتی بازداشت شد .
* نازنین خسروانی، روزنامه نگار که برای اجرای حکم ۶ ساله خود به زندان اوین رفته بود، به مرخصی آمد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۲ چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: دستگیری از نیازمندان، از طریق ایجاد شبکه‌های همیاری و تکفل و توانمندسازی آنان و نیز حمایت از فعالان عرصه‌ی اقتصاد ملی در مقابل واردات بی‌رویه‌ی کالاهای خارجی، از برنامه‌های عملی جنبش سبز است.

به قانون بازگردیم

سر مقاله

اعتقاد دارم انشالله به زودی جنبش سبز پیروز خواهد شد چون دنبال تحقق حقوق مردم است. چون مدافع آزادی های بشریست چون مدافع عقلانیت و منطق است و سلاح جنبش سبز منطق است. چون مدافع پیوند دموکراتیک ملت با قانون اساسی است و چون مخالف ظلم و دروغ و جور است و ما اعتقاد داریم دروغ و ظلم و قانون ستیزی مشروعیت نظام را ذوب می کند.(میرحسین موسوی)

در خصوص چیستی و هویت جنبش طی عمر سه ساله این جنبش بارها پرسشگری شده و عده ای در صدد بوده که این اعتراضات مردمی که پس از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری شکل گرفته را در قالب حرکتی رادیکالی و غیرعقلانی تقسیم بندی کنند که در صدد برهم زدن نظم موجود و تغییر ساختاری نظام جمهوری اسلامی است. برخلاف تصوری که حاکمیت می خواست ایجاد کند و حامیان و همراهان این حرکت مردمی را عاملان بی نظمی و جنگ نرم و تغییر نظام معرفی کند، میرحسین موسوی و سبزها از همان ابتدا بر این باور بوده اند که این حرکت یک حرکت اصلاح طلبانه و در صدد احیای ارزش های فراموش شده انقلاب اسلامی و بازگرداندن جمهوری اسلامی به مسیر واقعی است. میرحسین موسوی از نخستین روز اعتراضات مردمی با شناخت عمیقی که از جامعه ایران داشت، حاکمان را به پیروی از اصول قانون اساسی توصیه کرده و تنها راهکار حل بحران جاری را توسل به قانون اساسی و التزام به همه اصول آن و پرهیز از گزینشی عمل کردن به قانون می داند. برای سبزها مبارزه با فردیت و دیکتاتوری و تلاش برای حاکمیت مردم "اصل" است. اصول سه گانه برگرفته از انقلاب اسلامی " استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی" برای هیچکس قابل مذاکره و چشم پوشی نیست و نمی توان یکی را قربانی دیگری کرد. پذیرفته نیست عده ای برای ورود دوباره به صحنه قدرت در صدد تقسیم بندی های غیرواقعی در سپهر سیاسی کشور برآیند و حرکت مبتنی بر قانون و ارزش های انقلاب موسوی را "رادیکالی" بخوانند و علاقه مندان شرکت در انتخابات را "اصلاح طلب معتدل". از منظر سبزها، نظام جمهوری اسلامی "حافظ استقلال و آزادی" کشور است و اگر اعتراضی هست، اعتراض به کژ روی ها و پلشتی هایی است که خود را به این نظام تحمیل کرده است. سبزها به همراهی میرحسین موسوی از همان ابتدا در پی اصلاح این نظام بر آمده اند و این اصلاح چیزی نیست جز برگشت به اصول ناب سه گانه انقلاب اسلامی و اجرای بی تنازل قانون اساسی. امروزه شرایط سیاسی کشور در انسدادی قرار گرفته که تمسک جستن به قانون اساسی و دعوت مسئولان به رعایت آن رادیکالیسم خوانده می شود! اگر مبارزانی چون ابوالفضل قدیانی که سابقه مبارزه با ظلم و استبداد در شش دهه زندگی اش را داراست از حاکم جامعه اسلامی می خواهد که بر اساس وظایف تعریف شده در قانون اساسی حکومت کند و او را به قانون مداری دعوت می کند، توصیه خردمند وی "رادیکالیسم" تلقی می شود؟ تحمل جامعه به آنجا رسیده که صحبت از آرمان های انقلاب و اجرای بی تنازل قانون اساسی گویی جرم است و قانون گریزی حسن و شایسته تقدیر و تمجید. شاید بتوان گفت در حال حاضر شاید تنها راهکار پیش روی تحول خواهان و اصلاح طلبان و علاقه مندان به ایران این باشد که بر "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" به عنوان یک راهبرد کلیدی برای ساختن فردای کشور تکیه کنند و با بحث های پراکنده در صدد تقسیم بندی بین نیروهای حامی جمهوری اسلامی و قانون اساسی برآمده از سال ها مبارزه و خون شهیدان بر نیایند. باید بار دیگر توصیه خردمندانه موسوی که اینک بیش از ۵۰۰ روز است که در حبس غیرقانونی به سر می برد، باز خوانی شود "تنها با بازگشت به قانون و الزام نهادهای مختلف به رعایت آن و برخورد با متخلفان از قانون در هر موقعیت و جایگاه، می توان از بحران های مختلفی که دامنگیر شده است رهایی یافت و در راه ترقی و توسعه میهن گام برداشت." و همانگونه که این سیاستمدار اخلاق مدار توصیه کرده بود "همه این پیشنهادات بدون نیاز به توافق نامه و مذاکره و داد و ستدهای سیاسی " قابل اجراست.

قابل توجه مدعیان حکومت علوی

کارگران از تأمین نان شب خود درمانده اند

اگر چه اخراج کارگران و بیکارشدن آنها به رویدادی متداول تبدیل شده است، اما فاجعه آمیزتر از آن، گرسنگی کارگران شاغل و نانوانی شان در سیر کردن شکم خود و اعضای خانواده است.

چندی است به صراحت و به طور عادی از گرسنگی کارگران و اقشار ضعیف جامعه سخن گفته می شود؛ بی آنکه این درد خفتگان را بیدار کند. گرسنگی کارگران، اغراق و بزرگنمایی نیست. کافی است دستمزد کارگران را با قیمت های مواد غذایی در این روزها قیاس کنیم.

در ابتدای تابستان ریس کانون عالی شوراهای کار گفته بود: حقوق کنونی کارگران تنها جوابگوی هزینه ۱۰ روز اول زندگی آنان در یک ماه است. در افزایش دستمزد کارگران نرخ تورم و سبد معیشت خانوار لحاظ نمی گردد.

شورای عالی کار موظف است هر ساله بر اساس تورم رسمی کشور و هزینه معیشت یک خانواده ۴ نفره، حداقل دستمزدها را بر اساس رای اکثریت همه اعضاء شورا تعیین کند. بر اساس ماده ۱۳۷ این شورا ۹ عضو داشت. سه نفر از دولت، سه نفر از نمایندگان کارگران و سه نفر از کارفرمایان.

براساس ماده ۴۱ قانون کار شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید: ۱) حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود. ۲) حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید.

شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را برای امسال ۳۸۷ هزار و ۸۵۰ تومان تصویب کرده و این در حالی است که بر اساس اعلام کمیته مزد خانه کارگر خط فقر در کلان شهر ۸۲۰ هزار تومان در ماه است! بر اساس ماده ۱۶۷ قانون کار دولت، کارفرمایان و کارگران هر یک سه نماینده با یک حق رای در این شورا داشتند. اما دولت بر اساس پیش نویس اصلاحیه جدید قانون کار میزان رای خود را به ۵ رسانده و میزان رای کارگران و کارفرمایان را در همان حد سه رای سابق نگه داشت. حسن پور طالبیان، دبیر اجرایی خانه کارگر اسلامشهر، اخیرا از گرسنگی کارگران شاغل سخن گفته و اعلام داشت: ناتوانی کارگران جهت تهیه نیازهای اساسی خانواده‌های خود از جمله «نان» که قوت غالب خانوار کارگری به شمار می‌رود متجلی شده و با دریافت حداقل حقوق قانونی حتی در تهیه نان شب خود نیز درمانده شده‌اند. او گفته هم اکنون وضعیت سلامت جسمانی و روحی و بهداشت فردی و اجتماعی اقشار آسیب پذیر شدیدا به مخاطره افتاده است.

برادر لاریجانی ها: در ایران زندانی سیاسی نداریم

محمد جواد لاریجانی که این روزها پرونده های تخلفاتش نقل محافل است بار دیگر در دفاع از دستگاه تحت امر برادرش به میدان آمده و مدعی شده در ایران نه تنها زندانی سیاسی نداریم و کارنامه قوه قضائیه در دفاع از جمهوری اسلامی ایران روشن و موفق است!

او که متهم است به زمین خواری و پرونده زمین های ورامینش چند سالی است در راهروهای قوه قضاییه است و گفته می شود وجه المصالحه پرونده مفاسد مالی محمدرضا رحیمی و تیم احمدی نژاد قرار گرفته است، خودش مدعی است جرمش کاشتن گندم است و بس!

پس از آنکه علی مطهری از اعلام جرم دادستانی ابراز تاسف کرد و از دستگاه قضا خواست به وضعیت زندانیان سیاسی و خانواده های آنان رسیدگی کند، لاریجانی حتی سخنان این فامیل خود را هم نپذیرفت و مدعی شد:

بدرفتاری با زندانیان سیاسی اتهامی بی اساس است که همواره از سوی آمریکا، اسرائیل و ضد انقلاب داخلی و خارجی از جمله منافقین نسبت به نظام مطرح می شده است.

این در حالی است که طی سه سال گذشته نامه هایی مبنی بر شکنجه از سوی زندانیان سیاسی به رییس قوه قضاییه و دادستانی نوشته شده، اما هیچ مقامی نسبت به آن اظهار نظر نکرده است.

بحث شکنجه در زندان ها موضوعی نیست که قابل کتمان باشد، برگزاری دادگاه رسیدگی به جنایت کهریزک و دستور رهبری بر تعطیلی این بازداشتگاه گواهی بر وجود شکنجه در کشوری است که نماینده حقوق بشرش منکر وجود یک زندانی سیاسی در آن است!

لاریجانی مدعی است بدرفتاری نه با زندانیان بلکه با قوه قضائیه صورت گرفته و می گیرد و کارنامه قوه قضائیه در برابر کودتا گران فتنه ۸۸ بسیار درخشان بود.

این ادعا در حالی است که نسرین ستوده از دیدن فرزندانش محروم است و نرگس محمدی با بیماری حاد در حبس به سر می برند. وی از مرگ چند زندانی در زندان گوهر دشت و شهادت هدی صابر در زندان اوین هم سخنی به میان نمی آورد.

باید دید در این دعوا، پرونده زمین خواری او به کجا می رسد و آیا انکار وجود " زندانی سیاسی" و " شکنجه و بدرفتاری" کمکی به وی خواهد کرد؟

اعتصاب در اعتراض به ۴ ماه تأخیر در پرداخت حقوق

دوربین

صدها کارگر یک شرکت وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه در اعتراض به چهار ماه تأخیر در پرداخت حقوق خود دست به تحصن و اعتصاب زدند. این کارگران که تعداد آنها بیش از ۳۰۰ تن برآورد شده، از آغاز هفته جاری در بندرعباس اعتصاب کرده و می گویند تا دریافت کامل حقوق خود از تحصن در محوطه شرکت دست نمی کشند. این شرکت در زمینه ساخت سازه‌ها و شناورهای و دیگر ادوات و تجهیزات دریایی و خدمات بندری فعالیت دارد و کارگران آن نیز به رغم دریافت نکردن حقوق در چهار ماه گذشته، مشغول ساخت یک اسکله دریایی بوده‌اند.

زندانیان سیاسی

* نرگس محمدی در پی وضعیت وخیم جسمی در بیمارستان زنجان بستری شد و ممنوع الملاقات است.
* حسن اسدی زیدآبادی، عضو ادوار تحکیم وحدت و محسن محققی، عضو نهضت آزادی به مرخصی آمدند.
* مصطفی بادکوبه ای به سه سال حبس پنج سال محرومیت از شعرخوانی و سه میلیون جریمه محکوم شد.
* علیرضا روشن از دروایش گنابادی به یک سال حبس تعزیری و ۴ سال حبس تعلیقی محکوم شد.
* نسرین ستوده با وجود احضاریه ابلاغ شده به وی از زندان به دادگاه انتظامی وکلا اعزام نشد

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۳ شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: جنبش سبز بر لزوم تأمین مطالبات بحق تمامی اقشار اجتماع و جلب پشتیبانی همه‌ی نیروهای مولد جسمی و فکری جامعه و صیانت از آنان در برابر رانت‌خواران، دلالان، مافیای قدرت و ثروت و مداخلات مخرب حکومت تأکید دارد.

پیام سفیران سبز امید به مردم

سرمقاله

در دومین نشست سالانه شورای سفیران سبز امید، هموطنان سبزمان از نقاط مختلف دنیا با انتشار پیامی تحلیلی کار خود را آغاز کردند که متن این پیام در زیر می آید:

قرار بود ما ایرانیان هر جای جهان که هستیم گروه‌های خودمان را تقویت کنیم و "خانه‌هایمان را قبله" قرار دهیم تا بتوانیم شبکه ای برای رساندن پیام مردم کشورمان به جهان و پیگیری و یاریگرشان برای ساختن کشوری آباد و آزاد و جهانی در صلح باشیم. سبزهای مهاجر هر چند از خانه‌های خود دورند، اما همچنان فرزندان آن خانواده اند. دیدن فقر و رنج حاصل از رکود اقتصادی و بی‌احترامی به مردم و ناتوانی حاکمیت در وصول حقوق ملی در عرصه جهانی دغدغه هر روز ماست. از نظر ما بزرگترین دشمن این کشور و مادر مشکلات ما شجره خبیثه استبداد است. استبدادی که امکان نظارت مردمی بر شرایط را سلب کرده و باعث فساد و حیف و میل اموال عمومی کشور شده است. به سبب دلهره دائمیش، هر انتقاد و تفاوت را دشمنی با خودش تلقی کرده و بی‌مهابا کشورمان را از بهره مندی از منابع عظیم انسانیش محروم کرده است. نه تنها تمام منابع کشور را برای تثبت قدرت خود تسخیر کرده که دیانت مردم را نیز به خدمت مطامع خود گرفته است. استبداد با توهم استغنا، خود را مستقل از خرد جمعی می بیند و به سمت تصمیات خلق الساعه و فردی پیش می رود که حاصلی جز ناکارآمدی ندارد. ما به عنوان بخش کوچکی از فرزندان ملت ایران که اکنون دور از خانه، نگران حال و آینده‌ی کشور و هم‌وطنان‌مان در گذر تندباد استبداد دینی و زمام‌داری نابخردانه‌ی حاکم بر کشوریم؛ برایمان دشوار است که ببینیم استبداد همچون غده‌ای سرطانی در کالبد این مرز و بوم ریشه می‌دواند و این چنین آینده کشورمان را با همه منابع سرشار معنوی و مادیش روز به روز تیره تر و تباه تر کرده و امکان هر نوع نقد و اصلاحی را از میان می برد. و در نهایت همه‌ی منافع و منابع ملی را هزینه‌ی دگردیسی جمهوری اسلامی به استبدادی دینی و نظامی می‌کند. برای ما دردناک است این که می بینیم چطور ناکارآمدی استبداد هر روز سفره‌های خانواده‌هایمان را کوچک تر و شرایط زندگی را برای هم وطنانمان دشوار تر می کند.

برای ما اندوهناک است که می بینیم هر روز جمع دیگری از هم کلاسی‌هایمان از تحصیل محروم می شوند، استادانمان اجباراً بازنشسته یا اخراج می شوند و دوستان معترضمان در ازای خیرخواهی و شجاعت‌شان داغ و درفش می بینند. راه تامین منافع ملی کشورمان و حفظ حقوق و فراهم کردن حداقل‌های زندگی شرافتمندانه برای هم وطنانمان را قطع شجره خبیثه استبداد و محدود کردن حاکمان به قانون می دانیم. یعنی همان راهی که از جنبش مشروطه شروع کرده ایم، با فتح تهران و سرنگونی استبداد صغیر، ملی کردن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، انقلاب سال ۵۷ فتح خرمشهر و دفاع از کشورمان در دوره جنگ تحمیلی، جنبش اصلاحات به سکانداری سید محمد خاتمی و اکنون جنبش سبز مردم کشورمان به رهبری میرحسین موسوی و مهدی کروبی ادامه می دهیم. از نظر ما منافع ملی کشورمان از طریق زندگی و حرکت در مسیر جنبش سبز ممکن است. ما خودمان را نه کنشگران مستقل که تنها صدای جنبش مردم کشورمان می دانیم. به همین دلیل هم عنوان سفیران سبز امید را برای خود برگزیده ایم. در شرایطی که رسانه‌های مستقل اجازه فعالیت ندارند، کتابها اسیر ممیزی سلیقه‌ای و سانسور هستند و مردم کشورماست زیر سنگین‌ترین فضای امنیتی زندگی می کنند، وظیفه ما که دسترسی آزاد تر به رسانه‌ها داریم این است که صدای رها از سانسور آنها باشیم. در شرایطی که دوستانمان در سخترین شرایط فعالیتَ می کنند مایی که در کشورهای توسعه یافته زندگی می کنیم وظیفه خود می‌دانیم که امکانات بیشتری را برای فعالین کشورمان فراهم کنیم تا مسیر نیل آنان به سمت آزادی هموارتر شود. ما به آینده امید داریم و از امید همچون بذرهای هویت بخش در سینه‌های خود حفاظت می کنیم. ما مانند همیشه دل نگران خانواده‌ها دوستان و هموطنانمان هستیم. ما همچنان خود را در خدمت جنبش سبز مردم ایران برای تامین منافع ملی کشورمان می دانیم

هشدار آیت‌الله دستغیب به حاکمیت:

کارهای شما خلاف شرع است؛ به قانون برگردید

آیت الله العظمی دستغیب در سخنانی با انتقاد شدید از حصر غیرقانونی رهبران جنبش سبز و تاکید بر اینکه میرحسین موسوی تاکنون نه توهینی به کسی کرده و نه دروغی گفته و نه تهمتی زده است، خطاب به حکومت اعلام کرد:

هیچ خلاف شرع و قانونی از آقایان موسوی و کروبی سر نزده و تمام خلاف شرع ها متوجه شما می باشد؛ چون شما بدون محاکمه این دو بزرگوار از تریبون مجلس به نفع خویش استفاده کردید و علیه ایشان در صحن مجلس شعار دادید و خود را هم نماینده مردم می دانید! آیا اسلام اینگونه دستور داده؟

وی هم چنین با اشاره به حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ و روند افراطی گری عده ای تمامیت خواه در بازداشت و زندانی کردن منتقدان به نتایج انتخابات گفت:

یکی از مسائل مهمی که بخصوص پس از این انتخابات مورد توجه دلسوزان این انقلاب بوده است، مسئله زندانیان سیاسی است.

که در شرایط مناسبی قرار ندارند و از حقوق اولیه یک زندانی محروم هستند؛ بخصوص وضعیت خانم نرگس محمدی که ایشان از بیماری های عصبی رنج می برد و در واقع در زندان زنجان بصورت غیر قانونی تبعید شده و از هرگونه امکانات رفاهی محروم است.

او این نکته را مورد تاکید قرار داد که آقایان مدعی عمل به احکام اسلام هستند، امّا آنچه در عمل مشاهده می شود خلاف این ادّعا را ثابت می کند.

این مرجع تقلید با تاکید دوباره بر اینکه باید فضای نقد در جامعه فراهم باشد و هرکس با هر نوع سلیقه ای بتواند حرف خود را بزند افزود: اینطور نباید باشد که اگر کسی انتقاد کرد مثل خانم نرگس محمدی در زندان باشد و در غم و غصه همسر و دو فرزندش باشد؛ مگر ایشان چه گفته است؟

آیا اسلحه به دست گرفته است؟ مردم را تهییج کرده است؟ علیه حکومت اقدامی کرده است؟

او با انتقاد از مسببان وضع موجود به آنها گفت شما می خواهید این مملکت ایران به دست قدرتهای استعماری مثل آمریکا و روسیه و چین و سایر ابرقدرتها نیفتد و مردم آزاد باشند و مملکت را به نیروی خودشان حفظ کنند؛ خوب شما آقایان که فرد صالحی را برای این مملکت نگذاشته اید؛ افراد صادق و کارآمد که در زندانها هستند وکسانی روی کار آمدند که بهره ای از مسایل اخلاقی و تجربه اداره کشور را ندارند و هر روز با تصمیمات نادرست خویش فشار بیشتری را به این مردم و این کشور تحمیل می کنند.

به گفته او عملکرد نادرست برخی عمامه بسرها موجب این شده که عده ای از جوانان ما به سمت ادیان دیگر بروند؛ چون فکر می کنند این شخص معرّف شخصیت پیغمبر اکرم است و امام زمان یک چنین خصوصیاتی دارد.

ممانعت از حضور کروبی برای مراسم تدفین خواهرش

حکومت از حضور مهدی کروبی رهبر جنبش سبز بر مزار خواهر تازه فوت شده اش ممانعت کرد.

مراسم تدفین و ختم مرحومه زینب کروبی از مادران شهدای انقلاب روز پنج شنبه ۲۲ تیرماه جاری برگزار شد. دو خواهر آقای کروبی، که هر دو از مادران شهید بودند، در ایام حبس غیرقانونی ایشان، فوت نمودند. این در حالیست که به مهدی کروبی حتی اجازه شرکت در مراسم ختم خواهر خود را ندادند. اکنون بیش از ۵۰۰ روز از حبس غیرقانونی آقایان کروبی و موسوی و نیز خانم رهنورد می گذرد.

فرزندان ۴۰۰ مقام حکومتی کشور در انگلستان

یک روزنامه آلمانی با اشاره به اینکه فقط در سال ۲۰۱۰ فرزندان حدود ۴۰۰ کارمندعالی رتبه ایران در دانشگاه‌های انگلستان در حال تحصیل بوده‌اند، خواستار اعمال تحریم بر آنها شد.

شمار این افراد در حال تحصیل در کل اروپا حدود چهار برابر این رقم ذکر شده و البته از تعداد خانواده های مقام های مشغول زندگی در اروپا و فرزندان در حال تحصیل در آمریکا آماری ارائه نشده است.

شکایت مهدی محمودیان از ماموران وزارت اطلاعات

مهدی محمودیان، روزنامه نگار زندانی در نامه به دادستان تهران از ماموران وزارت اطلاعات شکایت کرد.

در این شکایت از دو مامور نام برده که مادر وی را احضار کرده و از او اطلاعاتی درباره ازدواج و مسائل خانوادگی محمودیان پرسیده اند. همچنین از پرسنل دادگاه انقلاب به سراغ پدر همسر او رفته و با استفاده از همان اطلاعات او را از این وصلت ترسانده و ذهن آنها را مشوش کردند.

لغو مراسم سالگرد اعرابی با فشار نیروهای امنیتی

مراسم سالگرد سهراب اعرابی از شهدای سبز در پی اعمال فشار ماموران امنیتی و اعلام شروط آنها که خانواده حاضر به پذیرش آن نبودند، لغو شد. از جمله شروط حضور یافتن علنی مامور مرد یا زن در داخل مراسم و صحبت نشدن از جنبش سبز بوده که پروین فهیمی حاضر به پذیرش آن نشده است. هم چنین مادر سهراب در مورد دیگر فرزندان و اقوام خود هم مورد تهدید قرار گرفت.

احضار دختر نوجوان نسرین ستوده به دادگاه

رضا خندان همسر و مهراوه دختر نسرین ستوده وکیل زندانی ممنوع الخروج شدند. هیچ دلیلی در برگه احضاریه ای که برای مهراوه ورضا خندان صادر شده است برای صدور این قرار ذکر نشده است. مهراوه خندان تنها ۱۲ سال ونیم دارد و مشخص نیست به چه دلیل فرزند نسرین ستوده با چنین محرومیتی مواجه شده است. اولین بار است برای فرزند نوجوان زندانی سیاسی ممنوع الخروجی صادر می شود.

زندانیان سیاسی

* برای رضا شهابی حکم شش سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفت میلیون تومان جزای نقدی صادر شد.
* آرش هنرور شجاعی پس از پایان اعتصاب غذای اعتراضی خود پس از شرکت در دادگاه به مرخصی آمد.
* بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار که از سلول انفرادی زندان رجایی شهر به بند عمومی بازگردانده شد.
* محمدعلی ولایت، زندانی سیاسی که شهریور ماه سال گذشته به دو سال حبس محکوم شده است، به مرخصی آمد.
* دادسرای اوین حکم ممنوع الخروجی احمد صدرحاج سیدجوادی فعال سیاسی ۹۵ ساله منتقد را ابلاغ کرد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۴ شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: با خلاقیت، روزنه‌های امید را باز کنیم و لحظه‌ای از زیبایی، اخلاق، عشق و حقیقت غافل نشویم. نگذاریم در غوغای خشونت‌ورزان، ارزش‌هایمان و حقیقت زندگی فراموش شوند. «راه سبز امید» را پاس بداریم و سبز بودن را زندگی کنیم.

مقاومت مدنی منفی، انفعال نیست

سرمقاله

طی چند ماه گذشته و با رویکرد تجدیدنظرطلبانه ای که بخشی از نیروهای منتسب یا مدعی اصلاح طلبی اتخاذ کرده اند، مسئله ضرورت برخورد فعالانه نیروهای اصلاح طلب در جهت یافتن برون رفتی از بن بست سیاسی که کشور با آن مواجه است به طور مکرر مطرح شده است. در همین راستا، موضع جنبش سبز در عدم شرکت در انتخابات مجلس مورد نقد قرار گرفته و از این گونه کنش های جمعی، به عنوان «انفعال سیاسی» یاد می شود.

مغالطه بزرگی که توسط این جریان تجدیدنظرطلب تکرار می شود، اتصاف مقاومت مدنی منفی به انفعال است. از این دیدگاه، کنش های مدنی جمعی مانند عدم شرکت در انتخابات به نشانه ی انتقاد به آزاد نبودن آن، یا نخریدن شیر و نان به نشانه اعتراض به گرانی و تورم، انفعالی و بی ثمر است. اما آیا به راستی عدم شرکت در انتخابات اسفندماه گذشته بی اثر بوده است؟ ساده لوحی است تصور کنیم دستگاه های تبلیغاتی دولتی یا سخنگویان رسمی و غیررسمی اقتدارگرایان آشکارا به واقعیت عدم مشارکت گسترده مردم در آن انتخابات اعتراف کنند. اما تلاش گسترده ای که از آن پس برای از بین بردن اجماع گسترده در میان نیروهای اصلاح طلب، مرزبندی اصلاح طلبی و جنبش سبز، جذب نیروهای میانه از طیف اصلاح طلبان، بازکردن فضای امنیتی برای تشکیل جلساتی که در این راستا تشکیل می شود، کاستن از حملات تبلیغاتی علیه برخی فعالان سیاسی و نیروهای تجدیدنظرطلب در کنار تشدید فشار بر روی نیروهای پای بند به مطالبات جنبش سبز نشان از شوک بزرگی دارد که اقتدارگرایان از عدم استقبال اکثریت مردم در انتخابات مجلس دریافت کرده اند. حرکت هایی مانند تحریم سه روزه خرید شیر و نان هم، مسئولان امر را به اعتراف به عمق وخامت بحران معیشتی در میان اقشار مختلف وادار ساخت.

شاید ریشه این تفسیر غلط از مقاومت مدنی منفی به انفعال سیاسی را بتوان در ذهنیت حاکم بر اکثریت اصلاح طلبان تجدیدنظرطلب جستجو کرد که ناشی از بیگانگی آنان با چگونگی کارکرد جنبش های مدنی است که در فرصت طلایی دولت اصلاحات، به جای استفاده صحیح از جنبش عظیم و فراگیری که با رأی «نه» به کاندیدای مورد حمایت اقتدارگرایان آغاز شده بود، اصلاح طلبان به قدرت رسیده، به بازی در چارچوب قدرت رسمی سرگرم شوند و حفظ خود در قدرت را بر پیگیری مطالبات عمومی ترجیح دهند. ریزش گسترده ی نیروهای حامی اصلاحات باعث شد استراتژی اصلاح طلبان در تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۸۰ بر محور خطر بازگشت اقتدارگرایان و دعوت به تکرار حماسه دوم خرداد متمرکز شود که معنایی جز رأی «نه» به مخالفان اصلاحات نداشت. پیگیری مجدانه ی پروژه بازگشت به زمین بازی سیاست رسمی توسط اصلاح طلبان تجدیدنظرطلب، تجلی دوباره ناآگاهی شان نسبت به ماهیت جنبش های مدنی امروزین است. این دسته که تمامی هویت خود را تنها در حضور در قدرت رسمی تعریف کرده و با تمسک به برخی تئوری های جامعه شناختی منسوخ، برکشیدن شخصیت های سیاسی در رسانه های خود، واقع گرا خواندن خود و خیال پرداز شمردن کنشگران جنبش سبز، دادن علامت به اقتدارگرایان و در انتظار علامت آنان نشستن، در صدد بازسازی فضای پیش از سال ۸۸ هستند.

واقعیت اما این است که پس از انتخابات پرتخلف و تقلب ریاست جمهوری سال ۸۸، جامعه ایران وارد مرحله ی جدیدی از حیات سیاسی خود شده و تحولی در بینش سیاسی مردم پدید آمده که تلاش برای بازگرداندن وضعیت به شرایط پیش از انتخابات را اگر نه ناممکن، با دشواری های فراوانی مواجه کرده است. آگاهی عمومی گسترده نسبت به میزان فساد سیاسی و اقتصادی ساختاری در درون نظام، تبدیل توده هایی که چشم به دهان نخبگان و بازیگران عرصه ی سیاست دوخته بودند به شهروندانی که خود به تجزیه و تحلیل آنچه در پیرامونشان در جریان است می پردازند. وجود رهبران سیاسی با استقامتی که صادقانه از خواست های مردم حمایت کرده و از معامله بر سر حقوق بنیادین شهروندی سرباز زدند و این روزها حبسی غیرقانونی را تحمل می کنند، و تجربه قدرت همبستگی مردم در مقابله با زورگویی خودکامگان، از جمله ی این دگرگونی هاست. مقاومت مدنی برای داشتن انتخاباتی عادلانه و آزاد، قهر کردن با صندوق های رأی نیست. مردم حق دارند بخواهند تنها در انتخاباتی شرکت کنند که همان آرائی در شمارش آراء خوانده شود که به صندوق ریخته اند. اما روند اعتماد سازی از صندوق رأی شروع نمی شود، بلکه به آن ختم می شود. آزادی رهبران جنبش سبز، آزادی زندانیان سیاسی و تصحیح فرایند انتخابات به گونه ای که از دخالت نیروهای نظامی و امنیتی مصون باشد، گام هایی است که باید پیش از آن برداشته شود.

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید در آغاز ماه مبارک رمضان

به فکر هموطنان خود باشیم؛ سبز زیستن را تجربه کنیم

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای به مناسبت آغاز ماه مبارک رمضان با یادآوری اینکه امروز ایران و ایرانی پرنرنج ترین روزهای خود را می گذراند، از همه هموطنان خواست « در این زمانه که سفره های بسیاری از همسایگانمان کوچک شده، هوشیار باشیم و با سهیم کردن هموطنانمان در سفره هایمان، از سقوط و فروپاشی کانون های گرم خانواده ها جلوگیری کنیم. هر خانواده با تشکیل صندوق های سبز، با قبول تکفل حداقل یک خانواده، دست خواهران و برادرانمان را در این روزهای سخت به شیوه ای که کرامت انسانی آنها حفظ شود، بگیریم. در زمانه ای که عده ای به دنبال جدا کردن مردم از یکدیگر هستند، دل ها را به یکدیگر نزدیک کنیم.

سبز زیستن را تجربه کنیم و برای دیگران نیز امکان تجربه آن را فراهم کنیم و هوشیار باشیم که با وجود انتقادهایمان نسبت به حاکمیت خودکامه، این آب و خاک از آن همه ماست و به اندازه توانمان، در قبال حفظ آن مسئولیم.»

در بخشی از این بیانیه، شورا با مخاطب قرار دادن حاکمان به آنها هشدار داده است: اگر می خواهید در مقابل دنیا سرافراز بایستید، چاره ای جز سر فرودآوردن در مقابل خواسته های بر حق مردم خود ندارید. راهی که رفته اید خطاست و خطا بودن آن امروز از هر زمان دیگر آشکارتر است. هشدار دهیم که تا فرصت باقی است صادقانه به ملت خویش تکیه کنید، زنان و مردان آزاده و میهن دوستی را که در بند کرده اید آزاد کنید، آزادی بیان را به مطبوعات و رسانه ها بازگردانید، ناشایستگان نامنتخب را از مناسب قدرت فروکشید و با دست شستن از خیمه شب بازی های انتخاباتی و بازگرداندن اعتبار صندوق رأی، راه را برای سکانداری کشور به دست منتخبان واقعی ملت باز کنید.

این بیانیه با انتقاد از سوء استفاده هایی که به نام دین از سوی حاکمان صورت می گیرد، تاکید دارد « مردم ما دیندارند، اما نه دینداری که سر از فسادهای مالی که هر روز پرده ای دیگر از غارت بیت المال بر می آورد و دست ناپاکان را روز به روز در حریم خصوصی افراد بازتر کند. مردم ما دیندارند اما از زهدفروشی ریاکارانه و دنیاطلبی بنام دین به تنگ آمده اند. مردم ما دیندارند، اما نه دینداری که به نام مصلحت اندیشی، چشم خود را بر ظلم خودکامگان فروبندد و از مردم بخواهد که در برابر این همه شوربختی که حاصل حکومت ناشایستگان است یک «آخ» هم نگویند.

متن کامل بیانیه را در سایت کلمه دنبال کنید.

هشدار آیت الله موسوی اردبیلی درباره مشکلات معیشتی مردم

آیت الله موسوی اردبیلی در پیامی به مناسبت ماه رمضان با اشاره به تنگناهای معیشتی مردم گفت: مسؤلان امر موظفند برای اوضاع نگران کننده اقتصادی فکری بکنند و موارد دردناک و تلخ فقر و ناتوانی و مشکلات معیشتی مردم از بی‌کاری و نداری و بیماری و بدهکاری که قاعدتاً از آن ها بی خبر نیستند را چاره کنند. مایه تأسف است پس از سه دهه از انقلاب اسلامی که با آرزوی فقر زدایی و برقراری عدالت اجتماعی بر پا شد هنوز شاهد چنین مسائلی باشیم. اما وظیفه دولت و حکومت چه به آن عمل کند و چه نکند وظیفه عمومی و مردمی را نفی نمی کند.

وی در پیام خود با اشاره به مشکلات و کدورت های پیش روی جامعه افزود: امید می رود که مسئولان امر و مقامات مملکتی و فعالان سیاسی از در عفو و رأفت و رحمت درآیند و به آرامش و دوستی و آسایش عمومی بیاندیشند.

حذف معلولان و کارگران از سبد ویژه ماه رمضان

سفره های ایرانی در حالی پذیرای ماه مبارک رمضان شده اند که حکومت بی سابقه ترین دوران از نظر گرانی و رشد قیمت ها را بر مردم تحمیل کرده است. در کنار بی تدبیری دولت برای تنظیم بازار ماه مبارک رمضان و وعده های بی اساس در ارزان شدن کالاهای اساسی ، تامین حداقل های لازم برای سفره های ماه رمضانی این روزها دغدغه خانوارهای بسیاری است.مقایسه کالاهای مختلف نسبت به مشابه سالهای قبل گواه این مطلب است. از رشد بی سابقه قیمت شیر و ماست و پنیر و نان و برنج تا گوشت و مرغ و تخم مرغ و ..که نتیجه آن چیزی جز خالی ماندن سفره های مردم نبوده است. به موازات این گرانی ها دولت علاوه بر آنکه سبد ارزاق ویژه ماه رمضان برای معلولان را حذف کرده، بیش از ده میلیون کارگر را هم از دریافت کمک های غیر نقدی در ماه رمضان محروم نموده است.

افزایش نگرانی از وضعیت نرگس محمدی

در مورد وضعیت جسمی نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر اخبار نگران کننده ای منتشر شده است. با وجود درخواست خانواده نرگس محمدی به هیچ یک از آنها اجازه ملاقات داده نشده است. نرگس محمدی در طول ۱۱ روزی که به بیمارستان منتقل شده است هیچ تماس تلفنی نیز با خانواده خود نداشته است. با توجه به اعمال این محدودیت، خبری تایید نشده در مورد ضرب و شتم شدید نرگس محمدی در زندان زنجان در جریان درگیری میان زندانیان قبل از انتقال وی به بیمارستان ولیعصر منتشر شده است. ظاهرا خانم محمدی در جریان این درگیری آسیب دیده است.

زندانیان سیاسی

* اشرف علیخانی در اعتراض به انتقال زندانیان سیاسی زن به قرچک ورامین اعتصاب غذا کرد.
* علی عجمی، در حالیکه فقط ۱۵ واحد از پایان تحصیلش باقی مانده بود از دانشگاه اخراج شد.
* حسن اسدی زیدآبادی، عضو شورای مرکزی ادوار تحکیم وحدت به اوین بازگشت.
* پیمان عارف، روزنامه نگار جهت محاکمه به دادگاه جزایی تهران احضار شد.
* جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی به تشدید بدرفتاری با زندانیان اعتراض کردند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۵ دو شنبه ۲ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: تا یکایک ما خود را از آلودگی ها و نقایص اخلاقی پاک نسازیم، انتظار داشتن جامعهٔ اخلاق بنیادی که در آن همهٔ انسانها بتوانند به قله های شکوفایی انسانی خود برسند، بیهوده است.

یک جو انصاف داشته باشید

سر مقاله

حسین ناصری نیا

چند روز است که سر و صدای زیادی در برخی رسانه های حامی دولت بر پا شده که می گویند به "برخوردهای دوگانه" قوه قضاییه انتقاد دارند. آنها تلویحا برادران لاریجانی را متهم می کنند که برای منتقدان خود سوء سابقه درست می کنند.

کار بالا گرفته و بعد از صدور حکم برای یکی از اعضای بسیج دانشجویی، به نامه نوشتن گروهی دانشجویان بسیجی به جنتی، نامه نویسی لنکرانی وزیر سابق احمدی نژاد به صادق لاریجانی، موضع گیری علم الهدی امام جمعه مشهد علیه قوه قضاییه، انتقاد نماینده ولی فقیه در دانشگاهها از دستگاه قضایی و وادار شدن اژه ای به ارائه توضیح در این باره در نشست مطبوعاتی خود انجامیده است. اما این همه هیاهو برای چیست؟

مهمترین موردی که در همه این نامه ها و مصاحبه ها مورد اعتراض قرار گرفته، یک حکم حبس ۹۱ روزه است که برای امیرحسین ثابتی مسئول سابق سیاسی بسیج دانشگاه تهران صادر شده؛ ۹۱ روز، و آن هم حبس تعلیقی. اتهام این عضو بسیج دانشجویی، نوشتن مطلبی در وبلاگش در مخالفت با اقدام مجلس تحت ریاست لاریجانی در تصویب طرح وقف دانشگاه آزاد اعلام شده است.

جالب اینجاست قاضی برای او حداکثر تخفیف ممکن را در نظر گرفته است. اولا در حالی که می توانسته طبق عنوان اتهامی، از سه ماه تا یک سال حبس در نظر بگیرد، حکم ۹۱ روزه صادر کرده. ثانیا این حکم را به حال تعلیق درآورده که به معنای اجرا نشدن آن است تا مادامی که این فرد به مجازات کیفری دیگری محکوم نشود. ثالثا مدت زمان تعلیق را از دو تا پنج سال تعیین کند، دو سال اعلام کرده که هیچ سوء سابقه ای برای او باقی نخواهد ماند.

وقتی با این همه پیگیری و دغدغه در حامیان حقوق یک وبلاگ نویس متهم رو به رو می شویم، ناخودآگاه به یاد یک جوان دیگر می افتیم که سن و سالش چندان تفاوتی با دانشجوی بسیجی محکوم به ۹۱ روز حبس تعلیقی ندارد. او البته حکمش تعلیقی نیست، تعزیری است؛ فقط کمی بیشتر از این دانشجوی بسیجی: ۱۰ سال. اجرای آن هم شروع شده، دو سال و نیم است که شروع شده. در تمام این مدت، او حتی برای یک روز هم به مرخصی نیامده: نزدیک به ۹۰۰ روز بدون مرخصی.

عماد بهاور البته عضو بسیج دانشجویی نیست، عضو نهضت آزادی ایران است. پیرو رهبری هم نیست، منتقد دلسوز رهبری است؛ و البته بسیار بیشتر از بسیجی ها پایبند به قانون اساسی است. اگر ثابتی از علی لاریجانی انتقاد کرده و محاکمه شده، بهاور هم تحلیل خود درباره آینده رهبری را بدون هیچ توهین و اسائه ادبی نوشته و منتشر کرده و بلافاصله بازداشت و زندانی و به ده سال حبس محکوم شده است. هر دو انتقاد کرده اند، هر دو محکوم شده اند، هر دو به حکم خود معترض اند و هر دو خواستار عدالت اند؛ اما این کجا و آن کجا. بعید است که حتی بازجویان عماد – حتی با معیارهای خودشان – بتوانند ادعا کنند او در ایمان و اخلاص و مسلمانی، کمتر از بسیجیان فعلی است. بعید است که یک ناظر بی طرف بتواند ادعا کند که عماد کمتر از ثابتی به قانون پایبند بوده و یا کمتر از او مظلوم واقع شده. احترام افراد – حتی مخالف – به جای خود؛ اما بعید است که ذره ای از آرامش و متانت و سواد و پختگی عماد در گفتار و رفتار غالب بسیجیان دانشجوی فعلی پیدا شود. این مقایسه ها شاید از بسیاری جهات بلاتشبیه باشد، اما لااقل از لحاظ توقع عدالت قضایی و رفتارهای انسانی و اسلامی از سوی حاکمیت که فرقی بین شهروندان نیست. آقایان جنتی و علم الهدی و محمدیان و اعضای بسیج دانشجویی و همه فعالان سایبری و رسانه ای مدعی اصولگرایی و پیروی از ولایت که این روزها نگران حکم صادر شده برای یکی از دوستان خود هستند، بد نیست یک بار داستان بازجویی ها و پرونده و حکم عماد بهاور را به قلم خود او بخوانند. بعد به قدر یک جو انصاف به خرج دهند و مقایسه کنند که آیا شرط انصاف نیست به این حکم و صدها امثال این حکم هم اعتراض کنند و بعد "مطالبه" عدالت قضایی داشته باشند؟ و آیا روزی که در برابر برخوردهای غیر قانونی و ناجوانمردانه قوه قضاییه با جوانان و فعالان مدنی و اصلاح طلب، واکنشی حمایتی و بلکه تشویقی داشتند، فکر نمی کردند که پایبند نماندن سران حاکمیت به میزان و قسط، روزی دامنگیر متحدان و حامیان سابق هم خواهد شد؟

نامه اردشیر امیر ارجمند به احمد شهید

حقوق زندانیان سیاسی بیمار نقض می‌شود

شورای هماهنگی راه سبز امید در نامه ای خطاب به گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل درباره ایران، ضمن تشریح وضعیت برخی از زندانیان سیاسی بیمار از احمد شهید خواسته است طبق وظیفه ای که سازمان ملل متحد بر عهده اش قرار داده است، تدابیر لازم را برای توقف فوری این وضعیت و الزام مقامات حکومتی ایران به رعایت حقوق اولیه زندانیان بیمار اتخاذ کند.

در نامه ارسالی از سوی اردشیر امیر ارجمند به اسامی بهزاد نبوی، مصطفی تاجزاده، ابوالفضل قدیانی، محمد صدیق کبودوند، نرگس محمدی، مهدی محمودیان، فریبرز رییس دانا، محمد سیف زاده، حامد روحی نژاد، انور حسین پناهی، حشمت الله طبرزدی و خانمها نرگس محمدی، کبری بنازاده امیرخیزی و زینب جلالیان اشاره شده و از وضعیت ویژه این زندانیان سیاسی که سلامتی یا حتی حیات برخی از آنها در خطر جدی است، ابراز نگرانی شده است.

او تاکید کرده که اقتدارگرایان حاکم بر ایران همچنان بر نقض آشکار و سیستماتیک حقوق بشر و حقوق بنیادین شهروندان ایرانی اصرار می ورزند و ضمن آن به وضعیت برخی از زندانیان سیاسی هشدار داده که سلامتی یا تمامیت جسمانی آنها در خطر جدی است.

این نامه تاکید دارد: به موجب موازین بین المللی حقوق بشر از جمله قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان و همچنین قوانین و مقررات داخلی ایران، کلیه زندانیان بیمار باید بدون هیچ گونه تمایز مخصوصا از نظر عقیده سیاسی، مذهب، قومیت و جنسیت از خدمات و مراقبت های درمانی و پزشکی مناسب برخوردار باشند و رفتار کنونی مقامات ذی ربط در ایران با زندانیان سیاسی بیمار، نقض آشکار و مستمر تعهدات بین المللی ایران و همچنین قوانین داخلی این کشور است.

ادامه روند اخراج و بیکاری کارگران کشور

مرور جدیدترین اخبار کارگری باز هم حکایت از تداوم اخراج کارگران، حقوق معوقه و تداوم رفتارهای تبعیض آمیز دولت مردان دارد و در میان این اخبار تلخ جامعه کارگری شبکه های صدا و سیما مرتب از بیکاری کارگران در اروپا و امریکا خبر می دهند. گویی بیکار شدن کارگران پژو فرانسه به مراتب مهم تر از بیکار شدن کارگران کشور ماست.

در هفته گذشته، بیش از ۷۰۰ کارگر از کارخانه های تولیدی کشور ما بیکار شدند. ولی صدا و سیمای ملی! حتی یک خبر هم در این باره پخش نکرد.

این در حالیست که بحران جاری در زندگی کارگران ایرانی تنها به شرایط نابرابر کار، فقدان امنیت شغلی، وضعیت بحرانی بنگاههای صنعتی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه با افزایش میزان تورم، نگرانی زیادی نیز در مورد وضعیت سلامتی کارگران و خانواده آن‌ها به وجود آمده است.

کارشناسان حوزه تغذیه و سلامت ادامه این روند را تهدیدی برای سلامت خانوار کارگری قلمداد می کنند.از سویی فقر بر زندگی کارگران چنان سایه افکنده که موجب ورود زود هنگام فرزندان نوجوان انها به بازار کار شده است. گرانی و تورم و بحران کسب و کار این سالها موجب افزایش میزان ترک تحصیل فرزندان کارگر هم شده است.

سنگرگیری ارتش بشار اسد پشت حرم حضرت زینب (س)

درگیری در سوریه به آستانه فروپاشی نظام نزدیک می شود. بشار اسد هنوز کوتاه نیامده و از قصد کناره گیری سخن نگفته است. مخالفان در تلاش برای به دست گرفتن نقاطی در گوشه و کنار کشور هستند، و همچنین در محله هایی در پایتخت در حال متزلزل کردن بیش از پیش نیروهای وفادار به بشار اسد.

گزارش شده نیروهای ارتش سوریه در منطقه زینبیه مستقر شده و اردو زده اند؛ احتمالا با این هدف که حملات مخالفان به خود را به عنوان توهین و هتک حرمت حرم حضرت زینب (س) جا بزنند و با استفاده ابزاری ناجوانمردانه از مقدسات، زمینه را برای یک جنگ رسانه ای مذهبی علیه مخالفان بشار اسد مهیا سازند.

از همین حالا هم شایعه دعوت وهابی ها برای تخریب حرم حضرت زینب منتشر شده است، بدون اینکه هیچ منبعی برای آن ذکر شود؛ شایعه ای که منشأ اصلی آن، شبکه العالم وابسته به صداوسیمای جمهوری اسلامی است.

پایتخت سوریه شاهد یک جنگ داخلی تمام عیار میان نیروهای سرسپرده اسد و ارتش آزاد سوریه است. اجساد زیادی در خیابان های دمشق رها شده است مخالفان می گویند ارتش با هواپیما و هلی کوپتر های جنگی به محلهای معترضان حمله می کند.

فایل صوتی مباحث شهید هدی صابر

پیشنهاد

مجموعه کامل فایل‌های صوتی مباحث معلم شهید هدی صابر با عنوان «باب بگشا: ضرورت رابطه ی صا فدلانه، مستمر، استراتژیک و همه گاهی با خدا » در آستانه ماه رمضان توسط درگاه «در فیروزه ای » منتشر شد. این مباحث از ماه رمضان سال ۱۳۸۷ در حسینیه ارشاد آغاز شد و تا زمان دستگیری شهید هدی صابر در تابستان ۱۳۸۹ ادامه یافت.

متن کامل این فایل ها در سایت کلمه قابل دسترسی است

قیمت مرغ ۵۰ سال پیش چقدر بود؟

ذره بین

در حالی که قیمت مرغ به یکی از بحث های روز تبدیل شده و تا مرز ۱۰ هزار تومان هم رکوردزنی کرده ، سایت تاریخ ایرانی با بازنشر خبری از روزنامه اطلاعات در ۵۰ سال پیش از قیمت مرغ کیلویی نه تومان خبر داد و نوشت: اکنون بهای انواع مرغ زنده خارجی در تهران کیلویی ۷۰ ریال و در شهرستان‌ها ۶۵ تا ۷۰ ریال و پرکنده ۹۰ تا ۹۵ ریال و قیمت خروس زنده کیلویی ۵۵ تا ۶۳ ریال و خروس پرکنده ۷۵ تا ۸۳ ریال است.

زندانیان سیاسی

* از ورود وکیل همسر و دختر نسرین ستوده به دادسرای اوین ممانعت شد.
* حسام فیروزی فعال حقوق بشر برای حکم یک سال و نیم حبس به زندان اوین رفت.
* دختر عبدالفتاح سلطانی در نامه ای به دادستان تهران نسبت به سلامت پدرش هشدار داد.
* منیژه نجم عراقی فعال جنبش زنان به تحمل یکسال حبس تعزیری محکوم شد.
* محمدصدیق کبودوند فعال حقوق بشر در پی وخامت حالش به بیمارستان مدرس منتقل شد.
* از انتقال سید مصطفی تاجزاده برای مداوای چشم بیمارش به بیمارستان جلوگیری شد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۶ چهارشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: این حق مردم است که ماهیت قطعنامه ها و تحریم های دیگری را که در حال افزوده شدن است، بشناسند. باید آنها بدانند این تحریم ها چه اثری بر سفره آنها و روی نرخ بیکاری و تورم و تولید و پیشرفت کشور و امنیت می گذارد.

کارد به استخوان مردم رسیده

مقاومت مدنی، براندازی نیست

سرمقاله

گاه تصور می شود مقاومت مدنی منفی، عملی براندازانه است. این در حالی است که این نوع کنش جمعی به اصلاح وضعیت موجود با استفاده از ظرفیت های قانونی و مسالمت آمیز سخت پای بند است. نه به این معنا که کنشگران مقاومت مدنی منفی در راه رسیدن به اهداف جنبش اجتماعی خود هیچ هزینه ای نمی پردازند. کنشگران اجتماعی با علم به اینکه ساختار کنونی نظام حاکم در مقابل هر گونه حرکت اصلاحی مقاومت می کند، سعی می کنند با شیوه های مسالمت آمیز، خواسته های خود را تا آنجا پیگیری کنند که به اصلاح فرایندهای تصمیم گیری، اصلاح قانون و یا تغییر حکمرانانی که تن به اصلاح نمی دهند بینجامد. راهپیمایی، تظاهرات، اعتصاب، تحریم، تحصن و ده ها تاکتیک دیگر می تواند در این راستا به کار گرفته شود، بدون اینکه به عملی براندازانه تفسیر و تعبیر شود. اساسا، به رسمیت شناخته شدن حق تجمعات مسالمت آمیز و حق اعتصاب در نظام های مردم سالار را باید در تدبیر تدوین کنندگان قانون اساسی این نظام ها برای بازگذاشتن راه تحول و تغییر از طرق مسالمت جویانه فهمید. در مقابل، نظام های استبدادی راه را بر هر گونه تغییر یا اصلاح از طریق کنش اجتماعی مسالمت آمیز می بندند. این گونه نظام ها، هر حرکت اعتراضی را براندازانه تعبیر می کنند و با برخورد خشونت بار با آن، امکان ابراز نظر را از منتقدان و مخالفان سلب می کنند. در نتیجه، فشارهای اجتماعی تجمیع شده در شکل انقلاب هایی بروز و ظهور می کند که هدف آن براندازی کامل نظام کنونی و برپایی نظامی نوین است.

اجازه بدهید برای روشن شدن موضوع، نگاهی گذرا به یک مثال تاریخی بیفکنیم. جنبش حقوق مدنی رنگین پوستان در ایالات متحده امریکا، یکی از جنبش های مهم مدنی تاریخ معاصر است. در حالی که رنگین پوستان آمریکا دوشادوش هموطنان سفیدپوست خود در جنگ و صلح کوشیده بودند، در نظام حقوقی و سیاسی مسلط، هیچ مفری برای احقاق حقوق خود نمی یافتند. جداسازی نژادی، تبعیض در میزان درآمد و شرایط کار، و موانع فراوانی که در سر راه آنها برای استفاده از حق تعیین سرنوشت و مشارکت مؤثر در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی وجود داشت، آنها را عملا به صورت شهروندانی درجه دو درآورده بود. حرکت اجتماعی که برای مقابله با چنین وضعیتی شکل گرفت، عمدتا مسالمت آمیز بود. این جنبش مدنی به تغییرات اساسی مانند تغییر قانون انجامید، اما در عین حال براندازانه، به این معنا که بخواهد نظام سیاسی حاکم بر ایالات متحده را ساقط و نظامی نو برپا سازد، نبود. مشارکت کنندگان در جنبش در طی نزدیک به ده سالی که تا دستیابی به پیروزی طول کشید از همه شیوه های مبارزه منفی برای رسیدن به اهدافشان استفاده کردند. راهپیمایی، تحصن، تحریم خرید کالا از فروشگاه هایی که بر تبعیض نژادی اصرار می ورزیدند و شیوه های دیگر که ضرورت دارد توسط کنشگران جنبش سبز مطالعه و بررسی شود. در این جنبش نیز، مانند همه جنبش های اجتماعی مدنی طیف متنوعی از کنشگران حضور داشتند که گاه مواضع شان با خط مشی رهبری اصلی آن در تضاد بود. صبر و درایت رهبران جنبش، همبستگی و استقامت مشارکت کنندگان و همراهان جنبش، و صدالبته آمادگی حکومت در نشان دادن انعطاف و پذیرش تغییرات معقول، باعث شد جامعه آمریکا، بدون آن که دچار تزلزل یا تصلب شود، راه خود را به سوی آینده ای که رنگین پوستان در اداره‌ی آن سهیم شوند، بیابد و دست به «خودترمیمی» بزند. اصلاحیه ها و متمم های متعددی که بر قانون اساسی آن کشور اضافه شده، نشانه چنین ظرفیت «خودترمیمی» است.

تجربه های تاریخی نشان می دهد نباید هرگونه مقاومت مدنی منفی را با براندازی یکسان شمرد. حوادث پس از کودتای انتخاباتی سال ۸۸ نشان داد بخش مهمی از حاکمیت از فهم این واقعیت ناتوان بوده است. ریشه این کج فهمی را باید بیش از هر چیز در خطای استراتژیکی دانست که رهبری نظام دچار شد که طی دو دهه اخیر، عرصه ی سیاست را به تدریج از سیاستمداران تهی و به دست نظامیان سپرده است. صدالبته ذهن و طبیعت نظامیان با شناخت و پاسداشت منافع بلند مدت سیاسی کشور، بیگانه است. از سوی دیگر، اصلاح طلبانی که امروز در قالب تجدیدنظرطلبی به میدان آمده نیز در فهم ماهیت و طبیعت مبارزات سیاسی در قالب مقاومت مدنی منفی کوتاهی کرده اند. از همین روست به جای تلاش برای فهم مسئله، در صدد تغییر صورت آن و بازسازی فضای پیش از انتخابات ۸۸ بر آمده اند. این گمان که حال که جنبش سبز امکان حضور خیابانی ندارد، تنها راه باقی مانده، عبارت از حضور در صحنه انتخابات خواهد بود، این گروه از اصلاح طلبان را به این سمت و سو هدایت کرده است.

وضعیت امروز ایران به فاجعه شبیه است. در همه عرصه‌ها، رد پررنگ بی‌تدبیری و سوء مدیریت حاکمیت آشکار است و برخلاف آنچه گمان می‌رود مسبب وضعیت اسفبار کنونی، تحریم‌های همه‌جانبه غرب است، می‌توان به جرات ادعا کرد این تحریم‌ها صرفاً اثرات بی‌خردی متصدیان کنونی را عیان کرده است.

در سالی که سال حمایت از تولید ملی نام گرفت، راهبرد اصلی نظام باید توجه به تولید داخلی باشد، تا اثرات تحریم‌های خارجی به کم‌ترین میزان برسد. امروز، علاوه بر آنکه نظام مشروعیت لازم برای اجرای چنین طرحی را ندارد، ابزارهایی که غرب در اختیار دارد هم کارآمدتر شده‌اند. در مقابل مطابق نظرسنجی شبکه خبر بیش از ۶۰درصد مردم موافق کوتاه آمدن لااقل تاکتیکی در مناقشه هسته ای هستند. نظام هم متقابلاً به فکر ترمیم وجهه خود افتاده که امیدوار است در سال منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ به ثمر بنشیند. خطوط اصلی این عملیات بازکردن ظاهری فضا، بدون آزادکردن زندانیان تأثیرگذار سیاسی و حتی برداشتن حصر راهبران جنبش سبز و تلاش برای برگزاری انتخابات پرشور با اجازه دادن به کاندیداتوری اصلاح‌طلبان خواهدبود.

از سویی، غرب با وجود تمام ضرباتی که به ایران وارد کرده، خود متحمل کمترین هزینه‌ای نشده است. عمده راههای ایران برای دورزدن تحریم‌ها توسط غرب مسدود شده و مهم‌تر از آن، دو سلاح عمده ایران در این نبرد خاموش از دسترس ایران خارج شده اند: نفت ایران در حال خروج از بازار جهان است و تنگه هرمز هم به یک مهره سوخته بدل شده‌است.

نتیجه تقابلی که جمهوری اسلامی از همان آغاز با تمام دنیا آغاز کرد، اکنون عیان شده است. وقتی توهم در سیاست جای واقعیت را می‌گیرد، وقتی طوری رفتار می‌کنیم انگار دروغ‌های رسانه «ملی» ما را هم فریفته که در واکنش به گرانی مرغ از دستهای پشت پرده و اصطلاحات نخ‌نما سخن گفته و بدون برنامه مشخصی، بکوشیم بازار نابسامان سکه و ارز را با یگان ویژه کنترل کنیم و به لبنیات دستور دهیم به فرمان ما ارزان شوند.

اوضاع بگونه‌ای است که هرلحظه امکان انفجار خشم مردم وجود دارد. در این شرایط که هر روز یک بازار به‌هم می‌ریزد، انتظار هر اتفاقی را باید داشت؛ بویژه که در ماه رمضان هم معمولاً مواد غذایی گران‌تر می‌شوند و معلوم نیست امسال در این ماه چه اتفاقی بیافتد .

ما در این مدت نتوانستیم مردم‌سالاری را به نان شب ترجمه کنیم که مردم به آن احساس نیاز کنند. شرایط به گونه ای است که خودِ نان شب هم به جمع کثیریِ از مردم نمی‌رسد. این، شرایطی است که بعید نیست در آن کارد به استخوان‌ها برسد و حرکتی آغاز شود. بهترین حالت چیزی شبیه به یک انقلاب باشد. چنین حرکتی، اوضاع را چنان درهم خواهدکرد که تا مدتها نخواهیم توانست از زیر فشار آن کمر راست کنیم.

اما جلوی ضرر را از هرجا بگیریم منفعت است، پیشنهادهای این نوشتار به تصمیم‌گیرنده اصلی آیت‌الله خامنه ای است:

یک. حمایت‌های بی‌دریغ‌تان را از دولت که از نمازجمعه ۲۹ خرداد، و موضع‌گیری بی‌سابقه تان در حمایت از رییس آن، رنگ تازه گرفت، متوقف کنید.

دو. آزادیهای مصرح قانون اساسی برای ملت را تضمین کنید. ملت «حق دارد» نمایندگانی را که خود شایسته می‌داند و از فرایند رقابت عادلانه برگزیده، به مناصب دولتی بگمارد، «حق دارد» آزادانه تجمع برگزار کند، «حق دارد» رسانه‌های آزاد رادر اختیار داشته‌باشد.

سه. زندانیان سیاسی بازداشت شده پس از انتخابات مناقشه برانگیز ۸۸ را آزاد و حقوق ازدست‌رفته شان را احیا کنید.

همانگونه که موسوی ــ که او و مهدی کروبی، در صدر فهرست کسانی اند که باید آزاد شوندــ در بیانیه ۱۷ خود گفت: «این اقدام، نه به ضعف، که به درایت نظام تعبیر خواهدشد».

نرگس محمدی: برای پنج روز نابینا شدم

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر زندانی که به بیمارستان منتقل شده بود، در تماس با خانواده اعلام کرد: ۵ روز توانایی بینایی خود را از دست داده و مجددا به زندان زنجان منتقل شده است. او در دوران بستری دو بار به فلج عضلانی مبتلا می شود که زمان تشنج ۶ ساعت طول کشیده است. خانم محمدی مجبور بوده روزانه ۱۰ تا ۱۵ قرص بخورد.

«هیهات منا الذله» نیشابوری ها در اعتراض به گرانی

تعداد زیادی از شهروندان نیشابوری در اعتراض به گرانی تجمع کرده و شعارهایی علیه دولت سر دادند. این تجمع با واکنش دادستان نیشابور مواجه شد که مردم را متهم کرد «برای دو عدد مرغ در خیابان راه رفته اند.» این تجمع مقابل یک مرغ فروشی برگزار شد و با شعار هیهات منا الذله همراه بود که با افزایش جمعیت معترضان، نیروهای امنیتی امکان دخالت نیافتند.

راه اندازی رشته زندانبانی در دانشگاه

در حالیکه براساس فقه اسلامی، زندان جایگاهی در مجازات شرعی ندارد، معاون سازمان زندانها از رشته جدید دانشگاهی "زندانبانی" خبر می دهد.جمهوری اسلامی با وعده تبدیل زندانها به دانشگاه به روی کار آمد که اینک زندانها جوابگوی کثرت زندانیان نیست. برخی زندانها بیش از ۵ برابر ظرفیت زندانی دارند. همچنین نامه های زندانیان سیاسی حاکی از وضعیت تاسف آور و نامناسب زندانهای کشور دارد.

رشد ۱۸ تا ۱۰۰ درصدی قیمتها در ماه رمضان

آمارهای بانک مرکزی از کالاهای اساسی در شهرها نشان می‌دهد قیمت کالاهای مورد نیاز مردم در ماه مبارک رمضان افزایش شگرفی را نسبت به مدت مشابه سال قبل تجربه کرده و رشد قیمت‌ها بین ۱۸ تا ۱۰۰ درصد بوده است. این وضعیت نشان دهنده رشد شتابان قیمت ها در کشوراست. اقتصاد ایران سالهاست تورمی است، اما طی دو سال اخیر این روند تشدید شده است.

زندانیان سیاسی

*ستاره اشرف علیخانی زندانی معترض به انتقال هم بندیهای خود به زندان قرچک ورامین به اعتصابش پایان داد.

*عادل محمد حسینی از دانشجویان اصلاح طلب برای گذراندن دوران محکومیت خود راهی اوین شد.

*محمدصدیق کبودوند رییس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان پس از ۸۵ روز به اعتصاب غذایش پایان داد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۷ شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: آمده بودم تا بگویم مردم از خدمتگزارانشان راستی و درستی می‌خواهند و بسیاری از گرفتاری‌های ما از دروغ برخاسته است. آمده بودم تا بگویم عقب‌ماندگی، فقر، فساد و بی‌عدالتی سرنوشت ما نیست.

راهبرد رهبری کشور را به باد می دهد

گفتار

سید مصطفی تاجزاده

برخلاف آن چه اقتدارگراها ادعا و تبلیغ می کردند انتخابات غیرآزاد مجلس نهم نه تنها جایگاه بین المللی کشور را ارتقا نبخشید و دولت های بزرگ را به تغییر سیاست هایشان در مورد ایران مجبور نکرد، آن چنان که انتخابات رقابتی دوم خرداد ۷۶ چنین اثری داشت، بلکه برعکس انتخابات یک اسبه و تک صدا فرصتی برای دولت آمریکا و متحدانش فراهم کرد تا بی سابقه ترین تحریم های نفتی، بانکی و بیمه ای را به ایران تحمیل کنند تا بیشترین فشار به قشرهای مستضعف و آسیب پذیر وارد شود.“

فزون خواهی و توسعه طلبی دولت های استعماری از یک طرف و انحصارطلبی و رقابت ستیزی اقتدارگراهای ایرانی از طرف دیگر مانند دو لبه قیچی علیه مردم ما و منافعشان به کار افتاده است. روشن است که ما با تحریم مخالفیم هم چنان که هرگونه ماجراجویی احتمالی اسرائیلی – آمریکایی علیه میهن و مردم خود را محکوم می کنیم. ولی نمی توانیم نقش منفی اقتدارگراهای حاکم بر ایران را از صدر تا ذیل در دادن بهانه و فرصت به جنگ طلبان و تحریم کنندگان خارجی نادیده بگیریم.

درحال حاضر جز روشنگری ملی و جهانی کاری از او و همفکرانش ساخته نیست و اهرم های قدرتِ سخت در اختیار کسانی است که در ایران و آمریکا می کوشند به بهانه مسأله هسته ای اهداف جاه طلبانه خود را تحقق بخشند.

در ایران نیز، به باور اقتدارگراها تنها مسأله هسته ای قادر است احساسات اکثریت هم وطنان را جلب و آنان را به حمایت از حکومت در برابر فشارهای غرب تشویق کند.

در چنین فضایی آنان می توانند به بهانه دفاع از حق مسلم هسته ای ایران، حقوق و آزادی های اساسی ایرانیان را نقض کرده شرایط پلیسی و امنیتی مستقر نمایند.

به طوری که نیروی انتظامی در کنار وظایف ذاتی پلیس در هر جامعه، یعنی تأمین امنیت عمومی، در همه زمینه ها از ماهواره و سینما و کافی شاپ و مجالس جشن و سرور و آب پاشی و برف بازی تا استفاده از چکمه توسط زنان و کراوات برای مردان دخالت کند و در همه جا حاضر باشد تا کسی کمترین جرأت اعتراض را نداشته باشد.

براین اساس معلوم می شود که چرا رهبری سال گذشته از برپایی انتخاباتی حزبی و رقابتی جلوگیری کرد و بزرگترین فرصت ملی را، که می توانست مانع گسترش تحریم ها شود و موقعیت کشورمان را در سطح جهانی ارتقاء بخشد و برای حل مشکلات داخلی شور و امید ایجاد کند، از دست داد و در حقیقت به ضد خود تبدیل کرد تا عدم پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات مجلس نهم به ویژه در شهرهای بزرگ، هزینه بزرگترین تحریم نفتی، بانکی و بیمه ای به ملت ما تحمیل شود.

در شرایط کنونی نیز هیچ نشانه ای از این که قرار است تغییری در این راهبرد رقابت سوز و ایران برباد ده صورت گیرد، دیده نمی شود. باوجود این امیدوارم بحران های داخلی و خارجی موجب گردد اقتدارگراها منافع و مصالح ملت ایران را بر علائق و منافع باندی خود ترجیح دهند و بکوشند با جلب اعتماد ملی، از طریق برپایی انتخابات واقعاً آزاد و عادلانه کشور را از سراشیب تباهی نجات دهند.

از سویی اقتدارگراها با منتفی کردن مرحله دوم هدفمندی یارانه ها عملاً شکست طرح را اعلام کردند. به این ترتیب جنبه های مثبت آن یعنی حرکت به طرف اصلاح الگوی مصرف، واقعی سازی قیمت ها و جلوگیری از قاچاق سوخت ارزان به کشورهای همسایه از بین خواهد رفت و به تدریج به وضعیت قبل از اجرای طرح خواهیم رسید.

در حالی که گرانی، تورم و بیکاری هم چنان بیداد خواهد کرد و قیمت ارز و طلا که طی یک سال اخیر حدوداً دوبرابر شده است، کاهش نخواهد یافت و تولید در وضعیت اسفناک کنونی درجا خواهد زد.

محمدرضا خاتمی، نایب رئیس مجلس ششم:

دروغ می‌گویند؛ مساله هسته‌ای شده ابزار تسویه حساب سیاسی

محمدرضا خاتمی، نایب رییس مجلس ششم در واکنش به اتهام سازی های اخیر علیه دولت اصلاحات در مورد پرونده هسته ای اظهار تاسف کرد که موضوع مهمی مانند مسئله هسته ای که اینک حیات و ممات کشور به آن بسته است دست مایه تسویه حساب های سیاسی گروهی و شخصی قرار گرفته است.

خاتمی گفته است: با علم و اطلاع کامل اعلام می دارم این گونه ادعاها که مکرر از زبان افراد مختلف و رسانه های متعلق به جناح حاکم در این سال ها بیان شده، تمام این اظهارات دروغ است و در مجلس ششم اصولا هیچ طرح و لایحه ای در موضوع هسته ای تقدیم مجلس نشده است. سوابق این موضوع در اداره کل قوانین مجلس هم که اینک در اختیار کامل حضرات است شاهد صادقی است که آقایان دروغ می گویند.

در حالیکه پیش از این بارها مطرح شده رهبری در سیاست های کلی نظام به خصوص مساله رابطه با غرب و مذاکرات هسته ای اشراف کامل داشته و مسئولان تیم مذاکره کننده با نظر مستقیم وی تعیین می شوند، این بار رهبری بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی خود در روند مذاکرات از ابتدا تا امروز، انگشت اتهام به سمت دولت اصلاحات گرفت و افزود:

در آن دوره ای که ادبیات مسئولان ما آمیخته به تملق گویی از غرب و امریکا شد، فردی که مجسمه شرارت بود، به خود اجازه داد جمهوری اسلامی ایران را محور شرارت معرفی کند.

رهبری بدون پرداختن به دستاوردهای دولت اصلاحات در کاهش تنش با کشورهای دنیا و منطقه و گسترش گفت و گوهای سازنده، ادامه داد:

در آن دوره بواسطه همراهی با غربی ها و عقب نشینی هایی که انجام گرفت، آنها آنقدر جلو آمدند که من مجبور شدم شخصاً وارد میدان شوم!

این در حالی است که پیش از این حسن روحانی، نماینده وقت رهبری در شورای عالی امنیت ملی، در انتقاد به احمدی نژاد از ساخت هزار سانتریفیوژ بعد از مذاکرات سعد آباد خبر داده بود، اما اخیرا آیت الله خامنه ای اظهار داشته «غربی ها در آن دوره آنقدر گستاخ شدند که حتی هنگامی که مسئولان ما به سه سانتریفیوژ قانع شده بودند، آنها مخالفت کردند اما امروز ۱۱ هزار سانتریفیوژ در کشور فعال است.»

ترکمانچای نفتی و ثروت ملی که بر باد می‌رود

خبرگزاری رویترز خبر وحشتناکی منتشر کرده مبنی بر اینکه پس از آنکه با تحریم‌های اروپا، خرید نفت از ایران به نیم کاهش پیدا کرده‌است، مجلس ایران قانونی تصویب کرده که بخش خصوصی می‌تواند وارد بازار نفت شود و اکنون، شرکتهای خصوصی گمنام برای فروش نفت خام ایران، با دلالان اروپایی نفت تماس می‌گیرند و با تخفیف‌های نامعقول، ثروت ملی را برای فروش پیشنهاد می‌کنند.

حاکمان امروز ایران، آن‌قدر بی‌حیا شده‌اند که به باارزش‌ترین دارایی‌مان ــ نفت ــ چوب حراج بزنند، بلکه با پول آن، بتوانند مدتی از زیر بار فشارهای فزاینده‌ای که چیزی جز بی‌خردی و بی‌تدبیری خودشان آن را ایجاد نکرده، خلاص شوند و بقای خود را برای اندکی بیش‌تر تضمین کنند. چه‌کسی به حاکمان اجازه داده تا با ثروت ملی‌مان چنین کاری کنند؟ حتماً پاسخ می‌دهند: «ولایت فقیه یعنی همین؛ یک نفر برای یک ملت تصمیم می‌گیرد». باید تکمله‌ای هم به این پاسخ افزود؛ «مصلحت نظام»، ایجاب می‌کند برای حفظ آن، هر عملی روا باشد. معنای «شرکت‌های خصوصی گمنام» برای مردم روشن‌تر از روز است. وقتی رهبری فرمان اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را ابلاغ کرد، با تأسیس سازمان خصوصی‌سازی انبوهی شرکت خصوصی تأسیس شد و طنز ماجرا آن بود که این شرکت‌ها اصلاً خصوصی نبوده و به یکی از محافل قدرت ــ عمدتاً سپاه ــ متصل بودند. رویترز گزارش می‌دهد این ترفند هم کاری از پیش نبرده، بانک‌ها عمدتاً از انجام معاملات این شرکتها خودداری می‌کنند و ظاهراً دگرگونی نام و پرچم نفتکش‌ها هم تأثیری نداشته؛ هفت‌میلیون بشکه نفت خام ایران، به ارزش تقریبی هفتصدمیلیون دلار، اکنون در بندر سیدی کریر مصر معطل مانده، بلکه تخفیف‌های سرسام آور کسی را راضی کند آن را بخرد.

فرض کنیم جمعیت کشور هفتادمیلیون نفر باشد. سهم هرکدام از ما در محموله ای که شرکتهای گمنام مشغول زدن چوب حراج بر آنند و بهای واقعی اش حدوداً هفتصد میلیون دلار است، ۱۰دلار است، بیست‌هزار تومان، حدود دو کیلو مرغ، یا کم‌تر از یک کیلو گوشت. می‌ارزد اعتراض کنیم؟ فکر می‌کنم بیارزد، دوهزار نفر از مردم نیشابور که این کار را کرده‌اند، ما هم فقط می‌خواهیم سهم‌مان را از ثروت ملی‌مان، از چنگ دزدان خارج کنیم. این، نه اقدام علیه امنیت ملی است، نه فتنه، نه تبلیغ علیه نظام، و نه هیچ عنوان اتهامی دیگر؛ صرفاً تپیدن دل است، برای آب و خاک ایران.

چراغی که به خانه حرام است

درده بین

درحالیکه خاموشی های مکرر برق شهروندان نقاط مختلف کشور را با مشکلات جدی روبرو کرده، وزیر نیرو از هماهنگی‌های لازم برای انتقال برق از ایران به سوریه و لبنان خبر داده است.همزمان روزنامه جمهوری اسلامی گزارش داده قطع مکرر برق در خوزستان، مردم روزه دار این مناطق را به ستوه آورده است. طی ۴۸ ساعت گذشته در چند منطقه تهران نیز قطع برق مشکلاتی را برای مردم پدید آورده که مسئولان در این خصوص پاسخگو نیستند.

تجمع اعتراض آمیز کارگران اخراجی

جمعی از کارگران اخراجی کارخانه صنایع تبدیلی الوند مقابل ساختمان استانداری همدان تجمع کردند.

این کارگران که خرداد ماه سال ۸۹ از این کارخانه اخراج شده بودند، حکم اخراجشان را غیر قانونی می‌دانند و خواستار دریافت ۲۶ ماه حقوق از زمان اخراجشان هستند. عمده این کارگران به طور دائمی استخدام شده بودند و بیش از ۱۰ سال سابقه کار در این کارخانه را داشته‌اند و به دلیل کهولت سن امکان یافتن شغل در دو سال گذشته را نداشته‌اند.

سبز زیستن در ماه رمضان با اهداء خون

پیشنهاد

آحاد مردم سبزاندیش با توجه به کمبود همه ساله خون در روزهای آغازین ماه مبارک رمضان، که باعث مشکلات بسیاری برای بیماران و نزدیکان آنها می شود، در اقدامی همگانی در مراکز انتقال خون کشور که این روزها بعد از افطار هم فعال هستند، حضور یابیم و با اهدای خون – البته به همراه نوشیدن مایعات به میزان کافی، که باعث آسیب به بدن نشود. در این روزگار پر از مشکلات و تنگناها به داد هموطنان بیمار خود برسیم.

زندانیان سیاسی

* هفده دراویش گنابادی کوار به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دادگاه انقلاب شیراز احضار شدند.
* میترا عالی، دانشجوی نخبه دانشگاه صنعتی شریف برای یک سال حبس به اوین منتقل شد.
* پدرام نصرالهی عضو کمیته کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری به ۳ سال حبس محکوم شد.
* علی ملیحی، مسوول روابط عمومی سازمان ادوار تحکیم وحدت ازبند ۳۵۰ اوین به مرخصی آمد.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۷ شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میر حسین موسوی : سیاست های ماجراجویانه سالهای گذشته ، گزافه گویی ها و رجز خوانی ها کشور را در موقعیت خطیری قرار داده است. امروز در سطح جهان بدخواهان ملت ما بر طبل خشونت و تجاوز می کوبند و مشخص است که در پیشبرد این دغدغه شوم رژیم صهیونیستی نقش بارزی دارد. آنها برای عملی کردن تصمیم های شوم خود احتیاج به برانگیختن افکار عمومی در جهان دارند. متاسفانه لفاظی های داخلی که در آن تمام کره زمین مورد تهدید قرار می گیرد بهانه لازم را برای تبلیغات لازم در این زمینه فراهم می سازد.

۱۰ سؤال درباره پرونده جاسوسی مشاور احمدی نژاد

اخیرا خبری در رسانه ها منتشر شد که ماه ها قبل زمزمه آن میان مطلعان و مسئولان سابق و فعلی نظام مطرح بود و آن چیزی نبود جز بازداشت محمدعلی رامین به اتهام جاسوسی.اما سکوت وزارت اطلاعات و دیگر نهادها و مسئولان امنیتی و سیاسی کشور در این باره، به شکلی سوال برانگیز این ابهام را تقویت می کند که نه فقط خبر مذکور واقعیت داشته، بلکه اتهام منتسب به مشاور احمدی نژاد هم دور از حقیقت نیست و با منوال پیش گرفته شده قرار نیست با این پرونده حساس و ملی، برخورد مسئولانه ای صورت گیرد.

در شرایطی که ظاهرا نهادهای امنیتی نظام حاضر نیستند مسئولانه با این ماجرا برخورد کنند و به حداقل شفاف سازی و ارائه توضیح مورد نیاز تن دهند؛ جا دارد چند پرسش را پیش روی مسئولان عالی نظام و بازوهای امنیتی آنها قرار دهیم تا لااقل این هشدار به حاکمان فعلی رسیده باشد که سرپوش گذاشتن بر چنین اتهامی تا چه حد می تواند برای سرنوشت کشور و انقلاب خطرناک باشد و سکوت درباره چنین ابهامی چقدر می تواند فاجعه بارتر از اعلام موضع صریح نهادهای امنیتی درباره آن، ولو به بهای اعتراف به فریب خوردن سران نظام در چند سال اخیر باشد.

جمهوری اسلامی این تجربه را چند بار، و در علنی ترین مورد در زمان قتل های زنجیره ای، از سر گذراند. دولت خاتمی شجاعانه ایستاد و جرات کرد مسئولیت کار نیروهای خودسر دولت خود را به عهده بگیرد، هرچند بعدا در مرحله رسیدگی قضایی بار دیگر سرپوش گذاشتن و کش ندادن، مانع ادامه مسیر صحیح شد و اگر ایستادگی خاتمی برای افشای آن فجایع هم نبود، احتمالا اتفاقات به مراتب بدتری در آینده در کار بود.

ماجرای اتهام جاسوسی مشاور احمدی نژاد، به مانند بحث جریان انحرافی، دعوای سیاسی و جناحی نیست که یک روز وزارت اطلاعات و سپاه بخواهند بگیر و ببند کنند و روز دیگر با عفو پنهانی، فتیله ماجرا پایین کشیده شود؛ پرونده اختلاس هم نیست که از فرط رسوایی، دیگر ابایی از سرپوش گذاشتن بر آن با فرمان کش ندادن نباشد. از نوع پرونده های صوری و سطحی ضد جاسوسی وزارت اطلاعات هم نیست که تنها به کار یک اطلاعیه بیاید و بی نیاز از بررسی عمیق و جدی باشد... حداقل تجربه قتل های زنجیره ای می تواند نصب العین مسئولان نظام قرار گیرد که بدانند تدبیر نکردن به موقع در این باره، چه لطمات غیر قابل جبرانی در پی خواهد داشت. تدبیر هم سرپوش گذاشتن نیست؛ پیگیری صادقانه است. این پرسش ها، جواب هایی در خور برای ملت و تاریخ ایران می طلبد. پاسخ سران کشور و مردان امنیتی آنها به این سوالات چیست:

۱ . گفته شده که محمدعلی رامین برای مدت زمان کوتاهی بازداشت بوده و سپس آزاد شده، اما همچنان پرونده اتهامی او باز است. بر اساس قانون، وزارت اطلاعات تنها نهادی است که مجاز به رسیدگی به اتهام جاسوسی است و این وزارتخانه هم با وجود اختلافاتی که پس از قهر یازده روزه احمدی نژاد به وجود آمده، همچنان در زیر مجموعه دولت فعالیت می کند. وزارت اطلاعات و اداره کل ضد جاسوسی باید پاسخ دهند که مدت زمان و علت واقعی بازداشت محمدعلی رامین چه بوده و آیا آزادی عجیب وی، ناشی از فشارهای احمدی نژاد و دولت بوده است؟ پاسخ این پرسش از آن رو اهمیت دارد که وزارت اطلاعات کوچکترین متهمان جاسوسی را ماه ها در سلول های انفرادی نگه می دارد؛ حال چطور ممکن است چنین متهم دانه درشتی در عرض چند روز یا به روایتی چند ساعت آزاد شود؟ و حالا که این فرد آزاد است و اجازه دارد تلفن خود را جواب دهد و به طور محدود در مجامع عمومی حضور یابد و به ساخت فیلم درباره "بیداری اسلامی" بپردازد، آیا وزارت اطلاعات هم پرونده اتهامی وی را بسته و او را به حال خود رها کرده است؟

۲ . گفته می شود که خبر بازداشت محمدعلی رامین و اتهام جاسوسی وی زمانی به محافل درونی و سپس پیرامونی نظام راه یافته که رامین از وزارت ارشاد درخواست مجوز نشریه کرده و پاسخ وزارت اطلاعات به این استعلام، منفی اعلام می شود. این ماجرا مربوط به اواسط سال ۱۳۹۰ است؛ حال آنکه در ماه های بعد تا اسفندماه گذشته، در مجامع عمومی از او هیچ خبر و اثری نیست. حال این پرسش مطرح می شود که زمان دقیق بازداشت وی، کی بوده و در آن مقطع، چقدر از زمان مظنون شدن دستگاه امنیتی به احتمال جاسوسی این مشاور رئیس دولت گذشته است؟

۳ . سوال بالا خصوصا به این علت اهمیت می یابد که توجه کنیم محمدعلی رامین در پاییز ۱۳۸۹ پس از یک سال حضور پرحاشیه در سمت معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، به طور ناگهانی از سمت خود برکنار می شود. آیا این برکناری که زمزمه های آن از مهرماه همان سال مطرح بود و تحقق آن نهایتا به ۲۹ آذرماه قد داد، با اتهام منتسب به وی ارتباطی دارد؟ و آیا به طول انجامیدن برکناری وی، با آنچه همان زمان در محافل رسانه ای گفته می شد که کشاکشی در این باره بین احمدی نژاد و وزیر ارشاد ایجاد شده و حتی به بگومگو بین آنها در حاشیه جلسه هیات دولت منجر انجامیده، مرتبط بوده است؟ به بیان واضح تر، آیا احمدی نژاد از متهم بودن رامین به جاسوسی اطلاع داشته و همچنان بر ابقای او در سمت معاون وزیر ارشاد اصرار می کرده؟

۴ . محمدعلی رامین در شرایطی در دهم آبان ۱۳۸۸ به عنوان معاون مطبوعاتی منصوب شد که کشور در شرایط ملتهبی بود، حاکمیت به سرکوب مطبوعات نیاز داشت و یک سال عملکرد او در این سمت نیز نتیجه ای جز حرکت در مسیر همین هدف، نداشت. وزارت اطلاعاتی که در مهرماه ۱۳۹۰ صلاحیت این فرد برای داشتن نشریه را رد می کند، چگونه در مهرماه ۱۳۸۸ صلاحیت او را برای معاونت وزیر تایید کرده بود؟ و آیا این اشتباه بدفرجام، علتی جز تمرکز وزارت اطلاعات در آن زمان بر روی پروژه سرکوب معترضان در سال ۸۸ داشته که به غفلت از وظایف اصلی خود در کنترل جاسوسان منجر شده است؟

۵ . تصویری که از محمدعلی رامین در دوره یک ساله تصدی معاونت مطبوعاتی ارشاد برجای مانده، به سرکوب مطبوعات و برخوردهای موهن و تحریک آمیز با خبرنگاران و اهالی رسانه محدود نبود. او در همین دوره از ضرورت بازگشت روحانیت به مساجد سخن گفت؛ اظهاراتی که چندی بعد گویندگان سخنانی بسیار خفیف تر از آن با اتهام جریان انحرافی و داغ و درفش مواجه شدند. همچنین او تلاش و اصرار عجیبی برای جا انداختن اصطلاح "امام خامنه ای" داشته و این در حالی است که در زمان مسئولیت وی، رسانه های محافظه کار ادعا کردند رهبری در نمایشگاه کتاب حتی حاضر نشده با وی همصحبت شود. آیا رهبری در آن زمان، از اتهام جاسوسی رامین خبر داشته؟ مگر غیر از این است که در دو دهه اخیر، معاون مطبوعاتی ارشاد همواره با نظر مستقیم رهبری انتخاب می شده؟ همچنین آیا وزارت اطلاعات بررسی دقیقی درباره عملکرد رامین در این دوره و پیامدهای آن صورت داده و آیا اهدافی همچون اختلاف افکنی حتی بین جریان های داخل حاکمیت و نیز بسته کردن بیش از پیش فضای رسانه ای کشور، در پرونده او ذیل اتهام جاسوسی، و احتمالا تحت تاثیر سیاستهای دیکته شده از بیرون، مورد بررسی قرار گرفته است؟

۶ – محمدعلی رامین، خیلی قبل از آنکه به عنوان معاون مطبوعاتی معرفی شود، و در واقع در تمام دوره فعالیت دولت نهم، مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد بود. اما فعالیت ها و نفوذ او در این دوره، به مراتب گسترده تر از یک مشاور مطبوعاتی بود. او طراح موضوع انکار هولوکاست بود که به تنهایی بار نیمی از فشارهای جهانی علیه ایران در چند سال اخیر را بر دوش کشید و آتش تهیه حملات بین المللی و انزوای ایران در محافل جهانی شد. رامین همچنین به عنوان رابط احمدی نژاد با خاخام های یهودی ظاهرا ضد صهیونیست عمل کرد که یک چشمه از روابط مشکوک اوست، و همو بود که تعبیر محو اسرائیل را در زبان احمدی نژاد انداخت که به اذعان همه تحلیلگران سیاسی و امنیتی، بهترین هدیه به اسرائیل بود. این هم بحث امروز نیست؛ از همان زمان دلسوزان کشور به رهبری و سران حاکمیت در این باره هشدار داده بودند و حلقه ای که منشأ این بحث ها بود را هم همه می شناختند.

چرا سران نظام و دستگاه های امنیتی همان موقع به آن نگرانی ها ترتیب اثر ندادند؟ آیا کسی یادش رفته که میرحسین موسوی در مناظره های انتخاباتی صراحتا از این گفت که دولت نهم با افراط گری ها و شعارهای ظاهرا ضد صهیونیستی اش باعث شد اسرائیل به جای منزوی شدن پس از کشتار مردم غزه، در موضع مظلومیت قرار بگیرد؟ آیا فراموش کرده اند که میرحسین نسبت به افراط و تفریط هایی همچون انکار هولوکاست و سپس اظهار دوستی با مردم اسرائیل هشدار می داد؟

چگونه است که صاحب آن نگاه تیزبینانه و مدبرانه اکنون در حصر خانگی است و پرونده بانیان آن همه خدمات به اسرائیل، رفع و رجوع می شود؟ واقعا سران نظام و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی چطور مسائل را تجزیه و تحلیل می کنند؟

۷ . رامین همچنین پایه‌گذار "هسته‌های فداییان ولایت" بود که زمینه را برای تبلیغات گسترده ضد ایرانی در رسانه های غربی فراهم کرد. به علاوه، او به تاسیس سازمان هایی همچون "جمعیت دفاع از اقلیت‌های مسلمان در غرب"، "سازمان امت اسلامی" و "اتحادیه راه اسلام در اروپا" پرداخت که هیچ کارکردی برای آنها معلوم نیست و البته هر یک می توانند پوششی برای برقراری روابط خارجی باشند که ممکن است محملی برای فعالیت های جاسوسی باشد. آیا این نوع فعالیت های رامین در پرونده وی مورد بررسی قرار گرفته است؟ و آیا وزارت اطلاعات سابقه فعالیت های این تلاشگر کهنه کار عرصه بیداری اسلامی و رابطه آن با اتهام جاسوسی او را بررسی کرده است؟

۸ . وی در عین حال در محافل سیاسی اصولگرا نیز نفوذ زیادی داشت، از جمله افراد خط دهنده به بسیج دانشجویی در آن سال ها بود، در ائتلاف "رایحه خوش خدمت" مسئولیت کلیدی کمیته سیاسی را بر عهده گرفت و مدتی هم مشاور رئیس سازمان صداوسیما بود. فردی با آن سابقه فعالیت های برون مرزی و آن حجم از تاثیرگذاری بر تحریف مواضع درباره اسرائیل، وقتی که چنین شبکه ای از روابط را هم در محافل سیاسی داخلی برقرار می کند و خودش را در مرکزیت آنها قرار می دهد، آن هم با عملکردی تا آن حد مشکوک که حتی مسئولان مهم نظام در مجامع خصوصی درباره وی اظهار سوء ظن می کردند، چگونه در سال های قبل موجب سوء ظن دستگاه امنیتی نشده بود؟ و حالا که این سوء ظن در حد طرح اتهام و بازداشت موقت ایجاد شده، آیا نقش مخربی که او در این سال ها در جنبه های سیاسی داخلی و خارجی جریان مدعی اصولگرایی و دولت فعلی داشته، بررسی و میزان تخریب های وارده ارزیابی شده است؟

۹ . غیر از این همه ابهامات، وزارت اطلاعات به این پرسش هم باید پاسخ دهد که رامین به جاسوسی برای کدام کشور متهم است. در شایعات مطرح شده، از آلمان و اسرائیل سخن به میان آمده است. سابقه تحصیل و همچنین سابقه بازداشت او در آلمان، و نیز حرف و حدیث هایی که درباره منافع اسرائیل در طرح موضوع هولوکاست و مباحث دیگر از سوی ایران داشته، ممکن است با احتمال ارتباط او با این دو ربط داشته باشد. از سویی فرزند وی، یاسین رامین که تابعیت دوگانه آلمانی- ایرانی دارد، نیز چندی قبل در پرونده اختلاس سه هزار میلیاردی به عنوان "رابط مه آفرید امیرخسروی با محمودرضا خاوری" مورد بازجویی قرار گرفته و البته دستگاه قضایی در رفتاری سوال برانگیز، کیفرخواستی برای او صادر نکرده و در نتیجه پای وی به دادگاه باز نشده است. گفته می شود که اتهام فرزند مشاور سابق احمدی نژاد، خرید کالاهای تحریمی برای ایران بوده است. اداره کل ضد جاسوسی وزارت اطلاعات باید توضیح دهد که این اتهام، آن روابط و آن سوابق چگونه با هم پیوند می خورند؟

۱۰ . علاوه بر اتهام جاسوسی و شایعه بازداشت، شایعات دیگری هم درباره محمدعلی رامین مطرح است؛ از جمله اینکه برخی بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ گفته اند رامین را با همان چهره متمایز، موهای سرخ و لهجه متفاوتش در بازداشتگاه وزارت اطلاعات دیده اند. بنا به این گفته ها، رامین در اتاق بازجویی آنها در بندهای ۲۰۹ و ۲۴۰ زندان اوین حاضر شده، با آنها به بحث سیاسی یا به تعبیر خودش توجیه ایدئولوژیک پرداخته و در نهایت به آنها کتاب "ولایت فقیه" امام را داده تا بخوانند و هدایت شوند. آیا وزارت اطلاعات این موضوع را تایید می کند؟ و در صورت صحت، دایره ارتباطات این فرد و نفوذ او در دستگاه امنیتی تا چه حد بوده و چگونه او اجازه یافته وارد بازداشتگاه های امنیتی شده و با متهمان – به تعبیر بازجویان – امنیتی صحبت کند، به تهدید آنها بپردازد و سپس آنها را توجیه ایدئولوژیک کند؟ و آیا رابطه او با وزارت اطلاعات در همین حد و به همکاری در بازجویی ها منحصر بوده یا آنکه وی از پرونده های اطلاعاتی و دارای طبقه بندی هم خبری داشته؟ و آیا اتهام فعلی وی، به روابط او با مهمترین نهاد اطلاعاتی کشور مرتبط است؟

میرحسین موسوی به کرات از ضرورت شفافیت و صداقت با مردم گفت که هیچ گاه شنیده نشد. این سخن او، پرسش پایانی مطلب حاضر و سوال همه مردم است: "شفافیت در مقابل ملت چه مشکلی ایجاد می کند که به پنهان‌کاری از ملت پناه برده ایم؟"

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۸ دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: هنوز به اعتقاد اینجانب راهبرد «هر شهروند، یک رسانه» و همچنین گسترش فعالیت های شبکه اجتماعی در جهت گسترش آگاهی های سیاسی و اجتماعی، یک ضرورت است و جایگزینی برای آن وجود ندارد.

به هر انتخاباتی تن نمی دهیم

سرمقاله

موضوع این نوشتار این است که آیا اتخاذ رویکرد مشارکت در انتخابات پیش رو در جریان جنبش اجتماعی- اصلاحی سبز نمی تواند به عنوان تغییر تاکتیک در نظر گرفته شود؟

برای پاسخ لازم است به یاد بیاوریم که منشأ گسترش جنبش سبز چه بود. توجه می دهم که از واژه «گسترش» استفاده می کنم و نه «پیدایش»، چرا که اولا جنبش سبز مرحله تکامل یافته ی حرکت اجتماعی است که طی یک قرن اخیر، تحقق مطالبات اساسی مردم ایران را سرلوحه اهداف خود قرار داده و نهضت مشروطه خواهی، نهضت ملی شدن نفت، قیام پانزده خرداد، انقلاب اسلامی و جنبش اصلاحات را در پیشینه هویتی خود دارد. استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت را می توان در شمار مهم ترین و بنیادی ترین این مطالبات دانست و نگاهی به ادبیات سیاسی دوران مشروطه تاکنون، گواه استمرار همراه با تکامل یافتگی آن است. درباره متکامل بودن جنبش سبز نسبت به حرکت های اجتماعی پیش از خود، در نوشتارهای بعد بیش تر خواهم گفت.

ثانیا، بر خلاف تصور برخی تحلیلگران، جنبش سبز نه از فردای روز رأی گیری، بلکه دست کم از آغاز دوره تبلیغات انتخاباتی، به واسطه طرح این مطالبات در قالب یک خواست عمومی شکل گرفت. گفتمانی که موسوی و کروبی در سخنرانی ها، مصاحبه ها، برنامه ها ،کلیپ ها و سفرهای انتخاباتی ارایه دادند، مطالبات آنچه آصف بیات «ناجنبش های اجتماعی» می نامد را به جنبش تحول خواهی و اصلاح طلبی گره زد و زمینه را برای حرکتی فراگیر فراهم ساخت.

رشد سریع و خارج از انتظاری که هم نخبگان اصلاح طلب و هم حاکمیت طرفدار کاندیدای دولتی را بویژه در دو هفته ی منتهی به رأی گیری غافلگیر کرد، ناکافی بودن انجام سناریوی از پیش تعیین شده اقتدارگرایان برای تمسک به شیوه های تخلف و تقلب انتخاباتی را که در دوره قبل بکار گرفته بودند، برای تضمین انتخاب کاندیدای مورد نظرشان آشکار ساخت و در نتیجه، کودتای انتخاباتی در دستور کار دولتیان قرار گرفت. حضور آگاهانه مردم معترض در روزهای پس از اعلام نتایج اما، تسلط کامل و بی دردسر کودتاگران بر اوضاع را دچار مشکل کرد، بویژه اینکه نامزدهای رقیب کاندیدای دولتی، بر خلاف دوره های قبل، در کنار مردم ایستادند و خواستار رسیدگی به تخلفات و تقلبات پیش، حین و پس از رأی گیری شدند. به بیان دیگر، جنبش سبز پس از ۲۲ خرداد با شعار «رأی من کجاست؟» تداوم یافت. این بدان معناست که جنبش سبز خواستار تحقق اصلاحات از طریق صندوق های رأی است، اما صندوق رأیی که نتایج اعلام شده مطابق آرای ریخته شده باشد و نه اراده های معطوف به قدرت و معتقد به مهندسی انتخابات.

جنبش سبز، بازگرداندن اعتبار و اعتماد به صندوق رأی را هدف مهم خود می داند. این با تصور اصلاح طلبان تجدیدنظرطلب که گمان می کنند می توان پس از حضور در انتخابات و به دست گرفتن سکان قوه مجریه به اصلاح فرایند انتخابات دست زد، تفاوتی مهم دارد. انتخابات مانند هر مفهوم سیاسی دیگر، دارای مختصاتی است که بدون آن، دعوت به مشارکت شهروندان به اظهار نظر خود از طریق آراء، بی معنی خواهد بود. هیچ انتخابی که بدون آزادی و آگاهی صورت گیرد، انتخاب نیست و هیچ صندوق رأیی تا متعهد به امانتداری نباشد، صندوق رأی نیست. بازگرداندن اعتبار صندوق رأی به آن، از طریق اصلاح قانون انتخابات و تضمین حفظ بی طرفی آن در قبال تمایلات انحصارطلبانه ی کانون های قدرت میسر است و بس. اصلاح فرایندهای انتخاباتی نیازمند پشتوانه عقلانیت جمعی است که برخاسته از یک وفاق ملی باشد. وگرنه، برای کسانی که خیال می کنند بدون محترم شمردن تنوع و تکثر موجود در جامعه می توان به اصلاحاتی هرچند جزئی در ساختار سیاسی کشور دست زد، چاره ای جز توسل به ایده مهندسی انتخابات، گرم کردن تنور انتخابات، و حداکثر گشایش های سیاسی- امنیتی کنترل شده باقی نمی ماند. خواسته های جنبش سبز مبنی بر آزادی رهبران جنبش از حصر غیرقانونی و آزادی زندانیان سیاسی را نیز باید به عنوان علامت حسن نیتی شمرد که انتظار می رود برای آغاز اصلاحات ساختاری از سوی حکومت نشان داده شود.

بنابراین، مقاومت مدنی منفی تا دستیابی به شرایطی که در آن، انتخابات به جایگاه اصلی خود بازگردد، فقط یک تاکتیک نیست، بلکه یک استراتژی برای دستیابی به چشم اندازی اطمینان بخش است. در شرایطی که ویژگی های اولیه یک انتخابات عادلانه و آزاد فراهم نیست، دعوت به مشارکت در انتخابات به مثابه دمیدن شیپور از دهانه گشاد آن خواهد بود.

آخرین خبرها درباره حصر خانگی مهدی کروبی

پسر مهدی کروبی از رهبران درحصر جنبش سبز طی یادداشتی که در آن مقامات عالی نظام را مورد خطاب قرار داد، خواستار آن شد که اگر قصد ندارند به حبس خانگی پدرش خاتمه دهند، او را به زندان اوین بفرستند. محمد تقی کروبی وضعیت پدرش را بدتر از دوستان زندانی در اوین توصیف کرد و اعلام کرد که یا او را به منزل مسکونی اش در جماران انتقال دهند و امنیتی ها قوانین و مقررات مربوط به زندان ها را بدون هیچ گونه تبعیضی اعمال کنند و یا اگر با وجود گذشت ۱۸ماه از حبس غیر قانونی هنوز بر تشدید مجازات ایشان بدین نحو اصرار دارید لااقل طبق ادعای خود ایشان را به زندان اوین و در کنار همراهانش منتقل کنند.فرزند مهدی کروبی با یادآوری حکمی که جنتی در نماز جمعه درباره حصر خانگی موسوی و کروبی صادر کرد، تصریح کرد که دستگاه قضایی در این پرونده اساسا به بازی گرفته نشد و مراحل قانونی جهت بازداشت و حبس رهبران جنبش اعتراضی حتی به لحاظ شکلی طی نشد.

وی حصر کروبی را با رفتار ناصرالدین شاه با امیرکبیر و حصر دکتر مصدق در دوران پهلوی و آیت الله منتظری در دوران جمهوری اسلامی مقایسه کرد و از مقامات عالی نظام پرسید:

آیا زمان حصر و یا حبس کروبی در منزل مسکونی اش مطابق آنچه رسما فرمان داده شد و مقامات سیاسی در داخل و خارج کشور از آن سخن می گویند، فرا نرسیده است؟

او به مسوولان بار دیگر یادآوری کرده که واژه حصر در سیستم مدون حقوقی کشورمان همچون دیگر کشورهای جهان سومی تعریف نشده اما در مقام عمل بارها در قبال بزرگان این ملک اعمال شده است.

با گذشت ۱۸ ماه از حبس خانگی مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد، خانواده های آنها نیز در این مدت تحت فشارهای امنیتی قرار گرفته داشته اند. از جمله می توان به آزار و اذیت روحی دختران مهندس موسوی و زهرا رهنورد اشاره کرد که در این مدت با ارایه اخبار دروغ، تهدید و ایجاد مزاحمت از سوی ماموران امنیتی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند.

تهدید و بلاتکلیفی خانواده‌های «بازداشت‌شدگان سایبری»

با وجود نزدیک به دو ماه از بازداشت جوانان و فعالان اینترنتی توسط حفاظت اطلاعات سپاه ، کماکان خانواده های این جوانان از وضعیت فرزندان خود بی خبرند و در بلاتکلیفی به سر می برند و هر روز به یکی از مراجع قانونی! پاس داده می شوند.آغاز این بازداشت ها از سوم خرداد امسال بوده و تا کنون حدود ۲۰ نفر در این مدت با همین اتهام از استان های مختلف کشور دستگیر شده اند. در میان بازداشت شدگان علاوه بر تهران، جوانانی از شهرهای ایلام، مشهد، کرمانشاه، رشت، کرج، زنجان و خوزستان هم وجود دارند. بسیاری از آنها بدلیل فعالیتهای اینترنتی از قبیل حضورهایی متعارف در شبکه های مجازی نظیر فیس بوک با اتهاماتی همچون فعالیت اینترنتی و یا توهین به مقدسات در فضای مجازی، هفته ها در سلول های انفرادی بند دو الف متعلق به حفاظت اطلاعات سپاه در بازداشت به سر می برند.برخورد بد با خانواده های جوانان بازداشت شده پرونده موسوم به سایبری، وجه مشترک اظهارات تمام این خانواده ها است. یکی از اعضای این خانواده ها که با فرزندش تماس تلفنی داشته است، با بیان اینکه "تعدادی از بچه ها همچنان بازجویی می شوند" می گوید: ظاهرا صفحه فیس بوکی که اینها به عضویت در آن متهم اند، همچنان فعال است و به بچه های ما فشار می آورند که بقیه را معرفی کنید. این در حالی است که اکثر بازداشت شدگان در فیس بوک حتی یکدیگر را نمی شناسند.

همه چیز حاکمان از مردم است

آیت الله دستغیب در سخنانی به حاکمان یادآوری کرد که « مردم زحمت خود را کشیدند و شما را از زندان و تبعید و آن شدائد سخت نجات دادند، به خواسته مردم که اجرای قرآن و سنت و پاسداری از آرای شان است احترام بگذارید. اگر چنین شود تفاوت و اختلافی میان مردم و حکوت نخواهد بود.

او افزود:آیا باید دائم به مردم تذکر دهیم خدا بر شما منت گذاشت و نظام را برای شما حفظ کرد؟

بنده همان حرف امام خمینی را می‌زنم که مسوولین این مردم بودند شما را از زندانها نجات دادند.

فریب مردم به نام سهام عدالت

با وجود اعتراف کارشناسان و حتی نمایندگان حامی دولت به شکست خوردن طرح سهام عدالت، در آخرین سال فعالیت دولت احمدی نژاد خبر می رسد بناست گروهی دیگر با عنوان ثبت نام سهام عدالت فریفته شوند.

این در حالیست که میلیونها نفری که سهام عدالت دریافت کردند، هنوز سود خود را طلبکارند و امکان فروش آن را هم ندارند. از سویی بیش از ۴۰ میلیون سهامدار از سه سال قبل سودی نگرفتند و اعلام شده تا سال ۱۳۹۴ هم سودی نمی گیرند و حداقل تا پنج سال بعد هم امکان معامله سهام عدالت وجود ندارد!

سونامی نمک در راه است

پس از آلودگی و گرد و غبار اینک معاون سازمان حفاظت محیط زیست از ورود غبار سونامی نمک دریاچه ارومیه به استانهای البرز و تهران خبر داده است. کارشناسان پیش بینی کردند با خشک شدن احتمالی دریاچه باران نمک در بسیاری از استانها می بارد و منجر به آواره شدن ۱۳ میلیون نفر خواهد شد.

اصغر محمدی فاضل گفته است: حق آب سالیانه دریاچه ارومیه طبق توافق کتبی با وزارت نیرو سالیانه ۳،۱ میلیارد متر مکعب است که این حق آبه به اندازه تأمین نشده و باعث افزایش کسری آب دریاچه ارومیه شده است.

زندانیان سیاسی

*پس از پخش فیلم چهار اعدامی زندان کارون در شبکه اینترنت،محدودیت های زندانیان سیاسی این زندان افزایش یافته است.

*وضعیت جسمی اسماعیل برزگری زندانی اعتصاب کننده غذا وخیم گزارش شده که با بی توجهی دادستان مواجه است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۱۹۹ چهار شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: ما باید بدانیم رواج دروغ با پول ملت و دلارهای نفتی نمی تواند پایه های یک نظام را استحکام بخشد و در کنار این حرکت همه باید در مرور ادعاهای اقتدارگرایان در باره افراد و زندانیان و شخصیت ها سوء ظن داشته باشند.

حال و هوای این روزهای سوری ها

سرمقاله

چراغ ها همه خاموش اند، اینجا نه نوری است و نه رنگی، حتی خون هم در تاریکی سیاه رنگ است. هیچکس برای خرید ماه مبارک رمضان اینجا نیامده، ردیف سطل زباله های داخل پیاده رو و چند چهره نگران در گوشه و کنار بازار به چشم می خورد.

اینجا یکی از کهن ترین شهر های خاورمیانه است.

حدود یک دهم ساکنان این شهر دو نیم میلیونی تا کنون شهر را ترک کرده اند اما بقیه هنوز اینجا مانده اند، بعضی هم منتظرند، منتظر امن ترین لحظه برای فرار. در چهار روز گذشته حلب روزهای خون باری را پشت سر گذاشت، ارتش با سلاح های سنگین و با تمام قوا به مراکز شورشیان حمله کرد. رسانه های وابسته به دولت مدام خبر هایی مبنی بر شکست مخالفان اعلام می کنند و معترضان مسلح پیام می دهند که یک قدم هم عقب ننشسته اند. نیروهای دولتی می گویند که مخالفان را در صلاح الدین شکست داده اند اما فعالان مخالف این اخبار را رد می کنند.

بیمارستان‌ها و کلینیک‌های موقتی در محله‌های تحت تصرف مخالفان از زخمیان درگیری‌های یک هفته اخیر در حلب پر شده‌اند. پزشک یکی از این کلینیک‌ها به رویترز گفته است که روزانه ۳۰ تا ۴۰ زخمی به این مرکز درمانی منتقل می‌شوند و افزوده است: چند روز پیش نزدیک به ۳۰ زخمی و حدود ۲۰ جسد دریافت کردیم اما نیمی از این اجساد مثله شده بودند و قابل شناسایی نبودند.

بالاخره شورشی که از ۱۶ ماه پیش در نقاط مختلف سوریه آغاز شده بود به حلب رسید. بعضی از ساکنان از شورشیان استقبال می کنند و بعضی دیگر احتیاط در پیش می گیرند. در محله های فقر نشین حومه شهر از مردان شورشی همانند منجی استقبال می شود.

سازمان ملل نگران استفاده ارتش سوریه از سلاح های شیمیایی است و بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل از مقامات سوری خواسته است که در جنگ حلب، از کاربرد اسلحه سنگین، از جمله توپخانه و هلی کوپترهای توپدار علیه مناطق شهری خودداری کنند.

عربستان سعودی که از ابتدا طرفدار مخالفان سنی مذهب سوریه بود قطعنامه جدیدی در مورد سوریه تهیه کرده و آن را به سازمان ملل متحد ارائه داده است. قطعنامه ای که در آن، ضمن تاکید بر لزوم توقف فوری خشونت در سوریه و اجرای کامل طرح کوفی عنان، از جامعه بین المللی خواسته شده که زرادخانه تسلیحات شیمیایی سوریه را تحت تدابیر امنیتی خاص قرار دهد.

ترکیه همسایه شمالی سوریه نیز از ابتدای اعتراضات از معترضان حمایت کرده است، حلب فاصله چندانی با مرزهای سوریه ندارد. وزیر خارجه ترکیه، این اتفاقات را به اتفاقات سال ۱۹۸۸ در عراق تشبیه کرده که نیروهای صدام حسین، رئیس جمهوری سابق عراق، با توسل به اسلحه شیمیایی، حدود پنج هزار نفر از کردهای آن کشور را در حلبچه به قتل رساندند بی آنکه ترکیه بتواند برای جلوگیری از چنین فاجعه ای اقدامی به عمل آورد.

در مقابل جمهوری اسلامی ایران به ترکیه هشدار داد در صورت هرگونه حمله به سوریه، پاسخی تند و شدید دریافت خواهد کرد.

این غمگین ترین ماه رمضان سوریه است، در تمام شهر صدای توپ و خمپاره به گوش می رسد و تقریبا همه مردم با کمبود مواد غذایی مواجه اند. در پایتخت اقتصادی سوریه که نبض اقتصاد این کشور به شمار می رود نان جیره بندی شده و صف های طولانی برای دریافت نان روزانه تشکیل می شود.

جمعه، مردی چهل ساله که کارگر ساختمانی است به خبرنگار رویترز می گوید که دیدن شورشیان در حلب باعث شد بالاخره من سقوط رژیم را باور کنم.

اما همسایه اش عمرو با عصبانیت سری تکان می دهد و می گوید: این مردان فقط هرج و مرج را به اینجا آورده اند.

جمعه و چند مرد دیگر با اعتراض می گویند: اما آنها می جنگند تا ما را از ظلم و ستم آزاد کنند.

عمرو در حالی که می لرزد، می گوید: من و خانواده ام بین دو طرف گیر کرده ایم، من فقط می خواهم زندگی کنم.

هر جا که کامیون های شورشیان نگه می دارد جماعت زیادی برای تماشا جمع می شوند. در میان کسانی که تماشاگرند مردی آرام می گوید: اینجا هرکس قدرت داشته باشد مردم او را قبول می کنند اما من با کسی نیستم، من طرف حقیقتم که تنها خداست.

نگاهی به اظهارات اخیر رهبری

واقعیت‌ها و واقعیت سازی‌ها

رهبر انقلاب در دیدار مسؤلان نظام به بررسی شرایط کشور، تحریم‌های بین المللی و راهبرد مقابله با آن پرداختند. نفس این که پس از سال‌ها تکرار و تأکید بر بی تأثیر بودن ورق‌پاره بودن قطعنامه‌ها و تحریم‌ها امروز پذیرفته‌اند که «فشارها و تهدیدها» جدی است و «کشور با زورآزمائی چند قدرت و دولت مستکبر روبه‌رو است» و برای مقابله با این تهدیدها و فشارها باید به «اقتصاد مقاومتی» روی بیاوریم خود پیشرفتی قابل توجه در فهم واقعیت تلقی می‌شود که در صورت تداوم می‌توان انتظار داشت که به تجدیدنظر کامل ایشان در نحوه اداره کشور بینجامد.

رهبری در این سخنرانی که هدف از آن آشکارا دادن روحیه و اعتماد به نفس به کارگزاران نظام در رویارویی با بحران بی‌سابقه کنونی بود، به آنان اطمینان دادند سیاست‌ها و مواضع کشور طی سالهای اخیر به دور از شعار زدگی و کاملاً با توجه به «واقعیت‌ها» تنظیم و اجرا شده و «واقعیت» و «آرمان» دو مؤلفه اصلی تشکیل دهنده مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است در عین حال تأکید می‌کنند در تشخیص واقعیات نباید فریب «واقعیت‌سازی»ها و «واقعیت‌نمایی»های «دشمن» را خورد و آن‌چه را که دشمن به دروغ تبلیغ می‌کند واقعیت پنداشت.

براساس آنچه رهبری ترسیم کرد و آن را «واقعیت» و غیر آن را «واقعیت سازی» دانست، در رویارویی امروز ایران با آمریکا و اروپا یک طرف ایران قدرتمند، برخوردار از پیشرفت‌های محیرالعقول علمی و فنی و دارای منابع و ثروت‌های بی‌نظیر در جهان، نیروی نظامی قدرتمند که آمریکا و غرب را مرعوب کرده، قرار دارد .

سؤال این است اگر موازنه قوای میان ایران و آمریکا و اروپا تا این حد به سود ایران است، چرا تحریم‌های سخت جاری ، کاهش پنجاه درصدی فروش نفت، کاهش ظرفیت تولید کارخانجات پتروشیمی تا حد ۴۰ درصد ظرفیت و تعطیلی پی‌درپی کارخانجات و در نتیجه افزایش قیمت ارز و تورم و بیکاری و ... را تحمل می‌کنیم و یک بار برای همیشه آمریکا و اروپا را سرجای خودشان نمی‌نشانیم و با اتکا به پیشرفت‌های شگرف علمی و قدرت تکنولوژیک و نظامی خود ناوهای آمریکا را در خلیج فارس دود نمی‌کنیم نمی‌فرستیم هوا و این بحران را ریشه ای و بنیادین حل نمی‌کنیم؟

از دو حال خارج نیست یا تصویری که از واقعیات موجود داده اند خلاف واقع است و «واقعیت سازی» و «واقع‌نمایی» کرده‌اند و یا اینکه تقوی و مردانگی ما را از این کار منع می‌کند.

انصافاً خیلی تقوی و جوانمردی می‌خواهد آدم این همه قدرت داشته باشد و به تعبیر رهبری در همین سخنرانی موقعیتش در برابر حریف موقعیت «بدر و خیبر» باشد باز هم به حریف زبون و در حال فروپاشی خود اجازه این همه گستاخی و زبان درازی بدهد که با هر موضع‌گیریش کسر مهمی از ارزش پول ملی کاسته شود و حقشان را کف دستش نگذارد.

ناپسندتر از خلاف گویی، آنکه به مصداق آیه «اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم» به دیگران متذکر شویم که «هر کلمه‌ی حرف ما حسابی دارد و محاسبه‌ای پای آن هست» اما خود دیگران را بی‌حساب آماج تهمت و افترا قرار دهیم و باز بدتر و مذموم تر آن است که این اتهامات و خلاف واقع‌ها را علیه کسانی برزبان برانیم که یا در گوشه زندانند و یا دهانشان را بسته و امکان دفاع را از آنان سلب کرده‌ایم.

اکنون این معتقدان به ولایت فقیه هستند که باید گفته امام خمینی را به خاطر آورند «اگر ولی فقیه یک گناه کند از ولایت ساقط و برکنار می شود.»

در این سخنرانی، سخن صحیح نیز وجود دارد:«مردم مایلند عزت ملی داشته باشند، مردم مایلند زندگی ایمانمدار و دینمدار داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند. میخواهد عزت ملی داشته باشد، میخواهد استقلال داشته باشد، میخواهد پیشرفت داشته باشد، میخواهد آبروی بین‌المللی داشته باشد؛ اینها خواسته‌هائی است که مردم دارند؛ اینها در جهت آرمانهاست؛ و این خواستن، جزو واقعیتهای قطعی جامعه است.»

آری همه اینها جزو واقعیات قطعی جامعه ماست اما سؤال اینکه در دوره رهبری ایشان کدامیک از این آرمانها جامه عمل پوشیده است؟ آیا سرکوب و حبس و شکنجه مخالفان و منتقدان در زندان‌ها و فجایعی مانند کهریزک و بستن احزاب و توقیف مطبوعات و تبدیل کردن ایران به بزرگترین زندان روزنامه نگاران نشانه «سهیم شدن مردم در مدیریت کشور» است و یا فسادهای مالی بی‌سابقه در تاریخ کشور و بلکه در جهان معاصر،فقر و بیکاری و تورم و گرانی نشانه «یک جامعه‌ی زنده و مؤمن» و یا چوب حراج زدن به نفت‌های سرگردان روی دریا، پرکردن بازار کشور از اجناس چینی و ایفای نقش کارگزاری روسیه و چین در منطقه از جمله سوریه نشانه «استقلال اقتصادی و سیاسی»؟

اعتصاب غذای قدیانی در اعتراض به ضرب و شتم در زندان

ابوالفضل قدیانی عضو ارشد و دربند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که با ضرب و شتم ماموران زندان اوین و با پای برهنه با غل و زنجیر به بیمارستان پارس تهران منتقل شده بود در اعتراض به این رفتار غیرانسانی دست به اعتصاب غذا زد.

او گفته این اقدامات نشانه زوال و سقوط قدرت مادی و اخلاقی شخص رهبری است که پاسخ منتقدان و انتخابات به خود را با ضرب و شتم می دهد. دستور ضرب و شتم توسط علی اشرف رشیدی، رئیس سابق زندان دیزل آباد کرمانشاه و رئیس جدید زندان اوین صادر و توسط سروان رفیعی فرمانده یگان انتظامات زندان اوین و پاسیار محمد عطاری و با همراهی ۱۴ پاسیار مامور انتقال، به اجرا درآمد و پس از آن، این زندانی سیاسی که از رفتن با غل و زنجیر به بیمارستان امتناع کرده بود، با پای برهنه و لباس های آشفته به بیمارستان منتقل شد. ابوالفضل قدیانی به هنگام ضرب و شتم، در طول مسیر و در بیمارستان پارس تهران با صدای بلند و فریاد، اعلام کرده مسبب تمام فجایع و جنایت های صورت گرفته رهبری است و این تصمیم ها با اطلاع او و برای شکستن اراده و مقاومت آنها صورت می گیرد. قدیانی در بیمارستان اعلام کرده است ستم و آزار مزدوران را تحمل خواهد کرد تا با چشم خود سقوط و ذلت دیکتاتوری را ببینند. برای قدیانی که پس از گذشت یکسال حبس تعزیری اکنون ۸ ماه است به صورت غیرقانونی در زندان نگهداری می شود به علت اعتراض های مکرر به اقدامات غیرقانونی آیت الله خامنه ای تاکنون چند پرونده مفتوح شده و ۵ سال حبس غیرقطعی نیز صادر شده که هنوز به وی یا وکیل او ابلاغ نشده است.

زندانیان سیاسی

*نرگس محمدی، فعال حقوق بشر با قرار وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی آزاد شد تا روند درمان خود را پیگیری کند.
*احمد قابل نویسنده منتقد حکومت پس از ترخیص از بیمارستان، در پی تشنج شدید بار دیگر به بیمارستان منتقل شد.
*قرار بازداشت موقت کسری نوری از دراویش گنابادی برای سومین بار تمدید شد.
*بهاره هدایت از زندان اوین و مهدی محمودیان و احمد زیدآبادی روزنامه نگار از زندان رجایی شهر به مرخصی آمدند.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۲۰۰ شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: سبز بودن ما به این معنا نیست که می خواهیم همه را به رنگ خود در آوریم و یک رنگ کنیم. سبز بودن، زیستن در کنار یکدیگر با درک تفاوت‌ها و اختلاف آرا و نظرات و سلایق یکدیگر است. آگاهی‌بخشی در عین مسالمت، موثرترین سلاح علیه خشونت و تفرقه و جهل است.

دویستمین شماره روزنامه تک برگی کلمه

بودن و سبز ماندن

سرمقاله

میرحسین موسوی وقتی بعد از دو دهه بازگشت، یک شعار محوری داشت: "هر شهروند یک ستاد". شعاری کلیدی و عملی. اینگونه هر کس شد به تنهایی یک ستاد. آنان که ادبیات موسوی را متعلق به دهه شصت می دانستند و آن را جذاب و خواستنی برای متولدین شصتی نمی دانستند، کمتر از صد روز دیدند که همه ی ایران شده ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی. دهه شصتی هایی که رفته بودند به خلوت و انزوا، دست در دست متولدین شصت، هر کس شده بود برای خودش یک رسانه. و اینگونه شد که ایران چه زود سبز سبز شد. چون دیگر کسی منتظر رسانه دولتی و غیردولتی نبود. موبایل و دوربین، زبان و کلام، همه شده بودند ابزار این ستادهای پراکنده. شعارهایی یکسان با خواسته هایی مشترک. پرسش گری آغاز شده بود. هر کس می خواست آگاهی بخشی کند. تک تک این ستادها شده بود رسانه که اکسیر آگاهی را گستراند به گستره ایران زمین و دامنه اش رفت و ایرانیان خارج از کشور را هم در برگرفت و همه شدند " کلکم راع و کلکم مسئول". وقتی خیابان ها پر شد از یک سوال بی پاسخ "رای من کجاست؟" وقتی همه صاحبان قدرت به کار گرفتند هر چه در توان داشتند. وقتی شهرهایمان پر شد از دود و آتش. باز هم هر شهروند به میدان آمده بود. این بار هم از حق شهروندی و رای خود می پرسید و هم شده بود رسانه. دوربین های کوچک و موبایل هایی که به کار گرفته شد و واقعه نگاری کرد. عکس ها و فیلم هایی که در کوتاه مدت بر آنتن های همه آن رسانه هایی می نشست که سالها حرفه ای پروری کرده بودند. هر رسانه سبز شده بود منبع موثق ترین خبرها. و اینگونه بود که سبزها جهانی شدند و در صدر خبرهای جهان نشستند. بعدها هم که سرکوب اوج گرفت و زندان ها پر شد از همه آن رسانه ها، باز هم زندان و حبس شد مرکز آگاهی بخشی و خبررسانی. کسانی که در حبس شدند، اینک خود شده بودند کانون امید و آگاهی بخشی و نامه ها و بیانیه هایشان شد "چشم اسفندیار خودکامگان". در این میانه ی آتش که حکومت سخت گرفته بود بر اهل قلم و اندیشه. آنگاه که "کلمه" شده بود ابزار "فتنه" و "براندازی". آنگاه که حتی یک "قلم سبز" را کسی برنتافت، باز "کلمه" بود که می خواست بار به زمین مانده ی یاران را بر قامت قلم بنشاند و عطر آگاهی را پخش کند به همه ی ایران زمین که سبز شده بود و جوانه زده بود بر سر هر برزن. با این شعار که "بنی الاسلام علی الکلمتین، کلمه التوحید و توحید الکلمه" به میدان آمده بود و بر این امید بوده و هست که اساس دین بر توحید کلمه است و بس. و با این آرمان سه سال است همه وقت مهمان سبزهاست. بذر آگاهی می افشاند و عطر دانایی می پراکند. هر روز که می شود وقتی آن تک برگ روزنامه ای که امید دارد روزی بر دکه ها خود را عرضه کند، در مدرسه و کارخانه، در بازار و اتوبوس دست به دست می شود تا باز نشان دهد آنچه میرحسین گفته بود در زندگی سبزها در جریان است و مردم "سبز بودن" را زندگی می کنند. وقتی هر برگه ی این روزنامه در چاپگرهای خانگی منتشر می شود و هر شهروند می شود یک انتشارات. وقتی این تک برگ رسانه ای دست به دست می چرخد تا برسد به دست آن که محروم است از نت و رایانه، هر شهروند می شود یک توزیع کننده. وقتی هر شهروند اتاقش می شود تحریریه و لپ تاپش می شود ابزار کار، آن گاه است که هر شهروند می شود یک خبرنگار و نبی، پیام بر! و کلمه است که می شود یک رسانه برای هر شهروند. رسانه ای متعلق به آنان و برای آنان. امروز بیش از سه سال است که کلمه مهمان ماست. هر روز به خانه هایمان می آید تا نشان دهد امید هویت ماست و ما "سبز" را زندگی می کنیم؛ هر روز در لابه لای سطور یک روزنامه تک برگی. و این روزنامه می شود نشانی از بودن ما و نمادی از مداومت و جاری بودن ما.

امروز هر شهروند یک رسانه و یک "نبی" است. بیاییم باور "سبز" مان را از طریق آگاهی رسانی به همه ریشه ها ی زیر خاک برسانیم.

سنگرسازان بی سنگر. این نامی بود که جهادگران سازندگی در دوران دفاع مقدس بر خود گذاشته بودند. آنها که با لودر برای دیگران سنگر می ساختند و خودشان سنگری نداشتند. حالا به همین سیاق، روزنامه تک برگی کلمه را هم باید روزنامه بی روزنامه ها نامید: صدای مردمی که کسی صدای آنها را نمی شنود، چه رسد به اینکه صدایشان را پخش کنند.

روزنامه تک برگی کلمه به شماره ۲۰۰ رسید و کلمه این توفیق را جشن می گیرد. در روزگار دشوار مطبوعات امروز و مسیر سنگلاخ وار رسانه های فعلی ایران که توقیف و تعطیلی، به یک رسم و عادت همیشگی تبدیل شده، رسیدن به شماره ۲۰۰ از اتفاقاتی است که واقعا جشن گرفتن دارد. کم نبودند مطبوعات اصلاح طلبی که در دوره اصلاحات و پس از آن به تیغ توقیف گرفتار شدند و به شماره ۲۰۰ و حتی در مواردی به شماره ۱۰۰ هم نرسیدند، یا آنکه به دلایل مختلف اقتصادی، مدیریتی و ... نتوانستند به کار خود ادامه دهند و توقیف نشده متوقف شدند. اما این افتخار برای روزنامه تک برگی کلمه باقی مانده که هر طور شده و با هر سختی که دست اندرکارانش به جان خریده اند، هرچند در این بین بی نظمی هایی هم داشته، اما مانده و ادامه داده و کار را متوقف نکرده است.

راه آگاهی بخشی که کلمه همواره در بستر آن حرکت کرده، داستان امروز و دیروز نیست و از وقتی که اعتراض به نتایج انتخابات با تلاش برای دنیای بهتر و زیستنی دیگر همراه شد، برقرار بوده و تا وقتی اهداف بلند راه سبز به طور کامل محقق نشده باشد، ادامه خواهد داشت. آگاهی بخشی یک راهبرد همیشگی است که چشم انداز رهایی از دیو استبداد را در برابر انظار مردم سبزاندیش و حق طلب ایران قرار می دهد. سال قبل که سال «آگاهی تا رهایی» نام گرفت، همین راهبرد و چشم انداز مدنظر بود و همچنان هست: در واقع از روزی که شعار رسانه بودن هر شهروند ایرانی در جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری مطرح شد، نیاز به آگاهی در آن نهفته بود و پس از انتخابات هم که امپراتوری دروغ و خودکامگی برای محکم کردن جای پای خود در ایران عزیز، تمام عزم خود را به کار بست، آگاهی به عنوان تنها راه رهایی بخش در برابر مردمی که می خواستند با دست خالی، کاخ فریب را برافکنند، رخ نمود. از همین رو بود که شعار «آگاهی، چشم اسفندیار خودکامگان» در دستور کار فعالان جنبش سبز قرار گرفت. به این معنا، آگاهی بخشی هنوز هم مهمترین امکان باقی مانده در اختیار مردمی است که قصد ندارند تسلیم صحنه آرایی خطرناکی شوند که در پیش روی آنها، همراه سبز آنها، تسلیمش نشد. روزنامه کلمه، این روزنامه شهروندان بی روزنامه و رسانه ی افراد محروم از رسانه، با چنین ایده و انگیزه ای، به رغم همه مشکلات ناگفتنی، به فعالیت خود ادامه می دهد. تنها چیزی که در این میان ما را به ادامه مسیر امیدوار و بلکه موظف می سازد، همراهی و همکاری بزرگوارانی است که بی تعلق و بی چشمداشت، به چاپ و توزیع این روزنامه می پردازند و آن را تا عمق جامعه، تا اقشار دور از اینترنت و تا نقاط دور از شبکه های مستقل توزیع آگاهی ها می رسانند. روزنامه تک برگی کلمه به شماره ۲۰۰ رسیده و به این راه دشوار ادامه خواهد داد تا روزی که در شرایطی آزادانه امکان فعالیت در عرصه عمومی را به طور گسترده تری بیابد. تا آن روز هم رهروان راه سبز امید نخواهند گذاشت جامعه با تک صدایی خو بگیرد و خودکامگی و خودرأیی، زین استبداد خود را بر اسب جهل و ناآگاهی مردمان بگذارد. دست اندرکاران این روزنامه را از نقدها، نظرات و ایده های اجرایی خود محروم نگذاریم و با همفکری و به اشتراک گذاشتن نظرات خود بگوییم چه کنیم تا دایره نشر اخبار و بسط آگاهی ها هرچه بیشتر گسترده شود و کسی به خاطر حجم خبرپراکنی های امپراتوری دروغ، از واقعیت ها بی خبر نماند. همچنین می توان با عکس گرفتن از توزیع روزنامه و ارسال آن به کلمه برای انتشار، دیگران را هم به انجام این کار ترغیب کرد. نظرات خود را با ما در سایت کلمه و یا از طریق ایمیل info@kaleme.com در میان بگذارید.

خودتان را به نفهمی نزنید، موسوی و کروبی منتقدند نه دشمن

تاکید دوباره آیت‌الله دستغیب بر پایان حصرها و حبس‌ها

آیت الله سید علی محمد دستغیب در سخنانی آزادی رهبران جنبش سبز و زندانیان سیاسی را مورد تاکید قرار داد. وی تصریح کرد: در حال حاضر نمی‌توان گفت کسانی که در حصر و زندان هستند، منافقند. بسیاری از آنها، از جمله آقایان موسوی و کروبی و بعضی دیگر، به اسلام اعتقاد دارند و هرگز با آمریکا سر و سرّی ندارند و دشمن جمهوری اسلامی نیستند. اگر کسی بخواهد این برچسب‌ها را به آنان بزند، خودش را به نافهمی زده است و قصد اذیت کردن آنان را دارد.

وی افزود: آری، آنان انتقاداتی از حاکمیت دارند و معتقدند باید به طور کامل به قانون اساسی عمل شود؛ چرا که می‌دانند چاره مشکلات کشور، در عمل به قانون است مسوولین نیز بهتر است آنان را از بند رها کنند تا مردم هم شاد شوند.

زندانیان سیاسی

*ابوالفضل قدیانی که از روز دوشنبه دست به اعتصاب غذا زده بود به بیمارستان طالقانی اعزام شد.
*مهدی فخرزاده از فعالان سابق جنبش دانشجویی روز شنبه در منزل مسکونی اش بازداشت شد.
*فرهاد اکبری فضلی و فردید اکبری فضلی دو زندانی سیاسی به زندان بهبهان منتقل شدند.
*اسماعیل صحابه فعال زندانی که با دستبند به بیمارستان منتقل شد بدون معاینه به زندان بازگردانده شد.
*سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با نگرانی از وضعیت قدیانی مسئولیت هر اتفاق را متوجه رهبری دانست.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۲۰۰ شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۱ ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: لازم است جنبش سبز را با زندگی روزمره افراد عجین کنیم؛ هم زندگی کنیم و هم دنبال تحقق این خواسته های سبز باشیم. گسترش بذر آگاهی، امکان دوام تک صدایی را در کشور از بین خواهد برد و امکان نقش داشتن همه ملت در سرنوشت این کشور را ایجاد می کند.

میرحسین موسوی از راهبرد آگاهی بخشی می گوید

آگاهی؛ چشم اسفندیار خودکامگان و اقتدارگرایان

زمینه هر تغییر اساسی در جهت اصلاح گری، گسترش آگاهی است. بدون آگاهی گسترده در سطح جامعه، امکان تغییر وجود ندارد. افشاندن بذر آگاهی و گسترش آن به همه اقشار و همه نقاط کشور... مهم آن است که در چهارچوب «هر شهروند، یک رسانه»، هر علاقه مند به جنبش سبز، راهی برای گسترش این آگاهی و تعمیق آن در میان همه اقشار و به ویژه در اقشار مستضعف جامعه پیدا کند. گسترش آگاهی ها، استراتژی اصلی جنبش است.

این بخشی از سخنان میرحسین موسوی است، بعد از آنکه موج بیداری همه ایران را فرا گرفته بود و حکومت به خیال خود با سرکوب خشن و بی رحمانه صداها را خاموش کرده بود. همانگونه که موسوی تاکید کرده است، گسترش شبکه گسترده اجتماعی و بسط آگاهی راهکار پیش روی مردم برای هرگونه تغییر و حرکت به جلوست. همان چیزی که حاکمان و مستبدان از آن وحشت دارند.

موسوی در مقابل گفتمان حاکمان که همه چیز را با عینک توطئه و براندازی و جنگ می نگرند و همواره از سلاح و ارتش و تجهیزات سخن می گویند، بر مساله گسترش آگاهی تاکید می کند و می خواهد که سبزها هم با "ارتش" خود به میدان بیایند. ارتشی که هر شهروند یک سرباز آن است و سلاح این ارتش، اطلاعات و آگاهی است.

نخست وزیر دفاع مقدس بر این باور است که این فیلمها، این عکس ها،این کلیپ ها، این فیلمهایی که توسط دوربین های موبایل گرفته می شود، این سایتها و پوسترها باید گسترش پیدا کند. این ها بهترین وسیله ست که در اختیار سبزها قرار گرفته است. او می گوید که اینها مثل یک ارتش عمل می کند. تعبیر زیبای موسوی موید این نکته است که وقتی که نیروی نظامی در برابر ما قرار می دهند در واقع این سپاه ماست که می تواند پیام جنبش را به همه مردم برساند.

وی که همواره بر حضور گسترده مردم از همه اقشار و گروه ها تاکید دارد در خصوص آگاهی بخشی نیز بار دیگر به این مساله می پردازد که این لشکر فقط مخاطبانشان را روشنفکران در نظر نگیرند، بلکه معلمان، کارگران، کشاورزان و همه قشرهای مردم را مخاطب آگاهی قرار بدهند. موسوی معتقد است که در چنین حالتی احساس تنگنا نخواهیم کرد بلکه خود این تنگناها باعث می شوند که بتوانیم فرصت های جدیدی را کشف کنیم.

میرحسین موسوی سالها پیش از آنکه راهبر جنبش سبز شود، در سالهایی که نظام اجتماعی به واسطه نابسامانی های سیاسی و اقتصادی به ناهنجاری های اجتماعی مبتلا شده بود، نیز از جامعه ای سخن می گوید که "فسق" آن را به "بلا" مبتلا می کند. جامعه ای که رهبانان و روحانیان لباس قدرت می پوشند و قلب واقعیت می کنند. در باور این نخست وزیر محبوب امام، در جامعه‌ای که هنوز آگاهی پراکنده نشده، افراد دارای تضاد بالقوه هستند و ارتباط ارگانیکی بین آنها وجود ندارد و تنها در زمانی این تضاد به فعلیت می رسد که مردم به آگاهی برسند.

میرحسین موسوی در جریان جنبش سبز هم، در زمانی که جامعه دلسرد از سرکوب های خیابانی و برخوردهای امنیتی به لاک انزوا و سکوت می رفت، با تاکید بر خرد جمعی و لزوم گسترش آگاهی در جامعه، آن را "چشم اسفندیار خودکامگان" می داند و گسترش آگاهی را استراتژی و تاکتیک همزمان راهیان جنبش ذکر می کند. استراتژی اصلی باید همان آگاهی بخشی و راهکار اصلی همان هر شهروند یک رسانه باشد. نخست وزیر هشت سال جنگ می داند که "آگاهی" همان چیزی است که اقتدارگرایان از آن می ترسند. مثل اسفندیار رویین تن که تنها از نقطه چشمانش آسیب پذیر است، و از همان نقطه رستم به او حمله می کند، این تنها نقطه ای است که استبداد و کسانی که دنبالش هستند، از آن آسیب پذیرند.

در واقع اهمیتی که میرحسین موسوی به آگاهی می دهد، برای تبیین کردن ناهنجاری های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که در قالبی مشروع ولی با محتوایی واژگونه در جامعه حاکم شده است. او می خواهد با آگاهی رساندن به مردم، شک و تردید و دودلی کنار گذاشته و سره از ناسره بازشناخته شود. وی باور دارد "آگاهی" خواهد توانست "تغییرات بنیادی" در جامعه ایجاد کند. از منظر این سیاستمدار دیندار، نقش هر شهروند پراکندن آگاهی و دعوت انسان‌ها برای در پیش گرفتن موضعی مناسب در برابر شرایط بحرانی است. تاکید میرحسین موسوی به گسترش آگاهی در جامعه برای به فعلیت رساندن تضادهای موجود بین فاسقان و صالحان به شرایط و امکانات جامعه و زمانه بستگی دارد. بر اساس این باور، او می داند که همین کارهای به ظاهر ساده ای مثل "تکثیر روزنامه ها و نامه ها و بیانیه ها، تکثیر سی دی از عکس ها و فیلم های وقایع پس از انتخابات" می تواند آگاهی بخش باشد و مردم را به هم پیوند بیشتری دهد. میرحسین بر این باور است که "لشگر پرشمار آگاهی بخشی و اطلاع رسانی" از دل وسایل ساده ای که عصر اطلاعات در اختیار آنها گذاشته، به دست می آید و موثرترین شیوه ها را با خلاقیت خود برای رساندن پیام حقیقت پیدا کرده و می کند.

در زمانه ای که همه امکانات رسانه ای و تریبون ها در اختیار حاکمیت است، وظیفه هر شهروند استفاده از امکانات موجود برای گستراندن بذر آگاهی در فضایی است که خفقان آن را فرا گرفته است. آگاهی بخشی تنها اکسیر حیات بخشی است که اقتدارگرایان و مستبدان از آن ترس دارند. انحصار رسانه ها برای تسخیر افکار عمومی از سوی حاکمان صورت می گیرد، غافل از آنکه در زمانه ای که هر شهروند می تواند با دسترسی به شبکه های اجتماعی پیام رسان باشد و تغییرات و حرکت های بزرگ در کشوری چون مصر با استفاده از شبکه های اجتماعی شکل می گیرد، سخن گفتن از انحصار آگاهی و به بند کشیدن اطلاعات توهم باطلی است که تنها کسانی از آن خشنودند که چشم بر تغییرات جهانی بسته اند و در پیله خود تنیده فرو رفته اند و همه دنیا را از دریچه تنگ نظرانه خود می بینند.

رسانه قابل اطمینان

حسین زمان

امروز اساسی ترین نیاز جامعه ما آگاهی است و آگاهی. در فضای متشنجی که دوستانمان یا محکوم به سکوت اند و یا بین ما و ایشان جدایی انداخته اند، اندیشمندان و رجل سیاسی و اجتماعی مورد اعتمادمان به دلایل مختلف آزادی عمل ندارند و در مقابل، دشمنان به انواع ابزار مکر و حیله و نیرنگ مجهز شده اند، بایستی هوشیار بود و آگاهانه گام برداشت. نقش رسانه ها و مطبوعات در چنین شرایطی بسیار حیاتی است، ولی متاسفانه رسانه ها نیز در قبضه قدرت مداران قرار دارند و فرصت برای ابراز عقاید به طور عادلانه وجود ندارد.

در این آشفته بازار اطلاع رسانی و در این فضای آلوده ای که نمی توان به راحتی به حرفها و اقوال و اخبار اعتماد کرد، دسترسی به یک رسانه خبری قابل اطمینان که بر مبنای واقعیت های موجود و بدون جوسازی های متداول به اطلاع رسانی مشغول باشد، کار بسیار ساده ای نیست. سایت خبری کلمه به ویژه روزنامه تک برگی آن از جمله منابع خبری اینترنتی هستند که با کوشش و تلاش و جدیت بسیار بالا از ابتدای شکل گیری به اطلاع رسانی مشغول بوده اند و از نظر اینجانب، کلمه، قابل اطمینان ترین و صادق ترین سایت خبری است که در امر مقدس آگاهی بخشی فعال بوده است

به پاس سه سال همراهی

مریم شربتدار قدس *

در بحبوحهٔ اتفاقات تلخ خرداد ۸۸ و همزمان با دستگیری ها و فشارهای وارده بر عزیزان زندانی و خانواده هایشان، آنچه بیش از هر چیزی حس می شد، نیاز شدید ما آسیب دیدگان آن قضایا به رساندن فریاد تظلم خواهی و فجایعی بود که بتوانیم در مقابل وارونه نمایی ها و اکاذیب منتشره از سوی رسانه های معلوم الحال و دولتی، به افشای حقایق پرداخته و از بدیهی ترین حقوق از دست رفته مان، سخن گوییم. در آن زمان خانواده های بی پناه و ستمدیده، دروغ ها را می شنیدند و تریبونی برای دفاع نمی یافتند تا آنکه با وجود تنگناهای مختلف، رسانه هایی خودجوش شروع به شکل گیری کرد و در این میان "کلمه" نیز همراه و همگام با مردم مظلوم، سعی در رساندن اخبار صحیح و رویدادهایی داشت که در صورت مکتوم ماندن می توانست تبدیل به فاجعه ای عظیم تر شود.

زیبا بود لحظه هایی که روزنامه های تک برگی با لوگوی آشنای کلمه توجهم را در متروها، کیوسک های تلفن و یا در پیاده روها و نیمکت های عمومی جلب می کرد و دلگرمی از اینکه پشتوانه ای از بطن مردم در کنارمان در همین حوالی نه چندان دور نظاره مان می کنند.

نمی دانم دلسوزانی که با تلاش خود به این مهم مشغول اند، در کدام نقطه از خاک وسیع خدا و با چه امکاناتی، بدون هیچ گونه انتظار و چشمداشت، اینچنین گمنام، فریاد حلقوم های خاموش از بغض های فروخورده شدند و با چه مخاطراتی روبه‌رو هستند، اما آنچه یقین دارم این است که برایم مصداق همان حق طلبانی هستند که بنا بر آموزه های دینی ما، با شنیدن ناله ها و مشکلات مظلومان، خواب را بر خود حرام کرده و از لذات زندگی چشم پوشیده اند تا شاید آنان که هنوز امیدی به بازگشتشان است، با آگاهی از این اخبار به عدالت بازگردند. اکنون حدود سه سال از ولادتش می گذرد اما تاریخی مطول از همه رنج ها و دردهایی است که بر زندانیان بی گناه سیاسی و خانواده های بی پناهشان رفته است.

من به عنوان یکی از قربانیان حوادث پس از ۲۲ خرداد ۸۸، بودن و رشد هر روزه ی این رسانه سبز را تبریک گفته و برای دست اندرکاران دلسوزش آرزوی سلامتی و موفقیت دارم. به امید روزی که صلح و آشتی، سایهٔ زیبای خود را بر عرصهٔ گیتی افکنده و در هیچ جا شاهد به بند کشیدن اندیشه نبوده و زندان ها خالی از زندانی سیاسی باشد. و به امید روزی که در کنار یکدیگر در جوار میر سبزمان و بانوی همیشه همراهش، سالگردی دیگر از حضور بی دریغ تان را شادباش گوییم.

* همسر فیض الله عرب سرخی، زندانی سیاسی

پیشنهاد

شعبون بی مخ ها در مجلس

محمد نوری زاد سومین قسمت از فیلم کوتاه خود با عنوان «شعبون بی‌مخ‌ها» را در اینترنت منتشر کرد. این پنجمین فیلم کوتاه محمد نوریزاد است که در سایت کلمه قابل دسترس است.

خبر کوتاه

سایت بنیاد شهید بهشتی فیلتر شد

سایت بنیاد شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی به دلایلی نامعلوم و اعلام نشده به زیر تیغ فیلترینگ رفت.

فیلترینگ سایت تنها مورد از برخوردهای قهرآمیز حاکمیت فعلی با خانواده شهید بهشتی نیست و پیش از این هم بازداشت سید علیرضا حسینی بهشتی، جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت آن شهید توسط خانواده برای سه سال متوالی، ممانعت از عرضه کتابهای آن شهید انقلاب در نمایشگاه کتاب تهران و لغو همایش علمی بازخوانی اندیشه های شهید بهشتی از دیگر نمونه های برخورد میراث داران انقلاب اسلامی با بنیان گذاران آن است.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، سال سوم شماره ۲۰۰ شنبه ۱۴ مرداد ، شمارگان : ما بی شماریم

میرحسین موسوی: جنبش سبز موافق تکثر و مخالف انحصارطلبی است. دشمنی و کینه توزی با هیچ بخشی از جامعه، جایی در جنبش ندارد. تلاش برای گفت و گو و تعامل با رقبا و مخالفان در فضایی سالم و آگاهی بخشی درباره اهداف و اصول جنبش، وظیفه همه فعالان جنبش سبز است.

شبنامه‌ها علیه تاریکی و استبداد

علی مزروعی

رخداد جنبش مشروطه مهمترین نقطه عطف تاریخ کهن ایران است. در باره علل ایجابی، ابعاد و وجوه این جنبش و تاثیرگذاری آن بر جهت دهی تاریخ معاصر ایران تاکنون صدها مقاله و کتاب و تحلیل نوشته شده است با این همه گویا حدیث این جنبش نامکرر است و شعاع تاثیرگذاری آن همچنان ادامه دارد و در هر سالگرد پیروزی این جنبش می توان درسهای تازه ای را برای امروز گرفت. جنبش مشروطه که با شعار "تاسیس عدالتخانه" علیه ظلم و استبداد حاکم به راه افتاد، توانست توده مردم را به مفهوم واقعی وارد تاریخ کند و آنها را از وضع رعیت بودن به وضع شهروند شدن ارتقاء دهد و کشت تازه ای را در زمین استبدادزده ایران بکارد. این جنبش که در طی مسیر به جنبش "قانون خواهی" ارتقاء یافت و در پی پیروزی با تشکیل مجلس شورای ملی با تدوین و تصویب "قانون اساسی مشروطه" نام ایران را به عنوان پیشتاز نهضت قانون خواهی در آسیا و منطقه خاورمیانه به ثبت رساند، واژه و مفهوم "قانون" را که در تاریخ ۲۵۰۰ ساله استبدادی شاهنشاهی هیچ نشانی نداشت، در دل و ذهن ایرانیان جا انداخت؛ و نیز اینکه حیطه قدرت حاکمان مشروط است به رعایت قانون، و آنها باید در برابر وظائف و اختیاراتی که دارند پاسخگوی ملت و نمایندگان مردم باشند، و تامین و تضمین حقوق شهروندی از اصلی ترین وظائف حاکمیت است. اگرچه در عمل سیاسی و اجتماعی به دلیل فراهم نبودن بسترهای ذهنی و معرفتی و عینی لازم در ساختار حقیقی جامعه ما، قانون خواهی این نهضت نتوانست از دو سوی حاکمیت و مردم از عمق جان پذیرفته و اجرایی شود و به همین دلیل در مقاطعی شاهد بازگشت دوباره غول استبداد هستیم، اما همان شعاع اثر جنبش مشروطه باعث برپایی جنبشی تازه علیه استبداد حادث شده و تاریخ معاصر ایران را در پویایی به سوی استقلال، آزادی، عدالت، مردمسالاری و پیشرفت به پیش برده است، که آخرین آنها جنبش سبز ملت ایران است. برشماری علل برپایی جنبش مشروطه در وجوه عینی و ذهنی در حوصله این نوشتار نیست، اما بدون شک در نقشی که ادبیات نوشتاری در به راه اندازی این جنبش ایفا کرد، تردیدی نمی توان داشت، و در این میان از نقش مطبوعات، و به ویژه "شبنامه ها"ی تک برگی نمی توان گذشت. اگر مختصات جغرافیایی و تاریخی دوران شکل گیری نهضت مشروطه را به یاد آوریم، آنگاه به نقش تاثیرگذاری که این "شبنامه ها" در آگاهی بخشی و انگیزش توده مردم برای همراهی با جنبش داشتند، واقف می شویم، و با قاطعیت می توان گفت ادبیاتی که در این دوران برای محتوابخشی به جنبش از سوی مشروطه خواهان تولید شده است، از آنچنان غنا و پختگی ای برخوردار است که هنوز می تواند الهام بخش ما در پیشبرد جنبش سبز باشد. به نظرم زیبنده است به لحاظ نقشی که این "شبنامه ها" در آن برهه تاریخ ایران برجای گذاشتند، اینگونه توصیف شوند: «شبنامه ها علیه تاریکی و استبداد».

هرچند روزگار مختصات جغرافیایی و تاریخی زمانه ما به ویژه در عرصه اطلاع رسانی و رسانه ها شباهت چندانی با روزگار مشروطه ندارد و امروز وسائل آگاهی بخشی تنوع گسترده ای یافته است اما همچنان استفاده از گونه "شبنامه ها" ی دوران مشروطه در جامعه استبدادزده ایران می تواند کارساز باشد، و این همان کاری است که پایگاه اطلاع رسانی «کلمه» می کند.

این پایگاه اینترنتی از اواسط دوره فعالیت خود و تا امروز، که اتفاقا در سالگرد جنبش مشروطیت هم قرار داریم، تلاش کرده است در عین استفاده از این ابزار مدرن، امکان انتشار یک "روزنامه نگار برگی" را هم فراهم آورد تا همراهان جنبش به راحتی بتوانند جریان آگاهی بخشی را به اعماق جامعه و به درون خانه ها برند. با تبریک به پایداری همکاران «کلمه» که به رغم همه سختی ها و کمبودها توانسته اند این جریان آگاهی بخشی را تداوم بخشند و با آرزوی اینکه همچنان محکم و استوار به کار خود ادامه دهند، باید گفت خطی که جنبش مشروطه را به جنبش سبز وصل می کند خط آگاهی و «کلمه» است، خطی که همچنان رهایی ایران از دام استبداد و ظلم و عقب ماندگی را تا رسیدن به هدف دنبال می کند.

آرزوهای من برای کلمه

محمد نوری زاد

برای سایت کلمه، انقلابی آرزومندم از جنس مخمل.
که نرمی اش ذاتیِ او باشد. تا فراتر از همه ی هیاهوها، فرش زیر پای مردم ایران باشد.
و به جای فرا رفتن از دیوار دروغ و فریب – که بدیهیِ رسانه های حکومتی است – از شاخه ی فهم بیاویزد.در این سه سال پرمخاطره ایَ که گذشت، کلمه، در حد خود نقش قابلی در تغییر آب و هوای رسانه ای کشورمان ایفا کرد.
که یعنی می توان به افق های متفاوت نگریست و لباسی از صداقت به تن کرد.
و برای همگان دل سوزاند. و پرهیزی از افشای مرام زشتخویان نداشت. و نیز قلم را به ناسزا نیالود.
من شاید بیش از همه ی خصلت های رایج کلمه، به همین ادب ورزی اش متمایلم. جوری که مثلاً کلمه و کیهان را دو جغرافیای متنافر در یک سرزمین واحد می بینم.
مخاطب معرکه ای که کیهان به آن متمایل است و به حاجت های آن تن سپرده، به سفره ای از فریب و خیانت و اشمئزاز و تاریکی آلوده است، و آسمانی که کلمه سر در آن فروبرده، لاجرم به درستی و روشنایی منتهی است.
کلمه البته می توانست و می تواند "فراخ نگر" تر باشد. معتقدم پایبندی به اصولی که ما را به جامعه ای محدود متمرکز کند، پایبندی به نیمه ی یک استعداد عمیق و گسترده است و:
رویگردانی از نیمه ی دیگر. من روزی را برای کلمه آرزو می کنم که به روی همگان مردم ایران آغوش بگشاید.
و خود را از حصار محدود "دوران طلایی" آن هم در گذشته ای که هزار اما و اگر با اوست، برهاند.

دانستن باطل‌السحر خفقان است

فخرالسادات محتشمی‌پور

شاید در این سال ها بیش از هر زمان دیگری معنای سوگند خدای باری تعالی به قلم و آن چه می نگارد، برایم قابل فهم شده است، و اهمیتی که خالق هستی برای دانش و آگاهی بشریت قائل است. چرا که علم و آگاهی رمز «به زیستی» و «به روزی» است! در جامعه ای که جهل و نادانی نباشد، امکان استبداد و زورگویی حاکمان کمتر می شود و به عبارت دیگر دانستن باطل السحر خفقان است! و این جا، در سرزمین من سه سال پیش درست در زمانی که دجّال تزویر به کمک زور و زر شتافته بود تا حقایق را واژگونه کند و در میانه بهت و سکوت و خفقان پس از کودتا به موج سواری قدرتمداران مدد رساند؛ موج سواری بر جهل مرکبی که می توانست پرده پوش حقیقت باشد، «کلمه» با یاوری مردمانی از جنس خلوص و روشنایی به حول و قوه الهی و با عزمی آهنین پای در زمینی ناهموار گذاشت تا بار دیگر ثابت کند که «دانستن حق مردم است». سه سال تلاش برای روشنگری با همه سختی هایی که می دانیم برای دسترسی به اخبار صحیح و قابل استناد وجود دارد، تنها به معجزه ایمان و صبری ممکن است که یاران کلمه از آن برخوردارند. به گفته‌ی میرحسین، تک تک مردم باید یک رسانه باشند و برای تحقق این مهم نیاز به رسانه ای مردمی است که بتواند اطلاعات و اخبار دقیق را به آنان برساند؛ و چه رسالتی بالاتر از این آگاهی بخشی در جایی که کینه توزان علی رغم داشتن همه گونه امکان تبلیغی رسمی و غیررسمی با صرف بودجه های کلان از بیت المال، تحمل بودنش را ندارند و از هیچ اقدامی علیه حیات پررونقش دریغ نمی ورزند! بگذار دروغ پردازان هرچه می خواهند یاوه سرایی کنند. ما حقیقت را با همه سختی هایش از لابه‌لای کلمه به کلمه‌ی این رسانه‌ی مردمی جست‌وجو می کنیم. با سپاس از این که زبان مظلومانید.

روزنامه کلمه از نگاه شما

*تبریک میگویم. فقط شما را به خدا که ادامه دار باشد. من دانشجو هستم به سهم خودم در دانشگاه ، تاکسی ، اتوبوس و مترو توزیع می کنم.
*من لیست ایمیل حدودا ۲۰۰ نفری دارم و به ایمیل آنها ارسالم می کنم و در ایمیل قید میکنم حداقل به دو نفر از دوستان یا همسایه ها بدهید. بخصوص آنهائی که فقط کیهان میخوانند .
*خسته نباشید به همه مچ بندان سبز.پیشنهاد داشتم که اخبار افتضاحات دولت که رسانه های داخلی و خارجی سانسور می شود را از طریق اس ام اس پخش کنید.
*نادر : تبریک می گم ، این اقدام آگاهی بخش شما بی نظیر ، موثر و ماندگار است.خواهشا ویژه نامه شماره ۲۰۰ را به طور خاص منتشر کنید تا ما هم با تمام همت خود آن را به خانواده همکاران و همکلاسی هایمان برسانیم.
*آنقدرگفتن که آزادی،به مرگ ساده تن دادی...شاید ازجرم دیروزه،که به این روز افتادی...میرحسین جان دوستت داریم وتاابددوستت خواهیم داشت...
*لطفاً بخش کاریکاتور یا طرح های انتقادی را هم در خبرنامه بگنجانید یا از طرح های ارسالی حمایت کنید. این طرح های سیاه و سفید و مدادی بوده و پرینت آن هزینهٔ بالایی ندارد.
*به عنوان یه دختر سبز ایرانی بیشتر از هر چیزی نگران اسرای دربند هستم. همیشه در این فکر بودم که چطور میشود در این زمینه اطلاع رسانی بیشتری کرد. فکر کنم از این خبرنامه میشه بهترین استفاده را کرد.
*سبز باشید. من نیت کردم هر شماره رو ۵۰ تا کپی کنم
*سعی کنیم تیراژ به تعداد خانواده پرینت بگیریم و توزیع کنیم
*من سه بار روزنامه ی کلمه را در جنوب تهران و مسجدی پر از بسیجی چسباندم، اما کندند! امروز صبح من آن را نچسباند ه بودم ولی بود!!! سپاسگزار از مقاومتتان، مقاومتشان در هم شکسته فقط بزور سر نیزه، سرِ نیزه اند! و سرنیزه خوب می داند که سرش معتبر نیست، و بازهم کَمتر ثابت! می کشد و سر را نگون می کند! نگون سرا! سرِ نگون شده
* بیائیدمتعهد شویم مطالب کلمه را اگرنشد شفاهی به چند نفرمنتقل کنیم و از آنها هم همین تسلسل را بخواهیم.

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.